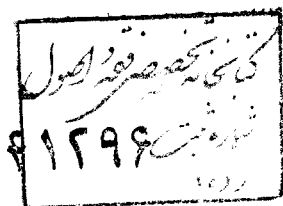


شبه‌سازی در دیدگاه‌های دینی و اندیشه‌های حقوقی



محدثه معینی‌فر

ویراستار علمی:

دکتر فائزه عظیم‌زاده اردبیلی

استادیار دانشگاه امام صادق (ع)

ویراستار ادبی:

دکتر اکرم جودی نعمتی



دانشگاه امام صادق
پرس خاوران

نشر میزان

سرشناسه: معینی فر، محدثه، ۱۳۶۴-
 عنوان و نام‌پدیدآور: شبیه‌سازی در دیدگاه‌های دینی و اندیشه‌های
 حقوقی / محدثه معینی فر؛ ویراستار علمی: فائزه عظیم‌زاده اردبیلی؛
 (برای) دانشگاه امام صادق، پردیس خاوران
 مشخصات نشر: تهران: نشر میزان، ۱۳۹۳
 مشخصات ظاهری: ۴۴۸ ص.
 فروست: علوم اجتماعی؛ ۷۵۵
 شابک: 978-964-511-554-6
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
 یادداشت: واژه‌نامه - کتابنامه.
 موضوع: هم‌سازی انسانی -- قوانین و مقررات
 موضوع: هم‌سازی -- جنبه‌های مذهبی
 موضوع: هم‌سازی انسانی (فقه) -- حقوق تطبیقی
 موضوع: هم‌سازی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
 شناسه افزوده: عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه، ۱۳۴۲- ویراستار
 شناسه افزوده: جودی نعمتی، اکرم، ۱۳۳۷- ویراستار
 شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع). واحد خاوران
 رده‌بندی کنگره: م ۳۶۱۱/۱۷۷ K
 رده‌بندی دیویی: ۳۴۴/۰۴
 شماره کتابشناسی ملی: ۳۳۷۶۹۸۶

هرگونه تکثیر (اعم از چاپ، کپی، فایل الکترونیکی و...) از این اثر بدون اخذ مجوز
 از ناشر خلاف قانون بوده و پیگرد قانونی دارد.
 لطفاً در صورت مشاهده، موارد را به شماره تلفن‌های ذیل اطلاع دهید.

۷۵۵

نشر میزان

شبیه‌سازی در دیدگاه‌های دینی و اندیشه‌های حقوقی

محدثه معینی فر

ویراستار علمی: دکتر فائزه عظیم‌زاده اردبیلی

ویراستار ادبی: دکتر اکرم جودی نعمتی

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۳

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

شمار: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۱-۵۵۴-۶

دفتر مرکزی: خ شهید بهشتی، بعد از چهارراه سهروردی، خ کاووسی فر، کوچه نکبسا، پلاک ۳۲، تلفن ۸۸۵۴۹۱۳۱
 فروشگاه مرکزی: خ انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، ابتدای خ فخرآزای، پلاک ۸۳، تلفن ۶۶۴۶۷۷۷۰
 واحد پیش و فروش: خیابان سیمین، بین گلچین و فرحنا، پلاک ۱۰۴، تلفن ۸۸۳۴۹۵۲۸-۳۱
 پست الکترونیکی: mizannasher@yahoo.com وب سایت: www.mizan-law.ir

میدان صنعت، بلوار فرحزادی، خیابان شهید طاهرخانی، دانشگاه امام صادق (ع)، پردیس خاوران

دفتر نشر متون علمی حوزه معاونت پژوهشی و فناوری، تلفن ۲۲۰۶۵۳۳۷

پست الکترونیکی: nashriat@isu.ac.ir وب سایت: www.isuw.ac.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ
الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ

«سورة حديد، آية ٢٥»

تقدیم به:

منادی سرود توحید در عالم، پیامبر اعظم (ص) و اهل بیت بزرگوارش (علیهم السلام)

منادی سرود وحدت علم و ایمان و پرچم‌دار انقلاب اسلامی و طلایه‌دار کاروان فضیلت امام خمینی (ره) و پاسدار آرمان و رهرو او حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

تمامی کسانی که در راه اعتلای فرهنگ اسلامی در کشور عزیز ایران از هیچ کوششی حتی نثار جان خود دریغ ننموده‌اند.

پدر و مادر عزیزم که همواره حمایت‌های بی‌دریغ خویش را به من ارزانی داشته و با رهنمودهای بی‌منت خویش، راه دشوار زندگی را بر من آسان نموده‌اند.

فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۱۱
پیش گفتار.....	۱۳

بخش نخست: آشنایی علمی و پزشکی با شبیه سازی

فصل نخست: آشنایی مختصر با شبیه سازی.....	۱۸
۱-۱. مفهوم شبیه سازی.....	۱۸
۲-۱. گونه های شبیه سازی.....	۲۱
۱-۲-۱. شبیه سازی تکثیری.....	۲۱
۱-۲-۱. شبیه سازی رویانی.....	۲۲
۲-۱-۲-۱. شبیه سازی DNA بالغ.....	۲۳
۲-۲-۱. شبیه سازی غیر تکثیری.....	۲۵
۳-۱. انواع تکنیک ها و روش های شبیه سازی.....	۲۵
۱-۳-۱. روش انتقال هسته سلول سوماتیک.....	۲۵
۲-۳-۱. تکنیک روزلین.....	۲۶
۳-۳-۱. تکنیک هونولولو.....	۲۷
۴-۱. پیشینه شبیه سازی.....	۲۹
۱-۴-۱. پیشینه شبیه سازی در گیاهان.....	۲۹
۲-۴-۱. پیشینه شبیه سازی در جانوران.....	۲۹
۳-۴-۱. پیشینه شبیه سازی در انسان.....	۳۲
فصل دوم: دستاوردها و عواقب نامطلوب شبیه سازی در علم پزشکی.....	۳۳
۱-۲. دستاوردهای شبیه سازی مولد در علم پزشکی.....	۳۳

۳۳	۱-۱-۲. دستاوردهای شبیه‌سازی مولد در انسان
۳۴	۲-۱-۲. دستاوردهای شبیه‌سازی مولد در جانوران
۳۷	۲-۲. عواقب نامطلوب شبیه‌سازی مولد در علم پزشکی
۳۹	۳-۲. دستاوردهای شبیه‌سازی درمانی در علم پزشکی
۴۳	۴-۲. عواقب نامطلوب شبیه‌سازی درمانی در علم پزشکی
۴۴	فصل سوم: ضرورت بحث فقهی و حقوقی درباره مسأله شبیه‌سازی
۴۵	جمع‌بندی بخش نخست

بخش دوم: حکم شبیه‌سازی

۴۸	فصل نخست: حکم شبیه‌سازی در ادیان ابراهیمی
۴۸	۱-۲. حکم شبیه‌سازی در دین یهود
۴۸	۱-۱-۲. حکم شبیه‌سازی درمانی
۵۲	۲-۱-۲. حکم شبیه‌سازی مولد انسان
۶۷	۳-۱-۲. بررسی دیدگاه دین یهود درباره شبیه‌سازی
۶۷	۲-۲. حکم شبیه‌سازی در دین مسیحیت
۶۷	۱-۲-۲. شبیه‌سازی در آیین ارتدوکس
۶۷	۱-۱-۲-۲. شبیه‌سازی درمانی
۶۸	۲-۱-۲-۲. شبیه‌سازی مولد
۶۸	۱-۲-۱-۲-۲. شبیه‌سازی مولد حیوان
۶۸	۲-۲-۱-۲-۲. شبیه‌سازی مولد انسان
۷۰	۲-۲-۲. شبیه‌سازی در آیین پروتستان
۷۲	۱-۲-۲-۲. فرقه ایوانجلیک یا انجیلی‌های محافظه‌کار
۷۶	۲-۲-۲-۲. شاخه اصلی پروتستان
۷۸	۳-۲-۲-۲. فرقه پروتستان لیبرال
۷۹	۴-۲-۲-۲. انگلیکن‌های استرالیا
۸۰	۵-۲-۲-۲. کلیسای لوتری - شورای کلیسای میسوری
۸۲	۳-۲-۲-۲. شبیه‌سازی در آیین کاتولیک

۸۲.....	۱-۳-۲-۲. شبیه‌سازی درمانی
۸۵.....	۲-۳-۲-۲. شبیه‌سازی مولد
۸۵.....	۱-۲-۳-۲-۲. شبیه‌سازی مولد حیوان
۸۵.....	۲-۲-۳-۲-۲. شبیه‌سازی مولد انسان
۹۰.....	۴-۲-۲. بررسی دیدگاه دین مسیحیت درباره شبیه‌سازی
۹۰.....	۱-۴-۲-۲. شبیه‌سازی درمانی
۹۱.....	۲-۴-۲-۲. شبیه‌سازی مولد انسان
۹۵.....	۳-۲. حکم شبیه‌سازی در دین اسلام
۹۵.....	۱-۳-۲. حکم شبیه‌سازی در فقه اهل سنت
۹۵.....	۱-۱-۳-۲. شبیه‌سازی درمانی در فقه اهل سنت
۹۷.....	۲-۱-۳-۲. شبیه‌سازی مولد در فقه اهل سنت
۱۱۸.....	۲-۳-۲. حکم شبیه‌سازی در فقه امامیه
۱۱۸.....	۱-۲-۳-۲. شبیه‌سازی درمانی در فقه امامیه
۱۱۸.....	۱-۱-۲-۳-۲. دیدگاه علمای امامیه در خصوص شبیه‌سازی درمانی
۱۲۰.....	۲-۱-۲-۳-۲. بررسی ادله علمای امامیه در خصوص شبیه‌سازی درمانی
۱۲۵.....	۲-۲-۳-۲. شبیه‌سازی مولد در فقه امامیه
۱۲۶.....	۱-۲-۲-۳-۲. دیدگاه علمای امامیه در خصوص شبیه‌سازی مولد
.....	۲-۲-۲-۳-۲. بررسی دیدگاه علمای امامیه در خصوص شبیه‌سازی مولد
۱۴۰.....	انسان
۱۴۸.....	فصل دوم: حکم شبیه‌سازی در حقوق بین‌الملل
۱۴۸.....	۱-۲. اسناد الزام‌آور
۱۴۸.....	۱-۱-۲. اسناد الزام‌آور منطقه‌ای
۱۴۹.....	۲-۱-۲. اسناد الزام‌آور بین‌المللی
۱۵۲.....	۲-۲. اسناد غیرالزام‌آور
۱۵۲.....	۱-۲-۲. اسناد غیرالزام‌آور منطقه‌ای
۱۵۳.....	۲-۲-۲. اسناد غیرالزام‌آور بین‌المللی
۱۵۵.....	فصل سوم: حکم شبیه‌سازی در قوانین ایران و سایر کشورها

جمع‌بندی مطالب بخش دوم: ۱۸۷

بخش سوم: آثار، پی‌آمدها و عواقب حقوقی شبیه‌سازی

فصل نخست: آثار، پی‌آمدها و عواقب حقوقی شبیه‌سازی درمانی ۱۹۴

۱-۱. حق مالکیت بر بدن در ادیان ابراهیمی ۱۹۴

۱-۱-۱. حق مالکیت بر بدن در دین یهود ۱۹۴

۱-۱-۲. حق مالکیت بر بدن در دین مسیحیت ۱۹۵

۱-۱-۳. حق مالکیت بر بدن در دین اسلام ۱۹۵

۱-۱-۳-۱. حق مالکیت بر بدن در فقه اهل سنت ۱۹۵

۱-۱-۳-۲. حق مالکیت بر بدن در فقه امامیه ۱۹۷

۲-۱. حق مالکیت بر بدن در نظام حقوقی غرب ۱۹۹

فصل دوم: آثار، پی‌آمدها و عواقب حقوقی شبیه‌سازی مولد انسان ۲۰۱

۱-۲. نسب طفل شبیه‌سازی شده ۲۰۱

۱-۱-۲. نسب طفل شبیه‌سازی شده در ادیان ابراهیمی ۲۰۱

۱-۱-۲-۱. نسب طفل شبیه‌سازی شده در دین یهود ۲۰۱

۱-۱-۲-۲. مفهوم نسب در دین یهود ۲۰۱

۱-۱-۲-۳. منشأ انتساب طفل شبیه‌سازی شده به پدر و مادر در دین

یهود ۲۰۴

۱-۱-۲-۳. منشأ انتساب طفل شبیه‌سازی شده به پدر ۲۰۶

۱-۱-۲-۴. منشأ انتساب طفل شبیه‌سازی شده به مادر ۲۰۸

۲-۱-۲. نسب طفل شبیه‌سازی شده در دین مسیحیت ۲۰۹

۱-۲-۱-۲. مفهوم نسب در دین مسیحیت ۲۱۰

۲-۲-۱-۲. منشأ انتساب طفل شبیه‌سازی شده به پدر و مادر در دین

مسیحیت ۲۱۰

۳-۱-۲. نسب طفل شبیه‌سازی شده در دین اسلام ۲۱۵

۱-۳-۱-۲. مفهوم نسب در دین اسلام ۲۱۶

۱-۱-۲-۳-۲. منشأ انتساب طفل شبیه‌سازی شده به پدر و مادر در دین اسلام.....	۲۲۲
۱-۱-۲-۳-۳. نسب طفل شبیه‌سازی شده در فقه اهل سنت.....	۲۲۴
۱-۱-۲-۳-۴. نسب طفل شبیه‌سازی شده در فقه امامیه.....	۲۳۶
۱-۱-۲-۳-۴-۱. منشأ انتساب طفل شبیه‌سازی شده به پدر در فقه امامیه.....	۲۳۶
۱-۱-۲-۳-۴-۲. منشأ انتساب طفل شبیه‌سازی شده به مادر در فقه امامیه.....	۲۴۷
۲-۱-۲. نسب طفل شبیه‌سازی شده در نظام حقوقی غرب.....	۲۶۴
۲-۲. حقوق طفل شبیه‌سازی شده.....	۲۷۸
۱-۲-۲. حقوق طفل شبیه‌سازی شده در ادیان ابراهیمی.....	۲۷۹
۱-۱-۲-۲. حقوق طفل شبیه‌سازی شده در دین یهود.....	۲۷۹
۱-۱-۲-۲-۱. مفهوم حق در دین یهود.....	۲۷۹
۱-۱-۲-۲-۲. حقوق افراد در دین یهود.....	۲۸۰
۱-۱-۲-۲-۱. حقوق فرد انسانی.....	۲۸۰
۱-۱-۲-۲-۲. حقوق خصوصی.....	۲۸۰
۱-۱-۲-۲-۳. وظایف فرد شبیه‌سازی شده در دین یهود.....	۲۸۷
۱-۲-۲. حقوق طفل شبیه‌سازی شده در دین مسیحیت.....	۲۹۰
۱-۲-۳. حقوق طفل شبیه‌سازی شده در دین اسلام.....	۲۹۳
۱-۳-۲. معنای حق.....	۲۹۳
۱-۲-۳-۲. حقوق طفل شبیه‌سازی شده در دین اسلام.....	۲۹۴
۱-۲-۳-۱. حقوق سیاسی و حقوق فردی.....	۲۹۵
۱-۲-۳-۲. حقوق خصوصی.....	۲۹۶
۱-۲-۳-۱-۲-۲-۳. حقوق ناشی از نسب.....	۲۹۷
۱-۲-۳-۱-۲-۲-۳. حقوق دیگر.....	۳۱۹
۲-۲-۲. حقوق طفل شبیه‌سازی شده در نظام حقوقی غرب.....	۳۲۱
۱-۲-۲-۲. حق داشتن آینده‌ای باز و آزاد.....	۳۳۲

۳۳۵.....	۲-۲-۲. حق استقلال اراده و آزادی.....
۳۳۷.....	۳-۲-۲. حق سلامت جسم و روان.....
۳۴۲.....	۴-۲-۲. حق بی‌خبری از آینده.....
۳۴۵.....	۵-۲-۲. حق بر هویت.....
۳۶۱.....	۶-۲-۲. حق به‌زیبی.....
۳۶۳.....	جمع‌بندی مطالب این بخش.....
۳۷۰.....	خلاصه و نتایج تحقیق.....
۳۸۳.....	پیوست: استفتائات.....
۴۱۱.....	واژه‌نامه فارسی.....
۴۲۰.....	واژه‌نمای انگلیسی.....
۴۲۳.....	فهرست منابع.....

«لقد منّ الله على المؤمنين إذ بعث فيهم رسولاً من أنفسهم يتلوا عليهم آياته ويزكيهم ويعلمهم الكتاب والحكمة وإن كانوا من قبل لفى ضلال مبين»

(آل عمران، ۱۶۴)

حمد و ثنا خداوند بزرگ و ذات احدیت را که امتیاز و درجه عالمان و دانشمندان را در نزدیکی به جایگاه پر عظمت خویش قرار داد؛ همان که در این آیه شریف بر مؤمنان منت نهاد آن گاه که از نفس خودشان رسولی برانگیخت تا برای آنان آیات وحی بخواند و ایشان را بشارت و بیم دهد. به راستی مرتبت علم و دانش و فضل و معرفت در نزد خدا جایگاهی دارد که ذات احدیت به واسطه دهش آن به آدمی بر بشریت منت نهاده است.

خداوند را شاکریم که در عصری که هنوز در برخی کشورهای جهان، زنان را واجد شرایط شرکت در محافل سیاسی، اجتماعی و علمی نمی دانند، خواهران گرامی ما در عرصه علم و تحقیق و پژوهش پیش می تازند و به جهت اراده استوار خویش، اندیشه ها را به تکاپو و قلم ها را به حرکت وا می دارند (رئیس محترم دانشگاه امام صادق علیه السلام آیت الله مهدوی کنی).

این توفیق الهی است که یک مرکز داعیه دار علم و دانش بتواند در دستیابی به اهداف بلند خود، برنامه های خویش را بر مدار معرفت و دانایی قرار دهد، زیرا علم و معرفت از چنان قدر و منزلت و عظمتی برخوردار است که باید گام نهادن در مسیر آن را از الطاف الهی دانست. دانشگاه امام صادق علیه السلام - پردیس خواهران در طی سالیان گذشته افتخار این را داشته است که در این راستا هر چند مختصر و کوتاه گام هایی برداشته و افق بلندی را در چشم انداز علمی خود پیش رو دارد که البته برخی فعالیت ها به صورت راهبردی یعنی درازمدت و برخی فعالیت ها به صورت میان مدت

و کوتاه مدت بوده است. از جمله فعالیت‌های این مرکز در بخش‌های علمی و آموزشی و پژوهشی، به انجام رسانیدن برخی طرح‌ها، پژوهش‌ها و انتشار آن در قالب کتاب می‌باشد که اهداف متعالی دانشگاه را در دستیابی به رویکردهای تعیین شده به پیش خواهد برد. در این راستا الگوی اسلامی ایرانی رشد و تعالی و پیشرفت در مسیر اهداف متعالی و بلند نظام جمهوری اسلامی، از رویکردهای نوینی است که در دستیابی به فعالیت‌های برنامه‌ای مورد توجه واقع می‌شود.

معاونت پژوهشی از زمان تشکیل تاکنون به این مهم توجه داشته و برنامه‌ها و فعالیت‌هایی را به انجام رسانیده است. این معاونت تلاش دارد با عمق بخشیدن به این فعالیت‌ها و تهیه و تنظیم برنامه‌های راهبردی در راستای محقق نمودن پژوهش‌هایی علمی، راهبردی و کاربردی دانشگاه گام‌هایی را بردارد؛ و مطابق با ساختار علمی دانشگاه به عنوان سازمانی دانش بنیان، برنامه‌محور، توسعه‌گرا و تحول‌مدار برای پاسخگویی به نیازهای رو به رشد جامعه فراگیران خود، تلاش دارد با نیازسنجی و پاسخگویی به مطالبات به پژوهش‌های علمی خود به ویژه در شاخه‌های مطالعات زنان با گرایش‌های نسل جوان پاسخ دهد.

خوشبختانه این فعالیت مورد استقبال اساتید، دانشجویان و برخی محیط‌های علمی در استفاده و بهره‌برداری از برخی کتب چاپ شده بوده است. از کلیه کسانی که ما را در این مسیر یاری نموده‌اند تشکر و تقدیر نموده و از همه محققان و فرهیختگان گرامی جهت همکاری در امور علمی پژوهشی دعوت می‌نماییم.

اداره کل پژوهش - حوزه معاونت پژوهشی و فناوری

دانشگاه امام صادق (ع) پردیس خاوران

بهار ۱۳۹۳

پیش گفتار

«ولقد خلقنا الإنسان من سلالة من طين ثم جعلناه نطفه في قرار مكين ثم خلقنا النطفه علقه فخلقنا العلقه مضغه فخلقنا المضغه عظاما فكسونا العظام كما ثم أنشأناه خلقا اخر فتبارك الله أحسن الخالقين»^۱.

سپاس و ستایش شایسته ذاتی است که محبت بانوی بزرگ جهان، فاطمه زهرا و پدر گرامی اش پیامبر خاتم (ص) و مادر برگزیده اش خدیجه کبری (ع) و همسر بی بدلیش علی مرتضی (ع) و فرزندانش حسن و حسین (ع) و نه امام از صلب حسین (ع) را در دل هایمان جای داد.

پیشرفت شتابناک علم و تکنولوژی و ورود آن به عرصه های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی انسان، هر روز انبوهی از مسائل نوپیدا در موضوعات مختلف اندیشه ای و دینی را فراوری مجامع علمی و دینی قرار می دهد، باورهایی را به چالش می کشد و افق هایی نو می گشاید. این روند در حوزه فقه و حقوق، عینی تر و ملموس تر از دیگر عرصه هاست. از سوی دیگر، رسالت اصلی فقیهان هر عصر، و نیز فلسفه وجودی اجتهاد، پاسخ گویی به نیازهای نوپیداست که این مهم، از طریق انطباق این فروع برخاسته از نیازهای فرد و جامعه با اصول شریعت میسر می گردد؛ زیرا حقیقت اجتهاد چیزی جز این نیست: «علینا القاء الأصول و علیکم بالتفریع». با این نگرش، پویایی، ذاتی اجتهاد است و نوآوری، جوهره اصلی آن.

شبیه سازی از موضوعاتی است که به لحاظ ارتباطش با اصلی ترین مسائل انسانی در ساحت های مختلف زندگی فردی و اجتماعی و در حوزه های گوناگون کلامی، حقوقی، اخلاقی و اجتماعی پرسش هایی را پدید آورده است. هم چنین با ورود شبیه سازی به حوزه حقوق خانواده و مسائل مربوط به آن، مسائل جدیدی در این حیطه طرح می شود که هر یک از نظام های قانون گذاری و نیز ادیان گوناگون در پی پاسخ گویی و حل آن ها

هستند؛ زیرا در صورتی که شبیه‌سازی انسان به عنوان یکی از فن‌آوری‌های کمک باروری در آینده طرح شود، باید پیش از آن، مسائل مختلف مربوط را پاسخ داد و ابهام‌های موجود در این مسأله را حل نمود.

از ابهام‌های موجود در شبیه‌سازی انسان، موضوع نسب طفل شبیه‌سازی شده، حقوق ناشی از نسب برای وی و اثرات شبیه‌سازی بر ساختار حقوق خانواده است.

نکته ظریف در پدیده‌هایی چون شبیه‌سازی در این مطلب نهفته است که معمولاً سال‌ها طول می‌کشد تا نظام‌های مختلف اجتماعی بتوانند خود را با ره‌آوردهای نوین بشری وفق دهند. این تأخیر تا حدود زیادی به علت عدم تبیین جوانب مختلف موضوعات جدید برای تصمیم‌گیرندگان و رهبران فکری و سیاسی جامعه است. از این رو، دنیای امروز در جستجوی پاسخی منطقی برای مسائل جدید زیست - اخلاقی و ره‌آوردهای نوین بشری مانند شبیه‌سازی است. بنابراین، همگام با دیگر کشورهای دنیا و همچنین همراه با سازمان‌های بین‌المللی باید در داخل کشور نیز تلاش‌هایی در جهت تبیین ابعاد ناپیدای این مسأله صورت گیرد تا قانون‌گذار اسلامی بتواند موضعی محکم و قوی در این باره اتخاذ نماید. بسیاری از کشورها با اتخاذ موضعی منفی در قبال شبیه‌سازی انسان، راه را برای بحث درباره پی‌آمدها و آثار آن بسته‌اند؛ لیکن نظام حقوقی اسلام، با توانمندی در پاسخ‌گویی به مسائل جدید، توانسته است راه را برای بررسی پی‌آمدها و آثار شبیه‌سازی باز نماید. به همین جهت در این نظام، بسیاری از علما و اندیشمندان امامیه و سنی به بحث درباره آثار شبیه‌سازی انسان از جمله تأثیرات آن بر مفاهیم خانواده، تولیدمثل، رابطه والدینی، نسب طفل شبیه‌سازی شده و ... پرداخته‌اند.

شبیه‌سازی انسان چنان جایگاهی در مباحث جاری پیدا کرده که «بحث قرن» نامیده شده است. همین امر به نیکی اهمیت طرح آن را برای محققان این مرزوبوم نشان می‌دهد. به دلیل حساسیت مسأله، طرح آکادمیک این موضوع و بحث از آن کاملاً ضروری می‌گردد.

از آن‌جاکه شبیه‌سازی از مسائل مستحدث در عرصه علوم پزشکی، فقه و حقوق به شمار می‌رود، تألیفات اندکی در ارتباط با آن موجود است. از این رو، دستیابی به

منابع علمی درباره موضوع بسیار مشکل است و زمان بسیاری صرف پیدا کردن اطلاعات و منابع مرتبط با آن می‌گردد.

در این پژوهش تلاش شده است با کمک گرفتن از مباحث پزشکی، ابعاد فقهی - حقوقی مسأله روشن گردد. لذا کتاب حاضر شامل سه بخش اساسی، با عناوین زیر می‌باشد:

بخش نخست: آشنایی علمی و پزشکی با شبیه‌سازی

بخش دوم: حکم شبیه‌سازی در ادیان و نظام حقوقی غرب

بخش سوم: آثار و پی‌آمدهای شبیه‌سازی در ادیان و نظام حقوقی غرب

گفتنی است که اثر حاضر در اصل پایان‌نامه کارشناسی و کارشناسی ارشد نگارنده در دانشگاه امام صادق(ع) بوده است که پس از انتخاب به عنوان پایان‌نامه برتر دانشجویی در میان رشته‌های پردیس خواهران به کوشش دانشگاه امام صادق(ع) با شرح و بسط به چاپ می‌رسد. از این رو بر خود لازم می‌داند از زحمات استادان محترم و ارجمند سرکار خانم دکتر فائزه عظیم‌زاده اردبیلی و سرکار خانم دکتر فریبا اصغری که راهنمایی و مشاوره پایان‌نامه را بر عهده داشتند و هم‌چنین از زحمات بی‌دریغ مسؤولان محترم دانشگاه بخصوص رئیس محترم پردیس خواهران، سرکار خانم مهدوی‌کنی کمال تشکر و قدردانی را داشته باشد.

بخش نخست: آشنایی علمی و پزشکی با شبیه‌سازی

فصل نخست: آشنایی مختصر با شبیه‌سازی

در این بخش، به توضیح مفهوم، انواع، روش‌ها و پیشینه شبیه‌سازی می‌پردازیم:

۱-۱. مفهوم شبیه‌سازی

معادل شبیه‌سازی در عربی، «الاستنساخ»، در لاتین "cloning" و در فرانسه "clonege" است. واژه شبیه‌سازی از کلمه یونانی "Klon" به معنای جوانه و ترکه چوب گرفته شده است و در لغت عبارت است از بریدن، تکثیر کردن و قلمه زدن.^۱ شباهت شبیه‌سازی با قلمه زدن در این است که در روش مورد بحث، تولیدمثل، بدون عمل لقاح (ترکیب سلول‌های نر و ماده) صورت می‌پذیرد.^۲ اما به طور خلاصه، تعاریف زیر برای کلون ارائه شده است:

- گروهی از موجودات زنده که از نظر ژنتیک یکسان هستند و همه به روش تولیدمثل غیرجنسی از یک والد به وجود آمده‌اند.^۳

- گروهی از سلول‌ها که از نظر ژنتیک کاملاً یکسان هستند و به وسیله تقسیم میتوز از یک سلول منفرد به وجود آمده‌اند. سلول‌های بدن ما نیز این گونه به وجود آمده‌اند.^۴

۱. اشرفی، منصور، «کلونینگ از نظر اخلاق»، مکتب اسلام، شماره ۵، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

<http://www.hawzah.net/Hawzah/Articles/Articles.aspx?LanguageID=1&id=81281&SearchText=cloning> (7 Nov 2010); Illmensee, Karl, "Cloning in reproductive medicine", Journal of Assisted Reproduction and Genetics, Vol.18, No.8, 2001, p: 451 and Tong, W F and SCNg, YFng, "Somatic cell nuclear transfer(cloning): Implication for the medical practitioner", Singapore Medical Journal, Vol.47, No.7, 2002, p:369

۲. پور قهرمانی، بابک، «نگاهی بر پدیده شبیه‌سازی انسان»، رواق اندیشه، شماره ۳۷، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

<http://www.hawzah.net/Hawzah/Articles/Articles.aspx?LanguageID=1&id=82524&SearchText=cloning> (7 Nov 2010)

3. Tong and SCNg, "Somatic cell nuclear transfer(cloning): Implication for the medical practitioner", p:369

۴. ترنبنی، پیترو و سیان الارد، اصول ژنتیک پزشکی امری، ترجمه محمدرضا نوری دلویی، تهران، جامعه‌نگر، ۱۳۸۶، ص ۵۲۴؛ حسینی‌پژوه، خسرو، شبیه‌سازی و فناوری سلول بنیادی، تهران، نوربخش، ۱۳۸۴، ص ۱۱

- گروهی از مولکول‌های DNA، که از روی یک رشته DNA گرفته شده از یک سلول، به روش‌های بیولوژی مولکولی الگوبرداری و ساخته شده است.^۱
- تولید حیوانات مشابه از نظر ژنتیک توسط تقسیم یا شکافت^۲ یک جنین اولیه (این همان چیزی است که به طور طبیعی نیز در دوقلوهای همسان یا یک تخمکی اتفاق می‌افتد) یعنی یک جنین در مرحله دو سلولی خود به خود شکافته می‌شود و دو سلول جدا از هم حاصل می‌شود که هر کدام به عنوان یک جنین مستقل به رشد و تکامل ادامه می‌دهند.

- تولید یک یا چند جانور یا انسان یکسان از نظر ژنتیک، به روش انتقال هسته‌های سلول‌های بدنی یا سوماتیک یک جانور یا انسان.^۳

- تولید مثل غیرجنسی تک‌سلول‌ها مانند باکتری‌هاست؛ زیرا در این موجودات، شیوه تکثیر به صورت تقسیم دوتایی است که به صورت تصاعد هندسی افزایش می‌یابد.^۴
شبیه‌سازی یا کلونینگ اصطلاحاً عبارت است از: «فرآیند تولید غیرجنسی گروهی از سلول‌ها، مولکول‌ها یا موجودات زنده که همگی از نظر ژنتیک مشابه نیای مشترک باشند.^۵ به بیان دیگر، تکثیر یک سلول یا به طور کلی یک ارگانیسم زنده بدون هرگونه تغییر در ژنوتیب آن است».^۶ البته در سطح مولکولی، شبیه‌سازی یعنی مرحله‌ای که برای تولید چندین کپی از یک ژن منفرد یا قطعه‌ای از DNA طی می‌شود. در سطح سلولی این اصطلاح به معنای جداسازی فیزیکی یک سلول منفرد و تکثیر آن در محیط کشت بافت برای تولید جمعیتی از آن سلول‌ها، به کار برده می‌شود و در سطوح بالاتر

۱. ترنپنی، پیترو و سیان‌الارد، اصول ژنتیک پزشکی امری، ص ۵۲۴؛ حسینی‌پژوه، خسرو، شبیه‌سازی و فناوری سلول بنیادی، ص ۱۱

2. splitting

۳. حسینی‌پژوه، خسرو، شبیه‌سازی و فناوری سلول بنیادی، ص ۱۱
۴. نورمحمدی، غلامرضا، شبیه‌سازی انسان، بیم‌ها و امیدها، قم، معارف، ۱۳۸۴، ص ۴۱؛ محمدی، علی، شبیه‌سازی انسان، ملاحظات علمی، اخلاقی، حقوقی و فقهی، قم، معارف، ۱۳۸۷، صص ۶۶-۶۷
۵. محمدی، علی، شبیه‌سازی انسان، ملاحظات علمی، اخلاقی، حقوقی و فقهی، ص ۶۷
۶. پاشای‌آهی، احسان و محمدحسن حیدری، مبانی علمی شبیه‌سازی انسان و انتقال ژن، تهران، حیان، ۱۳۸۷، ص ۳۳

"On human cloning: A position statement of Australian academy of science", 1999, available at:

<http://www.science.org.au/policy/statement/cloning.htm> (25 Agu 2009) and Brumby, Margaret and Kasimba, Pascal, "When is cloning lawful?", Journal of in vitro fertilization and embryo transfer, Vol.4, No.4, 1987, p:199

اصطلاح «شبیه‌سازی موجود زنده» به کار برده می‌شود^۱ که منظور از آن، کشت هسته سلول غیرجنسی انسان یا حیوان - که دارای کروموزوم کامل است - در سلول تخمک عاری از هسته جنس ماده، و بارور کردن این تخمک به روش‌های ویژه در رحم طبیعی یا مصنوعی، به منظور تشکیل موجود زنده‌ای که از لحاظ شکل ظاهری دقیقاً مانند صاحب هسته سلول اولیه باشد.^۲ به بیان ساده‌تر، کلونینگ به معنای «تولیدمثل و ایجاد موجودی مشابه نسخه اصلی به طریقه‌ای غیرجنسی» است.^۳

در نهایت، لازم است این توضیح آورده شود که لقاح طبیعی در جانوران و گیاهان با ترکیب سلول جنسی نر (اسپرم) و سلول جنسی ماده (تخمک یا اوول) اتفاق می‌افتد. تعداد کروموزوم‌های سلول‌های جنسی در هر جاندار، نصف تعداد کروموزوم‌های سلول‌های دیگر بدن آن موجود است. مثلاً در انسان که ۴۶ کروموزومی است، سلول‌های اسپرم و تخمک (سلول‌های جنسی) هر کدام دارای ۲۳ کروموزوم هستند که بر اثر لقاح و اتحاد هر دو هسته این عدد تکمیل می‌شود، و جنینی که به وجود می‌آید، دارای هسته ۴۶ کروموزومی است. این بدان معناست که هسته تخمک و اسپرم مشترکاً در تشکیل جنین دخالت دارند؛ اما در شبیه‌سازی، تخمک در ساخت جنین نقشی اساسی ندارد، چون هسته‌اش برداشته شده است؛ لذا تنها نقش پرورش جنین را به عهده دارد. از طرفی با ترکیب یک هسته سلول غیر جنسی ۴۶ کروموزومی در درون تخمک، نیازی به اسپرم نیز وجود ندارد. به زبان ساده در شبیه‌سازی، جنس مذکر نقش خود را در تولیدمثل از طریق اسپرم، از دست می‌دهد و تنها صاحب هسته سلول است که در خصوصیات جنین نقش دارد. این دهنده سلول می‌تواند مرد یا زن باشد.

اما آن‌چه به نظر جالب می‌رسد این است که کلونینگ امری جدید در طبیعت به شمار نمی‌رود. مطالعات جدید نشان می‌دهد که ملکه‌ها و نرهای نوعی مورچه مهاجم به نام مورچه کوچک آتشین، به روش کلونینگ ازیاد حاصل می‌کنند. این امر تنها به

۱. محمدی، علی، شبیه‌سازی انسان، ملاحظات علمی، اخلاقی، حقوقی و فقهی، ص ۶۷

۲. شریفی، شهرآشوب، علی ناظمی و مهرداد هاشمی، شبیه‌سازی انسان، تهران، آبیژ، ۱۳۸۵، ص ۳؛

"Statement on cloning", Current Science, Vol.87, No.8, 2004, p: 1041; Farnsworth, Joseph, 2000, "To clone or not to clone: The ethical Question", available at:

http://thefarnsworths.com/science/cloning_m.htm (10 Sep 2010) and Guenin, Louis M.,

"Stem cells, cloning, and Regulation", Mayo Clin Proc., Vol.80, No.2, 2005, p: 241

۳. سلول‌های بنیادی، تهران، سازمان ملی جوانان، معاونت مطالعات و تحقیقات، ۱۳۸۷، ص ۱۵؛

Illmensee, Karl, "Cloning in reproductive medicine", p: 451

مورچه‌های کوچک آتشین منحصر نمی‌شود. مثلاً برخی سوسمارهای ماده نیز برای تولید فرزندان ماده، روش کلون کردن سلول‌های خود را به کار می‌برند؛ اما از آن‌جا که در طبیعت، تنها راه بهبود بخشیدن به ذخایر ژنتیک گونه‌های مختلف، تولیدمثل جنسی است، اغلب گونه‌هایی که از طریق غیرجنسی تولیدمثل می‌کنند، از میان می‌روند و مواردی که باقی می‌مانند، تعدادشان محدود است. برخی از انواع حیوانات هم که بیشتر از طریق شبیه‌سازی تولیدمثل می‌کنند، هر چند نسل، یک بار نیز از طریق جنسی تولیدمثل می‌کنند تا توانایی تطابق ژنتیکی خود را با محیط حفظ کنند.^۱

۲-۱. گونه‌های شبیه‌سازی

امروزه شبیه‌سازی به دو بخش مختلف دسته‌بندی می‌شود که هر بخش هدف متفاوتی را دنبال می‌کند، این دو بخش عبارتند از:

- ۱- شبیه‌سازی تکثیری^۲ که شامل شبیه‌سازی رویانی^۳ و شبیه‌سازی DNA^۴ است؛
- ۲- شبیه‌سازی غیر تکثیری^۵ که به آن شبیه‌سازی درمانی^۶ یا تحقیقاتی^۷ گفته می‌شود. ذیلاً به توضیح هر یک از روش‌های مزبور می‌پردازیم:

۱-۲-۱. شبیه‌سازی تکثیری

شبیه‌سازی تکثیری به تولید عمدی افراد یکسان از نظر ژنتیک اطلاق می‌شود و هر یک از افراد جدیداً تولید شده یک کلون از فرد اولیه است. کلون‌ها دارای دسته‌های کروموزومی یکسانی در هسته تمامی سلول‌هایشان هستند. تمامی سلول‌ها از جمله تخمک‌ها شامل مقداری DNA در ارگانل تولیدکننده انرژی سلولی یعنی میتوکندری هستند. این ساختار تولیدکننده انرژی در سیتوپلاسم قرار دارد و شامل DNA اختصاصی با تکثیر مستقل است. کلون‌های حقیقی دارای DNA یکسان هم در هسته و هم در میتوکندری‌هایشان هستند؛ اگرچه اصطلاح کلون هم‌چنین برای افراد دارای

۱. شریفی، شهرآشوب، علی ناظمی و مهرداد هاشمی، شبیه‌سازی انسان، ص ۴

2. Reproductive Cloning
3. Embryonic Cloning
4. Adult DNA Cloning
5. Nonreproductive Cloning
6. Therapeutic Cloning
7. Research Cloning

DNA هسته‌ای یکسان و DNA میتوکندریایی متفاوت نیز به کار گرفته می‌شود. در حال حاضر تولید کلون‌های زنده از پستانداران از دو طریق می‌تواند انجام گیرد:^۱

۱-۲-۱. شبیه‌سازی رویانی

شبیه‌سازی رویانی که گاهی اوقات دوقلو‌زایی مصنوعی نیز خوانده می‌شود، به معنای خارج‌سازی یک یا چند سلول از رویان و تبدیل هر یک از آن‌ها به یک رویان جدید می‌باشد که از نظر ژنتیک با رویان اصلی یکسان است. طبیعت خود بزرگترین نمونه از این نوع شبیه‌سازی است؛ به طوری که از هر ۷۵ حاملگی در انسان، تخم لقاح یافته به ادله نامعلومی شکسته می‌شود و دوقلوهای همسان را ایجاد می‌کند. این روش مدت‌هاست که در مورد گونه‌های زیادی از حیوانات انجام می‌گیرد؛ اما تنها آزمایش‌های محدودی روی انسان صورت گرفته است.

شبیه‌سازی رویانی انسان، با لقاح اسپرم و تخمک در ظرف شیشه‌ای یا لقاح خارج از رحم آغاز می‌شود. پس از عمل لقاح، تخم شروع به تقسیم می‌کند و به ۲، ۴، ۸ سلولی و در نهایت به بلاستولا (توده سلولی توخالی) تبدیل می‌شود. در مرحله بعد، از مواد شیمیایی برای حذف پوشش بلاستولا به نام زونا پلاسید^۲ که مواد غذایی را برای تقسیم سلولی فراهم می‌نماید، استفاده می‌شود. پس از حذف پوشش زونا پلاسید سلول‌ها از هم تفکیک شده، هر یک را در ظرف جداگانه‌ای قرار می‌گیرد و هر یک از این سلول‌ها به وسیله یک زونا پلاسید مصنوعی پوشیده می‌شود تا اجازه تقسیم و نمو آن‌ها فراهم گردد. آزمایش‌های سیل من^۳ و همکارانش نشان داد زمانی که سلول تخم در مرحله دو سلولی متوقف می‌شود، نتایج بهتری حاصل می‌گردد. بسیاری از سلول‌های بلاستولا، هر یک به تنهایی قادرند تا مرحله ۳۲ سلولی تکامل یابند. آن‌ها از قابلیت نمو بیشتر برخوردارند و حتی زمانی که در رحم یک زن دریافت‌کننده جای گیرند، می‌توانند تبدیل به یک جنین کامل شوند.

مشخص نیست که کدام فرد یا گروه برای اولین بار شبیه‌سازی رویانی را در انسان انجام داده است. اولین گزارش آشکار در رابطه با شبیه‌سازی رویانی در انسان توسط

۱. شریفی، شهرآشوب، علی‌ناظمی و مهرداد هاشمی، شبیه‌سازی انسان، صص ۹-۱۰

2. Zona Pellucida

3. Sillman

روبرت جی‌استیل‌من و گروهش در مرکز پزشکی جرج واشنگتن ارائه گردید. آن‌ها ۱۷ رویان انسان را که دارای نواقص ژنتیک بودند و هیچ راهی برای درمان آن‌ها وجود نداشت، انتخاب نمودند. این رویان‌ها حاصل باروری تخمک‌ها با دو اسپرم بودند و باعث ایجاد دسته‌های کروموزومی غیرعادی می‌شدند که می‌توانست سرنوشت تخمک‌ها را تحت تأثیر قرار دهد؛ به‌طوری که هیچ یک از آن‌ها قادر نبودند به یک جنین کامل تبدیل شوند. در اکتبر سال ۱۹۴۴ این رویان‌ها با موفقیت تجزیه شدند و هر یک به چندین رویان دیگر تبدیل گشتند. به نظر می‌رسد پیامد اصلی حاصل از این آزمایش یک منازعه عمومی در رابطه با اخلاقی نبودن شبیه‌سازی انسان بوده است.

در ایالات متحده گروهی به سرپرستی دکتر استیون مولر برای ارائه پیشنهادهاى جامع در زمینه شبیه‌سازی انسان تشکیل شد. پیشنهادهاى ارائه شده توسط این هیأت تنها اجازه استفاده از باقی‌مانده رویان‌های ذخیره شده در مسیر باروری زوج‌ها را می‌داد. هم‌چنین تأکید گردید که تمامی تحقیق‌ها باید حداکثر در روز چهاردهم پس از لقاح پایان یابد. تنها در بعضی موارد اجازه نمو تا روز ۱۸ (نه بیشتر) داده می‌شود. در این مرحله نمو و بسته شدن طناب عصبی آغاز می‌شود. آن‌ها پیشنهاد نمودند که فرآیندهایی از جمله کاشتن جنین انسان در بدن سایر حیوانات، انتقال جنین‌های شبیه‌سازی شده به انسان، انتقال هسته از یک جنین به دیگری و استفاده از جنین برای انتخاب جنسیت ممنوع شود.^۱

۲-۱-۲. شبیه‌سازی DNA بالغ

شبیه‌سازی DNA بالغ شامل حذف هسته یک تخمک و جایگزینی آن با هسته یکی از سلول‌های ارگانسیم بالغ است؛ به طوری که پس از نمو، رویان به یک ارگانسیم جدید مشابه با ارگانسیم دهنده هسته تبدیل می‌گردد. این روش تاکنون در مورد تعداد زیادی از پستانداران به طور مستند و حتی انسان به طور غیر مستند به کار گرفته شده است.

۱. شریفی، شهرآشوب، علی ناظمی و مهرداد هاشمی، شبیه‌سازی انسان، صص ۱۰-۱۲؛

Byrne, James A. and Gurdon, John B., "Commentry on human cloning", Differentiation, No.69, 2002, p:154

به غیر از سلول‌های جنسی (اسپرم و تخمک) تمام سلول‌های بدن اطلاعات کامل ژنتیک را دارا هستند؛ به طوری که از نظر تئوری قادرند یک نسخه کاملاً مشابه با فرد اصلی را ایجاد نمایند.

باید دانست که از نظر بیوشیمیایی، ارگانیسم‌های چندسلولی سلول‌ها برای انجام اعمال محدودی برنامه‌ریزی شده‌اند و سایر اعمال در آن‌ها خاموش هستند. در همین رابطه بسیاری از دانشمندان معتقدند که چنین سلول‌های تمایز یافته‌ای مشابه هسته تخمک لقاح یافته قادر به برنامه‌ریزی مجدد نیستند.

در رابطه با دالی، اولین پستاندار شبیه‌سازی شده، هسته یکی از سلول‌های بافت پستان یک میش بالغ ۶ ساله که در مرحله استراحت از سیکل سلولی قرار داشت، به داخل یک تخمک گوسفند فاقد هسته انتقال داده شد. این سلول لقاح یافته سپس توسط پالس الکتریکی تحریک گردید. از ۲۷۱ باری که آزمایش فوق تکرار شد، تنها ۲۹ سلول لقاح یافته پس از تحریک، تقسیم سلولی را آغاز نمودند. ۲۹ رویان به دست آمده سپس به داخل رحم میش‌ها انتقال داده شدند که از این تعداد تنها ۱۳ مورد به حاملگی منجر گردید و از میان آن‌ها، تنها یکی منجر به تولد یک بره به نام دالی گردید. آزمایش‌های مشابه برای شبیه‌سازی موش‌ها ابتدا با شکست مواجه شد. در این رابطه عقیده بر این بود که در گوسفند، DNA تا قبل از سومین یا چهارمین تقسیم سلولی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. این تأخیر، زمان لازم برای برنامه‌ریزی مجدد هسته سلول بافت پستان در سلول تخم را فراهم می‌نماید. در حالی که در موش و انسان DNA پس از دومین تقسیم سلولی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین بعضی از دانشمندان بر این عقیده بودند که انسان نیز همانند موش قابل شبیه‌سازی نیست. ولی پس از مدتی، شبیه‌سازی موش نیز با موفقیت انجام شد و احتمال شبیه‌سازی انسان نیز افزایش پیدا کرد.

پس از تولد دالی و رسیدن آن به سن بلوغ، محققان از بارور بودن آن متعجب شدند؛ زیرا آزمایش‌های شبیه‌سازی روی وزغ‌ها نشان داد که وزغ‌های کلون شده نابارورند. نکته جالب توجه دیگر در رابطه با ساعت مولکولی در گوسفند دالی است. توضیح آن‌که سلول‌ها دارای یک ساعت مولکولی هستند که باعث مرگ آن‌ها پس از یک دوره زندگی طبیعی می‌شود. از آن‌جا که دالی از گوسفند ۶ ساله به وجود آمده بود،

طول عمر آن باید از ۱۱ سال به ۵ سال کاهش می‌یافت؛ در حالی که وی دالی در سن ۷ سالگی به دلیل روماتیسم درگذشت.^۱

۱-۲-۲. شبیه‌سازی غیر تکثیری

شبیه‌سازی غیر تکثیری که همانند شبیه‌سازی تکثیری با تکنیک انتقال هسته سلول سوماتیک (SCNT) آغاز می‌شود، پس از تشکیل رویان متوقف می‌گردد (رویان حاصله برخلاف شبیه‌سازی تکثیری به رحم انتقال داده نمی‌شود) و از آن برای تهیه سلول‌های بنیادی رویانی به منظور تولید سلول‌ها و بافت‌های مختلف استفاده می‌شود. به هر حال به دلیل استفاده از مراحل اولیه مشترک بین شبیه‌سازی تکثیری و غیر تکثیری، تحریم‌هایی که برای شبیه‌سازی تکثیری وجود دارد، بخشی از تحقیقات سلول‌های بنیادی رویانی را نیز دربر گرفته است.^۲

شبیه‌سازی را می‌توان از جهات دیگر نیز تقسیم نمود که به تفصیل در کتب دیگر آمده است، به همین جهت از ذکر آن خودداری می‌شود.

۱-۳. انواع تکنیک‌ها و روش‌های شبیه‌سازی

تا این تاریخ سه روش برای شبیه‌سازی پستانداران وجود دارد: روش انتقال هسته سلول سوماتیک^۳، تکنیک روزلین^۴ و تکنیک هونولولو.^۵

۱-۳-۱. روش انتقال هسته سلول سوماتیک

این تکنیک اولین بار توسط هانس اسپمان^۶ در دهه ۱۹۲۰ کشف شد و به طور رایج برای شبیه‌سازی حیوانات بالغ استفاده می‌شود. در تمامی آزمایش‌های شبیه‌سازی پستانداران بالغ، این تکنیک به شکلی استفاده می‌شود.

۱. شریفی، شهرآشوب، علی ناظمی و مهرداد هاشمی، شبیه‌سازی انسان، صص ۱۶-۱۷؛

Byrne, James A. and Gurdon, John B., "Commentry on human cloning", p: 154 and Morgan, Rose M., **The genetic revolution, history fears and future of a life-altering science**, London: Green wood press, 2006, pp.: 162-163

۲. شریفی، شهرآشوب، علی ناظمی و مهرداد هاشمی، شبیه‌سازی انسان، ص ۳۷؛

Morgan, Rose M., **The genetic revolution, history fears and future of a life-altering science**, pp.: 162-163

3. Somatic Cell Nuclear Transfer (SCNT)

4. Roslin

5. Honolulu

6. Hans Spemann

در این تکنیک به دو سلول نیاز است، یک سلول دهنده و یک سلول اوسیت یا تخم. هسته سلول تخم حذف می‌گردد و با هسته یک سلول سوماتیک (همانند سلول پوست یا خون) یک دهنده جایگزین می‌شود. محققان اثبات کرده‌اند که سلول تخمک بارور نشده خیلی بهتر جواب می‌دهد؛ زیرا احتمال بیشتری برای پذیرش هسته دهنده وجود دارد. سلول تخمک باید فاقد هسته باشد که این امر منجر به حذف اطلاعات ژنتیک عمده سلول می‌شود. سلول دهنده سپس به مرحله استراحت^۱ وارد می‌شود که سبب خاموش شدن بدون مرگ سلول می‌گردد. در این وضعیت، هسته آماده پذیرش توسط سلول تخمک خواهد شد. هسته سلول دهنده سپس به واسطه فیوژن سلولی یا میکرواینجکشن وارد سلول تخمک می‌گردد. سلول تخم سپس برای تشکیل یک رویان تحریک می‌شود. برای برداشت سلول‌های بنیادی، پس از رسیدن سلول تخم به مرحله بلاستوسیست، در این زمان سلول‌های توده سلولی داخلی جدا شده، کشت داده می‌شود که به این سلول‌ها، سلول‌های بنیادی رویانی نیز گفته می‌شود. در این مرحله جایگزینی رویان به داخل رحم مادر جانشین نیز می‌تواند انجام گیرد که اگر تمامی مراحل به درستی طی شود، گه‌گاهی یک نسخه از حیوان دهنده هسته متولد می‌گردد.^۲

۱-۳-۲. تکنیک روزلین

تکنیک روزلین که در انیستیتو روزلین اسکاتلند به وسیله ایان ویلموت^۳ و کیت کمبل^۴ برای شبیه‌سازی توسعه یافته است، شامل دو مرحله مهم است:

مرحله اول - جداسازی سلول دهنده خاموش

مرحله دوم - فیوژن رویان فاقد هسته با هسته دهنده از طریق پالس الکتریکی

هدف این تکنیک هم‌زمان‌سازی چرخه سلولی سلول دهنده و سلول تخمک است. ویلموت و کمبل در آزمایش خود ابتدا یک سلول از بافت پستان گوسفند فلاندی را برای عملیات کلون‌سازی انتخاب نمودند. آن‌ها ابتدا اجازه دادند این سلول در محیط کشت تقسیم شود و تعداد زیادی از آن‌ها فراهم آید. پس از تکثیر، تعدادی از این سلول‌ها انتخاب و در محیط کشت که حاوی حداقل ماده غذایی است و تنها منجر به

1. Go Stage

۲. شریفی، شهرآشوب، علی ناظمی و مهرداد هاشمی، شبیه‌سازی انسان، صص ۲۸-۲۹

3. Ian Wilmut

4. Keith Cambell

زنده ماندن سلول می‌شود، قرار داده شد. این امر سبب شد تمامی ژن‌های فعال سلول، خاموش گردد و سلول وارد مرحله استراحت شود.

در مرحله دیگر از این آزمایش، آن‌ها سلول تخمکی را از میشی انتخاب کردند و هسته آن را خارج نمودند؛ سپس سلول دهنده هسته در کنار سلول تخمکی که یک تا هشت ساعت قبل هسته آن حذف شده بود، قرار داده شد. این دو سلول توسط یک پالس الکتریکی با یکدیگر ادغام و فعال‌سازی هم‌زمان آن‌ها منجر به ایجاد یک رویان گردید. در این روش تنها تعداد محدودی از سلول‌ها به وسیله پالس الکتریکی فعال شده؛ به یک رویان تبدیل می‌گردد. حال اگر رویان زنده بماند، به مدت ۶ روز در محیط کشت، رشد داده می‌شود و سپس به داخل اویدکت گوسفند منتقل می‌گردد. آزمایش‌ها نشان می‌دهد سلول‌هایی که زودتر به داخل اویدکت انتقال می‌یابند، نسبت به آن‌هایی که در آزمایشگاه رشد داده می‌شوند، شانس بیشتری برای بقا و تکامل دارند. در مرحله بعد، رویان در رحم یک میش جانشین کاشته می‌شود. سپس آن میش، رویان شبیه‌سازی شده را تا زمان تولد حمل می‌نماید و اگر هیچ مشکلی پیش نیاید، یک نسخه کامل از حیوان دهنده هسته، متولد می‌گردد.^۱

۱-۳-۳. تکنیک هونولولو

در جولای سال ۱۹۹۸ گروهی از محققان در دانشگاه هاوایی اعلام نمودند که آن‌ها توانسته‌اند سه نسل از موش‌های یکسان از نظر ژنتیکی را تولید نمایند. این تکنیک به نام تروهیکو واکایاما^۲ و ریوزو یاناگیمچی^۳ به ثبت رسید. موش از جمله پستاندارانی بود که مدت طولانی شبیه‌سازی آن به دلیل تقسیم تخمک آن بلافاصله پس از لقاح با مشکل مواجه می‌شد. در تکنیک روزلین به این دلیل از گوسفند استفاده شد که تخمک آن پس از لقاح بلافاصله شروع به تقسیم نمی‌کرد و چندین ساعت منتظر می‌ماند. این انتظار به تخمک اجازه می‌داد که هسته جدید را مجدداً برنامه‌ریزی نماید. با این وجود، در این تکنیک، هونولولو واکایاما و یاناگیمچی توانستند عملیات شبیه‌سازی را با

۱. شریفی، شهرآشوب، علی ناظمی و مهرداد هاشمی، شبیه‌سازی انسان، صص ۲۹-۳۰؛

Tong and SCNg, "Somatic cell nuclear transfer(cloning): Implication for the medical practitioner", p:370

2. Teruhiko Wakayama

3. Ryuzo Yanagimachi

موفقیت بسیار بالاتری (۳ کلون در هر ۱۰۰ تلاش کلون‌سازی) نسبت به تکنیک روزلین ایان ویلموت (یک کلون در ۲۷۷ تلاش کلون‌سازی) انجام دهند.

واکایاما مشکل هم‌زمانی سیکل سلولی را به شکل متفاوتی حل کرد. ایان ویلموت از سلول‌های پستان گوسفند استفاده کرد و مجبور شد که آن‌ها را به مرحله استراحت ببرد، درحالی که واکایاما ابتدا از سه نوع سلول شامل سلول‌های سرتولی (سلول‌های کمکی در بیضه)، سلول‌های مغزی و سلول‌های کومولوس (سلول‌های پیرامون اوسیت بالغ در تخمدان) استفاده نمود. سلول‌های سرتولی و سلول‌های مغز هر دو به طور طبیعی در مرحله استراحت هستند، در حالی که فقط ۹۰ درصد از سلول‌های کومولوس در مرحله استراحت قرار دارند. سپس از سلول تخمک لقاح‌یافته موش به عنوان گیرنده هسته سلول دهنده استفاده شد. بعد از خارج‌سازی هسته از تخمک، هسته یکی از این سه سلول از طریق فرآیند میکرواینجکشن در داخل تخمک جایگزین شد و این تخمک‌ها هم‌زمان با میکرواینجکشن یا بعد از گذشت ۱ تا ۶ ساعت فعال می‌شدند. اوسیت‌ها در محیط کشت حاوی یون استرانسیوم و سیتوکالازین B فعال می‌شوند. یون استرانسیوم سبب فعال‌سازی می‌شود؛ در حالی که سیتوکالازین B از تشکیل جسم قطبی جلوگیری می‌کند و باعث می‌شود اوسیت کروموزوم‌های خود را از دست ندهد. فعال‌سازی با تأخیر نسبت به فعال‌سازی هم‌زمان پس از انتقال هسته دهنده به داخل تخمک فاقد هسته در ایجاد نمو طبیعی به مراحل مرولا/بلاستوسیست بسیار مؤثر است. این تأخیر احتمالاً تشکیل ساختمان‌های پیش‌هسته‌ای را تسهیل می‌نماید. در این دوره از آزمایش‌ها، هسته سلول کومولوس منجر به تولد موش زنده نمویافته شد. در حالی که بعضی از سلول‌های دریافت‌کننده هسته این دو سلول نمو می‌یافتند، نمو تنها به مدت ۸/۵ روز ادامه می‌یافت. هنوز آشکار نشده است که چرا دو سلول سرتولی و عصبی برای تحریک فرآیند نمو موفق نیستند؛ اما فرض می‌شود که وضعیت استراحت آن‌ها برای انجام برنامه‌ریزی مجدد مناسب نبوده است.^۱

۱. شریفی، شهرآشوب، علی‌ناظمی و مهرداد هاشمی، شبیه‌سازی انسان، صص ۳۰-۳۲؛

۴-۱. پیشینه شبیه‌سازی

در این بخش، از پیشینه شبیه‌سازی در گیاهان، جانوران و انسان بحث می‌کنیم:

۴-۱-۱. پیشینه شبیه‌سازی در گیاهان

همانندسازی در گیاهان پدیده‌ای است که کشاورزان صدها سال است که با آن آشنایی دارند و جای تعجبی ندارد. اما دانشمندان در سال ۱۹۶۰ موفق به شبیه‌سازی گیاهان شدند^۱ و در حال حاضر نیز مهندسی ژنتیک انقلابی بزرگ را در عرصه کشاورزی به وجود آورده است. اختصاص قریب به ۶۰ میلیون هکتار از اراضی زراعی جهان به کشت گیاهان تراریخته (حاصل از مهندسی ژنتیک) در سال ۲۰۰۲ تولید، مصرف و رهاسازی میلیاردها تن موجودات زنده دست‌ورزی شده را به دنبال داشت. مهندسی ژنتیک و دست‌ورزی گیاهان زراعی و تولید گیاهان با مقاومت مطلق در مقابل آفات و امراض نباتی و بی‌نیاز از کاربرد سموم خطرناک، تحولی را در کشاورزی ایجاد کرده است که تنها با انقلاب سبز قابل مقایسه است.

۴-۱-۲. پیشینه شبیه‌سازی در جانوران

آزمایش‌های همانندسازی در حیوانات، مراحل مختلفی را طی کرده است که عبارتند از:

۱- ۱۸۹۰ میلادی: هانس اسپمان، با تولد اولین خرگوش‌ها به وسیله تکنیک انتقال جنین خود، پیوند زدن هسته‌های سلولی به داخل تخمک تخلیه شده را امری قابل تحقق اعلام کرد.^۲

۲- ۱۸۹۴ میلادی: هانس دریش،^۳ توتیای دریایی را در مرحله سلولی جدا کرد و دو فرد شبیه به هم تولید نمود.

۳- ۱۹۰۱ میلادی: هانس اسپمان، سمندر را در مرحله دو سلولی جدا کرد.

۳- ۱۹۵۲ میلادی: رابرت بریگز و توماس کینگ، اولین عمل همانندسازی حیوانات را در قورباغه‌ها انجام دادند. بعد از آن نیز، باردار شدن یک گاو از طریق اسپرم‌های منجمد شده صورت گرفت که گاو مذکور یک گوساله سالم و طبیعی به دنیا آورد.

۱. پور قهرمانی، بابک، «نگاهی بر پدیده شبیه‌سازی انسان»، ص ۲.
۲. «انسان در تکاپوی همسان‌سازی»، حیات نو اقتصادی، ۸۲ / ۴ / ۹.

۴- ۱۹۶۱-۱۹۶۲ میلادی: جان گوردون از سلول‌های تمایز یافته قورباغه، نوزادهای کلون‌شده قورباغه به دست آورد.^۱

۵- ۱۹۶۳ میلادی: جی - بی - اس هالدین اصطلاح کلون را به کار برد.

۶- ۱۹۷۷ میلادی: کارل ایلمنس از دانشگاه جنوا متهم شد که به دروغ ادعا کرده موشی را کلون کرده است.^۲

۷- ۱۹۸۴ میلادی: استین ویلادسن، دانشمند دانمارکی، ادعا کرد که او با استفاده از سلول‌های جنین اولیه گوسفند یک کپی ژنتیک از یک بره ساخته است، روندی که امروزه ایجاد دو قلویی نامیده می‌شود.

۸- ۱۹۸۶ میلادی: ویلادسن با استفاده از سلول‌های تمایز یافته موفق به شبیه‌سازی گاو شد.^۳

۹- ۱۹۹۷ میلادی: این آزمایش‌ها ادامه داشت تا این‌که در سال ۱۹۹۷ ایان ویلموت دانشمند اسکاتلندی اعلام کرد که گوسفندی (دالی) از طریق کشت ژنی (همانندسازی) تولد یافته است. در این‌جا، خلاصه‌ای از آزمایش‌ها و اقدامات او به اختصار آورده می‌شود:

ایان ویلموت ۲۷۷ سلول غیرجنسی گوسفند را در ۲۷۷ تخمک تخلیه شده از هسته، قرار داد. آن‌گاه این تخمک‌ها را در رحم گوسفندان دیگری کاشت. نتیجه‌ای که به دست آمد، این بود:

۱- از مجموع تخمک‌های کاشته شده در رحم تنها ۱۳ مورد حاملگی حاصل شد.
۲- از میان ۱۳ مورد، ۱۲ مورد سقط کردند و تنها یک مورد به طور موفقیت‌آمیز مدت حاملگی را به پایان رساند و آن گوسفندی بود که «دالی» را به دنیا آورد و نسخه برابر اصل گوسفند مادر بود.

۳- نسبت موفقیت آزمایش‌های ایان ویلموت که جنجال بسیاری به پا کرد، ۰/۳ درصد بود. جالب این است که اعلام شد این گوسفند به پیری زودرس دچار گشته است و متعاقب آن اعلام شد که به خاطر ابتلا به نوعی بیماری در گذشته است. البته به

1. Berardino, Marie A., "Cloning: Past, present and the exciting future", Breakthroughs in Bioscience, available at: <http://www.faseb.org/opar> (20 Nov 2010)

۲. «سال‌شمار کلون‌سازی»، ویژه‌نامه شرق، بهمن ۱۳۸۴، ص ۱

۳. حسینی‌پژوه، خسرو، شبیه‌سازی و فناوری سلول بنیادی، صص ۱۲۹-۱۳۱

غیر از پیری زودرس، بیماری‌های دیگری نیز در انتظار حیوانات شبیه‌سازی شده، قرار دارد. چاقی مفرط، ورم و آماس بافت‌های ماهیچه‌ای و ورم مفاصل از این جمله‌اند.

۱۰- ۱۹۹۷ میلادی: تنها یک هفته بعد از اعلام تولد دالی، دانشمندان با ایجاد مصنوعی دو قلبی همسان، به روش شکافت رویان، در یک میمون زورس یک قدم به شبیه‌سازی انسان نزدیک‌تر شدند.

۱۱- ژوئای ۱۹۹۷ میلادی: دانشمندانی که دالی را به وجود آورده بودند، خبر دادند که آن‌ها بره‌ای تولید کرده‌اند که در تمام سلول‌های بدنش دارای یک ژن انسانی است. این بره که پالی نامیده می‌شد با استفاده از روشی مشابه دالی ایجاد شده بود.

۱۲- ژوئای ۱۹۹۸ میلادی: ریوزو یاناگیمایچی و دانشجوی فوق دکترایش تروهیکو واکایاما توانستند حدود ۵۰ موش را از سلول‌های بالغ، شبیه‌سازی کنند.

۱۳- دسامبر ۱۹۹۸ میلادی: دانشمندان ژاپنی گزارش کردند که با شبیه‌سازی یک گاو، ۸ گوساله شبیه‌سازی شده تولید کرده‌اند. این گاوها سومین پستانداری بودند که شبیه‌سازی می‌شدند.

۱۴- مارس ۲۰۰۰ میلادی: گروهی که دالی را ایجاد کردند گزارش ایجاد اولین خوک شبیه‌سازی شده را نیز ارائه دادند.

۱۵- ژانویه ۲۰۰۱ میلادی: یک گوساله آسیایی از نژادی در حال انقراض که به صورت کلونینگ به وجود آمده بود، بعد از تولدش در اثر یک بیماری معمولی تلف شد.^۱

۱۶- ۲۰۰۲ میلادی: پژوهشگران مؤسسه AM تگزاس در ماه فوریه ادعا کردند که برای اولین بار یک گربه خانگی را شبیه‌سازی کرده‌اند. گربه کلون شده CC نامیده شد. در واقع این گربه دوقلوی ژنتیک مادرش بود.

۱۷- ۲۰۰۳ میلادی: نخستین اسب شبیه‌سازی شده جهان که «پرومیتا» نامیده شد، در آزمایشگاه مهندسی ژنتیک کرایوزوتک فرانسه به دنیا آمد.

۱۸- ۲۰۰۴ میلادی: دانشمندان کره‌ای برای نخستین بار موفق به شبیه‌سازی ژنتیک یک سگ شدند.

۱۹- ۲۰۰۵ میلادی: دومین اسب شبیه‌سازی شده به دنیا آمد، این کره اسب به لحاظ ژنتیک نمونه عینی اسبی به نام «پیه‌زا» بود که زمانی در رشته استقامت، قهرمان جهان شده بود.^۱

۱-۴-۳. پیشینه شبیه‌سازی در انسان

۱- ۱۹۹۳ میلادی: جری هال محقق آمریکایی با اقدام به شبیه‌سازی انسان از طریق جنین مورد اعتراض افکار عمومی مردم سرتاسر جهان واقع گردید.^۲

۲- ۲۰۰۱ میلادی: سازمان «فن‌آوری سلول پیشرفته» در ورکستر واقع در ماساچوست اعلام کرد که از طریق شبیه‌سازی DNA انسان، که تا سطح شش سلولی رشد کرده بود، جنینی تولید کرده‌اند.

۳- ۲۰۰۳ میلادی: پروژه ژنوم انسان که تلاشی است در جهت آشکار ساختن نقشه و توالی قرار گرفتن کلیه ژن‌های انسان به طور رسمی کامل شد و در جریان پیشرفت تحقیقات مربوط به شبیه‌سازی، مؤثر واقع گشت.^۳

۱. «سال‌شمار کلون‌سازی»، ص ۲

۲. شیخ‌اسلامی، محمد جواد، «انسان تکثیری؟ علم در راه تکثیر گام‌های نهایی را بر می‌دارد»، ص ۸۵

۳. «اختلاف‌نظر درباره شبیه‌سازی»، صفحه اول، شماره ۶۹، ۱۳۸۲، ص ۲

فصل دوم: دستاوردها و عواقب نامطلوب شبیه‌سازی در علم پزشکی

در این بخش، به بررسی دستاوردها و عواقب نامطلوب شبیه‌سازی مولد و شبیه‌سازی درمانی می‌پردازیم:

۱-۲. دستاوردهای شبیه‌سازی مولد در علم پزشکی

شبیه‌سازی مولد انسان دستاوردهای بسیاری در جانوران و انسان دارد که به تفکیک بررسی می‌شود:

۱-۱-۲. دستاوردهای شبیه‌سازی مولد در انسان

بسیاری از دانشمندان برای شبیه‌سازی مولد در انسان دستاوردهایی را برشمرده‌اند که به مواردی از آن‌ها در ذیل اشاره می‌شود:

- ارضای حس کنجکاوی بشر

بشر به صورت ذاتی (فطری) ذهن خلاق و جستجوگر دارد که در طول تاریخ به دنبال نوآوری و کشف راز و رمزهای هستی بوده است. این حرکت بشری، هیچ‌گاه متوقف نگردیده است؛ گرچه در برهه‌هایی از تاریخ، کندی و شتاب یافته است. ابداع روش شبیه‌سازی نیز به دنبال همین حرکت همیشگی بشر شکل گرفته است و تحقق آن برای ارضای حس کنجکاوی فطری آدمی مفید است. با این حال اگر روش فوق، پیشرفت زیادی نیافته است، تنها ناشی از دانش اندک ما پیرامون این روش نیست؛ بلکه مربوط به موانع اخلاقی، اجتماعی و سیاسی است که در راه اجرای آن، محدودیت ایجاد نموده است. نگرش مخالفان، باعث شده است تعداد کمتری موجود شبیه‌سازی شده ایجاد گردد و کلون‌های محدودی به وجود آید. بدیهی است انسانی که در مسیر اکتشافات علمی و تکنولوژی گام برمی‌دارد و دائماً در حال توسعه آن در اکثر زمینه‌های زندگی خویش است، امکان ندارد در مقابل یکی از مهم‌ترین کشف‌های خود یعنی

شبیه‌سازی توقف کند و به خواست ذاتی خود پشت نماید و ارضای حس کنجکاوی خویش را نادیده بگیرد.^۱

– امکان پیشرفت در درمان نازایی

این روش می‌تواند در کمک به باروری انسان مؤثر واقع شود، گرچه هنوز مراحل اولیه خود را سپری می‌کند و به صورت گسترده درنیامده است و نکات و اختلاف‌نظرهای زیادی پیرامون آن مطرح است. اما همانند بسیاری از روش‌های باروری آزمایشگاهی که فصل جدیدی در بیولوژی زاد و ولد انسان‌ها به وجود آوردند و بسیاری از افراد بشر را از مشکل نازایی نجات دادند، این روش نیز فصل جدیدی در درمان نازایی خواهد گشود و به بشر کمک شایانی خواهد نمود. برای مثال، اگر مرد قادر به تولید اسپرم دارای عملکرد نباشد یا اصلاً فاقد اسپرم باشد، قرار دادن هسته یکی از سلول‌های بالغ چنین مردی به درون تخمک همسرش، از نظر تئوری می‌تواند منجر به ایجاد کودکی با ساختار ژنتیکی مرد گردد. این کاربرد توسط وینسون و کاهن در سال ۱۹۹۷ در مقاله‌ای بیان گردید. در این صورت چون دو رشته کروموزومی از پدر گرفته شده است، زن از نظر ژنتیکی اندکی بیش از مادر جانشین (یا رحم استیجاری) در ساختار کودک نقش دارد.^۲ یا برای مثال محققان توانسته‌اند از سلول‌های لوله فالوپ زنی که قادر به تولید تخمک نیست، تخمک بسازند. این تخمک را می‌توان با اسپرم شوهر چنین زنانی بارور ساخت و لذت بچه‌دار شدن را برای آنان به ارمغان آورد.^۳

۲-۱-۲. دستاوردهای شبیه‌سازی مولد در جانوران

از دستاوردهای شبیه‌سازی مولد در حیوانات می‌توان به تولید دام‌های تغییر ژن یافته، کمک به تحقیقات، تولید جانوران دهنده عضو یا بافت پیوندی به انسان، افزایش جمعیت گونه‌های جانوری در معرض انقراض و ظهور مجدد گونه‌های منقرض شده و بهبود ژنتیک دیگر گونه‌های جانوری اشاره کرد که در ذیل به توضیح آن می‌پردازیم:

۱. نورمحمدی، غلامرضا، شبیه‌سازی انسان، بیم‌ها و امیدها، ص ۹۵

۲. همان، ص ۹۶

۳. سالاری، حسن، شبیه‌سازی انسان، تهران، حکیمان، ۱۳۸۱، ص ۱۵۴؛ ناردو، دان، تازه‌هایی از علم امروز: کلون‌سازی، ترجمه حمیده علمی غروی، تهران، فاطمی، ۱۳۸۵، صص ۳۸-۴۰؛

"Biological uncertainties about reproductive cloning", The lancet, Vol.358, No. 9281, 2001, p: 519 and Farnsworth, Joseph, "To clone or not to clone: The ethical Question", p:2

– تولید دام‌های تغییر ژن یافته

شاید مهم‌ترین استفاده از کلونینگ در حیوانات، شبیه‌سازی حیوانات تراریخت یا ترانس‌ژنیک باشد.^۱ جانوران تراریخته به جانورانی گفته می‌شود که یک ژن بیگانه به ژنوم آن‌ها منتقل شده باشد. این ژن انتقال یافته می‌تواند:

– یک ژن انسانی مولد یک پروتئین یا یک هورمون انسانی (مثل انسولین انسانی) باشد تا دام‌های تغییر ژن یافته‌ای تولید شوند که در شیرشان داروها و مواد بیولوژیک مورد مصرف انسان ترشح شود؛ مثلاً گاوهایی که در شیرشان انسولین انسانی وجود داشته باشد.^۲

– ژنی باشد که یک بیماری مخصوص انسان را در جانوران ایجاد کند تا به عنوان یک مدل تحقیقاتی مورد مطالعه قرار گیرند.^۳

– ژنی باشد که باعث تولید دام‌هایی با خصوصیات بهتر شود، مثلاً دام‌هایی با تولید شیر، گوشت و یا پشم بیشتر و یا دام‌هایی که در برابر بیماری‌ها مقاوم‌تر باشند.^۴

– کمک به تحقیقات

اگر جانورانی که در یک طرح تحقیقاتی مورد استفاده قرار می‌گیرند، از نظر فیزیولوژی کاملاً یکسان باشند، نتایج آزمایش‌ها بسیار دقیق‌تر و انجام آن‌ها راحت‌تر خواهد بود.^۵

۱. حسینی‌پژوه، خسرو، شبیه‌سازی و فناوری سلول بنیادی، ص ۱۰۸؛ پاشای‌آهی، احسان و محمدحسن حیدری، مبانی علمی شبیه‌سازی انسان و انتقال ژن، ص ۱۱۲؛

Revel, Michel, 1998, "Reproductive by cloning: a new ethical challenge", available at: <http://www.medethics.org.il/articles/JME/JMEB1/JMEB1.14.asp> (10 Sep 2010); Morgan, Rose M., *The genetic revolution, history fears and future of a life-altering science*, pp.: 170-171 and "On human cloning: A position statement of Australian academy of science", p: 9; Andrews, Lori B., "Cloning human beings: The Current and future legal status of cloning", available at: <http://bioethics.georgetown.edu/nbac/pubs/cloning2/cc6.pdf> (10 Nov 2010) and "Cloning human beings: Report and recommendations of the National Bioethics Advisory Commission", 1997, available at: http://bioethics.georgetown.edu/pcbe/reports/past_commissions/nbac_cloning.pdf (10 Nov 2010)

۲. حسینی‌پژوه، خسرو، شبیه‌سازی و فناوری سلول بنیادی، ص ۱۰۸

۳. همان، ص ۱۰۸؛ «در آستانه تولید انسان سفارشی»، راه مردم، ۱۵ و ۱۶ / ۷۸

۴. همان، شبیه‌سازی و فناوری سلول بنیادی، ص ۱۰۸

۵. همان، ص ۱۱۰ ←

- تولید جانوران دهنده عضو یا بافت پیوندی به انسان

شبیه‌سازی برای تولید جانورانی که بتوان از اعضا و بافت‌های آن‌ها برای پیوند به انسان استفاده کرد، زمینه دیگری است که به همان اندازه تولید داروها می‌تواند هیجان‌انگیز باشد. مثلاً دانشمندان در پی ایجاد کلونینگ در خوک هستند تا خوک‌هایی به وجود آید که بتوان از اعضای آن‌ها برای پیوند به انسان استفاده کرد، بدون آن‌که پس زده شوند.^۱

- افزایش جمعیت گونه‌های جانوری در معرض انقراض و ظهور مجدد گونه‌های منقرض شده

شبیه‌سازی به عنوان یک راه‌کار منحصر به فرد جهت حفظ گونه‌های در معرض انقراض مورد توجه است. تلاش برای حفظ یک نشخوارکننده وحشی به نام «گار» به وسیله شبیه‌سازی با تخمک گاو به عنوان گیرنده منجر به تولید حیوانی گشت که زنده نماند. این شکست ممکن است مربوط به خود تکنیک شبیه‌سازی باشد و لزوماً مرتبط با هم‌آوری دو گونه مختلف جهت تولید کلون مورد نظر نیست. همین روش در مورد نشخوارکننده وحشی دیگری با موفقیت همراه بوده است. از قوچ‌های کوهی مرده سلول‌هایی اخذ شد و هسته آن‌ها به داخل تخمک فاقد هسته گوسفند انتقال یافت. در نهایت، یک قوچ کوهی با ظاهر سالم متولد شد.

آزمایش‌های دیگری در مورد دیگر گونه‌های در معرض انقراض انجام گرفت. کارایی پایین تکنیک شبیه‌سازی و همین‌طور محدودیت‌های مالی موجب کاهش شانس این ره‌یافت برای رسیدن به سطح قابل توجهی از موفقیت گشته است.^۲

→ Andrews, Lori B., "Cloning human beings: The Current and future legal status of cloning", p:9 and "Cloning human beings: Report and recommendations of the National Bioethics Advisory Commission", p:24

۱. حسینی‌پژوه، خسرو، شبیه‌سازی و فناوری سلول بنیادی، ص ۱۱۰؛ «مشابه‌سازی ژنتیکی موجودات: بیم‌ها و امیدها»، کار و کارگر، ۷۸/۳/۶

۲. پاشای‌آهی، احسان و محمدحسن حیدری، مبانی علمی شبیه‌سازی انسان و انتقال ژن، ص ۱۱۴؛ میرزایی، مجید و الهام حاج‌صالحی، «هماندسازی انسان: معجونی از بیم و امید»، اطلاعات علمی، سال سیزدهم، شماره ۴، ۱۳۷۷، ص ۴۴؛ حسینی‌پژوه، خسرو، شبیه‌سازی و فناوری سلول بنیادی، ص ۱۱۰؛

Morgan, Rose M., The genetic revolution, history fears and future of a life-altering science, p: 172

- بهبود ژنتیک دیگر گونه‌های جانوری.^۱

۲-۲. عواقب نامطلوب شبیه‌سازی مولد در علم پزشکی

هر چند برای شبیه‌سازی مولد دستاوردهایی برشمرده شده است، اما این فرآیند عواقب نامطلوبی نیز دارد که در ذیل به توضیح آن‌ها می‌پردازیم:

- پیری زودرس در شبیه‌سازی مولد

در شبیه‌سازی مولد، هسته سلول جسمی یک فرد بالغ اخذ و درون یک تخمک بدون هسته گذاشته می‌شود که این سلول بارها بیشتر تقسیم شده و به این ترتیب از عمر طبیعی آن کاسته شده است. در نتیجه هنگامی که فردی به این شکل شبیه‌سازی شود، آغاز عمر او را نباید از بدو تولد خود وی حساب کرد؛ بلکه عمر وی از زمان تولد شخصی در نظر گرفته می‌شود که هسته سلول از او برداشته شده است.^۲ لازم به ذکر است که اثبات این مطلب نیاز به مطالعات دقیق‌تر و کامل‌تر دارد، ولی می‌توان آن را به عنوان یکی از عواقب نامطلوب شبیه‌سازی فرض نمود.

- نایمنی شبیه‌سازی مولد

تجربه موفق شبیه‌سازی دالی، مسبوق به ۲۷۶ تجربه شکست خورده بود؛ معنای این رقم آن است که با اعمال این تکنیک در مورد گوسفندان حدود ۰/۳ یا کمتر از نیم درصد موفق خواهیم بود و این مسأله به خوبی ناکارآمدی و نایمنی آن را می‌رساند. به نوشته گرووری ای‌پنس هنگام انجام شبیه‌سازی و انتقال هسته، سه خطا ممکن است رخ دهد:

- عمل انتقال و ادغام هسته در تخمک نادرست انجام شود.

- تغییرات کروموزومی خاصی رخ دهد؛ مانند اتفاقاتی که برای برخی از آزمایش‌های ویلموت رخ داد.

۱. میرزایی، مجید و الهام حاج‌صالحی، «هماندسازی انسان: معجونی از بیم و امید»، ص ۴۴
۲. اسلامی، سید حسن، «چالش‌های اجتماعی و علمی شبیه‌سازی انسان»، کاوشی نو در فقه اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۴۷، ۱۳۸۵، ص ۲۱۶؛ تمیز بختیاری، الهام، «هماندسازی انسان؛ افسانه یا جنون»، طبیب مردم، سال سوم، شماره ۲۴، ۱۳۸۱، ص ۱۳

- با گذر عمر، طول تلومرها کوتاه می‌شود و از عمر مورد انتظار جنین می‌کاهد.^۱ در ضمن به این مورد می‌توان هزینه سنگین را هم اضافه کرد که به طور کلی، امکان شبیه‌سازی انسان را کاهش می‌دهد.^۲

- کاهش تنوع بیولوژیک انسان‌ها

شبیه‌سازی مولد سبب می‌شود که تنوع ژنتیک در میان انسان‌ها که از طریق تولیدمثل جنسی صورت می‌پذیرد، کم شود.^۳ به علاوه طبیعتاً اکثر کسانی که هسته اولیه‌شان مانند یکدیگر باشد، در برابر بیماری‌های مختلف به یک اندازه مصونیت یا درمندی از خود نشان می‌دهند. به طور مثال، میزان مقاومت یا عدم مقاومت آنان در برابر بیماری سرماخوردگی به یک اندازه خواهد بود و این ویژگی در موجودات شبیه‌سازی شده سبب می‌شود تا همه این افراد در برابر یک ویروس خاص مصون نباشند و از بین بروند.

- احتمال ابتلا به بیماری‌های پیش‌بینی نشده

دکتر ویدن هوس متخصص ژنتیک می‌گوید: «فشار خون بالا، اضافه وزن، مشکلات قلبی، دیابت، مشکلات سیستم دفاعی، مشکلات پنهان ژنتیک، عمده معضلاتی است که نوزاد شبیه‌سازی شده با آن درگیر خواهد بود».^۴ هم‌چنین حیوانات شبیه‌سازی شده در برابر عفونت‌ها بسیار غیرمقاوم هستند و اکثر آن‌ها رشد غیرطبیعی دارند و گاه به ادله نامشخص به یک‌باره می‌میرند. هری گریفین رئیس انستیتو روزلین، در این باره می‌گوید: «آمار میزان موفقیت در روند شبیه‌سازی حیوانات یک تا دو درصد است؛ اما من معتقدم شانس ما از این هم کم‌تر است. سقط جنین، مرگ بعد از تولد و بیماری در بین حیوانات شبیه‌سازی شده بسیار بالاست». البته بیماری‌های نادرتری نیز هم‌چون آماس

۱. اسلامی، سید حسن، «چالش‌های اجتماعی و علمی شبیه‌سازی انسان»، ص ۲۲۱؛

Farnsworth, Joseph, "To clone or not to clone: The ethical Question", p:2

۲. جهانتاب، مهدی، «شبیه‌سازی»، جمهوری اسلامی، ۸۴/۴/۳۱

۳. فهیم گلستانه، آزاده، «همانندسازی از دالی تا انسان»، اطلاعات علمی، سال هفدهم، شماره ۲، ۱۳۸۱، ص ۲۹؛

Farnsworth, Joseph, "To clone or not to clone: The ethical Question", p:2

۴. بواسیله، بریژیت، «فاجعه در دانش بشری: شبیه‌سازی انسان»، ترجمه مریم واحدی، راه مردم، ۸۱/۱۰/۱۷

بافت‌های ماهیچه‌ای وجود دارند. شبیه‌سازی ژن‌ها را متلاشی می‌کند و شکستن ژن‌ها یکی از ادله سقط مکرر جنین است.^۱

۳-۲. دستاوردهای شبیه‌سازی درمانی در علم پزشکی

از دستاوردهای شبیه‌سازی درمانی در علم پزشکی، تولید سلول‌های بنیادی است که البته استفاده از آن، همراه با عواقبی است که در ذیل هر دو مورد را بررسی می‌کنیم:

– تولید سلول‌های بنیادی جهت استفاده در درمان

پیش از آغاز بحث درباره سلول‌های بنیادی لازم است درباره انواع سلول‌های موجود در بدن انسان نیز بحث شود.

انواع سلول‌های بدن انسان

الف – سلول‌های بدنی:^۲ سلول‌هایی که بدن یک فرد بالغ را می‌سازند و در همان حالت تمایز یافته‌شان، هم‌چنان حاوی همه اطلاعات ژنومی موجود زنده هستند.

ب – سلول‌های رویشی:^۳ سلول‌هایی که به سلول‌های جنسی (اسپرم در مردان و تخمک در زنان) تبدیل می‌شوند.

ج – سلول‌های بنیادی:^۴ سلول‌هایی که در محیط کشت به شکل غیرمحدود تقسیم می‌شوند و توانایی تبدیل به انواع سلول‌های موجود در فرد بالغ دارند. بعد از هر تقسیم در سلول بنیادی، سلول‌های بنیادی می‌توانند به سمت راه‌هایی تمایزی بروند (یعنی به نوعی خاص از سلول‌های بدن تبدیل گردند) و یا این‌که به شکل سلول بنیادی باقی بمانند. نامساوی بودن تعداد سلول‌هایی که این دو راه را برمی‌گزینند، تضمین‌کننده ایجاد و حفظ اندام‌ها و بافت‌های مختلف بدن است.^۵

۱. سلول‌های بنیادی، صص ۱۷-۱۸

2. Somatic Cells

3. Germ Cells

4. Stem Cells

۵. علی‌احمدی، امیر، بررسی جنبه‌های اجتماعی و تحقیقات شبیه‌سازی و سلول‌های بنیادی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۸۶، ص ۱۹؛ "Statement on cloning", p: 1042

ویژگی‌های سلول‌های بنیادی

این سلول‌ها دو ویژگی دارند:

- ۱- سلول‌های بنیادی، سلول‌هایی غیر تخصصی هستند که می‌توانند به روش تقسیم سلولی و به مدت طولانی سلول‌هایی مشابه خود را تولید کنند.
- ۲- تحت شرایط فیزیولوژیک یا تجربی خاص به سلول‌هایی کاملاً تخصصی تبدیل می‌شوند.^۱

انواع سلول‌های بنیادی

الف - سلول‌های بنیادی رویانی

این سلول‌ها را می‌توان از توده سلولی که ۵ تا ۷ روز پس از لقاح ایجاد می‌شود، به دست آورد. در این مرحله، توده سلولی بلاستوسیست نام دارد. سلول‌های بیرونی این توده به جفت و غشاهای رویانی تبدیل می‌شوند و سلول‌های درونی آن، سلول‌های بنیادی رویانی هستند. این سلول‌ها پرتوان هستند. پرتوانی به معنای توانایی تشکیل چندین نمونه سلولی، از هر سه لایه سازنده پستانداران (مزودرم، آندودرم و اکتودرم) است، ولی به معنای توانایی ایجاد یک موجود زنده کامل نیست. سلول‌های بنیادی رویانی بر اساس تئوری، می‌توانند همه ۲۱۶ نوع سلول بدن را بسازند.

چهار منبع بالقوه برای دستیابی به سلول‌های رویانی وجود دارند: بافت‌های جنین‌های مرده، رویان‌های حاصل از لقاح خارج رحمی بین اسپرم و تخمک، رویان‌های حاصل از شبیه‌سازی به روش انتقال هسته سلول بدنی و بافت‌های حاصل از جنین‌های سقط شده.

ب - سلول‌های رویشی رویانی: این سلول‌ها که از غدد جنسی رویان در حال رشد به دست می‌آیند، سلول‌هایی هستند که در نهایت به اسپرم و تخمک (بر حسب جنس رویان) تبدیل خواهند شد. سلول‌های رویشی رویانی از رویان‌های ۹-۵ هفته‌ای که

۱. نوری دلوئی، محمدرضا، «سلول‌های بنیادی و پزشکی مولکولی: فرصت‌ها و چالش‌ها و چشم‌انداز»، شرق، بهمن ۱۳۸۴، ص ۵؛ سلول‌های بنیادی، ص ۲۸؛ شفیع شیدلو، م.، «سلول‌های بنیادی و آینده پزشکی»، پزشکی امروز زنان، سال اول، شماره ۱، بهار ۱۳۸۲، ص ۱۵

سقط شده‌اند، به دست می‌آیند. این سلول‌ها هم پرتوان هستند و قابلیت تبدیل به انواع سلول‌ها را دارند.

ج - سلول‌های سرطانی رویانی: دودمان‌های سلولی هستند که از تومورهای منشأ گرفته از سلول‌های رویشی رویانی به دست می‌آیند. این سلول‌ها تا به حال بیشتر برای مقاصد تحقیقاتی، به ویژه در مطالعه مراحل تکامل و تمایز جانوران در شرایط آزمایشگاهی به کار رفته‌اند. دودمان سلولی به معنای جمعیتی از سلول‌هاست که از یک سلول تک به دست آمده‌اند و هم‌زمان با حفظ ویژگی‌های سلول اولیه، قابلیت رشد نامحدود و پیوسته در شرایط کشت آزمایشگاهی را دارند. برخی دودمان‌های سلولی سرطانی رویانی پرتوان هستند.

د - سلول‌های بنیادی خون بند ناف: سلول‌های خونی موجود در بند ناف، می‌توانند منبعی مطمئن برای نیازهای درمانی آینده شخص یا وابستگان نزدیک او باشند. این سلول‌ها هم توانایی تبدیل به برخی از انواع سلول‌ها را دارند.

هـ سلول‌های بنیادی بالغ یا غیررویانی: این سلول‌ها نسبت به سلول‌های بنیادی رویانی و رویشی رویانی، تمایز یافته‌ترند، ولی تمایز آن‌ها کامل نشده است و می‌توانند به بعضی از دودمان سلولی تخصص یافته‌تر تبدیل گردند. این سلول‌ها را می‌توان از رویان، جنین، کودک و بزرگسال جدا کرد؛ اصطلاح «Adult» درباره آن‌ها از ابتدا به اشتباه به کار برده شده است. سلول‌های بنیادی غیررویانی معمولاً به رده‌های مشابه سلولی تبدیل می‌گردند؛ مثلاً سلول‌های بنیادی خون به گلبول‌های سفید و قرمز و پلاکت‌ها تبدیل می‌شوند و به اصطلاح دارای توانایی چندگانه^۱ هستند. توانایی چندگانه به معنای توانایی تبدیل به محدوده کوچکی از سلول‌ها و بافت‌ها، برحسب محل جداسازی سلول بنیادی است. اخیراً گروهی از سلول‌های بنیادی غیررویانی یافت شده‌اند که می‌توانند به هر سه گروه سلولی سازنده یک جانور تبدیل شوند. به آن‌ها دسته سلولی اطلاق می‌شود. این سلول‌ها علی‌رغم نامشان در گروه سلول‌های پرتوان جای می‌گیرند.^۲

1. Multipotent

۲. علی‌احمدی، امیر، بررسی جنبه‌های اجتماعی و تحقیقات شبیه‌سازی و سلول‌های بنیادی، صص ۲۰-۲۲؛ لاریجانی، باقر و فرزانه زاهدی، «مسائل اخلاقی در همانندسازی و پژوهش‌های سلول‌های بنیادی»، دیابت و لپید ایران، سال چهارم، ویژه‌نامه، ص ۹۵

کاربرد سلول‌های بنیادی

کاربرد سلول‌های بنیادی در درمان، ژن درمانی و تحقیقات بسیار با اهمیت می‌باشد، پس در این بخش به بررسی آن‌ها می‌پردازیم:

- کاربرد سلول‌های بنیادی برای درمان

از سلول‌های بنیادی می‌توان برای بازسازی سلول‌ها یا بافت‌هایی استفاده کرد که بر اثر بیماری یا جراحات صدمه دیده‌اند. این نوع درمان به درمان سلولی معروف است. یکی از کاربردهای بالقوه این شیوه درمان، ترزیق سلول‌های بنیادی جنینی در قلب برای بازسازی سلول‌هایی است که بر اثر حمله قلبی صدمه دیده‌اند. از سلول‌های بنیادی می‌توان برای بازسازی سلول‌های مغزی بیماران مبتلا به پارکینسون نیز استفاده کرد. این بیماران فاقد سلول‌هایی هستند که ناقل عصبی موسوم به دوپامین را تولید می‌کنند. دیگر کاربرد سلول‌های بنیادی در درمان نارسایی‌های چشمی از جمله آسیب‌دیدگی قرنیه است.^۱ همچنین به بازسازی پوست در سوختگی‌های شدید نیز می‌توان اشاره کرد.^۲ درمان ضایعات نخاعی و برگرداندن حس توسط سلول‌های بنیادی به اندام‌های فاقد حس بیماران نیز از دستاوردهای شبیه‌سازی درمانی است. پیوند این سلول‌ها به مغز استخوان، و تبدیل شدن آن‌ها به سلول‌های سازنده سلول‌های خونی نیز در این زمینه حائز اهمیت است.^۳

- تولید سلول‌های بنیادی جهت استفاده در تحقیقات پزشکی

در این حالت، هدف اولیه، به دست آوردن سلول‌های بنیادی، توسعه تحقیقات پزشکی به منظور شناخت مکانسیم ناهنجاری‌های مادرزادی، ابداع درمان‌های جدید برای بیماری‌ها و ... است.^۴

۱. حاجیان، زهرا، «دستاوردهای مهم محققان ایرانی با بهره‌گیری از سلول‌های بنیادی»: در گفت‌وگو با ۵ پژوهشگر «مؤسسه رویان» تشریح شد، خراسان، ۸۴/۱۱/۱۸
۲. یک متخصص ایرانی: «روح انسان قابل همتاسازی با کلونینگ نیست»، گزارش گفتگو با ابوطالب صارمی، اطلاعات، ۸۱/۱۱/۳
۳. حسینی‌پژوه، خسرو، شبیه‌سازی و فناوری سلول بنیادی، ص ۱۱۸؛ پایا، علی، «سلول‌های بنیادی مبانی، کاربردها و چالش‌ها»، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۸۶، ص ۲۱
- "Cloning human beings: Report and recommendations of the National Bioethics Advisory Commission", p: 30
۴. صارمی، ابوطالب و شیرین یوسفیان، «کلونینگ دوست یا دشمن»، پزشکی قانونی، سال دوازدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۵، ص ۵۳

علاوه بر این، برای بررسی اثر داروها، سموم و مواد مختلف بر روی سلول‌ها در شرایطی که بسیار شبیه به شرایط واقعی بدن انسان باشد، به جای استفاده از کشت دودمان‌های سلولی قدیمی یا مدل‌های حیوانی، که نتایج حاصل از آن‌ها را نمی‌توان کاملاً به بدن انسان تعمیم داد، می‌توان از کشت سلول‌های بنیادی استفاده کرد.^۱

– ترمیم ژن‌های معیوب و درمان بیماری‌های ژنتیک (ژن‌درمانی)

دانشمندان می‌توانند سلول‌های هر فرد را شبیه‌سازی کنند و ژن‌های جهش‌یافته‌ای را که در او باعث ایجاد بیماری شده است و یا خواهد شد، تغییر دهند و ترمیم کنند. سپس این سلول‌های سالم را جایگزین سلول‌های معیوب بدن کنند. هر انسانی به طور متوسط دارای هشت ژن معیوب در سلول‌های خود است. با استفاده از این تکنولوژی می‌توان امیدوار بود که دیگر هیچ ژن معیوبی در سلول‌های ما نباشد.^۲

۴-۲. عواقب نامطلوب شبیه‌سازی درمانی در علم پزشکی

دانشمندان برای به دست آوردن سلول‌های بنیادی، یا باید از جنینی استفاده کنند که بارور شده است، یعنی جنین‌های حاصل از IVF، یا به روش شبیه‌سازی جنینی را از سلول بدن بیمار و تخمک اهدایی بسازند. در هر دو صورت برای جدا کردن سلول‌های بنیادی یک جنین، باید جنین از بین برود. که البته این مسأله راه‌حل‌های گوناگونی دارد؛ از جمله خارج کردن سلول‌های بنیادی از جنین به شیوه PGD^۳ که در آن سلول از جنین خارج می‌شود تا برای کشف اختلال‌های ژنتیک آزمایش شود. این فرآیند، جنین را دست نخورده باقی می‌گذارد و به این ترتیب، جنین می‌تواند به رشد خود ادامه دهد. مجری این طرح پروفیسور رابرت لاترا، مدیر امور پزشکی شرکت «تکنولوژی پیشرفته سلولی» در ماساچوست آمریکا و نویسنده اصلی مقاله نیچر است. راه‌حل دیگر آن است که این سلول‌ها را از منابع دیگری هم‌چون سلول‌های بزرگسالان و خون بند ناف به دست آورد.^۴

۱. علی‌احمدی، امیر، بررسی جنبه‌های اجتماعی و تحقیقات شبیه‌سازی و سلول‌های بنیادی، ص ۲۴؛

"On human cloning: A position statement of Australian academy of science", p:10

۲. حسینی‌پژوه، خسرو، شبیه‌سازی و فناوری سلول بنیادی، ص ۱۲۰

3. Genetic Diagnosis Pre-implantation

۴. شیرازی، پونه، «کلونینگ هم‌چنان در انتظار: شبیه‌سازی گوسفند در ایران از زبان دکتر رضا سامانی»، جام

جم، ۸۴/۱۰/۳

فصل سوم: ضرورت بحث فقهی و حقوقی درباره مسأله شبیه‌سازی

پس از آن‌چه در فصول گذشته درباره دستاوردها و عواقب نامطلوب شبیه‌سازی آورده شد، لزوم بحث از این مسأله در حوزه فقه و حقوق اسلامی بیشتر احساس می‌شود. اما آن‌چه در این بین مهم به نظر می‌رسد، کیفیت بحث و بررسی در حیطه این مسأله است.

اولاً این مسأله باید به طور دقیق بررسی گردد و تمام زوایای پنهان آن مشخص گردد؛ زیرا نمود علمی و پزشکی صحیح از این مسأله یاری‌گر فقها در تحدید حدود این مسأله در فقه است.

ثانیاً این پدیده نباید به تنهایی مورد بررسی قرار گیرد، بلکه این پدیده باید به صورت نظام‌مند بررسی شود و بررسی نظام‌مند به معنای بررسی این پدیده همراه با حوزه‌های دیگر هم‌چون علوم اجتماعی، علوم روان‌شناختی، علوم اقتصادی و سیاست است.

ثالثاً اتخاذ رویه‌ای واحد از سوی فقها درباره این مسأله، مدیران و برنامه‌ریزان متدین را از سرگردانی میان فتاوای متعدد درآورده، تکلیف دینی آنان را مشخص می‌سازد. در این صورت است که برنامه‌ریزان قادرند با برنامه علمی و منسجم گام در پیشرفت این علم بردارند و بدین‌سان ثابت گردد که اسلام با علم در تعارض نیست، بلکه بالاتر از آن، زمینه پیشرفت آن را نیز فراهم می‌کند.

جمع‌بندی بخش نخست

- شبیه‌سازی در لغت به معنای جوانه و ترکه چوب و در اصطلاح عبارت است از کشت هسته سلول غیرجنسی انسان یا حیوان - که دارای کروموزوم کامل است - در سلول تخمک عاری از هسته جنس ماده، و بارورکردن این تخمک به روش‌های ویژه در رحم طبیعی یا مصنوعی، به منظور تشکیل موجود زنده‌ای که از لحاظ شکل ظاهری، دقیقاً مانند صاحب هسته سلول اولیه باشد.

- شبیه‌سازی در طبیعت، امری جدید و نو به شمار نمی‌رود و در بسیاری از موجودات، صورت می‌گیرد.

- در طبیعت، تنها راه برای بهبود بخشیدن به ذخایر ژنتیکی گونه‌های مختلف، تولیدمثل جنسی است. اغلب گونه‌هایی که از طریق غیر جنسی تولیدمثل می‌کنند، از میان می‌روند و در موارد استثنایی تعدادشان محدود است. برخی از انواع جانوران هستند که بیشتر از طریق شبیه‌سازی تولیدمثل می‌کنند، اما این جانوران هر چند نسل یک بار هم از طریق جنسی تولیدمثل می‌کنند تا توانایی تطابق ژنتیک خود را با محیط حفظ کنند.

- شبیه‌سازی دارای گونه‌هایی است که هر یک کاربردها و عواقب خاص خود را دارد.

- شبیه‌سازی دارای انواعی است: ۱- شبیه‌سازی تکثیری ۲- شبیه‌سازی غیرتکثیری. شبیه‌سازی تکثیری خود به دو نوع شبیه‌سازی رویانی و شبیه‌سازی DNA تقسیم می‌شود.

- تکنیک‌ها و روش‌های شبیه‌سازی، شامل روش‌های انتقال هسته سلول سوماتیک، تکنیک روزلین و تکنیک هونولولو است.

- تلاش‌های بسیاری در زمینه شبیه‌سازی در گیاهان، جانوران و حتی انسان‌ها از دهه‌های پیش صورت گرفته است که گاهی موفقیت‌آمیز بوده و گاهی با شکست روبرو شده است.

۴۶ □ شبیه‌سازی در دیدگاه‌های دینی و اندیشه‌های حقوقی

- بسیاری از دانشمندان، برای شبیه‌سازی عواقب نامطلوب و دستاوردهایی بر شمرده‌اند که هنوز تعدادی از آن‌ها به مرحله اثبات نرسیده‌اند.
- نمود علمی و پزشکی صحیح از شبیه‌سازی می‌تواند یاری‌گر فقها در تحدید حدود این مسأله در فقه باشد.
- شبیه‌سازی باید به صورت نظام‌مند و در مقایسه با حوزه‌های دیگر علوم بررسی شود.
- اتخاذ رویه‌ای واحد از سوی فقها درباره این مسأله، تکلیف دینی دانشمندانی را که در این زمینه کار می‌کنند، مشخص می‌نماید.

بخش دوم: حکم شبیه سازی

فصل نخست: حکم شبیه‌سازی در ادیان ابراهیمی

ادیان الهی و ابراهیمی از بزرگترین ادیان در دنیا به شمار می‌روند و پیروانشان نیز بیشتر جمعیت زمین را تشکیل می‌دهند. بنابراین، ارزیابی نظرات این سه دین از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشد.

۲-۱. حکم شبیه‌سازی در دین یهود

احکام دین یهود به پنج دسته تقسیم می‌شوند:

- ۱- میصوا حیوی: ^۱ احکامی که انجام آن‌ها برای مکلف واجب است.
- ۲- میصوا قیومی: ^۲ احکامی که توصیه می‌شوند، اما واجب نیستند.
- ۳- موتار: ^۳ احکامی که جایز هستند.
- ۴- میصوا بیطول: ^۴ احکامی که منع می‌شوند، ولی ممنوع نیستند.
- ۵- آسور: ^۵ احکامی که ممنوعند.

در دین یهود، الزامات اخلاقی هم‌درجه الزامات حقوقی و قانونی هستند و دو حوزه مجزا به حساب نمی‌آیند.^۷ حال باید دید همانندسازی درمانی و مولد شامل کدام‌یک از این احکام خواهد شد؟

۲-۱-۱. حکم شبیه‌سازی درمانی

عالمان یهود در این زمینه سه دیدگاه متفاوت ارائه داده‌اند:

-
1. Mitzvah Chiuvi
 2. Mitzvah Kiyumi
 3. Mutar
 4. BituL Mitzvah
 5. Assur
 6. Broyde, Michael J., 2006, "cloning people and Jewish law: preliminary Analysis", available at: www.jlaw.com/Articles/cloning.html (10 Feb 2006)
 7. Katz, Leslie, 2009, "No halachic prohibition: Human cloning could benefit all of mankind, rabbi asserts", available at: <http://www.jweekly.com/article/full/7632/no-halachic-prohibition-human-cloning-could-benefit-all-of-mankind-rabbi-as/> (11 Oct 2009)

الف - وجوب

عده‌ای معتقدند که شبیه‌سازی درمانی یا تحقیقات در این زمینه با هدف درمان بیماری‌ها امری واجب و لذا حکم و فرمان خداوند است؛ زیرا تورات، ارزش فراوانی برای زندگی بشر قائل است. در ابتدای سفر آفرینش آمده است که همه انسان‌ها تجسم روح خدا هستند. پس از آفرینش مرد و زن، خداوند به آن‌ها قدرت داد که در نظارت بر جهان با او مشارکت نمایند. تورات دستور داده است که بیماران را درمان کنیم و تا آن‌جا که ممکن است بر بیماری‌ها فائق آییم. انجام چنین عملی در واقع مشارکت با خدا در حفاظت از جهان و موجودات آن است. در دین یهود، بر افزایش توان درمان و نجات زندگی افراد به عنوان بخش با ارزش زندگی انسان‌ها تأکید فراوانی شده است.^۱ بنابراین شبیه‌سازی درمانی در صورت ارتقای توانایی ما در درمان انسان‌ها، باید مورد استفاده واقع شود، به شرطی که در زندگی بشر تخریبی به وجود نیاورد.^۲ وجوب این عمل در تعالیم اخلاقی دین یهود به جهت دستور تورات در درمان افراد بیمار و نجات زندگی انسان‌هاست.^۳ این دستور به جهت اصل اخلاقی مسئولیت در دین یهود است؛ زیرا دین یهود به اصول اخلاقی تکلیف‌مدار پایبند است نه به اصول اخلاقی حقوق‌مدار.^۴

1. "Cloning Research, Jewish Tradition & Public Policy; A Joint Statement by the Union of Orthodox Jewish Congregations of America and the Rabbinical Council of America", 2008, available at: <http://www.ou.org/public/public/cloninglet.htm> (8 Sep 2008) and Sullivan, Bob, 2009, *Religions reveal little consensus on cloning*, available at: <http://www.msnbc.msn.com/id/3076930/> (11 Oct 2009)

2. "Cloning Research, Jewish Tradition & Public Policy; A Joint Statement by the Union of Orthodox Jewish Congregations of America and the Rabbinical Council of America", p:1

3. Sherwin, Byron L., 2009, "Biomedical Issue: A Jewish Perspective", available at: <http://www.jcrelations.net/en/?item=2599> (20 Sep 2010)

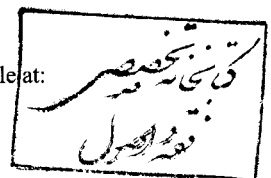
۴. در نظام حقوقی مسیحیت انگلیکان، سؤالات بر اساس حقوق مطرح می‌شود. حقوق من چیست؟ حدود حقوق من تا کجاست؟ حقوق دیگران چیست؟ در هنگام تعارض حقوق افراد چه باید کرد؟ برای نمونه، در این نظام حقوقی، سقط جنین در ارتباط با حق زندگی و حق انتخاب مطرح می‌شود. در حالی که این روش نظام حقوقی و اخلاقی یهود نیست. در نظام حقوقی یهود، این سؤالات با توجه به الزامات و وظایف افراد و نه حقوق آنان مطرح می‌شود. من موظف به انجام چه وظایفی هستم؟ چه کارهایی ممنوع و چه کارهایی مجازند؟ درباره موضوعات اخلاقی از طریق مشاوره با عالمان اخلاق، حقوق و الهیات، تصمیم گرفته می‌شود.

5. Campbell, Courtney S., "Religious perspectives on Human Cloning", p:29

ب - جواز

عده‌ای دیگر از عالمان یهود معتقدند که شبیه‌سازی درمانی جایز است، زیرا در دین یهود، رویان از شرایط انسان کامل و حمایت‌های ویژه او برخوردار نیست.^۱ رویان، خارج از رحم مادرش^۲ و هم‌چنین تا ۴۰ روز هیچ جایگاه حقوقی در قوانین هلاخایی ندارد؛ زیرا از نظر دین یهود، تا این زمان هنوز روحی در آن دمیده نشده است.^۳ بنابراین، زمانی که از این رویان‌ها برای استخراج سلول‌های بنیادی استفاده می‌کنند، شأن جنین انسانی را ندارد و جایگاه آن‌ها در دین یهود بسیار کمتر از یک انسان کامل است. بنابراین، تخریب رویان‌ها برای استخراج سلول‌های بنیادی ممنوع نیست، بلکه جایز است.^۴ بر اساس تعالیم دین یهود، فرد هنگامی شخص حقیقی است که از مادر متولد شود. بنابراین، طبق این تعالیم، تخریب جنین چند روزه بیرون از رحم، قتل به شمار نمی‌رود.^۵ البته باید دانست که طبق همین تعالیم، تخریب جنین به ادله جزئی و احمقانه پذیرفته نیست.^۶ اگر به منابع تأمین‌کننده سلول‌های بنیادی توجه کنیم، درمی‌یابیم که رویان‌های حاصل از لقاح خارج رحمی، برای این امر به کار برده می‌شوند. در این روش، ممکن است تعداد زیادی از رویان‌ها به رحم زنان مورد نظر انتقال نیابند و منجمد گردند و تنها تعداد اندکی از آن‌ها در رحم زنان کشت شوند. جنین‌های باقیمانده، از نظر دین یهود مقام و شأن انسانی ندارند و از سوی دیگر، بیرون ریختن این جنین‌ها، نادیده انگاشتن استعداد آن‌ها برای انسان شدن است. در عوض،

1. Campbell, Courtney S., "Religious perspectives on Human Cloning", p: 9; Waskey, Andrew J., "Religion, Jewish. " Encyclopedia of stem cell research", 2008, available at: http://sage-e-reference.com/stem-cell/Article_n227.html (20 Sep 2009)
2. Berkofsky, Joe, 2003, "Jewish law may not ban cloning, but it's still not kosher", available at: <http://www.jewishsf.com/content/2-0-/module/displaystory/storyid/19606/edition> (11 Aug 2003)
3. Chaudhari, Bimal P., 2008, "Clone" Encyclopedia of Global Health", Available at: http://Sage-e-reference.com/global-health/Article_n291.html (12 Mar 2009) and "Cloning Research, Jewish Tradition & Public Policy; A Joint Statement by the Union of Orthodox Jewish Congregations of America and the Rabbinical Council of America", p:1
4. Sherwin, Byron L., "Biomedical Issue: A Jewish Perspective", p:2
5. Block, Barry H., 2001, "Stem cells, cloning, and Judaism", available at: http://www.beth-elsa.org/be_s0914a.htm (11 Oct 2009)
6. Ibid



دانشمندان با استفاده از این رویان‌ها می‌توانند جان انسان‌ها را نجات داده، به درمان بسیاری از بیماری‌ها کمک کنند. بنابراین، اگرچه تخریب رویان‌ها می‌تواند گناه به شمار رود، اما تعالیم دین یهود آن را به سبب نجات جان انسان‌ها مجاز شمرده است.^۱ بر اساس کتاب تلمود، رویان پیش از ۴۰ روزگی، آب خالص^۲ خوانده شده است و پس از آن نیز تا هنگام تولد، شأنی مادون انسان دارد و آب ساده^۳ خوانده می‌شود. در قانون مجازات دین یهود، سقط جنین در هر مرحله‌ای پیش از تولد وی، بلا اشکال است؛ زیرا در میشنا آمده است که جنین هنگامی دارای شأن انسانی خواهد بود که تمامی اعضایش به طور کامل از رحم مادر جدا شود؛ زیرا بر اساس قوانین دین یهود، جنین پیش از تولد، جزئی از اعضای مادرش محسوب می‌شود و تنها در صورت تولد، انسانی مستقل به حساب می‌آید.^۴

بنابراین، در تعالیم دین یهود در این زمینه دو اصل اساسی وجود دارد: ۱- شأن انسان کامل، پس از تولد برای فرد حاصل می‌شود.

۲- تخریب محصولات ناشی از فرآیندهای کمکی تولیدمثل، در این تعالیم، قتل نفس به شمار نمی‌رود.^۵

اما ذکر یک نکته هم خالی از لطف نیست که ایجاد رویان برای هدف تحقیقاتی در دین یهود مکروه است.^۶

ج - حرمت

گروه دیگری از عالمان یهود نیز این تحقیقات را ممنوع می‌دانند و معتقدند که فراوانی مرگ رویان‌ها و نواقص موجود در تحقیقات، اصل اخلاقی لزوم عدم ورود ضرر به انسان‌ها را خدشه‌دار می‌کند.^۷

1. Block, Barry H., "Stem cells, cloning, and Judaism", p:2

2. mere water

3. plain water

4. Schenker, Joseph G., "The beginning of human life", Journal of Assist Reprod Genet, No.25, 2008, p:274

5. Block, Barry H., "Stem cells, cloning, and Judaism", p:2

6. Chaudhari, Bimal P., "'Clone" Encyclopedia of Global Health", p:2

7. Campbell, Courtney S., "Religious perspectives on Human Cloning", p:30

۲-۱-۲. حکم شبیه‌سازی مولد انسان

الف - حرمت

گروهی از عالمان یهود با ارائه ادله زیر شبیه‌سازی انسان را ممنوع و حرام دانسته‌اند:

۱- اختلال در نظام خانواده، نقش‌ها و وظایف آن

انسان، شریک خدا و موظف به مراقبت از مخلوقات اوست. شبیه‌سازی، نقش‌ها و روابط بین اعضای خانواده را که تعیین‌کننده حقوق و تکالیف آن‌ها در برابر یکدیگر است، تخریب می‌کند و خانواده را دچار آسیب می‌سازد. طبق تعالیم دین یهود، انسان از نظر دینی، تابع مادر و از نظر شجره خانوادگی (نسب)، تابع پدر است. بنابراین، طفل هم به مادر و هم به پدر نیاز دارد. در حالی‌که شبیه‌سازی نقش پدر را از زادآوری حذف می‌کند.^۱

اصل اخلاقی مسئولیت، در خانواده و معیارهای وظایف والدینی و مسئولیت ناشی از نسب (از جمله ارث^۲) نیز همانند شبیه‌سازی درمانی جریان دارد. در چارچوب شبیه‌سازی انسان، اصول اخلاقی تکلیف‌مدار از بین خواهد رفت؛ زیرا نقش‌های پدری، مادری، فرزندی و روابط خانوادگی تغییر خواهد کرد. بر همین اساس، مشخص نیست که چه کسی مسئولیت نسل‌های بعدی را دارد.^۳ بسیاری از عالمان و پزشکان یهودی معتقدند که فرزندان از جارج از چارچوب ازدواج، ایده‌آل و پذیرفته نیست؛ زیرا نتیجه این فرآیندهای پزشکی، جدایی تولد از ازدواج و تسریع عدم‌کارایی خانواده‌های یهودی است.^۴

۱. صادقی، محمود، «همانندسازی انسان از نظر مراجع ادیان آسمانی و بررسی آن از نظر فقه اسلامی»، مجموعه مقالات اخلاق زیستی (بیواتیک) از منظر حقوقی، فلسفی و علمی، تهران، سمت، ۱۳۸۴، ص ۷۵

2. Schenker, Joseph G., "The beginning of human life", p: 275

3. Campbell, Courtney S., "Religious perspectives on Human Cloning", p:29 and Freundel, Barry, "Human and divine responsibility", Ethical issue in human cloning, New York, seven bridges press, 2000, p:88

4. Golinkin, David, 2001, "Cloning in Jewish law", available at:
<http://www.schechter.edu/insightIsrael.aspx?ID=60> (11 Oct 2009)

۲- عدم جواز تغییر در ساختار طبیعی موجودات به صورت بی‌رویه

یکی از دستورات هلاخایی که توسط ربی آبراهام ایساک کوک^۱ بیان شده، این است که هنگامی که مردم، طبیعت را تغییر دهند، ملزم به دقت در این تغییرات هستند تا طبیعت را ویران نکنند.^۲ تورات، مداخلات بیش از حد در فرآیند طبیعی باروری را ممنوع نموده است. اختلاط نژادی در حیوانات خانگی و هم‌چنین در محصولات کشاورزی ممنوع است.^۳

۳- لزوم نیاز به تنوع زیستی و بیولوژیک میان انواع بشر

بسیاری از متون تلمود، خداوند را به جهت آفرینش انسان‌های متفاوت در ظاهر و استعدادهای درونی ستایش نموده است (میشنا: سنهدرین ۴:۵). امروزه بسیاری از دانشمندان، اصطلاح تنوع زیستی را به معنای حفاظت از انواع مختلف گیاهان و حیوانات برای جلوگیری از شیوع بیماری‌های خاص و از بین رفتن آن‌ها، به کار می‌برند. در فرآیند شبیه‌سازی، کپی‌های ژنتیک همسان از یک شخص ایجاد می‌شوند و این روند در تعارض با منابع خاخامی و لزوم تنوع بیولوژیک در انواع بشر است.^۴

۴- حرمت بازی نمودن نقش خدا

البته بیان ماجرای آفرینش حوا می‌تواند خلاف دلیل فوق را ثابت نماید؛ زیرا از نظر تعالیم دین یهود، خداوند خود، انسانی را شبیه‌سازی نموده است؛ هرچند دخالت در حوزه تسلط خداوند برای انسان‌ها جایز نیست، در عهد قدیم آمده است که همه انسان‌ها تجسم روح خدا هستند. اما دستیابی و تلاش برای رسیدن به جایگاه خدا و بازی نمودن نقش خدا موجب بدبختی است (سفر پیدایش ۱۱:۴ و ۳:۵). ما درجه‌ای از تقدس را داریم، ولی مقدس نیستیم (مزامیر داوود ۸).^۵

1. Rabbi Abraham Issac Kuk

2. Golinkin, David, "Cloning in Jewish law", p:2

3. Block, Barry H, "Stem cells, cloning, and Judaism", p:1

4. Ibid and Broyde, Michael J., "Cloning people and Jewish law: preliminary Analysis", p:16 and Freundel, Barry, "Human and divine responsibility", p:87

5. Block, Barry H., "Stem cells, cloning, and Judaism", p:1

توضیح بیشتر آن‌که با وقوع شبیه‌سازی انسان، عقیده ما در مورد این‌که هر انسانی تجسم روح خداست و هم‌چنین دیدگاه ما درباره خدا به چالش کشیده می‌شود. مفهوم خدا به عنوان خالق ما همان قدر مهم است که مفهوم خدا به عنوان خالق جهان مهم است. پس اگر ما بتوانیم از خود، انسانی را شبیه‌سازی کنیم، دیدگاه ما درباره خدا عوض خواهد شد، زیرا درک توانایی خویشتن در اعمال مرموز و ناآشنا نسبتاً آسان‌تر است از درک نقش خدا در آن‌چه که ما خود به وجود آورده‌ایم و کنترل می‌کنیم. با کنار گذاشتن موارد کمیاب و مرموز، شبیه‌سازی شاید عقیده ما را در این‌که همه انسان‌ها تجسم روح خدا هستند، تضعیف کند. اما از سوی دیگر، شبیه‌سازی می‌تواند ترس ما را از خداوند افزایش دهد.^۱ طبق اولین آیه از سفر آفرینش: «در آغاز، خداوند آسمان‌ها و زمین را به وجود آورد». خداوند جهان را از هیچ و با انجام دو عمل ابتدایی آفرید: عناصر مختلفی را به وجود آورد و سپس آن‌ها را از هم‌دیگر جدا نمود. پس هرکدام نقش مجزایی را یافتند. نور از تاریکی، زمین از دریا، جدا شدند، پرندگان در آسمان پرواز نمودند، در حالی‌که ماهی‌ها در دریا شنا می‌کردند. هر شکل از زندگی گیاهی (گیاهان و درختان میوه) ثمره خاص و ویژه خود را به وجود آوردند (سفر آفرینش ۱: ۱۱-۱۲). خداوند انسان را از دو جنس آفرید و تولید مثل از طریق آمیزش زن و مرد محقق شد. طی هفت روز، آسمان‌ها و زمین و تمامی جفت‌های روی زمین شکل گرفتند و آفریده شدند (سفر آفرینش ۲: ۱). تمام ساختار جهان برای تمام زمان‌ها پایه‌گذاری شد. اگر خدا جهان را در یک عمل تمام شده و به یک‌باره آفریده باشد، ما چه کسی هستیم که در کار او دخالت کنیم؟ ما چه کسی هستیم که گیاهان تراریخته (ناشی از فرآیند شبیه‌سازی) به وجود آوریم؟ اگر انسان‌ها تجسم روح خدا هستند (سفر آفرینش ۱: ۲۷)، پس با وجود این، این شباهت چگونه تغییر می‌یابد؟ بنابراین، از این دیدگاه، دخالت در آفرینش خداوند جایز نیست.^۲

1. "Does Judaism allow Human Cloning", 2009, available at:

http://www.mishkantorah.org/parasha/5763/judaism_and_cloning.pdf (11 Oct 2009)

2. "Does Judaism allow Human Cloning", p:1 and Cohn, Jonathan R., "In Gods garden: Creation and cloning in jewish thought", The hastings center report, Vol.29, No.4, 1999, p:8

۵- احتمال سوء استفاده از پیشرفت‌های علمی در زمینه شبیه‌سازی

در میشنا (پسانیم ۴:۹) آمده است که پادشاه حزقیا^۱ کتاب درمان را پنهان نمود و عالمان زمان او، به این کار رضایت دادند. این کتاب شامل دستورالعمل‌هایی بود که هم شفادهنده بودند و هم سبب مرگ افراد می‌شدند. ولی هنگامی که مردم فاسد شدند و از آن برای کشتن مردم دیگر استفاده نمودند، او آن کتاب را پنهان نمود. بیل جوی^۲، ریاست علمی ریزسیستم‌های خورشیدی، پیشنهادی، شبیه به موضوع فوق را ارائه می‌دهد:

«تنها راه واقعی برای حل این مسائل، اعمال محدودیت در مورد پی‌گیری دانش‌های ویژه و پیشرفت تکنولوژی‌های خطرناک است. بله من می‌دانم دانش خوب است؛ زیرا دانش در واقع جستجوی حقیقت است. ما از گذشته تاکنون به دنبال دانش بوده‌ایم. ارسطو با بیانی ساده می‌گوید: «تمامی انسان‌ها ذاتا و طبیعتا به دنبال دانستن هستند». ما یک ارزش اساسی در جامعه‌مان داریم که اتفاق‌نظر عمومی نیز بر آن است که باید به اطلاعات آزادانه دست یافت و مشکلاتی که بر سر راه دستیابی به دانش وجود دارد، باید شناخت. در قرون اخیر، ما به دانش احترام گذاشته‌ایم. اما با وجود پیشینه تاریخی قوی، با آزادی ارتباط و پیشرفت‌های نامحدود علوم، از این پس، ما در خطر انقراض قرار می‌گیریم. بنابراین لازم است که این ارزش‌های اساسی و اعتقادات طولانی مورد بازنگری و بازبینی واقع شوند»^۳.

۶- وجوب تولید مثل از طریق جنسی

از نظر این عده، دستور تورات در زادآوری و پرکردن زمین از یهودیان، تنها از طریق تولید مثل جنسی حاصل می‌شود^۴ و از طریق شبیه‌سازی این دستور، به اجرا در

1. King Hezekiah

2. Bill Joy

3. Golinkin, David, **Cloning in Jewish law**, pp.:2-3

4. Steinberg, Avraham and Loike, John D, 1998, **Human cloning: scientific; ethical & Jewish perspectives**, available at: <http://www.medethics.org.il/articles/JMEB.1.15.pdf> (19 Agu 2009) and Rosner, Fred, 2010, **Artificial insemination in Jewish law**, available at: <http://www.jofa.org/pdf/Batch%201/0058.pdf> (22 Agu 2010)

نمی‌آید.^۱ شبیه‌سازی مسأله جدیدی را طرح می‌کند؛ زیرا تا پیش از این، تمام پیشرفت‌های تکنولوژیک، توانایی بارداری و رشد جنین را فراهم می‌نمود. اهدای تخمک و اسپرم به مردان و زنان عقیم این شانس را می‌داد تا فرزند داشته باشند، تلقیح مصنوعی، عدم کارکرد تخمدان‌ها را جبران می‌نمود و مادر جانشین به زنانی که به جهت فقدان توانایی نگهداری جنین، قادر به فرزندآوری فرزندآوری نبودند، کمک می‌نمود تا فرزند داشته باشند. با وجود این، روش‌های مذکور مکانیسم و فرآیند اساسی زاد و ولد، بارداری و تولد فرزند را تحت تأثیر قرار نداده بودند. اما شبیه‌سازی در فرآیند اساسی زاد و ولد دخالت نمود و ترکیب اسپرم و تخمک در حالت عادی و شکل‌گیری یک زندگی جدید را منسوخ نمود و تخمک را تبدیل به یک ابزار انگلی برای حمل DNA والد یا صاحب سلول نمود. شبیه‌سازی اساساً بکرزایی را جانشین روابط جنسی نمود. یکی از آموزه‌های تورات این است که زن و مرد از یک ریشه وجود یافتند و سپس خداوند پس از آفرینش، آن‌ها را جدا نمود. پس زن و مرد با هم ازدواج نمودند و با هم منشأ اساسی را برای ایجاد یک کودک به وجود آوردند. حال آیا شبیه‌سازی در تعارض با این اعتقاد نیست که خداوند جهان را این گونه آفرید که مرد و زن با هم متحد شوند و دستور فرزندآوری (سفر آفرینش ۱:۲۸) را انجام دهند تا زندگی جدیدی را با هم وجود آورند؟^۲ بنابراین، تورات، مداخله بیش از اندازه در روند طبیعی زاد و ولد را ممنوع دانسته است. در تولید گیاهان و جانوران نیز آمیختن آن‌ها (کیلیسیم) ممنوع است.^۳ علاوه بر این، شبیه‌سازی تنها روش درمان نازایی نیست. خاخام‌های یهودی، تلقیح مصنوعی، لقاح خارج از رحم و حتی اهدا تخمک و اسپرم را در بسیاری از موارد مجاز دانسته‌اند؛ زیرا تمام این روش‌ها برای ایجاد انسانی کامل و بی‌همتا و با استفاده از محتویات ژنتیک یک زن و یک مرد به کار برده می‌شوند. این در

1. Broyde, Michael J., "Cloning people and Jewish law: preliminary Analysis", p:5 and Nikiforova, Basia, "Theological discourse in bioethics: general and confessional differences", Santalka, Filosofija, 2006, p:72

2. Eisenberg, Daniel, 2006, "The Ethics of cloning", available at: <http://www.jewishvirtuallibrary.org/jsource/Judaism/clone.html> (10 Feb 2006)

۳. آیین یهود آمیختن گیاهان یعنی کیلیسیم زراعت، آمیختن حیوانات یعنی کیلیسیم بهیا و نیز آمیختن پشم و کتان یعنی شمعطن را حرام می‌داند. در سفر لاویان ۱۹:۱۹ آمده است: «حیوانات اهلی خود را به جفت‌گیری با حیوانات غیرهمجنسشان وامدارید. در مزرعه خود دو نوع بذر نکارید و لباسی را که از دو جنس مختلف بافته شده است، نبوشید».

حالی است که دانشمندان متعهد تصدیق نموده‌اند که بسیاری از تجارب شبیه‌سازی انسان، مرگ مادر، مرگ جنین و رشد غیرطبیعی جنین را در پی داشته است. دین یهود هرگز چنین مجوزی را برای ایجاد خطرات نا آگاهانه برای انسان‌ها نمی‌دهد.^۱

۷- خطر غرور و خودپرستی انسان

دستورات اکیدی برای حمایت و حفاظت از زندگی انسان‌ها در دین یهود آمده است؛ اما این دستور، استثنائی هم دارد و آن جلوگیری از بت‌پرستی یا خودپرستی است که به شبیه‌سازی مرتبط است. شبیه‌سازی انسان، خطر خودپرستی را در انسان افزایش می‌دهد. در خلال روابط جنسی و فرزندآوری، انسان‌ها با دگرگرایی غیرقابل اجتنابی روبرو هستند. این دگرگرایی موجب فروتنی و صحت و اعتبار رابطه «من و تویی» می‌شود. این ویژگی‌ها مانع خودپرستی و غرور انسان می‌شود.^۲

۸- تبدیل شدن انسان به کالا

عده‌ای از خاخام‌های یهودی شبیه‌سازی انسان را از آن جهت ممنوع اعلام می‌کنند که با تصویر انسان حاصل از این فرآیند مشکل دارند؛^۳ زیرا نتیجه آن، خلق انسان با تصویر انسانی است تا تصویر الهی.^۴ این عده معتقدند که عدم شناسایی فرد شبیه‌سازی شده به عنوان انسان از سوی جامعه مشکلات فراوانی را پیش‌روی جامعه خواهد گذاشت؛^۵ مانند تبدیل شدن انسان به محصول یا کالایی قابل تعویض که این امر، تجاوز به جنبه مقدس زندگی بشر است.^۶ استفاده از آنان در آزمایش‌های پزشکی، به بردگی

1. Block, Barry H., "Stem cells, cloning, and Judaism", p:1

2. "Overview: Genetic Issues", 2009, available at:

http://www.myjewishlearning.com/beliefs/Issues/Bioethics/Genetic_Issues.shtml (20 Sep 2010)

3. Campbell, Courtney S., "Religious perspectives on Human Cloning", p:29

4. Samber, Sharon, 2001, "The cloning debate", available at:

http://www.myjewishlearning.com/beliefs/Issues/Bioethics/Genetic_Issues/Gene_Therapy_and_Engineering/Cloning_Debate.shtml (11 Oct 2009)

5. Broide, Michael J., 2003-4, "In Judaism, Playing God is good", available at:

http://www.yutorah.org/lectures/lecture.cfm/736059/Rabbi_Michael_Broide/In_Judaism,_Playing_God_is_Good (11 Oct 2009)

6. Campbell, Courtney S., "Religious perspectives on Human Cloning", p:30

کشاندن آنان، استفاده از اعضای بدن آنان یا دیگر اعمال ممنوع و حرام نیز از جمله این مشکلات است.^۱

از دیدگاه دین یهود و تورات، زندگی انسان دارای سه ارزش است: منحصر به فردی، برابری و بی‌قیمت بودن.

شبیه‌سازی می‌تواند این ارزش‌ها را تنزل دهد. اعتقاد به آفریده شدن بشر به شکل و صورت خداوند، نتیجه اعتقاد به بی‌قیمت بودن زندگی اوست. بنابراین، هر یک از ما به شکل خداوند آفریده شده‌ایم، پس هر یک از ما دارای ارزشی بی‌نهایت یا تقدس هستیم. نگرانی در این باره است که اگر ما اطفال خود را شبیه‌سازی کنیم، ممکن است آن‌ها را به عنوان کالاهایی در نظر بگیریم که قابل جایگزینی هستند. برای نمونه، آثار هنری را در نظر بگیرید، اصل آن‌ها با ارزش‌تر از کپی‌های آن‌هاست.

در نگاه اقتصادی، شبیه‌سازی قدرت ایجاد مجدد انسان‌ها را بالا می‌برد و در نتیجه ارزش آن‌ها از بین می‌رود.

اگر شخصی هزار نسخه از خود شبیه‌سازی کند، شاید بسیار سخت باشد که زندگی هر یک از آن‌ها را بی‌قیمت بدانیم، اما اگر یک یا دو کپی از فرد ایجاد شود، این امر آسان‌تر خواهد بود.

عده اندکی نیز معتقدند که دوقلوهای طبیعی فاقد ارزش منحصر به فرد بودن هستند. طبق تفاسیر بعضی از خاخام‌های یهود، آفرینش ابتدایی خداوند که محدود به یک انسان (آدم) است، نه گروهی از انسان‌ها نشان می‌دهد که هر انسانی باید منحصر به فرد باشد. بنابراین منحصر به فرد بودن انسان‌ها نقش بسیار مهمی را در اندیشه‌های یهود بازی می‌کند.

برای بسیاری از افراد، شبیه‌سازی از خود آن‌ها ترسناک است؛ زیرا افراد فکر می‌کنند در صورت شبیه‌سازی از آنان، یگانگی و منحصر به فرد بودنشان به خطر می‌افتد.

اما سومین ویژگی که در عهد قدیم برای انسان برشمرده شده است، برابری در آفرینش است. اگر خداوند در ابتدا یک انسان (آدم) را آفرید و سپس همه ما از او به وجود آمدیم، پس همگی ما باید باهم برابر و یکسان باشیم. بنابراین، توارث ما

تأمین‌کننده برابری است. حال سؤال این است که در شبیه‌سازی و مهندسی ژنتیک، این برابری لحاظ می‌شود؟^۱

مسأله فرعی: وضعیت انسان شبیه‌سازی شده

عده‌ای از خاخام‌های یهود، انسان حاصل از فرآیند شبیه‌سازی را به انسانی مصنوعی و بدلی به نام گولم^۲ شبیه می‌دانند. ریشه این افسانه در تلمود است.^۳ این موجود در منابع یهود، چنین توصیف شده است: «موجودی مصنوعی است که با افعال پررمز و رازی، زندگی انسانی یافته است.^۴ بنا بر این افسانه، خاخام‌های یهود، این موجود را از خاک پدید می‌آورند و سپس یکی از اسمای مبارک خداوند بر وی خوانده می‌شود یا آن‌که بر تکه کاغذی نوشته و بر پیشانی یا دهان آن موجود گذارده می‌شود و در اثر آن، این موجود زندگی انسانی می‌یابد.^۵ اما باید دانست که این موجود از شرایط انسان کامل برخوردار نیست و قاتل وی نیز مجازات نخواهد شد،^۶ زیرا وی قادر به صحبت کردن نمی‌باشد.^۷ عقیده بر این است که در ۶۰۰ سال گذشته، تعدادی از این موجودات برای کمک به جوامع یهود در مواقع مورد نیاز آنان ساخته شده‌اند».^۸

اما در پاسخ این مخالفان باید گفت: در شبیه‌سازی، طفل حاصل از این فرآیند از ماده ژنتیک معمول از فرآیند IVF یا AIH یا AID است، پس فرزندی طبیعی و حائز شرایط انسانی است.^۹ بنابراین، یک اتفاق نظر عمومی میان خاخام‌های یهود وجود دارد

1. Cohen, Jonathan R., "In Gods garden: creation and cloning in jewish thought", pp.: 9-10

2. Golem

3. Wahrman, Miryam Z., 2001, "A Jewish view on Human Cloning", available at: <http://www.wahrman.org/MIRY414.htm> (11 Oct 2009)

4. Campbell, Courtney S., "Religious perspectives on Human Cloning", p: 30 and Freundel, Barry, "Human and divine responsibility", p:87

5. Wahrman, Miryam Z., "A Jewish view on Human Cloning", p:2 and Broyde, Michael J., "Cloning people and Jewish law: preliminary Analysis", p:10

6. Steinberg, Avraham and Loike, John D, "Human cloning: scientific; ethical & Jewish perspectives", p:203

7. Campbell, Courtney S., "Religious perspectives on Human Cloning", p: 30

8. Broyde, Michael J., "Cloning people and Jewish law: preliminary Analysis", p: 10

9. Ibid, p:12 and Steinberg, Avraham and Loike, John D., "Human cloning: scientific; ethical & Jewish perspectives", pp.:204-205

که انسان شبیه‌سازی شده حائز تمام شرایط انسانی و شایسته حمایت و نگهداری است.^۱

۹- مصالح حکومتی

در نهایت، دادگاه حقوقی یهود می‌تواند بر اساس موقعیت‌ها و شرایط موقتی، کار یا فعلی را ممنوع نماید (میشنا: سنهدرین ۴: ۴).^۲

ب- جواز

عده‌ای دیگر از خاخام‌های یهود، شبیه‌سازی انسان را مجاز می‌دانند و ادله زیر را برای نظر خویش اقامه می‌کنند:

۱- عدم وجود دلیل بر حرمت شبیه‌سازی در منابع دینی یهود

دلیل اول برای این نظر، استناد به گفته یکی از خاخام‌های یهود به نام یسرییل لیفشینز^۳ در قرن نوزدهم است: «در مورد هر مسأله‌ای که دلیلی برای حرمت آن نباشد؛ باید بدون هیچ توجیهی، حکم به جواز آن داد. بر همین اساس، شبیه‌سازی انسان مجاز است تا هنگامی که ما دلیل خاصی برای حرمت آن بیابیم^۴ و در تورات هیچ دلیلی بر حرمت شبیه‌سازی وجود ندارد،^۵ زیرا تورات به موارد مجاز و قانونی اشاره ننموده است، بلکه به نواهی اشاره نموده و بر ترک آن تأکید نموده است.^۶

1. Campbell, Courtney S., "Religious perspectives on Human Cloning", p: 30

2. Golinkin, David, "Cloning in Jewish law", p:3

3. Rabbi Israel Lifshitz

4. Golinkin, David, "Cloning in Jewish law", p:1 and Katz, Leslie, "No halachic prohibition: Human cloning could benefit all of mankind, rabbi asserts", p:1

5. Katz, Leslie, "No halachic prohibition: Human cloning could benefit all of mankind, rabbi asserts", p:1 and Steinberg, Avraham and Loike, John D., "Human cloning: scientific; ethical & Jewish perspectives", p:202

6. Steinberg, Avraham and Loike, John D., "Human cloning: scientific; ethical & Jewish perspectives", p: 202

۲- تقلید از خداوند در آفرینش حوا

بر اساس سفر آفرینش ۲: ۲۱-۲۲، حوا از دنده آدم بدون وجود هیچ‌گونه رابطه جنسی آفریده شده است. شاید ما هم بتوانیم از خداوند در شبیه‌سازی انسان تقلید کنیم.^۱

۳- جواز انجام امور بر اساس روند علمی و طبیعی آن‌ها

خاخام منحم همیری^۲ در قرن ۱۴ قانونی را در تفسیر و توضیح خود از تلمود آورد که چنین است: «هر آن‌چه که با یک روش طبیعی انجام شود، دیگر آن را نباید جادوگری (که عملی ممنوع است) دانست، حتی اگر آن‌ها بدانند که چگونه موجود زیبایی را بدون تحقق رابطه جنسی و بر اساس کتب علمی به وجود آورند. بنابراین، شبیه‌سازی انسان، در خلال یک روند طبیعی، جایز و مجاز است.^۳

۴- وجود ضمانت اجرا برای جلوگیری از سوءاستفاده

خاخام شلمو زلمان اتورباخ^۴ در سال ۱۹۵۸ قانونی را وضع کرد که تلقیح مصنوعی با تخمک یا اسپرم بیگانه را در صورت وجود نظارت درمانی برای جلوگیری از حرام‌زادگی مجاز دانسته؛ زیرا ما نباید مردم خوب را به خاطر مردم غیرمسئول از کارهای مجاز بازداریم. بر همین اساس، اگر شبیه‌سازی انسان به خودی خود مجاز باشد، ما نباید آن را برای مردم خوب و درست‌کار به جهت ترس از سوءاستفاده مردم بد و نا اهل ممنوع کنیم.^۵

1. Golinkin, David, **Cloning in Jewish law**, p:1

2. Rabbi Menahem Hameiri

3. Golinkin, David, **Cloning in Jewish law**, p:1 and Steinberg, Avraham and Loike, John D., **Human cloning: scientific; ethical & Jewish perspectives**, p:203

4. Rabbi Shlomo Zalman Auerbach

5. Golinkin, David, **Cloning in Jewish law**, p:1

۵- وجوب مطلق زادآوری بر اساس دستورات تورات

بیشتر زیست‌شناسان یهود به ویژه سنت‌گرایان آن‌ها، تمام تکنولوژی‌های نوین باروری را برای انجام اولین دستور تورات یعنی الزام به زاد و ولد مجاز شمرده‌اند؛^۱ زیرا نتیجه یعنی تولید کودک از این دیدگاه مهم است.^۲ بنابراین از این دیدگاه، هدف، وسیله را توجیه می‌کند. جواز این امر، تمام تکنولوژی‌های باروری از AIH تا شبیه‌سازی انسان را در برمی‌گیرد؛ البته به شرط آن‌که در شبیه‌سازی، استانداردهای لازم در مورد جنین و مادرش رعایت شود.^۳ بعضی از خاخام‌های یهود نیز معتقدند در جایی که دیگر روش‌های کمکی تولیدمثل پاسخ نمی‌دهد، باید از شبیه‌سازی استفاده نمود. از سوی دیگر، شبیه‌سازی بسیاری از مسائل و مشکلات روش‌های دیگر باروری مانند رحم اجاره‌ای، لقاح خارج رحمی و تلقیح مصنوعی را ندارد؛ زیرا همگی این روش‌ها، از دیدگاه هلاخایی مسائل و مشکلات خاصی را به وجود آورده‌اند. این در حالی است که دین یهود، تمام فن‌آوری‌های کمکی تولیدمثل را به شرط استفاده در درمان ناباروری و انجام تکلیف زاد و ولد در تورات، واجب (میصوا) شمرده است.^۴

البته لازم به ذکر است که نظام حقوقی یهود، فرزندآوری و زاد و ولد را فقط برای مردان واجب نموده و چنین وظیفه‌ای را بر عهده زنان نگذاشته است. البته نظام مذکور، در تمام شرایط، زنان را به عنوان شریک ضروری در انجام این تکلیف شناسایی کرده است؛ اما به ادله فراوانی، این تکلیف را به عهده زنان نگذاشته است. بنابراین به نظر می‌رسد که در شرایطی که صاحب سلول مرد باشد و نتواند از طرق دیگر این تکلیف را به انجام رساند، شبیه‌سازی از وی، عملی مستحب است، ولی در شرایطی که صاحب سلول زن باشد، شبیه‌سازی انسان نه ممنوع است و نه واجب؛ بلکه تنها مجاز است.^۵

تورات در این باره بیان می‌دارد که در روش تولیدمثل جنسی، سه شریک وجود دارد: ۱- خدا ۲- پدر ۳- مادر. این امر به خوبی ارجحیت روش تولیدمثل جنسی را نزد دین

1. Steinberg, Avraham and Loike, John D., "Human cloning: scientific; ethical & Jewish perspectives", p:205

2. Campbell, Courtney S., "Religious perspectives on Human Cloning", p:29

3. Ibid and Sherwin, Byron L., "Biomedical Issue: A Jewish Perspective", p:2

4. Broyde, Michael J., "In Judaism, Playing God is good", p:32

5. Ibid, "Cloning people and Jewish law: preliminary Analysis", p:13

یهود نشان می‌دهد و حتی در دنیایی که شبیه‌سازی رخ می‌دهد، هنوز هم بسیاری از انسان‌ها با شراکت این سه عامل به وجود می‌آیند. با وجود این، هیچ مدرک و سندی وجود ندارد که خاخام‌های یهود به الزام به این روش تولید مثل تصریح کرده باشند. آنان فقط اظهار نموده‌اند که روش تولید مثل جنسی، روش معمول در جهان است. علاوه بر این، سخنان یاد شده هم‌چنان صحیح است و تاکنون نقض نگردیده است؛ زیرا حتی یک شخص شبیه‌سازی شده هم از محتویات ژنتیک یک مرد و زن و از روحی که خداوند به او بخشیده، برخوردار می‌شود. از دیدگاه هلاخایی یک راه‌گریز مطمئن برای استفاده از شبیه‌سازی برای درمان ناباروری در مقابل روش‌های دیگر تولیدمثل وجود دارد؛ زیرا در فرآیند شبیه‌سازی نیازی به جمع‌آوری اسپرم از اهداکنندگان نیست.^۱

۶- اصل وجوب نجات جان انسان‌ها و درمان بیماری‌ها

دین یهود، نظامی تکلیف‌مدار است نه حقوق‌مدار؛ بنابراین، انجام چنین تکلیفی در صورتی ممکن است که از شبیه‌سازی انسان به عنوان یک روش برای درمان بیماری‌های ژنتیک مانند ناباروری که افراد از آن رنج می‌برند، حمایت شود؛^۲ زیرا می‌توان تمام قوانین دین یهود را برای نجات جان انسان‌ها زیرپا گذاشت. بنابراین، حتی اگر شبیه‌سازی انسان ممنوع باشد، می‌توان آن را برای نجات جان یک بیمار مجاز دانست. خاخام‌های شاخه‌های مختلف دین یهود، تمام درمان‌های متصور برای ناباروری را پذیرفته‌اند. بعضی از انجمن‌های یهودی سنت‌گرا هم کلینک‌های درمان ناباروری مخصوص به خود به وجود آورده‌اند تا شرایط لازم (بدون استفاده از گامت بیگانه و اجاره رحم)^۳ برای اجرای عمل واجب زاد و ولد را تأمین نمایند و فرزندان یهودی به دنیا آورند که به عنوان هدفی مثبت، انواع مختلف و گسترده روش‌ها و ابزارهای تولیدمثل را توجیه می‌کند.^۴ از سوی دیگر، تورات عدم تلاش در جهت نجات

-
1. Steinberg, Avraham and Loike, John D., "Human cloning: scientific; ethical & Jewish perspectives", p:202
 2. Campbell, Courtney S., "Religious perspectives on Human Cloning", p: 29 and Evans, John H., 2010, "Cloning Adam's Rib: A primer on religious responses to Cloning", available at: <http://pewforum.org/publications/reports/adamsrib.pdf> (20 Sep 2010)
 3. Chaudhari, Bimal P., ""Clone" Encyclopedia of Global Health", p:2
 4. Block, Barry H., "Stem cells, cloning, and Judaism", p: 1

جان انسان‌ها را ممنوع کرده است. بنابراین، شبیه‌سازی می‌تواند به عنوان یک امر واجب و الزام‌آور در نظر گرفته شود.^۱

۷- مطابقت مفهوم انسان حاصل از فرآیند شبیه‌سازی با مفهوم انسان حقیقی در

دین یهود

عده‌ای از خاخام‌های یهود با رد دلیل نهم قائلان به ممنوعیت شبیه‌سازی، ضمن بررسی معیارهای انسانی و برشمردن آن‌ها مانند زاده شدن از انسان، قوه تشخیص خوب از بد، و توانایی به وجود آوردن انسان دیگر، معتقدند که شاید انسان شبیه‌سازی شده از منبعی نامعمول به وجود آید؛ اما می‌تواند در رحم مادری پرورش یابد و متولد شود. هم‌چنین وی می‌تواند ویژگی‌های انسانی و قضاوت اخلاقی را دارا باشد و با انسان‌های دیگر ازدواج نماید. بنابراین، انسان شبیه‌سازی شده، انسان است. هم‌چنین معتقدند که اگر انسانی از رحم مصنوعی متولد شود، باز هم انسان است؛ زیرا وی دو معیار دیگر را برای انسان بودن، داراست. آدم و حوا نیز انسان خوانده می‌شوند؛ هر چند از رحم مادرشان متولد نشده‌اند.^۲ بنابراین، انسانی که در خلال فرآیند شبیه‌سازی به وجود می‌آید و در رحم مادرش پرورش می‌یابد و متولد می‌شود، در دین یهود، انسان کامل است و مانند انسان‌های دیگر با او رفتار می‌شود.^۳

۸- جواز ایجاد تغییرات سودمند در خلقت

عده‌ای از خاخام‌های یهود با رد دلیل دوم قائلان به ممنوعیت شبیه‌سازی معتقدند که هر چند بعضی از جزئیات مربوط به روند انجام این تکنیک‌ها، موقعیت‌هایی را به وجود می‌آورد که ممکن است ما آن را با عنوان دخالت در طبیعت در نظر بگیریم؛ ولی بر اساس قوانین دین یهود، ما نه تنها اجازه داریم، بلکه حتی ملزم شده‌ایم تا جهان را به هر صورت ممکن برای انسان‌ها آماده سازیم. اعمالی که با هدف توسعه و پیشرفت جهان صورت می‌گیرد، نباید با اصول حاکم الهی در تعارض باشد و اثرات منفی بر فرآیند آفرینش داشته باشد. از سوی دیگر، چنین اعمالی، شراکت مثبت میان خدا و

1. Katz, Leslie, "No halachic prohibition: Human cloning could benefit all of mankind, rabbi asserts", p:1

2. Wahrman, Miryam Z., "A Jewish view on Human Cloning", p:2

3. Broyde, Michael J., "In Judaism, Playing God is good", p:33

انسان را دربرمی‌گیرد. این عقیده به شکل‌های گوناگون از گذشته تاکنون بیان شده است. البته هرچند ما اجازه داریم در طبیعت دخالت کنیم، ولی چنین مجوزی مشروط به سه شرط است: ۱- عمل حقیقی تکامل جهان نباید همراه با اعمال ممنوع هلاخایی باشد. ۲- این عمل نباید منجر به نتایج تغییرناپذیر و اجتناب‌ناپذیر شود که ممنوعند. ۳- این اعمال باید منفعتی برای نوع بشر داشته باشد یا حداقل سود آن بیشتر از زیانش باشد. بنابر این دیدگاه، جادوگری^۱ و آمیختن گیاهان و حیوانات (کیلیسم) ممنوع است. پس، از دیدگاه فلسفه یهود، استفاده از تکنولوژی شبیه‌سازی دخالت ناخواسته در طبیعت نیست. شبیه‌سازی یک عمل طبیعی است که موجوداتی را که قبل از این وجود نداشته‌اند، به وجود نیاورده و نمی‌تواند تحت عنوان جادوگری و سحر یا آمیختن گیاهان و حیوانات نیز قرار بگیرد. بر همین اساس، تفاوتی میان به‌کارگیری شبیه‌سازی انسان و استفاده از آنتی‌بیوتیک‌ها برای کشتار باکتری‌های موجب بیماری نیست به شرطی که این اعمال، دخالت در کار خداوند نباشند. بنابراین، شبیه‌سازی باید بر اساس دو معیار سنجیده شود: شبیه‌سازی، کمک، درمان یا سود برای انسان‌ها به شمار رود؛ به‌کارگیری این تکنولوژی و نتایج آن، با اعمال ممنوع همراه نباشد. پس پاسخ به این دو سؤال مثبت است و بر این اساس، شبیه‌سازی به عنوان دخالت منفی و ممنوع در طبیعت به شمار نمی‌رود.^۲

۹- لزوم استمرار خلقت خداوند در قالب تغییرات انسانی در خلقت

اما عده‌ای دیگر با رد دلیل چهارم قائلان به ممنوعیت شبیه‌سازی انسان معتقدند که تفسیر دیگری از آیات فوق‌الذکر نیز می‌توان ارائه نمود. بر اساس تفسیر یکی از مفسران قرون وسطا، مفاهیم این آیات می‌توانند به گونه‌ای دیگر بازگو شوند: به جای آن‌که آفرینش را عمل یک‌باره و کامل با مشخصات ویژه‌ای که به خواست خداوند منوط باشد، بدانیم؛ باید آفرینش را عملی شامل مراحل مختلف و ممتد دانست. بر این اساس، معجزه آفرینش محدود به آفرینش اولیه خداوند در شش روز نمی‌شود؛ بلکه شامل

۱. در عهد عتیق، جادو و جادوگری مورد نکوهش واقع شده (لاویان ۲۰:۶ و تثیبه ۲۲:۱۸) و از جادوگری به عنوان کاری پلید، ناپاک و برابر با زنا نام برده شده است. با این حال در عهد عتیق نشانه‌هایی دال بر پذیرش و تأیید جادوگری به عنوان وسیله‌ای مشروع یافت می‌شود.

2. Steinberg, Avraham and Loike, John D., "Human cloning: scientific; ethical & Jewish perspectives", p:203

تمامی مراحل هدایت و نظم‌دهی جهان توسط خداوند هم می‌شود. عهد عتیق دائماً بر این موضوع که خداوند چیزهای خوب یا خیلی خوب را آفریده، تأکید می‌کند. به بیانی دیگر، خداوند هر آنچه را که پیش از این وجود داشته، توسعه داده است. خواسته خداوند، اهداف خوب و نه آفریده‌های خوب است. اگر اهداف خوب و متعالی، هدف آفرینش خداوند باشند و ما هم تجسم روح او باشیم، شاید خود ما هم بتوانیم نقشی را به عنوان آفریدگار بازی کنیم؟ سنت‌های دینی یهود، حضرت ابراهیم (ع) را هنگامی که وجدان و ایمان خود را در مباحثاتش در مورد تقدیر و سرنوشت افراد فاسد و گمراه با خداوند امتحان می‌نمود، می‌ستایند. شاید ما هم هنگامی که قدرت‌های علمی خود را برای رسیدن به اهداف خوب امتحان کنیم، مورد ستایش واقع شویم. سنت‌های یهود به ما اجازه می‌دهند و حتی بر ما واجب می‌کنند که مردم را از بیماری‌های طبیعی‌شان به وسیله ابزارهای پزشکی که زاده نبوغ بشرند، نجات دهیم. یهودیان به پرستش خدا خوانده شده‌اند نه پرستش طبیعت.^۱

بنابراین، تغییر در درک ما از خداوند از خالق لحظه اول آفرینش به یک منبع ساری قدرت آفرینش می‌تواند سرآغاز تغییر در دیدگاه ما راجع به خدا به عنوان فرمانروای جهان گردد. اگر خدا را به عنوان آفریننده زندگی بشر بدانیم، دیگر پذیرش حاکمیت خدا بر انسان، بسیار آسان خواهد بود. همان‌طور که مالکیت هنرمند را بر کارش و تسلط والدین بر فرزندانشان را می‌پذیریم؛ اما اگر ما خود را به عنوان آفریدگار خودکار بدانیم، آیا خواهیم توانست خدا را هنوز هم فرمانروای مطلق جهان بدانیم؟ اگر دیدگاه ما این باشد که خداوند قدرت بیرونی‌ای است که اطاعت او بر ما لازم است، پس تبعیت از این نگاه، تمرین مسئولیت‌مدارانه خط و خطوط الهی در درون ماست. شاید در نگاه اول، این دیدگاه متکبرانه به نظر رسد؛ ولی چنین اعتقادی درست نیست. شناسایی چنین مسئولیت‌هایی که با قدرت همراه است و پذیرش این مسئولیت‌ها می‌تواند درک عمیقی از خود، خدا و حاکمیت خدا را در ما شکل دهد.^۲

1. "Does Judaism allow Human Cloning", p: 5 and Cohn, Jonathan R., "In Gods garden: Creation and cloning in Jewish thought", pp.:8-9
2. "Does Judaism allow Human Cloning", p:5

۳-۱-۲. بررسی دیدگاه دین یهود درباره شبیه‌سازی

همان‌طور که در بحث از منابع دین یهود، اشاره شد، این دین دارای دامنه گسترده‌ای از متون است که تفاسیر مختلف و گاه متعارض را درباره مسائل ارائه می‌دهد. در مسأله شبیه‌سازی نیز مشاهده می‌کنید که برای نمونه دو نوع تفسیر متفاوت و متعارض از آفرینش آسمان و زمین توسط خدا در منابع آنان ارائه می‌شود. این تعارض و تفاوت نشان‌دهنده اختلاف آرا در این دین در طول عصور مختلف بوده است. علاوه بر مورد فوق، موارد دیگری نیز هست که در نظرات جواز و حرمت شبیه‌سازی مولد به آن‌ها استناد شده است. در مسأله شبیه‌سازی درمانی نیز به ادله مختلفی استناد شده است که هر یک دارای اعتبار سندی نزد آن دین است. به نظر می‌رسد که اکثر ادله این دین در حرمت و جواز شبیه‌سازی مولد و در حرمت، جواز و وجوب شبیه‌سازی درمانی، برخاسته از اصول ملحوظ در متون آن است، نه ادله گذرا و موقت یا ناظر به شرایطی خاص.

۲-۲. حکم شبیه‌سازی در دین مسیحیت

از آن‌جاکه در مسیحیت سه فرقه مطرح وجود دارد، برای دست یافتن به دیدگاه دقیق این دین، احکام شبیه‌سازی درمانی و مولد در سه فرقه یاد شده، یعنی کاتولیک، پروتستان و ارتدوکس بررسی می‌شود:

۱-۲-۲. شبیه‌سازی در آیین ارتدوکس

در این بخش، به بررسی شبیه‌سازی درمانی و مولد از دیدگاه علمای آیین ارتدوکس می‌پردازیم:

۱-۱-۲-۲. شبیه‌سازی درمانی

علمای مذهب ارتدوکس برای جنین، مانند انسان ارزش قائل هستند و آن را دارای کرامت انسانی می‌دانند. این مسأله ارتباطی با روح‌دار شدن یا نشدن جنین ندارد، بلکه بیشتر مربوط به محدودیت و جایز الخطا بودن بشر است. بنابراین، ما باید با جنین به احترام و کرامت برخورد نماییم؛ زیرا ما نمی‌دانیم که چه زمانی تبدیل به یک شخص حقیقی می‌شود. علاوه بر این، در اثر نارسایی‌های تکنولوژی شبیه‌سازی در عرصه جنین

انسانی، زندگی‌های انسانی بالقوه‌ای از بین خواهد رفت. بنابراین، بر اساس این دیدگاه، باید از شبیه‌سازی درمانی یا تحقیقات درباره آن جلوگیری کرد.^۱

۲-۱-۲. شبیه‌سازی مولد

حکم شبیه‌سازی مولد در حیوان و انسان از دیدگاه علمای آیین ارتدوکس به شرح زیر است:

۲-۱-۲-۱. شبیه‌سازی مولد حیوان

انجام این فرآیند در مورد حیوانات، جایز و بدون اشکال است.^۲

۲-۱-۲-۲. شبیه‌سازی مولد انسان

شبیه‌سازی انسان نیز هم‌چون شبیه‌سازی درمانی در این آیین ممنوع است. علمای ارتدوکس ادله زیر را برای این موضوع اقامه نموده‌اند:

۱- تعارض با تصویر خدایی انسان

در تعالیم آیین ارتدوکس، مفهوم انسان ریشه در تصویر خداوند دارد که با هدف نهایی درک خدایی بودن در اتحاد و همراهی با دیگران همراه است. تصویر خداوند، بر قضاوت و تصمیم‌گیری درباره تکنولوژی‌های کمکی تولیدمثل و شبیه‌سازی اثرگذار است. تکنولوژی‌های کمکی تولیدمثل که خارج از چارچوب خانواده صورت می‌گیرند، تلاشی برای ایجاد بشر با تصویر انسانی و ویژگی‌های مورد نظر (و نه با تصویر الهی) به شمار می‌روند.

بنابراین، نتیجه اعتقاد به موضوع «خلق انسان با تصویر خدا» این است که با انسان دارای این ویژگی، باید با کرامت و احترام رفتار شود. این اصول، نه تنها در رفتار با انسان‌ها باید لحاظ شوند؛ بلکه در پیدایش انسان‌ها نیز باید مورد توجه واقع گردند. این در حالی است که شبیه‌سازی، انسان را برای انسان ایجاد می‌کند، نه برای اهداف الهی. بنابراین، انجام فرآیند شبیه‌سازی نوعی بی‌احترامی به انسان مذکور به شمار می‌رود.^۳

1. Campbell, Courtney S., "Religious perspectives on Human Cloning", p: 33

2. Ibid

3. Ibid, p:32

بر اساس تعالیم آیین ارتدوکس، شخص، روح مجسمی است که بر بدنش تسلط دارد؛ اما شبیه‌سازی به حوزه روح و خودآگاهی وارد شده و آن‌ها را مورد تهاجم قرار داده است.^۱

۲- نقض روابط مقدس خانوادگی

یکی از مسائل محوری در تعالیم ارتدوکس‌ها، جنبه مذهبی و مقدس ازدواج، تولیدمثل و پرورش و بزرگ کردن فرزندان است. تقدس ازدواج و خانواده، چارچوب اصلی برای تولیدمثل و تربیت فرزند محسوب می‌شود. در تعالیم ارتدوکس، استفاده از گامت (تخمک یا اسپرم) شخص ثالث یا حاملگی شخص سوم ممنوع است. فرآیند شبیه‌سازی، به ویژه در پی شخصیت‌زدایی^۲ از انسان است. پی‌گیری تولید کودکان به این روش، راز مقدسی را که در تولد کودکان نهفته است، به تکنولوژی‌های درمان نازایی تبدیل می‌کند.^۳ این روش، خودکفایی در زمینه تولیدمثل به دنبال می‌آورد که خواست خداوند نمی‌باشد؛ بنابراین، شبیه‌سازی، درمان یا تولیدمثل حقیقی و مورد نظر خداوند نیست.^۴

۳- شیء شدن انسان

علمای آیین ارتدوکس معتقدند که انسان شبیه‌سازی شده تنها برای اهداف عارضی و خارجی با ارزش است و به عنوان شیء برای استفاده و انتفاع دیگران شناخته می‌شود.^۵

۴- احتمال سوءاستفاده از شبیه‌سازی انسان.^۶

۵- تولید انسان‌ها با هدف تولید اعضای بدن.^۷

-
1. Campbell, Courtney S., "Religious perspectives on Human Cloning", p:33
 2. Depersonalize
 3. Campbell, Courtney S., "Religious perspectives on Human Cloning", p:33 and Harakas, Stanley S., "To clone or Not to clone?", Ethical issue in human cloning, New York, seven bridges press, 2000, p:89
 4. Imrenyi, Tibor, "Sin and Bioethics", Journal of Christian Bioethics, No.11, 2005, p: 143
 5. Campbell, Courtney S., "Religious perspectives on Human Cloning", p:33 and Harakas, Stanley S., "To clone or Not to clone?", p:89
 6. Campbell, Courtney S., "Religious perspectives on Human Cloning", p: 32
 7. Ibid

۶- تجاری شدن DNA انسان.^۱

۷- تلاش برای ایجاد ابرانسان‌ها.^۲

۲-۲-۲. شبیه‌سازی در آیین پروتستان

پروتستان‌ها، برخلاف کاتولیک‌ها، از همان آغاز دچار انشعابات مختلفی شدند و آشکارترین ضعف آنان نیز همین بود. به طور کلی، پروتستان‌تیسیم، دارای چهار شاخه اصلی و بزرگ به نام‌های کلیسای لوتری، کلیسای کالونی^۳، انگلیکن یا کلیسای انگلستان و پروتستان‌تسیم لیبرال است و سایر گروه‌ها و فرقه‌ها به نوعی به یکی از این شاخه‌های اصلی باز می‌گردند. از سایر فرق این مذهب می‌توان به تعمیم‌گرایان یا آناباپتیست‌ها^۴، منونایت‌ها^۵، آمیش‌ها^۶، مورمورن‌ها^۷، کوایرها^۸، شاهدان یهوه^۹، کلیسای

1. Campbell, Courtney S., "Religious perspectives on Human Cloning", p: 32

2. Ibid

۳. کالون، الاهی‌دانی برجسته و مرد شماره دو در نهضت پروتستان بود که به رغم پاره‌ای اشتراکات با لوتر، اختلافاتی جدی نیز با او داشت و تلاش می‌کرد تا کلیسا را از نفوذ و سیطره شاهزادگان و اصحاب قدرت وی در ژنو نظام خشک و سخت‌گیرانه خود را به گونه‌ای اعمال کرد که واکنش‌های منفی به دنبال آورد. امروزه حتی نام این کلیسا به «کلیسای اصلاح شده» تغییر یافته است. این گروه حضوری پررنگ در مناطقی مانند فرانسه، سوئیس، هلند و اسکانلند دارد.

۴. «آناباپتیسم» به معنی «دوبار غسل تعمیم شده» است؛ زیرا از نظر آناباپتیست‌ها، کلیسای واقعی مسیحی یک انجمن داوطلبی برای معتقدانی است که از نظر معنوی دوباره متولد شده و تعمیم یافته‌اند. آنان به تعمیم بزرگسالان اعتقاد داشتند و تأکید می‌کردند که هر فردی خود باید از روی آگاهی و بینش عیسی را به عنوان منجی بپذیرد. خاستگاه این گروه را به جان اسمیت می‌رسانند. آنان پیرو نوعی مردم‌سالاری شدید بودند که مطابق آن، تمام مؤمنان مساوی بودند. این گروه، برخلاف کاتولیک‌ها و سایر پروتستان‌ها، اعتقاد به جدایی کامل دین و دولت داشتند.

۵. منونایت‌ها، پیروان آموزه‌های کشیشی به نام «منو سیمونز» هستند که یک کشیش مصلح هلندی بود و در سال ۱۵۳۶م به آناباپتیسم روی آورد. او پس از دست کشیدن از ایمان کاتولیک، دوباره غسل تعمیم داده شد. او رهبر آناباپتیست‌های سرزمین‌های پست (هلند کنونی) بود، اما نفوذ و تأثیر او به سوئیس هم رسید. اصول اساسی تفکر منونایت‌ها عبارت است از: ساده زندگی کردن، اسلحه حمل نکردن، وارد ارتش و کارهای نظامی نشدن، از کسی شکایت حقوقی نکردن و غرامت نخواستن، کارمند دولت نشدن، نپذیرفتن نوجوانان زیر سن بلوغ به عضویت کلیسا، تلاش برای صلح جهانی، سوگند یاد کردن، اجتناب از استفاده از تکنولوژی جدید مانند برق و تلفن و کامپیوتر و ... آنان حتی از پرداختن مالیاتی که مستقیماً صرف بودجه‌های نظامی شود، سرباز می‌زنند.

۶. آمیش، یک فرقه مسیحی آناباپتیست است که در ۱۹۶۳م به وسیله رهبر منونایت‌های سوئیس، یاکوب آمان بنیان نهاده شد. او باور داشت که منونایت‌ها از تعلیمات سیمونز، مؤسس فرقه خود، فاصله گرفته‌اند. به تدریج گروهی از منونایت‌ها به آمان گرویدند و این امر منجر به ایجاد یک تقسیم در منونایت‌های سوئیس و پیدایش فرقه آمیش شد.

۷. کلیسای مورمون در ششم آوریل ۱۸۳۰م در ایالات متحده آمریکا به دست جوزف اسمیت تأسیس شد. مورمون‌ها اقلیتی مذهبی از مسیحیان هستند که خود را پیروان راستین عیسی مسیح می‌دانند. این فرقه با ←

متحد^۳ و پنتیکاستالیسم^۴ اشاره نمود.^۵ اما در بحث شبیه‌سازی، از آن‌جا که این بحث بسیار پررنگ‌تر در میان پروتستان‌های آمریکا مطرح شده است تا پروتستان‌های سایر نقاط دنیا، تقسیم‌بندی جدیدی ارائه می‌شود. دو فرقه ایوانجلیک‌های محافظه‌کار و شاخه اصلی پروتستان از فرق مهم در آمریکا هستند و سایر فرق مطرح نیز در سایر نقاط دنیا در این باره اظهار نظر نموده‌اند. بنابراین، در این مبحث، مسأله شبیه‌سازی را به ترتیب در فرقه‌های ایوانجلیک‌های محافظه‌کار^۶، شاخه اصلی پروتستان^۷ (شامل تعمیدگرایان^۸، کلیسای کالونی^۹، کلیسای لوتری ایوانجلیک^{۱۰}، کلیسای متحد^{۱۱}، کلیسای متحد متدیست‌ها^{۱۲}، انگلیکن‌های آمریکا^{۱۳} و حواریون مسیح^{۱۴} است)^{۱۵} بررسی نموده،

→ داشتن مکاشفات جدید و اعتقاد به کتاب‌های دیگر در کنار کتاب مقدس، خود را از بدنه مسیحیت راست کیش جدا کرد.

۱. کوایکرها یا کوئیکرها یکی از فرقه‌های مذهبی آیین پروتستان هستند که در ۱۷۹۷م در انگلستان توسط جورج فاکس پایه‌گذاری شد. کوایکر، نامی است که به دلیل نوع مراسم عبادت کوئیکری یا هیأت عبادت‌کنندگان و یا واحدهای سازمان کوئیکری به کوایکرها داده شده است. اعضای این فرقه با اعتقاد به فردگرایی محض معتقدند این عیسی مسیح است که به نزد مردم می‌آید تا فرزندان خود را هدایت کند.

۲. شاهدان یهوه در قرن هیجدهم توسط «چارلز تیز راسل» در پنسیلوانیای آمریکا تأسیس شد. پیروان این فرقه هر چند خود را مسیحی می‌دانند، اما به یک خدای واحد اعتقاد دارند که او را یهوه می‌نامند و منکر تثلیث‌اند. آنان به معاد نیز معتقدند.

۳. کلیسای متحد یا مونیسم بدعتی شرقی است که توسط «سان میونگ مون» اهل کره برای اتحاد مسیحیت جهانی در ۱۹۴۵م در کره پایه‌گذاری شد. او در اوایل دهه ۱۹۷۰م به آمریکا نقل مکان کرد، ولی موفقیت چندانی در غرب نداشت. مون ادعا می‌کند که حامل حقیقت کاملی از خداست که به تازگی توسط او بر عصر حاضر مکشوف گشته است. کشیش مون هم‌چنین ادعا می‌کند همان ماشیح یا مسیح موعود است و برای تکمیل کار ناتمام عیسی مسیح آمده است.

۴. پنتیکاستالیسم اشاره به فرقه‌ای دارد که به هبوط روح القدس بر رسولان در پنطیکاست یا عید پنجاهه معتقدند؛ این اصطلاح به جنبشی اطلاق می‌شود که در ۱۹۰۶م در آمریکا آغاز شد و تا آفریقا و اروپا و آمریکای لاتین گسترش یافت. مشخصه‌های این جنبش عبارت بود از شفای معنوی و شطح‌گویی به زبان‌هایی که یا قابل فهم نیستند یا ظاهراً انعکاس زبان‌های موجودند که گوینده چیزی از آن‌ها نمی‌دانسته است.

۵. وحیدی مهرجری، شهاب الدین، درآمدی به آیین پروتستان، قم، ادیان، ۱۳۸۹، صص ۴۵-۵۷

6. Conservative Evangelical

7. Mainline

8. American Baptist Churches

9. Presbyterian Church

10. Evangelical Lutheran Church

11. United Church of Christ

12. The United Methodist Church

13. The Episcopal Church

14. The Disciples of Christ

15. Campbell, Courtney S., "Religious perspectives on Human Cloning", pp.: 35-36

سپس به بحث از شبیه‌سازی در سایر فرقه‌ها چون فرقه پروتستان‌های لیبرال،^۱ انگلیکن‌های استرالیا^۲ و کلیسای لوتری-شورای کلیسای میسوری^۳ می‌پردازیم:

۲-۲-۱. فرقه ایوانجلیک یا انجیلی‌های محافظه‌کار^۴

اصطلاح «انجیلی» مربوط به قرن شانزدهم است و در آن زمان برای اشاره به نویسندگان کاتولیکی به کار می‌رفت که در صدد بازگشت به عقاید و اعمالی بودند که بیشتر بر کتاب مقدس مبتنی بود تا اعتقادات و اعمال منسوب به کلیسای قرون وسطی در اواخر آن. این اصطلاح به شکل گسترده‌ای برای اشاره به روند فراقهره‌ای در الهیات و معنویات به کار می‌رود که تأکید خاصی بر جایگاه کتاب مقدس در زندگی مسیحی دارد. امروزه آیین انجیلی، بر مجموعه‌ای از چهار پیش‌فرض استوار است: مرجعیت کتاب مقدس و حجیت آن، انحصار رهایی در مرگ مسیح بر صلیب، نیاز به نوگرایی شخصی، ضرورت درستی و فوریت تبلیغ مسیحیت.^۵

بنابراین، انجیل‌گرایی آیینی فوق فرقه‌گرایی است و محدود به هیچ فرقه خاصی نیست، حتی خودش یک فرقه نیست. سخن گفتن از «انجیلی‌های انگلیکان»، «انجیلی‌های پرسبیتی»، «انجیلی‌های متدیست» و حتی از نظر برخی از گرایش‌های بسیار متأخر «انجیلی‌های کلیسای کاتولیک روم» به هیچ وجه متناقض نیست.^۶

امروزه بنیادگراها و پروتستان‌های ایوانجلیک در آمریکا را می‌توان ادامه پیوریتانیزم قلمداد کرد. در دائرةالمعارف یهود، پیوریتانیزم چنین معرفی شده است: «پیوریتانیزم که ساختار هنجارهای اخلاقی آن تماماً منطبق با تورات است، به عنوان یهودی‌گری انگلیسی نامیده می‌شود». پیوریتانیزم که توسط فردی کالوینیست و پروتستان به نام ویلیام تیندل^۷ پایه‌گذاری شده و در انگلستان گسترش یافته بود، شاخه‌ای از کالوینیسم به حساب می‌آمد. تعداد و قدرت پیوریتان‌ها در مدت زمان بسیار کوتاهی افزایش

1. Liberal

2. Australian Anglicans

3. Lutheran Church- Missouri Synod

4. Conservative Evangelical

۵. مک گراث، آلیستر، در سنامه الهیات مسیحی، ترجمه بهروز حدادی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴، ص ۲۴۲

۶. همان، ص ۲۴۳

7. William Tyndale

یافت؛ آن‌ها با سرنگونی شاه انگلستان توسط کرامول که خود را یک پیوریتان می‌دانست، موفق شدند حاکمیت انگلستان را در اختیار بگیرند.

بعد از کرامول آن‌ها قدرت و اقتدار خود را از دست دادند؛ اما بر فرهنگ انگلو - ساکسون اثرات عمیقی از خود بر جای نهادند. پیوریتان‌ها در آمریکا نیز نقش مهمی بر عهده داشتند. آن‌ها در مستعمره‌سازی دنیای جدید نقش پیش‌تاز را ایفا می‌کردند. فرهنگ آمریکا نیز از پیوریتان‌ها اثر پذیرفته بود.^۱

الف - شبیه‌سازی درمانی

فرقه ایوانجلیک، شبیه‌سازی درمانی را محکوم نموده^۲ و تحقیقات در این زمینه را غیراخلاقی و ممنوع دانسته است؛ زیرا هم‌چون کاتولیک‌ها معتقدند که جنین از زمان انعقاد نطفه، انسان تلقی می‌شود.^۳

رمزی^۴ یکی از علمای این مذهب، شبیه‌سازی را با عنوان آزمایش غیراخلاقی شخص بدون رضایت وی توصیف می‌کند. علاوه بر این، فرآیند شبیه‌سازی، احتمال مرگ جنین را بالا می‌برد و این به خاطر نواقصی است که در جنین به وجود می‌آید. هم‌چنین، مشکلاتی نیز در ضمن انتقال جنین به رحم اتفاق می‌افتد.^۵ «کربی اندرسون» - شاید اولین مؤلف پروتستان درباره شبیه‌سازی - این امر را متناقض حیات انسان دانست. «اندرسون» دو دلیل برای مخالفت خود ذکر کرد: اول این‌که تحقیقات شبیه‌سازی به طور غیرقابل اجتنابی باعث از بین رفتن زندگی جنین می‌شود. دوم، با این‌که اندرسون باور دارد که فرد شبیه‌سازی شده روح دارد، ولی می‌گوید عدم احترامی (تقدسی) که برای زندگی انسان به وجود می‌آید، باعث می‌شود با فرد شبیه‌سازی شده به عنوان مخزنی برای اعضا و بافت‌های ذخیره (یدکی) رفتار شود.^۶

۱. صاحب خلق، نصیر، پروتستانیزم، پیوریتانیسم و مسیحیت صهیونیستی، تهران، هلال، ۱۳۸۳، صص ۳۵-۳۶.
۲. Campbell, Courtney S., "Religious perspectives on Human Cloning", p:5 and Waskey, Andrew J., 2008, "Religion, Christian. Encyclopedia of stem cell research", available at: http://sage-ereference.com/stemcell/Article_n225.html (12 Mar 2009)
۳. Campbell, Courtney S., "Religious perspectives on Human Cloning", p: 35
۴. Ramsey
۵. Campbell, Courtney S., "Religious perspectives on Human Cloning", p: 35
۶. ملتی راد، علاء سعید شهرآز، منیر عباسی، رویا شرافت و الناز جعفری مهر، «همت‌سازی انسان»، طیب مردم، سال سوم، شماره ۲۵، فروردین، ۱۳۸۲، ص ۱۹

البته ذکر این نکته خالی از لطف نیست که مبنای مباحث این گروه در مخالفت با شبیه‌سازی درمانی، همان مبنای بحث در مسائل مربوط به سقط جنین است،^۱ زیرا شبیه‌سازی نیز موجب نقض حرمت جنین می‌شود.^۲

ب - شبیه‌سازی مولد انسان

شبیه‌سازی مولد انسان نیز هم‌چون شبیه‌سازی درمانی از دیدگاه این گروه ممنوع و غیراخلاقی است.^۳ البته این گروه برای نظر خود، ادله‌ای را نیز اقامه می‌کنند:

۱- حذف جنبه مقدس زندگی و شخصیت انسان^۴

تقدس حیات از دو اصل اساسی نشأت می‌گیرد:
اول؛ خداوند، انسان را با تصویر خود آفریده است. این نظر ملهم از سفر آفرینش کتاب تورات است.

دوم؛ جنبه دوم که توسط پاپ ژان پل دوم بیان شده است، این است که خداوند عطاکننده زندگی است. به این موضوع نیز در سفر آفرینش اشاره شده است. دستور به حفظ حیات انسان‌ها از این دو جنبه ناشی می‌شود.

شاید منبع اصلی‌تر برای این موضوع فرمان ششم (نکشید بزرگ و کوچک را: Thou shall not kill) از فرمان‌های ده‌گانه موسی (ع) باشد. این فرمان، مورد اختلاف میان پروتستان‌ها و کاتولیک‌هاست، زیرا نسخه کنونی متون پروتستان به جای واژه "kill" از واژه "murder" استفاده نموده است که به گونه‌ای واضح از تفاسیر کلیسای کاتولیک در این مورد محدودتر می‌باشد، زیرا واژه "murder" به معنای قتل عدوانی و ظالمانه است، در حالی که واژه "kill" تمامی انواع قتل از خطا تا عدوان را شامل می‌شود. لازم به ذکر است در نسخه‌های قدیمی‌تر متون پروتستان همان واژه "kill" استفاده شده است. به هر

1. Evans, John H., "Cloning Adam's Rib: A primer on religious responses to Cloning", p:5 and Evans, John J., "Religion and human cloning: An exploratory analysis of the first available opinion data", Journal for the scientific study of religion, Vol.41, No.4, 2002, p:748

۲. صادقی، محمود، «هماندسازی انسان از نظر مراجع ادیان آسمانی و بررسی آن از نظر فقه اسلامی»، ص ۷۵

3. Evans, John H., "Cloning Adam's Rib: A primer on religious responses to Cloning", p:5

4. Campbell, Courtney S., "Religious perspectives on Human Cloning", p: 34

صورت، این فرمان به عنوان اولین منبع برای حمایت از تقدس زندگی انسان، معرفی می‌شود.^۱

۲- وجود خطر در فرآیند شبیه‌سازی.^۲

۳- تبدیل شدن فرآیند تولیدمثل به صنعت^۳

منظور از این دلیل، تولید انسان‌ها به تعداد زیاد در آزمایشگاه‌ها و بدون وجود پدر و مادر می‌باشد.

۴- فروپاشی بنیان خانواده و از بین رفتن روابط پدر و مادری و فرزندى

علمای این فرقه، رابطه ذاتی میان ازدواج و رابطه والدینی را که در سفر آفرینش به آن اشاره شده است، مورد تأکید قرار می‌دهند. از نظر این عده، شبیه‌سازی، نوعی انحراف از مسیر الهی است؛ زیرا باعث اضمحلال کامل این روابط می‌شود. علمای این فرقه معتقدند که چارچوب ازدواج که در آن روابط عاطفی میان زوجین برقرار است، ایده‌آل‌ترین چارچوب برای تولیدمثل و تربیت کودکان است. درحالی که این چارچوب در شبیه‌سازی مضمحل می‌شود، زیرا شبیه‌سازی دقیقاً راز تولید مثل و ایجاد کودک را هدف گرفته است. پس این نظریه که کودک، هدیه خداوند است، تحت تأثیر این فرآیند قرار می‌گیرد و تولد کودک تبدیل به یک پروژه برای خودنمایی انسان می‌شود.

یکی از علمای این فرقه، ضمن بیان وجوه افتراق تولیدمثل عادی کودک با ساخت و تولید کودک در فرآیند شبیه‌سازی معتقد است که نمونه ساختن یک کودک همان شبیه‌سازی انسانی است. از نظر او، انسان بودن با شبیه‌سازی از بین خواهد رفت و به جای آن، ماده‌ای قرار خواهد گرفت که می‌توان آن را در ذهن خود شکل داد و ساخت. این گروه، شبیه‌سازی را از روش پیشین تولید مثل (تولید مثل جنسی) جدا می‌داند و آن را مخرب گذشته انسان و نقش‌های مؤثر در زندگی فعلی انسان می‌شمارد.^۴

1. Wicks, Elizabeth, "Religion, law and medicine: legislation on birth and death in a Christian state", Medical review, 2009, p: 421

2. Evans, John H., "Cloning Adam's Rib: A primer on religious responses to Cloning", p:5

3. Ibid and Meilaender, Gilbert, **Begetting and cloning, Ethical issue in human cloning**, New York, Seven bridges press, First Edition, 2000, p:81

4. Campbell, Courtney S., "Religious perspectives on Human Cloning", p: 34 and Meilaender, Gilbert, **Begetting and cloning, Ethical issue in human cloning**, pp.: 81-82

۵- تعارض با تصویر خدایی انسان

ایوانجلیک‌ها، از بین رفتن انسانیت و روابط خانوادگی را که نتیجه شبیه‌سازی است، با تهاجم به تصویر الهی از انسان مرتبط می‌دانند؛ زیرا دگرگونی ساختار انسان که به گفته تورات همانند چهره خداست، حمله به تصویر خداست. یکی از علمای این فرقه، تصویر الهی انسان را در ارتباط با آزادی، خودمختاری، برابری، احترام متقابل و هم‌بستگی و اتفاق‌نظر طرح می‌کند. ادامه پروژه شبیه‌سازی انسان، آزادی فردی را مورد تهاجم قرار می‌دهد و تقدیرگرایی علمی را جایگزین استقلال انسان می‌نماید. تصویر الهی انسان در خلال فرآیند شبیه‌سازی به مخاطره می‌افتد؛ زیرا شبیه‌سازی، هم‌بستگی، برابری و روابط را از بین می‌برد. شبیه‌سازی انسان، ارزش انسان را کاهش می‌دهد؛ زیرا ژنتیک را منشأ شکل‌گیری شخصیت معرفی می‌کند و یا برای انسان شبیه‌سازی شده، از آن جهت ارزش قائل است که او، در واقع نسخه دوم از یک فرد ارزشمند است.

این فرقه، تصویر خداوند را مانعی برای شبیه‌سازی انسان می‌دانند. حاملان این تصویر یعنی انسان‌ها از خودآگاهی و یگانگی انسان و روابط متفاوت با موجودات دیگر، درک جدیدی پیدا می‌کنند. پس یگانگی مقدس انسان، با تلاش برای شبیه‌سازی انسان به مخاطره می‌افتد.

هم‌چنین آنان شبیه‌سازی را معارض با خلاقیت و ابداعات انسانی به شمار می‌آورند که ریشه در تصویر خداوند دارند. شبیه‌سازی نه تنها یک دریچه به سوی آینده نیست، بلکه تکرار گذشته است. بنابراین، آن را نباید به عنوان خلاقیت تعبیر نمود. شبیه‌سازی، گذشته را همیشگی می‌کند و عدم تمایل انسان را در پذیرش احتمالات و نادانسته‌ها (حق به جهل به آینده) منحرف می‌نماید.^۱

۲-۲-۲-۲. شاخه اصلی پروتستان

در این بخش، به بررسی دیدگاه شاخه مذکور درباره شبیه‌سازی درمانی و مولد می‌پردازیم:

الف - شبیه‌سازی درمانی

این فرقه نیز شبیه‌سازی درمانی را ممنوع دانسته،^۱ اما ادله متفاوتی را برای نظر خویش اقامه کرده است:

۱- هدر رفتن جنین‌ها در فرآیند شبیه‌سازی.^۲

۲- اهداف نادرست این تحقیقات.^۳

۳- شباهت این فرآیند به سقط جنین.^۴

ب - شبیه‌سازی مولد انسان.

این گروه، شبیه‌سازی انسانی را هم‌چون شبیه‌سازی درمانی، ممنوع دانسته و ادله‌ای برای آن بیان کرده است؛ از جمله:

۱- فروپاشی بنیان خانواده.^۵

۲- احتمال سوءاستفاده مردم از آن.^۶

۳- استفاده زنان از این فرآیند.^۷

۴- به مخاطره افتادن تنوع زیستی انسان‌ها.^۸

۵- تهاجم به حیطه خصوصی افراد.^۹

۶- اهداف انسانی و غیرالهی مورد نظر این فرآیند.^{۱۰}

1. Waskey, Andrew J., "Religion, Christian. Encyclopedia of stem cell research", p:1

2. Evans, John H., "Cloning Adam's Rib: A primer on religious responses to Cloning", p:6

3. Ibid

4. Ibid

5. Ibid

6. Ibid

7. Ibid

8. Ibid

9. Ibid

10. Ibid

۲-۲-۳. فرقه پروتستان لیبرال

پروتستان‌تیسیم لیبرال، شاخه دیگری در پروتستان‌تیسیم است که در سده هیجده میلادی و هم‌زمان با عصر روشنگری پدید آمد. پیروان این جریان در مورد پاره‌ای از آموزه‌هایی که در اعتقادنامه‌ها ذکر شده بود، تردید روا داشتند و بر «عقل»، «تجربه دینی» و اصل «داوری شخصی» به گونه‌ای تأکید کردند که حتی مورد تأیید اصلاح‌گران پیشین و پروتستان‌های اولیه نیز نبود. متفکران پروتستان لیبرال، اهمیت وحی و مکاشفه کتاب مقدس را می‌پذیرفتند؛ اما «خطاناپذیری لفظی» آن را مورد تردید قرار می‌دادند.^۱

الف - شبیه‌سازی درمانی

این فرقه، شبیه‌سازی درمانی را با تمام منابع و منشأهای آن مجاز شمرده‌اند. این گروه، فرآیند استخراج سلول‌های بنیادی از بزرگسالان، جنین سقط شده و رویان‌های باقیمانده از فرآیند IVF را مجاز می‌دانند. در حالی‌که سایر فرقه‌های پروتستان و آیین‌های دیگر مسیحیت، تنها استخراج سلول‌های بنیادی از بزرگسالان را جایز می‌دانند.^۲ ادله این گروه به قرار زیر است:

- ۱- منافع فراوان استفاده از سلول‌های بنیادی برای جامعه و مردم^۳
- ۲- از نظر آنان، جنین در مراحل اولیه شکل‌گیری‌اش، تنها مجموعه‌ای از بافت به حساب می‌آید^۴ و شخصیت و شرایط انسانی ندارد.^۵
- ۳- از سوی دیگر، در صورت عدم استفاده از رویان‌های باقیمانده از IVF، آن‌ها دفن خواهند شد یا از بین خواهند رفت.^۶ هم‌چنین بیرون ریختن رویان‌ها نوعی اسراف است که به هیچ وجه پذیرفتنی نیست؛ زیرا مرگ، حقیقت زندگی در این دنیای پرگناه است. پس برای معنادار شدن مرگ، تخریب رویان‌ها به منظور دست آوردن سلول‌های بنیادی، درمان به شمار می‌رود و قابل پذیرش است.^۷

۱. وحیدی مهرجردی، شهاب الدین، درآمدی به آیین پروتستان، ص ۴۴

2. Waskey, Andrew J., "Religion, Christian. Encyclopedia of stem cell research", p:2 and Evans, John J., "Religion and human cloning: An exploratory analysis of the first available opinion data", p:749

3. Waskey, Andrew J., "Religion, Christian. Encyclopedia of stem cell research", p:2

4. Ibid, p:2

5. Evans, John H., Cloning Adam's Rib: A primer on religious responses to Cloning, p:7

6. Waskey, Andrew J., "Religion, Christian. Encyclopedia of stem cell research", p:2

7. Ibid, p:2

ب - شبیه‌سازی مولد انسان

دیدگاه این گروه درباره شبیه‌سازی انسان چندان روشن نیست؛ هر چند که ممنوعیت آن پررنگ‌تر به نظر می‌رسد؛ زیرا این گروه ضمن همدردی با زوجین ناباروری که به دنبال داشتن فرزندی از خود هستند، شبیه‌سازی انسان را وسیله‌ای برای تمتع و سود بردن افراد مرفه و خاص می‌دانند که در دنیای غرب زندگی می‌کنند و این در حالی است که بسیاری از مردمان دنیا، از بیماری‌های ساده، گرسنگی و فقر می‌میرند.^۱

۴-۲-۲-۲. انگلیکن‌های استرالیا

انگلیکن‌ها در ابتدا انشعابی در کلیسای کاتولیک بودند و به همان آداب و شعایر کلیسای کاتولیک پای‌بند بودند؛ اما بعدها، گرایش‌های فکری موجود در نهضت اصلاح دینی در آنان اثر گذاشت. نهضت اصلاح در انگلستان، با جدایی این کلیسا از کلیسای رم در روزگار «هنری هشتم» آغاز گردید. این پادشاه اعتقادات کاتولیک‌ها را قبول داشت، اما اقتدار پاپ را رد می‌کرد. این ویژگی، یعنی انکار اقتدار پاپ، تا امروز به عنوان ویژگی کلیسای انگلستان شناخته می‌شود. کلیسای انگلستان به همراه چند کلیسای دیگر در کشورهای مختلف، «کلیساهای شرکت انگلیکن» را تشکیل می‌دهند.^۲ این فرقه نیز هر دو نوع شبیه‌سازی را ممنوع اعلام نموده،^۳ اما به گونه‌ای واضح از ادله خود سخنی به میان نیاورده است.

الف - شبیه‌سازی درمانی

پس از مطالعه بیانیه‌های انگلیکن‌ها، باید اذعان نمود که در مسأله شبیه‌سازی درمانی، با استناد به ادله‌ای چون ارزش مطلق زندگی و هدیه بودن آن از سوی خداوند

1. Evans, John H., "Cloning Adam's Rib: A primer on religious responses to Cloning", p:7

۲. وحیدی مهرجردی، شهاب الدین، درآمدی به آیین پروتستان، ص ۴۳

3. "Social Issues - How do Anglicans think about social", No date, available at: [http://www.anglican.org.au/Web/Website.nsf/content/How%20do%20Anglicans%20think%20about%20social%20issues\(1 Jan 2011\)](http://www.anglican.org.au/Web/Website.nsf/content/How%20do%20Anglicans%20think%20about%20social%20issues(1%20Jan%202011))

که شامل حال جنین‌های متولد نشده نیز می‌شود، شبیه‌سازی درمانی را ممنوع اعلام کرده‌اند.^۱

ب - شبیه‌سازی مولد انسان

آنان هم‌چنین با استناد به ادله‌ای چون فردیت، حذف جنبه‌های مقدس زندگی انسان (خلقت در شکل و صورت خداوند، لقاح طبیعی جنین و شروع رشد آن)، شبیه‌سازی مولد را ممنوع اعلام کرده‌اند.^۲

۲-۲-۵. کلیسای لوتری - شورای کلیسای میسوری

آموزه‌های اساسی آیین لوتری عبارتند از این‌که آموزش گناهان فقط از طریق ایمان و فیض الهی صورت می‌پذیرد، نه اعمال انسان، و دیگر این‌که مرجعیت کتاب مقدس بر سنت کلیسایی برتری دارد. لوتر به فراخور رسم زمانه، طرفدار کلیسای ملی بود که از پشتیبانی شاهزادگان برخوردار باشد. کلیسای لوتری، کلیسای انجیلی نیز خوانده می‌شود. آیین لوتری یکی از دو شاخه مهم آیین پروتستان در اروپاست.^۳ این فرقه در آمریکا به دو شاخه تقسیم می‌شود. شاخه کلیسای لوتری ایوانجلیک که در بخش پیشین توضیح آن داده شد و کلیسای لوتری - شورای کلیسای میسوری. سه تفاوت اساسی میان این دو فرقه وجود دارد:

الف - دکتترین و حاکمیت کتاب مقدس: از دیدگاه کلیسای میسوری، کتاب مقدس به طور کلی، دور از هرگونه خطا و اشتباه است، درحالی که لوترن‌های انجیلی معتقدند که کتاب مقدس لزوماً دور از اشتباه نیست، به ویژه در مورد مسائل مربوط به تاریخ و علوم. البته این تفاوت در دیدگاه در مورد زنان و همجنس‌گراها نیز متفاوت است. به گونه‌ای که کلیسای میسوری از راه دادن زن‌ها به مراتب اسقفی خودداری می‌کند و مخالفت صریح خود را درباره همجنس‌گرایی اعلام نموده است، اما کلیسای انجیلی چنین نیست.

1. Croucher, Rowland, 2003, "Freemasons and the Anglican Church", available at: <http://jmm.aaa.net.au/articles/11758.htm> (1 Jan 2011)

2. Croucher, Rowland, "Freemasons and the Anglican Church", p:2

۳. وحیدی مهرجردی، شهاب الدین، درآمدی به آیین پروتستان، صص ۴۲-۴۳

ب - پابندی به سنت اعتراف لوتری: کلیسای میسوری کاملاً به منابع این سنت که در قرن ۱۶ نوشته شده‌اند، پایبند هستند، اما کلیسای ایوانجلیک کاملاً به این متون پایبند نیست.

ج - سطح تناسب و هماهنگی لازم در یک نظام کلیسایی: کلیسای میسوری معتقد است که باید یک هماهنگی و تناسب میان تعالیم کتاب مقدس وجود داشته باشد، در حالی که کلیسای ایوانجلیک به چنین موضوعی اعتقاد ندارد.^۱ این شاخه نیز شبیه‌سازی درمانی و مولد انسان را ممنوع اعلام نموده است.^۲

الف - شبیه‌سازی درمانی

کلیسای لوتری درباره شبیه‌سازی درمانی بر این اعتقاد است که چون این طریق از درمان، آخرین راه در حفظ جان فرد نیستند، بنابراین، هیچ توجیه منطقی برای از بین بردن جنین‌ها برای به دست آوردن سلول‌های بنیادی وجود ندارد.^۳ این ممنوعیت هم‌چنین، ناشی از تعارض عمل مزبور، با اوامر الهی است.^۴

ب - شبیه‌سازی مولد انسان

فرقه مورد بحث با استناد به دلایلی چون حق منحصر به فرد بودن هویت ژنتیک افراد و هم‌چنین حمایت از حقوق فرد شبیه‌سازی شده، شبیه‌سازی مولد انسان را نیز ممنوع شمرده‌اند.^۵

-
1. "ELCA vs. Missouri Synod - Major Differences", No date, available at: <http://www.christianforums.com/search.php?do=process&query=ELCA%20vs.%20Missouri%20Synod%20-%20Major%20Differences> (22 Apr 2011)
 2. Available at: <http://www.nprcouncil.org/pressreleases/cloning-lutheran.htm> and http://asia-lutheran.org/aug_00/luth.html (1 Jan 2011)
 3. "Christian Faith and Human Beginnings: Christian Care and Pre-implantation Human Life: A Report of the Commission on Theology and Church Relations of The Lutheran Church—Missouri Synod", 2005, available at: <http://www.lcms.org/graphics/assets/media/CTCR/CTCR%20Human%20Beginnings.pdf> (1 Jan 2011)
 4. Available at: <http://www.nprcouncil.org/pressreleases/cloning-lutheran.htm> (1 Jan 2011)
 5. Eigen, Lewis D., 2010, "Rights & Protections of Coming Human Clones: A Remarkable Lutheran View", available at: <http://scriptamus.wordpress.com/2010/03/19/rights-protections-of-coming-human-clones-a-remarkable-lutheran-view/> (1 Jan 2011)

۲-۳. شبیه‌سازی در آیین کاتولیک

در این بخش به بررسی دیدگاه کاتولیک‌ها درباره شبیه‌سازی درمانی و مولد می‌پردازیم:

۲-۳-۱. شبیه‌سازی درمانی

کلیسای کاتولیک، شبیه‌سازی درمانی را مشمول حکم شبیه‌سازی انسانی دانسته، هر دو را ممنوع اعلام می‌کند و حتی شبیه‌سازی درمانی را غیراخلاقی‌تر می‌شمارد.^۱ شیوه کلیسای کاتولیک در مخالفت با شبیه‌سازی درمانی آن است که نخست به روشی نشان می‌دهد که هیچ تفاوت ماهوی میان شبیه‌سازی درمانی و شبیه‌سازی مولد انسان وجود ندارد.^۲ اساساً تفکیک بین اقسام شبیه‌سازی را اشتباه می‌داند؛^۳ زیرا معتقد است که این دو فرآیند، کاملاً شبیه به هم هستند و تنها تفاوت آن‌ها این است که در شبیه‌سازی انسان، رویان در رحم کشت می‌گردد و به انسانی کامل تبدیل می‌شود؛ ولی در شبیه‌سازی درمانی، پس از بهره‌برداری رویان از میان می‌رود. بر همین اساس، واتیکان طی بیانیه‌ای که در فوریه سال ۲۰۰۳ خطاب به سازمان ملل منتشر نمود، بر یگانگی ماهیت هر دو نوع شبیه‌سازی تأکید کرد. دوم آن‌که غالب مدافعان شبیه‌سازی درمانی از صفت گمراه‌کننده و اغواگر «درمانی» استفاده می‌کنند، در حالی که چنین نیست و سوم آن‌که بیشتر افراد، تصور روشنی از ماهیت و فرآیند شبیه‌سازی درمانی ندارند و به صرف صفت درمانی از تدقیق در این مسأله خودداری می‌کنند. چهارم آن‌که نباید این مسأله در بیانیه‌های بین‌المللی بر ضد شبیه‌سازی نادیده گرفته شود.^۴ برای مثال، کلیسای کاتولیک پس از صدور بیانیه ژنوم انسان و حقوق بشر از سوی یونسکو، اعلامیه‌ای را با عنوان «ملاحظات درباره بیانیه جهانی درباره ژنوم انسانی و حقوق بشر» صادر کرد و در آن متذکر شد که شبیه‌سازی درمانی باید در کنار شبیه‌سازی انسانی مورد منع قرار می‌گرفت.^۵ پنجم آن‌که فواید ادعایی شبیه‌سازی درمانی، ادعایی بیش نیست و می‌توان به شکل دیگری نیز به آن فواید دست یافت. سرانجام آن‌که حقوق جنین با انسان کامل

۱. اسلامی، سید حسن، «شبیه‌سازی در آیین کاتولیک»، هفت آسمان، سال هفتم، شماره ۲۷، ۱۳۸۵، ص ۶۱

۲. صادقی، محمود، «هماندسازی انسان از نظر مراجع ادیان آسمانی و بررسی آن از نظر فقه اسلامی»، ص ۷۵

۳. همان، ص ۷۵

۴. اسلامی، سید حسن، «شبیه‌سازی در آیین کاتولیک»، ص ۶۳

۵. یزدانی زنوز، هرمز، «ژنوم انسان در حقوق بشر»، همشهری، ۸۰/۱۰/۳۰

یکسان است و استفاده پژوهشی و درمانی از جنین شبیه‌سازی شده، نوعی بهره‌برداری از حیات انسانی و نقض حرمت و جایگاه اخلاقی جنین مذکور است و موجب ورود آسیب‌های اخلاقی به جامعه می‌شود.^۱ واتیکان در اعلامیه‌ای رسمی، استفاده درمانی از جنین انسان را محکوم کرد. بر اساس بیانیه واتیکان جنین انسان در نخستین لحظه‌های شکل‌گیری صاحب حیات انسانی است و نباید بازیچه قرار گیرد؛ لذا محققان این طرح نمی‌توانند به بهانه درمان بیماری‌های انسانی، جنین را که دارای هویت انسانی است، از بین ببرند. واتیکان پیش از این اعلام کرده بود جنین از زمان شکل‌گیری هسته اولیه، دارای حیات و حقوق انسانی است و نباید هیچ‌گونه مداخله‌ای که ناقض این حقوق باشد، صورت گیرد. کلیسای کاتولیک اسپانیا هم به انجام آزمایش‌های مربوط به دست‌کاری ژنتیک جنین انسان اعتراض کرد. آنتونیو ماریا رثوکو رئیس مجمع اسقفی اسپانیا و اسقف اعظم شهر مادرید تصریح کرد که انجام آزمایش‌های ژنتیک مربوط به همتاسازی نوع انسان از نظر کلیسا، غیر قابل قبول است. به اعتقاد وی این طرح‌ها حتی به منظور اهداف درمانی به هیچ‌وجه قابل قبول نیست. او اظهار داشت که از میان بردن جنین به معنای از بین بردن جان یک انسان است و نمی‌توان یک فرد را قربانی سلامت فرد دیگر کرد.^۲

همان‌طور که پیش از این گفته شد، منابع گوناگونی برای ایجاد سلول‌های بنیادی وجود دارد: ۱- جنین‌های سقط‌شده: مسیحیان این گروه، سقط را نوعی قتل می‌دانند.^۳ این نظر با این عقیده که پس از چهارده روزگی یا هیجده روزگی، در جنین روح دمیده می‌شود، تقویت می‌گردد. این عقیده ابتدا از سوی ارسطو مطرح شد و توسط بعضی از دانشمندان کاتولیک توسعه یافت و اختلافاتی نیز میان آنان پدید آورد تا آن‌که در سال ۱۵۸۸ میلادی، کلیسای کاتولیک از بین بردن جنین از زمان انعقاد نطفه به بعد را نوعی قتل به شمار آورد.^۴ بعدها در نتیجه این اعتقاد شبیه‌سازی درمانی ممنوع اعلام شد.^۵

۱. صادقی، محمود، «همانندسازی انسان از نظر مراجع ادیان آسمانی و بررسی آن از نظر فقه اسلامی»، ص ۷۵

۲. «همتاسازی»، دانشمند، سال چهل و سوم، شماره ۵۰۱، ۱۳۸۴، ص ۴۴

3. Waskey, Andrew J., "Religion, Christian. Encyclopedia of stem cell research", p: 2

4. Schenker, Joseph G., "The beginning of human life", p:273

5. Waskey, Andrew J., "Religion, Christian. Encyclopedia of stem cell research", p: 2

۲- سلول‌های بنیادی انسان بالغ: کاتولیک‌ها، با این نوع شبیه‌سازی مخالفتی ندارند؛ زیرا مستلزم تخریب و نابودی جنین‌ها نیست؛ حتی آن را توصیه نیز می‌نماید.^۱

۳- رویان‌های باقیمانده از IVF: عده‌ای از علمای این آیین با تمسک به ادله‌ای مثل تقدس حیات، تکامل و فردیت، شبیه‌سازی درمانی و تحقیقات درباره آن را ممنوع می‌شمرند. هم‌چنین آنان معتقدند که شبیه‌سازی، احترام جنین و زندگی تازه متولد شده وی را از بین می‌برد.^۲

از این دیدگاه، تخریب رویان‌ها پس از انعقاد نطفه، نوعی قتل عمد محسوب می‌شود؛^۳ زیرا جنین انسان، از کرامت انسانی برخوردار است و استفاده ابزاری از جنین ممنوع است؛^۴ بنابراین، کرامت و ارزش انسانی جنین نباید در تعارض با ارزش‌های دیگر کنار گذاشته شوند.^۵

هم‌چنین کلیسای کاتولیک با هرگونه تکنولوژی که موجب هدر رفتن رویان‌ها شود، مخالف است؛^۶ زیرا این رویان‌ها حق دارند که به دنیا بیایند و در خانواده‌ای رشد یابند.^۷

پس با ترکیب گامت نر و ماده در این فرآیند زندگی جدیدی شکل می‌گیرد که نابود کردن آن ممنوع است.^۸ منظور این گروه آن است که در مرحله مورد بحث، روح در انسان دمیده می‌شود؛ پس جنین، حکم انسان را دارد و هرگونه دست‌کاری آن خلاف اراده الهی است. این موضع‌گیری از برداشتی ناشی می‌شود که آنان از برخی آیات کتاب مقدس دارند. برای مثال، در سفر آفرینش چنین آمده است: «آن‌گاه خداوند از خاک، آدم را سرشت. سپس در بینی آدم روح خود را دمید، به او جان بخشید و آدم، موجود

-
1. Wilnise, Jasmin, 2008, "Religion, Catholic. Encyclopedia of stem cell research", available at: http://sage-ereference.com/stemcell/Article_n224.html (12 Mar 2009)
 2. Campbell, Courtney S., "Religious perspectives on Human Cloning", p: 38
 3. Chaudhari, Bimal P., "'Clone' Encyclopedia of Global Health", p:2
 4. Evans, John H., "Cloning Adam's Rib: A primer on religious responses to Cloning", p:5 and Cole-Turner, Ronald, 1999, "Cloning humans from the perspective of the Christian churches", Science and Engineering Ethics, Vol.5, Issue 1, p:34
 5. Wilnise, Jasmin, "Religion, Catholic. Encyclopedia of stem cell research", p:1
 6. Ibid
 7. Ibid
 8. Ibid and Schenker, Joseph G., "Ethical aspects of advanced reproductive technologies", Academy of Sciences, 2003, p: 17

زنده‌ای شد».^۱ البته لازم به ذکر است که استفاده از بافت‌ها و داروهای ناشی از این اعمال نیز ممنوع است.^۲

۲-۲-۳. شبیه‌سازی مولد

در این بخش، به توضیح دیدگاه کاتولیک‌ها درباره شبیه‌سازی مولد در حیوان و انسان می‌پردازیم:

۲-۲-۳-۱. شبیه‌سازی مولد حیوان

از نظر کلیسای کاتولیک، اعمال تکنولوژی باروری و تکثیر غیرجنسی در عرصه گیاهان و حیوانات مانعی ندارد و این کار نه تنها مجاز، بلکه مطلوب هم است.^۳

۲-۲-۳-۲. شبیه‌سازی مولد انسان

در مورد شبیه‌سازی مولد نظر کلیسای کاتولیک منفی است؛ یعنی این طریق از شبیه‌سازی را نیز ممنوع دانسته‌اند. عمده مخالفت آنان بر سه داستان محوری سفر پیدایش در عهد عتیق استوار است: ۱- خلقت آدم (سفر پیدایش ۱: ۲۶-۲۹)، ۲- قتل هابیل (سفر پیدایش ۱۰-۱۶)، ۳- ویرانی برج بابل (سفر پیدایش ۱۱: ۱-۹)، از این سه داستان دینی، سه اصل اخلاقی اساسی به دست می‌آید:

۱- انسان موجودی است خداگونه و همانند خدا که بر صورت او آفریده شده است، پس موجودی است یکتا و دارای کرامت خاص خدایی و متفاوت از دیگر موجودات.

۲- حیات انسانی، والاترین شیء ارجمند هستی و حفظ آن عالی‌ترین عمل اخلاقی است و در مقابل، قتل نفس از کهن‌ترین و سنگین‌ترین اعمال غیراخلاقی به شمار می‌رود.

۱. سالاری، حسن، شبیه‌سازی انسان، ص ۹۳

2. Wilnise, Jasmin, "Religion, Catholic. Encyclopedia of stem cell research", p:1

؛ اسلامی، سید حسن، «شبیه‌سازی در آیین کاتولیک»، ص ۵۷

3. Cole-Turner, Ronald, "Cloning humans from the perspective of the Christian churches", p:34 and

اسلامی، سید حسن، شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه آیین کاتولیک و اسلام، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۶، ص ۸۷

۳- غرور و تلاش برای گذشتن از حدود انسانی خود و خدایی کردن و ندیدن محدودیت‌های نوع بشر، رفتاری است غیراخلاقی و عامل تباهی انسان. کلیسای کاتولیک با نظر به نتیجه‌ای که شبیه‌سازی به دنبال دارد و با استناد به کتاب مقدس و اصول اخلاقی منبعث از آن، قاطعانه به مخالفت با شبیه‌سازی انسانی برمی‌خیزد و آن را بی‌هیچ قید و شرطی نادرست و غیراخلاقی می‌شمارد.

پس از بررسی منابع مختلف، می‌توان مهم‌ترین علل مخالفت با این کار را ادله زیر دانست:

۱- احتمال شکست و ناکامی از نظر علمی

از نظر علمی، تمام ابعاد شبیه‌سازی به طور کامل مشخص نیست و تجربه از بین رفتن بسیاری از موجودات در جریان آزمایش‌های شبیه‌سازی یا بعد از تولد این موجودات نشان‌گر همین مطلب است.^۱ علاوه بر این، وجود بیماری‌های جدی و ناهنجاری‌های فیزیکی در پستانداران شبیه‌سازی‌شده، بسیار است.^۲

۲- ضرورت تولیدمثل جنسی برای ایجاد فرد جدید

این دلیل که از آن با عنوان «رابطه مقدس بین جنسیت و تولیدمثل»^۳ نیز یاد می‌کنند، بیان‌گر این مطلب است که حتماً فرزند آدمی باید نتیجه برقراری رابطه زناشویی در چارچوب خانواده باشد. به همین جهت، کلیسای کاتولیک علاوه بر شبیه‌سازی، با دیگر تکنیک‌های باروری مصنوعی هم مخالف است و تکنیک‌های باروری مصنوعی را مختل‌کننده این عمل مقدس و نشانه زنده خدا می‌دانند.^۴

۱. السان، مصطفی و زینب کنعانی، «تلاقی اخلاق، حقوق واقعیت در شبیه‌سازی انسان، ضرورت تحلیل منطقی و ایجاد تعادل»، مجموعه مقالات اخلاق زیستی (بیواتیک) از منظر حقوقی، فلسفی و علمی، تهران، سمت، ۱۳۸۴، ص ۸.

۲. رحیمی، حبیب‌الله، «شبیه‌سازی درمانی، رویکردهای اخلاقی، فقهی و حقوقی»، مجموعه مقالات اخلاق زیستی (بیواتیک) از منظر حقوقی، فلسفی و علمی، تهران، سمت، ۱۳۸۴، ص ۴۵؛

Evans, John H., "Cloning Adam's Rib: A primer on religious responses to Cloning", p:5
 ۳. غلام‌زاده علم، کریم، «اخلاق زیستی در پژوهش‌های ژنتیک»، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی: <http://ertebateallame.persianblog.com> (20 Apr 2005)

۴. اسلامی، سید حسن، «شبیه‌سازی در آیین کاتولیک»، ص ۸۱
 Campbell, Courtney S., "Religious perspectives on Human Cloning", p:37; Trujillo, Alfonso Lopez, 2008, "Cloning: the disappearance of direct parenthood and denial of the family", available at: →

۳- تحمیل هویت خود بر فرد شبیه‌سازی شده

این دلیل که از آن با عنوان «تجاوز به اصل یگانگی فرد»^۱ هم یاد می‌کنند، بیان‌گر آن است که شبیه‌سازی انسانی مغایر با حق مسلم هر کسی است که بنا بر آن می‌تواند هویت خاص خود را داشته باشد.^۲ مردم با کودک شبیه‌سازی شده مانند کودک طبیعی رفتار نمی‌کنند.

۴- غضب جایگاه خداوند و خدایی کردن

بر اساس داستان خلقت انسان که در انجیل آمده است و کلیسای کاتولیک آن را روایت می‌کند، انسان‌ها تصویر خداوند هستند و شبیه‌سازی موجب می‌شود تا انسان‌هایی به وجود آیند که تصویر انسان‌های دیگرند. بدین ترتیب با شبیه‌سازی، نقش منحصر به فرد خالقیت خداوند توسط انسان ایفا می‌گردد.^۳ پل راسی می‌گوید: «انسان‌ها نباید کار خدایی انجام دهند، بلکه نخست باید بیاموزند که انسان باشند و چون انسان باشند، دیگر کار خدایی انجام نخواهند داد».^۴

۵- نقض کرامت انسان

این اشکال بر اساس نگرش انسان‌شناختی کلیسای کاتولیک درباره جایگاه انسان در نظام هستی قرار دارد. بر اساس داستان آفرینش، انسان همانند خداوند و به صورت اوست و با دیگر موجودات هستی تفاوت دارد. نظام طبیعت زیر سلطه انسان قرار دارد؛ زیرا او همانند خداوند است. لیکن شبیه‌سازی انسانی عملاً اهانتی است به جایگاه و کرامت انسانی انسان.^۵ در این فرقه مسیحی، تلاش‌ها و اقدامات برای دستیابی به

←http://www.vatican.va/roman_curia/pontifical_councils/family/documents/rc_pc_family (12 Jan 2008) and Evans, John J., "Religion and human cloning: An exploratory analysis of the first available opinion data", p:748

۱. غلام‌زاده علم، کریم، «اخلاق زیستی در پژوهش‌های ژنتیک»، ص ۱

۲. اسلامی، سید حسن، «شبیه‌سازی در آیین کاتولیک»، ص ۸۳

۳. رحیمی، حبیب الله، «شبیه‌سازی درمانی، رویکردهای اخلاقی، فقهی و حقوقی»، ص ۴۸

Kilner, John F., "Human cloning", The reproduction revolution: A Christian appraisal of sexuality, reproductive technologies and the family, Cambridge, Eerdmans Publishing, 2000, pp.:137-139

۴. سالاری، حسن، شبیه‌سازی انسان، ص ۸۹

۵. اسلامی، سید حسن، «شبیه‌سازی در آیین کاتولیک»، ص ۸۵ ←

موجودات انسانی بدون هیچ رابطه جنسی از رهگذر شبیه‌سازی و بکرزایی، مخالف با قانون اخلاقی تلقی می‌گردد؛ زیرا این طرق در تضاد با کرامت تولید مثل انسان و نیز عقد و رابطه زناشویی است.^۱

۶- نقض حقوق کودک برای داشتن والدین (دو والد)^۲

۷- تنزل انسان به شیء.^۳

۸- مغایرت با حق ناآگاهی و جهل به آینده

یکی از علل رشد و شکوفایی انسان این است که از آینده بی‌خبر است. این بی‌خبری به او کمک می‌کند تا فرض را بر آن بگذارد که هر کاری از او ساخته است و هیچ مانعی او را از رسیدن به مقصود باز نمی‌دارد. هر چند، گاه به نظر می‌رسد که باخبر بودن از آینده می‌تواند به تصمیم‌گیری درستی بینجامد؛ لیکن در مجموع، آن‌چه محرک ما در عرصه‌های گوناگون بوده و هست، بی‌خبری از واقع امر است. شبیه‌سازی انسان، این حق را در مورد شخص شبیه‌سازی شده نقض می‌کند و او می‌تواند با احتمال قریب به یقین حدس بزند که چه آینده‌ای در انتظار اوست. کافی است تا

→Cole-Turner, Ronald, "Cloning humans from the perspective of the Christian churches", pp.: 36-42 and Campbell, Courtney S., "Religious perspectives on Human Cloning", p: 37

؛ برای مطالعه بیشتر بنگرید به:

<http://www.religioustolerance.org/icio-reac.htm> (22 Agu 2006)

۱. ساعد، محمدجعفر، حقوق کیفری و شبیه‌سازی، تهران، مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۳

Macintosh, Kerry Lynn, "Illegal beings human clones and the law", New York, Cambridge university press, 2005, pp.: 17-18 and "Cloning human beings: Report and recommendations of the National Bioethics Advisory Commission", p:49

۲. اسلامی، سید حسن، «شبیه‌سازی در آیین کاتولیک»، ص ۸۷

Cole-Turner, Ronald, "Cloning humans from the perspective of the Christian churches", pp.: 42-43 and Campbell, Courtney S., "Religious perspectives on Human Cloning", pp.: 37-38

۳. اسلامی، سید حسن، «شبیه‌سازی در آیین کاتولیک»، ص ۸۷

Macintosh, Kerry Lynn, "Illegal beings human clones and the law", p:19 and "Cloning human beings: Report and recommendations of the National Bioethics Advisory Commission", p: 50

زندگی و عملکرد شخص دهنده هسته سلول جسمی را مطالعه کند، تا آینده خود را چون فیلمی مستند ببیند.^۱

۹- امکان سوءاستفاده‌های مختلف.^۲

۱۰- فروپاشی نهاد خانواده^۳

از دیدگاه متفکران کاتولیک، شبیه‌سازی انسان مخالف مفهوم ازدواج و خانواده است. غایت ازدواج، برآوردهای تولیدمثلی و وحدت روابط جنسی را به همراه دارد که مظهر ذاتی و درونی رابطه نسبی است، حال آن‌که فن‌آوری بازآفرینی نظیر شبیه‌سازی مظهر عرضی و خارجی است. چنین اسلوبی خانواده را بی‌هویت می‌کند، عشق و محبت زناشویی را به فراموشی می‌سپارد و میثاق مقدس ازدواج را نقض می‌کند. از سوی دیگر، قانون طبیعی مبین وظایفی برای هر دو مرحله تولیدمثل و آموزش و پرورش کودک است و این تربیت والدینی مستلزم توانایی رشدی کودک به لحاظ اخلاقی و روانی و مفروض دانستن تعهدات درونی است؛ در حالی که شبیه‌سازی عاری از این‌گونه قابلیت است.^۴

۱۱- کم‌رنگ‌تر شدن نقش مرد.^۵

۱۲- ایجاد بی‌عدالتی منحصر به فرد در جهان.^۶

۱. اسلامی، سید حسن، «شبیه‌سازی در آئین کاتولیک»، صص ۸۷-۸۹
Campbell, Courtney S., "Religious perspectives on Human Cloning", p: 39 and Hollinger, Dennis P., "Sexual ethics and reproductive technologies", The reproduction revolution: A Christian appraisal of sexuality, reproductive technologies and the family, Cambridge, Eerdmans Publishing, 2000, p: 90

۲. اسلامی، سید حسن، «شبیه‌سازی در آئین کاتولیک»، ص ۹۰

۳. همان، ص ۹۱؛

Cole-Turner, Ronald, "Cloning humans from the perspective of the Christian churches", pp.: 42-43 and Campbell, Courtney S., "Religious perspectives on Human Cloning", p: 38 and Trujillo, Alfonso Lopez, "Cloning: the disappearance of direct parenthood and denial of the family", pp.:13-14

۴. ساعد، محمد جعفر، حقوق کیفری و شبیه‌سازی، ص ۱۲۶

۵. قنبری، علی و علی قضاوی، «شبیه‌سازی»، تشخیص آزمایشگاهی، سال سوم، شماره ۱۸، دی و بهمن ۱۳۸۰، ص ۶۶

6. Cole-Turner, Ronald, cloning humans from the perspective of the Christian churches, pp.: 43-44 and Evans, John J., Religion and human cloning: An exploratory analysis of the first available opinion data, p:748

۱۳- ایجاد گناه خودپرستی و غرور در انسان با توسل به شبیه‌سازی آن.^۱

۴-۲-۲. بررسی دیدگاه دین مسیحیت درباره شبیه‌سازی

در این بخش، به بررسی ادله سه آیین مسیحیت بر حرمت شبیه‌سازی درمانی و مولد می‌پردازیم:

۴-۲-۱. شبیه‌سازی درمانی

از آنچه گفته شد، معلوم می‌گردد که تمامی آیین‌های مسیحیت با شبیه‌سازی درمانی مخالف هستند و تنها فرقه پروتستانیسیم لیبرال آن را جایز می‌شمارد. البته این موضع، دین مسیحیت را در مقابل موضع سکولار، یهودیان و هم‌چنین مسلمانان اعم از شیعه و سنی قرار می‌دهد. البته این تفاوت در موضع‌گیری این نظام‌ها، نشان می‌دهد که دین مسیحیت دیدگاه منسجمی را درباره شبیه‌سازی مولد انسان و شبیه‌سازی درمانی اتخاذ کرده و هر دو نوع آن را ممنوع اعلام نموده است. هر چند این نگرش، کار مسیحیت را دشوار می‌کند و مواجهه بسیاری را می‌طلبد، اما این خود نوعی انسجام در نگرش مسیحیت را نشان می‌دهد؛ زیرا کسانی که به ادله‌ای چون هدیه بودن فرزند و زندگی و ... استناد می‌کنند، منطقاً نباید میان شبیه‌سازی مولد انسان و شبیه‌سازی درمانی تفاوتی بگذارند. پس از این مقدمه به بررسی ادله آن‌ها می‌پردازیم. در این باره می‌توان ادله آن‌ها را از یک نگاه به سه دسته تقسیم نمود:

– **ادله مبتنی بر سوء استفاده از این تکنیک:** این ادله می‌تواند شامل اهداف نادرست تحقیقات مورد بحث باشد که پاسخ آن در بخش بعد خواهد آمد.

– **ادله ناظر بر مواردی خاص:** این ادله شامل مواردی چون هدر رفتن جنین‌ها در فرآیند شبیه‌سازی و آخرین راه نبودن این درمان برای افراد می‌باشد که قطعاً این ادله به تنهایی نمی‌توانند ممنوعیت شبیه‌سازی را به دنبال داشته باشند. هم‌چنین، صرفاً می‌توانند بعضی از انواع شبیه‌سازی را ممنوع اعلام کنند. برای نمونه، در صورتی که شبیه‌سازی درمانی آخرین راه برای نجات یک انسان باشد، بنابراین، استفاده از آن ضروری و جایز است.

– ادله اساسی غیر اخلاقی بودن شبیه‌سازی درمانی: دلیل عمده آنان در ممنوعیت شبیه‌سازی درمانی، ارزش و کرامت انسانی جنین از زمان انعقاد نطفه و ارزش مطلق زندگی و هدیه بودن آن از سوی خداوند است. شباهت این فرآیند به سقط جنین نیز در ادامه آن می‌آید.

البته نقدهای بسیاری به این دلیل وارد شده است، اما باید دانست که تأکید این دین بر شخصیت انسانی جنین به دلیل استناد به همان فرمان ششم از ده فرمان حضرت موسی (ع) است. از همین روست که سقط جنین نیز از نظر این دین جایز شمرده نشده است. سقط جنین یکی از جلوه‌های قتل انسان است و شبیه‌سازی درمانی جلوه دیگر از آن. از این جهت، دیدگاه دین مسیحیت در این مسأله منسجم و با دیگر مبانی آن سازگار است و در صورت قبول مبانی فوق، این موضع‌گیری اصولی و مقبول به شمار می‌رود و عمل بر طبق یکی از آموزه‌های اساسی این دین است.

درباره نظرات موافقان نیز باید گفت به نظر می‌رسد، فرقه پروتستانیسم لیبرال، بیش از آن‌که وامدار آموزه‌های خاستگاه خود باشد، به گرایش‌های غیراضیل مادی دچار شده است که تفاوت دیدگاه این فرقه را با دیگر فرقه‌های پروتستان و حتی آیین‌های ارتدوکس و کاتولیک در این مسأله به دنبال آورده است.

۲-۲-۴. شبیه‌سازی مولد انسان

پس از بیان ادله هر سه آیین در زمینه شبیه‌سازی مولد انسان، ادله آنان را به موارد زیر تقسیم می‌نماییم:

– ادله موقت و جانبی: برخی از ادله آنان، یا اساساً موقتی است یا به گونه‌ای حاشیه‌ای مطرح شده است. دلیل علمی بر ضد شبیه‌سازی مولد انسان چنین جایگاهی دارد. در مقابل کسانی که به آن استناد می‌کنند، می‌توان گفت که این دلیل بر اثر پیشرفت سریع تکنیک‌های باروری به خصوص شبیه‌سازی، قوت خود را از دست خواهد داد.

– ادله مبتنی بر سوء استفاده از این تکنیک: برخی از این ادله که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد، مانند تولید انسان‌ها با هدف تولید اعضای بدن، تجاری شدن DNA انسان، تلاش برای ایجاد ابر انسان‌ها، استفاده زنان از این فرآیند، احتمال سوءاستفاده از آن و تهاجم به حیطه خصوصی افراد، تنها نشان‌دهنده آن است که ممکن است از این

تکنیک سوءاستفاده شود، اما نکته مهم آن است که احتمال سوءاستفاده از هر تکنیکی وجود دارد. بنابراین لازم است که میان نتایج مستقیم و منطقی یک عمل و لوازم ناخواسته، عرضی، غیرمستقیم و جانبی آن فرق گذاشت؛ زیرا در این صورت لازم می‌آید که حتی بعضی از امور ساده و معمول (مباح) میان افراد جامعه را نیز به خاطر سوءاستفاده از آن‌ها منع کرد.

- ادله مبتنی بر موارد خاصی از شبیه‌سازی مولد انسان: برخی از ادله اقامه شده از سوی سه فرقه مذکور، هر چند می‌توانند علیه اصل مسأله شبیه‌سازی اقامه شوند، اما مربوط به حیطه خاصی از آن هستند. این ادله شامل تبدیل شدن فرآیند تولیدمثل به صنعت، فروپاشی بنیان خانواده و از بین رفتن روابط پدری و مادری و فرزنددی، نقض حقوق کودک برای داشتن دو والد، تحمیل هویت خود بر فرد شبیه‌سازی شده، کم‌رنگ تر شدن نقش مردان، ایجاد گناه خودپرستی، ایجاد بی‌عدالتی و به مخاطره افتادن تنوع زیستی انسان‌ها می‌باشند. برای نمونه، این نتایج، تنها در صورتی رخ خواهند داد که شبیه‌سازی به صورت گسترده‌ای رواج پیدا کند و برای مثال از یک نفر چند صد نسخه ایجاد شود. در این صورت ممکن است فرآیند تولیدمثل به صنعت تولید انسان تبدیل شود یا تنوع زیستی انسان‌ها به خطر بیافتد. یا آن‌که این تکثیر سریع از یک نفر شاید بتواند به بنیان خانواده آسیب وارد کند و روابط پدری و مادری و فرزنددی را مختل نماید. پس این ادله همگی اخص از مدعا هستند و تنها می‌توانند ممنوعیت و حرمت بعضی از اقسام شبیه‌سازی مولد انسان را به دنبال داشته باشند.

- ادله اساسی غیر اخلاقی بودن شبیه‌سازی مولد انسان: این ادله را می‌توان شامل تعارض با تصویر الهی انسان و غضب جایگاه خداوند، نقض روابط مقدس خانوادگی، حذف جنبه مقدس زندگی و شخصیت انسان، ضرورت تولیدمثل جنسی، نقض کرامت انسان، شیء شدن او و حق منحصر به فرد بودن باشند.

۱- تعارض با تصویر الهی انسان و غضب جایگاه خداوند: لازم است برای درک بهتر این دلیل، منظور این سه آیین را درباره آن بیان کنیم. به نظر می‌رسد که منظور از تصویر الهی انسان، اشاره به مطلبی است که در تورات آمده است و طبق آن انسان به هنگام خلقت در صورت خداوند آفریده شده است. ظاهراً از دیدگاه آیین ارتدوکس،

شبیه‌سازی در واقع تلاش برای ایجاد انسان‌هایی است که رنگ و بویی از خداوند در آن‌ها وجود ندارد و در نتیجه، شایسته برخورداری از کرامت و احترام نیستند.

در پاسخ باید گفت که اگر صرف مشارکت انسان‌ها باعث می‌شود که انسان حاصل از این فرآیند رنگ خدایی نداشته باشد، پس تولید مثل جنسی که زن و مرد اقدام به این کار می‌کنند، نیز باید به همین دلیل ممنوع اعلام شود. از سوی دیگر، کلونینگ پیش از این در طبیعت وجود داشت، هر چند میان انسان‌ها رایج نبود. بنابراین تولید مثل جنسی تنها فرآیند باروری مورد نظر خداوند نیست که بتوان بر اساس آن ادعا کرد که هر کس در خلال فرآیندی غیر از تولید مثل جنسی به وجود آید، رنگ خدایی ندارد.

اما از نظر فرقه ایوانجلیک محافظه‌کار نیز شبیه‌سازی به این جهات با تصویر الهی انسان در تعارض است: - هم‌بستگی و وحدت و روابط میان انسان‌ها را از بین می‌برد، - ژنتیک را منشأ شکل‌گیری شخصیت انسان معرفی می‌کند، - معارض با خلاقیت و ابداعات انسانی است.

در پاسخ باید افزود که شبیه‌سازی در صورتی می‌تواند ارتباط و روابط میان انسان‌ها را از بین برد که به صورت گسترده و به تعداد زیاد از یک فرد صورت گیرد، اما اگر فرآیند مذکور تنها میان زوجین نابارور صورت گیرد، دیگر باعث اضمحلال این روابط نمی‌شود.

هم‌چنین شبیه‌سازی هرگز نمی‌تواند ژنتیک را مبنای شکل‌گیری شخصیت انسان معرفی کند؛ زیرا هویت و شخصیت هر فردی علاوه بر ژن‌های او تحت تأثیر عوامل محیطی بسیاری است. پس به صرف داشتن ترکیب ژنتیک مشابه، هویت و شخصیت مشابه نخواهد بود. چنان‌که در دوقلوهای همسان نیز چنین نیست. در بررسی‌های علمی نیز این مسأله ثابت شده است که عامل محیط (شامل رحم، محیط رشد و نمو، شرایط جغرافیایی، وضع اقتصادی، وضع فرهنگی، نحوه تولد و عادت غذایی) در شکل‌گیری شخصیت افراد مؤثر است و تا حدی می‌تواند حق منحصر به فرد بودن هویت ژنتیک را تأمین نماید.

هم‌چنین، شبیه‌سازی را نمی‌توان معارض با خلاقیت و ابداعات انسانی شمرد؛ زیرا اساساً ادعای نو و جدید بودن آن پذیرفتنی نیست. دانشمندان علم ژنتیک، این تکنیک را از طبیعت وام گرفته‌اند و اساساً تنها نکته جدید در آن این است که روش مزبور

سابقاً برای تولیدمثل در انسان‌ها به کار برده نمی‌شده است، ولی هم‌اکنون می‌توان آن را در عرصه انسانی به آزمایش گذاشت. البته آن‌چه که خداوند برای انسان در نظر گرفته است، قطعاً برای او مفیدتر خواهد بود. منظور آن است که هر چند این تکنیک می‌تواند به صورت موردی درباره انسان به کار گرفته شود، اما گسترش آن در میان بشریت با موانع بسیاری از جمله هزینه گزاف آن، تعارض آن با فطرت انسانی در گرایش به تولید مثل جنسی و ... روبروست.

کاتولیک‌ها نیز معتقدند انسان با شبیه‌سازی به دنبال غصب جایگاه خداوند و خدایی کردن است؛ با این کار وی در مورد زندگی و مرگ افراد تصمیم می‌گیرد، در حالی که این تصمیم‌گیری در شأن خداوند است. از سوی دیگر، این دلیل به معنای آن است که انسان دارای محدودیت‌هایی است و نباید این محدودیت‌ها را فراموش کند. البته این تفسیر گسترده باعث می‌شود که بسیاری از کارهای مجاز در این آیین که در بحث شبیه‌سازی درمانی با سلول بالغ به آن اشاره شد، نیز مشمول حکم این دلیل و حرمت شوند. بنابراین، دلیل مزبور با تمام جنبه‌های ملحوظش نمی‌تواند ممنوعیت شبیه‌سازی را به دنبال داشته باشد.

۲- نقض روابط مقدس خانوادگی: از نظر فرقه ارتدوکس، شبیه‌سازی از دو جهت روابط مقدس خانوادگی را نقض می‌کند: نخست- مشارکت خداوند در تولید مثل را منتفی می‌کند. دوم- شبیه‌سازی باعث ورود اشخاص ثالث (غیر از زوجین) در فرآیند تولید مثل می‌شود.

در مورد نخست، باید گفت که این نظر به همان دلیلی که در مورد دلیل سابق آورده شد، اساساً نمی‌تواند مانع از ممنوعیت شبیه‌سازی مولد انسان شود. اما در مورد دوم باید گفت که این نظر در جای خود محترم است و نویسنده درباره آن نظری ندارد. بنابراین، می‌توان با استناد به این دلیل، تکنولوژی شبیه‌سازی و سایر روش‌های کمک باروری را ممنوع دانست. البته ذکر این نکته نیز خالی از لطف نیست که در جایی که طرفین نکاح خود اهداکنندگان مواد ژنتیک (تخمک، سلول و رحم) باشند، این موضوع سالبه به انتفاء موضوع است.

۳- حذف جنبه مقدس زندگی و شخصیت انسان: تجاوز به حق حیات به دو گونه در مورد شبیه‌سازی مطرح می‌شود: نخست- شبیه‌سازی درمانی باعث از بین رفتن

تعداد زیادی جنین می‌شود. دوم- هر چند که فرد شبیه‌سازی شده دارای روح است، اما عدم توجه جامعه به تقدس حیات می‌تواند باعث تغییر در معنای انسانیت می‌شود و جامعه به فرد شبیه‌سازی شده با عنوان منبع بافت یا اعضا نگاه می‌کند. به مورد اول پیش از این اشاره شد. اما در مورد دوم، باید گفت که این مورد به همان ادله نوع اول (مبتنی بر سوءاستفاده) باز می‌گردد که قبل از این، پاسخ آن گفته شد.

۴- شیء شدن انسان: از این دلیل با عنوان ابزار انگاری نیز یاد می‌شود. منظور از ابزارانگاری آن است که جامعه دیدگاه ابزارگرایانه‌ای به افراد شبیه‌سازی شده پیدا می‌کند، باید گفت که این دلیل شامل همان ادله مبتنی بر سوء استفاده می‌باشد و خود دلیل مستقلی به حساب نمی‌آید. هم‌چنین باید دانست که با پذیرش این دلیل، بسیاری از افعال انسان‌ها از جمله اجیر کردن کارگران و ... هم نوعی ابزارانگاری به حساب می‌آید.

۵- ضرورت تولید مثل جنسی: باید دانست که این دلیل از سوی علمای اهل سنت نیز طرح شده است و پاسخ آنان به تفصیل در ذیل نظرشان خواهد آمد. پاسخ مطرح شده در قسمت مذکور در این جا نیز می‌تواند راهگشا باشد.

۶- حق منحصر به فرد بودن و حق ناآگاهی و جهل به آینده: دو دلیل دیگر، حق منحصر به فرد بودن افراد و حق جهل به آینده است که به ادله‌ای که در ذیل مبحث حقوق فرد شبیه‌سازی شده در نظام حقوقی غرب آمده است، این ادعا پذیرفتنی نیست.

۲-۳. حکم شبیه‌سازی در دین اسلام

برای دست یافتن به حکم شبیه‌سازی در دین اسلام، باید این موضوع را در فقه اهل سنت و فقه امامیه بررسی کرد که در این بخش، به بررسی دیدگاه و ادله آنان می‌پردازیم:

۲-۳-۱. حکم شبیه‌سازی در فقه اهل سنت

در این بخش، شبیه‌سازی درمانی و مولد را در فقه اهل سنت بررسی می‌کنیم:

۲-۳-۱-۱. شبیه‌سازی درمانی در فقه اهل سنت

در این بخش دیدگاه‌های علما و فقهای اهل سنت را بیان می‌کنیم:

– دیدگاه علمای اهل سنت در خصوص شبیه‌سازی درمانی

اهل سنت بر حرمت شبیه‌سازی انسان، اجماع دارند؛ اما این اتفاق نظر در مورد همانندسازی درمانی و پژوهشی وجود ندارد. اکثر علمای سنی میان دو مرحله حاملگی تفاوت قایل شده‌اند و می‌گویند روح‌دار شدن، بعد از ۱۲۰ روز یا اتمام ماه چهارم اتفاق می‌افتد. از طرف دیگر، تعدادی از علمای اهل سنت، احتیاطی برای این تفاوت قائل شده‌اند؛ زیرا معتقدند جنین در دوره قبل از روح‌دار شدن، زنده است و از بین بردن آن گناه محسوب می‌شود.^۱ این ادله، موجب ظهور دو نظر متعارض از سوی فقهای اهل سنت در این زمینه شده است:

۱- جواز در خصوص شبیه‌سازی درمانی

– شورای امنای دانشگاه الأزهر مصر در فتوای خود تأکید کرده است که شبیه‌سازی اعضا به شرط آن‌که در خدمت درمان انسان‌ها قرار گیرد، با مبانی دین اسلام ناسازگار نیست.^۲

– دکتر قرضاوی گفته است: «اگر مقصود از شبیه‌سازی انسان، جدا کردن قطعه‌ای سالم از بدن او و پیوند به دیگری باشد، این عمل حرام است و به هیچ وجه جایز نیست؛ زیرا نسخه بدل، نفس محترمه است. اما اگر مقصود این است که اعضای معین از بدن (مانند قلب، کبد و ...) شبیه‌سازی و برای معالجه بیماران استفاده شوند، دین خدا این عمل را می‌پذیرد و از آن‌جا که منفعت مردم در آن است، بدون این‌که به کسی ضرر برسد یا حرمتی هتک شود، آن را پاداش می‌دهد».^۳

– سازمان اسلامی علوم طبی در نهمین کنفرانس فقه پزشکی (اهل سنت) که در سال ۱۹۹۷ برگزار کرد، بحث شبیه‌سازی را مورد بررسی قرار داد. در این کنفرانس تأکید شد که اسلام برای انجام پژوهش‌های علمی محدودیتی قائل نیست، بلکه آن را

۱. ملتی راد، علا، سعید شهرز، منیر عباسی، رویا شرافت و الناز جعفری مهر، «همتاسازی انسان»، ص ۲۰.

۲. قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

<http://farhangestan.persianblog.com/1381-10-14-farhangestan-archive.html> (14 Oct 2006)

۳. قرضاوی، یوسف عبدالله، «شبیه‌سازی؟! به کجا می‌رویم»، ترجمه نورالدین سعیدیانی، دین پژوهان، سال اول،

شماره ۳، ۱۳۸۰، ص ۲۵

یک وظیفه دینی می‌داند؛ اما لازم است تمام جوانب امر بررسی گردد و احتیاط لازم به کار گرفته شود.^۱

۲- عدم جواز در خصوص شبیه‌سازی درمانی

محمد رأفت عثمان معتقد است: «هرگاه جنین به مرحله‌ای از رشد برسد، گرفتن اعضای آن و کشت آن در بدن بیماران، جنایت بر جنین و حرام است».^۲

۲-۱-۳-۲. شبیه‌سازی مولد در فقه اهل سنت

به نظر می‌رسد باید این بخش را به دو قسمت تقسیم نمود:

۱- اظهارنظرهای فردی هر یک از علمای اهل سنت

۲- اظهارنظرها در قالب سازمان‌های اسلامی

الف - دیدگاه علمای اهل سنت در خصوص شبیه‌سازی مولد حیوان

نظر علمای اهل سنت در این باره به طور کلی جواز است؛ تنها به سه نظر در این بخش، اشاره می‌شود:

شیخ قرضاوی (مفتی مصری مقیم قطر) شبیه‌سازی حیوانات را جایز می‌داند به شرطی که: «اولاً در آن مصلحت حقیقی برای انسان باشد.

ثانیاً ضرر و فساد بزرگتر گریبان‌گیر انسان و جوامع انسانی نشود، زیرا اکنون برای دانشمندان ثابت شده است که ضرر و زیان گیاهان شبیه‌سازی شده بیشتر از نفعشان است.

ثالثاً در آن آزار یا ضرری متوجه خود حیوان نشود، حتی در درازمدت؛ زیرا آزار حیوانات در دین خدا، حرام است».

وهبه زحیلی (رئیس بخش فقه مذاهب دانشگاه دمشق) می‌گوید: «جایز است به جهت این‌که برای انسان منفعت‌های بسیاری دارد».^۳

۱. لاریجانی، باقر و فرزانه زاهدی، «جنبه‌های اخلاقی و قانونی تولید و استفاده از سلول‌های بنیادی جنینی انسان»، مجموعه مقالات اخلاق زیستی (بیواتیک) از منظر حقوقی، فلسفی و علمی، تهران، سمت، ۱۳۸۴، ص ۱۱۸

۲. صادقی، محمود، «هماندسازی انسان از نظر مراجع ادیان آسمانی و بررسی آن از نظر فقه اسلامی»، ص ۷۷
۳. ابوسخ فرانسوا، زحیلی، وهبه، سالم، عدنان محمد، سیعی، عدنان، شریف، مهیب، علوانی، عوا، عادل، عبدالواحد، فضل الله، حسین و رزق، هانی، الاستسناخ جلد العلم و الدین و الأخلاق، بیروت، مطبعه دارالفکر، ۱۴۲۱ هـ ص ۱۲۳

شیخ احمد کفتارو هم عقیده دارد که: «شبیه‌سازی در حیوانات جایز است».^۱

ب - دیدگاه فقهای اهل سنت درباره شبیه‌سازی مولد انسان

شیخ قرضاوی در مورد حکم شبیه‌سازی انسان می‌گوید:

شبیه‌سازی انسان به خاطر پیامدهای فاسد و از آن جهت که با نظام حکیمانه الهی و تنوع مخلوقات منافات دارد، ممنوع و حرام است.

دکتر قرضاوی، موارد جایز مطالعات ژنتیک را چنین بر شمرده است:

- بهبود تکنولوژی‌های بارداری و کشف بیماری‌های خطرناک.

- شناسایی ژن‌های بعضی از بیماری‌های وراثتی (مثل مرض قند، کم‌بینی و بعضی از

انواع سرطان‌ها) و از بین بردن ویروس‌های عامل این امراض.

- شناخت قبل از ولادت بعضی از بیماری‌ها که ممکن است بعد از ولادت دامن‌گیر

نوزاد شود، به منظور تولید نوزادانی کامل با جسمی سالم و دور از ناهنجاری‌ها و نارسایی‌های جسمی.

- کنترل خصوصیات جنین و یا انتخاب جنسیت آن به شرط ایمنی از ناهنجاری‌های

ظاهری.

- شبیه‌سازی دستگاه‌ها و اعضای انسان برای نقل آن‌ها به افراد نیازمند و از طریق

لوله‌ها و دستگاه‌های آزمایشگاهی همان‌طور که در علم پزشکی و جراحی ژنتیک ... به صورت امری عادی درآمده است.

- تولید تخمک بارور شده در ژن‌های انسانی که در جنین‌های حیوانی جاسازی

می‌شود، به شکلی که صفات انسانی آن حفظ شود و پس از طی مراحل رشد، در صورت نیاز از حیوانات به انسان منتقل گردد.

- شبیه‌سازی ژن تولیدکننده انسولین در جسم انسان و تزریق آن در باکتری زنده و

در نتیجه آماده‌سازی ماده انسولین مذکور برای همان فرد مریض.

- قراردادن هورمون تحریک‌کننده در ایجاد تخمک‌ها در تخمدان زن و وضع این ژن

در یک خمیر مایه معین و در نتیجه دسترسی به شبیه‌سازی ژن که هورمون را به

صورت خالص تولید می‌کند و استفاده از آن در فعال ساختن تخمدان‌ها و افزودن

فرصت‌های حمل هورمون.

- شبیه‌سازی ژن مسئول تحریک آنزیمی که این آنزیم مسئول حل کردن خون‌مردگی‌ها در سگته‌هاست.

- شبیه‌سازی ژن تشکیل دهنده شیر که پستان مادر آن را تولید می‌کند و وارد کردن آن در سلول گوسفند تا گوسفند بتواند شیری مانند شیر مادر تولید کند که ویژگی‌های سلامت‌آوری برای نوزاد دارد.

درباره حیوان، شبیه‌سازی به دو شرط جایز است:

اول: به فرض نگه داشتن حیواناتی که در معرض انقراض هستند.

دوم: انتخاب نسل برتر حیوانات و تکثیر بهترین آن‌ها. اما درباره گیاهان جواز شرعی بدون هیچ قید و شرطی در این مورد معین است، خصوصاً اگر غرض بهتر کردن نوع و کیفیت محصولات گیاهی باشد.^۱

او پس از شمردن موارد جایز، موارد ممنوع و حرام را نیز چنین بیان کرده است:

- هر راه و روش غیرتضمینی که احتمال شکست دارد و به احتمال قوی موجب به وجود آمدن بیماری‌ها و ناهنجاری‌هایی در جنین می‌شود.

- هر تلاشی برای نفی کانون خانواده و ازدواج و قانون توازن بیولوژی موجود در آن.

- هر تلاشی برای نفی قاعده زوجیت اشیاء و مخلوقات که اساس هستی است، به دلیل مخالفتی که با نص قرآن کریم دارد: «و خلقناکم ازواجاً، من کل شیء خلقنا زوجین لعلکم تذکرون، سبحان الذی خلق الأزواج كلها مما تنبت الارض و من انفسهم و مما لا یعلمون».

- تولید و شبیه‌سازی نوزادانی زنده از بافت جنین‌های سقط شده.

- تولید و شبیه‌سازی از بافت‌های تخمدان دختران جوانی که فوت کرده‌اند.

- تأسیس بانک‌هایی برای جمع‌آوری و استریلیزه کردن تخمک‌ها برای کاشتن یا

شبیه‌سازی کردن آن‌ها به قصد آماده‌سازی آن‌ها برای درخواست‌کنندگان بارداری.

- قرار دادن تخمک‌های شبیه‌سازی‌شده و لقاح‌شده در رحم زنانی غیر از زنانی که

آن را هدیه کرده و یا آن تخمک از ایشان گرفته شده است.

۱. هاجری، عبد الرسول، «گزارشی پیرامون شبیه‌سازی انسان»، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

- تولید گوشت از حیواناتی که با ژن‌های انسانی دارای طعم خاص ترکیب شده‌اند. (گفتنی است تولید این نوع گوشت‌ها برای پاسخ‌گویی به تمایلات افرادی است که گوشت انسان را می‌خورند؛ مانند مزرعه‌هایی که در ایالت هیوستن آمریکا تأسیس شده است و در آن گاوهایی حامل ژن‌های انسانی پرور می‌شوند و گوشت‌هایی به نام گوشت‌های گاوی انسانی تولید می‌کنند. رستوران‌های مخصوص این گوشت‌ها نیز افتتاح شده است).^۱

دکتر محمد سید طنطاوی (شیخ الأزهر): «اسلام ضد علم نیست، لیکن شبیه‌سازی انسانی حرام است».^۲ هم‌چنین او قراری صادر کرد که به موجب آن کمیته‌ای شامل پزشکان، دانشمندان مهندسی ژنتیک و روان‌شناسان برجسته در کنار فقهای برجسته عضو در مجمع تحقیقات اسلامی تشکیل شود تا به بررسی فرآیند شبیه‌سازی پرداخته، زمینه صدور فتوای شرعی الازهر را فراهم آورند.^۳

دکتر نصر فرید واصل (مفتی مصر): «شریعت اسلامی برای حمایت از پنج چیز آمده است که آن‌ها را کلیات یا ضروریات پنج‌گانه می‌نامند. این پنج چیز عبارتند از: دین، عقل، نسل، مال و نفس. شبیه‌سازی چهار مورد از این ضروریات را مورد تهدید قرار می‌دهد که عبارتند از: نفس (وجود انسان) و به دنبال آن عقل، نسل و دین. شبیه‌سازی، با اصل زوجیت که خداوند همه موجودات را بر اساس آن آفریده است، تناقض دارد؛ زیرا همان‌طور که گذشت، شبیه‌سازی بنیان خانواده را از صحنه زندگی حذف می‌نماید؛ زیرا به صورت تئوری زنان این امکان را می‌دهد که بدون نیاز به جنس مذکر، خود، خود را باردار کنند. همین‌طور روابط نسبی بین پدر و فرزند، زن و شوهر دچار بحران می‌شود، زیرا فرزند شبیه‌سازی شده نسخه مطابق اصل یکی از پدر و مادر یا بیگانه است. بنابراین فرزند در چنین حالتی به چه کسی نسبت داده می‌شود؟»^۴

دکتر علی محمد یوسف محمدی (رئیس دانشکده شریعت و حقوق اسلامی دانشگاه قطر) معتقد است که شبیه‌سازی مخل قانون است و اقدام به آن مثل بازگشت

۱. هاجری، عبد الرسول، «گزارشی پیرامون شبیه‌سازی انسان»، صص ۲۳-۲۵.

۲. اسلامی، سید حسن، «شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه کلامی اهل سنت»، انجمن معارف اسلامی ایران، سال اول، شماره ۲، ۱۳۸۴، ص ۸۸.

۳. شریعتمداری، حمیدرضا، «بدلسازی انسان»، حوزه و دانشگاه، شماره ۱۰، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی: http://www.hawzah.net/per/magazine/hd/010/hd_01012.htm (1 Apr 2005)

۴. «بررسی پیامدهای شبیه‌سازی از دیدگاه اسلام»، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی: <http://hodo80-p-persianblog.com> (3 Feb 2005)

به‌عصوری است که در آن تبعیض طبقاتی وجود داشت. در حال حاضر، زوج سرپرست خانواده است، ولی در شبیه‌سازی خانواده بی‌نیاز از خدمات او خواهد شد. شبیه‌سازی در واقع خروج از قوانین الهی به خصوص در ازدواج، زاد و ولد و ارث است. هیچ یک از فواید پزشکی که بر شبیه‌سازی مترتب است، نمی‌تواند مانع از حرمت آن شود.^۱

عبد العزیز باز (مفتی بزرگ عربستان) نیز شبیه‌سازی را بی‌اساس، باطل و حرام می‌خواند.^۲

دکتر محمد رأفت عثمان (استاد فقه تطبیقی در دانشکده فقه و حقوق دانشگاه الأزهر) نظرات فقهی خود را پیرامون شبیه‌سازی در کنفرانسی که مجلس اسلامی مصر با عنوان (حقوق و پیشرفت علم بیولوژیک) بر پا کرده بود، مطرح کرد. این کنفرانس شاهد تعدادی از نظریات اجتهادی در مورد انقلاب بیولوژیک بود که شبیه‌سازی هم از آن جمله است.

وی شش صورت برای شبیه‌سازی تصور کرده است که در چهار حالت، حکم به حرمت قطعی داده است و در دو حالت دیگر حکمی نداده و توقف کرده است.

۱- نخستین حالت از حالات شش‌گانه که دکتر رأفت عثمان تصور کرده، این است که هسته سلول زنی گرفته شود و در تخمک زن دیگری که هسته آن برداشت شده، کاشت شود و او کاشت نهایی در رحم صورت گیرد.

این حالت قطعاً حرام است، به چند دلیل و قاعده اصولی و فقهی:
اول قاعده قیاس: این نوع شبیه‌سازی، مشابه رابطه جنسی بین دو همجنس است که حرام است. پس اگر رابطه جنسی بین دو همجنس حرام است، زاد و ولد بین آن دو نیز به طور قطع حرام خواهد بود.

دوم قاعده سد ذرایع: زیرا اگر این امر بین زن‌ها شایع شود، باعث انتشار تباهی می‌گردد.

سوم: جلوگیری از ضرر نفسی و اجتماعی که فرزندان در آینده دچار آن می‌شود.

۱. سعدی، داود سلمان، الاستنساخ بین العلم و الفقه، بیروت، دار الصرف العربی، ۱۴۲۳ هـ، ص ۱۷

۲. اسلامی، سید حسن، «شبیه‌سازی از دیدگاه کلامی اهل سنت»، ص ۸۹

۲- هسته سلولی را از زنی بگیرند و در تخمک وی کشت کنند. این صورت نیز مانند صورت قبلی حرام است و دلیل حرمت آن نیز ادله مذکورست.

۳- هسته سلولی را از حیوانی بگیرند و در تخمک وی کشت کنند. حکم این صورت نیز حرمت است؛ زیرا کار بیهوده‌ای است و باعث نقص و مشوه کردن مخلوق خدا می‌شود، چون مخلوق جدیدی به وجود خواهد آمد.

۴- هسته را از سلول آلت مردی بگیرند و در تخمک زنی که همسر آن مرد نیست، کشت کنند که این صورت نیز حرام است؛ زیرا این حالت مانند زناست - اگرچه به خاطر عدم وجود شرایط و ارکان زنا، زنا اصطلاحی نیست - ولی همان پیامدهای زنا - که اختلاط انساب است - را دارا است، بنابراین، حکم زنا را دارد.^۱

دکتر رأفت عثمان برخلاف اجماع اهل تسنن بر حرمت دو صورت دیگر، مورد اول را تحت شرایطی جایز دانسته و در مورد دوم قائل به توقف شده است: ۱- هسته حاوی ماده ژنتیک را از سلول آلت مردی بگیرند و در تخمک زنی - که همسر آن مرد است - کشت کنند، البته با رعایت شروط زیر:

- زن و شوهر از راه طبیعی به هیچ وجه قادر به بچه‌دار شدن نباشد.

- باید اطمینان حاصل شود، فرزندی که از طریق شبیه‌سازی به دنیا می‌آید، از لحاظ جسمی، عقلی و رفتاری، انسانی طبیعی خواهد بود و در معرض بیماری‌های خطرناک قرار نمی‌گیرد.

- باید مطالعات حقوقی و اجتماعی تأیید کنند که وجود دو انسان کاملاً شبیه به هم، هیچ ضرری به فرد و جامعه وارد نمی‌کند.

۲- این صورت، معروف به دوقلوی سیامی یا کپی‌سازی است. این حالت از شبیه‌سازی انسانی هم‌چون حالات گذشته بی‌نیاز از ماده منی نیست؛ بلکه تلاشی برای تولد چند فرزند - که مانند دوقلوها ویژگی ژنتیک مشترکی دارند - صورت می‌گیرد. این کار از طریق بارورسازی تخمک با منی در محفظه‌ای بیرون از رحم و تقسیم سلول به دست آمده از این بارورسازی به چند سلول همسان که همان ویژگی‌های ژنتیک را دارند، انجام می‌گیرد.

۱. محمدی، علی، شبیه‌سازی انسان، ملاحظات علمی، اخلاقی، حقوقی و فقهی، صص ۴۴۶-۴۴۷.

رأفت عثمان در این مورد توقف کرده است و فتوی به حرمت یا جواز نمی‌دهد و منتظر تجربه‌ها و آزمایش‌های شبیه‌سازی و پیامدهای آن است.^۱

شیخ مختار سلامی (مفتی جمهوری تونس) نیز طی مقاله بلندی، نظر خود را به تفصیل درباره انواع شبیه‌سازی بیان داشته و ادله فراوانی بر ضد شبیه‌سازی انسانی اقامه نموده است.^۲

شیخ ابن عثیمین (مفتی عربستان) نیز شبیه‌سازی را حرام دانسته و گفته است: «شبیه‌سازی از بزرگ‌ترین فسادها بر روی زمین است و کم‌ترین عقوبت و مجازات برای آنان، قطع دستانشان است و گرنه باید اعدام گردند».^۳

دکتر محمد سلیمان أشقر (فقیه اردنی) این کار را مطلقاً حرام دانسته است.^۴

شیخ عبد المعطی بیومی (استاد دانشگاه الأزهر و رئیس دانشکده اصول دین) نیز شبیه‌سازی را حرام دانسته و آن را در تعارض کامل با سنت خلق خداوند شمرده است؛ برای این که مختل‌کننده روابط عاطفی است که خداوند در ارتباط زوجین برای تربیت فرزندان نهاده است.^۵

وهبه مصطفی زحیلی (استاد ادیان دانشگاه دمشق) گفته است: تمام حالات شبیه‌سازی که منجر به ورود شخص ثالث در روابط زناشویی می‌شود، چه ورود شخص ثالث به واسطه رحم باشد، چه به واسطه بیضه، و چه به واسطه حیوان، حرام است.^۶

جاسم شامسی (استاد حقوق در دانشکده حقوق و دین در دانشگاه امارات) معتقد است که اساس حرمت شبیه‌سازی مولد انسان از سلول‌های بدن، جدای از این که از مرد بیگانه یا زن بیگانه باشد و در رحم زن دیگری کشت شود، این است که رحم آن زن در غیر وجه مشروع به کار گرفته شده و جایز نیست رحم زن پر شود مگر به منی همسرش.^۷

۱. محمدی، علی، شبیه‌سازی انسان، ملاحظات علمی، اخلاقی، حقوقی و فقهی، ص ۴۴۷

۲. اسلامی، سید حسن، «شبیه‌سازی از دیدگاه کلامی اهل سنت»، ص ۸۹

۳. سعدی، داود سلمان، الاستنساخ بین العلم و الفقه، ص ۴۰۳

۴. اسلامی، سید حسن، «شبیه‌سازی از دیدگاه کلامی اهل سنت»، ص ۸۹

۵. سعدی، داود سلمان، الاستنساخ بین العلم و الفقه، ص ۴۰۳

۶. همان، ص ۴۰۴

۷. همان، ص ۴۰۵

صلاح زیدان (استاد فقه دانشگاه قاهره) گفته است اگر شخصی شبیه‌سازی شود، مشکلات بسیاری به وجود خواهد آمد، مثلاً اگر هر دوی این‌ها سوار ماشین شوند، چگونه می‌توان میان این دو تمایز قائل شد؟^۱

عبد الحق حمیش (استاد دانشکده دین و دروس اسلامی در دانشگاه شارقه) پس از آوردن مقدماتی درباره علم و اسلام می‌گوید: شبیه‌سازی انسانی به مصلحت انسان نیست؛ زیرا مصلحت انسان در این است که در سایه خانواده بزرگ شود؛ در حالی که طفل شبیه‌سازی شده، پدر و مادر ندارد. خداوند در وجود زن و مرد، این تمایل را به هم‌دیگر قرار داده است تا طفل خود را پرورش دهند؛ در حالی که با شبیه‌سازی این فرض حاصل نمی‌شود. شبیه‌سازی مخالف فطرت خداوند است که به بشر اعطا نموده است؛ در نتیجه، اگر شبیه‌سازی مجاز شود، منجر به انهدام جامعه بشری خواهد شد. شبیه‌سازی در واقع بازی با اصول ژنی و حیاتی است و بازی با این اصول جایز نیست، به همین جهت در آیه قرآن از آن نهی شده است: «لا تفسدوا فی الارض بعد إصلاحها».^۲

عبد الحمید محمد شهاب عبیدی (استاد دانشکده علوم اسلامی دانشگاه بغداد) می‌گوید: «از ضررهای شبیه‌سازی این است که زنان در بارداری از مردان بی‌نیاز می‌شوند و می‌توان از انسان شرور انسانی را شبیه‌سازی کرد. این امر هم‌چون حلول روح در بدن انسان دیگر است».^۳

هر چند اجماع اهل تسنن بر حرمت شبیه‌سازی است، اما در میان نظرات آنان، می‌توان به نظراتی دست یافت که حکم به جواز شبیه‌سازی انسانی داده‌اند؛ از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

محمد محروس مدرس اعظمی (استاد دانشگاه بغداد): حکم شرعی در این باره جواز است؛ زیرا اولاً دلیلی بر حرمت آن وجود ندارد. اصل در افعال، إباحه است؛ پس حرمت احتیاج به دلیل دارد؛ در حالی که إباحه، احتیاج به دلیل ندارد.

ثانیاً در این حالت، مادر، نقش پدر و مادر حقیقی را دارد؛ زیرا این امر اعتباری است و به حکم رحم باز می‌گردد. او در جواب سؤالی راجع به شبیه‌سازی از دختر باکره‌ای

۱. سعدی، داود سلمان، الاستسناخ بین العلم و الفقه، ص ۴۰۶

۲. همان، ص ۴۰۷

۳. همان، ص ۴۱۵

که ازدواج ننموده است، گفته است: «جایز است به شرط این‌که بیماری دختر مذکور به خاطر ازدواج بدتر شود و از همین رو، نتواند ازدواج کند». دکتر عبدالطیف همیم اشکالاتی به نظر محمد محروس وارد کرده و به نقد آن پرداخته است و در خلال این اظهارنظرها شبیه‌سازی را حرام دانسته است.^۱

دکتر ضاری خلیل محمود (رئیس دانشکده حقوق در بیت الحکمه در بغداد) معتقد است که اگر اهداگندگان تخمک و سلول - زن یا مرد - و صاحب رحم مشخص باشند، شبیه‌سازی اشکالی ندارد.^۲

عدنی فخری (قاضی دادگاه بغداد) گفته است: «اصل اساسی آن است که جریمه و مجازاتی برای شبیه‌سازی نمی‌توان در نظر گرفت؛ زیرا در نصّ قانون چنین چیزی در نظر گرفته نشده است. پس شبیه‌سازی به جهت عدم وجود نصّ قانونی، حرام نیست و جریمه‌ای ندارد. از سوی دیگر شبیه‌سازی عملی پزشکی است، پس در حیطه حقوق و قوانین پزشکی خواهد بود. در عین حال، این پیشرفت علمی، نیازمند به تنظیم قوانین است.»^۳

رمزی برنوطی (دانشگاه بغداد) می‌گوید: «شبیه‌سازی نزد ما مقبول است، ولی باید قوانینی برای آن وضع نمود تا حدود حرمت و جواز آن مشخص شود».^۴

شیخ احمد کفتارو (مفتی اعظم سوریه) نیز با اعلام حمایت از تحقیقات علمی دانشمندان و پژوهشگران که منجر به نتایج مفید و سودمند برای زندگی بشر می‌شود، تلاش برخی از مراکز علمی کشورهای غربی را برای شبیه‌سازی انسان را عبث، غیرضروری و فعلی حرام خوانده است. شیخ احمد کفتارو می‌گوید: «تحریم شبیه‌سازی یک امر بدیهی و ضرورت منطقی است و بر همین اساس و با توجه به اثر منفی آن، ما نیز بر حرام بودن این مسأله تأکید داریم. وی خاطر نشان کرد نظام الهی یک نظام مبتنی بر اخلاق و ارزش‌ها برای تضمین ادامه زندگی و سعادت بشر است و در صورت بی‌توجهی به جنبه‌های اخلاقی و مذهبی در پیشرفت علم، انسان‌ها در آینده، بیش از امروز از علم بدون اخلاق و ارزش‌ها رنج خواهند برد».^۵

۱. سعدی، داود سلمان، الاستنساخ بین العلم و الفقه، صص ۴۱۵-۴۱۶

۲. همان، ص ۴۱۹

۳. همان، صص ۴۲۳-۴۲۴

۴. همان، ص ۴۲۴

۵. «همت‌سازی»، شماره ۵۰۰، ص ۳۰

دکتر معظم الدین صدیقی (از علمای اهل سنت پاکستان) نیز همانندسازی انسان را، به علت این که موجب آسیب به شخصیت، کرامت انسان و هم‌چنین خانواده و جامعه می‌شود، حرام می‌داند.^۱

شیخ محمد سلیم (مفتی شهر صیدا) نیز با هشدار درباره پیامدهای منفی انسانی و اخلاقی همانندسازی انسان این عمل را تحریم کرد. او با اشاره به مخالفت رهبران مذهبی با شبیه‌سازی اضافه کرد که این اقدام هم از نظر عقل و اخلاق و هم از نظر جنبه‌های اجتماعی ناپسند و غیر قابل قبول است. وی با اشاره به احادیث پیامبر (ص) درباره اهمیت دانش‌هایی که به سود بشریت است، گفت: هدف دین و شریعت، پاسداری از عقل، نفس، مال، اعتقاد و نسل است و هیچ جامعه‌ای در هیچ زمان و مکان بدون این پنج اصل نمی‌تواند به زندگی ادامه دهد. او با اشاره به هم‌سویی اسلام و مسیحیت در این زمینه خاطر نشان کرد که هیچ‌گونه مغایرتی میان دین و دانش سالم وجود ندارد.^۲

– دیدگاه‌های سازمان‌های اسلامی در خصوص شبیه‌سازی مولد انسان

شورای انجمن پژوهش‌های اسلامی (وابسته به دانشگاه الأزهر و مهم‌ترین مؤسسه دینی اهل سنت) فتوایی صادر کرد که در آن آمده است: «همانندسازی انسان حرام است و با تمام وسایل باید از آن جلوگیری کرد». متن این فتوا اضافه می‌کند: «شبیه‌سازی، انسانی را که خداوند او را تکریم کرده است، در معرض آزمایش و بیهودگی قرار می‌دهد و موجب به وجود آمدن اطفال ناقص‌الخلقه و بدریخت می‌شود». این فتوا در ادامه می‌افزاید: «اسلام نه تنها با دانش مفید مخالفتی ندارد، بلکه فراگیری آن را نیز تشویق کرده و دانشمندان را بزرگ داشته است؛ اما علم مضرّی که ضررش از نفعش بیشتر باشد، اسلام آن را حرام می‌کند تا بشریت را از زیان‌های آن در امان نگه دارد». این فتوی خاطر نشان می‌سازد که: «لازم است بین استفاده از مهندسی ژنتیک در گیاهان و حیوانات، جهت ایجاد نژادهای بهتر و مفیدتر و یا علاج بیماری‌ها و درمان انسان و بین همانندسازی فرق گذاشته شود».

۱. صادقی، محمود، «همانندسازی انسان از نظر مراجع ادیان آسمانی و بررسی آن از نظر فقه اسلامی»، ص ۷۷

۲. «همتا سازی»، شماره ۵۰۰، ص ۳۰

شورای اروپایی افتاء و تحقیقات نیز این کار را حرام شمرده است.^۱
اتحادیه عرب و سازمان کنفرانس اسلامی اخیراً با صدور بیانیه‌ای مخالفت صریح خود را با پروژه شبیه‌سازی اعلام کرد.^۲

مجمع بررسی‌های اسلامی نیز کسانی را که تکنولوژی شبیه‌سازی را بر روی انسان انجام می‌دهند، محارب دانسته است.^۳

هفته‌نامه المسلمون که بیان‌گر دیدگاه‌های جامعه سلفی وهابیت در عربستان سعودی است، در شماره ۶۳۳ به تاریخ پنجم ذی‌العده ۱۴۱۷هـ به تفصیل موضوع شبیه‌سازی انسان را مورد بررسی قرار داد و یکی از اعضای آن، کسانی را که اقدام به شبیه‌سازی کنند، در حکم مفسد فی الارض دانست.^۴

دبیرخانه رابط العالم الاسلامی که مستقر در مکه است، شبیه‌سازی را حرام دانسته و خواستار وضع قانونی جهانی بر ضد این کار شده است.^۵

سازمان اسلامی علوم پزشکی نشستی را با حضور علمای اسلامی و پزشکان متخصص در کشور مغرب برگزار کرد و در اعلامیه پنج ماده‌ای شبیه‌سازی را محکوم کرد.^۶

مجمع فقه الاسلامی در بیانیه‌ای پس از آوردن مقدمه‌ای درباره جایگاه انسانی در هستی و موافقت اسلام با طلب علم و دانش، با توجه به مسائل و بحث‌های مطرح شده در شورای مجمع، چنین مقرر می‌دارد:

۱- شبیه‌سازی انسانی، به کمک دو شیوه یاد شده یا با هر شیوه دیگری که به افزایش انسانی بینجامد، حرام است.

۲- تمام حالاتی که منجر به از بین رفتن رابطه زوجیت باشد، حرام است چه در رحم باشد یا در بیضه یا در حیوان یا استفاده از سلول‌های بدن برای شبیه‌سازی.

۱. اسلامی، سید حسن، «شبیه‌سازی از دیدگاه کلامی اهل سنت»، ص ۸۸

۲. پور قهرمانی، بابک، «پدیده شبیه‌سازی انسان»، ص ۵

۳. همان

۴. شریعتمداری، حمیدرضا، «بدلسازی انسان»، ص ۵

۵. اسلامی، سید حسن، «شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه کلامی اهل سنت»، ص ۸۸

۶. خرمی، جواد، «شبیه‌سازی انسان، پی آمدها و عکس‌العمل»، مبلغان، شماره ۵۱، بهمن و اسفند ۱۳۸۲، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

- ۳- شبیه‌سازی در حیوانات و گیاهان اگر در حدود ضوابط شرعی باشد، به گونه‌ای که مصالحی داشته باشد و ضرر را دفع نماید، اشکال ندارد.
- ۴- اگر در فقره اول از حکم شرعی تجاوز شود، آثاری به وجود می‌آورد که علت حکم حرمت نیز همین آثار است.
- ۵- باید قانونی در این زمینه تصویب شود.
- ۶- جمعی از متخصصان باید برای تعیین حدود فقهی شبیه‌سازی جمع شوند.^۱
- مسائل دیگری هم از این دست در اعلامیه مذکور مطرح شده است.^۱
- مجمع فقهی طبی** که وابسته به مجمع فقه اسلامی است، در اعلامیه‌ای نظراتی مشابه موارد فوق‌الذکر آورده است.^۲
- شورای روابط اسلام و آمریکا** نیز اعلام کرده است که کارشناسان مسائل اسلامی با شبیه‌سازی انسان صریحاً مخالفت کرده‌اند.^۳
- مجمع بررسی‌های اسلامی** کسانی را که تکنولوژی شبیه‌سازی را بر روی انسان انجام می‌دهند، محارب دانسته است.^۴

بررسی ادله فقهی علمای اهل سنت در خصوص شبیه‌سازی مولد انسان

دلیل اول - لزوم تولیدمثل جنسی

طبق این دلیل، اسلام از مسلمانان خواسته است تا تنها از طریق آمیزش جنسی به زاد و ولد بپردازند، از این رو، هرگونه تلاشی در جهت حذف این مکانیزم، ممنوع است. در سوره اعراف آیه ۱۸۹ با کنایه‌ای از این مکانیزم این‌گونه سخن رفته است: «فلما تغشاها، حملت حملاً خفیفاً فمرت به».^۵ در واقع شبیه‌سازی معارض آیاتی است که از تولیدمثل بین مذکر و مونث یاد کرده است، هم چون «و الله جعل لکم من انفسکم

۱. ایوسخ فرانسوا، زحیلی، وهبه، سالم، عدنان محمد، سیبعی، عدنان، شریف، مهیب، علوانی، عوا، عادل، عبدالواحد، فضل الله، حسین و رزق، هانی، الاستنساخ جدل العلم و الدین و الأخلاق، صص ۲۳۴-۲۳۵

۲. همان، ص ۲۳۱

۳. هاجری، عبدالرسول، «گزارشی پیرامون شبیه‌سازی انسان»، ص ۱۴

۴. همان

۵. اسلامی، سید حسن، «شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه فقه اهل سنت»، کاوشی نو در فقه اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۵، ۱۳۸۴، ص ۷۴؛ شبستری، سیدحسن، بررسی مشروعیت شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه فقهی، حدود و شرایط آن، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۸۶، ص ۴۵؛ موسوی سبزواری، سیدعلی، الاستنساخ بین التقیه و التشریع، بی‌جا، کوثر، ۱۴۲۳هـ ص ۱۷۵

أزواجاً و جعل لكم من أزواجكم بنين وحفدة»^۱ و یا «إنا خلقنا الإنسان من نطفة أمشاج نبثليه فجعلناه سمعياً بصيراً»^۲. خلق حیوان و انسان غیر از این طریق، خارج از دلالت آیات است.

پاسخ دلیل اول

۱- آیاتی که مخالفان شبیه‌سازی انسانی به آن‌ها استناد می‌کنند، مانند «یخرج من بین الصلب و الترائب». گویای وجوب این کار نیست؛ بلکه بیان‌گر یک رخداد یا سنت الهی است. تنها با بیان یک سنت نمی‌توان، وجوب آن را نتیجه گرفت.^۳

۲- طبق استدلال فوق، با نحوه تولد حضرت عیسی (ع) مشکل خواهیم داشت؛ زیرا آن حضرت از طریق آمیزش به وجود نیامده است.^۴

۳- نصی در این زمینه وجود ندارد که حکم به وجوب و لزوم تولیدمثل جنسی داده باشد.^۵

۴- از سوی دیگر استدلال به آیات، به معنای حصر عقلی در مورد تولیدمثل از طریق جنسی چنان که در آیات به آن‌ها اشاره شده است، نمی‌باشد.^۶

۵- از سوی دیگر، سلول گرفته شده از شخص، خود حاصل آمیزش سلول نر و ماده است که حالا تبدیل به انسانی گشته است؛^۷ زیرا سلول بدنی او برای شبیه‌سازی مورد استفاده قرار گرفته است.

- دلیل دوم: اختلاط انساب

شبیه‌سازی منجر به اختلاط و آمیزش نسب‌ها می‌شود، زیرا روابط خانوادگی را محترم نمی‌شمارد و بر اساس زندگی زناشویی نیز پایه‌گذاری نشده است. استدلال آنان چنین است که شبیه‌سازی در معنای زناست. هر چند دقیقاً به معنای زنا نیست، اما آنچه از زنا یعنی اختلاط انساب، حاصل می‌آید، از شبیه‌سازی نیز حاصل می‌آید. پس

۱. نحل، ۷۲.

۲. انسان، ۲.

۳. اسلامی، سید حسن، «شبیه‌سازی از دیدگاه فقه اهل سنت»، ص ۸۹.

۴. همان، ص ۸۹.

۵. همان، ص ۸۸.

۶. أشقر، محمد سلیمان، «دراسة النصوص الشرعية المرتبطة بقضية الاستنساخ البشري»، يمكن الحصول على هذه المقالة في الموقع الانترنتی:

<http://www.islamonline.net/arabic/contemporary/hceh/2001/article18-4-shtml> (16 Mar 2006)

۷. همان، ص ۱.

همان‌طور که خداوند متعال از زنا به جهت اختلاط انساب نهی کرده است، از شبیه‌سازی هم نهی خواهد کرد.^۱ برای دلیل خود، حدیثی را از ابن عباس نقل می‌کنند که پیامبر (ص) در حمایت از نسب فرموده است: «من انتسب إلی غیر آبیہ، أو تولی غیر موالیہ، فعلیہ لعنہ اللہ و الملائکۃ و الناس أجمعین»^۲ تا فرزند در محیطی رشد کند که شریعت و جامعه از طریق آن، او را بشناسند.^۳ از سوی دیگر، در نظر اهل سنت، ورود شخص ثالث در رابطه زوجین، به هر شکلی (رحم یا بیضه) جایز نیست و به همین جهت از نظر آنان، شبیه‌سازی که مجرای ورود شخص ثالث به روابط زوجین می‌باشد، حرام است.^۴

پاسخ دلیل دوم

۱- قیاس شبیه‌سازی با زنا صحیح نیست؛ زیرا در شبیه‌سازی مسأله میاه متفی است، پس نوبت به خلط آن‌ها نمی‌رسد. خلط میاه و انساب تنها هنگامی رخ می‌دهد که چندین مرد با یک زن، رابطه هم‌زمان داشته باشند.

۲- در شبیه‌سازی، اگر دهنده سلول و تخمک مشخص باشند، اختلاط انساب به وجود نمی‌آید و تنها در صورت وجود بانک هسته و سلول ممکن است، اختلاط انساب پیش آید.^۵

- دلیل سوم: ابهام در روابط خویشاوندی

نسب فرد، به طور طبیعی حاصل مقاربت پدر و مادر و لقاح سلول‌های جنسی آن‌ها با یکدیگر است. رابطه نسبی فرد با پدر و مادر و سایر اقارب از نظر اجتماعی نشان‌گر هویت او و از نظر شرعی و حقوقی، تعیین‌کننده بسیاری از حقوق و تکالیف خانوادگی او مانند محرمیت، حرمت نکاح، توارث، حق نفقه و حضانت است.^۶ آیه شریفه «هو

۱. یمكن الحصول علی هذه المقالة فی الموقع الانترنیتی:

<http://www.bab.com/articles/full-article.cfm?id=3111> (16 Mar 2006)

۲. یمكن الحصول علی هذه المقالة فی الموقع الانترنیتی:

http://www2.alsaha.com/sahat/forum2/html/005_200.html (16 Mar 2006)

۳. أشقر، محمد سلیمان، «الأحكام الشرعیة للاستنساخ»، یمكن الحصول علی هذه المقالة فی الموقع الانترنیتی:

http://www.islamonline.net/Arabic/contemporary/teeh/2001/article_18-5.shtml 1457 (16 Mar 2006)

۴. أشقر، محمد سلیمان، «موجز الدراسة»، یمكن الحصول علی هذه المقالة فی الموقع الانترنیتی:

<http://www.islamonline.net/Arabic/contemporary/teeh/2001/article18-10.shtml> (16 Mar 2006)

۵. اسلامی، سید حسن، «شبیه‌سازی از دیدگاه اهل سنت»، ص ۹۱

۶. أشقر، محمد سلیمان، «دراسة النصوص الشرعیة المرتبطة بقضیة الاستنساخ البشري»، ص ۱

الذی خلق من الماء بشرا فجعله نسبا و صهرا» در مقام بیان همین معنی است. شبیه‌سازی انسان، بی‌تردید این رابطه طبیعی و قانونی را به هم می‌زند و تعیین قرابت و نسب را با اشکال و ابهام رو به رو می‌سازد؛ زیرا در شبیه‌سازی چهار حالت قابل تصور است:

۱) دهنده سلول، شوهر دهنده تخمک باشد.

۲) دهنده سلول، مرد بیگانه‌ای باشد.

۳) دهنده سلول، دهنده تخمک باشد.

۴) دهنده سلول، زن بیگانه‌ای باشد. در تمام این فروض نیز ممکن است مادر جانشین، خود زن دهنده تخمک یا زن دیگری باشد. در همه فروض مذکور رابطه طفل و دهنده سلول مشخص نیست و نظرات مختلفی در این باره صادر شده است. به همین جهت شبیه‌سازی انسان از نظر آنان حرام است.

پاسخ دلیل سوم

از پاسخ به این اشکال در این مبحث خودداری می‌شود؛ زیرا بحث نسب و ارتباط طفل با صاحب تخمک و صاحب سلول در بخش سوم این کتاب به تفصیل خواهد آمد. در این مبحث به همین اندازه اکتفا می‌شود که ابوت و بنوت مفاهیم عرفی هستند نه شرعی؛ پس مفاهیم ارائه شده، می‌تواند به حسب عرف جامعه تغییر کند.

- دلیل چهارم: ابهام در نفقه و ارث

از نظر برخی عالمان اهل سنت، شبیه‌سازی انسانی موجب مخدوش شدن برخی احکام فقه مانند نفقه و ارث می‌شود؛ زیرا پیامد منطقی ابهام در روابط خانوادگی آن است که در این صورت فقیه نمی‌داند چه کسی از چه کسی ارث می‌برد و چه کسانی مشمول نفقه‌اند.^۱

پاسخ دلیل چهارم

۱- این دلیل فرع بر ادله دیگر است و با پاسخ به دلیل سوم می‌توان به راحتی این اشکال را پاسخ داد؛ پس در این زمینه ابهامی وجود ندارد.

۱. اسلامی، سید حسن، «شبیه‌سازی از دیدگاه فقه اهل سنت»، ص ۸۱ آیتی، سید محمدرضا و محمدباقر عامری‌نیا، «نقد و بررسی دیدگاه‌های اهل سنت در شبیه‌سازی انسانی»، فقه و مبانی حقوق، سال چهارم، شماره ۱۲، ۱۳۸۷، ص ۱۷۱؛ موسوی سبزواری، سیدعلی، الاستنساخ بین التقنیه و التشريع، ص ۱۷۲

۲- اگر هم این اشکال وارد باشد و بتوان آن را جدی شمرد، شبیه‌سازی مولد انسان تنها در موارد خاص منجر به ابهام در روابط خویشاوندی می‌شود، نه در همه موارد.^۱

– دلیل پنجم: از بین رفتن نهاد ازدواج و نابودی خانواده

شبیه‌سازی، بنیان خانواده را نابود می‌کند و مرد را از صحنه زندگی حذف می‌نماید؛ زیرا به صورت ثوری، زنان قادر خواهند بود بدون تشکیل خانواده، دارای فرزند شوند؛ یعنی در صورت داشتن توانایی مالی، تأمین عاطفی و غیره، زن یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های خود را برای ازدواج که عبارت است از تولیدمثل و سرپرستی فرزندان، بدون این‌که نیازی به نکاح ببیند، محقق خواهد دید و این وضعیت از جهت تولد کودکان بی‌پدر یا بی‌مادر – بر حسب مورد – اسفبار است.^۲

پاسخ دلیل پنجم

۱- در این استدلال اهل سنت به نظر می‌رسد، هدف و انگیزه افراد از ازدواج، تولیدمثل قرار داده شده است. در حالی‌که تولیدمثل غایت ازدواج است.^۳ از سوی دیگر، قرآن در آیه ۲۱ سوره روم (و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم أزواجاً لتسکنوا إليها وجعل بینکم موده و رحمه)، هدف ازدواج را سکونت و آرامش قرار داده است و با تعبیر پر معنی «لتسکنوا» مسائل بسیاری را بیان کرده است. نظیر این تعبیر در آیه ۱۸۹ سوره اعراف نیز آمده است. این آرامش از این‌جا ناشی می‌شود که این دو جنس مکمل یکدیگر و مایه شکوفایی و نشاط و پرورش یکدیگر هستند، به طوری که هر یک بدون دیگری ناقص است، و طبیعی است که میان یک موجود و مکمل وجود او، جاذبه نیرومندی وجود داشته باشد.^۴

۱. اسلامی، سیدحسن، «شبیه‌سازی از دیدگاه فقه اهل سنت»، ص ۱۰۴

۲. السان، مصطفی و زینب کنعانی، «تلاقی اخلاق، حقوق و واقعیت در شبیه‌سازی انسان، ضرورت تحلیل منطقی و ایجاد تعادل»، ص ۸؛ «فتوی المجمع الفقهی للرابطة فی الاستنساخ»، ۲۰۰۶، یمکن الحصول علی هذه المقالة فی الموقع الانترنیتی:

<http://www.onislam.net/arabic/ask-the-scholar/8358/8400/52765-2004-08-01%2017-37-04.html> (24 Mar 2009)

۳. اسلامی، سید حسن، «شبیه‌سازی از دیدگاه فقه اهل سنت»، ص ۱۰۵

۴. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۳۹۱

۲- از سوی دیگر، معتقدند شبیه‌سازی مستلزم عدم ازدواج است. این فرض هم نادرست است؛ زیرا هیچ‌گونه ملازمه منطقی بین شبیه‌سازی و عدم ازدواج وجود ندارد.^۱

۳- از سوی دیگر، اگر منظور از گفته آنان این باشد که افراد بدون نیاز به ازدواج، دارای فرزند می‌شوند، باز نمی‌توان بر ضد شبیه‌سازی اقامه دعوی کرد، زیرا این امکان در موارد دیگری مانند لقاح برون رحمی نیز وجود دارد؛ چنان‌که امروزه این امکان برای هر کس فراهم است که تخمکی را از جایی فراهم کند و یا به بهای ده، دوازده هزار دلار بخرد و آن را از طریق لقاح برون رحمی بارور سازد و پس از آن نیز رحمی را اجاره نماید و ... این کار قطعاً ممکن است و اتفاقاً از نظر اقتصادی به صرفه‌تر از شبیه‌سازی مولد انسان است؛ زیرا شبیه‌سازی مولد بسیار پرهزینه است.^۲

۴- از سوی دیگر، تا قبل از این هم روش‌هایی مانند IVF یا تلقیح مصنوعی وجود داشت، اما بشر به همان طریق جنسی به تولیدمثل ادامه می‌داد، زیرا طریق جنسی مطابق فطرت اوست.

۵- از سوی دیگر، یکی از نکاتی که باید به آن توجه داشت، این است که دلیل مذکور تحت تأثیر ادبیات علمی - تخیلی غرب ارائه شده است و اساسی برای آن، در واقعیت نمی‌توان یافت.^۳

- دلیل ششم: از بین رفتن مفهوم مادری

بر اثر رواج شبیه‌سازی انسانی نه تنها نهاد ازدواج متلاشی خواهد شد، بلکه حتی مفهوم مادری همراه با معنای عاطفی آن از میان می‌رود و رابطه فرزند و مادر رابطه میان دو شیء، نه دو انسان می‌گردد.^۴ در فطرت زن، عشق به حمل و ولادت و شیر دادن به فرزند در سایه خانواده نهاده شده است تا بتواند نسل‌های موفقی را تربیت نماید. هم‌چنین در زنان عواطفی قرار داده شده است تا بتوانند فرزندان خود را بزرگ کنند، به

۱. اسلامی، سید حسن، «شبیه‌سازی از دیدگاه فقه اهل سنت»، ص ۱۱۰

۲. همان، ص ۱۱۱

۳. برای مطالعه بیشتر بنگرید به:

<http://forum.p3oworld.com/archive/idea.php/t-26675.html> (19 Jun 2006)

۴. همان، ص ۸۳

همین جهت است که بهشت زیر پای مادران است.^۱ از سوی دیگر شبیه‌سازی، ناقض این آیه نیز هست: «حملته أمه کرها و وضعتہ کرها و حملہ و فصالہ ثلاثون شهراً».^۲ آنان معتقدند مادری که برای تولد فرزند خود زحمت نکشیده باشد، حس مادری نخواهد داشت و این امر هنگامی تقویت می‌شود که مسئله شبیه‌سازی با مسئله رحم اجاره‌ای پیوند بخورد.^۳

پاسخ دلیل ششم

۱- به نظر می‌رسد، در این استدلال، اهل سنت، درد و رنج کشیدن را مقوم مادری دانسته‌اند و معتقدند که هر آنچه که مانع این امر شود، جایز نیست؛ زیرا در این آیه قرآن آمده است که مادر هنگام بارداری و زایمان، «رنج می‌برد»، این استدلال شبیه همان استدلال است که اهل سنت برای لزوم تولید مثل جنسی می‌آورند. یعنی از رواج این مطلب، لزوم آن را نتیجه می‌گیرند.^۴ لازمه استدلال آنان این است که تمام تکنولوژی‌ها و امکاناتی که از رنج خانه‌داری زنان و بارداری مادران و شیر دادن به کودکانشان می‌کاهند، به همان میزان، ناقض مفهوم مادری باشند.

۲- بحث دوم، تعدد مادران است که از نظر آنان، با آیه ۱۵ سوره احقاف که در آن نقش مادری بیان شده دارد، تعارض دارد. اما این امر در صورتی ممکن است که صاحب تخمک از صاحب رحم متمایز باشد و در جایی که این دو یکی باشند، دیگر جایی برای مطرح شدن فرض مزبور باقی نخواهد ماند. در ضمن هیچ ملازمه منطقی میان شبیه‌سازی انسانی و تعدد یا وحدت مادر وجود ندارد.^۵

۳- از سوی دیگر، اهل تسنن معتقدند که فرزندی که در رحم شخص دیگری پرورش یابد، هیچ ارتباطی با او ندارد و بیگانه است؛ در حالی که این امر صحیح به نظر نمی‌رسد، زیرا اولاً بسیاری از صفات در محیط رحم به جنین منتقل می‌شود. ثانیاً او از وجود صاحب‌رحم تغذیه می‌کند؛ پس صاحب‌رحم حداقل می‌تواند به عنوان مادر

۱. ابوسخ فرانسوا، زحیلی، وهبه، سالم، عدنان محمد، سیبعی، عدنان، شریف، مهیب، علوانی، عوا، عادل، عبدالواحد، فضل الله، حسین و رزق، هانی، الاستنساخ جلد العلم و الدین و الأخلاق، ص ۲۲۱

۲. الأحقاف، ۱۵ و ۴۶

۳. اسلامی، سید حسن، «شبیه‌سازی از دیدگاه فقه اهل سنت»، ص ۸۳؛ خادمی، نورالدین مختار، الاستنساخ بدعه العصر فی ضوء الاصول والقواعد و المقاصد الشرعیه، بیروت، دار وحی القلم، ۱۴۲۵هـ صص ۶۹-۷۱

۴. اسلامی، سید حسن، «شبیه‌سازی از دیدگاه فقه اهل سنت»، ص ۱۱۶

۵. همان، ص ۱۱۸

رضاعی مطرح شود؛ زیرا از نظر فقهی، طفلی که از شیر زنی می‌نوشد با او ارتباط ویژه‌ای می‌یابد که در خلال آن احکامی نیز در اسلام برای آنان مطرح می‌گردد. آیا نمی‌توان تغذیه جنین در رحم مادر جایگزین را با تنقیح ملاک هم‌چون تغذیه از شیر زنی دیگر دانست؟ به نظر می‌رسد که جواب مثبت باشد.

- دلیل هفتم: از بین رفتن مفهوم پدری

اگر شبیه‌سازی باعث اختلال در مقصد امومت می‌شود؛ اما مقاصد ابوت را به طور کلی نابود می‌کند؛ زیرا در زندگی طفل شبیه‌سازی شده، پدری وجود ندارد. عدم انتساب به پدر در شبیه‌سازی از آن جهت است که اسپرم مرد در تکوین طفل اثری ندارد.

فرآیند شبیه‌سازی می‌تواند میان سه زن یا دو زن صورت گیرد، بدون آن‌که به مردی نیاز باشد. بنابراین، خصایص و ویژگی‌های پدر در این‌جا نقشی ندارد و نقش شرعی او نیز معدوم است. در این صورت، تنها امومت در جامعه وجود خواهد داشت و فرزندان هم‌چون فرزندان پدر مفقودالاثرا یا فاقد پدر و حتی شاید بدتر از آن خواهند بود. پس نقش پدر در شکل‌گیری جامعه و خانواده چه می‌شود و دستور به احترام وی، چه خواهد شد؟^۱

پاسخ دلیل هفتم

باید اذعان نمود که این دلیل به جهت دیدگاه خاص اهل سنت در مسأله انتساب طرح گردیده است؛ اما این دلیل نیز مردود است؛ زیرا اگر بتوان نسب را بازتعریف کرد، در فرض وقوع تمام حالات شبیه‌سازی، بازهم می‌توان برای طفل شبیه‌سازی شده انتساب به پدر را متصور شد.

- دلیل هشتم: امکان شکل‌گیری روابط نامشروع

طبق این استدلال، هنگامی که اساس خانواده متلاشی شود و هر کس بتواند آن‌گونه که می‌خواهد، شخص مورد نظر خود را شبیه‌سازی کند، امکان رواج انواع روابط جنسی نامشروع حتی میان اعضای خانواده و محارم پیش می‌آید.^۲

۱. خادمی، نورالدین مختار، الاستسناخ بدعه العصر فی ضوء الاصول والقواعد و المقاصد الشرعیه، صص

۲. خرمی، جواد، «شبیه‌سازی انسان، پی‌آمدها و عکس‌العمل‌ها»، ص ۲

پاسخ دلیل هشتم

۱- هیچ‌گونه ملازمه عقلی میان گسترش روابط نامشروع در جامعه و شبیه‌سازی وجود ندارد. پس شبیه‌سازی نمی‌تواند علت مناسبی برای شکل‌گیری و گسترش روابط نامشروع در جامعه باشد.^۱

۲- فرض دیگر آن است که فرد شبیه‌سازی شده به صاحب سلول، تمایل جنسی پیدا کند که این امر تحت تأثیر ادبیات تخیلی غرب ایجاد شده است. این فرض در صورتی صحیح خواهد بود که نسخه اصلی در همان سن باقی بماند؛ در حالی که نسخه اصلی هم زمان با فرد شبیه‌سازی شده، رشد می‌کند. یعنی فرد شبیه‌سازی شده دوران جوانی خود را تجربه می‌کند و نسخه اصلی دوران پیری را و در این حالت تمایل جنسی به او معنی ندارد.^۲

- دلیل نهم: گسترش و ترویج همجنس‌گرایی

بر اساس این استدلال، علت عمده تمایل مردم به ازدواج، علاقه و نیاز به تولیدمثل است. حال اگر این امکان فراهم شود که کسی بتواند بدون ازدواج به خواسته خود برسد، عملاً از آن روی‌گردان می‌شود. این مسأله به ویژه برای همجنس‌گرایان خیلی جدی است؛ چون از یک سوی خواستار فرزند هستند و از سوی دیگر، نمی‌خواهند به ازدواج متعارف با غیر همجنس تن در دهند. این جاست که یا باید دست از انحرافات جنسی خود بکشند یا غریزه فرزندخواهی خود را سرکوب کنند و شبیه‌سازی این مشکل را برای آنان حل می‌کند.^۳ به همین دلیل، همان‌طور که در مباحث پیشین اشاره شد، بعضی از علمای اهل تسنن معتقدند که شبیه‌سازی هم‌چون استمتاع دو همجنس از یکدیگر (مساحقه یا لواط) حرام است.

پاسخ دلیل نهم

۱- این دلیل با دلیل دیگری که مدعی بود شبیه‌سازی انسانی اساساً مفهوم مادری را از بین می‌برد، ناسازگار است - بنابراین باید یکی از دو دلیل فوق را کنار گذاشت. این مورد از مواردی است که خود ادله یکدیگر را نقض می‌کند.^۴

۱. اسلامی، سید حسن، «شبیه‌سازی از دیدگاه فقه اهل سنت»، ص ۱۲۰

۲. همان، صص ۱۲۱-۱۲۳

۳. همان، ص ۸۴

۴. همان، ص ۱۲۴

۲- همجنس‌گرایان به فرض داشتن چنین نیازی، می‌توانند از راه‌های ساده‌تر و کم‌هزینه‌تری آن را برآورده کنند.^۱

۳- در صورت پذیرش این دلیل، باید هر وسیله‌ای را که به نظر می‌رسد در گسترش و ترویج همجنس‌گرایی اثری ولو اندک داشته باشد، حرام دانست. در حالی که این امر از نظر منطقی صحیح نیست.

- دلیل دهم: سوءاستفاده مجرمان

در شبیه‌سازی، فرد تولید شده کاملاً شبیه فرد صاحب سلول خواهد بود، حتی خطوط سر انگشتان نیز از این شباهت مستثنی نیستند، در حالی که این خطوط، در هر فرد منحصر به همان شخص بوده، عامل مهمی برای یافتن مجرمان است. بنابراین با این عمل، شخص صاحب ژن می‌تواند خطایی را مرتکب شود و از چنگال قانون بگریزد، آن‌گاه عمل خویش را به فرد تولید شده، نسبت دهد یا بالعکس. بنابراین حقوق و آزادی طرفین سلب خواهد شد و اگر قاضی بتواند هر دو فرد را در دام قانون گرفتار کند، و ثابت هم بشود که این عمل خلاف، توسط یکی از این دو به تنهایی یا با همکاری شخص ثالث انجام گرفته، در هر دو صورت یکی از این دو مجرم و دیگری بی‌گناه است. در این صورت، قاضی نیز نمی‌تواند حکم قطعی را صادر کند و مجرم واقعی را مشخص نماید. در نتیجه حق شخصی که مورد ظلم و تعدی قرار گرفته است، از بین می‌رود و ظالم به طور دقیق مشخص نمی‌گردد.^۲

پاسخ دلیل دهم

۱- این دیدگاه، بر پندار خطا استوار است و از ادبیات علمی - تخیلی غرب سرچشمه گرفته است.

۲- این معضل را می‌توان هم‌چون موارد مربوط به دوقلوهای یک تخمکی یا دو تخمکی حل کرد. مگر نه این است که مشابهت فیزیکی در شبیه‌سازی انسانی تا نهایتاً ۹۷ درصدست، ولی در دوقلوهای یک تخمکی به ۹۹ درصد می‌رسد و این نکته مقبول همگان است که درصد مشابهت در مورد دوقلوهای یکسان، بیشتر است.^۳

۱. اسلامی، سید حسن، «شبیه‌سازی از دیدگاه فقه اهل سنت»، ص ۱۲۴

۲. فقیه، ناصر، «پاسخ به شبهات»، ص ۱؛ موسوی سبزواری، سیدعلی، الاستسناخ بین التقیة و التشریع، ص ۱۷۴

۳. اسلامی، سید حسن، «شبیه‌سازی از دیدگاه فقه اهل سنت»، ص ۱۲۶

۲-۳-۲. حکم شبیه‌سازی در فقه امامیه

در این بخش، به بررسی حکم شبیه‌سازی درمانی و مولد در فقه امامیه می‌پردازیم:

۲-۳-۲-۱. شبیه‌سازی درمانی در فقه امامیه

پس از بیان دیدگاه‌های فقهای امامیه درباره شبیه‌سازی درمانی، ادله آنان را درباره حرمت یا عدم حرمت شبیه‌سازی درمانی بررسی می‌کنیم:

۲-۳-۲-۱-۱. دیدگاه علمای امامیه در خصوص شبیه‌سازی درمانی

در این زمینه دو دیدگاه از سوی فقها ارائه شده است که یکی از دیدگاه‌ها، غالب است:

۱) جواز مطلق در خصوص شبیه‌سازی درمانی

از مراجع عظام سؤال شده است: «حکم شبیه‌سازی درمانی چیست؟ این شبیه‌سازی در واقع تولید جنین‌های انسانی برای استفاده در تحقیقات است و هدف از آن تولید انسان نیست؛ بلکه هدف از کشت آن، به دست آوردن سلول‌های بنیادی جنینی است که در تحقیقات پیشبردی و هم‌چنین درمان بیماری‌ها مورد استفاده قرار گیرد.» پاسخ‌ها بدین قرار است:

آیت الله موسوی اردبیلی: «اشکالی ندارد»^۱

آیت الله فاضل لنکرانی: «شبیه‌سازی درمانی و تولید عضو برای پیوند اشکالی ندارد»^۲

آیت الله خامنه‌ای: «استفاده از سلول‌های بنیادی را بلا مانع دانسته‌اند، ولی استفاده همانندسازی آن را حرام می‌دانند»^۳

آیت الله عز الدین زنجان‌ی: «وقتی ما در اصل شبیه‌سازی دلیلی بر حرمت نداریم، چه شبیه‌سازی انسانی و یا درمانی فرق نخواهد کرد و اشکالی ندارد»^۴

۱. پاسخ به استفتای مؤلف، رجوع شود به پیوست.

۲. همان

۳. قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

http://www.medisna.ir/viewnews_detail.asp?id=112 (20 Apr 2005)

۴. «شبیه‌سازی تغییر در خلقت نیست»، ۱۳۸۹، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

<http://www.alzanjani.ir/1389/01/30> (8 Nov 2011)

۲) جواز مشروط در خصوص شبیه‌سازی درمانی

آیت الله مکارم شیرازی: شبیه‌سازی برای پیوند اعضا اشکال شرعی ندارد.^۱ ایشان هم چنین فرمودند: «استفاده از این سلول‌ها چنانچه موجب هلاکت جنین نشود، اشکالی ندارد».^۲

آیت الله بهجت: «سقط یا قتل نباشد، اشکال ندارد».^۳

آیت الله صانعی: «اگر استفاده از نمونه‌های دور ریخته شده برای مقاصد درمانی کافی نباشد، به خاطر پیشرفت علمی و استفاده‌های درمانی و معالجه امراض که در سؤال آمده و یک واجب الهی و انسانی، وجدانی و اخلاقی است، مانعی ندارد و حرمت و نهی از نابود کردن نطفه در رحم که منشأ انسان است، به فرض آن‌که شامل مثل مورد سؤال موضوعاً بشود و انصراف از این‌گونه استخراج‌ها که برای استفاده درمانی است نداشته باشد، به حکم اهمیت مسأله استفاده درمانی بی‌اثر خواهد بود و معصیت و گناه نیست، لیکن ناگفته نماند که استفاده مورد سؤال باید با رضایت صاحب نطفه یعنی زوج و صاحب رحم یعنی زوجه باشد و استفاده مورد سؤال در جنین، تصرف و دخالت در حقوق و حدود و شؤون دیگران است که بدون رضایتشان حرام است».^۴

آیت الله شاهرودی: «چنانچه شبیه‌سازی اعضا انسان باشد، به انگیزه درمان اشکالی ندارد».^۵

آیت الله تبریزی: «چنانچه قبل از ولوج روح باشد، مانعی ندارد».^۶

۱. قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

<http://www.makaremshirazi.org/looks/persion/ESTEFTAo2/33.html> (20 Apr 2005)

۲. صادقی، محمود، «هماندسازی انسان از نظر مراجع ادیان آسمانی و بررسی آن از نظر فقه اسلامی»، ص ۸۸

۳. پاسخ به استفتای مؤلف، رجوع شود به پیوست.

۴. قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

<http://www.sistani.org/html/far/menu/4/? Lang=far & view=&& code=119 & page=1> (5 May 2006)

۵. پاسخ به استفتای مؤلف، رجوع شود به پیوست.

۶. صادقی، محمود، «هماندسازی انسان از نظر مراجع ادیان آسمانی و بررسی آن از نظر فقه اسلامی»، ص ۸۸

۳) عدم جواز مطلق در خصوص شبیه‌سازی درمانی

آیت الله صافی گلپایگانی: پاسخ سؤال ۱ و ۲ استفتا را یک جواب داده‌اند و ظاهراً هر دو نوع شبیه‌سازی را از یک سنخ دانسته و چنین حکم کرده‌اند: «شبیه‌سازی حیوان غیر انسان اشکال ندارد، ولی شبیه‌سازی انسان جایز نیست».^۱

۲-۳-۲-۱-۲. بررسی ادله علمای امامیه در خصوص شبیه‌سازی درمانی

۱) جواز مطلق

۲) جواز محدود

ادله‌ای در این دو زمینه ارائه نشده است تا به تحلیل آن‌ها پرداخته شود.

۳) عدم جواز مطلق یا حرمت شبیه‌سازی درمانی:

عدم جواز مطلق یا حرمت شبیه‌سازی درمانی به چهار جهت از سوی فقها ابراز می‌شود:

۱- حکم حرمت نابودسازی رویان از باب قتل

۲- حکم حرمت نابودسازی رویان از باب توسعه در موضوع قتل

۳- حکم حرمت نابودسازی رویان از باب قتل با یک مفهوم مخترع شرعی

۴- حکم حرمت شبیه‌سازی درمانی از باب منع از نابودسازی

۱- حکم حرمت نابودسازی رویان از باب قتل

باید دید، عنوان قتل که به لحاظ شرعی حرام است، در چه سطحی به از بین بردن جنین صدق می‌نماید:

۱- عنوان قتل صرفاً به نابودی جنینی که در آن روح دمیده می‌شود، صادق است.

۲- عنوان قتل افزون بر کشتن جنین ذی‌روح بر از بین بردن جنین دارای اعضا و جوارح قبل از ولوج روح نیز صادق است.

۳- عنوان قتل حتی بر جنین دارای اعضا، حتی به صورت ناقص نیز صدق می‌کند.

۴- قتل حتی بر از بین بردن نطفه استقرار یافته در رحم و لانه‌گزیده در دیواره آن نیز صدق می‌کند.

۱. پاسخ به استفتای مؤلف، رجوع شود به پیوست.

۵- عنوان قتل بر فراتر از نابودسازی نطفه مستقر صادق است و بر نابودسازی نطفه منعقد شده، ولی هنوز استقرار نیافته هم صدق می‌کند. جنین استقرار نیافته، مربوط به مرحله قبل از لانه‌گزینی است که به صورتی رها در رحم وجود دارد.

عمل استخراج توده سلولی از رویان (در صورتی که به از بین رفتن آن منتهی شود) در صورتی قتل به شمار می‌آید که صدق عنوان قتل به از بین بردن نطفه غیر مستقر را بپذیریم؛ در حالی که رویان در شبیه‌سازی درمانی یک جنین هفت روزه است که حکم نطفه غیر مستقر را دارد و هنوز به دیواره رحم نچسبیده است.

۶- عنوان قتل حتی بر نابودسازی نطفه انعقاد نیافته نیز صادق است. نادرستی این فرض روشن است؛ زیرا عرف، نابودی نطفه منعقد نشده را قتل نمی‌داند. از سوی دیگر فقها به عکس این امر، یعنی به جواز ازاله منی نیز حکم کرده‌اند.^۱

پس از نادرست انگاشتن فرض ششم، فرض پنجم باقی می‌ماند که بحث از حرمت نابودی رویان هفت روزه به آن مرتبط است. ابطال این فرض را می‌توان با حدیثی معتبر از امام سجاد (ع) اثبات نمود که در آن حرمت سقط جنین، و لزوم پرداخت دیه، ناظر به مرحله پس از استقرار و لانه‌گزینی آن در رحم است. راوی (سعید بن المسیب) از امام سجاد (ع) درباره مردی می‌پرسد که به زن بارداری با پا ضربه زده و زن آن‌چه را در شکم داشته، به حال مرده انداخته است. امام می‌فرماید: اگر آن‌چه انداخته، نطفه باشد بیست دینار بر عهده اوست. راوی می‌پرسد: حد نطفه چیست؟ امام پاسخ می‌دهد: «هی التی إذا وقعت فی الرحم فاستقرت فیه اربعین یوما»؛ یعنی نطفه آن است که وقتی در رحم واقع شود، چهل روز در آن جا استقرار یابد. بعد امام می‌فرماید: اگر علقه باشد، چهل دینار بر عهده اوست. راوی می‌پرسد: حد علقه چیست؟ امام پاسخ می‌فرماید: «هی التی إذا وقعت فی الرحم فاستقرت فیه ثمانین یوما» یعنی آن است که آن‌گاه که در رحم واقع شود، هشتاد روز در آن جا استقرار یابد. بعد امام می‌فرماید: «اگر مضغه باشد، شصت دینار بر عهده اوست. راوی می‌پرسد: حد مضغه چیست؟ امام می‌فرماید: «هی التی إذا وقعت فی الرحم فاستقرت فیه مائه و عشرين یوما»؛ یعنی آن است که آن‌گاه که در رحم واقع شود، هشتاد روز در آن جا استقرار یابد، بعد می‌فرماید:

۱. مبلغی، احمد، «بررسی فقهی شبیه‌سازی درمانی»، کاوشی نو در فقه اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، ۱۳۸۴، ص ۱۴۱

اگر موجود زنده‌ای باشد، دارای استخوان و گوشت و اعضا و جوارح، که در او روح عقل دمیده شده، دیه کامل بر عهده اوست.^۱ علاوه بر روایت یاد شده، از آیات مختلف قرآن کریم که ناظر به آفرینش انسان هستند، مانند آیه شریفه «ثم جعلناه نطفه فی قرار مکین» نیز استفاده می‌شود که اولین مرحله خلقت انسان، زمانی است که به صورت نطفه در رحم استقرار می‌یابد.^۲ در ضمن اگر شبیه‌سازی درمانی حرام می‌بود، باید دور ریختن جنین‌های آزمایشگاهی حاصل از IVF نیز حرام محسوب می‌شد؛ در حالی که چنین نیست.^۳ ذکر این نکته نیز قابل توجه است که جنین شبیه‌سازی شده و جنینی که به کمک IVF به وجود می‌آید، هر چند بالقوه می‌تواند به انسان کامل تبدیل شود، اما وضع آن با جنینی که به طور معمول از طریق آمیزش جنسی به وجود می‌آید، متفاوت است؛ زیرا اولاً بارداری با IVF یا جنین شبیه‌سازی شده، نیاز به کمک انسان دارد؛ یعنی روند طبی انتقال جنین به رحم زن با کمک انسان صورت می‌گیرد و در غیر این صورت قابلیت تبدیل شدن به انسان را ندارد.

ثانیاً جنینی که از طریق مقاربت جنسی به وجود می‌آید، با زنی که آن را حمل می‌کند، ارتباط فیزیکی مستقیمی دارد؛ در حالی که جنین آزمایشگاهی چنین ارتباطی ندارد.^۴ در ضمن دکتر آشتیانی (رئیس فقید و اسبق مؤسسه رویان جهاد دانشگاهی) اظهار نموده است که برای به دست آوردن سلول‌های بنیادی جنینی، از جنین‌هایی استفاده کرده‌اند که کیفیت انتقال نداشتند و مازاد IVF بودند و رضایت صاحبان آن‌ها نیز جلب شده است.^۵

لازم به ذکر است که معتقدان به حرمت نابودسازی رویان هفت روزه از باب قتل، ممکن است از روایت زیر برای اثبات مدعای خویش استفاده کنند:

در روایت معتبر اسحاق که شیخ صدوق آن را در کتاب «من لا یحضره الفقیه» ذکر می‌کند، از امام پرسش می‌شود آیا زنی که خوف باردار شدن دارد، می‌تواند برای از بین بردن آن‌چه در شکم خود دارد، دارو استفاده کند؟ امام علی (ع) این عمل را تجویز

۱. صادقی، محمود، «هماندسازی انسان از نظر مراجع ادیان آسمانی و بررسی آن از نظر فقه اسلامی»، ص ۸۷ همان.

۲. رحیمی، حبیب الله، «شبیه‌سازی درمانی، رویکردهای اخلاقی، فقهی و حقوقی»، ص ۵۴.

۳. صادقی، محمود، «هماندسازی انسان از نظر مراجع ادیان آسمانی و بررسی آن از نظر فقه اسلامی»، ص ۸۷.

۴. قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

نمی‌کند. سؤال‌کننده می‌گوید: آن نطفه است! امام پاسخ می‌دهد: اولین چیزی که خلق می‌شود، نطفه است.^۱

پس، از آن‌جا که رویان هفت روزه در حکم نطفه مستقر نشده است و از سوی دیگر در این حدیث، از بین رفتن نطفه مستقر نشده به مثابه قتل می‌باشد، شبیه‌سازی درمانی جایز نیست.

اشکال: با توجه به این‌که در حدیث سخنی از قتل به میان نیامده است، نمی‌توان منع از نابودسازی نطفه غیر مستقر را از باب منع از حیث قتل به شمار آورد؛ به ویژه در روایت به قرینه‌ای بر می‌خوریم که حکایت می‌کند عرف، از بین بردن نطفه را قتل نمی‌دانسته است. قرینه این است: هنگامی که امام (ع) خوردن دارو را حتی در نطفه بسته شده منع می‌کند، سؤال‌کننده با تعجب می‌پرسد: «إنها هو نطفه» اگر واقعا عرف آن زمان به از بین بردن «نطفه در مراحل اولیه منعقد شدن» به چشم قتل نگاه می‌کرد، پیدایش چنین سؤالی در ذهن مخاطب آن هم با تعجب، توجیه‌پذیر نبود.^۲

پس، از این روایت نمی‌توان برای اثبات فرض پنجم استفاده کرد.

۲- حکم حرمت نابود سازی رویان از باب توسعه در موضوع قتل

برای این نظر به روایتی اشاره می‌شود که به «توسعه تعبدی در موضوع قتل» پرداخته است. این روایت درباره زنی است که به منظور سقط جنین خود دارویی را استعمال کرده است. امام در پاسخ، فروضی از جنین را که هنوز ولوج روح نیافته، مطرح می‌سازد و برای هر یک دیه‌ای خاص تعیین می‌کند. سپس در جواب این پرسش که «فهی لا ترث من ولدها من وقیه» آیا این زن از فرزند خود (جنینی که سقط کرده) ارث می‌برد؟ می‌فرماید: «لا لانها قتلتها؛ نه، زیرا وی او را کشته است». در این روایت تعبیر قتل به کار رفته است.^۳

همان‌طور که در ادله مربوط به حرمت نابود سازی رویان هفت روزه از باب قتل آورده شد، عنوان قتل تنها پس از مرحله استقرار و مرحله لانه‌گزینی آن در رحم است. پس این دیدگاه نیز مردود خواهد بود.

۱. مبلغی، احمد، «بررسی فقهی شبیه‌سازی درمانی»، ص ۱۴۲

۲. همان، ص ۱۴۳

۳. همان، ص ۱۴۴

۳- حرمت نابود سازی رویان از باب قتل با یک مفهوم مخترع شرعی

مقصود این است که شارع برای قتل، یک مفهوم ویژه اختراعی با گستره‌ای فراخ در نظر دارد که فراتر از قتل جنین ذی‌روح است و جنین غیر ذی‌روح و حتی بالاتر نطفه منعقد را هم دربرگیرد. تفاوت میان «وجود مفهوم اختراعی شرعی برای قتل» با «توسعه تعبدی قتل» نیز روشن است. دومی مفهوم عرفی قتل و مرجعیت عرف برای تعیین مفهوم این واژه را نفی نمی‌کند و تنها در موردی خاص دست به توسعه می‌زند و از باب تعبد، احکام موضوع قتل یا پاره‌ای از آن احکام را در آن مورد جاری می‌داند؛ در حالی که اگر به ثبوت مفهوم اختراعی شرعی قائل شویم، به آن معناست که شارع به صورت کلی و برای همه موارد (و نه فقط برای موردی خاص) مفهوم عرفی را کنار می‌گذارد و مفهومی اختراعی را جایگزین آن می‌کند. این فرض مردود است؛ زیرا بعید می‌نماید که شارع مفهوم ویژه‌ای برای قتل ارائه کرده باشد و اصل عدم عدول از مفهوم عرفی را کنار گذاشته باشد.^۱ البته عدول احتیاج به دلیل دارد. استدلالی که ارائه می‌شود، در این زمینه از دو قرینه استفاده می‌کند:

یکی، تعیین دیه به وسیله شارع برای فروض مختلف نابودسازی جنین قبل از ولوج روح، و دیگری اطلاق عنوان قتل در صحیفه ابی‌عبیده بر جنین غیر ذی‌روح. رد فرضیه اول: هر چند دیه برای آن مشخص شده، اما تعیین دیه هیچ ملازمه‌ای با حصول قتل ندارد.^۲ در ضمن روایاتی که در این زمینه هستند، بر وجوب پرداخت دیه دلالت دارند، ولی به دلالت التزامی، حرمت سقط جنین را به اثبات می‌رساند.^۳ از سوی دیگر دیه جنین قبل از ولوج روح، دیه کامل انسان نیست.^۴ پس این مطلب نمی‌تواند قرینه‌ای برای عدول از معنای عرفی قتل از سوی شارع باشد. قرینه دوم هم قابل رد است؛ به جهت این که اطلاق عنوان قتل به آن مورد، ممکن است از باب امری دیگر باشد نه قتل. برای اثبات مفهوم اختراعی نیاز به استدلال‌های بیشتری است.^۵

۱. مبلغی، احمد، «بررسی فقهی شبیه‌سازی درمانی» ص ۱۴۵

۲. همان، ص ۱۴۶

۳. رحیمی، حبیب‌الله، «شبیه‌سازی درمانی، رویکردهای اخلاقی، فقهی و حقوقی»، ص ۵۴

۴. مبلغی، احمد، «بررسی فقهی شبیه‌سازی درمانی»، ص ۱۴۶

۵. همان، ص ۱۴۷

۴- حرمت شبیه‌سازی درمانی از باب منع از نابودسازی

بدیهی است که در این باره منعی در نصوص وجود ندارد؛ زیرا موضوع مذکور از موارد مستحدث است. ولی با دو فرض می‌توان موضوع را بررسی نمود:

۱- رویان با نطفه ملحقه در رحم - که از نابودسازی آن در معتبره اسحاق منع شده است - در واقع یک موضوعند؛ در این صورت، منع از نابودسازی نطفه ملحقه در رحم به رویان هم سرایت می‌کند.^۱ این فرض قطعاً نادرست است؛ زیرا همان‌طور که در مطالب قبلی اشاره شد، این دو با هم تفاوت‌هایی دارند.

۲- این دو، دو موضوع دارای اختلاف نسبت به هم هستند، ولی مناط واحدی، در منع از هر دو وجود دارد؛ یعنی این موضوعات از جهت مناط واحد برای حکم منع دارای شباهت هستند.

دو مناط را می‌توان در روایت معتبره اسحاق در نظر گرفت:

۱- «صلاحیت داشتن برای انسان شدن»؛ اگر این مناط اثبات شود، از بین رفتن رویان هم غیرمجاز خواهد بود. البته اثبات آن امکان‌پذیر نیست؛ زیرا در مورد روایت نمی‌توان الغای خصوصیت کرد و یکی از این خصوصیات، بودن در رحم است.^۲

۲- «شروع شدن حرکت در آن به سمت تبدیل شدن به انسان»؛ در این‌جا هم نمی‌توان الغای خصوصیت کرد؛ یعنی جنین باید در رحم باشد تا اگر به حال خود رها شود، بتواند به رشد خود ادامه دهد. در حالی‌که در مورد رویان هفت روزه چنین نیست؛ زیرا اگر رها شود، از بین خواهد رفت و برای ادامه حیات خود، نیاز به عملیات طبی دارد.^۳

۲-۲-۳. شبیه‌سازی مولد در فقه امامیه

در این بخش، به توضیح دیدگاه علمای امامیه درباره شبیه‌سازی مولد می‌پردازیم. سپس ادله آنان را بررسی می‌کنیم:

۱. مبلغی، احمد، «بررسی فقهی شبیه‌سازی درمانی»، ص ۱۴۸

۲. همان، صص ۱۴۸-۱۴۹

۳. همان، ص ۱۴۹؛ صادقی، محمود، «همانندسازی انسان از نظر مراجع ادیان آسمانی و بررسی آن از نظر فقه اسلامی»، ص ۸۷

۲-۳-۲-۱. دیدگاه علمای امامیه در خصوص شبیه‌سازی مولد

- دیدگاه علمای امامیه در خصوص شبیه‌سازی مولد حیوان

مراجع تقلید در پاسخ به استفتایی مبنی بر حکم شرعی شبیه‌سازی حیوان زنده توسط تکثیر سلول‌های وی فتوای جواز صادر کردند. متن این استفتا و پاسخ مراجع معظم تقلید بدین شرح است:

سؤال: آیا مشابه‌سازی حیوان زنده توسط تکثیر سلول‌های وی جایز است؟

آیت الله محمد تقی بهجت: ظاهراً اشکالی به نظر نمی‌رسد.

آیت الله سید علی خامنه‌ای: این کار فی نفسه اشکال ندارد.

آیت الله سید علی سیستانی: مانعی ندارد.

آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی: اگر مستلزم خلاف شرع نباشد، به نفسه اشکال ندارد و الله العالم.

آیت الله محمد فاضل لنکرانی: دلیلی بر حرمت این عمل بر حسب عنوان اولی به نظر نرسیده است، گرچه بر حسب عناوین ثانویه اشکال دارد.

آیت الله ناصر مکارم شیرازی: این کار در مورد حیوانات اشکالی ندارد، ولی در مورد انسان جایز نیست.

آیت الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی: دلیل قانع کننده‌ای به جهت چنین تحقیقات و آزمایش‌هایی وجود ندارد.

آیت الله حسین نوری همدانی: در غیر انسان جایز است.^۱

آیت الله صانعی: جایز است و منعی ندارد.^۲

آیت الله شاهرودی: در مورد حیوان از نظر شرعی اشکالی ندارد.^۳

۱. قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

<http://sharifnews.ir/print.php?11581> (25 Sep 2006)

۲. قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

<http://www.sistani.org/html/far/menn/4/?lang=far&view=d&code=129&page=1> (29 May 2006)

۳. پاسخ به استفتای مؤلف، رجوع شود به پیوست.

– دیدگاه علمای امامیه در خصوص شبیه‌سازی مولد انسان

علمای اهل سنت بسیار گسترده به مسأله شبیه‌سازی پرداخته‌اند، اما در میان علمای امامیه، بحث به این گسترده‌گی مطرح نشده است و بسیار محدود به این امر پرداخته شده‌اند؛ اما همین مقدار اندک، بسیار ارزشمندست. این مسأله در سه حوزه مهم شیعی، یعنی قم، نجف و بیروت مطرح شده و علما در این سه حوزه کوشیده‌اند به جوانب مسأله بپردازند. لیکن درباره حکم شبیه‌سازی انسان در میان علمای امامیه اتفاق نظر وجود ندارد و نظرات مختلفی را در این باره ارائه شده است. پس از بررسی این فتواها به ۴ نظریه کلی می‌توان دست یافت:

۱) جواز مطلق در خصوص شبیه‌سازی مولد انسان

برخی از فقها و صاحب‌نظران به دلیل نبود نص روشن که بر حرمت شبیه‌سازی انسانی دلالت کند و هم‌چنین به استناد اصالة اباحه و به استناد قواعد اصالة الحلیه، اصالة البرائة و اصالة الاباحه شبیه‌سازی انسانی را مجاز شمرده‌اند.^۱ پاسخ برخی از آیات عظام درباره شبیه‌سازی مولد انسان به شرح زیر است:

آیت الله سیستانی: اصل این عمل فی حد ذاته حرام نیست، ولی با توجه به مفسد و خطراتی که ممکن است بر آن مترتب شود، ولی امر می‌تواند از آن منع کند و در این صورت حرام خواهد شد.^۲

آیت الله موسوی اردبیلی: دلیل قوی بر حرمت تحقیق در این رابطه نداریم.^۳
آیت الله نوری همدانی: تحقق این عمل معلوم نیست که ممکن باشد و در صورت امکان، اگر با موازین اسلامی مخالف نباشد، اشکال ندارد.^۴

آیت الله سید محمد صادق روحانی: صریحاً قائل به جواز آن شده و تبعاتی، از قبیل احتمال ابتلای انسان شبیه‌سازی شده به بیماری‌های جسمی و روانی، به هم

۱. پاشای آهی، احسان و محمد حسن حیدری، مبانی علمی شبیه‌سازی انسان و انتقال ژن، ص ۱۶۹؛ موسوی سبزواری، سیدعلی، الاستسناخ بین التقنیه و التشریع، ص ۱۷۶

۲. قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

<http://www.sistani.org/html/far/menu/4/? lang=far & view=d&cade= 1798 page=1> (29 May 2006)

۳. پاسخ به استفتای مؤلف، رجوع شود به پیوست.

۴. همان

خوردن نظام طبیعی خانواده و حذف شدن نقش پدر، جایگاه نامشخص نوزاد مذکور در خانواده و کاهش تنوع ژنتیک انسان‌ها در درازمدت موجب حرمت آن نمی‌داند؛ زیرا «بعضی از این پیامدها موجب حرمت نمی‌شود و بعضی اگر تمام باشد، مانع تکوینی است نه تشریعی».^۱

علامه فضل الله از روحانیان شیعی لبنان نیز در پاسخ به این سؤال که نظر حضرت‌عالی درباره شبیه‌سازی چیست؟ و هم‌چنین درباره واکنش‌های موافق و مخالف که این عمل را شیطانی و دخالت در کار خداوند سبحان می‌داند چه نظری دارید؟ در کتاب خویش به نام فقه زندگی چنین آورده‌اند: «به نظر ما این اختراع دخالت در کار خداوند نیست؛ زیرا کسانی که اقدام به این کار می‌کنند، راز آفرینش الهی را در عمل زاد و ولد به همان‌گونه‌ای کشف کرده‌اند که راه به قوانین الهی می‌برد. این تجربه، قانون و سنت جدیدی نیافریده است؛ اگر برخی اسرار جسم انسان را کشف کرده و توانسته است پویایی این اسرار و امکان استفاده از آن را در به وجود آمدن نسخه دوم از انسان یا حیوان بشناسد، این مسأله هیچ ضدیتی با مبانی فکر و عقیده دینی ندارد؛ زیرا انسان را در کنار خداوند بر کرسی خالقیت نمی‌نشانند، بلکه این روش سبب می‌شود انسان به قوانین الهی در جهت استفاده از این قوانین دست می‌یابد. اما نتایج ایجابی و سلبی مسأله نیازمند مطالعه و بررسی اخلاقی و حقوقی است. بر اساس این روش، فراوان امکان دارد انسانی به وجود آید که فقط مادر داشته باشد، نه پدر. در آن صورت مسائلی به لحاظ شرعی و قانونی و اخلاقی قابل طرح است که باید پاسخ گفته شود. طبیعی است که در این امور نمی‌توان حکم مستقیم و فراگیر صادر کرد؛ بلکه باید مطالعه درباره این موضوع را پی گرفت. ما در علم، ایمان داریم، زیرا علم اسرار آفرینش را برای ما آشکار می‌کند. زمانی که اسرار هستی را کشف کردیم، سر عظمت خدا را در خواهیم یافت. اما مشکل این جاست که علم گاه جهتی مخالف با مصلحت انسان می‌یابد و گاه موافق با مصلحت انسان. مسأله این است که انسان چگونه می‌تواند از اکتشافات در جهت سازندگی و نه ویران‌گری استفاده کند».^۲ از آن‌چه در مورد نظر

۱. صادقی، محمود، «هماندسازی انسان از نظر مراجع ادیان آسمانی و بررسی آن از نظر فقه اسلامی»، ص ۷۹

۲. احمد، احمد و عادل قاضی، فقه زندگی «گفتگوهای با آیت الله العظمی سید محمد حسین فضل الله»، ترجمه مجید مرادی، قم، دار الملک، ۱۳۸۰، صص ۱۵۹-۱۶۰

علامه فضل الله آورده شد، می‌توان نتیجه گرفت که ایشان نیز توافق کامل خود را با شبیه‌سازی اعلام نموده‌اند.

آیت الله سید محمد سعید حکیم بر این نظر است که شبیه‌سازی انسانی مباح است و دلیلی بر حرمت آن نیست. وی در پاسخ به استفتایی نظر خود را در این باره به تفصیل بیان می‌دارد. از این منظر شبیه‌سازی انسانی نوعی به‌کارگیری سنت‌ها و قوانین الهی است که کشف و کاربست آن‌ها، بیان‌گر قدرت عظیم خداوند است؛ در نتیجه، این کار در صورتی که با عمل حرام دیگری همراه نشود، مجاز و مباح است. وی نه تنها این کار را مجاز می‌شمارد؛ بلکه یکایک ادله‌ای را که بر ضد شبیه‌سازی انسانی اقامه شده است، به نقد می‌کشد و آن‌ها را برای اثبات حرمت، ناکافی می‌داند.^۱

آقای موسوی سبزواری نیز به تحلیل حکم شرعی مسأله پرداخته و شقوق ممکن در آن را بر شمرده است. از نظر او شبیه‌سازی انسانی منطقاً سه حالت می‌تواند داشته باشد:

یکم: حرمت ذاتی؛ یعنی به دلیل آن‌که این کار دخالت در کار خداوند یا دست‌کاری ژنتیک به شمار می‌رود، آن را ذاتاً حرام بشماریم.

دوم: حرمت تشریعی؛ مانند حرمت زنا و شرب خمر.

سوم: حرمت به استناد به ادله ثانوی؛ از این نظر ممکن است شبیه‌سازی انسانی فی نفسه مباح باشد، اما ادله دیگری موجب تحریم ثانوی آن گردد. وی پس از نقل و نقد این دیدگاه‌ها، نظر می‌دهد که شبیه‌سازی انسانی با قطع نظر از مسائل دیگر مباح است و در حقیقت به‌کارگیری قوانین و سنن الهی به شمار می‌رود که در نهاد موجودات نهاده شده است. از این منظر ادعای تحریم این کار نیازمند دلیل است، حال آن‌که ادعای جواز موافق اصل است و قائل به آن ملزم به ارائه دلیل نیست.^۲

آیت الله سید حسین موسوی تبریزی ضمن تشبیه این عمل به لقاح مصنوعی معتقد است که بشر هیچ‌گاه نمی‌تواند در کار خداوند دخالت کند. همین شبیه‌سازی از فعل و انفعالاتی است که بر روی سلول‌های بدن انسان صورت می‌گیرد. سلول‌ها هم که آفریده خداوند هستند، پس این کار، کار خدا و اراده اوست. البته من اطلاع دقیقی از

۱. اسلامی، سید حسن، «شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه شیعه؛ بررسی چهار دیدگاه»، کاوشی نو در فقه اسلامی،

سال دوازدهم، شماره ۴۴، ۱۳۸۴، ص ۱۱

۲. همان، ص ۱۲

جزئیات عمل دانشمندان ژنتیک ندارم، اما تا جایی که اقدامی خلاف شرع صورت نگیرد، شبیه‌سازی بلا مانع است. اگر در فرآیند شبیه‌سازی ظالمی را زنده کنند، مسلماً قضیه با اشکال مواجه می‌شود. ولی اگر انسان عادل‌ی شبیه‌سازی شد، چگونه می‌توانیم مخالفت کنیم؟ وی هم‌چنین در ادامه می‌گوید: باید دید که همه خاصیت‌های وراثتی در این عمل منتقل می‌شود یا خیر؟ اگر نباشد دیگر هیچ اشکالی ندارد. به هر حال در شرایط عادی هم ویژگی‌های وراثتی جد هفتم به نوه هفتم منتقل می‌شود. در هر صورت پیش از بحث کارشناسی نمی‌توان در این باره نظر قطعی داد.^۱

آیت الله سید محسن تبریزی می‌گوید: تولد این انسان نه تنها دخالت در خلقت نیست، بلکه خداوند به انسان‌ها این اجازه را داده است که در اسرار طبیعت دست به کشف بزنند و از آن به نفع خود استفاده کنند. پس شبیه‌سازی از نظر شرعی اشکالی ندارد.^۲

آیت الله عبا‌یی خراسانی این اقدام را به هیچ وجه مخالف مبانی خلقت و اسلام نمی‌داند؛ زیرا خداوند به تصریح از خلقت حضرت آدم و حوا که بدون پدر و مادر و هم‌چنین حضرت عیسی که بدون پدر متولد شده است، در قرآن سخن به میان آورده است. وی هم‌چنین می‌فرماید: مهم است که این عقل بشری توانسته است چنین چیزی را ایجاد کند؛ عقلانیت نیز از سوی ذات اقدس احدیت به انسان عطا شده است. از طرف دیگر، این قدرت خداوند است که در اثر ترکیب چند موجود، اثری دیگر خلق می‌شود.^۳

آیت الله جناتی معتقد است درباره شبیه‌سازی انسان و هر پدیده نو اشکال شرعی وجود ندارد، مگر آن‌که بر منع آن دلیل معتبر شرعی باشد. ما پس از مراجعه به مبانی و عناصر اصلی استنباط که نخستین آن‌ها کتاب خدا و دومین آن‌ها سنت رسول خدا و اولیای اوست، دلیل قانع‌کننده‌ای بر حرام بودن آن نیافتیم. لذا اصل این کار را مباح و حلال دانستیم. با این وصف، نباید نادیده گرفت که به‌کارگیری آن در دامنه وسیع و گسترده ممکن است برای جامعه پیامدهایی داشته باشد که باید در به دست آوردن حدود آن سعی شود تا به اشکال برخورد نشود. به هر حال، این کار به عقیده من مباح

۱. «شبیه‌سازی انسان، دخالت در کار خداوند نیست؟ نظر برخی از علما»، اعتماد، ۸۱/۱۰/۱۰

۲. همان، ص ۱

۳. همان، ص ۱

و حلال است؛ چون پس از بررسی مبانی شرعی استنباطی، دلیل معتبری بر حرام بودن آن نیافتیم تا بتوانیم آن را مورد اشکال قرار دهیم. همان‌گونه که حرام خدا را نمی‌توان حلال کرد. حلال خدا را هم نمی‌توان حرام کرد. رسول خدا (ص) فرمود: «المحرم حلال الله کالمحلل حرام الله». علاوه بر این، در فقه اجتماعی حکم به حلال کردن هر پدیده‌ای از هر نوع و قسمی، آسان‌تر از حرام دانستن آن است؛ زیرا با اصول اولیه مطابقت دارد.^۱

سید محمد شیرازی نیز در پاسخ به استفتایی که در سال ۱۹۹۶ درباره امکان شبیه‌سازی انسانی از شد، گفت: «الاصل الجواز، الا ان یکون محذور شرعی فی ذلک مثل اختلال النظام».^۲

آیت الله مؤمن طی مقاله‌ای در مجله کاوشی نو در فقه اسلامی شماره ۴۶، یازده دلیل فقهی و غیر فقهی بر ضد شبیه‌سازی انسانی را گزارش، تحلیل و نقد می‌کنند و نشان می‌دهند که برخی از این ادله نادرست است و برخی به فرض صحت، موجب حرمت گونه‌های خاصی از شبیه‌سازی انسانی می‌شود و سرانجام نتیجه می‌گیرد که اقدام به شبیه‌سازی انسانی به حسب قاعده «کل شیء حلال»، و اصل «برائت» که اصل مسلم شرعی است، باید جایز باشد و از این جهت دلیل حرمت ندارد؛ هر چند هنگام انجام آن باید دیگر مسائل شرعی مانند نظر به اجنبی و لمس رعایت گردد.^۳

آیت الله بجنوردی می‌گوید: با توجه به قاعده «اصاله الحل در شبهات حکمیه»، شبیه‌سازی، علی الظاهر، اشکالی ندارد، زیرا همه چیز در اسلام حلال است، مگر در مواردی که قانون‌گذار بخواهد مسأله‌ای را به طور خاص، حرام اعلام کند. هیچ عنوانی در شریعت مبنی بر حرام بودن شبیه‌سازی وجود ندارد.^۴

اینک پس از آوردن نظرات مراجع عظام و اندیشمندان بزرگ شیعی، نظر اندیشمند بزرگ و گرانمایه انقلاب اسلامی **شهید مرتضی مطهری** آورده می‌شود که جای تأمل بسیار دارد؛ زیرا این سخنان در واقع، پاسخ اوست به نگران‌هایی درباره منشأ خلقت انسان. این پاسخ برگرفته از جلسات بحث و انتقاد پیرامون مسأله «معاد» در انجمن

۱. گفت‌وگو با حضرت آیت الله جناتی، کاوشی نو در فقه اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، ۱۳۸۴، ص ۱۶

۲. اسلامی، سید حسن، «شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه شیعه: بررسی چهار دیدگاه»، ص ۱۲

۳. گفت‌وگو با حضرت آیت الله مؤمن، سال دوازدهم، شماره ۴۶، ۱۳۸۴، ص ۱۲

۴. قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

اسلامی پزشکان است که تاریخ آن به سال ۱۳۵۰ شمسی باز می‌گردد، یعنی بیش از ۴۰ سال پیش!

«شما تمام نگرانی‌تان از این است که نکنند روزی یک موجود زنده و بخصوص انسان را بسازند. من نمی‌فهمم این نگرانی چه نگرانی‌ای است؟ اگر انسان‌ها انسان را ساختند یا گیاه را ساختند، آن وقت مگر انسان‌ها گیاه را خلق کرده‌اند؟ این عالم قانونی دارد که از آن تخلف نمی‌کند؛ یعنی اگر آن مجموع شرایط مادی برای پیدایش یک گیاه به وجود آید، یا اگر مجموع شرایط برای این که یک کودک متولد شود به وجود بیاید (به هر وسیله به وجود بیاید، می‌خواهد عوامل طبیعت آن را به وجود آورند یا انسان‌ها) محال است که او به وجود نیاید». وی سپس برای فهم و درک بهتر مطلب، مثالی می‌آورد و در ادامه می‌فرماید: «هر چه در این دنیا پیدا شود (چه به دست بشر پیدا شود، چه به دست دیگری)، خارج از قانون خلقت نیست. مگر الان انسان‌ها انسان نمی‌سازند؟ همین الان هم انسان‌ها انسان می‌سازند، الان هم موت و حیات به دست انسان‌هاست، یعنی اگر زن و شوهر دلشان بخواهد بچه به وجود بیاید، به وجود می‌آید، اگر دلشان بخواهد به وجود نیاید، به وجود نمی‌آید. پس بگوییم این‌ها در کار خدا دخالت کرده‌اند؟

حرف کلیسا راجع به مسأله جنین بسیار حرف غلطی است که می‌گویند اگر کسی بخواهد بچه متولد نشود و جلوگیری کند، در کار خدا مداخله کرده است. همیشه مردم در کار خدا به این معنا مداخله می‌کنند. آن کشاورزی هم که کشاورزی می‌کند، در کار خدا مداخله می‌کند. قرآن می‌فرماید: «أفرأیتُم ما تحرثون أنتم تزرعونه أم نحن الزارعون»^۱. در همان کار کشاورزی، قرآن چیزی را از آن کشاورز می‌داند و چیزی را - که از او نیست و از دستگاه خلقت است - از آن خودش می‌داند. کشاورز کار خودش را انجام می‌دهد، یعنی زمینه را مساعد می‌کند؛ اما این عالم خلقت است که آن را ایجاد می‌کند نه کشاورز. من برای همیشه به شما قول می‌دهم که برای هزارها سال دیگر هم بشر قادر نخواهد شد که به کلی خارج از قانون خلقت موجودی را ایجاد کند، مثلاً انسانی ایجاد کند که هیچ ارتباطی با عالم خلقت نداشته باشد. علم انسان هر چه پیش برود، از همان قانون موجود خلقت استفاده می‌کند. کدام قانون را بشر در عالم خلق

کرده است؟ بنابراین، مسأله روح هیچ وقت با این حرف‌ها باطل نمی‌شود. مثلاً اگر روزی بشر قادر شود انسان بسازد و فرض کنیم واقعاً از نطفه هم نسازد؛ بلکه سلولی مثل سلول مرد را از ماده دیگری بسازد و خارج رحم پرورش دهد و یک انسان تمام بسازد، این مسأله ارتباطی به بطلان روح ندارد. در مسأله روح، بحث این است که آیا همه ابعاد وجود انسان همین ابعاد محسوس است یا یک بعد وجودی دیگری هم دارد که وقتی شرایط آن به وجود آمد، آن هم به وجود می‌آید. همین طور که اگر شرایطی به وجود آید، این ابعاد وجودی‌اش به وجود می‌آید.^۱

از آن‌جا که یکی از ادله حرمت، شبیه‌سازی انسانی از سوی بعضی از فقهاء، تغییر خلقت خداوند است و با توجه به مباحث فوق‌الذکر، می‌توان به این نتیجه رسید که شهید مطهری نیز هم‌چون سایر فقهای امامیه که بر جواز مطلق شبیه‌سازی مولد انسان فتوا داده‌اند، به جواز آن فتوا داده بوده است. بدون شک حضور اندیشمندی چون وی در عرصه کنونی فقه و فقهات، می‌توانست به وضوح بیشتر ابعاد مختلف مسأله، کمک فراوانی بنماید.

از آن‌چه گفته شد، این نتیجه به دست می‌آید که از نظر بسیاری از عالمان امامیه، شبیه‌سازی انسانی طبق اصل اولی و در صورتی که با عمل محرم دیگری همراه نباشد، جایز است.

۲) جواز مشروط در خصوص شبیه‌سازی مولد انسان

برخی بر اساس نصوص موجود و به استناد اصل اولی در این مورد، شبیه‌سازی انسانی را مجاز شمرده‌اند، اما بر این نظرند که انجام گسترده شبیه‌سازی انسان مشکلاتی را فراهم می‌آورد؛ مانند وجود افراد همانند، و دشواری بازشناسی آنان از یکدیگر؛ در نتیجه، آنان حکم به جواز موردی و فردی داده‌اند و آن را در سطح کلان، غیرمجاز شمرده‌اند.

آقای جواهری این نظر را پیش کشیده‌اند که شبیه‌سازی فی نفسه و به عنوان اولی، اشکال ندارد، به شرط آن‌که همراه با عمل حرام دیگری نباشد؛ اما اگر این کار در سطح وسیعی صورت گیرد و بر اثر تشابه تام موجب اختلال نظام گردد، حرام خواهد بود. با

این همه، به نظر وی این کار در سطح فردی، اشکالی ندارد و برای قول به حرمت مطلق وجهی نیست. وی نه تنها این کار را در سطح فردی مجاز می‌شمارد، بلکه ادعای حرام بودن آن را حرام می‌داند؛ یعنی کسی حق ندارد، امری مشروع را حرام بشمارد و بی‌دلیل، فتوا به حرمت آن دهد؛ زیرا این کار، نوعی تشریع خلاف شرع و مشمول این نهی خداوند است که در سوره نحل، آیه ۱۱۶ می‌فرماید: «و لا تقولوا لما تصف السنتکم الکذب هذا حلال و هذا حرام ...». در نتیجه، از نظر وی، هر چند این کار حلال است، اما ولی فقیه می‌تواند آن را بنا به مصالحی، و به عنوان حکم حکومتی حرام اعلام کند. در این صورت، این حرمت موقت و قابل رفع است. وی آن‌گاه به این پرسش که آیا شبیه‌سازی نقض کرامت انسان نیست؟ پاسخ می‌دهد: «کرامت خدادادی همان قدرت تعقل و رشد و طی مدارج کمال است و این کار نقض کرامت به شمار نمی‌رود. هم-چنین در پاسخ این پرسش که آیا منع شبیه‌سازی انسانی به معنای منع حق انتخاب افراد و نحوه تولیدمثل نیست؟ می‌گوید: اگر شبیه‌سازی را به طور مطلق منع کنیم، این کار مانع حق انتخاب افراد خواهد بود؛ اما منع فی‌الجمله و محدود آن، برای افرادی خاص، مانع اصل حق انتخاب در نحوه تولیدمثل نمی‌گردد». بنابراین، دیدگاه دوم آن است که شبیه‌سازی انسانی در سطح محدود، مجاز است و در سطح کلان می‌تواند حرام باشد.^۱

۳) حرمت ثانوی در خصوص شبیه‌سازی مولد انسان

برخی از عالمان و فقهای امامیه بر این باورند که شبیه‌سازی انسانی فی نفسه و به عنوان اولی خود اشکالی ندارد و به استناد اصله الاباحه، جایز است؛ لیکن انجام آن به مفاسدی اجتناب‌ناپذیر خواهد انجامید. از این رو، برای پیش‌گیری از مفاسد، شبیه‌سازی انسانی به عنوان ثانوی حرام به شمار می‌رود.

آیات عظام سید کاظم حائری، سید صادق شیرازی، مکارم شیرازی، یوسف صانعی، بیات، فاضل لنکرانی و صادق روحانی^۲ از این نظر حمایت کرده‌اند.

آیت الله سید کاظم حائری درباره شبیه‌سازی انسانی بر این نظر است که نفس این کار اگر موفقیت‌آمیز باشد و با عمل حرامی همراه نگردد، به عنوان اولی جایز است،

۱. اسلامی، سید حسن، «شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه شیعه: بررسی چهاردیدگاه»، صص ۱۳-۱۴.

۲. «الاستنساخ البشري»، ۲۰۰۸، يمكن الحصول على هذه المقالة في الموقع الإلكتروني:

لیکن از آیه شریف: «و من آیاته ... اختلاف الستکم و الوانکم»، در می‌یابیم که حکمت خداوند برای حفظ نظام بر اختلاف زبان‌ها و رنگ‌ها جریان یافته است و از آن‌جا که «این شبیه‌سازی در صورتی که به شکلی وسیع به کار گرفته شود - به دلیل عدم امکان بازشناسی خریدار از فروشنده، خواهان از خواننده در شهود، ستمگر از ستمدیده و مانند آن در عقود، ایقاعات، جنایات و غیره - حتماً به اختلال نظام می‌انجامد. پس، لازم می‌آید که به سبب این ملازمه باطل، شبیه‌سازی انسانی در سطح وسیع تحریم شود».^۱ با توجه به قیود آورده شده در این سخن، یعنی «به عنوان اولی جایز است» و «در سطح وسیع» می‌توان چنین استدلال نمود که این نظر به نظر دوم شبیه است؛ یعنی او هم‌چون آقای جواهری شبیه‌سازی را در سطح محدود مجاز می‌داند و آن را در سطح وسیع منع می‌نماید. در این صورت، دیدگاه وی به دیدگاه قبلی ملحق خواهد شد. لیکن از آن جهت که صراحتی در کلام او درباره جواز در سطح فردی وجود ندارد، این نظر را می‌توان ملحق به نظر سوم دانست. از سوی دیگر، فتوای دیگر هم از وی در دست است که در آن نظر متفاوتی را مطرح نموده است: «اگر شبیه‌سازی به اختلال در نظام اجتماعی مانند عدم تشخیص ستمگر از ستمدیده و محرم از نامحرم و وارث از غیر وارث و غیر آن بینجامد، شبیه‌سازی حرام می‌گردد و این است معنای در معرض تهدید قرار گرفتن حقوق انسان یا زیان دیدن مصالح فرد و جامعه. اما شبیه‌سازی به شکلی نادر که به مفاسدی از این قبیل نینجامد، حرام نیست و توجیهی برای منع آن وجود ندارد».^۲ به هر صورت، اگر این نظر پذیرفته شود، نظر وی جزو گروه دوم خواهد بود، اما اگر سخن اول را بپذیریم، نظر او جزو دسته سوم خواهد بود.

آیت الله سید صادق شیرازی نیز در پاسخ به استفتایی درباره مشروعیت این کار می‌فرماید که شبیه‌سازی فی نفسه کشفی علمی و مجاز است؛ لیکن از آن‌جا که مستلزم امور غیر جایزی مانند اختلال نظام طبیعی و وجود محذور شرعی است، عدم جواز به آن سرایت می‌کند و حرام می‌گردد. در نتیجه فعلاً و در چارچوب شرایط معاصر، جایز نیست و الله العالم.^۳

۱. اسلامی، سید حسن، «شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه شیعه؛ بررسی چهاردیدگاه»، ص ۱۵

۲. همان، ص ۱۶

۳. همان، ص ۱۷

آیت الله مکارم شیرازی برای حکم شرعی مسأله سه جهت را قابل بررسی می‌داند: «۱- از نظر لوازم و عوارض، این کار مسلماً مستلزم نظر و لمس حرام است، مگر کسی که این کار را می‌کند شوهر زن باشد که این، فرض نادری است.

۲- عنوان اولی: اصل اباحه است، چون آیه، روایت، اجماع و دلیل عقلی بر حرمت «شبیه‌سازی» نداریم و این مسأله از مسائل مستحدث است.

۳- عنوان ثانوی: این عمل از نظر مسائل اخلاقی، حقوقی و اجتماعی، جوانب مختلفی دارد.»^۱

در ادامه وی تحت عنوان مسائل اخلاقی، مواردی هم‌چون متلاشی شدن نظام خانوادگی، بر چیده شدن مسأله نکاح و ازدواج و باردار شدن زنان بی‌شوهر را آورده و در ذیل مباحث حقوقی، فرد شبیه‌سازی شده را فاقد نسب دانسته است. در ذیل مباحث و مسائل اجتماعی نیز شبیه‌سازی را با روح آیه «و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا» سازگار ندانسته است؛ بلکه آن را مختل‌کننده ارکان جامعه شمرده، فرموده است شبیه‌سازی، تنوع اجتماعی را از بین می‌برد. در پاسخ به این سؤال که شبیه‌سازی می‌تواند فواید بسیاری داشته باشد مانند به وجود آوردن نوابع، پاسخ می‌دهد که «اولاً آیا شبیه نابغه هم نابغه خواهد شد؟ این امر معلوم نیست، چون کسی ندیده و نمی‌داند. ثانیاً بر فرض که بتوان نوابعی به وجود آورد، اما معلوم نیست که نوابع هم اگر در جامعه‌ای زیاد شوند، جامعه خوشبخت شود، چون ممکن است سبب جنگ نوابع گردد. ثالثاً اگر این راه باز شود، ممکن است جانیان بزرگ جوامع بشری افرادی مانند هیتلرها و حجاج‌ها که در هر زمانی یافت می‌شود، را هم شبیه‌سازی کنند؛ لذا بهتر است کار روی حسابی باشد که نظام آفرینش دارد. پس این که گمان شود شبیه‌سازی فوایدی دارد، در کنار آن ضررهای زیادی هم دارد که قابل کنترل نخواهد بود. پس، از نظر عناوین ثانویه این کار برای جامعه بشری خطرناک است، لذا تمام اقوام و ملل جهان آن را خلاف مسائل اخلاقی می‌دانند و حتی بسیاری از دولت‌ها با تصویب قانون، این کار را ممنوع دانسته‌اند.»^۲

۱. علیان نژاد، ابوالقاسم، «دیدگاه فقهی آیت الله مکارم شیرازی درباره دو مسأله شبیه‌سازی و راه‌های فرار از ربا»، پژوهش و حوزه، سال دوم، شماره ۶، ۱۳۸۰، ص ۲۵
 ۲. همان، صص ۲۵-۲۶

آیت الله صانعی در بعضی از منابع تنها به این مطلب اشاره کرده است که «شبیه‌سازی انسان حرام است» و چندان مشخص نیست که وی به حرمت اولی معتقد است یا حرمت ثانوی. در بخش استفتائات پزشکی خود نیز به این مطلب اشاره نکرده است. اما ظاهراً در منبع دیگری اذعان نموده است که «اگر شبیه‌سازی انسان جنبه رسمی پیدا کند، قطعاً با شرع و فقه اسلامی نمی‌سازد و حرام است». وی این شیوه را به دلیل مفاسد حقوقی، اجتماعی، اخلاقی و تکوینی ناشی از آن، از مفاسد عظیم دانسته است که دفعش واجب و حرام است.^۱ از این جملات می‌توان به راحتی به این نتیجه رسید که آیت الله صانعی نیز به حرمت ثانوی شبیه‌سازی مولد انسان اعتقاد دارد. البته وی در فتوای دیگری با تأکید بر مشکلات این کار و مخالفت با آن، شبیه‌سازی انسانی را در موارد نادر و ضرورت‌های شدید که نافع برای بشریت باشد، مجاز شمرده است.^۲

آیت الله بیات پس از طرح مسائلی در این باره می‌فرماید: «اگر از پوست زن نطفه بگیرند و در رحم همان زن قرار دهند، در صورتی که از مقدمات حرام استفاده نکنند، دلیلی بر حرمت آن وجود ندارد و بچه به مادر ملحق می‌شود و متعلق به مادر است. منتهی موضوع مهمی که در این جا باید به آن اشاره کرد و مورد بحث قرار داد، نتایج زیان‌بار اجتماعی عادی کردن این امر در جامعه است، چون متداول شدن این امر برخلاف شرع مقدس و اخلاق است؛ زیرا نتیجه این امر بر هم خوردن نظام و سنت خداوند و رسول اوست که همان ازدواج است. شبیه‌سازی از این نظر مطمئناً ضایعات و تبعات زیان‌باری را به دنبال خواهد داشت و ترویج این نوع اعمال غیراصولی و خلاف فطرت به هر عنوانی که باشد، پایه و مبنای میراث خانواده و اخلاق و کانون مادری و ارزش‌های انسانی و اساس تعلیم و تربیت را متزلزل خواهد کرد. اگر انسان شبیه‌سازی شده از مصادیق تلقیح نباشد، به طور مثال اخذ نطفه و قرار دادن آن در محیط کاملاً مصنوعی صورت پذیرد و یا از طریق گرفتن نطفه از پوست زن یا مرد انجام شود و با عملیاتی آن را در رحم زن یا شبه رحم جای داده، پرورش دهند، در صورتی که در رحم باشد، صاحب رحم مادر محسوب می‌شود و کودک پدر ندارد و در صورت دیگر، بی‌پدر و بی‌مادر محسوب می‌شود و از نظر شرعی مورد بغض اسلام

۱. قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

<http://farhangestan.persianblog.com/1381-10-14-farhangestan-archive.html> (18 Oct 2006)

۲. اسلامی، سید حسن، «شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه شیعه؛ بررسی چهاردیدگاه»، ص ۲۱

است و اقدام به آن مغایر با سنت ادیان الهی و توحیدی است. در نهایت، اگر اقدام‌کنندگان به این عمل، مسلمانان باشند، طبق قانون اسلام و اگر از پیروان دیگر ادیان باشند، مطابق مقررات همان دین، مستحق کیفر هستند.^۱

آیت الله فاضل لنکرانی می‌فرماید به عنوان اولی اشکال ندارد؛ لکن اگر مفاسدی بر آن مترتب شود، به عنوان ثانوی جایز نیست.^۲

بدین ترتیب، سومین دیدگاه در میان علمای امامیه، شبیه‌سازی را به عنوان اولی حلال و به عنوان ثانوی حرام می‌شمارد.

۴) حرمت مطلق در خصوص شبیه‌سازی مولد انسان

در برابر سه نگرش فوق، دیدگاه چهارمی نیز مطرح شده است که قائلان به آن اندک هستند. از قائلان به این نظریه می‌توان به مرحوم محمد تقی جعفری و محمد مهدی شمس الدین، و آیات عظام صافی گلپایگانی، بهجت و تبریزی اشاره کرد.

مرحوم علامه محمد تقی جعفری در پاسخ به طی نظرخواهی یونسکو از وی درباره شبیه‌سازی، آیه ۱۱۹ سوره نسا را که در آن تعبیر «فلیغیرن خلق الله» آمده است، زمینه اولیه برای ممنوعیت شبیه‌سازی دانسته است.^۳ از این امر می‌توان نتیجه گرفت که علامه جعفری بر حرمت اولی شبیه‌سازی تأکید داشته است البته باید توجه کرد که نظرخواهی از ایشان به زمانی بر می‌گردد که ابعاد مسأله شبیه‌سازی کاملاً مشخص نبود. از این رو، اگر وی امروز در جامعه فقهی و حقوقی ما حضور داشت، معلوم نبود که گرایش به کدام یک از این چهار نظریه پیدا می‌کرد.

مرحوم علامه محمد مهدی شمس الدین هم‌زمان با اعلام جواز از سوی علامه فضل الله، حکم به حرمت شبیه‌سازی داده و حتی شبیه‌سازی در حیوان را نیز حرام دانسته است. البته در مورد اخیر، موضع مشخصی را اتخاذ نکرده است و از ادله‌ای که بر حرمت شبیه‌سازی آورده است، می‌توان به عدم تسلط انسان بر جسد خود اشاره کرد. از سوی دیگر، با اشاره به آیه تغییر خلق و عهد شیطان نتیجه می‌گیرد که این آیه دلالت بر حرمت شبیه‌سازی انسانی و گویای عدم تسلط فرد بر جسم خویش است.^۴

۱. «شبیه‌سازی از نگاه اخلاق و شرع در جدیدترین اظهار نظر مراجع»، ایران، ۸۱/۱۰/۲۰.

۲. پاسخ به استفتای مؤلف، رجوع شود به پیوست.

۳. سالاری، حسن، «شبیه‌سازی انسان»، ص ۱۰۲.

۴. اسلامی، سید حسن، «شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه شیعه: بررسی چهار دیدگاه»، صص ۲۳-۲۴.

آیت الله صافی گلپایگانی حکم کرده است که شبیه‌سازی حیوان غیرانسان اشکال ندارد، ولی شبیه‌سازی انسان جایز نیست.^۱

آیت الله بهجت شبیه‌سازی انسان را محل منع و اشکال می‌داند از جهات موضوعی.^۲

آیت الله شاهرودی می‌فرماید مشروعیت ندارد و فعلاً تئوری می‌باشد و از نظر عملی وجود خارجی نیافته است.^۳

آیت الله جواد تبریزی نیز از قائلان به این نظریه است و طی استفتائی که از وی به عمل آمده است، پاسخ می‌دهد: «در همه فروض جایز نیست و الله علم^۴». وی در جای دیگر به تفضیل، نظر و ادله خود را این گونه بیان کرده است: «شبیه‌سازی جایز نیست؛ زیرا تمایز و تفاوت میان ابنای بشر، ضرورتی است برای جوامع انسانی و مقتضای حکمت خدای سبحان است. خدای تعالی می‌فرماید: «و من آیاته خلق السموات و الارض و اختلاف الستکم و الوانکم» و هم چنین می‌فرماید: «و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا»؛ زیرا نظام عالم بر آن متوقف است؛ درحالی‌که شبیه‌سازی انسانی افزون بر آن- که مستلزم محرمات دیگری مانند مباشرت ناهمجنس و نظر بر عورت است، موجب اختلال نظام و هرج و مرج است؛ در نتیجه، در نکاح، امر میان زوجه و زن اجنبی و محرم و نامحرم خلط می‌شود و در همه معاملات امکان بازشناسی میان طرفین وجود نخواهد داشت و نمی‌توان قابل را از موجب شناخت ...».^۵

بدین ترتیب، چهارمین دیدگاه در میان فقهای امامیه، مخالفت با شبیه‌سازی انسانی و تحریم این کار به عنوان اولی آن است. استدلال به آیه تغییر خلق و استناد به اصل عدم مالکیت انسان و جسد خویش، در نتیجه حاکمیت اصالة‌الحظر در برابر اصالة‌الاباحه^۶ به معنای حرمت ذاتی و به عنوان اولی شبیه‌سازی مولد انسان است. از این رو، نمی‌توان این دیدگاه را به دیدگاه سوم شبیه دانست.

۱. پاسخ به استفتای مؤلف، رجوع شود به پیوست.

۲. همان

۳. همان

۴. همان؛ قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

[http://www.balagh.com/woman/ahkam/4xoi5dh.htm-12k\(25Agu2006\)](http://www.balagh.com/woman/ahkam/4xoi5dh.htm-12k(25Agu2006))

۵. اسلامی، سیدحسن، «شبیه‌سازی از دیدگاه شیعه: بررسی چهار دیدگاه»، ص ۲۲

۶. علیان نژاد، ابوالقاسم، «دیدگاه فقهی آیت الله مکارم شیرازی درباره دو مسأله شبیه‌سازی و راه‌های فرار از ربا»، ص ۲۵

۲-۳-۲-۲. بررسی دیدگاه علمای امامیه در خصوص شبیه‌سازی مولد انسان

در این بخش، چهار نظریه فقهای امامیه درباره شبیه‌سازی مولد را بررسی می‌کنیم:

۱) بررسی حکم حرمت مطلق

کسانی که از این دیدگاه پیروی کرده‌اند، ادله‌ای را بر شمرده‌اند که عمده ادله آن شامل موارد زیر است:

دلیل اول: تغییر خلق الله

عده‌ای با استناد به آیه ۱۱۹ سوره نسا، شبیه‌سازی را حرام اعلام نموده‌اند. علامه شمس‌الدین معتقد است که منظور از تغییر خلق خدا در این آیه، هر نوع تغییر یا فعلی است که تشویه غیرمناسب با فطرت را در جسم انسان در پی داشته باشد. خداوند برای اعضای جسم وظایفی تعیین کرده است که تغییر آن‌ها حرام و کفر است.^۱

پاسخ دلیل اول: این سخن به چند دلیل بسیار سست است:

«خلق الله» در آیه اشاره به فطرت الله است؛ یعنی من این‌ها را وسوسه می‌کنم تا فطرت الله را تبدیل به کفر کنند، چون آیه «فطره الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله» که در ذیل آیه فطرت است، آیه «فلیغیرن خلق الله» را تفسیر می‌کند. پس آیه مربوط به توحید و شرک است و ربطی به جراحی و شبیه‌سازی و مانند این‌ها ندارد.^۲

۲- از سوی دیگر، با پذیرش این استدلال، باید از کارهای زیادی که حرام نیست، جلوگیری کرد، مثل جراحی زیبایی، جراحی برای جداسازی انگشت ششم، جدا کردن دوقلوهای به هم چسبیده و ترکیب انواع گیاهان و تولید گیاهان جدید،^۳ که همگی تصرف در خلق الله است و بر این اساس باید حرام باشد، در حالی که هیچ‌کدام حرام نیستند.^۴

۳- خود شبیه‌سازی تغییر در خلقت نیست، بلکه استفاده از خلقت و بهره‌گیری از امکانات موجود در خود انسان است. این دلیل بر عظمت خداست که بشر با پیشرفت

۱. اسلامی، سید حسن، «شبیه‌سازی از دیدگاه شیعه: بررسی چهار دیدگاه»، ص ۲۶

۲. علیان نژاد، ابوالقاسم، «دیدگاه فقهی آیت الله مکارم شیرازی درباره دو مسأله شبیه‌سازی و راه‌های فرار از ربا»، ص ۲۷؛ «شبیه‌سازی تغییر در خلقت نیست»، ۱۳۸۹، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

<http://www.alzanzani.ir/1389/01/30> (8 Nov 2011)

۳. همان، ص ۲۷

۴. تسخیری، محمدعلی، «نگاهی به موضوع شبیه‌سازی انسان به کمک تکنولوژی جدید»، فقه اهل بیت، سال چهاردهم، شماره ۵۲، زمستان ۱۳۸۶، صص ۶۷-۶۹

علوم به رمز و رازهای نهفته در انسان پی برد؛ مثل کشف اتم که کشف بسیار بزرگی است. گرچه بعضی آن را مورد سوء استفاده قرار داده‌اند. باید جلوی سوء استفاده را گرفت، نه اصل قضیه را. پس هیچ دلیل قرآنی و غیر قرآنی بر منع چنین کاری نداریم و مجازاتی هم ندارد.^۱

دلیل دوم: اصاله الحرمه

پاسخ دلیل دوم

این مطلب در واقع همان اعتقاد به اصاله الحظر است که اصل را در همه اشیا حرمت می‌داند؛ ولی اصل در اشیا اباحه است و اگر منظور از این که ملک خدا هستیم، مالکیت تکوینی الهی باشد، در مقابل از سوی خداوند طبق آیه «و خلق لکم ما فی الارض جمیعاً» و احادیث «الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم» و «کل شیء لک حلال» اجازه تصرف داده شده است؛ این تصرف با مالکیت تکوینی الهی منافات ندارد.^۲

دلیل سوم: دلیل عدم مالکیت بر جسد

بدن ما ملک خداست؛ ما اجازه نداریم از آن برداریم و روی آن کار کنیم و در تخمک ماده قرار دهیم، تا در رحم بماند و پرورش پیدا کند و شبیه‌سازی شود.^۳

پاسخ دلیل سوم

اگر این دلیل را مبتنی بر دلیل اول بدانیم، در آن صورت دیگر نیازی به استدلال در رد آن نیست، اما اگر آن را دلیل مستقلی فرض کنیم، به چند صورت می‌توان آن را رد نمود:

۱- این دلیل، دارای ضعف استدلال است؛ زیرا هرگز عدم مالکیت به معنای منع از تصرف نیست. لازم نیست انسان برای این قبیل تصرفات، مالک جسم خود باشد. در عین حال، از این مقدمه منطقی که «ما انسان‌ها حق هرگونه تصرفی در تن خود را نداریم»، منطقی نمی‌توان نتیجه گرفت که «پس حق هیچ‌گونه تصرفی در جسم خود

۱. «شبیه‌سازی تغییر در خلقت نیست»، ۱۳۸۹، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

۲. علیان نژاد، ابوالقاسم، «دیدگاه فقهی آیت الله مکارم شیرازی درباره دو مسأله شبیه‌سازی و راه‌های فرار از

ربا»، صص ۲۷-۲۸

۳. همان، ص ۲۸

نداریم؛ یعنی این نتیجه اعم از مقدمه آن است، در حالی که نتیجه تابع اخس مقدمتین است. علاوه بر این، از این مقدمه، می‌توان تصرف محدود را نیز استنباط نمود.^۱

۲- از سوی دیگر، غالب فقهای امامیه، برخلاف نظر فوق‌الذکر، صراحتاً یا تلویحاً مالکیت انسان بر جسد خویش را پذیرفته‌اند. برخی به استناد این مالکیت نه تنها تصرف انسان در جسد خود، بلکه فروش اعضای تن خویش را که عالی‌ترین شکل مالکیت است، مجاز شمرده‌اند. برای مثال امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله با یک فرض، قطع و فروش عضو بدن را در زمان حیات شخص نیز جایز می‌داند.^۲ وی هم‌چنین بعید نمی‌داند که انسان بتواند در زمان حیات خویش، اعضای تن خود را بفروشد.^۳ آیت الله مکارم شیرازی در مسأله ۲۴۴۴ از رساله توضیح المسائل خود نوشته است: «پیوند قلب، کلیه یا اعضا دیگر جایز است، خواه آن عضو از انسان زنده‌ای گرفته شده باشد یا از میت؛ و خواه آن میت، میت مسلمان باشد یا غیر مسلمان ...»^۴ و در جای دیگر، دریافت پول برای اهدای عضو را بدون اشکال می‌داند، با این احتیاط که دریافت پول برای اقدام به گرفتن عضو باشد، نه خود عضو.^۵

هم‌چنین، آیت الله موسوی اردبیلی در پاسخ به این پرسش که «آیا انسان مالک بدن خود است؟» پاسخ می‌دهد: «به نظر اینجانب، انسان مالک خود و اعضا و اجزای بدن خویش است؛ خواه اعضا و اجزای ظاهری بدن باشد، مانند مو و پوست یا اعضای داخلی مانند خون، کلیه، مغز، قلب و غیره. ولی این مالکیت مانند مالکیت اشیای دیگر مثل پول، باغ، خانه و ... نیست؛ برای مثال نمی‌تواند خود را بکشد یا بفروشد ...»^۶.

بدین ترتیب، از نظر فقهای امامیه معاصر، انسان می‌تواند عضوی از اعضای تن خود را بفروشد. لیکن انسان هنگامی حق فروش چیزی را دارد که مالک آن باشد؛ زیرا فروش، اقدامی مالکانه است و طبق قاعده «لا بیع الا فی ملک» می‌توان مالکیت انسان بر جسد خویش را اثبات کرد.^۷

۱. اسلامی، سید حسن، «شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه شیعه: بررسی چهاردیدگاه»، صص ۳۱-۳۶.

۲. موسوی خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، بیروت، الدار الاسلامیه، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۶۲.

۳. همان، رساله توضیح المسائل، قم، نجات، ۱۴۱۹هـ، ص ۵۶۸.

۴. مکارم شیرازی، ناصر، رساله توضیح المسائل، قم، مدرسه الامام امیرالمؤمنین، بی‌تا، ص ۵۰۲.

۵. همان، ص ۵۰۳.

۶. موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم، استفتانات، قم، نجات، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۴۱۳.

۷. اسلامی، سید حسن، «شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه شیعه: بررسی چهاردیدگاه»، صص ۳۶-۳۷.

۳- لازمه قبول نظر فوق، حرمت انواع تصرفات بدنی، از جمله اهدای خون، کلیه و حتی اموری ساده‌تر است. اگر انسان مالک جسد خود نباشد و اصل در هر مسأله‌ای که حکم آن روشن نیست، حرمت باشد نه اباحه، در آن صورت برای هرگونه تصرفی در تن خود، در حدی که باشد، نیازمند اجازه خاصی هستیم.^۱

دلیل چهارم: تفرقه میان زن و شوهر

دلیل چهارمی که برای حرمت شبیه‌سازی ذکر می‌شود، آیه‌ای است که می‌فرماید: «فیتعلمون منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجته»، «آن‌ها از آن [دو فرشته] چیزهایی می‌آموختند که به وسیله آن میان مرد و همسرش جدایی بیفکنند». ذیل این آیه در تفسیر المیزان آمده است که یهود از آن دو ملک یعنی هاروت و ماروت تنها آن سحری را می‌آموختند که با به کاربردنش و با تأثیری که دارد، بین زن و شوهرها جدایی بیندازند.^۲ از این آیه چنین برداشت می‌کنند که تغییر دادن شکل خانواده، عمل نامشروع و حرامی است. شبیه‌سازی را به جریان هاروت و ماروت از این آیه تشبیه می‌کنند که آن‌ها از طریق مجرمین زن و شوهر جدایی می‌انداختند، شبیه‌سازان نیز میان همسران جدایی می‌افکنند!^۳

پاسخ دلیل چهارم

۱- ظاهر آیه، جداسازی زن و مرد به صورت عملی و واقعی است که به فروپاشی خانواده و زندگی می‌انجامد و آنچه که ذکر شده است، به لحاظ ظهور آیه و حتی اشارات آن، هیچ اساسی ندارد؛ زیرا شبیه‌سازی تکثیر از غیر طریق ترکیب نطفه زن و مرد است و نوعی تکثیر قلمه‌ای است.^۴

۱. اسلامی، سید حسن، «شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه شیعه: بررسی چهاردیدگاه»، ص ۳۹

۲. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دارالعلم، بی‌تا، ج ۲، صص ۳۱-۳۰

۳. احمد، احمد و عادل قاضی، فقه زندگی «گفتگوهای با آیت الله العظمی سید محمد حسین فضل الله»، ص ۱۶۲

۴. همان، ص ۱۶۲

۵. علیان‌نژاد، ابوالقاسم، «دیدگاه فقهی آیت الله مکارم شیرازی درباره دو مسأله شبیه‌سازی و راه‌های فرار از ربا»، ص ۲۸

۲) بررسی حکم حرمت ثانوی در خصوص شبیه‌سازی مولد انسان

غالب مخالفان شبیه‌سازی بر این نظر هستند؛ اما آیت الله مکارم شیرازی به این بحث بیشتر پرداخته است که در این قسمت، ادله وی بررسی می‌شود:

الف - مسائل اخلاقی: دلیل اول وی، طرح پاره‌ای از مسائل اخلاقی است که در مبحث قبل آورده شد.

تحلیل دلیل: اولاً به صرف یک «ممکن است» نمی‌توان به حرمت یک تکنولوژی حکم داد؛ بلکه تا زمانی که عواقب و نتایج آن قطعی نشده باشد، نمی‌توان در مورد حرمت آن از این نظر سخن گفت و اساساً رابطه منطقی میان شبیه‌سازی و اضمحلال خانواده یا ترک ازدواج و غیر ذلک وجود ندارد.^۱

ثانیاً در بحث مقدمات، عالمان اصول پس از طرح مقدماتی نتیجه می‌گیرند که مقدمه حرام، حرام نیست؛ زیرا فاعل حتی پس از انجام مقدمات، که فی‌نفسه مباح هستند، همچنان قدرت فعل یا ترک اصل عمل حرام را دارد. از این رو، حرمت یا کراهت از غایت به مقدمات موصول سرایت نمی‌کند.

در این جا عالمان امامیه با توجه به مبنایی که در مقدمه واجب اتخاذ کرده‌اند، مسأله مقدمه حرام را نیز حل می‌کنند. کسانی که مقدمه واجب را مطلقاً واجب نمی‌دانند، مانند امام خمینی (ره)^۲ و مرحوم محمدرضا مظفر (ره)^۳، طبق این مبنا مقدمه حرام را نیز مطلقاً حرام نمی‌شمارند؛ اما کسانی که به نحوی مقدمه واجب را واجب شمرده‌اند، در مقدمه حرام قائل به تفضیل می‌شوند و می‌گویند مقدمات دو گونه هستند: برخی از مقدمات وجودشان علت تامه برای ایجاد ذی‌المقدمه است و با بودن آن‌ها به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر ذی‌المقدمه محقق می‌گردد که به این قبیل مقدمات، مقدمات تولیدی گفته می‌شود و برخی مقدمات، شرط لازم ذی‌المقدمه هستند، ولی شرط کافی به شمار نمی‌روند. قائلان به حرمت مقدمه حرام مانند مرحوم آخوند، تنها قسم اول از مقدمات

۱. اسلامی، سید حسن، «شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه شیعه: بررسی چهاردیدگاه»، ص ۴۲

۲. سبحانی تبریزی، جعفر، تهذیب الاصول تقریر اباحت الاستاذ الاعظم و العلامه الافخم آیه الله العظمی السید روح الله الموسوی الخمینی، قم، دارالفکر، ۱۳۶۷، ج ۱، صص ۲۲۲-۲۲۳

۳. مظفر، محمدرضا، مبانی استنباط فقه و حقوق، ترجمه عباس زراعت و حمید مسجدسرائی، تهران، ققنوس، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۳۵۶

را حرام می‌شمارند.^۱ حال اگر هم بخواهیم راه احتیاط در پیش بگیریم و قائل به حرمت مقدمه حرام شویم و از این طریق شبیه‌سازی انسانی را تحریم کنیم، تنها در صورتی می‌توانیم چنین کنیم اولاً ثابت کنیم که ترک ازدواج و بارداری زن بی‌شوهر حرام است و ثانیاً شبیه‌سازی انسانی مقدمه‌ای تولیدی و شرط لازم و کافی برای آن عمل حرام است.^۲

ب - مسائل حقوقی: دومین دلیل ایشان نیز طرح پاره‌ای از مسائل حقوقی درباره نسب است که در بخش سوم یعنی آثار، پی‌آمدها و عواقب فقهی و حقوقی شبیه‌سازی مولد و در مبحث وضعیت و رابطه حقوقی طفل شبیه‌سازی شده بررسی خواهد شد.

ج - مسائل اجتماعی: سومین دلیل ایشان ایجاد پاره‌ای از مشکلات اجتماعی از جمله عدم تنوع اجتماعی و وجود افرادی یک‌دست و طبعاً دارای یک خواسته می‌باشد. تحلیل دلیل سوم: ۱- هر آن‌چه در بالا گفته شد، مفروضاتی بیش نیستند و هنوز قطعیتی در مورد آنان برای ما حاصل نشده است.

۲- در شکل‌گیری شخصیت فرد، علاوه بر عوامل ژنتیک، عوامل محیطی نیز مؤثر خواهند بود. پس افراد شبیه‌سازی شده لزوماً شبیه هم نخواهند بود.^۳

۳- این فرض هنگامی صحیح خواهد بود که تنها یک الگو برای شبیه‌سازی ارائه شود.^۴

۴- این فرض در صورتی صحیح خواهد بود که فرد شبیه‌سازی شده بدون فاصله زمانی از نسخه اصلی به وجود آمده باشد. پس اگر فاصله زمانی وجود داشته باشد، تشخیص این دو به راحتی امکان‌پذیر خواهد بود.

۵- هم‌چنان که دوقلوهای یکسان، یعنی دوقلوهایی که از تقسیم یک زیگوت حاصل می‌شوند، تفاوت‌هایی با هم دیگر دارند، فرد شبیه‌سازی شده نیز با نسخه اصلی یا افراد دیگر شبیه‌سازی شده، متفاوت خواهد بود، چون اساساً تشابه مطلق در زیست‌شناسی امکان‌ناپذیر است.^۵

۱. آخوند خراسانی، محمدکاظم، ترجمه و شرح کفایه الاصول، ترجمه محمد مسعود عباسی، قم، دارالفکر، ۱۳۸۶، ج ۱، صص ۳۶۸-۳۶۹

۲. اسلامی، سید حسن، «شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه شیعه: بررسی چهاردیدگاه»، صص ۴۳-۴۵

۳. نورمحمدی، غلامرضا، شبیه‌سازی انسان، پیم‌ها و امیدها، ص ۵۳

۴. اسلامی، سید حسن، «شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه شیعه: بررسی چهاردیدگاه»، ص ۶۲

۵. همان، ص ۶۲

۶- آن‌چه به نظر می‌رسد، این است که شبیه‌سازی نیز هم‌چون روش‌های باروری مصنوعی و IVF رایج نخواهد شد و تولیدمثل جنسی، روند خود را در جوامع انسانی ادامه خواهد داد؛ زیرا با توجه به این‌که هر دو روش در عالم طبیعت وجود دارد و به کار گرفته می‌شود، اما تولیدمثل جنسی به جهت اولویت‌هایی که نسبت به شبیه‌سازی (تولیدمثل غیرجنسی) دارد، از سوی خداوند برای بشر در نظر گرفته شده است و هیچ چیز نمی‌تواند این امر را تغییر دهد.

۷- در ضمن، عمل شبیه‌سازی بسیار پرهزینه خواهد بود و اقدام به آن برای فرزندان شدن در مقایسه با روش‌های دیگر، چندان عاقلانه به نظر نمی‌رسد.

۳) بررسی حکم جواز مشروط در خصوص شبیه‌سازی مولد انسان

همان‌طور که گفته شد، این نگرش با توجه به قواعد اولیه، رأی به جواز می‌دهد، لیکن با توجه به آن‌که اجرای شبیه‌سازی انسانی در سطح کلان، به پیامدهای ناخوشایندی می‌انجامد، این جواز محدود می‌شود. اما این دیدگاه، یک اشکال دارد و آن این است که با تأثیر از ادبیات علمی-تخیلی درباره شبیه‌سازی رأی به محدود کردن آن داده شده است. یعنی از آن جهت شبیه‌سازی را محدود کرده است که موجب اختلال نظام می‌گردد. در حالی‌که اگر واقعیت‌های علمی را بررسی کنیم، متوجه خواهیم شد که موانعی بسیار بر سر راه گسترش شبیه‌سازی و همه‌گیر شدن آن وجود دارد که به تعدادی از آن‌ها پیش از این اشاره شد.^۱

۴) بررسی نظریه جواز مطلق در خصوص شبیه‌سازی مولد انسان

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، مبانی استنباط این حکم بر اساس اصالة اباحه و قاعده «کل شیء لک حلال حتی تعلم انه حرام بعینه فتدعه» شبیه‌سازی را مجاز شمرده‌اند؛ هر چند نمی‌توان به مباحثات ایشان ایرادی وارد کرد. اما به نظر مؤلف، نکته قابل تأمل آن است که نباید به طور مطلق درباره شبیه‌سازی حکم نمود؛ بلکه باید با تدقیق در موارد مختلف آن و با توجه به شرایط هر یک از آن‌ها حکم آن‌ها را مطرح کرد؛ یعنی برای هر یک از مسائل آن حکم ویژه داد. برای مثال، اگر شبیه‌سازی در حلقه روابط زناشویی

۱. اسلامی، سید حسن، «شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه شیعه؛ بررسی چهاردیدگاه»، ص ۶۴

باشد، حکمش با آن‌که زنی مجرد و بدون همسر، اقدام به این کار کند، متفاوت خواهد بود.

بنابراین، به نظر می‌رسد، نظریه افضل در این باره آن است که حکم شبیه‌سازی با توجه به موارد مختلف آن صادر گردد؛ حکم جواز مطلق در این باره چندان مطلوب نیست. از سوی دیگر، حکم جواز مشروط به جهت عدم اختلال نیز به دلیل فوق‌الذکر پذیرفته نیست.

فصل دوم: حکم شبیه‌سازی در حقوق بین‌الملل

منابع حقوق بین‌الملل، طبق مواد مندرج در ماده ۳۸ اساس‌نامه دیوان دادگستری بین‌المللی، اعم از معاهدات (اسناد)، عرف، اصول کلی حقوقی، دکترین و انصاف است. بنابراین، شبیه‌سازی باید در هر یک از این منابع بررسی گردد. لیکن در این قسمت، تنها به بررسی اسناد به طور مبسوط، می‌پردازیم:

۱-۲. اسناد الزام‌آور

اسناد الزام‌آور درباره موضوع شبیه‌سازی به دو گروه الزام‌آور منطقه‌ای و بین‌المللی تقسیم می‌شوند که در ذیل بررسی می‌شود:

۱-۱-۲. اسناد الزام‌آور منطقه‌ای

پروتکل اختیاری کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و شأن انسان در خصوص کاربرد زیست‌شناسی و پزشکی، راجع به منع شبیه‌سازی انسان، مورخ ۱۲ ژانویه ۱۹۹۸ شورای اروپا در ماده نخست مقرر می‌دارد: «هرگونه مداخله که هدف آن ایجاد انسانی باشد که از لحاظ ژنتیک با انسان دیگر، اعم از مرده یا زنده، همسان باشد، ممنوع است» و در تشریح مطلب می‌افزاید: «از نظر این ماده، عبارت انسانی که از لحاظ ژنتیک با انسان دیگر همسان باشد، یعنی انسانی که دارای همان مجموعه ژنتیک هسته‌ای انسان دیگر باشد.» در این ماده، هیچ‌گونه اشاره‌ای به اهداف یا روش‌هایی که شبیه‌سازی برای آن‌ها یا از طریق آن‌ها صورت می‌گیرد، نشده است. تنها ملاک مورد توجه، وجود مجموعه ژن‌های یکسان، در هسته سلولی است. بند ۶ پروتکل نیز می‌گوید: «ابزار شدن انسان‌ها از طریق خلق انسان‌هایی که از لحاظ ژنتیک همگن هستند، مغایر با شأن بشر، متضمن سوءاستفاده از بیولوژی و پزشکی است.» هم‌چنین در بند ۶ این گزارش آمده است که تعیین حدود عبارت «انسان» به عهده دولت‌هاست. بند ۷ گزارش با بیان این‌که منظور پروتکل از «هسته‌ای» تنها ژن‌های هسته‌ای است که تعیین‌کننده هویت فرد هستند، و نه ژن‌های میتوکندری، اعلام می‌کند که عبارت «همان مجموعه ژنتیکی

هسته‌ای» این واقعیت را لحاظ می‌کند که برخی از ژن‌ها حین تکامل ممکن است، دچار تغییرات بدنه‌ای شوند.^۱

پس، از آن‌چه آورده شد، می‌توان نتیجه گرفت که شبیه‌سازی مولد انسان از نظر این سند ممنوع است و در عین حال، این سند هیچ موضعی را در مورد شبیه‌سازی درمانی اتخاذ نکرده است. در دستورالعمل راجع به حمایت قانونی از اختراعات بیوتکنولوژیک که به منظور هماهنگ‌سازی قوانین کشورهای عضو از تاریخ ۶ ژوئیه ۱۹۹۸ در شورای اتحادیه اروپایی تصویب شد، به طور کلی ثبت اختراعاتی که بهره‌برداری از آن‌ها با نظم عمومی یا اخلاقی مغایرت دارد، ممنوع اعلام شد. در بند الف ماده ۶ این دستورالعمل، به طور مشخص، فرآیندهای همانندسازی نفوس انسانی به عنوان یکی از مصادیق مغایر با اخلاق غیرقابل ثبت اعلام شد. تاکنون نیمی از کشورهای عضو اتحادیه اروپایی این دستورالعمل را وارد قوانین داخلی خود کرده‌اند و نیمی از آن‌ها، به علت انتقادات و مخالفت‌هایی که از نظر اخلاقی با ثبت اختراعات بیولوژیک و به ویژه ثبت اجزای بدن انسان وجود دارد، از تصویب آن خودداری کرده‌اند.

۲-۱-۲. اسناد الزام‌آور بین‌المللی^۲

بررسی موضوع شبیه‌سازی در کمیته ششم مجمع عمومی سازمان ملل از جمله فعالیت‌های کمیته ششم در اجلاس پنجاه و ششم مجمع عمومی سازمان ملل متحد بود. بررسی طرح پیشنهادی ارائه شده در این کمیته، به منظور تدوین یک کنوانسیون راجع به ممنوعیت شبیه‌سازی مولد انسان بود. عنوان مزبور به پیشنهاد فرانسه و آلمان در برنامه اجلاس ۵۶ مجمع عمومی گنجانده شد و کمیته ششم نیز آن را در نشست بیست و هفتم خود (۱۹ نوامبر ۲۰۰۹) مورد بررسی قرار داد. در این زمینه، کمیته ششم پیش‌نویس قطعنامه‌ای با عنوان «کنوانسیون بین‌المللی مقابله با شبیه‌سازی مولد انسان» را که از سوی نماینده فرانسه به نمایندگی از برخی کشورها ارائه شده بود، بدون رأی‌گیری تصویب نمود و آن را به مجمع عمومی ارائه کرد. مجمع عمومی نیز با بررسی گزارش کمیته ششم در این زمینه، قطعنامه شماره ۲۶ (A/56/599) (نوامبر ۲۰۰۱)

۱. سعدی، داوود سلمان، الاستساخ بین العلم و الفقه، صص ۳۹۵-۳۹۶

۲. برای مطالعه بیشتر درباره فعالیت‌های سازمان ملل در این باره بنگرید به: ساعد، محمد جعفر، «سیاست جنائی سازمان ملل در قبال شبیه‌سازی انسان»، پژوهش‌های حقوقی، سال ششم، شماره ۱۱، ۱۳۸۶، صص ۳۳۵-۳۷۰.

را به تصویب رساند. در این قطعنامه مجمع عمومی با یادآوری ماده ۱۱ بیانیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر (مصوب ۱۹۹۷ کنفرانس عمومی یونسکو) مبنی بر ممنوعیت انجام فعالیت‌های مغایر با کرامت انسانی (از جمله شبیه‌سازی مولد انسان) و ضرورت همکاری دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، همکاری با یکدیگر را در این زمینه مورد توجه قرار داد و با عنایت به قطعنامه ۲۰۰۱/۷۱ کمیسیون حقوق بشر (۲۵ آوریل ۲۰۰۱) با عنوان «حقوق بشر و زیست اخلاقی» رشد سریع علوم حیاتی و جنبه‌های شگرف آن در بهبودی سلامت انسان‌ها را خاطر نشان ساخت و در ادامه نگرانی خود را از انجام فعالیت‌هایی که خطرات بالقوه‌ای برای تمامیت و کرامت انسان‌ها دارد، مانند تحقیقاتی که با هدف شبیه‌سازی انسان و در نتیجه نقض کرامت انسانی صورت می‌گیرد، ابراز داشت. مجمع عمومی در ادامه تصمیم می‌گیرد تا از ارتکاب چنین حملاتی علیه کرامت انسانی افراد جلوگیری کند. در این راستا تصمیمات چندی نیز اتخاذ می‌نماید؛ از جمله تصمیم به تأسیس کمیته ویژه‌ای مرکب از متخصصان و حقوقدانان برای بررسی ابعاد مختلف مسأله. از سوی دیگر، به دلیل آن‌که اطلاعات اندکی در خصوص این موضوع وجود داشت، در اجلاس کمیته ششم (۲۰۰۱) بحث عمومی راجع به آن صورت نگرفت. نهایتاً به خاطر محدودیت اطلاعات در خصوص موضوع فوق، توافق شد که عنوان موضوع به همان صورتی که از سوی پیشنهادکنندگان آن‌ها مطرح شده است، باقی بماند. از این رو، مجمع عمومی طی قطعنامه ۵۶/۹۳ (۱۲ دسامبر ۲۰۰۲) تصمیم گرفت کمیته ویژه‌ای را به منظور بررسی جزئیات طرح مربوط به کنوانسیون مقابله با شبیه‌سازی مولد انسان تأسیس کند. هم‌چنین مقرر شد این کمیته از ۲۵ فوریه تا اول مارس در نیویورک تشکیل جلسه داده تا جزئیات مربوط به آن را بررسی نماید. هم‌چنین توصیه شد کار در خلال اجلاس ۵۷ مجمع عمومی از ۲۳ تا ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۲ در چارچوب گروه کاری کمیته ششم استمرار یابد. کمیته ویژه، اجلاس کارشناسی را از ۲۵ فوریه تا اول مارس ۲۰۰۲ تشکیل داد. طی این اجلاس اسناد بین‌المللی موجود، شناسایی و فهرستی از مسائلی که باید در کنوانسیون مورد توجه قرار می‌گرفت، تهیه گشت.^۱ این کمیته طرحی را با عنوان «کنوانسیون بین‌المللی منع همانندسازی زایشی

۱. باقرپور اردکانی، عباس، «حقوق بین‌الملل و مسأله‌ای به نام شبیه‌سازی انسان»، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

انسان» تدوین کرد که در تاریخ ۶ نوامبر سال ۲۰۰۳ در کمیته ششم سازمان ملل (کمیته حقوقی) مورد بحث قرار گرفت.^۱ کمیته حقوقی مجمع عمومی سازمان ملل که کلیه ۱۹۱ عضو سازمان ملل در آن نماینده دارند، سرگرم بررسی قطعنامه‌های مختلف است. یکی از این قطعنامه‌ها که آن را کاستکاریکا تنظیم کرده و مورد حمایت آمریکا و شصت کشور دیگر بود، خواستار ممنوعیت کلیه انواع شبیه‌سازی ژنتیک انسان شد و آن را غیراخلاقی و قابل نکوهش دانست. قطعنامه دوم که پیش‌نویس آن را بلژیک تهیه کرده بود، شبیه‌سازی ژنتیک انسان را ممنوع می‌کرد، اما به کشورها اجازه می‌داد رأساً در مورد شبیه‌سازی ژنتیک جنین برای انجام تحقیقات پزشکی تصمیم بگیرند. از این قطعنامه کشورهایمانند چین، آفریقای جنوبی، برزیل و اقلیتی از کشورهای مهم مانند فرانسه، آلمان، بلژیک، انگلیس و ژاپن، حمایت کردند. پس از رأی‌گیری نزدیک در این باره (۸۰ موافق ممنوعیت، در برابر ۷۹ مخالف ممنوعیت)، و به تأخیر انداختن تصمیم‌گیری در مورد این مسأله، توسط ایران، به نام سازمان کشورهای اسلامی که شامل ۵۷ کشور است پیشنهاد داده شد. از لحاظ اخلاقی، تصمیم به تأخیر انداختن تصمیم‌گیری درباره شبیه‌سازی، به سال ۲۰۰۵ راه را بر هرگونه آزمایش و انحراف احتمالی باز می‌گذاشت، زیرا هنوز بسیاری از کشورها، از جمله هند، چین و برخی کشورهای آفریقا و روسیه هیچ‌گونه مقرراتی در این زمینه نداشتند.^۲ از این رو، جان نگرو پونته، نماینده آمریکا در سازمان ملل با ارسال نامه‌ای برای نمایندگان صد کشور جهان خواستار حمایت آن‌ها از قطعنامه ممنوعیت کامل شبیه‌سازی انسان شد. وی معتقد بود تأخیر در این موضوع، کاملاً ناامیدکننده است.^۳ در نهایت، کمیته حقوق سازمان ملل متحد قطعنامه ممنوع شدن شبیه‌سازی انسان از جمله شبیه‌سازی درمانی را تصویب کرد. کمیته حقوقی سازمان ملل متحد با ۷۱ رأی موافق، ۳۵ رأی مخالف، و ۴۳ رأی ممتنع این قطعنامه را تصویب کرد. این قطعنامه برای رأی‌نهایی به مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیست. اغلب کشورهای جهان از ممنوع شدن شبیه‌سازی انسان حمایت کردند؛ اما چند کشور از جمله انگلیس، سنگاپور، آفریقای جنوبی و

۱. صادقی، محمود، «همانندسازی انسان از نظر مراجع ادیان آسمانی و بررسی آن از نظر فقه اسلامی»، ص ۸۲

۲. «شبیه‌سازی خلا قانونی در سطح بین‌الملل»، حیات نو اقتصادی، ۸۲/۱۲/۱۹

۳. قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

بلژیک معتقد بودند که نباید شبیه‌سازی جنین را برای درمان و تحقیقات پزشکی ممنوع کرد.^۱

۲-۲. اسناد غیرالزام‌آور

اسناد غیر الزام‌آور درباره موضوع شبیه‌سازی هم به دو دسته منطقه‌ای و بین‌المللی تقسیم می‌شود که در ذیل بررسی می‌شود:

۲-۲-۱. اسناد غیرالزام‌آور منطقه‌ای

از جمله اسناد غیر الزام‌آور منطقه‌ای، قطعنامه پارلمان اروپا راجع به شبیه‌سازی انسان است که در ۱۵ ژانویه ۱۹۹۸ به تصویب رسید. قطعنامه‌ای تحت همین عنوان، توسط پارلمان در ۷ سپتامبر ۲۰۰۰ به تصویب رسید که شبیه‌سازی انسان را ممنوع می‌کرد.^۲ این قطعنامه در بند یک خود، در تعریف شبیه‌سازی مقرر می‌دارد: «پارلمان، شبیه‌سازی انسان را به عنوان تولید (خلق) جنین‌های دارای ساختار ژنتیک یکسان با انسانی دیگر، زنده یا مرده، در هر مرحله از تکامل بدون هیچ‌گونه تمایزی از لحاظ روش به کار برده شده، تعریف می‌کند». با توجه به تعریف حاضر، می‌توان مشاهده کرد که پارلمان اروپا نیز محور اساسی تعریف را وجود ساختار ژنتیک یکسان میان دو انسان صرف‌نظر از روش به کار برده شده یا اهداف شبیه‌سازی دانسته است.^۳ گزارش کمیته ویژه متخصصان اخلاق زیستی شورای اروپا درباره تولیدمثل مصنوعی انسان، ترکیب گامت‌های انسان با گونه‌های دیگر را ممنوع و تصریح کرده است که حتی در مواردی که دولت‌های عضو، اجازه ترکیب گامت‌های انسان با حیوان را به منظور درمان نازایی بدهند، سلول‌های حاصل باید در مرحله دو سلولی نابود شوند. اصول ۱۶-۱۹ این گزارش، تولید جنین انسانی را به خاطر اهداف تحقیقاتی ممنوع دانسته است. تحقیق در مورد جنین‌های خارج از رحم را نیز به شرط رعایت شرایط دقیق و سخت و به منظور تأمین منافع جنین مجاز دانسته و غیر از آن را ممنوع اعلام کرده است.

۱. قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

<http://www.hayateno.org/831203/world.htm> (16 Apr 2005)

۲. تیموری، محمد، «بررسی منابع حقوق بشر بین‌الملل در مورد شبیه‌سازی»، مجموعه مقالات اخلاق زیستی (بیواتیک) از منظر حقوقی، فلسفی و علمی، تهران، سمت، ۱۳۸۴، ص ۲۳

۳. وثوق، هومن، «رویکرد حقوق بین‌الملل به شبیه‌سازی انسان»، ماهنامه اطلاع رسانی حقوقی، سال دوم، شماره ۵، مهر ۱۳۸۳، ص ۴۳

پاراگراف چهارم برنامه عمل دومین اجلاس سران اروپا تنها شبیه‌سازی مولد انسان را ممنوع کرده است. هم‌چنین اصل نخست گزارش کمیته ویژه متخصصان اخلاق زیستی شورای اروپا درباره تولیدمثل مصنوعی انسان در بند دوم مقرر می‌دارد که تکنیک‌های تولیدمثل مصنوعی نباید به منظور تعیین خصوصیات ویژه‌ای در کودک به کار روند، به ویژه به منظور تعیین جنسیت آن، مگر در مواردی که مطابق با ذیل بند الف بند پیشین، این امر به منظور پیش‌گیری از یک بیماری جدی و موروثی مبتنی بر جنسیت باشد. تعیین این‌که بیماری جدی و موروثی مبتنی بر جنسیت چیست، بر عهده حقوق ملی هر کشور گذاشته شده است.^۱

۲-۲-۲. اسناد غیرالزام‌آور بین‌المللی

یونسکو، همچون دیگر سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، در پی‌گیری مأموریت اخلاقی خود در این بحث شرکت می‌کند. ۱۸۶ کشور عضو یونسکو با تصویب اعلامیه ژنوم انسانی و حقوقی بشر در ۱۱ نوامبر ۱۹۹۷، تولیدمثل نوع بشر را از راه شبیه‌سازی نهی کرده، آن را عملی مغایر با حیثیت انسان دانسته‌اند.^۲ این اعلامیه مشتمل بر ۲۵ ماده است و اگرچه برای دولت‌ها الزام‌آور نیست، ولی تلاش ارزشمندی در جهت پیشبرد احترام به برابری و کرامت انسانی است. اعلامیه مزبور دربردارنده موارد مهمی در خصوص ژنوم انسان و ارتباط آن با حقوق اساسی و کرامت انسانی است که در ماده یک خود، ژنوم انسان را شالوده وحدت اساسی تمام اعضای خانواده بشری و حیثیت ذاتی و تنوع آن‌ها می‌شناسد و در یک معنی نمادین از آن با عنوان «میراث بشریت» نام می‌برد. این اعلامیه پس از توجه به حیثیت افراد فارغ از خصوصیات ژنتیک و هم‌چنین نیاز به تحقیق در خصوص ژنوم انسان بعد از ارزیابی دقیق، در بند یازدهم خود چنین مقرر می‌دارد: «اعلامیه هرگونه تبعیض بر اساس خصوصیات ژنتیک افراد را که در حقوق اساسی و آزادی و حیثیت آنان مؤثر باشد، رد می‌کند و لازم می‌داند که در هر تحقیقی اطلاعات ژنتیک افراد بر طبق قانون، محرمانه تلقی شود و خساراتی که احیاناً در اثر تحقیقات متوجه ژنوم افراد می‌شود، جبران گردد. در هر تحقیق مربوط به ژنوم انسان بخصوص در زمینه‌های بیولوژی، ژنتیک و پزشکی باید بیشترین احترام به حقوق

۱. تیموری، محمد، «بررسی منابع حقوق بشر بین‌الملل در مورد شبیه‌سازی»، ص ۲۳

۲. «هماندسازی انسان ممنوع است»، ابرار، ۷۷/۷/۴

بشر و آزادی‌های اساسی و حیثیت افراد و گروه‌ها مدنظر باشد و رویه‌های مخالف حیثیت انسانی از جمله شبیه‌سازی انسان برای تولیدمثل نباید مجاز باشد.^۱ پس در این اعلامیه فقط شبیه‌سازی مولد انسان ممنوع دانسته شده و شبیه‌سازی درمانی مجاز اعلام شده است که این مطلب موجب شکل‌گیری اعتراضاتی علیه این اعلامیه از سوی واتیکان شد. سازمان بهداشت جهانی در پنجاهمین گردهمایی خود در ماه مه ۱۹۹۷^۲ طی قطعنامه‌ای که در مجمع جهانی سالانه این سازمان به تصویب اکثریت رسید، شبیه‌سازی انسان را از طریق تولیدمثل غیرجنسی، غیرقابل قبول خواند. این قطعنامه در کمیته سازمان بهداشت جهانی به تصویب رسیده است و در مورد تأیید آن، در مجمع عمومی تردیدی وجود ندارد. این سازمان اعلام کرده است که استفاده از تولیدمثل غیرجنسی به منظور شبیه‌سازی موجودات انسانی از نظر اخلاقی غیرقابل قبول و مخالف تقوی و اخلاقیات انسانی است. این قطعنامه همچنین از دبیر کل سازمان بهداشت جهانی می‌خواهد تا در مورد تأثیر فنون تولید مثل غیرجنسی بر سلامت انسان که در مورد حیوانات و گیاهان به کار می‌رود، تحقیق نماید.^۳



۱. یزدانی زنوز، هرمز، «ژنوم انسان و حقوق بشر»، ص ۱
 ۲. باجغلی، بابک، «پرسی و مقایسه کلونینگ تکثیری و درمانی»، بهداشت جهان، سال شانزدهم، شماره ۱ و ۲، ۱۳۸۳، ص ۶۷
 ۳. میرشاهی، فرخ، «جنبال تکثیر ژنتیکی انسان»، گزارش، سال هشتم، شماره ۹۰، مرداد ۱۳۷۷، ص ۶۷

فصل سوم: حکم شبیه‌سازی در قوانین ایران و سایر کشورها

به طور کلی از سال ۱۹۹۷ که خبر شبیه‌سازی اولین پستاندار منتشر شد، بر اساس آمار جولای سال ۲۰۰۴ یونسکو تاکنون ۳۰ کشور مقرراتی را به تصویب رسانده‌اند یا فرمان‌هایی را صادر کرده‌اند که به طور صریح یا ضمنی، شبیه‌سازی مولد انسان را ممنوع قلمداد می‌کند که از جمله کشورهای مطرح در نظام حقوقی غرب می‌توان به یونان، هلند، نیوزیلند، نروژ، پرتغال، اسلواکی، اسپانیا، سوئد، اتریش، بلژیک، کانادا، دانمارک، فنلاند، فرانسه، آلمان، سوئیس (مکتب رومی - ژرمنی)، استرالیا و انگلستان (مکتب کامن‌لا) اشاره نمود. به این معنی که بیست و سه کشور قانون خاص تصویب کرده‌اند و هفت کشور تفسیر جدیدی از قوانین موجود خود ارائه نموده‌اند. در حدود بیست کشور هم در حال بررسی مقررات خود با هدف ممنوع نمودن شبیه‌سازی مولد انسان هستند که از جمله کشورهای غربی می‌توان به ایرلند، ایتالیا (مکتب رومی - ژرمنی) و آمریکا (مکتب کامن‌لا) اشاره نمود و هیچ کشوری تاکنون شبیه‌سازی مولد را مجاز اعلام ننموده است.^۱

جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران درباره شبیه‌سازی درمانی و مولد فاقد قانون مصوب می‌باشد. بنابراین، در این بخش، به بررسی دیدگاه‌های احتمالی قانون‌گذاران ایران درباره هر دو نوع شبیه‌سازی می‌پردازیم:

۱- بایسته‌های شبیه‌سازی درمانی در حقوق جمهوری اسلامی ایران

در این مبحث، سؤال اساسی درباره شبیه‌سازی درمانی یا تحقیقاتی این است که چنین از چه زمانی صاحب حق و تکلیف می‌شود و ابتدای شخصیت چه زمانی است.

1. "National legislation concerning human reproductive cloning and therapeutic cloning", 2004, available at: <http://unesdoc.unesco.org/images/0013/001342/134277e.pdf> (4 Jan 2011)

برای رسیدن به بایسته‌های شبیه‌سازی درمانی در حقوق ایران باید به این سؤال پاسخ داد. بدین منظور در این بخش، دو موضوع بررسی خواهد شد.

– ابتدای شخصیت

درباره این‌که از چه زمانی به جنین، بشر اطلاق می‌شود، بحث‌های فراوانی صورت گرفته است و از جنبه‌های مختلف علمی، فلسفی و حقوقی به آن پرداخته شده است. در حقوق ایران تصریحی درباره ابتدای شخصیت و به وجود آمدن انسان در قوانین و مقررات وجود ندارد. به عقیده برخی استادان حقوق، اصولاً وجود شخص طبیعی از لحاظ حقوقی با تولد او آغاز می‌شود و از این تاریخ است که انسان، طرف حق قرار می‌گیرد و از حقوق مدنی و سایر حقوق برخوردار می‌گردد. ممکن است جنین از لحاظ زیست‌شناسی موجود مستقل به شمار آید و شخص محسوب گردد، لیکن از نظر حقوقی تا هنگامی که زنده به دنیا نیامده است، شخص مستقلی به شمار نمی‌آید و اصولاً نمی‌تواند دارنده حق و تکلیف باشد؛ با وجود این، در صورتی که مصلحت اقتضا کند، ممکن است جنین حتی قبل از تولد دارای حق گردد، مشروط بر این‌که زنده به دنیا آید.^۱ ماده ۹۵۷ قانون مدنی در این مورد صریحاً مقرر می‌دارد که «حمل از حقوق مدنی متمتع می‌گردد، مشروط به این‌که زنده متولد شود». ماده ۸۵۱ قانون مزبور تصریح می‌کند که «وصیت برای حمل صحیح است، لیکن تملک او منوط است بر این‌که زنده متولد شود». ماده ۸۷۵ همین قانون مقرر می‌دارد که «شرط وراثت، زنده بودن در حین فوت موروث است و اگرچه فوراً پس از تولد بمیرد». ماده ۱۲۷ نیز تصریح می‌کند: «اقرار برای حمل در صورتی مؤثر است که زنده متولد شود».^۲ بنابراین جنین دارای نوعی شخصیت حقوقی است، هر چند که این شخصیت به علت متزلزل بودن حقوقش و نیز به سبب آن‌که نمی‌تواند دارای تکلیف باشد، ناقص است. متزلزل بودن حقوق جنین و مشروط بودن آن به زنده متولد شدن، مبتنی بر فقه اسلامی است.^۳ برخی دیگر از استادان حقوق ایران مانند دکتر کاتوزیان معتقدند که «حمل، به ویژه در ماه‌های نخستین بارداری، موجودی است میانه انسان و اندامی از زن، حقوق نیز در این

۱. صفایی، سید حسین و سید مرتضی قاسم زاده، اشخاص و محجورین، تهران، سمت، ۱۳۸۴، ص ۳۹

۲. رحیمی، حبیب الله، «شبیه‌سازی درمانی، رویکردهای اخلاقی، فقهی و حقوقی»، ص ۵۷

۳. صفایی، سید حسین و سید مرتضی قاسم زاده، اشخاص و محجورین، ص ۴۰

دوگانگی سرگردان است که حمل را انسانی در حال تکوین رشد بداند یا اندامی از زن که پس از تولد به انسان تبدیل می‌شود؟ دیدگاه نخست، با فلسفه پیوسته بودن هستی انسان از زمان خلق به زندگی در دنیا و سیر تحول آن در جهان مادی و معنوی، مناسب‌تر است. عرف نیز بدین پیوستگی تمایل دارد و بر همین پایه حقوق «حمل را» به اعتبار وجود جوهر انسان در هستی او، انسان می‌داند و بر آن آثار حقوقی بار می‌کند. با وجود این، از دیدگاه کیفری که محتاط‌تر است و «سقط جنین» را قتل نمی‌شمرد و کیفر ویژه‌ای برای آن معین می‌کند.^۱ دکتر کاتوزیان تصریح می‌کند که «حمل در صورتی شخصیت پیدا می‌کند و دارای حق و تکلیف می‌شود که زنده به دنیا آید، پس باید پذیرفت که زنده به دنیا آمدن شرط تملک میراث است، متتها این شرط، به گذشته نیز اثر دارد و به جنین از تاریخ انعقاد نطفه اهلیت تملک اعطا می‌کند».^۲ وی در جای دیگر، تصریح کرده است که «ماده ۸۷۵ قانون مدنی حمل را از تاریخ انعقاد نطفه موجود می‌داند، موجودی که در حال انسان شدن است و از حقوق مدنی بهره می‌برد. بنابراین، اگر تاریخ انعقاد نطفه پس از مرگ باشد، باید گفت جنین در زمان مرگ موجود نبوده است».^۳ ماده ۸۷۸ قانون مدنی نیز می‌تواند دلیل نظریه فوق باشد. این ماده مقرر می‌کند: «هرگاه در حین موت موّث، حملی باشد که اگر قابل وراثت متولد شود، مانع از ارث تمام یا بعضی از وراثت دیگر می‌گردد، تقسیم ارث به عمل نمی‌آید تا حال او معلوم شود و اگر حمل مانع از ارث هیچ یک از سایر وراثت نباشد و آن‌ها بخواهند ترکه را تقسیم کنند، باید برای حمل، حصه‌ای که مساوی حصه دو پسر از همان طبقه باشد، کنار گذارند و حصه هر یک از وراثت مراعا است تا حال حمل معلوم شود».^۴ پس در حقوق ایران، دو نظریه در زمینه شخصیت جنین ارائه شده است که جمع میان این دو نظریه بسیار دشوار به نظر می‌رسد. برای حل تعارض به نظر می‌رسد باید به نظرات فقها رجوع نمود که این نظرات به تفصیل در فصول قبل آورده شده است. نظریه غالب میان فقها عدم حیات مستقل جنین است؛ زیرا حیات جنین دو مرحله‌ای و شامل مرحله قبل از دمیده شدن روح و مرحله بعد از دمیده شدن روح است و پس از دمیده شدن

۱. کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی (درس‌هایی از شفعه، وصیت، ارث)، تهران، میزان، ۱۳۸۴، ص ۹۵

۲. همان، ص ۹۷

۳. همان، ص ۹۵

۴. همان، ص ۹۸

روح، می‌توان جنین را نفس نامید. سقط جنین قبل از دمیده شدن روح نیز حرام است؛ اما تنها دلیل این حرمت، روایاتی است که بر وجوب پرداخت دیه دلالت دارند و به حالت التزامی حرمت سقط جنین را به اثبات می‌رسانند. سقط جنین هم در لغت به معنای افتادن جنین قبل از نمو کامل در رحم است؛ معلوم نیست که ایجاد جنین نه با لقاح تخمک و اسپرم، بلکه با روش شبیه‌سازی و از بین بردن آن، پیش از تکمیل شروط حیات در آن حکم سقط جنین را داشته باشد و تحت شمول روایات ناظر به پرداخت دیه قرار گیرد. اگر این کار حرام باشد، دور ریختن جنین‌های آزمایشگاهی نیز باید حرام محسوب می‌شد.^۱ بنابراین شبیه‌سازی درمانی باید در قانون ایران مجاز شناخته شود. البته این در صورتی است که سلول‌های بنیادی از جنین به دست آید و موجب از بین رفتن آن شود. در حالی که متخصصان ایرانی از منابع دیگر برای تولید سلول‌های بنیادی نیز استفاده می‌کنند، از جمله می‌توان به سلول‌های بند ناف اشاره کرد. همان‌طور که قبلاً هم آورده شد، دکتر کاظمی آشتیانی رئیس اسبق پژوهشکده رویان تصریح کرده بود که در تحقیقات از جنین‌های مازاد IVF با رضایت صاحبان آن‌ها استفاده می‌شود. پس در عمل هم، هیچ ایراد قانونی به استفاده از این جنین‌ها در شبیه‌سازی درمانی وارد نیست.

– سقط جنین در حقوق ایران

قانون‌گذار سابق به موجب مواد ۱۸۰ قانون مجازات عمومی و نیز موادی از قانون تشدید مجازات رانندگان متخلف، ضمن بیان احکام جرم مذکور، سقط جنین را به عنوان جرمی مستقل از قتل، مورد توجه قرار داده است. در تعریف سقط جنین گفته‌اند: «سقط حمل عبارت است از اخراج حمل قبل از موعد طبیعی زایمان به نحوی که زنده یا قابل زیستن نباشد». این تعریف همه حالات و شرایط حمل را اعم از آن‌که جنین در مراحل اولیه و ابتدایی رشد باشد یا دوره پایانی کمال خود را بگذراند، دربرمی‌گیرد. از این رو در قوانین، جرم مذکور تحت عنوان سقط حمل موضوع مجازات جنحه‌ای قرار گرفته، مرتکب محکوم به حبس می‌گردیده است. اما از نظر حقوقدانان اسلامی، با توجه به متون فقهی، حیات جنینی دارای دو دوره متمایز از

۱. رحیمی، حبیب‌الله، «شبیه‌سازی درمانی، رویکردهای اخلاقی، فقهی و حقوقی»، ص ۵۴

یکدیگر است؛ به طوری که شروع دومین مرحله از مراحل تکوین جنین آغاز حیات انسانی دانسته شده است و به موجب برخی نظریات، سقط حمل در این مرحله، مشمول مواد مربوط به قتل شمرده است.^۱

قانون‌گذار نیز به تبع کتب فقهی برای جنین دو مرحله رشد و تکامل قائل شده است:

دوره اول که در آن جنایت بر جنین تحت عنوان سقط جنین مورد بحث قرار می‌گیرد، از زمان استقرار نطفه در رحم زن آغاز می‌شود و تا حلول روح در جنین ادامه می‌یابد. سقط حمل در این مرحله موجب پرداخت دیه است. ماده ۴۸۷ قانون مجازات اسلامی جنین مقرر می‌دارد:

دیه سقط جنین به ترتیب زیر است:

- ۱- دیه نطفه که در رحم مستقر شده باشد، بیست دینار
 - ۲- دیه علقه که خون بسته است، چهل دینار
 - ۳- دیه مضغه که به صورت گوشت در آمده باشد، شصت دینار
 - ۴- دیه جنین در مرحله‌ای که به صورت استخوان در آمده و هنوز گوشت نروئیده باشد، هشتاد دینار
 - ۵- دیه جنین که گوشت و استخوان بندی آن تمام شده و هنوز روح در آن پیدا نشده است، یک صد دینار
- تبصره - در مراحل فوق هیچ فرقی بین دختر و پسر نیست.
- دیه جنین که روح در آن پیدا شده است، اگر پسر باشد، دیه کامل و اگر دختر باشد، نصف دیه کامل.

ارتکاب جنایت در مرحله اول که تا قبل از حلول روح در جنین است، خارج از موضوع قتل است و جنایات وارد بر جنین در این مرحله به عنوان جرمی مستقل مورد حکم واقع می‌شود؛ زیرا علاوه بر عرف هیچ‌یک از حقوق‌دانان اسلامی قائل به حیات مستقل جنین در مراحل مذکور نیست. از این رو، مرتکب ملزم به پرداخت دیه و علاوه بر آن، به موجب مواد ۶۲۲-۶۲۴ قانون مجازات اسلامی محکوم به تعزیر است.^۲

۱. صادقی، محمد هادی، حقوق جزای اختصاصی (۱) جرایم علیه اشخاص، تهران، میزان، ۱۳۸۳، ص ۴۳

۲. همان، ص ۴۴

این مواد از قانون مجازات اسلامی، سقط جنین را جرم تلقی می‌کند و فقط در موردی سقط جنین را مجاز می‌شمارد که این اقدام برای حفظ حیات مادر لازم باشد. البته این جواز مربوط به قبل از دمیده شدن روح است.^۱

در قانون سقط درمانی مصوب ۱۳۸۴ نیز سقط به نادرستی به عنوان درمان در نظر گرفته شده و مقرر گردیده است که سقط درمانی با تشخیص قطعی سه پزشک متخصص و تأیید پزشکی قانونی مبنی بر بیماری جنین که به علت عقب افتادگی یا ناقص الخلقه بودن موجب حرج مادر است و یا بیماری مادر که با تهدید جانی مادر توأم باشد، قبل از ولوج روح (چهار ماه) با رضایت زن مجاز است و مجازات و مسؤولیتی متوجه پزشک مباشر نخواهد بود. بدین ترتیب، سقط جنین قبل از چهار ماهگی، برای جلوگیری از حرج و سختی آینده مجاز قلمداد شده است. در حالی که اگر در این مرحله جنین بشر محسوب می‌شد، از بین بردن آن مجاز نبود. همان‌طور که ما به قتل انسان‌های ناقص الخلقه و معلول حکم نمی‌کنیم، هر چند نگاهداری آن‌ها با مشقت زیاد همراه باشد.^۲

قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور مصوب ۱۳۸۲ نیز اجازه داده است تا جنین‌های حاصل از تلقیح خارج از رحم زوجین قانونی و شرعی به زوجینی که امکان بچه‌دار شدن ندارند، اهدا شود. مطابق آیین‌نامه اجرایی این قانون (مصوب ۱۳۸۳) منظور از جنین، نطفه حاصل از تلقیح خارج از رحمی زوجین قانونی و شرعی است که از مرحله باروری تا حداکثر پنج روز گذشته باشد.

بررسی قوانین اشاره شده، نشان می‌دهد که از نظر قانون‌گذار ایران، جنین از لحظه لقاح یا به وجود آمدن، از همه حقوق و تکالیف یک انسان برخوردار نیست و اساساً انسان محسوب نمی‌شود. از این رو، از بین بردن یا دور ریختن آن و اهدا و انتقال آن به دیگری اشکالی ندارد.^۳

برای آن‌که روشن شود آیا شبیه‌سازی درمانی در حقوق ایران مجاز است یا خیر، لازم است روشن گردد که آیا از بین بردن جنین‌های شبیه‌سازی شده پس از به دست آوردن سلول‌های بنیادی، تحت شمول مقررات فوق قرار می‌گیرد یا نه؟ این سؤال را

۱. رحیمی، حبیب‌الله، «شبیه‌سازی درمانی، رویکردهای اخلاقی، فقهی و حقوقی»، ص ۶۰

۲. همان، «چالش‌های شبیه‌سازی درمانی انسان»، پژوهش‌های حقوقی، سال ششم، شماره ۱۱، ۱۳۸۶، ص ۳۳۲

۳. همان، صص ۳۳۲-۳۳۳

برخی استادان حقوق مطرح کرده و به آن پاسخ داده‌اند: «آیا اتلاف نطفه بارور شده در خارج رحم جرم است یا خیر؟ اگر آن را جرم بدانیم، بعید نیست که بتوانیم حکم ماده ۸۵۲ قانون مدنی را در مورد سقط جنین، با استفاده از وحدت ملاک، به اتلاف نطفه بارور شده نیز تسری دهیم و بگوئیم ملاک اصلی در سقط جنین از بین بردن چیزی است که عادتاً در آینده می‌توانسته است یک انسان باشد و این ملاک در این مورد (اتلاف نطفه بارور شده در خارج رحم) نیز وجود دارد. ولی باید توجه داشت که از نظر کیفری نمی‌توان مجازات سقط جنین را در مورد اتلاف نطفه بارور شده موجود در خارج رحم با وحدت ملاک اعمال کرد؛ زیرا برخلاف مقررات حقوقی، تفسیر مقررات جزایی و توسعه آن علیه متهم به کمک ملاک‌گیری جایز نیست و باید تفسیر از قانون مضیق باشد». این نظر را می‌توان تقویت کرد؛ زیرا در ماده ۴۸۷ قانون مجازات اسلامی نیز که دیه سقط جنین را معین می‌کند، کم‌ترین مقدار دیه ناظر به نطفه‌ای است که در رحم مستقر شده است و دیه برای قبل از این حالت، در نظر گرفته نشده است. به علاوه، سقط معنای عرفی دارد؛ همان‌طور که گفته شد به افتادن جنین قبل از نمو کامل در رحم اطلاق می‌شود. بنابراین، قانون درباره از بین بردن جنین قبل از استقرار در رحم ساکت است و مطابق اصل ۱۶۷ قانون اساسی در این مورد قاضی موظف است برای یافتن پاسخ به منابع معتبر اسلامی و فتاوی معتبر مراجعه نماید که برخی از فتاوی معتبر در فصول قبلی آورده شده است. اما سؤال این است که آیا ادله مربوط به حرمت و ممنوعیت سقط جنین قابل تسری به از بین بردن جنین است یا خیر؟ به نظر می‌رسد پاسخ این سؤال منفی است؛ زیرا اولاً سقط معنای عرفی دارد و عرف چنین اقدامی را سقط تلقی نمی‌کند. ثانیاً قیاس مستنبط العله در فقه امامیه حجیت ندارد و نمی‌توان حکم سقط جنین و از بین بردن جنین در خارج رحم را یکی دانست. ثالثاً اصالة البرائه که از اصول عملیه است، دلالت می‌کند بر این که اگر در حرمت امری شک داشته باشیم، حکم به عدم حرمت و اباحه دهیم. قاعده درأ نیز مقرر می‌کند که در صورت شبهه، مجازات‌ها قابل اعمال نیستند. بنابراین دلیلی بر حرمت از بین بردن جنین شبیه‌سازی شده وجود ندارد و به نظر می‌رسد شبیه‌سازی درمانی بدون اشکال است.^۱

۲- بایسته‌های شبیه‌سازی مولد انسان در حقوق جمهوری اسلامی ایران

در این مبحث، سؤال اساسی این است که آیا می‌توان شبیه‌سازی مولد انسان را در حقوق ایران جرم دانست یا خیر؟ برای پاسخ به این سؤال ابتدا به تعریف جرم و عناصر تشکیل‌دهنده آن و سپس به تطبیق موارد مذکور با شبیه‌سازی مولد انسان پرداخته می‌شود.

- تعریف جرم

بند ۴ اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر «کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمان و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام» که در مقام تعیین، یکی از مهم‌ترین وظایف قوه قضائیه است، و نیز اصل ۳۶ قانون مزبور که ناظر بر حقوق ملت است و طبق آن حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد، مبین اتکای جرم بر قانون است. بدین ترتیب در معنای عام، کلمه جرم عبارت است از: «ارتکاب عمل ممنوع یا ترک فعل واجب با ضمانت اجرای کیفری مقرر به وسیله قانون (الهی) یا مقامات یا ارگان‌های عمومی صلاحیت‌دار (مواد ۱۲ و ۱۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ در مورد مجازات بازدارنده در تعزیرات حکومتی)». بر همین اساس، قانون‌گذار در ماده ۲ قانون راجع به مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۶۱) مبادرت به تعریفی جامع، مانع و قانونی از جرم نموده، صراحتاً مقرر می‌دارد: «هر فعل یا ترک فعل که مطابق قانون قابل مجازات یا مستلزم اقدامات تأمینی و تربیتی باشد، جرم محسوب است و هیچ امری را نمی‌توان جرم دانست مگر آن‌که به موجب قانون برای آن مجازات یا اقدامات تأمینی یا تربیتی تعیین شده باشد.»^۱ ماده ۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ در مورد تعریف جرم به ضمانت اجرای کیفری مجازات‌های مقرر در ماده ۱۲ قانون مزبور اکتفا نموده، مقرر می‌دارد: «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود».

از تعاریف مزبور موارد زیر قابل استنتاج است:

۱- جرم همواره رفتار خارجی انسان است که گاهی به صورت فعل و زمانی با ترک فعل محقق می‌شود و بنابراین:

الف - میل به ارتکاب جرم و تصمیم بر آن، جرم تلقی نمی‌شود.

ب - جرم عقیده وجود ندارد، اما انتشار عقیده در مواردی جرم است.

۲- برای این که عملی جرم شناخته شود، باید ممنوعیت عمل همراه با ضمانت اجرای جزایی (مجازات یا اقدامات تأمینی یا تربیتی) باشد.

۳- ارتکاب عمل ممنوعی که قانون‌گذار برای آن مجازات تعیین نموده است، در صورتی جرم است که مرتکب بدون مجوز قانونی و برخلاف حق اقدام کرده باشد.

- عناصر تشکیل‌دهنده جرم

برای آن که رفتار انسان جرم تلقی شود، وجود سه عنصر لازم است:

۱- عنصر قانونی، یعنی وصف مجرمانه که باید به تعیین قانون باشد.

۲- عنصر معنوی، بدین معنی که رفتار مجرمانه باید همراه با قصد مجرمانه یا تقصیر جزایی باشد.

۳- عنصر مادی، شامل تحقق عملیات خارجی حاکی از رفتار مجرمانه.^۱

- جرم‌انگاری شبیه‌سازی مولد انسان

برای آن که شبیه‌سازی مولد انسان جرم تلقی شود، وجود سه عنصر قانونی، مادی و معنوی لازم است که در ذیل به بررسی آن می‌پردازیم:

۱- عنصر قانونی

همان‌طور که در تعریف عنصر قانونی آورده شد، پدیده جزایی یا جرم، باید در قانون جزا پیش‌بینی و مستوجب کیفر قانونی باشد. البته شبیه‌سازی مولد انسان به عنوان یک جرم، از این عنصر برخوردار نیست؛ زیرا هنوز در قوانین جزایی ایران، جرم تلقی نشده است. لیکن برای جرم‌انگاری شبیه‌سازی انسان، ابتدا باید، رکن قانونی وجود داشته باشد؛ زیرا عناصر دیگر (عنصر مادی و عنصر معنوی) مبتنی بر این عنصر و در رابطه طولی با آن هستند. پس طبق رویه قانون‌گذار اسلامی لازم است موادی به تعریف جرم شبیه‌سازی انسان، مصادیق و مجازات آن، اختصاص داده شود. قبل از پرداختن به ارکان دیگر جرم در فرآیند شبیه‌سازی مولد، لازم به ذکر است که عناصر مادی و

۱. گلدوزیان، ایرج، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران، میزان، ۱۳۸۲، صص ۸۸-۹۲.

معنوی باید بر اساس عنصر قانونی تعریف شوند و در این جا به علت وجود نداشتن عنصر قانونی، عناصر مادی و معنوی فرضی هستند.

۲- عنصر مادی

هر جرمی الزاماً دارای عنصر مادی است. از این الزام می‌توان نتیجه گرفت که تحقق جرم، موکول به بروز عوارض بیرونی ارتکاب جرم است. تا وقتی مظهر خارجی اراده به صورت‌هایی مانند فعل یا ترک فعل تحقق نیافته باشد، جرم واقع نمی‌شود. بنابراین، صرف داشتن عقیده، اندیشه و قصد ارتکاب جرم بدون انجام هیچ‌گونه عمل مادی قابل تعقیب و مجازات نمی‌باشد؛ زیرا اصولاً موارد مزبور به تنهایی قابل کشف نیستند. برای ارتکاب جرم، بزه‌کار این مراحل را طی می‌کند: ابتدا قصد ارتکاب جرم می‌کند، سپس به تهیه مقدمات جرم مبادرت می‌ورزد، بعد شروع به اجرای جرم می‌کند و نهایتاً جرم را به اجرا می‌گذارد.^۱ از این منظر، برای تحقق جرم شبیه‌سازی انسان، نیاز به عملی است که از سوی «مجرم» ارتکاب یابد و «موجود زنده‌ای» را به همراه داشته باشد. پس، بر این اساس، برای ارتکاب عنصر مادی این جرم، وجود «فردی» برای ارتکاب آن و «عملی» که از سوی وی به منصف ظهور برسد و خلق یک فرد به عنوان حاصل و برآیند این فرآیند ضروری است.^۲ در لسان حقوق کیفری، به گونه‌ای، جرایم به مطلق و مقید تقسیم می‌شوند. زمانی که عمل یا ترک عمل، واجد و مقید به نتیجه‌ای باشد، مقید و الا مطلق است. سؤالی که مطرح می‌گردد، این است که جرم شبیه‌سازی، نیازمند حصول نتیجه است یا خیر؟ عملی به جرم شبیه‌سازی آدمی می‌انجامد که «خلق موجود زنده‌ای» را به همراه داشته باشد و از این منظر تفاوتی نمی‌کند که این موجود زنده در چه مرحله‌ای از رشد فیزیکی باشد. از این رو، جرم شبیه‌سازی بشر، جرمی است «مقید»؛ یعنی تا زمانی که فعل ارتكابی منجر به خلق موجود زنده‌ای نشود، جرم مزبور، تام تلقی نمی‌شود.^۳ در حقوق کیفری برای حفظ نظم عمومی جامعه، گاهی اوقات، جدای از جرم تام، نهادهایی هم‌چون شروع به جرم عقیم و محال پیش‌بینی شده‌اند. شروع به

۱. گلدوزیان، ایرج، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، ص ۱۷۶

۲. ساعد، محمد جعفر، «شبیه‌سازی انسان در آیین حقوق جزای بین‌الملل: ملاحظات مقدماتی»، ماهنامه

اطلاع‌رسانی حقوقی، سال دوم، شماره ۱۰، ۱۳۸۳، ص ۱۷

۳. همان، ص ۱۹

جرم عبارت است از رفتاری که به منظور عملی نمودن قصد مجرمانه انجام می‌شود، لکن به جهت مانع خارجی به تحصیل نتیجه مورد نظر منتهی نمی‌گردد.^۱ در این میان، سؤال این است که آیا می‌توان شبیه‌سازی را از مصادیق شروع به جرم شمرد و در نتیجه برای آن کیفر و مجازات تعیین نمود یا خیر؟ ضرورت ایجاب می‌کند که شروع به جرم شبیه‌سازی جرم تلقی گردد و برای آن مجازاتی تعیین شود. این موضع به خاطر اهمیت موضوع و خطر اجتناب‌ناپذیر آن، باید از سوی قانون‌گذار اسلامی اتخاذ شود. اما آنچه تا این‌جا آورده شد، در مورد بزهکاری بود که خود مستقیماً مبادرت به ارتکاب عمل مادی این جرم نماید و از منظر حقوقی کیفری عمومی «مباشر» تلقی گردد. بدیهی است در کنار «مباشر» در حقوق کیفری عمومی، «معاون» و «شرکا» و «فاعل یا مباشر معنوی» نیز مطرح می‌شوند که در خصوص اکثریت قریب به اتفاق جرایم، حسب مورد، تعقیب، محکوم و مجازات می‌شوند. جرم شبیه‌سازی انسان مستثنی از این امر نیست.^۲

۳- عنصر معنوی

علاوه بر عنصر قانونی مبتنی بر پیش‌بینی رفتار مجرمانه در قانون جزا و عنصر مادی جرم شامل وقوع عمل در خارج، باید عمل مزبور از اراده مرتکب ناشی شده باشد. در واقع، باید میان عمل و شخص عامل رابطه روانی یا رابطه ارادی موجود باشد که آن را عنصر اخلاقی یا روانی یا معنوی می‌نامند. ارتکاب هم به خودی خود، دلیل وجود عنصر معنوی یا روانی نیست و در مواردی با وجود این‌که عملی صورت می‌گیرد، قانون مرتکب آن را در جرایم عمدی به خاطر فقدان قصد مجرمانه یا فقدان مسئولیت جزایی قابل مجازات نمی‌داند. بنابراین، در تحقق عنصر معنوی یا روانی، وجود دو عامل ضرورت دارد: اراده ارتکاب فعل و قصد مجرمانه.^۳ اما برخی از جرایم نیز به صرف حصول عنصر مادی، جرم تلقی می‌شوند. در این میان، سؤال این است که آیا جرم شبیه‌سازی انسان واجد رکن معنوی است یا بدون وجود آن نیز محتمل‌الوصول است؟ به نظر می‌رسد علاوه بر عنصر مادی جرم که فعل ارتكابی بزهکار است، برای

۱. گلدوزیان، ایرج، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، ص ۱۹۳

۲. ساعد، محمد جعفر، «شبیه‌سازی انسان در آیینه حقوق جزای بین‌الملل: ملاحظات مقدماتی»، ص ۲۱

۳. گلدوزیان، ایرج، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، ص ۲۰۵

تحقق این پدیده مجرمانه، وجود رکن معنوی جرم نیز ضروری باشد. سوء نیت یا قصد مجرمانه که در معنی عام آن، عمد در ارتکاب جرم است، به دو دسته تقسیم می‌شود: ۱- قصد یا سوء نیت عام ۲- قصد یا سوء نیت خاص. سوء نیت عام عبارت از اراده آگاه عامل در ارتکاب جرم است. قصد، یا سوء نیت خاص، اراده آگاه به مال موضوع جرم یا شخص متضرر از جرم است.^۱ در جرم‌انگاری شبیه‌سازی انسانی، اقدام عملی بزهکار در راستای جرم شبیه‌سازی انسان، سوء نیت عام را تشکیل می‌دهد و قصد خلق موجود زنده، مبین سوء نیت خاص آن است. در واقع، سوء نیت خاص که خود سه رکن علم، آگاهی و اراده را دربرمی‌گیرد، بیانگر این است که فرد بزهکار، نخست، علم به نامشروع بودن عمل خود دارد. در ثانی، آگاه بر این امر است که عملی که بدان مبادرت می‌ورزد، از سوی مقنن به عنوان پدیده‌ای واجد مجازات پیش‌بینی شده است و بالاخره، با اراده خود بدان جامه عمل می‌پوشاند. از این رو، زمانی که فردی با علم، آگاهی و اراده از طریق انتقال هسته سلول پیکری به شبیه‌سازی موجودی زنده که عیناً مشابه با دهنده باشد، اقدام نماید و عمل مذکور به خلق موجودی زنده انجامد، وی مرتکب جرم شبیه‌سازی شده است.^۲

اینک به واکنش‌های قانونی کشورهای مختلف در برابر شبیه‌سازی می‌پردازیم:

فرانسه: اولین کشوری که در برابر شبیه‌سازی انسان واکنش شدید نشان داده، کشور فرانسه است. مجلس فرانسه شبیه‌سازی را جنایتی علیه بشریت دانست و آن را ممنوع اعلام کرد مجازات شبیه‌سازی به دلیل محرومیت فرد از هویت ژنتیکش، بیست سال حبس و پرداخت هفت میلیون یورو جریمه است.^۳ از سوی دیگر، فرانسه مجهز به یک مجموعه قوانین کاملاً نمونه در این زمینه است؛ زیرا این مجموعه قوانین تمام عرصه زیست - اخلاقی را در بر می‌گیرد و اصول بنیادین و اساسی را به گونه‌ای مطرح می‌سازد که از یک سو با حقوق اشخاص سازگاری دارد و از سوی دیگر، منطبق بر لزوم عدم ایجاد مانع بر سر راه «تغییر و تحولات بیولوژیک» است. این قوانین، مقررات و اصول کلی و پایداری را مطرح می‌سازد که مستعد پاسخ‌گویی به مسائلی است که پیشرفت‌های پزشکی و ژنتیک در آینده مطرح خواهند ساخت. این پیش‌بینی موجب

۱. گلدوزیان، ایرج، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، ص ۲۰۹

۲. ساعد، محمد جعفر، «شبیه‌سازی انسان در آیین حقوق جزای بین‌الملل: ملاحظات مقدماتی»، ص ۲۴

۳. «شبیه‌سازی: رویایی که رنگ واقعیت گرفت»، قدس، ۸۴/۱/۱۷

تحسین همگان است. از این نظر، این واقعیت که قوانین و مقررات زیست- اخلاقی به طور ضمنی «شبیه‌سازی انسان را ممنوع ساخته است» نشان می‌دهد که این قوانین پاسخ‌گوی تقاضای دانشمندان، پزشکان و افکار عمومی مبنی بر ایجاد یک چارچوب سازگار و پایدار برای تحول و پیشرفت‌های علوم زیستی و به‌کارگیری آن در مورد انسان‌هاست. اصول مطروح در قوانین فرانسه شامل موارد زیر است:

۱- حفظ شأن و منزلت انسانی

۲- ممنوعیت تولید مثل غیر جنسی انسان

۳- ممنوعیت هرگونه عمل اصلاح نژاد جمعی

۴- انطباق مقررات با سرنوشت جنین بارور شده

در این مختصر، به توضیح اصل دوم می‌پردازیم:

رئیس جمهور فرانسه بلافاصله پس از رخداد تولید مثل غیرجنسی میش (Dolly) در انگلستان، ابراز نگرانی کرد و خواست که اطمینان حاصل شود که کاربرد این تکنیک در مورد انسان کاملاً ممنوع می‌شود. بدین‌سان وی، برای اولین بار از زمان ایجاد کمیته مشورتی ملی اخلاق زیستی در سال ۱۹۸۳ تاکنون مستقیماً به این کمیته مأموریت داده است تا اطمینان حاصل کند که حقوق فرانسه صریحاً تولید مثل غیر جنسی انسان را ممنوع اعلام می‌کند. این ارجاع که اصولاً با خصلت کاملاً قضایی است، با توجه به نقش واگذار شده به کمیته اخلاق پزشکی، غافل‌گیرکننده بود. این ارجاع بنا به دغدغه رئیس جمهور مبنی بر متصور داشتن یک رأی فراگیر، در عین حال قضایی، اخلاقی و مربوط به آینده، قابل توجیه است. کمیته مشورتی ملی اخلاق پزشکی، در پاسخ خود به تاریخ ۲۲ آوریل ۱۹۹۷ پس از بررسی بسیار مشروح مزایا و خطرات تولید مثل غیر جنسی انسان، رأی و نظر خود را اعلام نمود. از لحاظ قضایی، کمیته مذکور معتقد بود که به‌رغم فقدان ممنوعیت صریح، از مقایسه ممنوعیت انجام آزمایش بر جنین یا ممنوعیت بارور کردن جنین‌های آزمایشگاهی به منظور اهداف پژوهشی چنین استنباط می‌شود که قانون مصوب سال ۱۹۹۴ این تکنیک را در مورد انسان ممنوع کرده است. با این حال، کمیته اخلاق پزشکی برای روشن شدن موضوع به حق توصیه کرد که اصل ممنوعیت تولید مثل غیر جنسی انسان به این قانون افزوده شود. بررسی مجدد اجرای این قانون پس از ۵ سال باید به عنوان چارچوبی برای این روشنگری ضروری به

خدمت گرفته می‌شد.^۱ در نوامبر سال ۲۰۰۲ در جلسه سالانه اخلاق زیستی، نخست وزیر فرانسه پیشنهاد کرد که تحقیقات بر روی سلول‌های بنیادی جنینی قانونی شود. قانون پیشنهادی در سال ۲۰۰۱ در کمیته وزرا بررسی و سپس به پارلمان ارائه شد. نخست وزیر وقت فرانسه، در سخنانش به دو جنبه مهم از این تحقیقات اشاره نمود: پیشرفت در زمینه تکنولوژی‌های کمک باروری و تحقیقات بر روی سلول‌های بنیادی. پیشنهاد برای تصویب قانون اخلاق زیستی به کمیته کشوری و کمیته اخلاق ملی نیز ارائه شد. این پیشنهاد قانونی، تغییرات بسیار گسترده‌ای را در قوانین پیشین فرانسه به دنبال داشت، زیرا این پیشنهاد، علاوه بر شبیه‌سازی درمانی، ژن درمانی جنینی را نیز شامل می‌شد.^۲ با تصویب قانون اخلاق زیستی در فوریه ۲۰۰۶ تحقیقات بر روی سلول‌های بنیادی رویانی مجاز شناخته شد. این قانون، بیرون کشیدن سلول‌های بنیادی رویانی را از رویان‌های باقی‌مانده از IVF را به مدت ۵ سال مجاز شمرد. برای رویان‌های مورد استفاده در تحقیقات، اخذ اجازه از صاحبان رویان ضروری بود. با وجود مقررات یاد شده، قوانین فرانسه ایجاد رویان با هدف انجام تحقیقات بر روی آن را غیرمجاز دانست و هم‌چنین شبیه‌سازی درمانی و مولد انسان را نیز غیرقانونی معرفی کرد.^۳

هلند: مؤسسه راتنو که مقر آن در لاهه قرار دارد، به طور دقیق به پژوهش در زمینه شبیه‌سازی انسان پرداخت و کلیه مسائل مذهبی، اخلاقی، فرهنگی، روان‌شناختی و علمی را مدنظر قرار داد و بر همین اساس، پیشنهادهایی را به پارلمان این کشور ارائه داد. لایحه قانونی راجع به جنین‌ها، در هلند شبیه‌سازی به قصد تولید انسان را منع کرد.^۴

۱. عباسی، محمود، «هماندسازی انسان و ژنوم انسانی در حقوق فرانسه»، ۱۳۸۴، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

<http://amb-iran.fr/lindex.php?long=fa&Page=03-03-01> (20 Apr 2005)

2. Viville, Stephane and Menezo, Yves, "Human embryo research in France", Human reproduction, Vol.17, No.2, 2002, p:262

3. Lyn, Michaud, 2008, "France: Encyclopedia of stem cell research", available at: http://sage-ereference.com/stemcell/article_n97.html (12 Mar 2009)

۴. السان، مصطفی و زینب کنعانی، «تلاقی اخلاق، حقوق و واقعیت در شبیه‌سازی انسان، ضرورت تحلیل منطقی و ایجاد تعادل»، ص ۱۶

پارلمان هلند در سپتامبر سال ۲۰۰۲ قانونی را تصویب کرد که بر اساس آن، پژوهش بر روی سلول‌های بنیادی رویانی که از رویان‌های اضافه ایجاد شده برای مقاصد بارداری به دست می‌آیند، مجاز است.^۱

قانون اهدای عضو این کشور (۱۹۹۸) اجازه می‌دهد که هر شخص ۱۲ ساله و بالاتر، برای اهدای عضو ثبت‌نام کند. بنابراین، اهدای رویان‌های باقیمانده از IVF برای اهداف تحقیقاتی با رضایت اهداکننده گامت قانونی است. قانون تحقیقات پزشکی هلند، رویان‌هایی را که در تحقیقات استفاده می‌شوند، مورد حمایت قرار داده است. این تحقیقات مشمول ارزیابی‌های اخلاقی و رضایت والدین یا اهداکننده می‌شوند. این قانون به محققان اجازه می‌دهد از رویان‌های انسانی، سلول‌های بنیادی به دست بیاورند.^۲ ولی شبیه‌سازی درمانی به موجب ماده ۲۴ قانون فوق فقط برای مدت ۵ سال غیرمجاز است. بنابراین، در آینده این نوع شبیه‌سازی در هلند مجاز خواهد بود.^۳ هم‌چنین، این قانون علاوه بر ممنوعیت شبیه‌سازی درمانی و مولد، تولید ترکیبات «میان سلول‌های آدمی و تخمک حیوانات» و تبعیض جنسیتی را ممنوع اعلام نموده است.^۴

انگلستان: در انگلستان تحریم شبیه‌سازی انسانی در گزارش وارناک^۵ (۱۹۸۴) کمیته بدوی تحقیق در زمینه بارورسازی انسان و رویان‌شناسی پیشنهاد شده بود. به دنبال آن توصیه، سند بارورسازی انسان و رویان‌شناسی مصوب ۱۹۹۰، عیناً چنین تحریمی را در مورد شبیه‌سازی انسان مقرر داشت. پژوهش در زمینه استفاده از رویان انسان بر حسب مفاد این سند، که مستلزم صدور مجوز از سوی مقام مسؤول در زمینه باروری انسان و رویان‌شناسی است، شدیداً کنترل شده است.^۶ در ماه مه ۱۹۹۷ کمیسیون مشورتی ژنتیک انسانی (HGAC) تصمیم گرفت که راه‌هایی برای مشاوره عمومی در زمینه

۱. علی‌احمدی، امید، بررسی جنبه‌های اجتماعی، تحقیقات شبیه‌سازی و سلول‌های بنیادی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۸۶، ص ۳۴

2. Lyn, Michaud, 2008, "Netherlands: Encyclopedia of stem cell research", available at: http://sage-reference.com/stemcell/article_n181.html (12 Mar 2009)

۳. السان، مصطفی و زینب کنعانی، «تلاقی اخلاق، حقوق و واقعیت در شبیه‌سازی انسان، ضرورت تحلیل منطقی و ایجاد تعادل»، ص ۱۶

4. Lyn, Michaud, "Netherlands: Encyclopedia of stem cell research", p:1

5. Warnock

6. pattinson, Shaund D., " Reproductive cloning: can cloning harem the clone?", Medical law review, No.10, 2002, p:296

به‌کارگیری پیشرفت‌های شبیه‌سازی بیابد.^۱ در این طرح، پروفیسور داندلسن مواردی را به دولت انگلیس پیشنهاد کرد که مهم‌ترین موارد پیشنهادی بدین قرار بود:

۱- تحقیقاتی که در آن‌ها از سلول‌های جنین‌های تولیدشده به وسیله روش لقاح مصنوعی یا روش شبیه‌سازی استفاده به عمل می‌آید، مجاز باشد.

۲- اجازه انجام این قبیل تحقیقات به وسیله نهاد ناظر بر پژوهش‌های مربوط به بارورسازی و جنین‌شناسی آدمی، صرفاً در شرایطی صادر شود که امکان انجام تحقیقات از طرق دیگر وجود نداشته باشد.

۳- موافقت صریح افراد و اشخاصی که از تخمک یا اسپریشان برای تولید جنین‌های آزمایشگاهی استفاده می‌شود، جلب گردد.

۴- تحقیقاتی که در آن‌ها از انتقال هسته سلول به منظور تلاش برای مقابله با بیماری‌های ژنتیک استفاده به عمل می‌آید، نیز مجاز اعلام شوند.

۵- پژوهش‌هایی که در آن‌ها از ساقه سلول‌های اخذشده از جنین‌ها استفاده به عمل می‌آید، تحت نظارت و اشراف انجام پذیرند تا مشخص گردد آیا فایده‌ای بر آن‌ها مترتب می‌شود یا نه.

۶- هیچ نوع ترکیب «میان سلول‌های آدمی و تخمک حیوانات» مجاز شمرده نشود.
۷- مشابه‌سازی انسان به صورت کامل، یک جرم قابل مجازات جنایی در نظر گرفته شود.

۸ - قانونی گذارده شود که بر مبنای آن پژوهش‌هایی که در زمینه شبیه‌سازی سلول‌های آدمی صورت می‌گیرد، در صورتی که با موفقیت همراه باشد، به شیوه‌ها و روش‌هایی برای مداوا و درمان بدل شوند و این شیوه‌ها دائماً تحت اشراف و تجدیدنظر قرار داشته باشند.

۹- شورای پژوهش‌های علمی، برنامه‌هایی را جهت انجام پژوهش در زمینه تولید سلول از ساقه سلول‌ها تدوین کند و به این منظور گنجینه‌ای از ساقه سلول‌های مختلف را جهت انجام تحقیقات فراهم آورد.^۲

۱. «هماندسازی انسان ممنوع است»، ص ۱

۲. «مشابه‌سازی انسان در انگلیس»، مناطق آزاد، سال دهم، شماره ۱۱۲، ۱۳۷۹، ص ۲۱

قانون باروری و رویان‌شناسی مصوب سال ۱۹۹۰، کاشت هرگونه رویان‌های تحقیقاتی در رحم زنان را غیرقانونی دانسته است.^۱

اخیراً در ژانویه ۱۹۹۸، یک سند مشاوره تحت عنوان «وسایل همانندسازی در تولیدمثل، علوم پزشکی» از سوی (HGAC) و مقام مسؤول باروری انسانی و رویان‌شناسی (HFEA) منتشر شد. هم‌چنین، انجمن سلطنتی در ژانویه ۱۹۹۸ بیانیه‌ای راجع به شبیه‌سازی صادر کرد. شورای انجمن سلطنتی مربوط به شبیه‌سازی مولد انسان در این بیانیه با عنوان «شبیه‌سازی به کجا می‌رود؟» معتقد است که چون تولید مثل انسان از راه همانندسازی مرسوم به «جایگزینی هسته سلولی» اخلاقاً قابل پذیرش نیست، باید ممنوع شود.^۲ در سال ۲۰۰۱ دولت انگلستان، شبیه‌سازی مولد را ممنوع کرده و شبیه‌سازی درمانی را پس از اصلاحیه‌ای در زمینه جنین‌شناسی، قانونی دانست. در ۱۵ نوامبر ۲۰۰۱، گروه مخالف شبیه‌سازی توانست شبیه‌سازی درمانی را ممنوع سازد. اما پس از بحث‌های بسیار، در سال ۲۰۰۲، شبیه‌سازی درمانی تحت مجوز ویژه، قانونی دانسته شد. اولین مجوز پذیرفته شده در قانون انگلستان مربوط به آگوست سال ۲۰۰۴ است که برای نخستین بار در بریتانیا برای خلق یک جنین شبیه‌سازی‌شده، مجوز داده شد.^۳

اسپانیا: قانون ۳۵/۱۹۸۸ ناظر بر تولید مثل با کمک علم پزشکی در فصل شش، ماده بیست اعلام می‌دارد که تولید موجود انسانی با استفاده از روش شبیه‌سازی یا هر فن‌آوری دیگر به منظور نژادگزینی، تجاوز جدی به حقوق بشر تلقی می‌شود و جرایم جنایتی در بردارد.^۴

سوئد: قانون ۱۱۵ مورخ ۱۹۹۱ به طور ضمنی شبیه‌سازی رویان و سلول تخم را ممنوع و برای آن جرایم جنایتی تعیین کرده است.^۵ البته انجام تحقیقات بر روی سلول‌های تخم لقاح یافته انسانی، بر اساس قانون سال ۱۹۹۱ میلادی و تحت شرایط

1. "On human cloning: A position statement of Australian academy of science", p:25

۲. «همانندسازی انسان ممنوع است»، ص ۱

۳. بلک، ریچارد، «راه دراز پیش رو: صدور مجوز شبیه‌سازی ژنتیکی جنین در بریتانیا»، شرق، ۸۳/۵/۲۵

۴. همان، ص ۱

pattinson, Shaund D., "Reproductive cloning: can cloning harem the clone?", p: 299

۵. همان، ص ۱

pattinson, Shaund D., "Reproductive cloning: can cloning harem the clone?", p: 297

خاص، مجاز است. بر طبق این قانون، آزمایش‌ها تنها تا ۱۴ روز پس از لقاح، قابل انجام است و هدف آزمایش‌ها نباید ایجاد تغییرات ژنتیک قابل توارث باشد. سلول تخم دست‌کاری شده، نباید به رحم زنی پیوند زده شود. سلول‌های لقاح‌یافته را می‌توان تا ۵ سال در شرایط فریزری نگهداری کرد. سلول‌های بنیادی رویانی هم در زمانی که سلول تخم لقاح‌یافته ۵-۷ روزه است، جمع‌آوری می‌شوند.^۱ هر چند این قانون، بر توسعه فن‌آوری‌های کمک باروری تأکید دارد، اما در مورد تحقیقات سلول‌های بنیادی نیز کاربرد دارد. هر سلول کشت شده برای تحقیقات، نباید در فن‌آوری‌های کمک باروری به کار برده شود.

قانون ارزیابی اخلاقی تحقیقات مصوب سال ۲۰۰۳ از افراد و کرامت انسانی آنان حمایت می‌کند. این نوع تحقیقات، تنها هنگامی قانونی است که ارزش این تحقیقات مهم‌تر از خطرات آن باشد و با وسایل دیگر، قابل حصول نباشد.

اصلاحیه این قانون که در سال ۲۰۰۵ اجرایی شد، تحقیقات بر روی سلول‌های بنیادی را با شرایط و محدودیت‌های خاص و با استفاده از تکنیک انتقال هسته سلول سوماتیک اجازه داد. تمامی پروژه‌های تحقیقاتی باید به تصویب کمیته اخلاق برسد. این قانون، شبیه‌سازی مولد را نیز ممنوع کرد. رضایت اهداکنندگان اسپرم و تخمک برای انجام چنین تحقیقاتی ضروری است.

بودجه این نوع تحقیقات در سوئد از طریق بودجه عمومی و حمایت‌های مالی غیر دولتی و سازمان تحقیقات استراتژیک تأمین می‌شود. البته حمایت‌های مالی از طریق بعضی سازمان‌های دیگر نیز تأمین می‌گردد.^۲

بلغارستان: در روز سوم آوریل ۱۹۹۷، آکادمی علوم بلغارستان، آکادمی ملی پزشکی بلغارستان، و آکادمی ملی کشاورزی، کنفرانسی در زمینه شبیه‌سازی انسان برپا کردند. این کنفرانس خاطر نشان کرد که پژوهش‌های علمی در این زمینه، باید با موازین «زیست‌شناسی، پزشکی، اجتماعی، روانشناسی و حقوقی» منعکس در هنجارهای حقوقی، مطابقت کامل داشته باشد.^۳

۱. علی‌احمدی، امید، بررسی جنبه‌های اجتماعی و تحقیقات شبیه‌سازی و سلول‌های بنیادی، صص ۳۴-۳۵؛ pattinson, Shaund D., "Reproductive cloning: can cloning harem the clone?", p: 297

2. Lyn, Michaud, 2008, "Sewden: Encyclopedia of stem cell research", available at:

http://sage-e-reference.com/stemcell/article_n265.html (12 Mar 2009)

۳. «هماندسازی انسان ممنوع است»، ص ۱

کانادا: لایحه c-47 (که نخستین بار در ۱۴ ژوئن ۱۹۹۶ قرائت شد)، در مورد فن‌آوری‌های تولید مثل انسان و معاملات تجاری مربوط به تولید مثل انسان که به سند «تولید مثل انسان و تکنولوژی‌های ژنتیک» نیز موسوم است، اعلام می‌دارد که «هیچ کس حق ندارد آگاهانه یک تخمک، تخمک بارور یا رویان را به منظور تولید یک تخمک بارور یا رویانی با اطلاعات ژنتیک یکسان به صورت انسان زنده، مرده یا تخمک بارور، رویان یا جنین دست‌کاری کند، و یا تخمک بارور یا رویانی را که بدین طریق تولید شده، در رحم زنی کشت دهد».^۱

پارلمان این کشور پس از آن، در سال ۲۰۰۲ قوانینی به شرح زیر تصویب کرد:

تحریم و ممنوع ساختن شبیه‌سازی انسان

ممنوعیت پرداخت هزینه به دهندگان اسپرم و تخمک

ممنوعیت خرید و فروش رویان انسان

ممنوعیت انتخاب جنس رویان

ممنوعیت ایجاد دورگه‌های انسانی-حیوانی

اما در همین لایحه، هزینه‌ای برای مخارجی هم‌چون مخارج زایشگاه برای مادران جانشین در نظر گرفته شد و قرار شد این بودجه به آژانس تولید مثل انسانی^۲ پرداخت شود.

این مؤسسه هم‌چنین وظایفی از قبیل صدور مجوز برای کلینیک‌های ناباروری و ثبت و نگهداری مشخصات اهداکنندگان اسپرم و تخمک را بر عهده دارد.

در سال ۲۰۰۴ میلادی مجلس کانادا پس از یک دهه بحث و مناظره، سرانجام لایحه‌ای را تصویب کرد که بر اساس آن همسان‌سازی انسان، ممنوع شد و تحقیقات سلول‌های بنیادی تحت نظارت قانون آمد. در این لایحه برای بار دوم، پرداخت هزینه به اهداکنندگان اسپرم و تخمک، ایجاد دورگه انسان-حیوان و انتخاب جنسیت رویان ممنوع شد.^۳

۱. «همانندسازی انسان ممنوع است»، ص ۱

2. Assisted reproduction human agency

۳. علی‌احمدی، امید، بررسی جنبه‌های اجتماعی و تحقیقات شبیه‌سازی و سلول‌های بنیادی، صص ۳۵-۳۶

نیوزیلند: شورای فن‌آوری زیستی نیوزیلند هشدار داده است که به فوریت قانونی نیاز است تا از انجام چنین پژوهش‌هایی در خاک این کشور جلوگیری کند.^۱

دانمارک: انجام تحقیقات در زمینه شبیه‌سازی (تولید انسان‌هایی با ویژگی‌های ژنتیک یکسان) طی سند شماره ۵۰۳ مربوط به کمیته اخلاق علمی و انجام پروژه‌های تحقیقاتی زیست‌پزشکی مصوب ۱۹۹۲، در دانمارک ممنوع اعلام شد. سند ۶۶۰ مربوط به تولید مثل با کمک علم پزشکی مصوب ۱۹۹۷ با تأیید این نکته که در مواردی که در حال حاضر بر اساس سند ۱۹۹۲ منع تحقیقات وجود دارد، نباید اقدام به درمان شود، مکمل این موضع‌گیری است.^۲

آلمان: بر اساس سند حمایت از رویان، مصوب ۱۹۹۰ تولید رویانی یکسان با رویان، جنین یا هر فرد زنده یا مرده دیگر، خلاف قانون قلمداد شد.^۳ بنابراین، قوانین مربوط به حفظ رویان‌ها بسیار سخت‌گیرانه است و گرفتن سلول از رویان انسان به منظور انجام تحقیقات، یا تشخیص پزشکی، غیرقانونی است. هرچند که تلاش‌هایی برای اخذ مجوز تحقیقات سلول‌های بنیادی رویانی به عمل آمده است.

دموکرات مسیحی آلمان که در آوریل ۲۰۰۲ ریاست دوره‌ای پارلمان اروپا را عهده‌دار بودند، قوانینی را در مورد تحریم و ممنوعیت تحقیقاتی به شرح زیر تصویب کردند:

- شبیه‌سازی انسان به منظور تولید مثل مانند پژوهش‌هایی که هدف آن‌ها تولید رویان انسان برای مقاصد تحقیقاتی، از جمله تولید سلول‌های بنیادی باشد.

- تولید و استفاده از سلول‌های بنیادی به روش انتقال هسته سلول بدنی (SCNT).

روی‌هم‌رفته در این کشور تولید دودمان‌های سلولی بنیادی رویانی جدید، ممنوع است؛ ولی در بعضی موارد استثنائی، استفاده از دودمان‌های سلولی موجود برای تحقیقات ایرادی ندارد.^۴

۱. «همتاسازی»، شماره ۵۰۰، ص ۲۹

۲. همان، ص ۲۹؛

pattinson, Shaund D., "Reproductive cloning: can cloning harem the clone?", p: 299

۳. «هماندسازی انسان ممنوع است»، ص ۲؛

pattinson, Shaund D., "Reproductive cloning: can cloning harem the clone?", p: 298

۴. علی احمدی، امید، بررسی جنبه‌های اجتماعی و تحقیقات شبیه‌سازی و سلول‌های بنیادی، ص ۳۳؛

Oduncu, Fuat S., "Stem cell research in Germany: Ethics of healing vs. human dignity", Medicine, Health care and philosophy, No.6, 2003, pp.: 7-8

ایتالیا: وزیر بهداشت طی حکم پنجم مارس ۱۹۹۷ هر نوع آزمایش و مداخله حتی غیرمستقیم به منظور شبیه‌سازی انسان یا حیوان را ممنوع کرد. کمیته ملی اخلاق زیستی (CNB) نیز به سهم خود، در ۲۱ مارس ۱۹۹۷ مخالفت خود را با شبیه‌سازی انسان، که تجاوز به منحصر به فرد بودن افراد انسان و حیثیت آن‌ها محسوب می‌شود، اعلام کرد.^۱ در سال ۱۹۹۹ نیز قانونی به تصویب رسید که هرگونه بارداری نیابی را و هرگونه تولید مثل به وسیله گامت‌هایی را که متعلق به زوجین نباشد، ممنوع کرد. تا سال ۲۰۰۱ هیچ قانونی در مورد تحقیقات روی رویان‌های انسانی در این کشور وجود نداشت.^۲

فنلاند: در نوامبر ۱۹۹۹^۳ ایجاد رویان برای تحقیقات ممنوع شد.

نروژ: قانون شماره ۵۶ مصوب ۱۹۹۴ در زمینه استفاده پزشکی از فن‌آوری زیستی، به طور ضمنی شبیه‌سازی رویان را منع کرد.^۴

ایرلند: هر تحقیقی در زمینه رویان‌های آزمایشگاهی، سلول‌های بنیادی و شبیه‌سازی ممنوع است.^۵

پرتغال: «شورای ملی اخلاق در خدمت علوم زیستی» اعلام می‌دارد که شبیه‌سازی افراد انسانی به دلیل مسائلی که برای حیثیت انسان، موازنه گونه انسان و حیات اجتماعی پدید می‌آورد، اخلاقاً غیرقابل پذیرش است و باید ممنوع شود.^۶

اسلواکی: قانون مراقبت بهداشتی ۱۹۹۴ تلویحا شبیه‌سازی رویان را منع می‌کند.^۷

سوئیس: قانون اساسی فدرال شبیه‌سازی را تلویحا ممنوع کرد (اصلاحیه ۱۳ اوت ۱۹۸۲). لایحه تولید مثل از طریق لقاح مصنوعی مورخ ۱۹۹۷ دولت فدرال در صورت تصویب، شبیه‌سازی رویان و سلول تخم را ممنوع کرد و برای آن جرایم جنایتی، مجازاتی تعیین نمود.^۸ در سال ۲۰۰۰ نیز استفاده و آنالیز ژنتیک رویان‌ها، شبیه‌سازی انسان و اهدای گامت و بارداری نیابی ممنوع شد.^۹

۱. «همانندسازی انسان ممنوع است»، ص ۲

۲. علی احمدی، امید، بررسی جنبه‌های اجتماعی و تحقیقات شبیه‌سازی و سلول‌های بنیادی، ص ۳۳

۳. همان، ص ۳۳

۴. «همانندسازی انسان ممنوع است»، ص ۲

۵. علی احمدی، امید، بررسی جنبه‌های اجتماعی و تحقیقات شبیه‌سازی و سلول‌های بنیادی، ص ۳۳

۶. همان، ص ۳۳

۷. «همانندسازی انسان ممنوع است»، ص ۲

۸. همان

۹. علی احمدی، امید، بررسی جنبه‌های اجتماعی و تحقیقات شبیه‌سازی و سلول‌های بنیادی، ص ۳۶

اتریش: در قانون فدرال این کشور، تحقیقات رویانی ممنوع است و برای درمان ناباروری تا حد امکان نباید هیچ‌گونه رویان اضافه‌ای تولید شود.^۱ این قانون تمامی روش‌های کمک باروری را در صورتی قانونی می‌داند که زوجین از طریق تولید مثل جنسی نتوانند دارای فرزند شوند. ایجاد رویان‌ها نیز تنها با هدف باروری امکان‌پذیر است و در غیر این صورت، ایجاد آن‌ها ممنوع خواهد بود. بنابراین، تولید انسان شبیه‌سازی شده و هم‌چنین تحقیقات در این زمینه ممنوع است.^۲

ژاپن: شبیه‌سازی انسان در ژاپن غیرقانونی است و اقدام به چنین عملی مجازات زندان تا ده سال و جریمه نقدی تا ده میلیون ین (معادل ۸۵ هزار دلار) را در پی دارد.^۳ از طرف دیگر، در کشور ژاپن، شورای علوم و تکنولوژی اعلام کرده است که کلیه فعالیت‌های شبیه‌سازی بر روی پستانداران باید تا انتشار مقالات علمی آن در نشریات علمی محرمانه نگاه داشته شود، تا باعث بروز نگرانی‌های آشکار و پنهان در مردم نشود؛ زیرا اغلب این نگرانی‌ها و ترس‌های بدون دلیل یا کاذب هستند.^۴ وزارت بهداشت ژاپن نیز اخیراً استفاده خوراکی از حیوانات شبیه‌سازی‌شده را برای انسان‌ها بی‌خطر اعلام کرد. با این اقدام، ژاپن اولین کشوری است که ورود این‌گونه مواد غذایی به بازار را آزاد اعلام می‌کند.^۵

استرالیا: شبیه‌سازی به قصد تولید مثل غیر جنسی انسان با تصویب قانون منع شبیه‌سازی انسان که از ۱۶ ژانویه ۲۰۰۳ قابلیت اجرایی یافت، ممنوع گردید. این قانون به گونه‌ای دقیق، علمی و با رعایت هنجارهای اخلاقی، رویه‌ها و تئوری‌های موجود را در زمینه شبیه‌سازی هماهنگ ساخت.^۶ اما در حال حاضر، سنای استرالیا به لغو تحریم چهار ساله بر شبیه‌سازی جنین انسانی برای انجام تحقیقات سلول‌های بنیادی رأی داده است. این تصمیم قرار است در اختیار مجلس نمایندگان این کشور قرار گیرد که در

۱. علی احمدی، امید، بررسی جنبه‌های اجتماعی و تحقیقات شبیه‌سازی و سلول‌های بنیادی، ص ۳۴؛

Feichtinger, Wilfried, "Statement of opinion on the subject of human reproductive cloning", Journal of assisted reproduction and genetics, Vol. 18, No.8, 2001, p: 471

2. pattinson, Shaund D., "Reproductive cloning: can cloning harem the clone?", p: 299

۳. میرزاده، شیرین، «کسی می‌آید کسی که دقیقاً مثل من است!»، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی: <http://www.zanan.co.ir/life/000088.html> (19 Apr 2005)

۴. میرزایی، مجید و الهام حاج صالحی، «هماندسازی انسان: معجونی از بیم و امید»، ص ۴۴

۵. «همتا سازی»، شماره ۵۰۰، ص ۲۹

۶. السان، مصطفی و زینب کنعانی، «تلاقی اخلاق، حقوق واقعیت در شبیه‌سازی انسان، ضرورت تحلیل منطقی و ایجاد تعادل اخلاقی زیستی»، ص ۱۷

صورت تصویب به صورت قانون درمی‌آید. سنای استرالیا با ۳۴ رأی موافق در مقابل ۳۲ رأی مخالف شبیه‌سازی با هدف درمان بیماری‌ها را که شامل برداشت هسته یک تخم انسانی نابارور و افزودن DNA به آن برای رشد در محیط‌های آزمایشگاهی است، مجاز اعلام کرد. دانشمندان این کشور با اعمال نفوذ بر قانون‌گذاران، خواستار لغو برخی محدودیت‌ها در خصوص تحقیقات سلول‌های بنیادی و صدور مجوز برای استفاده از روش شبیه‌سازی جنینی برای اهداف تحقیقاتی شدند. از زمان تصویب اولین قوانین در خصوص تحقیقات سلول‌های بنیادی در سال ۲۰۰۲، دانشمندان استرالیایی تنها مجاز بودند، سلول‌های بنیادی را از جنین‌های اضافی ایجاد شده به روش باروری آزمایشگاهی با مجوز از سوی کمیته تحقیقات سلولی صادرکننده مجوز وابسته به شورای ملی سلامت و تحقیقات پزشکی^۱ برداشت کنند. در همین سال، قانون دیگری نیز در مورد ممنوعیت شبیه‌سازی به تصویب رسید. از ویژگی‌های این قوانین این است که شبیه‌سازی درمانی را ممنوع اعلام کرده است.^۲

علاوه بر این، قانونی نیز در سال ۲۰۰۶ تصویب شد که هر چند شبیه‌سازی درمانی را مجاز دانست، اما شبیه‌سازی مولد انسان را ممنوع شمرد. این قانون از می سال ۲۰۰۷ قابل اجراست.^۳ این قانون نیز همچون قانون پیشین، به جای مشخص ساختن زمینه‌های مجاز فعالیت، قلمروهای ممنوع شده را به تفصیل بیان کرده است.

فعالیت‌های ممنوع به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروه اول فعالیت‌هایی را در بر می‌گیرد که در تمام شرایط ممنوع هستند؛ در حالی که در صورت اخذ مجوز برای فعالیت‌های دسته دوم، می‌توان به انجام آن‌ها مبادرت ورزید. در این قسمت با استفاده از روش پذیرفته شده در قوانین کشور استرالیا، ابتدا مواردی که در گروه اول قرار می‌گیرند و سپس موارد قابل درج در گروه دوم مطرح می‌شوند. ممنوعیت‌های گروه اول عبارتند از:

- ۱- قرار دادن جنین انسانی شبیه‌سازی شده در بدن انسان یا حیوان؛
- ۲- صادر کردن یا وارد کردن جنین انسانی شبیه‌سازی شده؛

1. Embryo Research Licensing Committee of the National Health and Medical Research Council (NHMRC)
2. Then, Shin-Ning, "Regulation of human stem cell research in Australia", Stem Cell Rev and Rep, No.5, 2009, p:2
3. Stewart, Cameron, "Recent Development in Law", Bioethical Inquiry, No.4, 2007, p:4

- ۳- ایجاد جنین انسانی برای هدفی غیر از باردار شدن یک زن؛
 - ۴- ایجاد یا متحول ساختن جنین انسانی با زایا کردنی که حاوی مواد ژنتیک فراهم آمده از سوی بیش از دو شخص باشد؛
 - ۵- متحول ساختن جنین انسانی در خارج از بدن برای مدتی طولانی‌تر از ۱۴ روز؛
 - ۶- ایجاد تغییرات قابل ارث بردن در ژنوم؛
 - ۷- به دست آوردن جنین انسانی از بدن زن که می‌تواند به حیات خود ادامه دهد؛
 - ۸- ایجاد یک جنین تشکیل شده از اجزای ژنتیک غیرمتشابه؛
 - ۹- ایجاد یک جنین دورگه (متشکل از گامت‌های حیوان و انسان)؛
 - ۱۰- قرار دادن جنین انسانی در بدن حیوان یا زن بدون در نظر گرفتن مسیر تولید مثلی باروری در بدن زن مورد نظر؛
 - ۱۱- صادر کردن، وارد کردن یا قرار دادن جنین ممنوع شده در بدن زن؛
 - ۱۲- انجام معاملات تجاری با تخمک، اسپرم یا جنین انسانی.
- فعالیت‌های زیر در ممنوعیت‌های گروه دوم قرار می‌گیرند:
- ۱- ایجاد جنین انسانی به طریقی غیر از تلقیح یا متحول ساختن جنین مزبور؛
 - ۲- ایجاد یا متحول ساختن جنین انسانی که حاوی مواد ژنتیک است به صورتی که منشأ آن مواد، بیش از دو نفر انسان باشد؛
 - ۳- استفاده از یاخته‌های اولیه جنین انسانی برای ایجاد یک جنین دیگر یا برای متحول ساختن جنین مزبور؛
 - ۴- ایجاد یک جنین دو رگه.^۱

روسیه: مجلس نمایندگان روسیه نیز به اتفاق آرا ممنوعیتی پنج ساله را درباره شبیه‌سازی انسان تصویب کرد. دوماي دولتی با اکثریت آرا علاوه بر ممنوعیت شبیه‌سازی، ممنوعیت صادرات و واردات جنین شبیه‌سازی شده انسان را نیز تصویب کرد. قانون‌گذاران دلیل این مخالفت را نگرانی از ناقص بودن تحقیقات در این زمینه و نیز پیامدهای زیست‌شناختی و اجتماعی ناشی از شبیه‌سازی انسان اعلام کردند.^۲

۱. امام، فرهاد، «ابعاد حقوقی- اخلاقی همسانه‌سازی»، پژوهش‌های حقوقی، سال ششم، شماره ۱۱، ۱۳۸۶،

صص ۲۴۵-۲۴۶

۲. «همتا سازی»، شماره ۵۰۰، ص ۲۸

آرژانتین: رئیس جمهور آرژانتین طی حکمی در ۷ مارس ۱۹۹۷ اعلام کرد که هرگونه آزمایش شبیه‌سازی در مورد افراد انسانی باید ممنوع شود و از وزرات بهداشت و فعالیت‌های اجتماعی این کشور خواست تا پیش‌نویس لایحه‌ای را در این زمینه تهیه کنند. در ماده یک این پیش‌نویس - به تاریخ ۱۷ آوریل ۱۹۹۷ - آمده است که «آزمایش‌های مربوط به شبیه‌سازی سلول‌های انسان به منظور تولید افراد انسانی ممنوع می‌گردد».^۱

چین: کشور چین نیز با طرح‌های شبیه‌سازی جنین انسان مخالفت کرد. دولت چین اعلام کرد که با هیچ‌یک از طرح‌های شبیه‌سازی جنین انسان موافقت نخواهد کرد. وزیر بهداشت چین صریحاً اعلام کرد فن‌آوری شبیه‌سازی جنین باید بر اساس اکتشافات علمی دقیق و تحت شرایط و قوانین شدید انجام شود.^۲ قبل از آن نیز در ماه مه ۱۹۹۷ آکادمی علوم چین انجام پژوهش روی شبیه‌سازی انسان را ممنوع کرد.^۳

نیوزیلند: شورای فن‌آوری زیستی نیوزیلند تصویب قانونی فوری در این زمینه را ضروری دانست تا از انجام چنین پژوهش‌هایی در خاک این کشور جلوگیری شود.^۴ شیلی: کمیسیون اخلاقیات، فرهنگ و تاریخ دانشکده پزشکی دانشگاه شیلی طی اعلامیه‌ای در مورد شبیه‌سازی انسان در ۲۲ آوریل ۱۹۹۷ با اشاره صریح به اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر که توسط یونسکو تدوین شده، مخالفت خود را با هرگونه پژوهش زیست‌پزشکی روی شبیه‌سازی انسان، حتی برای مقاصد پزشکی اعلام کرد.^۵

هند: در دسامبر ۱۹۹۷ شورای پژوهش‌های پزشکی هند یک سند مشورتی در مورد خط‌مشی‌های اخلاقی مربوط به پژوهش‌های زیست‌پزشکی روی افراد انسان منتشر کرد. بخش مربوط به ژنتیک اظهار می‌داشت که شبیه‌سازی از طریق کاشت هسته سلولی باید به طور قاطعانه از سوی قانون ممنوع شود.^۶

۱. «همانندسازی انسان ممنوع است»، ص ۱

۲. «همتا سازی»، شماره ۵۰۰، ص ۲۸

۳. «همانندسازی انسان ممنوع است»، ص ۱

۴. «همتا سازی»، شماره ۵۰۰، ص ۲۹

۵. «همانندسازی انسان ممنوع است»، ص ۱

۶. همان، ص ۲

زلاندنو: «سند فن‌آوری تولیدمثل انسان از طریق لقاح مصنوعی» که از اول ژانویه ۱۹۹۷ به اجرا گذاشته شد، چارچوبی قانونی برای محدودیت‌ها و نظارت بر تکنولوژی لقاح مصنوعی ایجاد می‌کرد و فقط فن‌آوری تولید مثل انسان از طریق لقاح مصنوعی را مجاز می‌دانست. از نظر این سند، شبیه‌سازی یکی از فعالیت‌های ممنوعی بود که تحت هیچ شرایطی نمی‌توانست مجاز شناخته شود.^۱

هنگ‌کنگ: در سال ۱۹۸۷ دولت هنگ‌کنگ کمیته‌ای را برای بررسی روش‌های کمک باروری نوین تأسیس کرد. این کمیته تمام جوانب مربوط به موضوع را بررسی نمود و لایحه‌ای را در این زمینه در سال ۱۹۹۷ ارائه داد که در سال ۲۰۰۰ به تصویب رسید. ماده یک بخش ۱۵ این قانون ممنوعیت بعضی فعالیت‌ها را به شرح ذیل بیان کرد:

۱- ایجاد رویان با هدف تحقیقات؛

۲- ایجاد جنین دو رگه یعنی ترکیب گامت انسان و گامت حیوان؛

۳- نگهداری یا استفاده از جنین پس از آغاز تقسیم جنینی؛

۴- قرار دادن رویان یا جنین غیر انسان در رحم انسان؛

۵- قرار دادن رویان یا جنین انسان در رحم غیر انسان؛

۶- شبیه‌سازی انسان؛

۷- جایگزینی هسته سلول دیگر به جای هسته سلول جنین.^۲

تونس: به درخواست وزیر بهداشت، کمیته ملی اخلاق پزشکی به بررسی مسأله شبیه‌سازی پرداخت. به دنبال مذاکرات مقدماتی، بخش فنی کمیته به این نتیجه رسید که هرگونه فن‌آوری شبیه‌سازی انسان باید تحریم شود. کمیته مزبور این فن‌آوری را تجاوزی به همه مراجع در حوزه تولید مثل انسان و حیثیت نوع بشر و مجوزی برای هر نوع انحراف دانست.^۳

تایوان: در تایوان نیز لایحه ممنوعیت به تصویب رسید. در عین حال، تایوان علاقه فراوانی به توسعه صنایع نوپای خود مبنی بر فن‌آوری زیستی (بیوتکنولوژی) دارد.^۴

۱. «هماندسازی انسان ممنوع است»، ص ۲

2. Liu, Athena, "Human Embryo cloning prohibited in Hong Kong", Journal of assisted reproduction and Genetics, Vol.22, No.11/12, 2005, pp.: 371-372

۳. «هماندسازی انسان ممنوع است»، ص ۲

۴. «هماندسازی و مخالفت آسیا»، انتخاب، ۸۰/۵/۳۱

مالزی: مالزی نیز شبیه‌سازی انسان را غیراخلاقی و غیرقابل قبول دانست^۱ و اینک سرگرم بررسی لوایحی برای ممنوعیت شبیه‌سازی آدمی است.^۲

مصر: شبیه‌سازی حتی برای مقاصد درمانی در حال حاضر بر اساس مقررات وضع شده به وسیله «اتحادیه پزشکی مصر ممنوع است. این سازمان هم‌چنین استفاده از رویان‌های انسانی برای مقاصد تجربی را ممنوع اعلام کرده است. به این ترتیب، در مصر تنها پژوهش بر روی سلول‌های پایه غیرجنینی با استفاده از منابعی مانند خون بند ناف مجاز است.^۳

بلژیک: بلژیک یکی از آخرین کشورهایی است که به قانون‌گذاری در زمینه روش‌های کمک باروری پرداخته است. در این کشور، قانون تحقیقات بر روی رویان در سال ۲۰۰۳ به تصویب رسید که تمامی انواع تحقیقات با هدف درمانی را مجاز شمرد. این قانون، تحقیقات با هدف ژن درمانی، ایجاد رویان برای انجام تحقیقات بر روی آن، استفاده از سلول‌های بنیادی و شبیه‌سازی درمانی را مجاز دانسته است. از سوی دیگر، شبیه‌سازی مولد انسان، تعیین جنسیت نوزاد بدون دلیل پزشکی و فعالیت‌های پزشکی با هدف اصلاح نژاد را ممنوع اعلام کرده است.^۴

آمریکا: بر اساس چارچوب اخلاقی و سیاسی، در مورد فرآیندهای تحقیقاتی و تجربی که در دهه ۱۹۷۰ در آمریکا پذیرفته شده است، سه اصل اساسی باید مدنظر باشد: احترام به اشخاص، کرامت انسانی و عدالت. با این حال، طبق قوانین این کشور «مادر می‌تواند هر چه بخواهد با جنین خود بکند و اگر بخواهد آن را سقط کند یا برای تحقیقات (مثلاً تحقیقات سلول‌های بنیادی) بدهد، آزاد است».^۵

کنگره آمریکا در سال ۱۹۹۵ با تصویب طرحی مقرر کرد، دولت نباید تأمین مالی تحقیقاتی را که در آن جنین انسان نابود می‌شود، به عهده گیرد.^۶ کلیتون رئیس جمهور

۱. «همتا سازی»، شماره ۵۰۰، ص ۲۸

۲. «همانند سازی و مخالفت آسیا»، ص ۱

۳. دابو، کریس، «کشورهای مسلمان و سلول‌های بنیادی»، ترجمه علی ملائکه، شرق، بهمن ۱۳۸۴، ص ۱

4. Pennings, G., "New Belgian Law on research on human embryos: Trust in progress through medical science", Journal of Assisted Reproduction and Genetics, Vol.20, No.8, 2003, p:346

۵. علی احمدی، امید، بررسی جنبه‌های اجتماعی و تحقیقات شبیه‌سازی و سلول‌های بنیادی، ص ۳۶

6. Harris, John, "Stem cells, Sex, and procreation", Bioethics, an Anthology, Australia: Black well Publishing, 2006, p:549

اسبق آمریکا در ۲۴ فوریه ۱۹۹۷ از کمیسیون ملی مشورتی اخلاق زیستی خواست تا مسائل حقوقی و اخلاقی مربوط به کاربرد فن‌آوری جدید شبیه‌سازی را بررسی کند. کمیسیون در گزارش ژوئن ۱۹۹۷ خود چنین نتیجه‌گیری کرد که «در حال حاضر اخلاقاً پذیرفتنی نیست که هیچ‌کس در بخش دولتی یا خصوصی، در زمینه پژوهشی یا بالینی، به تولیدمثل با روش انتقال سلول‌های غیرجنسی اقدام کند». هم‌چنین در ۹ ژوئن ۱۹۹۷، کلیتون «قانون منع شبیه‌سازی ۱۹۹۷» را به کنگره پیشنهاد کرد. در ژانویه ۱۹۹۸ انجمن پزشکی تولیدمثل آمریکا (ARSM) لایحه‌ای برای منع شبیه‌سازی انسان زنده یا مرده برای دوره محدود و معین ارائه کرد.^۱

در سال ۲۰۰۱ جورج بوش، رئیس‌جمهور این کشور اعلام کرد که بودجه دولتی تنها در اختیار تحقیقاتی گذاشته خواهد شد که از ۶۱ مجموعه پایدار موجود سلول‌های پایه جنینی استفاده کنند. پس از آن، بوش ادعای یک شرکت تحقیقاتی آمریکایی مبنی بر شبیه‌سازی اولین جنین انسانی را محکوم کرد و بر تنظیم لایحه ممنوعیت این عمل برای بررسی در کنگره اصرار ورزید. بعد از این، دو لایحه رقیب وارد صحنه سنا شدند: لایحه براون بک که در صورت تصویب، شبیه‌سازی انسان که شامل به وجود آوردن رویان‌های انسانی شبیه‌سازی شده است، متوقف می‌شد، و لایحه هیچ ناپیستانین که آشکارا تولید رویان‌های انسانی شبیه‌سازی شده را تأیید و تبلیغ می‌کرد. لایحه هیچ ناپیستانین هیچ شانس برای تصویب در مجلس نداشت و در واقع از ابتدای مطرح شدن‌اش بسته شده بود.^۲

مهم‌ترین بحثی که در این مورد در ایالت متحده وجود دارد. بحث بر سر تخصیص بودجه دولتی به تحقیقات سلول‌های بنیادی رویانی است. لازم به ذکر است که چنین تحقیقاتی به خوبی و به سرعت و با استفاده از سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌های خصوصی در حال انجام هستند.

۱. دابو، کریس، «کشورهای مسلمان و سلول‌های بنیادی»، ص ۱؛

Morgan, Rose M., *The genetic revolution, history fears and future of a life-altering science*, pp.: 184-185

۲. پل، جانانان، ۱۳۸۳، «عصر هم‌سازی»، ترجمه مه‌دیار حمیدی، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی: <http://www.bashagh.net/modules.php?name=News&file=archive&sid9691> (19 apr 2005)

؛ «ترک اخلاق زیستی»، ابرار، ۸۴/۱/۲۴

پس از بحث‌های طولانی بر سر جنبه‌های اخلاقی آزمایش روی سلول‌های بنیادی رویانی، امروزه چهار خط‌مشی از سوی مسئولان آمریکا پیشنهاد می‌شود:

- پیشنهاد برخی نمایندگان مجلس آمریکا که بنا بر آن، هیچ‌گونه بودجه فدرالی برای ایجاد یا تحقیق روی دودمان‌های سلولی رویانی نباید اختصاص یابد.

- بودجه فدرال برای ایجاد و تحقیقات روی دودمان‌های سلولی رویانی، تحت دستورالعمل‌های اخلاقی خاص، اختصاص یابد؛ این توصیه‌ای است که توسط کمیسیون مشورتی اخلاق زیستی^۱ مطرح شده است.

- تخصیص بودجه فدرال به تحقیقاتی که روی دودمان‌های سلولی رویانی انجام می‌شوند. این دودمان‌ها باید توسط بودجه‌های بخش خصوصی یا غیرفدرال، تحت دستورالعمل‌های اخلاقی خاص تهیه شده باشند. این موضوع پیشنهادی است که توسط «مؤسسه ملی سلامت»^۲ ارائه شده است. سیاست و خط‌مشی جاری در این سازمان، که مهم‌ترین تأمین‌کننده بودجه مراکز تحقیقاتی پزشکی در ایالات متحده آمریکا است، ایجاد تمایز بین «ایجاد» و «استفاده» از سلول‌های بنیادی رویانی است.

- خط‌مشی رئیس جمهور آمریکا که بر اساس آن، بودجه فدرال تنها به تحقیقاتی تعلق می‌گیرد که با استفاده از دودمان‌های سلولی انجام شوند که از رویان‌های مربوط به قبل از ۱۹ آگوست سال ۲۰۰۱ به دست آمده باشند. این رویان‌ها که حاصل لقاح خارج رحمی هستند، باید قبل از این تاریخ و توسط بودجه‌های بخش خصوصی تولید شده باشند. تهیه دودمان‌های سلولی، باید دارای ملزومات اخلاقی خاصی شامل رضایت کامل زوج‌های دهنده این رویان‌ها باشد و هیچ‌گونه تشویق و ترغیب مالی و غیرمالی هم در بین نباشد.

به گفته «جورج بوش» خط‌مشی چهارم اجازه می‌دهد که از پتانسیل سلول‌های بنیادی استفاده شود، بدون آن‌که نیازی به عبور از مرزهای اخلاقی باشد. با این حال، دو نظر مختلف وجود دارد: یکی خواهان تخصیص سریع‌تر بودجه به تحقیقات سلول‌های بنیادی رویانی به منظور درمان است و دیگری که توسط اسقف‌های کاتولیک بیان شده است، مخالف هرگونه تحقیق بر روی رویان است.

1. NBAC: National Bioethics Advisory Commission

2. National Institute of Health

در ایالات متحده آمریکا، برای جلوگیری از مشکلات اخلاقی که ناشی از تحقیقات درباره پیوند اعضای جنین‌های سقط‌شده برای درمان بعضی بیماران است، چندین حفاظ اخلاقی لحاظ شده است تا زنان باردار برای سقط جنین تشویق نشوند (جنین، رویانی است که بیش از ۶ هفته عمر دارد). به عنوان مثال، مرحله اخذ رضایت از والد برای انجام سقط جنین، باید کاملاً جدا از مرحله رضایت گرفتن برای اهدای بافت‌های جنینی برای تحقیقات باشد. هم‌چنین شخص اهداکننده جنین نباید آن را به گیرنده‌ای خاص تخصیص دهد. به عقیده NIH و NBAC می‌توان چنین قوانینی را به تحقیقات سلول‌های بنیادی رویانی هم تعمیم داد.

یکی از آخرین تصمیم‌های «جرج بوش» در مورد تحقیقات سلول‌های بنیادی رویان، این بود که بودجه فدرال برای تحقیقات سلول‌های بنیادی رویانی که توسط بخش خصوصی «ایجاد» شده است، اختصاص یابد. او به روشنی بر منع استفاده از این بودجه برای تولید سلول‌های بنیادی رویانی تأکید کرد؛ زیرا این فرآیند مستلزم تخریب رویان‌های انسانی است که با اختصاص بودجه فدرال ممنوع است.

تحقیقاتی که گزارش مختصر آن‌ها در صفحه‌های ۲۳ و ۲۲ نشریه نیوزویک در ششم ژوئن ۲۰۰۵ منتشر شده است، به نکات زیر اشاره دارد:

الف) درباره بعد اخلاقی تحقیقات سلول‌های بنیادی رویانی، ۳۳ درصد افراد بررسی شده، آن را غیرقابل پذیرش، ۶۰ درصد قابل پذیرش دانسته‌اند و ۴ درصد بدون نظر بوده‌اند.

ب) در مورد میزان تحدید و ممنوعیت، ۱۴ درصد با توقف کامل همه اقدامات، ۲۴ درصد با حفظ وضعیت موجود، ۴۲ درصد با سطح پایین‌تری از آن و ۱۱ درصد نیز با هیچ کدام از اقدامات موافق نبوده‌اند. در ضمن ۴ درصد بدون نظر بوده‌اند.^۱

قوانین ایالت‌های آمریکا درباره شبیه‌سازی

آریزونا: در قانون ایالتی HB2221، صرف بودجه دولتی برای شبیه‌سازی درمانی و شبیه‌سازی مولد انسان ممنوع است.

آرکانزاس: در قانون ایالتی 1004 to 1001-16-20، هر دو نوع شبیه‌سازی ممنوع اعلام شده است و مجازات‌هایی از جمله جریمه به میزان ۲۵۰ هزار دلار برای آن‌ها در نظر گرفته شده است.

کالیفرنیا: در قانون ایالتی مربوط به تجارت 5-16004 و در قانون ایالتی مربوط به امنیت و سلامت 24185، 244181، 24189 و 7-12115 در این ایالت، شبیه‌سازی مولد ممنوع دانسته شده است، ولی شبیه‌سازی درمانی ممنوع نیست و در عین حال، خرید و فروش اووم، زیگوت، و رویان برای شبیه‌سازی مولد انسان نیز در این قانون ممنوع است و برای آن، مجازات‌هایی تعیین شده است.

کنتاکی: در قانون ایالتی 934 SB 2005، نیز شبیه‌سازی مولد انسان ممنوع اعلام شده و مجازات‌هایی از جمله مجازات نقدی تا ۱۰ هزار دلار و مجازات کیفر زندان تا ۱۰ سال و یا هر دو پیش‌بینی شده است. در عین حال، شبیه‌سازی درمانی، مجاز شناخته شده است.

ایندیانا: در قانون ایالتی 268، هر دو نوع شبیه‌سازی ممنوع اعلام شده است. در این ایالت نیز خرید و فروش اووم، زیگوت و رویان نیز ممنوع اعلام شده است، در ضمن، صرف بودجه دولتی برای هر دو نوع شبیه‌سازی نیز ممنوع اعلام گشته است.

ایوآ: در قانون ایالتی 4 to B.1 707، هر دو نوع شبیه‌سازی ممنوع اعلام شده است. هرگونه عملیات در این زمینه ممنوع است و مجازات‌هایی نیز برای متخلفان در نظر گرفته شده است.

مری‌لند: در قانون ایالتی 144 SB 2006، شبیه‌سازی درمانی مجاز دانسته شده، اما شبیه‌سازی مولد انسان ممنوع است و مجازات‌هایی از جمله مجازات کیفری حبس تا سه سال و مجازات نقدی تا سقف ۵۰ هزار دلار و یا هر دوی آن‌ها برای شبیه‌سازی مولد انسان در نظر گرفته شده است.

ماساچوست: در قانون ایالتی 2039 SB 2005، شبیه‌سازی درمانی مجاز دانسته شده است، اما شبیه‌سازی مولد انسان ممنوع است. کلیه خرید و فروش در ارتباط با شبیه‌سازی مولد انسان نیز ممنوع است.

میشیگان: در قوانین ایالتی، شبیه‌سازی درمانی و مولد انسان ممنوع اعلام شده و برای متخلفان هم مجازات نقدی و هم کیفری تعیین شده است. قوانین این ایالت، تمامی تحقیقاتی را که منجر به تخریب رویان‌ها می‌شود، ممنوع اعلام کرده و هم‌چنین، استفاده از فن‌آوری انتقال هسته سلول سوماتیک یا SCNT را غیر قانونی دانسته است.^۱

میسوری: در قانون ایالتی 1.217، صرف هزینه برای شبیه‌سازی مولد انسان ممنوع دانسته شده است، ولی شبیه‌سازی درمانی قانونی است.

نیوجرسی: در قانون ایالتی 1-11A-2C:22-26، شبیه‌سازی درمانی قانونی است، ولی شبیه‌سازی مولد انسان و خرید و فروش مرتبط با آن ممنوع دانسته شده و برای آن مجازاتی تعیین شده است.

داکتای شمالی: در قانون ایالتی 12.1-39، هر دو نوع شبیه‌سازی ممنوع است و برای آن مجازات‌هایی را تعیین کرده‌اند که از جمله تخلفات درجه یک به شمار می‌رود. **جزیره رود:** در قانون ایالتی 4-1 to 4-23، شبیه‌سازی درمانی، مجاز و شبیه‌سازی مولد انسان، ممنوع است. مجازات‌هایی نیز از جمله جزای نقدی برای متخلفان تعیین شده است.

داکتای جنوبی: در قانون این ایالت هر دو نوع شبیه‌سازی ممنوع است. **ویرجینیا:** در قانون این ایالت وضعیت قانونی شبیه‌سازی درمانی مشخص نیست؛ زیرا تعریف مشخصی از آن ارائه نشده است. لیکن شبیه‌سازی مولد انسان و هرگونه مالکیت و خرید و فروش مربوط به آن نیز ممنوع است و برای آن مجازات نقدی تا سقف ۵۰ هزار دلار تعیین شده است.^۱

آلاباما: قانون S.B.511، شبیه‌سازی مولد را ممنوع نموده است.^۲ **فلوریدا:** قانون مصوب این ایالت، شبیه‌سازی مولد انسان و همچنین فرآیند انتقال هسته سلول سوماتیک را محدود و ممنوع اعلام نموده است، ولی تحقیقات بر روی سلول‌ها بنیادی را محدود کرده است.^۳

1. available at:

<http://www.ncsl.org/programs/health/cenetics/rt-shcl.htm> (19 Jun 2006)

and Feder, Jody, "State law on human cloning", available at:

<http://www.usembassy.at/en/download/pdf/human-clone.pdf> (19 Jun 2006)

2. Andrews, Lori B., "Cloning human beings: The Current and future legal status of cloning", p:24

3. Ibid

جمع‌بندی مطالب بخش دوم:

- عالمان یهود در زمینه شبیه‌سازی درمانی سه دیدگاه متفاوت ارائه کرده‌اند: عده‌ای از آنان با ارائه دلیل معتقدند که شبیه‌سازی درمانی یا تحقیقات در این زمینه با هدف درمان بیماری‌ها امری واجب، حکم و فرمان خداوند است؛ زیرا آموزه‌های تورات، ارزش فراوانی برای زندگی بشر قرار داده‌اند. عده‌ای دیگر از عالمان یهود معتقدند که شبیه‌سازی درمانی جایز است؛ زیرا در آموزه‌های یهود، رویان از شرایط انسان کامل و حمایت‌های قانونی از او برخوردار نیست. گروه دیگری از عالمان یهود نیز تحقیقات مذکور را ممنوع می‌دانند و بیان می‌دارند که فراوانی مرگ رویان‌ها و نواقص موجود در تحقیقات، اصل اخلاقی لزوم عدم ورود ضرر به انسان را خدشه‌دار می‌کند.

- در شبیه‌سازی مولد انسان نیز، عالمان یهود دیدگاه یکسانی را اتخاذ نکرده‌اند: گروهی از آنان با ارائه دلایلی مانند اختلال در نظام خانواده، نقش‌ها و وظایف آن، تعارض شبیه‌سازی با لزوم نیاز به تنوع بیولوژیک میان انواع بشر، حرمت بازی نمودن نقش خدا، حرمت مداخله بیش از اندازه در روند طبیعی زاد و ولد، خطر خودپرستی و کالا و محصول شدن انسان، شبیه‌سازی انسان را ممنوع دانسته‌اند. اما عده‌ای دیگر از خاخام‌های یهود، شبیه‌سازی انسان را مجاز می‌دانند و این ادله را برای نظر خویش اقامه می‌کنند: عدم وجود دلیل بر حرمت شبیه‌سازی در منابع دینی یهود، تقلید از خدا در شبیه‌سازی آدم و حوا، استفاده از شبیه‌سازی به عنوان روش درمان برای زوجین نابارور و عدم تصریح قوانین یهود به الزام به روش تولیدمثل جنسی.

- در آیین ارتدوکس، شبیه‌سازی حیوان جایز و بدون اشکال است، اما شبیه‌سازی درمانی غیرمجاز شمرده شده است.

- در آیین ارتدوکس، شبیه‌سازی مولد انسان به ادله تعارض با تصویر خدایی انسان، نقض روابط مقدس خانوادگی، شیء شدن انسان، احتمال سوءاستفاده از شبیه‌سازی

انسان، تولید انسان‌ها با هدف تولید اعضای بدن، تجاری شدن DNA انسان و تلاش برای ایجاد ابرانسان‌ها غیرمجاز شناخته شده است.

- مذهب پروتستان که بر خلاف آیین کاتولیک، از همان آغاز دچار انشعابات مختلفی شده بودند. به طور کلی دارای چهار شاخه اصلی و بزرگ به نام‌های کلیسای لوتری، کلیسای کالونی، انگلیکن یا کلیسای انگلستان و پروتستانتسیم لیبرال است و سایر گروه‌ها و فرقه‌ها به نوعی به یکی از شاخه‌های اصلی باز می‌گردند. از سایر فرق این مذهب می‌توان به تعمیدگرایان یا آناپتیست‌ها، منوایت‌ها، آمیش‌ها، مورمورن‌ها، کوایرها، شاهدان یهوه، کلیسای متحده و پنتیکاستالیسم اشاره کرد. اما در بحث شبیه‌سازی، از آن‌جا که این بحث بسیار پررنگ‌تر در میان پروتستان‌های آمریکا مطرح شده تا پروتستان‌های سایر نقاط دنیا، تقسیم‌بندی جدیدی ارائه می‌شود. بنابراین، در این مبحث، مسأله شبیه‌سازی به ترتیب در فرقه‌های ایوانجلیک‌های محافظه‌کار، شاخه اصلی پروتستان (شامل تعمیدگرایان، کلیسای کالونی، کلیسای لوتری ایوانجلیک، کلیسای متحده، کلیسای متحده متدیست‌ها، انگلیکن‌های آمریکا و حواریون مسیح است) بررسی شد و سپس به بحث از شبیه‌سازی در سایر فرقه‌ها چون فرقه پروتستان‌های لیبرال، انگلیکن‌های استرالیا و کلیسای لوتری - شورای کلیسای میسوری آمد. از دیدگاه فرقه ایوانجلیک‌های محافظه‌کار، شبیه‌سازی انسان نیز به ادله حذف جنبه مقدس زندگی و شخصیت انسان، وجود خطر در فرآیند شبیه‌سازی، تبدیل شدن فرآیند تولید مثل به صنعت، فروپاشی بنیان خانواده و از بین رفتن روابط پدری، مادری و فرزندی و تعارض با تصویر خدایی انسان مجاز نیست. از دیدگاه شاخه اصلی پروتستان، شبیه‌سازی مولد انسان نیز به ادله فروپاشی بنیان خانواده، احتمال سوءاستفاده مردم از آن، استفاده زنان از این فرآیند، به مخاطره افتادن تنوع زیستی انسان‌ها، تهاجم به حیطه خصوصی افراد و اهداف انسانی و غیرالهی مورد نظر این فرآیند غیر مجاز شناخته شده است. دیدگاه فرقه لیبرال، درباره شبیه‌سازی مولد انسان چندان روشن به نظر نمی‌رسد. انگلیکن‌های استرالیا شبیه‌سازی مولد انسان را ممنوع اعلام نموده‌اند، اما به گونه‌ای واضح از ادله خود سخنی به میان نیاورده‌اند. اما پس از مطالعه بیانیه‌های آنان، باید اذعان کرد که ایشان نیز با استناد به ادله‌ای چون فردیت، حذف جنبه‌های مقدس زندگی انسان (خلقت در شکل و صورت خداوند و لقاح طبیعی جنین و شروع

رشد آن)، شبیه‌سازی مولد را ممنوع اعلام کرده‌اند. کلیسای لوتری - شورای کلیسای میسوری نیز شبیه‌سازی مولد انسان را ممنوع اعلام نموده و با استناد به ادله‌ای چون حق منحصر به فرد بودن هویت ژنتیک افراد و هم‌چنین حمایت از حقوق فرد شبیه‌سازی شده، شبیه‌سازی مولد انسان را نیز ممنوع شمرده‌اند.

- از نظر کلیسای کاتولیک، هر دو نوع شبیه‌سازی (درمانی - مولد انسان) ممنوع است و کلیسای کاتولیک حتی شبیه‌سازی درمانی را غیراخلاقی‌تر می‌شمارد. در این راه ادله‌ای نیز اقامه می‌کند که از آن جمله است:

۱- احتمال شکست و ناکامی از نظر علمی ۲- ضرورت تولیدمثل جنسی برای ایجاد فرد جدید ۳- تحمیل هویت خود به فرد شبیه‌سازی شده ۴- غصب جایگاه خداوند و خدایی کردن ۵- نقض کرامت انسان ۶- نقض حقوق کودک برای داشتن والدین ۷- تنزل انسان به شیء ۸ - مغایرت با حق ناآگاهی و جهل به آینده ۹- امکان سوءاستفاده‌های مختلف ۱۰- فروپاشی نهاد خانواده ۱۱- کم‌رنگ‌تر شدن نقش مرد ۱۲- ایجاد بی‌عدالتی منحصر به فرد در جهان ۱۳- ایجاد گناه خودپرستی و غرور در انسان با توسل به شبیه‌سازی آن.

- اما در اسلام، در مذهب امامیه همه مراجع تقلید در پاسخ به استفتایی مبنی بر حکم شرعی شبیه‌سازی حیوان زنده توسط تکثیر سلول‌های آن، فتوای جواز صادر کرده‌اند.

- در میان علمای امامیه، در مورد حکم شبیه‌سازی انسان اتفاق نظر وجود ندارد و نظرات مختلفی در این باره اظهار شده است: (۱) جواز مطلق (۲) جواز مشروط (۳) حرمت ثانوی (۴) حرمت مطلق.

- برخی از فقها و صاحب‌نظران به دلیل نبود نص روشن که بر حرمت شبیه‌سازی انسانی دلالت کند و هم‌چنین به استناد اصالة اباحه و به استناد قاعده «کل شیء لک حلال حتی تعلم أنه حرام بعینه فتدعه»، شبیه‌سازی انسانی را مجاز شمرده‌اند، از جمله این مراجع می‌توان به افراد ذیل اشاره کرد: آیات عظام سیستانی، موسوی اردبیلی، نوری همدانی، روحانی، علامه فضل الله، محمد سعید حکیم، موسوی سبزواری، موسوی تبریزی، سید محسن تبریزی، عبایی خراسانی، جناتی، مؤمن و هم‌چنین شهید مطهری.

- برخی بر اساس نصوص موجود، به استناد اصل اولی در این مورد، شبیه‌سازی انسانی را مجاز شمرده‌اند، اما بر این نظرند که انجام گسترده شبیه‌سازی انسانی مشکلاتی فراهم می‌آورد، مانند وجود افراد همانند و دشواری بازشناسی آنان از یکدیگر؛ در نتیجه، آنان حکم به جواز موردی و فردی داده‌اند و آن را در سطح کلان غیرمجاز شمرده‌اند، از جمله این افراد می‌توان به آقای جواهری اشاره کرد.

- برخی از عالمان و فقهای امامیه بر این نظرند که شبیه‌سازی انسانی فی نفسه به عنوان اولی خود اشکالی ندارد و به استناد اصله اباحه جایز است؛ لیکن انجام آن به مفاسدی اجتناب‌ناپذیر خواهد انجامید. از این رو برای پیش‌گیری از این مفاسد، شبیه‌سازی انسانی به عنوان ثانوی حرام به شمار می‌رود. از جمله این فقها می‌توان به آیات عظام سید کاظم حائری، صادق شیرازی، مکارم شیرازی، صانعی، بیات و فاضل لنکرانی اشاره کرد.

- در برابر سه نگرش فوق، دیدگاه چهارمی نیز مطرح شده است که قائلان به آن بسیار اندک هستند. این دیدگاه بسیار نزدیک به نظر اهل سنت است و بنا بر آن، شبیه‌سازی به عنوان اولی حرام است. از جمله این فقها می‌توان به علامه محمد تقی جعفری، آیت الله تبریزی، علامه محمد مهدی شمس الدین، آیت الله صافی گلپایگانی، شاهرودی و بهجت اشاره کرد.

- قائلان به حرمت مطلق شبیه‌سازی، ادله زیر را در دفاع از نظر خود ارائه می‌دهند: تغییر خلق الله، اصله الحرمة، عدم مالکیت بر جسد و تفرقه میان زن و شوهر.
- قائلان به حرمت ثانوی معتقدند که شبیه‌سازی به دنبال خود مسائل اخلاقی، اجتماعی و حقوقی بسیاری را به همراه می‌آورد، پس به عنوان ثانوی حرام می‌گردد.
- فقهای امامیه در مورد شبیه‌سازی درمانی، سه نظر را اتخاذ کرده‌اند: جواز مطلق، جواز مشروط و عدم جواز مطلق.

- علمای اهل سنت، و بسیاری از سازمان‌های اسلامی بر جواز شبیه‌سازی در حیوان و گیاه از یک سو و بر حرمت آن در انسان از سوی دیگر اتفاق نظر دارند.
- علمای اهل سنت، در حرمت شبیه‌سازی مولد انسان ادله بسیاری اقامه کرده‌اند که شامل موارد زیر است:

۱- لزوم تولیدمثل جنسی ۲- اختلاط انساب ۳- ابهام در روابط خویشاوندی ۴- ابهام در نفقه و ارث ۵- از بین رفتن نهاد ازدواج و نابودی خانواده ۶- از بین رفتن مفهوم مادری ۷- از بین رفتن مفهوم پدری ۸- امکان شکل‌گیری روابط نامشروع ۹- گسترش و ترویج همجنس‌گرایی ۱۰- سوء استفاده مجرمان.

- علمای اهل سنت در مورد شبیه‌سازی درمانی دو رویکرد را اتخاذ نموده‌اند:

۱- جواز ۲- عدم جواز

- اسناد بسیار زیادی در زمینه شبیه‌سازی از سوی جامعه بین‌المللی نگاشته شده است که در همه آن‌ها، شبیه‌سازی انسان ممنوع دانسته شده است، ولی در تعدادی از آن‌ها راجع به شبیه‌سازی درمانی هیچ موضعی اتخاذ نشده است.

- بر اساس آمار، جولای سال ۲۰۰۴ یونسکو، تاکنون ۳۰ کشور مقرراتی را به تصویب رسانده‌اند و یا فرمان‌هایی صادر کرده‌اند که به طور صریح یا ضمنی شبیه‌سازی مولد انسان را ممنوع قلمداد می‌کند؛ یعنی ۲۳ کشور قانون خاص تصویب کرده‌اند، ۷ کشور تفسیر جدیدی از قوانین موجود خود ارائه نموده‌اند و حدود ۲۰ کشور هم در حال بررسی مقررات خود با هدف ممنوع نمودن شبیه‌سازی مولد انسان هستند و هیچ کشوری تاکنون شبیه‌سازی مولد انسان را مجاز اعلام نکرده است.

- پس از بررسی دیدگاه حقوق‌دانان اسلامی و فقیهان در مورد ابتدای شخصیت و پس از بررسی قوانین مربوط به سقط جنین در حقوق جمهوری اسلامی ایران می‌توان چنین نتیجه گرفت که رویکرد اتخاذی از سوی قوه قانون‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در رابطه با این موضوع، جواز این امر خواهد بود. با بررسی جرم، عناصر و شرایط آن در قانون ایران و انطباق این موارد با شبیه‌سازی مولد انسان می‌توان چنین نتیجه گرفت که قانون‌گذار اسلامی می‌تواند در راه جرم‌انگاری شبیه‌سازی مولد انسان گام بردارد و آن را به عنوان جرمی مسلم تلقی نماید.

بخش سوم: آثار، پی آمدها و عواقب حقوقی شبیه سازی

فصل نخست: آثار، پی آمدها و عواقب حقوقی شبیه‌سازی درمانی

همان‌طور که در بخش اول گفته شد، از سلول‌های بنیادی می‌توان در ترمیم اعضای بدن فرد استفاده کرد. این امر به خاطر خصوصیتی است که این سلول‌ها دارا هستند. سلول‌های بنیادی چند پتانسیلی هستند؛ یعنی قابلیت تبدیل به بافت‌های مختلف را دارند، اعم از بافت عصبی، عضلانی، پوشش و غیره. این توانایی محور اصلی توجه به سلول‌های بنیادی است. منابع اصلی سلول‌های بنیادی شامل مغز استخوان، بندناف و جفت جنین است. از سوی دیگر، ذخایر اعضا برای برآوردن نیاز فزاینده بیماران کافی نیست. به همین جهت، سلول‌های بنیادی یکی از منابع مهم در پیوند اعضا به شمار می‌رود و در آینده از اهمیت بسیاری برخوردار خواهد شد. برای بسط و توسعه مطلب، باید در این مبحث به طرح موضوعاتی مانند حق مالکیت بر بدن و گیرنده پیوند سلول‌های بنیادی که می‌تواند خود فرد باشد یا دیگری، پردازیم.

۱-۱. حق مالکیت بر بدن در ادیان ابراهیمی

دیدگاه ادیان ابراهیمی درباره مالکیت بر بدن تقریباً به هم نزدیک است که در ذیل بررسی می‌شود:

۱-۱-۱. حق مالکیت بر بدن در دین یهود

در دین یهود، بدن انسان به خالق آن تعلق دارد و در واقع ودیعه‌ای است که به انسان سپرده شده است تا از آن محافظت نماید. پس وی حق ندارد به آن آسیبی برساند. این بدن باید به صاحبش بازگردانده شود، همان‌گونه که در اختیار انسان گذاشته شده است. علاوه بر این، همان‌طور که گفته شد، انسان با تصویر الهی خلق شده و مثل اوست. هرگونه تعرض به بدن، تعرض به خدا تلقی می‌شود.

اصول عمومی و حقوق، بسیاری از امور را اداره می‌کنند، همچون ممنوعیت قطع عضو و تنو، و وجوب حفظ خود از بیماری‌ها با رعایت بهداشت. این اصول چه در

دوران زندگی و چه پس از مرگ، مانع از تعرض به بدن انسان می شود.^۱ با این دیدگاه، هرگونه دخل و تصرف در بدن مردود است، اما نکته اساسی این جاست که دین یهود، به درمان بیماری ها اهمیت بسیاری می دهد و آن را واجب می شمرد. بنابراین، به دست آوردن سلول بنیادی از سلول بالغ به طریق اولی از نظر عده ای که به دست آوردن سلول بنیادی از جنین را جایز یا واجب شمرده اند، جایز یا واجب است. در تعارض میان این ادله، شفا و درمان بیماران مقدم بر تصرف در بدن است.

۱-۲. حق مالکیت بر بدن در دین مسیحیت

طبق آموزه های دین مسیحیت، انسان وجودی معنوی دارد که از بدن به اضافه روح تشکیل یافته است. بنابراین، بدن به عنوان امری الحاقی به شخصیت ذاتی نیست، بلکه بدن جزئی از شخصیت است؛ زیرا انسان وجود مادی نیز دارد. سنت های مسیحیت ارزش فوق العاده ای برای وجود مادی انسان (بدن) قائل است. بر اساس آموزه های دین مذکور، این جمله که ما مالک بدن هایمان هستیم، صحیح نیست، بلکه باید گفت ما بدن هایمان هستیم. جسم یکی از راه هایی است که اغراض اصلی خداوند و خالق انسان ها را بیان می کند.^۲ با این دیدگاه، هرگونه دخل و تصرف در بدن مردود است؛ اما نکته اساسی این جاست که چرا آیین مسیحیت شبیه سازی درمانی با سلول بالغ را مجاز می داند، در حالی که با سایر تصرفات مانند اهدای عضو مخالف است.

۱-۳. حق مالکیت بر بدن در دین اسلام

برای دستیابی به دیدگاه دین اسلام درباره حق مالکیت بر بدن، لازم است که آن را در دو حوزه فقه امامیه و اهل سنت را بررسی کنیم:

۱-۳-۱. حق مالکیت بر بدن در فقه اهل سنت

یکی از ادله اخلاقی اهل سنت در حرمت شبیه سازی مولد انسان، «ودیعه بودن جسم انسان» است که در ذیل آن از امکان وجود حق مالکیت بر بدن بحث می کنند. جسد

1. Silberberg, Naftali, "Why does Jewish law forbid cremation?", No date, available at: [http://www.chabad.org/library/article_cdo/print/true/aid/510874/jewish/ Why does Jewish law forbid cremation](http://www.chabad.org/library/article_cdo/print/true/aid/510874/jewish/Why%20does%20Jewish%20law%20forbid%20cremation) (10 Sep 2011)

2. Chia, Roland, "Organ trading: A Christian perspective", No date, available at: <http://www.gcf.org.sg/resoures/organ-trading-a-christian-perspective> (10 Sep 2011)

انسان ودیعه‌ای الهی است که به گونه‌ای مشروط در اختیار آدمی نهاده شده است. نصوص متعددی گویای این باور اساسی دینی است که انسان مالک جسم خود نیست. به تعبیر دیگر، جسم ما ملک دیگری است و ما اخلاقاً حق تصرف در ملک دیگری را نداریم. درجایی که ملک دیگری در اختیار ما گذاشته شود، این مالک است که باید نحوه تصرف و دامنه آن را معین کند. به همین سبب، خداوند انتحار را منع کرده است. در نتیجه کسی حق ندارد تن خود را نابود کند. این وظیفه و تکلیف هر مسلمان است که از بدن خود چون امانتی الهی و ودیعه‌ای خدایی نگه‌داری کند و در آن تصرفات نادرست نکند. طبق تقریر ریاض احمد عوده الله، «مالکیت جسد از آن انسان نیست؛ بلکه از نظر مسلمانان، جسد ودیعه خداوند عز ووجل نزد اوست. بنابراین نه ملک اوست و نه کالایی قابل تصرف».^۱ طبق این دلیل ما مالک تن خود نیستیم، بلکه امانت‌دار آنیم. از این رو، هر تصرفی در این امانت مجاز نیست و مستلزم اجازه از مالک اصلی یعنی خداوند است. بر این اساس، فقهای اهل سنت که شبیه‌سازی مولد انسان را از این باب ممنوع می‌دانند، باید شبیه‌سازی درمانی (به دست آوردن سلول‌های بنیادی از طریق مغز استخوان بالغ) را نیز ممنوع بدانند. در حالی که بعضی قائل به جواز شبیه‌سازی درمانی شده‌اند. البته هنگام تحلیل دلیل ایشان در می‌یابیم که این دلیل از سه جهت قابل مناقشه جدی است. یکی آن‌که مبهم است. دیگر آن‌که منطقاً نمی‌توان از مقدمات آن به نتیجه مطلوب رسید. سرانجام آن‌که این دلیل با دیگر مواضع مخالفان شبیه‌سازی انسانی ناسازگار است و قبول آن به ناسازگاری منطقی می‌انجامد. مسأله عدم ملکیت انسان بر جسد خود، معنای مقبولی دارد که خارج از این بحث است. فقهای مسلمان این بحث را پیش کشیده‌اند که بدن انسان مالیت ندارد و هر چه مالیت نداشته باشد، قابل خرید و فروش نیست. این یک بحث حقوقی است که آیا انسان قابل خرید و فروش است و می‌توان او را مانند سبزی و میوه‌جات به فروش گذاشت یا خیر. فقها در این باره قائل به حرمت بیع انسان شده‌اند و عقد بیعی را که موضوع آن انسان باشد، باطل دانسته‌اند.

این نظر نیز نتیجه‌ای جز نظرات مسیحیت و یهودیت ندارد؛ یعنی فرد حق چنین کاری را ندارد و بنابراین بحث از گیرنده سلول در این نظر منتفی است.

۱-۳-۲. حق مالکیت بر بدن در فقه امامیه

به نظر می‌رسد دلیل‌های فراوانی از آیات و روایات وجود دارند که دلالت می‌کند بر این‌که انسان حق تصرف در بدن خویش را داراست؛ زیرا خداوند او را مالک جسم خویش گردانیده است و او را صاحب حق بر آن شناخته است. اما این تصرف، مطلق نیست و باید در محدوده قواعد شرع باشد و اگر فراتر رود، ممنوع و حرام خواهد بود. اصولاً مطابق جهان‌بینی و انسان‌شناسی اسلامی، دین و احکام آن برای مصالح انسان‌هاست و به قول علمای علم اصول، احکام تابع مصالح و مفاسد است؛ بنابراین تا جایی که منفعت و مصلحت آدمی در کار باشد، دین حکم به جواز می‌دهد، ولی چنان‌چه مفسده انگیز باشد، آن را نهی می‌کند. آن‌چه در آیات قرآنی در این زمینه فهمیده می‌شود این است که در مادون نفس برای انسان حق تصرف وجود دارد، اما در مرحله نفس - یعنی خودکشی یا رضایت به قتل - نهی الهی، این حق را از آدمی می‌گیرد و بلکه آن را در زمره گناهان کبیره می‌شمارد. بنابراین، فقها ضررهایی را که موجب لذت انسان و یا سبب خواری انسان می‌گردد، حرام دانسته‌اند. به هر حال، در حقوق اسلامی بهترین و اصلی‌ترین دلیل نقلی که بر حرام بودن زیان رساندن به نفس اقامه شده است، عبارت است از حدیث مشهور نبوی «لا ضرر و لا ضرار فی الإسلام». اما آن‌چه از ادله عقلی و نقلی مبنی بر حرام بودن زیان به نفس استفاده می‌شود، این است که باید زیان محقق شود و معیار تشخیص آن هم عرف عقلانی است و لذا تا آن‌جا که ضرر از نظر عقلاً با اهمیت باشد و در تحمل آن غرض عقلایی وجود نداشته باشد، باید حکم به حرمت داد.^۱ مستند این دیدگاه، نظرات فقهای متأخر امامیه است که به تفصیل از آن‌ها در ذیل دلیل عدم مالکیت بر جسم بحث شد. اما در مواردی از این قبیل، جنبه مصلحت آن بیشتر به دیده می‌آید و از مصادیق ضرر به نفس هم به شمار نمی‌رود، بلکه حتی بالاتر از آن برای نجات جان خود بیمار یا دیگری کاربرد دارد، نمی‌توان حکم به حرمت داد. برای مثال، نگه‌داری بندناف یک نوزاد پس از جدا ساختنش از نوزاد چه ضرری می‌تواند برای نوزاد داشته باشد، جز آن‌که در آینده از سلول‌های به دست آورده از بندناف او می‌توان در ترمیم اعضایش یا اعضای شخص دیگر استفاده نمود. گرفتن سلول فرد بزرگسال در جهت درمان بیماری او، جز این‌که او

را از خطری بزرگ‌تر برهاند، چه نتیجه‌ای می‌تواند داشته باشد. البته لازم به ذکر است که گرفتن سلول‌های فرد بزرگسال که برای مثال در مغز استخوان وی موجود است، نیاز به جراحی دارد و البته اگر این عمل هم به مصلحت وی باشد، هیچ اشکالی در آن دیده نمی‌شود.

گیرنده پیوند سلول‌های بنیادی در فقه امامیه

در این مبحث، میان گیرندگان پیوند سلول‌های بنیادی تفکیک به عمل می‌آید، تا به مسائل بیشتری پاسخ داده شود. گیرنده پیوند سلول‌های بنیادی می‌تواند خود فرد باشد (که این احتمال بسیار بیشتر است) یا دیگری (که البته در بیشتر موارد رابطه نزدیک با فرد دهنده دارد تا از دفع پیوند جلوگیری شود) که ذیلاً به هر یک از این دو فرض می‌پردازیم:

— فرض نخست، گیرنده پیوند سلول‌های بنیادی خود فرد باشد.

مسلم است که در انجام این نوع پیوند، هیچ مانعی وجود ندارد؛ زیرا اولاً بنا بر قاعده حق مالکیت بر بدن، او می‌تواند بنا بر مصلحت خود در بدنش دخل و تصرف نماید. ثانیاً این کار با هدف درمان بیماری شخص صورت می‌گیرد؛ پس، از مصادیق ضرر به نفس نیست.

ثالثاً به جهت این‌که برای خود فرد استفاده می‌شود، پس مباحثی هم‌چون رضایت و جهت رضایت در این مبحث موضوعیت ندارند. این نکته هم لازم به ذکر است که سلول‌های بزرگسال، بندناف و جنین (برای صاحبان جنین) بیشتر برای خود فرد، قابلیت کاربرد دارند و ترجیحاً برای خود او استفاده می‌شوند، نه شخص دیگر. پس فرض دوم، به صورت معدود و محدود رخ می‌دهد و در صورتی است که فرد گیرنده به هیچ یک از منابع سلول‌های بنیادی دسترسی نداشته باشد. بنابراین با تشکیل بانک سلول‌های بندناف، پیوند سلول‌های بنیادی به غیر، سالبه به انتفا موضوع خواهد بود.

۱- فرض دوم، گیرنده پیوند سلول‌های بنیادی شخص دیگری باشد.

در این قسمت هم، مانند پیوند اعضای شخص زنده، دهنده سلول‌های بنیادی باید واجد شرایط لازم حقوقی برای اهدای سلول باشد. شرط قصد و رضایت و جهت اهدای آن از جمله شروط اساسی است.

۱- قصد و رضایت

از لحاظ قواعد مدنی، قصد و رضا قابل تفکیک هستند. قانون مدنی در ماده ۱۹۰، دو عنوان «قصد طرفین و رضای آن‌ها» را از هم جدا کرده و سپس در موارد بعدی آثار و احکام متفاوت آن‌ها را بیان داشته است. «قصد» انشای ایجادکننده قرارداد است و عقد فاقد قصد، باطل است. اما «رضایت» باعث نفوذ آن است. پس با توجه به مفاد قانون مدنی، چنانچه دهنده سلول، قصد اهدا داشته باشد، عمل او صحیح است و الا اهدای آن صحیح نخواهد بود. از سوی دیگر، رضایت او باید آگاهانه باشد؛ یعنی به تمام جوانب موضوع آگاهی تام و کامل داشته باشد.^۱

۲- جهت واگذاری

در قلمرو حقوق مدنی، جهت معامله که داعی یا انگیزه نیز به آن اطلاق می‌شود، عبارت است از هدف غیر مستقیمی که معامله‌کننده از عمل خویش در نظر دارد. یکی از شرایط صحت معامله، طبق ماده ۲۱۷ قانون مدنی، مشروعیت جهت است. پس در اهدای سلول‌های بنیادی نیز این مشروعیت، در نظر آورده می‌شود. ملاک مشروعیت اهدای سلول‌های بنیادی هم‌چون اهدای عضو به دیگری، انگیزه‌های انسان‌دوستانه و درمانی است و اگر به جهتی غیر از این باشد، به علت مخالفت صریح با نظم عمومی و اخلاق حسنه صحیح نیست.^۲

۲-۱. حق مالکیت بر بدن در نظام حقوقی غرب

در این نظام که مبنایی مادی و متریالیستی دارد، عقیده رایج آن است که انسان مالک بر بدن خود است و از این رو، می‌تواند هرگونه دخل و تصرفی که بخواهد در بدن

۱. عباسی، محمود، مجموعه مقالات حقوق پزشکی، صص ۱۷۵-۱۷۶

۲. همان، ص ۱۷۹

خود انجام دهد.^۱ با استناد به همین نظر است که در کشورهای غربی، اهدای گامت، اجاره رحم، سقط جنین و اهدای عضو قانونی است. بنابراین، به تبع این نظر، دیگر بحث از گیرنده پیوند لزومی ندارد؛ زیرا افراد در این نظام حقوقی، آزادی عمل برای انجام و اهدای آن به هرکس را دارا هستند.

1. Chia, Roland, "Organ trading: A Christian perspective", p:1

فصل دوم: آثار، پی آمدها و عواقب حقوقی شبیه‌سازی مولد انسان

آثار و پی آمدهای شبیه‌سازی مولد، منحصر در دو موضوع نسب طفل شبیه‌سازی شده و حقوق وی است که در ذیل بررسی می‌شود:

۱-۲. نسب طفل شبیه‌سازی شده

پیش از بررسی این موضوع باید به نکاتی مهم اشاره کرد: در بحث نسب طفل شبیه‌سازی شده باید اذعان نمود که دو مبنای اساسی برای طرح این موضوع وجود دارد:

۱- مبنای دینی و الهی:

در این بخش از مباحث، نسب طفل شبیه‌سازی شده در چارچوب قوانین هر یک از ادیان ابراهیمی (اسلام، مسیحیت و یهودیت) بررسی می‌شود.

۲- مبنای غیردینی:

در مبنای غیر دینی، به بررسی نسب طفل شبیه‌سازی شده از این دیدگاه می‌پردازیم.

۱-۱-۲. نسب طفل شبیه‌سازی شده در ادیان ابراهیمی

در این بخش، نسب طفل شبیه‌سازی شده را در سه دین یهود، مسیحیت و اسلام بررسی می‌کنیم:

۱-۱-۱-۲. نسب طفل شبیه‌سازی شده در دین یهود

۱-۱-۱-۱-۲. مفهوم نسب در دین یهود

یهود، انسان را از نظر دینی، تابع مادر و از نظر شجره خانوادگی، تابع پدر می‌شمارد.^۱ دین یهود به مفهوم نسب نپرداخته است و لیکن بین نسب مشروع و نامشروع تفاوتی قائل شده و به توضیح آن‌ها پرداخته است. به طور کلی، در دین یهود، سه نوع ازدواج ممنوع شناخته شده است: اول، موردی که مرد از ازدواج با یک زن

خاص منع شده باشد. با این حال، اگر او شریعت را نقض و با آن زن ازدواج کند، ازدواج او، به لحاظ شرعی معتبر است و انحلال آن، تنها با طلاق ممکن می‌شود. برای مثال اگر مردی با همسر مطلقه‌اش، پس از آن‌که آن زن با مرد دیگری ازدواج کرد و سپس طلاق گرفت یا به خاطر فوت شوهر دومش بیوه شد، ازدواج کند، تورات این نوع ازدواج را توعوا (مکروه) می‌خواند؛ زیرا ممکن است مشوق فاحشه‌گری شرعی باشد. اگر چنین ازدواجی واقع شود، دادگاه از تمام اختیارات خود استفاده می‌کند تا مرد را وادار به طلاق دادن زنش نماید. با این حال، ازدواج مذکور، شرعی و لازم‌الاجراست و در بیش‌تر موارد، فرزندان تولد یافته از این پیوند زناشویی، تحت تأثیر پلیدی آن قرار نمی‌گیرند. نوع دیگر از ازدواج‌های ممنوع، ازدواجی است که با زنای محارم همراه باشد. چنین ازدواجی حتی اگر مطابق آیین رسمی ازدواج صورت گرفته باشد، شرعی نیست و زوجین در عقد یکدیگر به حساب نمی‌آیند. بنابراین، برای انحلال این پیوند نیازی به صدور گط (طلاق‌نامه) نیست. فرزندان تولد یافته از این وصلت، نامشروع محسوب می‌شوند، اما در حقوق و تکالیف از والدین خودشان تبعیت می‌کنند. نوع سوم ازدواج ممنوع نه تنها معتبر نیست، بلکه هیچ یک از فرزندان تولد یافته از آن نیز نسبتی با پدر خویش برقرار نمی‌سازند. ازدواج یهودی با غیریهودی چنین است. این ازدواج، چه مراسم رسمی ازدواج در آن رعایت شده باشد و چه نشده باشد، شرعی نیست و هر فرزندی که از این پیوند زناشویی متولد شود، متولد از بکرزایی تلقی می‌شود. یعنی همیشه نسب و نژاد او را با نسب مادر می‌سنجند؛ اگر مادرش یهودی باشد، او نیز یهودی است و اگر غیریهودی باشد، او نیز غیریهودی خواهد بود.^۱

معادل «کودک نامشروع» در زبان عبری «ممرز» است که به معنای کودک یهودی حرام‌زاده است. از نظر اسفار پنج‌گانه موسی (ع) و شریعت شفاهی، ممرز در جایگاهی پایین‌تر از یک شهروند معمولی قرار می‌گیرد؛ زیرا وی ثمره ارتباط جنسی نامشروع است. یهودی مادرزاد نمی‌تواند با حرام‌زاده ازدواج نماید، ولی حرام‌زاده می‌تواند با مشابه خود یا با فرد یهودی‌شده ازدواج نماید. فرزندان فرد حرام‌زاده مانند خود وی حرام‌زاده‌اند، حتی اگر وی با یک مرد یا زن یهودی ازدواج کرده باشد. اما اگر حرام‌زاده

۱. اشتاین سالتز، آدین، سیری در تلمود، ترجمه باقر طالبی دارابی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۳، صص ۲۰۱-۲۰۳

از بیگانگان باشد، در این صورت فرزندان وی جزو بیگانگان خواهند بود. گفتنی است که تولد کودک در خارج از چارچوب ازدواج، لزوماً باعث حرام زاده بودن وی نمی شود؛ زیرا زن یهودی بی شوهر، کودکان مشروع به دنیا می آورد، البته به شرط آن که ازدواج او با پدر کودک از نظر شرعی اشکالی نداشته باشد. در این صورت حتی اگر مرد و زن یادشده با یکدیگر ازدواج نکنند، کودک آن ها نامشروع محسوب نخواهد شد. به کودکی که در مورد پدرش شک داشته باشند، «شتوقه» گفته می شود و این کلمه به معنای فردی است که اصل و نسب او نامشخص است؛ زیرا مادر وی حاضر نیست هویت پدر را فاش کند و یا اصلاً نمی داند که پدر او کیست. البته معمولاً به چنین فرزندی نامشروع گفته نمی شود؛ زیرا به کودک سرراهی شباهت دارد. در زبان عبری «اسوفه» به کودکی گفته می شود که مادر و پدرش ناشناخته باشند و ممزر بودن او مورد شک باشد.^۱

البته لازم به ذکر است که دین یهود تنها از رابطه ژنتیک برای پاسخ گویی به شبهات در مورد نسب استفاده نمی کند. این امر با ارائه سه نمونه از حوزه های مختلف حقوق قابل اثبات است: اولین مورد، در حوزه قانون تغییر مذهب است. بر اساس قانون یهود، کسی که به دین یهود در می آید، تمام پیوندهای قانونی اش را که اساس آن ها، روابط ژنتیک بود، از دست می دهد؛ گویی مجدداً متولد شده است. با پذیرش این قانون، تلمود تصدیق می کند که بر اساس قوانین کتاب مقدس تورات، وی بتواند با مادر، خواهر، برادر و یا پدرش ازدواج کند. استادان بزرگ یهود، در زمان نگارش تلمود، این ازدواج را ممنوع کردند، زیرا می ترسیدند مردم با گرویدن به دین یهود، به ازدواج هایی از این نوع دست بزنند. البته این ممنوعیت ناشی از عدم مشروعیت روابط جنسی میان خویشاوندان نزدیک نیست.

نمونه دوم استنکاف دین یهود از روابط ژنتیک، آن است که قانون یهود مربوط به حیوانات خانگی، رابطه پدر و فرزندی را میان حیوان و فرزندش در نظر نمی گیرد. بسیاری از عالمان یهودی از این قانون حمایت می کنند. این موضوع مربوط به دستوری

۱. مسیری، عبدالوهاب، دایره المعارف یهود، یهودیت و صهیونیسم، ترجمه مؤسسه مطالعات و پژوهش های تاریخ خاورمیانه، تهران، دبیرخانه کنفرانس بین المللی حمایت از انتفاضه فلسطین، ۱۳۸۳، ج ۵، صص ۲۷۴-۲۷۵

است که در کتاب مقدس تورات آمده است که «نباید حیوان^۱ و فرزندش^۲ را در یک روز ذبح کرد». یعنی با وجود این که طبق شرع نمی‌توان حیوان ماده و فرزندش را در یک روز ذبح کرد، این ممنوعیت شامل حال حیوان نر و فرزندش نمی‌شود. بنابراین قانون یهود، انکار رابطه ژنتیک میان حیوان نر و فرزندش را درست می‌داند، هرچند که احراز این رابطه مسلم باشد. اما عده‌ای دیگر از عالمان یهود با این موضوع مخالفند و معتقدند که دین یهود اهمیتی برای رابطه پدر و فرزند در میان حیوانات قائل نیست.^۳

نمونه سوم، قانونی یهودی به نام عورلا^۴ است که به موجب آن در طی سه سال از زمان کاشتن نهال، خوردن میوه آن ممنوع است؛ ولی این قانون در مورد جوانه‌ای که به درختی پیوند زده می‌شود، کاربرد ندارد و می‌توان میوه قسمت پیوند زده شده را مصرف کرد. در توجیه این مطلب استدلال کرده‌اند که جوانه‌ای که به یک درخت رشد یافته، پیوند زده می‌شود، استقلال خود را از دست می‌دهد و هویت گیرنده را کسب می‌کند؛ از این رو دیگر قانون عورلا حکم‌فرما نیست و می‌توان میوه آن قسمت پیوند زده شده را مصرف کرد.

بر اساس این استدلال و قیاس مقررات حاکم بر میوه‌های جوانه پیوند زده شده با انتقال جنین یا گامت انسانی، عده‌ای از علمای یهود معتقدند که به محض فراکاشته شدن جنین یا گامت در رحم جانشین، عضو انتقال یافته هویت خود را از دست می‌دهد و در همان زمان، هویت گیرنده را به دست می‌آورد. بنابراین، با توجه به این که جنین، هویت مادر جانشین را کسب می‌کند، لذا مادر جانشین یعنی زن صاحب رحم، مادر قانونی است.^۵ بر این اساس، نسب در دین یهود، تنها در چارچوب روابط ژنتیک محقق نمی‌شود.

۲-۱-۱-۲. منشأ انتساب طفل شبیه‌سازی شده به پدر و مادر در دین یهود

در این بخش، از دو نوع رابطه باید بحث کرد که در ذیل، توضیح آن‌ها به تفصیل آمده است:

1. oto

2. beno

3. Brody, Michael J. , No date, "The establishment of maternity & paternity in Jewish law & American law", available at: www.jlaw.com/articles/maternity1.html (15 Nov 2008)

4. Orlah

۵. نایب‌زاده، عباس، بررسی حقوقی روش‌های نوین باروری مصنوعی، تهران، مجد، ۱۳۸۰، صص ۲۷۸-۲۷۹

۱- رابطه همسانی

در این دیدگاه، رابطه طفل شبیه سازی شده و اهداکننده ماده ژنتیک (صاحب سلول)، رابطه خواهر و برادری است، نه رابطه ولد و والدینی.

منشأ این دیدگاه، اصول ژنتیک است؛ زیرا رابطه میان این دو، شبیه رابطه میان دوقلوهای همسان است. البته هلاخا با این دیدگاه مخالف است؛ زیرا مفهوم رابطه خواهر و برادری در قانون یهود، منوط به داشتن یک مادر یا یک پدر یا هر دو است. هم چنین در تلمود آمده است که فرزندی که از نظر ژنتیک هیچ شباهتی به همدیگر ندارند، چون از یک مادر به دنیا آمده اند، خواهر و برادر یکدیگر تلقی می شوند. البته لازم به ذکر است این ادعا که این افراد (فرد شبیه سازی شده و صاحب سلول) با هم از نظر ژنتیک مطابقت کامل داشته باشند تا قانوناً خواهر یا برادر تلقی شوند، هنوز ثابت نشده است. حال دوقلوهای همسان طبیعی^۱ را در نظر بگیرید که از خودشان شبیه سازی نموده اند، فرد شبیه سازی شده از یکی از آنان، شبیه دیگری نیز هست. مطمئناً این دو فرد شبیه سازی شده، برادر یکدیگر نیستند؛ برادر برادر دوقلوی صاحب سلول، هم نیستند. لیکن هر یک از آنها، فرزند صاحب سلول خود هستند و هر دو، برادرزاده برادر دوقلوی شخص اهداکننده یا همان صاحب سلول هستند و این دو با هم پسر عمو هستند. علاوه بر این، هنگامی که تخمک بارور شده تقسیم می شود، هر دو این کودکان که دو قلوهای همسان یا تک تخمکی هستند، فرزندان پدر و مادری هستند که تخمک اولیه را بارور کرده اند و نه این که جنین دوم، فرزند جنین اول باشد. پس، این مسأله کاملاً با مسأله فوق متفاوت است؛ زیرا مراحل باروری و تقسیم در رحم اتفاق می افتد، بنابراین مشخص است که چه کسانی مادر و پدر این فرزندان هستند.

هم چنین ملاک تحقق عنوان خواهری یا برادری در مسأله تقسیم تخمک بارور شده، نیز همان ملاک داشتن پدر یا مادر یکسان است. حقیقت این است که این کودکان از یک رحم، یک تخمک و در نتیجه از یک مادر متولد می شوند. هم چنین آنها دارای پدر هم هستند که صاحب منی (اسپرم) است که سبب باروری تخمک گردیده و سپس این تخمک به دو قسمت تقسیم شده است، پس، این دو خواهر یا برادر هستند. طفل

۱. در شبیه سازی گفته می شود که که حداکثر مطابقت میان اصل و شبیه تا حد ۹۷٪ است و جنین شبیه سازی شده بخشی از ساختار ژنتیک خود را از طریق ژن های موجود در سیتوپلاسم تخمک به ارث می برد؛ اما این مسأله در مورد دوقلوهای همسان (یک تخمکی) وجود ندارد و شباهت فیزیکی و ژنتیک آنان تقریباً ۱۰۰٪ است.

شبیه‌سازی شده دارای یک مادر (چه صاحب تخمک یا صاحب سلول) یا پدر (صاحب سلول) است و بنابراین دو فرد مزبور، خواهر یا برادر یکدیگر نیستند.^۱

۲- رابطه ولد و والدینی

در این بخش، به توضیح منشأ انتساب طفل شبیه‌سازی شده به مادر و پدر می‌پردازیم:

۲-۱-۱-۱-۳. منشأ انتساب طفل شبیه‌سازی شده به پدر

در این مبحث، چند دیدگاه مطرح است که در ذیل توضیح می‌دهیم:

۱- صاحب سلول، پدر طفل شبیه‌سازی شده است

اگر اهداکننده ماده ژنتیک مرد و همسر زن صاحب تخمک باشد، بنابر دیدگاه هلاخایی، عنوان پدری برای وی تحقق می‌یابد؛ زیرا همان‌طور که طبق قانون یهود، در جریان تولید مثل، مرد تأمین‌کننده نصف ماده ژنتیک (اسپرم)، پدر طفل شناخته می‌شود، هرچند رابطه جنسی برقرار نباشد یا این رابطه شفاف نباشد. پس مرد تأمین‌کننده تمام ماده ژنتیک (صاحب سلول)، به طور حتم، طبق تعریف قانون یهود از عنوان پدری،^۲ پدر طفل شبیه‌سازی شده محسوب می‌گردد.^۳ بنابراین، در فرضی که اهداکننده ماده ژنتیک (صاحب سلول) زن باشد، طفل شبیه‌سازی شده فاقد پدر است؛ زیرا طفل شبیه‌سازی شده، همانند طفلی است که هویت پدرش مشخص نیست و به همین جهت ازدواج وی با زنان یهودی ممنوع است؛ زیرا ممکن است یکی از زنان یهودی، با وی خواهر ناتنی باشد. ولی در حقیقت، این وضعیت با وضعیت طفل شبیه‌سازی شده بسیار متفاوت است؛ زیرا تلمود در آن‌جا به طفلی اشاره دارد که دارای پدر است، ولی پدرش مشخص نیست، اما در این‌جا بر اساس مفاهیم هلاخایی عنوان پدری به هیچ وجه محقق نیست. بر این اساس، او نمی‌تواند با فرزندان هیچ یک از آنانی که می‌توانند پدر یا مادر او شناخته شوند، ازدواج کند. پس، این موضوع با موضوع طفل فاقد پدر

1. Broyde, Michael J., "Cloning people and Jewish law: preliminary Analysis", p:13

۲. بر اساس دیدگاه هلاخایی، تأمین‌کننده اسپرم یا هر نوع ماده ژنتیک دیگر پدر طفل می‌باشد.

3. Broyde, Michael J., "Cloning people and Jewish law: preliminary Analysis", p:12; Ibid, "In Judaism, Playing god is Good", p:33 and Steinberg, Avraham and Loike, John D, "Human cloning: scientific; ethical & Jewish perspectives", p:205

مشخص (شتوقه) متفاوت است؛ زیرا هر مردی می تواند پدر وی باشد و در این صورت او می تواند از ازدواج دیگری، خواهر ناتنی داشته باشد. بنابراین به نظر می رسد طفل شبیه سازی شده می تواند با هر زن یهودی ازدواج کند.^۱ از سوی دیگر، اگر اهداکننده سلول، مرد بیگانه باشد، طفل حاصل از این فرآیند، ممزر یا نامشروع خواهد بود.^۲

۲- در مسأله شبیه سازی عناوین والدینی محقق نمی شوند

اما در دیدگاه دوم، اگر رابطه جنسی، میان زوجین صورت نگیرد، عناوین والدینی نیز تحقق نمی شود. در این صورت در شبیه سازی، هیچ رابطه ولد و والدینی قابل تصور نیست. اما این دیدگاه با قوانین گسترده ای که در دین یهود بر قانونی بودن تولد ناشی از تلقیح مصنوعی و خارج از روابط جنسی تأکید دارد، در تعارض است.^۳ همان طور که اروینگ بریتوئر^۴ در مقاله خود بیان کرده است، AIH یا تلقیح مصنوعی به عنوان عملی مجاز در دین یهود به شمار می رود که روابط والدینی در آن تحقق می یابد. بسیاری از علمای یهود نیز تکنیک «IVF» را شبیه به تکنیک «AIH» می دانند و استفاده از آن را مجاز می شمردند. در نهایت، چنین نتیجه می گیرند که صاحب تخمک و صاحب اسپرم رابطه والدینی با طفل حاصل از IVF دارند و زوج مزبور هم، توانسته اند به وظیفه زاد و ولد خود، در دین یهود، عمل نمایند.^۵

۳- صاحب سلول چه زن و چه مرد، پدر طفل شبیه سازی شده است.

یک نظریه غیر متعارف هم وجود دارد که اظهار می دارد صاحب سلول چه مرد و چه زن، پدر طفل شبیه سازی شده محسوب می شود، به ویژه هنگامی که طفل شبیه سازی شده از داشتن پدر محروم باشد؛ یعنی هنگامی که اهداکننده ماده ژنتیک (صاحب سلول) زن باشد و طبق دیدگاه اول، در مورد تحقق عنوان مادری، صاحب رحم، مادر طفل شبیه سازی شده محسوب شود. بر اساس این دیدگاه، بدون توجه به

1. Steinberg, Avraham and Loike, John D., "Human cloning: scientific; ethical & Jewish perspectives", p:206

2. Ibid, p: 207

3. Ibid, p: 206

4. Irving Breitowitz

5. Steinberg, Avraham and Loike, John D., "Human cloning: scientific; ethical & Jewish perspectives", p:206

جنس پدر و مادر می‌توان عنوان پدری یا مادری را به فرد اطلاق نمود. این نظریه از سوی ربی جوزف باباد^۱ مطرح شده است.

وی این مبحث را درباره فردی خشتی که پدر یک فرزند مذکر است و در عین حال با وی ارتباط جنسی دارد، مطرح نموده است. البته لازم به ذکر است که این دیدگاه هیچ پیشینه‌ای در دین یهود ندارد و با این قانون صریح هلاخایی در تعارض است که می‌گوید: «هلاخا در هنگام تعیین مادر و پدر تأکید می‌کند که یک مرد، می‌تواند پدر و یک زن، می‌تواند مادر باشد». از سوی دیگر، شاخصه جنسیت تنها در موقعیتی که جنس والد مشخص نباشد، نادیده گرفته می‌شود و بنابراین، در شبیه‌سازی، موضوعیت ندارد.^۲

۴- پدر صاحب سلول (جد)، پدر طفل شبیه‌سازی شده است.

بر اساس رابطه همسانی، دیدگاه دیگری نیز مطرح می‌شود که بیان می‌دارد پدر صاحب سلول، پدر طفل شبیه‌سازی شده، محسوب می‌شود که البته این نظر دور از ذهن است؛ زیرا اسپرم وی مستقیماً در ایجاد طفل اثری ندارد.^۳

مسئله فرعی: آیا در دین یهود، یک فرد مرده می‌تواند عنوان پدری را پس از مرگش داشته باشد؟

این مبحث در فتاوهای ربی شائول ییسرائلی^۴ و دیگران قابل مشاهده است. از نظر دین یهود، مرده نمی‌تواند عنوان پدری را پس از مرگش داشته باشد. در ضمن شخصی که ماده ژنتیک وی را دارد، حق بهره‌برداری از آن را در تکنیک شبیه‌سازی ندارد.^۵

۲-۱-۱-۴. منشأ انتساب طفل شبیه‌سازی شده به مادر

در این بخش، چند دیدگاه مطرح است که به توضیح آن‌ها می‌پردازیم:

۱- صاحب رحم، مادر طفل است.

در شبیه‌سازی، صاحب رحم مادر قانونی طفل شبیه‌سازی شده محسوب می‌شود؛ زیرا وی بیشتر از دیگران شرایط ظاهری مادر را داراست. این حکم به ویژه هنگامی

1. Rabbi Babad

2. Broyde, Michael J., "Cloning people and Jewish law: preliminary Analysis", p:7

3. Steinberg, Avraham and Loike, John D., "Human cloning: scientific; ethical & Jewish perspectives", pp.:205-206

4. Rabbi Saul Yisraeli

5. Broyde, Michael J., "Cloning people and Jewish law: preliminary Analysis", p:11-12

تقویت می‌شود که این طفل، هیچ ارتباط ژنتیک با صاحب رحم نداشته باشد و صاحب سلول نیز مذکر باشد؛ در این صورت، انتخاب دیگری در قانون یهود برای عنوان مادری وجود ندارد. از آن‌جا که این دیدگاه بیشتر به زایش و تولد نظر دارد، در حالتی که طفل شبیه‌سازی شده در دستگاه بزرگ شود و مادر اجاره‌ای هم نداشته باشد، طفل شبیه‌سازی شده، فاقد پدر و مادر خواهد بود یا این‌که اهداکننده ماده ژنتیک (صاحب سلول)، والد مشکوک وی، به حساب خواهد آمد.^۱

۲- صاحب سلول اگر زن باشد و نیز صاحب رحم، هر دو مادر طفل هستند.

طبق این دیدگاه، وجود دو مادر برای طفل شبیه‌سازی شده، در دین یهود قانونی است. در این صورت، اگر اهداکننده ماده ژنتیک (صاحب سلول) زن باشد، به سبب آن‌که نقشی بسیار بیشتر از صاحب تخمک در مسأله رحم اجاره‌ای دارد، می‌تواند مادر طفل شناخته شود. به بیان دیگر، دلیل اطلاق عنوان مادر به صاحب سلول در مسأله شبیه‌سازی، همان دلیلی است که بر اساس آن، در مسأله مادر جانشین (رحم اجاره‌ای)، می‌توان صاحب تخمک را مادر دانست.^۲ هم‌چنین زن صاحب سلول یعنی کسی که طفل شبیه‌سازی شده را حمل نموده و به دنیا نیآورده است، می‌تواند بر اساس این دیدگاه، مادر باشد؛ زیرا دو برابر بیشتر از مادران عادی، در امر تولد، مشارکت دارد. طبق این نظر، دین یهود بسیار متمایل است که صاحب سلول را مادر به حساب آورد و به همین جهت است که طفل شبیه‌سازی شده از ازدواج با هریک از بستگان این مادر و هم‌چنین خود وی، در صورتی که طفل مذکر باشد، منع شده است.^۳ لازم به ذکر است که اگر صاحب سلول، صاحب رحم و صاحب تخمک، یک زن باشد، به طریق اولی وی مادر طفل شبیه‌سازی شده محسوب می‌شود.^۴

۲-۱-۱-۲. نسب طفل شبیه‌سازی شده در دین مسیحیت

پیش از آغاز بحث، به تعریف نسب در دین مسیحیت می‌پردازیم.

1. Broyde, Michael J., "Cloning people and Jewish law: preliminary Analysis", p:5

2. Ibid, p:6

3. Ibid

4. Steinberg, Avraham and Loike, John D., "Human cloning: scientific; ethical & Jewish perspectives", pp.:205-206

۲-۱-۱-۲. مفهوم نسب در دین مسیحیت

واژه نسب در کتاب مقدس دو بار آمده که درباره نسب‌نامه^۱ حضرت عیسی (ع) توضیحاتی داده است. اما این واژه در دین مسیحیت تعریفی ندارد.^۲

۲-۱-۱-۲. منشأ انتساب طفل شبیه‌سازی شده به پدر و مادر در دین مسیحیت

در این بخش، نسب طفل شبیه‌سازی شده را در سه آیین کاتولیک، ارتدوکس و پروتستان بررسی می‌کنیم:

الف - منشأ انتساب طفل شبیه‌سازی شده به پدر و مادر در آیین‌های کاتولیک

و ارتدوکس

از آن‌چه در متون آنان آمده است، چنین استنباط می‌شود که در صورت وقوع شبیه‌سازی، عناوین والدینی محقق نمی‌شوند؛ زیرا این گروه معتقدند که نباید روابط زناشویی از تولیدمثل جدا شود^۳ و در صورت عدم وجود رابطه زناشویی، به هیچ وجه عناوین والدینی محقق نخواهد شد؛ بنابراین طفل شبیه‌سازی شده فاقد پدر و مادر است. این نظریه در مورد تمام تکنولوژی‌های کمکی تولید مثل که این رابطه را مختل می‌کند، صادق است.^۴

از این دیدگاه، عناوین والدینی، تفسیر بسیار محدودی دارند؛ زیرا تأکید این گروه بر ازدواج و روابط زناشویی در تولید مثل است. بر این اساس، هرگونه تولید مثل خارج از این چارچوب، غیراخلاقی است و از دیدگاه محتاط‌تر، این فرآیندها خانواده را تهدید می‌کند و کارکرد طبیعی آن را مختل می‌سازد.^۵

1. Genealogy

2. "Genealogy of Christ", 2010, available at: <http://www.newadvent.org/cathen/06408a.htm> (15 Sep 2010)

3. what child is this? Marriage, Family and Human cloning, A report of the commission on theology and church relations of the Lutheran church, Missouri Synod (2002) United state: Concordia publishing house, available at: <http://www.ncsl.org/programs/health/cenetics/rt-shcl.htm> (19 Jun 2006)

4. Evans, John H., "Cloning Adam's Rib: A primer on religious responses to Cloning", p:6 and Trujillo, Alfonso Lopez, "Cloning: the disappearance of direct parenthood and denial of the family", p:16

5. Hester, Micah D., "Reproductive technology as instruments of meaningful parenting: ethics in the age of ARTs", Quarterly of healthcare ethics, No.11, 2002, p: 402

اما استفاده از داروهای باروری چنین حکمی را ندارد؛ زیرا به این روابط ضربه نمی‌زند و روند طبیعی آن را دچار مشکل نمی‌کند.^۱

بنابراین، رابطه جنسی است که رابطه ژنتیک میان طفل و دو والدش را برقرار می‌کند و رابطه جنسی است که والدین را از این امر مطمئن می‌سازد که هر دو دارای مشارکتی مساوی در پیدایش فرزندان‌شان هستند این خود، باعث ایجاد انگیزه در آن‌ها برای حمایت از کودکان‌شان می‌شود.^۲

بنابراین، از نظر گروه مزبور، شبیه‌سازی انسانی موجب ابهام در دیگر روابط خویشاوندی هم می‌شود و به تدریج تفاوت میان خواهر، مادر، پدر و برادر را از بین می‌برد و این روابط مختل می‌سازد. هم اینک لقاح برون رحمی موجب ابهام در نسب شده است، لیکن شبیه‌سازی موجب گسست بنیادی این روابط خواهد بود.^۳

ادله این دو فرقه بر دو مبنا استوار است:

۱- تماس جنسی متعارف در ایجاد انسان موضوعیت دارد و نمی‌توان از هر طریقی این موجود را ایجاد نمود. درباره این مبنا، چند نکته مطرح است:

الف - تولیدمثل جنسی، تنها روش برای تولیدمثل در طبیعت به شمار نمی‌رود؛ بلکه کلونینگ یا شبیه‌سازی نیز به وفور در طبیعت رخ می‌دهد. هر چند تولید مثل جنسی اولویت‌هایی نسبت به تولید مثل غیرجنسی دارد که پیش از این به آن‌ها اشاره شد، با این حال تحقق آن در میان انسان‌ها شیوع تولید مثل جنسی را می‌رساند، نه لزومش را.

ب- طبق استدلال فوق، با نحوه تولد حضرت عیسی (ع) مشکل خواهیم داشت؛ زیرا همان طور که می‌دانید ایشان از طریق آمیزش به وجود نیامده است.

۲- این فرآیند موجب ابهام در روابط خانوادگی می‌شود؛ زیرا درباره این مبنا، نکته‌ای مطرح است:

اگر فرض کنیم که دین مسیح، هیچ راه‌حلی در این باره ندارد که درست نیست - زیرا دین یهود که در بعضی منابع قانون‌گذاری با دین مسیح مشترک است، راه‌حل‌هایی را ارائه داده است - پس با رجوع به منابع مشترک، دین مسیح نیز می‌تواند راه‌حل‌هایی

1. What child is this? Marriage, Family and Human cloning, A report of the commission on theology and church relations of the Lutheran church, Missouri Synod, p: 18

2. Cole-Turner, Ronald, "Cloning humans from the perspective of the Christian churches", p: 42

۳. اسلامی، سید حسن، شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه آیین کاتولیک و اسلام، ص ۱۳۲

را در این زمینه ارائه دهد. اما ظاهراً مشکل از جای دیگری است؛ زیرا این دو فرقه، یعنی کاتولیک‌ها و ارتدوکس‌ها، دیدگاه مبنایی متفاوتی در این باره با دین یهود دارند. از آن‌جا که انجام دستور تولید مثل و پر کردن زمین از یهودیان بر هر یهودی واجب است و این مسأله از اهمیت خاصی در این دین برخوردار است، فلذا یهودیان دست به دامان هر تکنیکی (البته با رعایت سایر قوانین آن دین) می‌شوند تا این فریضه را به انجام برسانند. در حالی که چنین مسأله‌ای برای دو فرقه مسیحی مطرح نیست. از سوی دیگر نفس تولید مثل جنسی برای آنان دارای ارزش فوق‌العاده‌ای است و آموزه‌های متفاوتشان در این زمینه (عدم ورود شخص ثالث به فرآیند باروری و ممنوعیت بازی نمودن نقش خدا)، مانع از به‌کارگیری تکنیک‌های کمک باروری و شبیه‌سازی می‌شود.

ب - منشأ انتساب طفل شبیه‌سازی شده به پدر و مادر در آیین پروتستان

پیش از آغاز بحث لازم است گفته شود که تنها کلیسای لوتری میسوری از فرقه پروتستان، بحث نسب طفل شبیه‌سازی شده را مطرح کرده است و سایر فرق، دیدگاهی در این باره طرح نکرده‌اند.

تاکنون، هر کودک دارای دو والد (پدر و مادر) بوده است. رابطه ژنتیک میان پدر و مادر و فرزندان، نشان تولید مثل است. اما شخص شبیه‌سازی شده از نظر ژنتیک تنها فرزند یکی از والدینش (یعنی اهداکننده سلول) است و با والد دیگر هیچ‌گونه ارتباط ژنتیک ندارد.^۱

البته از نظر این عده، نظریه همسانی نیز مردود نیست و طفل می‌تواند هم زمان فرزند اهداکننده سلول و خواهر یا برادر دوقلوی وی نیز باشد.^۲

از نظر این گروه، استفاده از سایر تکنولوژی‌های کمکی تولیدمثل جایز است؛ زیرا فرزندخواندگی در دین مسیحیت پذیرفته شده است و به عنوان روشی برای ایجاد یک خانواده در نظر گرفته می‌شود، در حالی که طفل در این روند، هیچ‌گونه ارتباط ژنتیک

1. Cole-Turner, Ronald, "Cloning humans from the perspective of the Christian churches", pp.: 42-43, Trujillo, Alfonso Lopez, "Cloning: the disappearance of direct parenthood and denial of the family", p: 16 and Hollinger, Dennis P., "Sexual ethics and reproductive technologies", p: 90

2. Trujillo, Alfonso Lopez, "Cloning: the disappearance of direct parenthood and denial of the family", p: 16

با پدر خوانده و مادر خوانده خود ندارد. بنابراین هیچ دلیلی مبنی بر ممنوعیت سایر روش ها وجود ندارد.^۱

البته ذکر این نکته لازم است که این گروه، تنها یک شکل از تلقیح مصنوعی را پذیرفته اند و آن هنگامی است که تخمک و اسپرم متعلق به یک زن و شوهر باشد (AIH)^۲؛ زیرا تلقیح مصنوعی با اسپرم یا تخمک بیگانه (AID)، خواست خداوند در ایجاد کودک در خانواده و از پدر و مادرش را مخدوش می کند؛ زیرا طفل در صورتی که ارتباط ژنتیک با والدینش داشته باشد، هم به آن ها شبیه است و هم با آن ها تفاوت دارد و این خواست خداوند است.^۳

بنابراین، سایر روش های کمک باروری، اگر با تخمک و اسپرم زن و شوهر انجام شود، مجاز است؛ زیرا در تحقق هدف اصلی ازدواج، خللی وارد نمی کند.^۴

هم چنین، باید دانست در صورتی که زوجین یا یکی از آنان قادر به تولید اسپرم یا تخمک باشند، باید از طریق اهدای جنین از سوی یک زوج، فرزندان شوند و حق استفاده از گامت بیگانه را در این فرآیند ندارند؛ زیرا در این صورت اهدای جنین هم چون فرزندخواندگی است که پیش از تولد کودک اتفاق افتاده است.^۵

استفاده از گامت بیگانه، باعث می شود که اهداکننده آن، هیچ مسئولیتی در برابر طفل نداشته باشد و از سوی دیگر، هیچ ارتباطی میان او و مادر طفل که همسر مرد دیگری است، وجود ندارد. این روش، جنبه های مختلف روابط جنسی را از هم جدا می کند؛ به عبارت دیگر، تولیدمثل خارج از روابط زناشویی، از عشق و رضایت والدین ناشی نمی شود. بنابراین طفل هرگز این احساس را نخواهد داشت که نتیجه عشق و دوستی میان والدینش است.^۶

اشکال عمده ای به دیدگاه این فرقه وارد است؛ زیرا این فرقه دیدگاه مشخصی را انتخاب نکرده و گویا در دوران میان دو دیدگاه گیر افتاده است. طفل شبیه سازی شده یا

1. Trujillo, Alfonso Lopez, "Cloning: the disappearance of direct parenthood and denial of the family", p:16

2. Ibid, and Meilaender, Gilbert, "Begetting and cloning", p:43

3. Ibid, Alfonso Lopez, "Cloning: the disappearance of direct parenthood and denial of the family", p:16

4. Ibid

5. Meilaender, Gilbert, "Begetting and cloning", p: 44

6. Hollinger, Dennis P., "Sexual ethics and reproductive technologies", p: 87

باید خواهر و برادر دوقلوی اهداکننده سلول باشد یا فرزند وی؛ در حالی که یکی از این دو حالت باید میان آنان برقرار باشد. البته نظریه همسانی به نظر صحیح نمی‌رسد؛ زیرا یکی از شرایط تحقق عناوین خواهری یا برادری میان دو فرد این است که آن‌ها در یک رحم رشد کرده باشند. در حالی که در این‌جا رحم مشترک وجود ندارد.

اما در مورد نظریه انتساب به یک والد نیز اشکالاتی وجود دارد:

اولاً این دیدگاه، نقش صاحب رحم را در نظر نگرفته است، در حالی که طبق نظرات ارائه شده از سوی آنان، در سایر روش‌های کمک باروری نیز، صاحب رحم در کنار صاحب تخمک مادر شناخته می‌شود. بنابراین، از دیدگاه مذهب پروتستان، صاحب اسپرم، پدر و صاحب تخمک و رحم هر دو مادر طفل به شمار می‌روند؛ زیرا در باروری‌های مصنوعی، اگر اسپرم و تخمک از پدر و مادر باشد و طفل در رحم مادر رشد یابد، آن‌ها پدر و مادر طفل محسوب می‌شوند و اگر اسپرم را شخص بیگانه عطا نماید، او پدر طفل خواهد بود، هر چند مسئولیتی را در این‌باره نپذیرد.^۱

هم‌چنین در مسأله مادر جانشین نیز دو مادر برای طفل به طور هم‌زمان وجود دارد:

صاحب تخمک و صاحب رحم.^۲

اما اگر صاحب تخمک و رحم یک زن باشد، همان زن مادر طفل خواهد بود.^۳

ثانیاً این نظریه نقش صاحب تخمک را نیز نادیده انگاشته است؛ در حالی که هر چند تخمک فاقد هسته است، اما سیتوپلاسم آن به اندازه چند درصد در ژن‌های طفل شبیه‌سازی شده اثرگذار می‌باشد. به نظر می‌رسد ملاک این گروه در انتساب طفل مذکور به صاحب سلول، همان وجود ژن‌ها و اثر آن در شکل‌گیری طفل شبیه‌سازی شده باشد. پس این ملاک در مورد صاحب تخمک نیز محقق است، هرچند اثر آن به اندازه اثر صاحب سلول گسترده نباشد.

1. Hollinger, Dennis P., "Sexual ethics and reproductive technologies", p. 87

2. Rea, Scatt B., "Surrogate motherhood", The reproduction revolution: A Christian appraisal of sexuality, reproductive technologies and the family, Cambridge, Eerdmans Publishing, 2000, p:121

3. Ibid, p:118

۲-۱-۳. نسب طفل شبیه سازی شده در دین اسلام

نخستین حق اولاد این است که والدین به فرزندش اقرار و اعتراف نمایند و حضانتش را پذیرا باشند و به پرستاری او بپردازند. فرزندان نیاز به حضانت دارند و باید در دامن پر مهر و محبت والدین پرورش یابند و در هیچ شرایطی از والدینشان جدا نشوند.^۱

البته لازم به ذکر است که نسب از حقوقی است که هم به خدا تعلق دارد و هم به کودک و والدین وی. بنابراین، نسب از حقوق کودک به شمار می رود؛ زیرا باعث دفع ننگ و عار از کودک می شود و اثبات آن، حقوق بی شماری مانند حضانت، نفقه، ولایت و ارث را برای وی ثابت می کند.^۲ بنابراین، اولین حق پس از جدا شدن کودک از مادر، نسب است.^۳

البته انکار نسب فرزندان می تواند انگیزه های گوناگونی داشته باشد؛ مانند محروم کردن فرزندان از ارث یا شانه خالی کردن از تعهدات دیگر و مسؤولیت های پدری. به هر حال، این کار از نظر شارع مقدس اسلام عملی زشت و نکوهیده است؛ لذا در متون فقهی، مسأله اثبات نسب فرزند و انکار نسبت فرزند به پدر بسیار جدی تلقی شده و به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است^۴ و به همین دلیل، احکام زیر را درباره نسب تشریح نموده است:

- هرکس مرتکب تبنی شود، یعنی موجودی را که در اصل فرزند او نیست به خودش نسبت دهد، مرتکب حرام شده است.
- ادعای نسب غیر واقعی، حرام است.
- نفی نسبی که واقعی است، حرام است.
- هرکاری که موجب اختلاط نسب شود و نسب واقعی شخص را محو و مخفی نماید، حرام است.^۵

۱. حاج شریفی، محمدرضا، حقوق فرزند بر والدین از نگاه اسلام، قم، سینا، ۱۳۷۴، ص ۵۰.

۲. بدران، ابوالعینین، حقوق الاولاد فی الشریعه الاسلامیه و القانون، اسکندریه، مؤسسه شباب الجامعه، بی تا، صص ۵-۶.

۳. همان، ص ۱.

۴. وزیر، مجید، حقوق متقابل کودک و ولی در اسلام و موارد تطبیقی آن، ص ۱۱۳.

۵. روحانی علی آبادی، محمد، «حکم شرعی تلقیح اسپرم و نطفه بیگانه»، مجموعه مقالات روش های نوین تولیدمثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق، تهران، سمت، ۱۳۸۲، ص ۳۰۹.

اهمیت نسب در دین اسلام

نسب در شریعت اسلام دارای اهمیت خاصی است و به همین جهت، ارشادها و تعالیم بسیاری درباره احتیاط در این موضوع مهم و حساس زندگی بشر و جامعه بشری آمده است؛ حفاظت از نسب یکی از واجبات مهم است که بر دوش افراد و جامعه گذاشته شده است.

از مصادیق حفاظت شرعی از سلامت نسب، تحریم زنا و تشدید مجازات آن است که در این زمینه آیات و روایات بسیاری وارد شده است. از آن جمله می‌توان به آیات ۳۲ سوره اسراء^۱ و آیه ۳ سوره نور^۲ اشاره نمود. از مصادیق دیگر اهمیت نسب نزد دین مبین اسلام، تحریم قذف و جعل عقوبت برای آن است.

از مصادیق دیگر اهتمام دین اسلام به حفظ نسب، جعل و پایه‌گذاری چارچوب روابط خانوادگی، وضع قوانین خاص درباره صله‌رحم و اقارب، نیکی به والدین، حرمت ازدواج میان محارم و هم‌چنین تحریم تنبی می‌باشد.^۳

۱-۱-۳. مفهوم نسب در دین اسلام

به نظر می‌رسد که در اسلام به مفهوم نسب چندان پرداخته نشده است و هریک از مذاهب اربعه اهل سنت و مذهب امامیه تنها به بیان شروط احراز آن اکتفا نموده‌اند و بعضی از معاصران مذهب امامیه از جمله حقوق‌دانان به تعریف عرفی نسب پرداخته‌اند. این اختلاف و رجوع به عرف به خاطر دو دیدگاه متفاوت است که میان فقها وجود دارد. عده‌ای از فقها معتقدند که نسب، مفهوم خاص و اصطلاحی در شرع ندارد؛ بلکه واجب است برای درک معنای آن به عرف رجوع کنیم و عرف است که ملاک و معیار تعیین نسب را مشخص می‌کند.

اما عده‌ای دیگر از فقها معتقدند که نسب، حقیقت شرعی و دارای تعریف اصطلاحی خاص در اسلام است. این گروه معتقدند که مستندات و ادله بسیاری برای

۱. قال الله تعالى: «اصله و لاتقربوا الزنا انه كان فاحشه و ساء سبيلاً».

۲. قال الله تعالى: «الزانية و الزانی فاجلدوا کل واحد منهما مائه جلده و لا تاخذکم بهما رافه فی دین الله ان کنتم تومنون بالله و الیوم الآخر و ليشهد عذابهما طائفة من المؤمنین».

۳. حسینی، شهاب الدین، التلقیح الصناعی بین العلم و الشریعه، بیروت، دارالهادی، ۱۴۲۱ هـ صص ۱۴۱-۱۴۵.

اثبات این نظر وجود دارد و نباید برای تعیین معیار و ملاک نسب به عرف اکتفا کرد. دلیل این گروه، نفی نسب از ولد زنا است.

نسب با زنا به دلیل اجماع محصل و منقول ثابت نمی شود؛ اما یکی از آثار نفی نسب از ولد زنا این است که وی از زانی و زانیه ارث نمی برد؛ البته بر اساس نظر مشهور فقها.^۱ اما عده ای دیگر از فقها مثل شیخ صدوق و یونس بن عبدالرحمن قائل بر این عقیده هستند که ولد زنا از زانی و زانیه ارث می برد. ایشان به بعضی از روایات نیز استناد می کنند.^۲

آنان معتقدند که با نفی نسب از ولد زنا و حق ارث از زانی و زانیه معلوم می شود که تعیین ملاک نسب به دست شارع مقدس است و اوست که پدر و مادر طفل را تعیین می نماید. پس اگر شارع مقدس حکم به صدق عنوان مادری و پدری درباره فردی نموده است، نسب طفل ثابت است، اما در غیر این صورت، نمی توان با استناد به عرف، نسب طفل را ثابت کرد.

با نقد دلیل فوق و با بررسی مدارک آن، این سؤال مطرح می شود که آیا از عدم توارث میان آنان می توان عدم انتساب را نیز استنتاج نمود؟ و آیا از نفی ارث میان آنان می توان عدم وجود نسب را از نظر شارع به دست آورد؟ یا ممکن است شارع اصل نسب را میان آنان پذیرفته باشد، اما اصل توارث را از حکم خارج کرده و آن را تخصیص زده باشد؟

همان طور که گفته شد، بنا بر نظر مشهور، ولد زنا از زانی و زانیه ارث نمی برد؛ اما سؤالی که در این جا مطرح می شود این است که آیا این موضوع تخصیصاً از قواعد عامه ارث خارج است یا تخصیصاً؟^۳

۱. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، تهران، المکتبه السلامیه، ۱۴۰۱ هـ ج ۲۹، ص ۲۵۶

۲. همان، ج ۳۹، ص ۲۷۵

۳. توضیح مسأله دوران میان تخصیص و تخصص: «فرضاً با عامی مانند «اکرم کل عالم» مواجه هستیم و دلیل خاصی دلالت می کند زید خارجی معین وجوب اکرام ندارد؛ لکن تردید ما در این جهت است: آن زید که وجوب اکرام ندارد، آیا «عالم» است و نتیجتاً دلیل عدم وجوب اکرام او تخصیصی بر عام وارد کرده است یا زید «جاهل» است و عدم وجوب اکرام او ضربه ای به عموم «اکرم کل عالم» وارد ننموده و تخصیصی در آن ایجاد نکرده است، بلکه تخصصاً از موضوع حکم خارج است.»

اگر این خروج از باب تخصیص باشد، ولدزنا از افرادی است که ارث می‌برد و جزئی از عمومات ارث است؛ زیرا وی فرزند آن زن و مرد است، اما از ارث به ادله خاصی که از عمومات ارث خارج است، محروم می‌گردد.

اما اگر این خروج از باب تخصص باشد، ولد زنا به هیچ وجه فرزند آن زن و مرد نیست و در ابتدا وی حقیقتاً از دایره وارثان خارج است و بعد از آن تخصصاً از موضوع خارج می‌شود.

اگر تخصص ثابت شود، ممکن است گفته شود که شارع برای نسب، مفهوم خاصی را وضع کرده است و در این صورت، ولدزنا هیچ نسبتی با آن دو ندارد؛ پس از آن‌ها ارث نمی‌برد. اما ما دلیلی برای این نظر نداریم؛^۱ بنابراین، به بحث دوران میان تخصیص و تخصص می‌پردازیم. در این جا اقوال مختلف است:

عده‌ای قائل به تمسک به اصالة العموم هستند.^۲ اما عده‌ای دیگر معتقدند که به عموم عام در این مسأله نمی‌توان تمسک نمود و عموم عام نمی‌تواند علم اجمالی را از میان بردارد.^۳ مرحوم آخوند در این موضوع قائل به توقف شده است.^۴

اما باید دانست که اصالة العموم در این جا جاری نخواهد شد؛ پس شارع مقدس ولدزنا را استثنا نموده و وی را تخصصاً از عمومات ارث خارج دانسته است؛ همان‌طور که احکام دیگری را برای وی وضع کرده است، مانند عدم امکان امام جماعت شدن یا مرجع تقلید شدن وی.^۵

مفهوم نسب از دیدگاه اهل سنت

در هیچ یک از مذاهب اربعه اهل سنت به مفهوم نسب پرداخته نشده است و هیچ یک از فقهای معاصر اهل سنت نیز تعریفی از آن ارائه نکرده‌اند. تعریفی که در این باره ارائه شده، مربوط به مجموعه قوانین تونس است: «يعتبر النسب رابطه قانونیه و دمویه

۱. طبسی، محمد جعفر، التلقیح الصناعی، سوریه، بی‌نا، ۱۴۲۹هـ صص ۱۶۱-۱۶۴

۲. ملکی اصفهانی، محمود و ملکی اصفهانی، سعید، اصول فقه شیعه: درس‌های خارج حضرت آیت الله فاضل لنکرانی، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار(ع)، ۱۳۸۱، ج ۶، ص ۳۱۶

۳. موسوی خوئی، سید ابوالقاسم، أجود التقريرات تقرير الابحاث محمد حسین الغروی النائینی، قم، ستاره، ۱۴۱۹هـ، ج ۲، ص ۳۱۸

۴. حسینی قمی، سید محمد، ایضاح الکفایه درس‌های متن کفایه الاصول حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی، قم، نوح، ۱۳۷۶، ج ۳، صص ۴۳۱-۴۳۳

۵. طبسی، محمد جعفر، التلقیح الصناعی، صص ۱۶۰-۱۶۵

تقوم علی القرابه و سلسله تتابع الاجيال فی مجتمع ما و فی اسره واحده و یقتصر علی العلاقه بین الاب و الطفل» (منظور همان رابطه میان پدر و فرزند است).^۱
و در جای دیگر در تعریف نسب آمده است: «صله الانسان بمن یتیمی الیه من الآباء و الأجداد».^۲

مفهوم نسب از دیدگاه امامیه

در این بخش، مفهوم لغوی و اصطلاحی نسب را بررسی می‌کنیم:
مفهوم لغوی: نسب از نظر لغوی به معنای قرابت، اصل، نژاد، نسل، خاندان، سلسله، رگ و ریشه، رگ و پیوند، گوهر و بنه^۳ است و در جای دیگر به معنای قرابت، اصل، نژاد خویشاوندی و پیوستگی بین دو شیء (انسان) است. در نظر عرف، فرزندی که از رابطه جنسی زن و مرد به وجود آید، بین او و والدینش رابطه‌ای برقرار می‌شود که عرف از آن به «نسب» نام می‌برد.^۴ بعضی از فقها و حقوق دانان در مقام تعریف عرفی نسب گفته‌اند: «نسب عبارت از منتهی شدن به ولادت شخصی به دیگری مانند پدر و پسر یا انتهای ولادت دو شخص به ثالث است، مانند دو برادر به پدر».^۵ ایرادی که در تعریف اخیر به نظر می‌رسد، این است که اتصال ولادت در حقیقت، منشأ اعتبار رابطه نسبی است، ولی حقیقت نسب امری است که از اتصال ولادت انتزاع می‌شود؛ لذا در این تعریف، بین امر اعتباری و منشأ اعتبار خلط شده است.^۶

مفهوم اصطلاحی: با آن‌که باب اول از کتاب هشتم قانون مدنی ایران به احکام مربوط به نسب اختصاص داده شده است، تعریف صریحی از ماهیت نسب در این قانون به چشم نمی‌خورد؛ از این رو حقوق دانان به منظور شناسایی ماهیت حقوقی نسب تعاریف مختلفی را ارائه داده‌اند.

در اصطلاح حقوقی، نسب دو مفهوم دارد: مفهوم عام و مفهوم خاص.

۱. فرحات، عماد، ۲۰۱۰، «حقوق الام و نظام النسب»، یمکن الحصول علی هذه المقالة فی الموقع الانترنتی: http://www.csp.tn/pdf/filiation_csp.pdf (11 jul 2010)

۲. غانم، عمر بن محمد بن ابراهیم، احکام جنین فی الفقه الاسلامی، جده، دار ابن حزم، ۱۴۲۱هـ ص ۹۲

۳. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، ج ۱۴، ص ۲۲۴۵۲

۴. رضایا معلم، محمد رضا، باروری‌های نوین تولیدمثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳، صص ۳۲۰-۳۲۱

۵. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۲۹، ص ۲۳۸

۶. علوی قزوینی، سید علی، «آثار حقوقی تلقیح مصنوعی»، مجموعه مقالات روش‌های نوین تولیدمثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق، تهران، سمت، ۱۳۸۲، ص ۱۹۰

نسب به مفهوم عام: نسب به معنای عام یا قرابت نسبی که در قانون مدنی ایران با توجه به مواد ۱۰۳۱ به بعد کتاب ششم این قانون «قرابت» نامیده شده است، عبارت است از: «علاقه و ارتباط خونی و حقوقی موجود بین دو نفر که از آن‌ها از صلب یا بطن دیگری و یا در اثر ولادت هر دو نفر از فرد ثالثی ولو با واسطه ایجاد شده باشد».

نسب به مفهوم خاص: نسب به معنای خاص عبارت است از: «علاقه و رابطه حقوقی و خونی موجود بین دو نفر که یکی از صلب یا بطن دیگری به وجود آمده باشد».^۱ که البته تعاریف زیر هر دو را شامل می‌شود.

دکتر سید حسن امامی در تعریف نسب می‌گوید: «رابطه‌ای است که بین دو نفر به اعتبار تولد (مستقیم یا غیر مستقیم) یکی از دیگری و یا تولد (مستقیم یا غیر مستقیم) آن دو از یک نفر به وجود می‌آید. قرابت مزبور به اعتبار هم‌خون بودن افراد با یکدیگر در نظر گرفته شده است».^۲

آقای محمد عبده بروجرودی می‌نویسد: «نسب علاقه‌ای است بین دو نفر که به سبب تولد یکی از آن‌ها از دیگری یا تولدشان از شخص ثالث حادث می‌شود».^۳ البته به دو تعریف آخر نیز این ایراد وارد است که نسب را به امر حاصل از انعقاد نطفه زن و مرد تعریف کرده‌اند؛ ولی حقیقت آن را تبیین نکرده‌اند که آیا این امر، یک رابطه اعتباری و قراردادی است یا تکوینی و واقعی؛ و چون در مقام تعریف باید از الفاظ مبهم پرهیز شود، از این رو تعاریف فوق موجه به نظر نمی‌آیند.^۴

دکتر کاتوزیان نیز در تعریف نسب می‌نویسد: «رابطه خونی و حقوقی است که پدر و مادر را به فرزندان آنان مربوط می‌کند. به این اعتبار، نسب به معنی «روابط پدر و فرزندی» یا «مادر و فرزندی» است و شامل خویشان در خط اطراف نمی‌شود».^۵ دکتر شهیدی نیز نسب را رابطه خویشاوندی می‌داند که از راه خون، بین دو یا چند شخص برقرار می‌شود.^۶ وی هم‌چنین در جای دیگری، نسب را چنین تعریف کرده است:

۱. گرجی، ابوالقاسم و دیگران، بررسی تطبیقی حقوق خانواده، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴، ص ۴۰۴؛ امامی، اسد الله و سید حسین صفایی، مختصر حقوق خانواده، تهران، میزان، ۱۳۸۴، ص ۲
۲. امامی، حسن، حقوق مدنی، تهران، اسلامی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۶۲
۳. عبده بروجرودی، محمد، کلیات حقوق اسلامی، تهران، رهام، ۱۳۸۱، ص ۱۹۸
۴. علوی قزوینی، سید علی، «آثار حقوقی تلقیح مصنوعی»، ص ۱۹۱
۵. کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق خانواده، تهران، میزان، ۱۳۸۴، ص ۳۲۲
۶. شهیدی، مهدی، مجموعه مقالات حقوقی (مدنی، بازرگانی و کیفری)، تهران، حقوق دانان، ۱۳۷۵، ص ۱۶۴

«نسب عرفاً و لغتاً رابطه‌ای است اعتباری که از پیدایش یک انسان از نطفه انسان دیگر انتزاع می‌شود».^۱ قانون نیز همین رابطه را در پیدایش نسب معتبر دانسته و احکامی برای آن وضع نموده است، منتهی بنا به مصالحی از جمله پیش‌گیری از هرج و مرج و اختلاط میاه و ایجاد نظم به خصوص از لحاظ تعیین حقوق و وظایف منسوبان نسبت به یکدیگر، نکاح را تأسیس نموده و رابطه نسبی طفل ناشی از نکاح را با دو طرف صاحب نطفه شناخته است و در این قسمت، طفل ناشی از نزدیکی به شبهه را نیز به طفل حاصل از نکاح ملحق ساخته است. در نتیجه این تأسیس، رابطه طفل ناشی از زنا را از طرفین نطفه قطع کرده و آن را احکامی خاص در این مورد شناخته است (ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی) و باز بنا بر مصالحی، رابطه نسبی مشکوک را ثابت فرض نموده است (اطلاق مواد ۱۱۵۸ تا ۱۱۶۰ قانون مدنی).^۲

دکتر سید علی شایگان نیز نسب یا قرابت را رابطه‌ای می‌داند که بین دو شخص که از نسل یکدیگر یا از نسل شخص ثالثی هستند، وجود دارد.^۳ لازم به ذکر است که بعضی از این تعاریف، مفهوم قرابت را نیز شامل می‌شود که البته این مفهوم باید از تعریف نسب خارج گردد و مفهوم نسب به همان معنای خاص محدود گردد.

بنابراین با توجه به عدم تعریف ماهیت نسب از سوی شارع یا قانون‌گذار شاید بتوان ادعا کرد که مقنن در رابطه با حقیقت نسب از عرف پیروی کرده و همان معنایی را که عرف از نسب به دست می‌دهد، شناسایی کرده است؛ زیرا اگر مقنن اصطلاح دیگری غیر از معنای عرفی نسب، در نظر داشت، منطق تقنین اقتضا می‌کرد که معنی مورد نظر را بیان نماید تا تأخیر بیان از زمان احتیاج لازم نیاید و به اصطلاح اصولی در مورد عنوان نسب، حقیقت شرعی یا قانونی وجود ندارد.^۴

۱. شهیدی، مهدی، «تلقیح مصنوعی انسان»، مجموعه مقالات روش‌های نوین تولیدمثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق، تهران، سمت، ۱۳۸۲، ص ۱۱۴

۲. همان، «تلقیح مصنوعی انسان»، صص ۱۱۴-۱۱۵

۳. افشار، حسن، مطالعه تطبیقی نسب در ایران و فرانسه، تهران، بی‌نا، ۱۳۴۹، ص ۷

۴. علوی قزوینی، سید علی، «آثار حقوقی تلقیح مصنوعی»، ص ۱۹۱

۲-۱-۱-۲. منشأ انتساب طفل شبیه‌سازی شده به پدر و مادر در دین اسلام

برای تدقیق در دیدگاه دین مبین اسلام لازم است پیش از ورود به بحث نسب طفل حاصل از فرآیند شبیه‌سازی مولد، دیدگاهی را مورد بررسی قرار دهیم که از سوی بعضی از دانشمندان طرح گردیده است.

۱- رابطه همسانی

فقه‌های اهل سنت و امامیه، رابطه همسانی میان صاحب سلول و طفل شبیه‌سازی شده را مورد توجه قرار داده و این نظر را مردود می‌دانند.

الف - رابطه همسانی در فقه اهل سنت

بعضی معتقدند که طفل شبیه‌سازی شده به منزله دوقلوی دهنده سلول است. پس از مطالعه منابع اهل سنت در این باره، می‌توان چنین نتیجه گرفت که این فرض از نظر اهل سنت مردود است و فقهایی هم‌چون محمد رأفت عثمان و یوسف عبدالله قرضاوی به نادرستی آن اذعان کرده‌اند.^۱

ب - رابطه همسانی در فقه امامیه

بعضی چنین بیان می‌کنند که از نظر ژنتیک، طفل شبیه‌سازی شده به منزله دوقلوی دهنده سلول است. به همین دلیل در همانندسازی چهار حالت قابل تصور است:

- دهنده سلول، شوهر دهنده تخمک باشد.

- دهنده سلول، مرد بیگانه باشد.

- دهنده سلول، دهنده تخمک باشد.

- دهنده سلول، زن بیگانه باشد.

در تمام این فروض نیز، ممکن است مادر جانشین، خود زن دهنده تخمک یا زن دیگری باشد؛ یعنی در فرض اول طفل شبیه‌سازی شده به منزله دوقلوی مرد دهنده سلول، در فرض دوم و چهارم به منزله دوقلوی مرد و زن بیگانه و در فرض سوم به منزله دو قلوی زن دهنده تخمک است. اگر این رابطه ژنتیک و طبیعی را از نظر حقوقی

۱. طه، بدریه، «الاستنساخ .. حل سحری لعقم الرجال»، ص ۲؛ قرضاوی، یوسف عبدالله، ۲۰۰۵، «ما حکم الاستنساخ فی الاسلام»، یمكن الحصول علی هذه المقالة فی الموقع الانترنیتی:

نیز معتبر بشناسیم، باید فرض کنیم که طفل شبیه‌سازی شده، خواهر یا برادر دهنده سلول است و به حسب مورد، آثار حقوقی مترتب بر آن را معین کنیم، یعنی پدر و مادر و سایر اقارب طفل شبیه‌سازی شده که به نوبه خود فروض و شقوق مختلفی را می‌توان برای آن تصور کرد. واضح است که این وضعیت موجب آشفتگی در روابط افراد شبیه‌سازی شده با دیگران می‌شود و فرد را در اجتماع با مشکلات فراوانی روبرو می‌سازد؛^۱ زیرا بعد از آن‌که فرد شبیه‌سازی شده دارای روحی دیگر غیر از روح شخص صاحب سلول تلقی شد، قطعاً خود فرد صاحب سلول نخواهد بود و بی‌تردید شخص دیگری است و از آن‌جا که همراه با او در یک رحم قرار نداشته که زن با وارد شدن اسپرم، یا تلقیح آن در رحم، بدان باردار شود، پس همزاد او نیز به شمار نمی‌آید تا بین آن شخص و فرد شبیه‌سازی شده مثلاً نسبت برادری برقرار گردد؛ بلکه چون مرد صاحب سلول، با دادن سلول خود و قرار دادن آن به جای تخمک بی‌هسته سبب بارور شدن تخمک می‌گردد و این سلول جزئی از بدن او به شمار می‌آید، بر این اساس، این سلول حکم اسپرم را دارد که موجب باروری تخمک می‌شود و حتی می‌توان گفت که این سلول، در به وجود آمدن فرد شبیه‌سازی شده، تأثیر بیشتری دارد؛ زیرا این سلول تمام ماده‌ای است که رشد کرده، به صورت جنینی کامل درمی‌آید و سپس به نوزادی تبدیل می‌گردد.^۲ بنابراین، این رابطه در میان هیچ یک از فقها و علمای امامیه پذیرفته نیست؛ بسیاری از آنان، یکی از عنوان پدری یا مادری را برای طفل در نظر گرفته‌اند یا این‌که وی را بدون پدر و مادر و محارم دانسته‌اند. از سوی دیگر، بعضی از فقها و حقوق‌دانان در مقام تعریف نسب گفته‌اند: «نسب عبارت از منتهی شدن وحدت شخصی به دیگری، مانند پدر و پسر یا انتهای ولادت دو شخص به ثالث است [مانند دو برادر به پدر]».^۳ در این تعریف ملاک صدق عنوان برادری یا خواهری، انتهای ولادت دو شخص به ثالث می‌باشد که در مسأله شبیه‌سازی چنین امری صادق نیست. بنابراین، آن‌چه به نظر می‌رسد این است که در میان فقها و علمای امامیه، این بحث جایگاهی ندارد.

۱. موسوی بجنوردی، سید محمد، اندیشه‌های حقوقی ۱ (حقوق خانواده)، تهران، مجد، ۱۳۸۶، صص ۱۴۸-۱۴۹.
 ۲. مؤمن، محمد، «شبیه‌سازی»، صص ۱۲۹-۱۳۰؛ موسوی بجنوردی، سید محمد، «بررسی حقوقی مسأله شبیه‌سازی انسان»، تحقیقات زنان، سال دوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۷، ص ۳۲؛ طباطبایی حکیم، سید محمد سعید، فقه الاستنساخ البشري و فتاوی طیبیه، بی‌جا، بی‌نا، ۱۴۲۰هـ ص ۲۲.
 ۳. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۲۹، ص ۲۳۸.

۱- رابطه ولد و الدینی

در این بخش، به بررسی نسب طفل شبیه‌سازی شده از دیدگاه فقهای اهل سنت و امامیه می‌پردازیم:

۱-۱-۱-۳. نسب طفل شبیه‌سازی شده در فقه اهل سنت

علمای اهل سنت در این زمینه به دو صورت دیدگاه‌های خود را بیان کرده‌اند. عده‌ای به طرح سناریوهای پیچیده پرداخته‌اند و عده‌ای نیز به این امر پاسخ‌های در خور توجهی داده‌اند.

صورت اول: در این جا برخی از فقها شقوقی را مطرح ساخته‌اند که بسیار پیچیده است و خودشان از آن به عنوان «فقه افتراضی» تعبیر می‌کنند و کسانی را که این گونه مسائل را پیش می‌کشند، «ارأیئون» نامیده‌اند؛ یعنی کسانی که کاری به عالم واقع ندارند و تخصص اصلی آن‌ها، طرح سناریوهای به اصطلاح «نیش غولی» است. یکی از اینان، خالد حتحات است که در مقاله «الاستنساخ و الارأیئون»، به این مسأله پرداخته و یازده سناریو از این دست را نقل کرده است. یکی از این سناریوها آن است که فرض کنیم در درون خانواده‌ای دست به شبیه‌سازی انسانی بزنیم و فرزندی به وجود آید. این فرزند، یا متعلق به پدر است یا مادر و نمی‌تواند هم‌زمان به هر دوی آنان منتسب گردد؛ زیرا اگر هسته سلول جسمی از پدر و تخمک از آن زن باشد، وی همه خزانة ژنتیک پدر را به ارث برده است و دیگر نسبت ژنتیک با زنی که او را پرورده است، ندارد. اگر هم هسته سلول و تخمک هر دو از آن زن باشد، کودک تنها فرزند آن زن خواهد بود و دیگر نمی‌توان او را به آن مرد ملحق ساخت. این جاست که برخلاف تولید مثل سستی، فرزند از نظر ژنتیک تنها فرزند یک تن است. در این جا مسأله خلط نسب رخ نمی‌دهد و مسأله این نیست که چه کسی پدر آن فرزند است تا قاعده فراش جاری گردد؛ بلکه رابطه جدیدی شکل گرفته است که فقه برای آن حکمی و تصویری ندارد. به این ترتیب، در روابط خویشاوندی ابهامی حیرت‌انگیز رخ می‌دهد.

سناریوی دیگر آن است که فرض کنیم با هسته سلول جسمی مردی، زن او را باردار کرده‌ایم و این کار در چارچوب زوجیت انجام شده است. فرزندی که به دنیا خواهد آمد، پسر است. در سناریوی اول گفته می‌شود که این فرزند تنها به پدر خود

ملحق می‌شود؛ اما در این‌جا حتی این مسأله محل تردید قرار می‌گیرد؛ چون جای این پرسش است که شخص شبیه‌سازی شده، چه نسبتی با کسی دارد که هسته سلول از او گرفته شده است: آیا فرزند اوست یا برادر او؟ و متقابلاً می‌توان پرسید: پدر شخص شبیه‌سازی شده کیست؟ کسی که از او هسته گرفته شده است؟ یا پدر دهنده هسته؟ و در نتیجه این دو برادر خواهند بود؟ دکتر توفیق علوان نیز با بیان دیدگاه علمی خود در این مسأله از فقها می‌خواهد تا این مسأله را از منظر شرعی حل کنند. همین سناریو و پرسش درباره فرزند دختر صادق است: آیا دختری که به دنیا می‌آید، دختر زن دهنده تخمک است؟ یا دختر مادر آن زن و در نتیجه خواهر او؟^۱

این پرسش درباره نسبت میان اشخاص شبیه‌سازی شده در یک خانواده نیز پیش می‌آید. طبق یکی از این سناریوها: (زنی نه ماه جنینی را که به هیچ وجه با او نسبتی ندارد، بلکه از هسته سلول شوهر خویش است، در رحم خود پرورش می‌دهد و بعدها می‌خواهد که خود جنینی از هسته سلول خود داشته باشد. پس از مدتی، مادر دارای دو فرزند، دختری و پسری، می‌شود که یکی نسخه شبیه‌سازی شده پدر است و دیگری به مادر تعلق دارد. در این‌جا این دو با هم هیچ نسبتی ندارند و نمی‌توان آن دو را محرم یکدیگر نامید. حال آیا این دو می‌توانند با هم ازدواج کنند؟)^۲

این قبیل سناریوها در آثاری که به این مناسبت نوشته شده‌اند، فراوان است. مسأله هنگامی پیچیده‌تر می‌شود که پای زن دیگری به میان کشیده شود؛ یعنی یکی دهنده تخمک و دیگری کسی که تخمک بارور شده را در رحم خود پرورش می‌دهد. در آن صورت باید روشن ساخت که مادر حقیقی کدام است و مادر توهمی کیست؟^۳ در این حالت برخی دو گزینه را پیشنهاد می‌کنند و برخی از سه مادر احتمالی نام می‌برند. هر یک از این سه نظر می‌تواند درست باشد و فتوای فردی نمی‌تواند معضل را قاطعانه حل کند، بلکه باید با توافق جمعی شرعی مسئولان مسأله را حل کرد.^۴

برخی در این زمینه تا جایی پیش می‌روند که مدعی می‌شوند با شبیه‌سازی هرج و مرج به جایی می‌رسد که فرزند پدر خود را پرورش می‌دهد و دختر صورت شبیه‌سازی

۱. اسلامی، سید حسن، شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه آیین کاتولیک و اسلام، صص ۲۶۸-۲۶۹

۲. همان، صص ۲۶۹-۲۷۰

۳. خادمی، نورالدین مختار، الاستنساخ بدعه العصر فی ضوء الاصول والقواعد و المقاصد الشرعیه، ص ۷۲

۴. أشقر، محمد سلیمان، «ابحاث اجتهادیه فی الفقه الطبی»، بیروت، مؤسسه ارساله، ۱۴۲۲هـ ص ۳۹

شده مادرش را. به همین دلیل، شبیه‌سازی مولد انسان را عملی ویران‌گر همه نهادهای مدنی و اجتماعی و از بین برنده مقاصد شریعت می‌دانند.^۱

قرضاوی نیز در باب رابطه میان شخص اصلی و کسی که شبیه‌سازی از او صورت گرفته است، این پرسش حیرت‌آور را مطرح می‌کند که شخص شبیه‌سازی شده آیا همان شخص است، به این اعتبار که نسخه مشابه او است؟ یا پدر او است؟ یا برادر دوقلوی او؟^۲

نورالدین مختار الخادمی نیز این فرض یا پرسش را پیش می‌کشد که اگر کسی هسته سلول شوهر خود را در رحم خودش پیوراند و جنین مذکر باشد، در این صورت برادر شوهر او است؟ یا نسخه بدل شوهرش، و یا فرزندش؟^۳ وی مجدداً می‌پرسد که اگر دختری که شیفته پدرش است، هسته سلول او را در رحم خود بکارد و طفل به دنیا آید، این طفل پدر او خواهد بود؟ یا برادر یا فرزندش؟^۴

ریاض احمد با توجه به ابهامات فوق، هرگونه شبیه‌سازی مولد انسان حتی در دایره زوجیت را حرام دانسته، نظر خود را این گونه بیان می‌دارد:

شبیه‌سازی چهار حالت دارد که همه آن‌ها حرام است... چهارمین حالت آن است که تخمک از همسر و هسته از شوهرش باشد. این نیز حرام است؛ زیرا خلاف شیوه‌های رایج بارداری و زاد و ولد است و ضرورتی برای این کار نیست و کسی که زاده می‌شود، برادر زوج به شمار خواهد رفت، نه فرزند او. بنابراین، همه صور شبیه‌سازی حرام است.^۵

صورت دوم: چند تن از علمای اهل سنت در مقالات خود و یا در پاسخ استفتای پیروان خویش به این موضوع اشاره کرده‌اند و برخلاف گروه اول که فقط تئوری‌پردازی بدون دلیل نموده‌اند، با بیانی مستدل به حل مشکلات این مسأله پرداخته‌اند.

۱. اسلامی، سید حسن، شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه آیین کاتولیک و اسلام، ص ۲۷۰.

۲. قرضاوی، یوسف عبدالله، «ما حکم الاستنساخ فی الاسلام»، ص ۲.

۳. خادمی، نورالدین مختار، الاستنساخ بدعه العصر فی ضوء الاصول و القواعد و المقاصد الشرعیه، ص ۷۷.

۴. همان، ص ۷۸.

۵. اسلامی، سید حسن، شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه آیین کاتولیک و اسلام، ص ۲۷۱.

منشأ انتساب طفل شبیه سازی شده به پدر و مادر از دیدگاه فقه اهل سنت برای دست یافتن به دیدگاه علما و فقهای اهل سنت باید فرآیند شبیه سازی را به حالات زیر تقسیم نمود:

الف - در صورتی که صاحب سلول زوج باشد و محتویات سلول وی را در تخمک منفعل و سپس در رحم زوجه اش قرار دهند، در این جا سه نظر در مورد منشأ انتساب طفل شبیه سازی شده به پدر مطرح است:

- جواز:

دکتر رأفت عثمان شبیه سازی را میان زوجین بدون اشکال می داند و شروطی را برای جواز شبیه سازی در حالت اول در نظر می گیرد که به شرح زیر است:

- زن و شوهر از راه طبیعی به هیچ وجه قادر به بچه دار شدن نباشند.
- باید اطمینان حاصل شود، فرزندی که از طریق شبیه سازی به وجود می آید، از لحاظ جسمی، عقلی و رفتاری انسانی طبیعی خواهد بود و در معرض بیماری های خطرناک قرار نخواهد گرفت.

- باید مطالعات حقوقی و اجتماعی تأیید نمایند که وجود دو انسان کاملاً شبیه به هم هیچ ضرری به فرد و جامعه وارد نمی کند.^۱

علاوه بر وی، دکتر عبدالمعطی بیومی نیز کاربرد این تکنولوژی را در عرصه درمان ناباروری بدون اشکال دانسته است؛ زیرا اسلام با جلب منفعت به انسان مخالف نیست، به شرط آن که از مقاصد شرع در حفظ نفس و نسل تجاوز نکند. هم چنین باید پذیرفت که طریق طبیعی تولید مثل همان تولید مثل جنسی میان زوجین است، البته این به آن معنا نیست که روش جنسی تنها روش تولید مثل است. این روش علمی اگر موجب ضرر به انسان یا حیوان یا گیاه نباشد، مباح است، البته اگر در بین زوجین موفقیت آمیز باشد، از آن جا که تأمین کننده غریزه پدر و مادر شدن است، جایز خواهد بود.^۲

۱. رأفت عثمان، محمد، ۱۹۹۸، «الاستنساخ فی ضوء القواعد الشرعیة»، يمكن الحصول على هذه المقالة في الموقع الانترنتی: http://www.bab.com/articles/full_article.cfm?id=3111 (1 Mar 2011)

۲. طه، بدریه، «الاستنساخ .. حل سحری لعقم الرجال»، ص ۲؛ خوئینی، غفور و سهرابی، مرجان، «شبیه سازی انسان با نگاهی به دیدگاه امام خمینی (ره)»، پژوهش نامه متین، سال دهم، شماره ۳۷، زمستان ۱۳۸۶، صص

دکتر محمد سلیمان أشقر نیز این حالت را جایز دانسته و به همین سبب از آثار و احکام وضعی این حکم بحث نموده است که در فصول آتی نظرات وی به تفصیل می‌آید.^۱

۱- عدم جواز

دکتر نصر فرید واصل شبیه‌سازی در میان زوجین را کفر صریح دانسته، تمام شقوق آن را منع می‌کند. وی بر آن است که اگر به زوجین اجازه این کار را دهیم، ممکن است در این مرحله باقی نماند و خطر در این جا نهفته است.^۲ البته علاوه بر وی، افراد دیگری از علمای اهل سنت نیز این نظر را دارند.

در این جا سه نظر در مورد منشأ انتساب طفل شبیه‌سازی شده به پدر مطرح است:

۱- توقف

این نظر منتسب به دکتر علی غره‌دافی است.^۳

۲- صاحب سلول، پدر طفل شبیه‌سازی شده می‌باشد: زیرا محتویات ژنتیک سلول ملحق به منی زوج است. از جمله علمای اهل سنت که این نظر را دارند، دکتر محمد رأفت عثمان^۴، دکتر عبدالستار ابو غده^۵، محمد سلیمان أشقر^۶، شیخ مالک مصطفی وهبی عاملی^۷ و دکتر عبد الحمید انصاری^۸ هستند. به بررسی ادله این گروه می‌پردازیم:

۱- برخی، ضمن رد نظریه همسانی میان صاحب سلول و طفل شبیه‌سازی شده معتقدند که شباهت میان صاحب سلول و طفل شبیه‌سازی شده از آن جهت نیست که آنان دوقلو هستند؛ بلکه مرجع این شباهت در واقع انتقال محتویات ژنتیک سلول زوج

۱. أشقر، محمد سلیمان، «ابحاث اجتهادیه فی الفقه الطبی»، ص ۳۸.

۲. فوزی، محمد حمید، الاستنساخ البشري بين التحليل و التحريم، دمشق، دارالصفدی، ۱۹۹۹، ص ۲۲۴.

۳. «الاستنساخ»، ۲۰۰۶، يمكن الحصول على هذه المقالة في الموقع الانترنتی: <http://forum.janatin.com/t3303-3.html> (25 Sep 2010)

۴. رأفت عثمان، محمد، ۲۰۰۳، «الحقوق الاسريه المترتبة على الاستنساخ»، يمكن الحصول على هذه المقالة في الموقع الانترنتی:

[http://www.islamonline.net/servlet/satellite?pagename=Islamonline-Arabic-Ask\(13](http://www.islamonline.net/servlet/satellite?pagename=Islamonline-Arabic-Ask(13) Mar 2009)

۵. ابو غده، عبدالستار عبدالکريم، ۲۰۰۳، «الاستنساخ من الزوجين و الاحکام التي تترتب على ذلك»، يمكن الحصول على هذه المقالة في الموقع الانترنتی:

<http://www.e-crf.org/ar/bo/4.doc> (14 Jun 2009)

۶. أشقر، محمد سلیمان، «نحو اجتهاد يضبط قضيه الاستنساخ الاحکام الشرعي للاستنساخ»، ص ۱

۷. وهبی عاملی، مالک مصطفی، قضايا فقهيه معاصره، بيروت، دارالهادی، ۱۴۲۷هـ ص ۱۵۱

۸. «الاستنساخ»، ص ۱

است که شامل ۴۶ کوروموزوم است؛ این ۴۶ کوروموزوم در بدن زوج و طفل شبیه‌سازی شده وجود دارد، همان‌طور که در بدن پدر و فرزندهای دیگر موجود است.^۱ عده‌ای دیگر نیز با بیان دیگر معتقدند که چون منشأ انتساب طفل شبیه‌سازی شده به پدر و مادرش وجود دارد یعنی همان سلول و تخمک، پس طفل ملحق به صاحب سلول و صاحب تخمک می‌باشد.^۲ بعضی نیز با بیان دیگری همین دلیل را برای انتساب طفل به پدرش ارائه می‌دهند و معتقدند که چون طفل جزئی از پدرش است که تمام ویژگی‌های ارثی او را داراست، پس طفل وی به حساب می‌آید و فرزندان این مرد با طفل شبیه‌سازی شده، برادران و خواهران ابی به حساب می‌آیند و احکام میراث بر همین اساس میان آنان جاری می‌شود.^۳

۲- عده‌ای برای انتساب طفل شبیه‌سازی شده به زوج، از روش‌هایی مانند قاعده فراش، شباهت قیافه و استلحاق استفاده می‌کنند و معتقدند که این حالت، نوعی از تلقیح است؛ زیرا همان اثری که از تلقیح اسپرم زوج در تخمک زوجه حاصل می‌شود، در این روش هم حاصل می‌شود.^۴

۳- بعضی، نیز با استناد به قاعده شرعی فراش و با توضیح این مطلب که اگر پدر طبیعی و پدر شرعی در بعضی از صور خارجی در نظام شرعی متفاوت باشند، حکم آن است که طفل به پدر شرعی یعنی زوج مادرش منتسب می‌شود. پس هر زنی که طفلی را به دنیا آورد، پدر شرعی طفل، زوج زنی است که او را به دنیا آورده است، البته در صورتی که امکان به وجود آمدن طفل از پدرش وجود داشته باشد. اگر زوج، طفل را از خود نفی کند، از او نفی نمی‌شود. در این امر، تفاوتی میان این‌که زوج پدر طبیعی طفل باشد یا نه نیست و در هر دو صورت طفل، به وی ملحق می‌شود. البته اگر امکان به وجود آمدن طفل از پدرش وجود نداشته باشد، برای طفل، پدر شرعی وجود ندارد. همان‌طور که اگر زن فاقد شوهر باشد، این طفل اصلاً منتسب به پدر نمی‌باشد. این موارد همگی به جهت حدیث پیامبر (ص) است: «الولد للفراش، وللعاهر الحجر».^۵

۱. طه، بدریه، «الاستنساخ .. حل سحری لعقم الرجال»، ص ۳

۲. عبد الله، عبدالله، ۲۰۰۹، «الاستنساخ»، يمكن الحصول على هذه المقالة في الموقع الانترنتي: <http://egyig.com/Public/articles/ahkam/11/35819186.shtml> (13 Mar 2009)

۳. «الاستنساخ»، ص ۱

۴. أبو غده، عبد الستار عبد الكريم، «الاستنساخ من الزوجين و الاحكام التي تترتب على ذلك»، ص ۲۵

۵. أشقر، محمد سليمان، «نحو اجتهاد يضبط قضيه الاستنساخ الاحكام الشرعيه للاستنساخ»، ص ۲؛ أشقر، محمد سليمان، ابحاث اجتهاديه في الفقه الطبى، صص ۳۸-۳۹؛ مجاهد، صبحی، ۲۰۰۶، «الاستنساخ لمواجهة المقسم .. رويه فقهيه»، يمكن الحصول على هذه المقالة في الموقع الانترنتي: ←

۳- ملحق به زوج نمی‌باشد و طفل فاقد پدر است: زیرا محتویات ژنتیک سلول ملحق به منی زوج نمی‌باشد.^۱

از میان نظرات فوق، هر یک از علما و فقهای اهل سنت، یک دیدگاه را اتخاذ نموده‌اند، ولی بیشتر آنان انتساب طفل را به پدر (صاحب سلول) محقق دانسته‌اند. اما در مورد منشأ انتساب طفل شبیه‌سازی شده به مادر نیز، چهار نظر مطرح است:

۱- صاحب تخمک، مادر طفل است: زیرا منشأ انتساب طفل به مادرش یعنی تخمک در این حالت وجود دارد، بنابراین صاحب تخمک مادر طفل شبیه‌سازی شده می‌باشد.^۲

۲- انتساب طفل شبیه‌سازی شده به مادر، در صورتی محقق است که صاحب تخمک و رحم، زوجه باشد.^۳

۳- صاحب رحم مادر طفل است؛ چون تخمک منفعل (عاری از ماده ژنتیکی)، دیگر اثری در ولادت طفل ندارد، زیرا خالی از هر آن چیزی است که برای انتساب لازم است. بنابراین، تنها ملاک انتساب طفل به مادر در مسأله شبیه‌سازی همان ولادت است.^۴

۴- زوجه، شبیه مادر رضاعی است که طفل را با شیر خود پرورش می‌دهد. بنابراین، زوجه دارای تمامی حقوق مادر رضاعی اعم از محرمیت و ... به جز ارث می‌باشد.^۵

ب - اگر صاحب سلول مردی بیگانه باشد، این طریقه حرام است و طفل حاصل از این فرآیند مثل ولد زنا و نامشروع است و به کس دیگری جز مادرش متنسب نمی‌باشد و بر زوج واجب است که وی را نفی کند؛ زیرا اختلاط انساب حرام است و قبول و رد زوج به رضایت او مرتبط نیست؛ چون هنگامی که این کودک در فراش او به

→ http://www.islamonline.net/arabic/shariah_corner/Fatwa/Topic_06/2006/11/01.shtml (13 Mar 2009)

۱. أشقر، محمد سلیمان، ابحاث اجتهادیه فی الفقه الطبی، ص ۳۹؛ قرضاوی، یوسف عبدالله، «ما حکم الاستنساخ فی الاسلام»، ص ۲

۲. عبداللہ، عبدالله، «الاستنساخ»، ص ۲

۳. رأفت عثمان، محمد، «الحقوق الاسریة المترتبة علی الاستنساخ»، ص ۱

۴. أبو غده، عبد الستار عبد الکریم، «الاستنساخ من الزوجین و الاحکام التي تترتب علی ذلک»، ص ۲۴

۵. «الاستنساخ»، ص ۱

دنیا می‌آید، رابطه نسبی با اصول و فروع خواهد داشت. بنابراین، جایز نیست که کسی را وارد در فراش خود نماید که عضوی از آن به شمار نمی‌رود.^۱

دلیل اتخاذ این نظر از سوی اهل سنت، حرمت مشارکت شخص سوم در فرآیند باروری است. تقریباً تمامی فقهای اهل سنت بر این امر اتفاق نظر دارند.^۲ دکتر محمد رأفت عثمان در اثبات این نظریه چنین استدلال می‌کند:

آن عمل هرچند مصداق زنا نیست، ولی با توجه به این‌که عمل زنا ورود اندام تناسلی به زن نامحرم است، شبیه‌سازی به این شیوه در حکم به حرمت مانند زناست؛ زیرا در حقیقت جزئی کوچک (سلول) از اندام تناسلی مرد، درون تخمک زن نامحرم قرار گرفته است. بدین ترتیب، این گونه بارور ساختن، نظیر بارور ساختن به وسیله انزال اسپرم پس از آمیزش در اندام تناسلی زن نامحرم است و بدین‌سان حکم آن، حکم زناست.

افزون بر این‌که این گونه بارور ساختن موجب به هم‌آمیختگی نسب می‌شود و تنها راه عدم بروز این آمیختگی آن است که شرم‌گاه و تخمک‌های زن، ویژه شوهرش باشد. هرگاه استفاده غیر شوهرش را با فرزندخواهی به واسطه آن‌ها جایز بدانیم، در حقیقت به هم‌آمیختگی نسب و فامیل را روا دانسته‌ایم و این عمل در آیین اسلام، کاری نکوهیده و ناپسند است.^۳

در رد این نظر باید گفت:

اولاً زنا در واقع رابطه جنسی نامشروع است و با شبیه‌سازی متفاوت می‌باشد و شبیه‌سازی موضوعاً از بحث زنا خارج است. برای اثبات این نظر می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود.

۱- محقق حلی در تعریف زنا می‌گوید: «هو إیلاج الانسان ذکرة فی فرج امراه محرمة من غیر عقد و لا ملک و لاشبهه و یتحقق ذلک بغیبوبه الحشفة قبلا و دبراً».^۴

۱. خادمی، نورالدین مختار، «الاستنساخ بدعه العصر فی ضوء الاصول و القواعد و المقاصد الشرعیه»، ص ۷۸؛ «الاستنساخ»، ص ۱

۲. «موقف الشرع من الاستنساخ البشري»، ۲۰۰۵، يمكن الحصول على هذه المقالة فی موقع الانترنت: <http://www.islamonline.net/servlet/satellite?pagename=Islamonline-Arabic-Ask> (13 Mar 2009)

۳. رأفت عثمان، محمد، «الاستنساخ فی ضوء القواعد الشرعیه»، صص ۳-۴

۴. محقق حلی، جعفر بن حسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، تهران، علمی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۴۹

شهید اول هم زنا را چنین تعریف کرده است: «ایلاج البالغ العاقل فی فرج امراه محرمه من غیر عقد و لا ملک و لا شبهه قدر الحشفه عالما مختارا»^۱. این مشهورترین تعاریف نزد فقهای امامیه است.

۲- فقه حنفی، زنا را چنین تعریف می‌نماید: «الزنا هو وطء فی قبل المراه العاری عن حقیقه النکاح و شبهته و يتجاوز الختان الختان».

تعریف زنا نزد ابی یوسف و محمد این است: «هو وطء فی قبل المراه العاری عن حقیقه النکاح و يتجاوز الختان الختان»^۲.

۳- در نزد فقهای حنبلی چنین است: «هو الوطء فی الفرج لایملکه»^۳.

۴- احمد در دیری مالکی زنا را چنین توصیف می‌کند: «هو وطء الرجل المراه فی القبل فی غیر الملک و شبهته». و ابن غرفه مالکی می‌گوید: «الزنا الشامل لفعل قوم لوط: مغیب حشفه آدمی فی فرج آخر دون شبهه حله عمدا»^۴.

۵- نزد شافعی، زنا چنین تعریف شده است: «ایلاج الذکر بفرج محرم لعینه خال عن الشبهه مشتهی»^۵.

ظاهر این است که تمامی فقهای اسلام با وجود اختلاف در مذاهبشان، بر این امر اتفاق دارند که وطی در قبل زن بدون حریمیت از باب ملک یا شبهه، زناست و این، معنی عرفی زنا می‌باشد و فقها بعضی از قیود مثل الحاق دبر به قبل را به ادله خاص به تعریف عرفی آن اضافه نموده‌اند.

برای زنا، در شرع تعریفی وجود ندارد و بعضی از فقها به این موضوع، اذعان دارند. این جاست که تفاوت میان فهم عرفی از این کلمه و حدود شرعی آن مشخص می‌شود. بنابراین، شبیه‌سازی، چه از نظر موضوع و چه از نظر حکم با زنا متفاوت است و نمی‌توان، آن را از این جهت حرام دانست و اولاد ناشی از این فرآیند را اطفال زنازاده محسوب کرد.^۶

۱. مکی، محمد بن جمال الدین، اللمعه الدمشقیه فی فقه الامامیه، بیروت، مؤسسه فقه الشیعہ، ۱۴۱۰هـ ص ۲۵۳

۲. صاغرچی، أسعد محمد سعید، الفقه الحنفی و أدلته، بیروت، دار الکلم الطیب، ۱۴۲۶هـ ص ۳۲۰

۳. شافعی، محمد حسن اسماعیل و احمد محروس جعفر، الکافی فی فقه الامام احمد بن حنبل، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۱ هـ ج ۴، ص ۱۰۲

۴. زحیلی، وهبه، الفقه المالکی المیسر، بیروت، دار الکلم الطیب، ۱۴۲۳ هـ ج ۲، ص ۳۹۴

۵. محلی، جلال الدین محمد بن احمد، منهاج الطالبین فی الفقه الشافعی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۴هـ ج ۴، ص ۱۸۰

۶. موسوی سبزواری، سید علی، الاستنساخ بین التقنیه و الشریع، صص ۱۲۶-۱۲۸

ثانیاً دکتر عثمان تلقیح به وسیله سلول اندام تناسلی مرد نامحرم را نظیر تلقیح به اسپرم او، موجب یکسان بودن حکم در این دو موضوع شمرده و آن را حرام دانسته است و در این خصوص جز صرف احتمال یا گمان ضعیفی که هیچ گونه دلیلی بر اعتبار آن نیست، دلیل معتبری ندارد و اصل برائت شرعی و عقلی، اقتضای جواز آن را دارد و شاید فتوای وی، به حرمت آن، برگرفته از مذهبی باشد که به حجیت قیاس قائل است و تردیدی در بطلان آن نیست.

شاید وی دلیل خود را این گونه توجیه کند که چون فرض بر این است که سلول، از اندام تناسلی مرد گرفته می شود، قطعاً وارد ساختن این جزء کوچک در اندام تناسلی زن، نظیر داخل نمودن اندام تناسلی مرد است و از این رو، این کار حرام است و حکم زنا بر آن بار می شود؛ ولی این توجیه نیز قیاسی مع الفارق و کاملاً بی اعتبار است.

ثالثاً بحث به هم آمیختگی نسب نیز مردود است؛ زیرا معنای به هم آمیختگی این است که مثلاً فرزند به وجود آمده از راه نامشروع و غیرشوهر یا کسی که در حکم اوست، به شوهر نسبت داده شود و گر نه اگر مردی از روی شبهه با غیر همسر خود آمیزش نماید و آن زن از اسپرم وی باردار شود، تردیدی نیست که فرزند به وجود آمده، فرزند مردی است که از روی شبهه با وی آمیزش نموده است. بدین سان، نسبت دادن این فرزند به شخص آمیزش کننده ای که شوهر آن زن نبوده است، از باب به هم آمیختگی نسب، ممنوع نیست. در این صورت اگر به اقتضای اصل برائت، قائل به جواز این باروری و شبیه سازی شویم، انجام این کار حلال و نوزاد پدید آمده از این روش، فرزند آن مرد و زن است.^۱

ج - اگر صاحب سلول زن باشد و نطفه در رحم زن دیگری گذاشته شود. در این صورت چون مذکری در تولد طفل شبیه سازی شده، دخالتی ندارد، پس طفل به مادرش منتسب است و فاقد پدر می باشد.

در مورد منشأ انتساب طفل به مادرش چهار دیدگاه مطرح است:

۱- صاحب سلول^۲

۱. مؤمن، محمد، «شبیه سازی»، صص ۶۸-۶۹

۲. رأفت عثمان، محمد، «الاستنساخ فی ضوء القواعد التشریعی»، ص ۱

۲- صاحب رحم: برخی به استناد دو آیه: «إِنْ أُمَهَا تَهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ» (مجادله، ۲) و «حَمْلَتُهُ أُمَهُ وَهَنًا عَلَى وَهْنٍ» (لقمان، ۱۴) صاحب رحم را در این حالت، مادر طفل شبیه‌سازی شده می‌دانند.^۱

۳- صاحب سلول و صاحب تخمک با هم: برخی هنگامی که سلول و تخمک متعلق به یک زن باشد، آن زن را مادر طفل می‌دانند و صاحب رحم را هم‌چون مادر رضاعی می‌شمارند.^۲

۴- این طریقه حرام است و طفل حاصل از این فرآیند مثل ولد زنا و نامشروع است و به کس دیگری جز مادرش منتسب نمی‌باشد. دکتر محمد رأفت عثمان، این حالت را نیز حرام شمرده و معتقد است که این کار شبیه مساحقه است. اگر مساحقه حرام و فرزندآوری حاصل از آن نیز حرام باشد، تلقیح و باروری شبیه به آن نیز طبق قاعده قیاس، حرام خواهد بود. افزون بر این‌که این عمل، موجب وارد شدن آسیب‌ها و زیان‌های روحی و روانی و اجتماعی به فرزند تولد یافته به این شیوه خواهد گشت و این کار حرام است. گذشته از این، اگر این کار میان زنان رواج یابد، ایجاد فساد خواهد کرد.^۳

رد این نظر به ادله ذیل ممکن می‌باشد:

اولاً این عمل مساحقه نیست؛ بدین ترتیب، ادله تحریم مساحقه نیز شامل آن نخواهد شد. در وجود تفاوت‌های فراوان بین این عمل و مساحقه، تردیدی نیست. بنابراین چگونه گفته می‌شود به اقتضای قیاس، حکم مساحقه بر این عمل ثابت می‌شود؟ افزون بر این‌که قاعده قیاس از دیدگاه ما قطعاً مردود و فاقد اعتبار است.

ثانیاً این ادعا که این عمل موجب زیان رسیدن به کودک تولد یافته می‌شود، دارای اشکال است؛ زیرا چنین چیزی مشخص نیست و قاعده برائت، حکم به جواز آن نمی‌کند. حالا اگر تسلیم شویم که این زیان‌ها مشخص و معلوم باشد، آن‌چه که حرام است، وارد ساختن آسیب و زیان بر انسانی سالم است که در این‌جا مصداق ندارد. ثالثاً برای ایجاد فساد با رواج این شیوه در میان زنان، نیز دلیلی وجود ندارد.^۴

۱. عبد الله، عبدالله، «الاستنساخ»، ص ۲.

۲. همان، ص ۱.

۳. رأفت عثمان، محمد، «الاستنساخ فی ضوء القواعد التشریعی»، ص ۳.

۴. مؤمن، محمد، «شبیه‌سازی»، صص ۷۰-۷۱.

د - صاحب سلول، صاحب رحم و صاحب تخمک یک زن باشد

در این صورت، طفل منتسب به مادرش می باشد و فاقد پدر است. برخی ضمن رد نظریه همسانی میان صاحب سلول و طفل شبیه سازی شده، به دو دلیل وی را مادر طفل شبیه سازی شده می دانند، اولاً؛ طفل شبیه سازی شده، جزئی از مادرش است. ثانیاً؛ استناد به آیه ۲ سوره مجادله می کنند.^۱

عده ای دیگر نیز در این حالت طفل را به مادرش منتسب می دانند و نسبت وی را با زوج این زن، هم چون ربیبه تلقی می کنند و فرزندان این زن و مرد را خواهران و برادران امی این طفل می شمارند.^۲

هـ - در صورتی که صاحب سلول زوج باشد و تخمک از زوجه گرفته شده باشد و در رحم زن دیگری کاشته شود

برخی در این حالت صاحب سلول (زوج) را پدر طفل و صاحب رحم و صاحب تخمک را در حکم مادران رضاعی می دانند. هم چنین معتقدند که در کلیه این حالات، طفل شبیه سازی شده یا به مادر منتسب است یا به پدر؛ زیرا صاحب سلول یا زوج است یا زوجه.^۳ البته لازم به ذکر است که دیدگاه ایشان چندان هم صحیح نمی باشد؛ زیرا هرچند تخمک، عاری از محتویات ژنتیکش می شود، ولی باز هم بر خصوصیات ژنتیک طفل شبیه سازی شده اثر دارد.

البته عده ای دیگر این حالت را نیز حرام دانسته اند، بی آن که دلیلی برای آن اقامه کنند. شاید وجه بیان مسأله از دیدگاه این گروه، قیاس نمودن با زنا باشد، زیرا مرد صاحب سلول پیکری یا صاحب اسپرم، به فرزندی از غیر طریق همسرش، دست خواهد یافت. بنابراین، قضیه به این می ماند که اسپرم خود را در رحم زن بریزد و این قیاس، اقتضای حرمت دارد.^۴

این نظر نیز مردود است؛ زیرا قیاس از نظر ما دارای اعتبار نیست و دلیل دیگری هم بر حرمت وجود ندارد. از این رو، اقتضای اصل برائت، جواز این عمل است. اشکالاتی بر سخن گوینده وارد است. نخست این توجیه، اقتضایش اختصاص حرمت است به

۱. قرضاوی، یوسف عبدالله، «ما حکم الاستنساخ فی الاسلام»، ص ۲

۲. «الاستنساخ»، ص ۱

۳. «همان»، ص ۱

۴. رأفت عثمان، محمد، «الاستنساخ فی ضوء القواعد الشرعیة»، ص ۲

جایی که زن دوم با مرد، نامحرم باشد؛ در صورتی که سخن وی اطلاق دارد و جایی را که همسرش به ازدواج او درآمده و ملک او باشد، شامل می‌گردد؛ چنان‌که جایی را که سلول پیکری از زنی دیگر یا از خود زن صاحب تخمک باشد نیز شامل می‌شود. دوم این‌که احتمال دارد وجود اسپرم، در حرمت دخالت داشته باشد. بنابراین، اگر قیاس را بپذیریم، قطعاً این عمل در موارد بارورسازی و تلقیح به وسیله سلول پیکری از مرد، جریان نخواهد یافت.^۱

۱-۱-۳-۴. نسب طفل شبیه‌سازی شده در فقه امامیه

در شبیه‌سازی مولد انسان، فروضی به شرح زیر متصور است:

۱- در موردی که هسته فعال سلول و تخمک عاری از جنس ماده (منفعل)، هر دو متعلق به زن صاحب رحم باشد.

۲- در موردی که هسته فعال سلول متعلق به یک زن و تخمک عاری از جنس ماده (منفعل)، متعلق به زن دیگری باشد و سلول اولیه در رحم زن اولی کاشته شود؛ حالت مذکور به ویژه در وضعیت نادری اتفاق می‌افتد که زنی فاقد توان جنسی زایش، ولی دارای رحم سالم و متمایل به داشتن فرزند بدون انتساب به غیرهمجنس باشد.

۳- حالتی که هسته فعال سلول غیرجنسی مردی در تخمک منفعل زنی کاشته شود و بین ایشان رابطه زوجیت برقرار و شوهر فاقد توان جنسی تولید مثل باشد.^۲

در موردی که هسته فعال و تخمک عاری از جنس ماده به یک زن متعلق باشد، ولی طفل در رحم اجاره‌ای گذاشته شود.^۳ البته احتمالات دیگری هم در این زمینه مطرح شده است که تنها چهار مورد مذکور از دیدگاه پزشکی ممکن به نظر می‌رسد.

۱-۱-۳-۱. منشأ انتساب طفل شبیه‌سازی شده به پدر در فقه امامیه

بر اساس آنچه در ابتدای این مبحث آورده شد، نظرات فقها در الحاق طفل شبیه‌سازی شده به پدر مختلف است. در این باره دو دیدگاه از سوی فقها طرح می‌شود:

۱. مؤمن، محمد، «شبیه‌سازی»، صص ۷۵-۷۶

۲. انسان، مصطفی و زینب کنعانی، «تلاقی اخلاق، حقوق و واقعیت در شبیه‌سازی انسان، ضرورت تحلیل منطقی و ایجاد تعادل»، ص ۶

۳. سلطانی، عباسعلی و حسین ناصری، «شبیه‌سازی از منظر فقه و حقوق اسلامی»، مسائل مستحدثه پزشکی ۲، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶، ص ۵۳

دیدگاه اول: عدم انتساب به پدر

عده‌ای از فقهای امامیه با استناد به تعریف عرف از نسب و تأیید آن توسط شارع، معتقدند که طفل شبیه سازی شده، پدر ندارد. آیات عظام حائری،^۱ جواهری،^۲ مکارم شیرازی،^۳ موسوی اردبیلی،^۴ بیات،^۵ سید محسن موسوی تبریزی، حکیم^۶ از قائلان به این نظر هستند. به بررسی ادله این گروه می پردازیم:

این گروه ادله زیر را برای نظر خود برشمرده اند:

۱- پدر عرفی صاحب سلول جنسی است و در این مورد چنین سلولی وجود ندارد و این طفل اساساً از نطفه مرد نیست.^۷ همان طور که در قرآن آمده است: «ثم جعل نسله من سلاله من ماء مهین»^۸، معیار بنوت شخصی به شخص دیگر، خلقت از جزء او نیست، بلکه خلقت از اسپرم (منی) اوست.^۹

۲- ابوت فرع بر افراغ منی است و زوجیت در این جا نقشی ندارد.^{۱۰}

۳- مرجع در تعیین نسب، عرف است نه چیز دیگر و شارع مقدس در ترتیب احکام آن، بر عرف اعتماد نموده است. بر ما واجب است که برای درک این موارد به علم حدیث رجوع کنیم؟ اما هیچ شکی نیست که حکم به اثبات نسب میان فرد شبیه سازی شده و اهداکننده سلول، تنها به خاطر تشابه و بدون تحقق ضوابط نسبی عرفی معهود درست نیست؛ بلکه بر ما لازم است که این تشابه را نادیده انگاریم و حکم به این امر دهیم که آنان نسبت به هم بیگانه اند و هیچ ارتباط نسبی باهم ندارند.^{۱۱}

۱. حائری، سید کاظم، ۲۰۰۸، استفتانات حول الاستنساخ، يمكن الحصول على هذه المقالة في الموقع الانترنتي: <http://www.alhaeri.com/bayanat/bohoth/new/Watan%20Sharei.htm> (4 may 2010)

۲. ولی زاده، رحمان، احمد آری و مهر علی پیردهی، «بررسی فقهی شبیه سازی»، فقه و مبانی حقوق (دانشگاه آزاد بابل)، سال دوم، شماره ۶، زمستان ۱۳۸۵، ص ۱۹۱

۳. جواهری، حسن، «تقسیم جنین و شبیه سازی»، کاوشی نو در فقه اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۴۷، بهار ۱۳۸۵، ص ۹۵

۴. علیان نژاد، ابوالقاسم، «دیدگاه فقهی آیت الله مکارم شیرازی درباره دو مسئله شبیه سازی و راه های فرار از ریا»، ص ۲۹

۵. پاسخ به استفتای مؤلف، رجوع شود به پیوست.

۶. «شبیه سازی از نگاه اخلاق و شرع در جدیدترین اظهار نظر مراجع»، ص ۱

۷. طباطبایی حکیم، سید محمد سعید، فقه الاستنساخ البشري و فتاوی طیه، صص ۲۱-۲۲

۸. حائری، سید کاظم، «استفتانات حول الاستنساخ»، ص ۳؛ جواهری، حسن، «تقسیم جنین و شبیه سازی»، ص ۹۵

۹. سجده، ۸

۱۰. طباطبایی حکیم، سید محمد سعید، فقه الاستنساخ البشري و فتاوی طیه، صص ۲۱-۲۲

۱۱. جواهری، حسن، «تقسیم جنین و شبیه سازی»، ص ۹۵

۱۲. طباطبایی حکیم، سید محمد سعید، فقه الاستنساخ البشري و فتاوی طیه، صص ۲۲-۲۳

البته قائلان به این نظر، در همه فروض مطروح در شبیه‌سازی، طفل شبیه‌سازی شده را فاقد پدر دانسته‌اند؛ لیکن این نظر در جای خود محل مناقشه جدی است. به فرض که عرف، امروزه چنین تصویری از پدر دارد که در جای خود محل بحث است. به احتمال قوی، اگر این فهم عرفی به زودی تغییر کند، در آن صورت باید به تبع عرف از این نظر دست برداشت. وانگهی به نظر نمی‌رسد ما دلیلی داشته باشیم که تحقق فرزندى به «افراغ منی» باشد، هر چند غالباً چنین است. لیکن اگر فردی نزد حاکم شرع رفت و مدعی شد که به یاد نمی‌آورد هنگام آمیزش افراغ منی کرده باشد، آیا به صرف آن می‌تواند نفی ولد کند؟ این جاست که باید از این قیده‌های زاید دست کشید^۱ و تنها ملاک را همان فراش زوجیت و امکان الحاق دانست. به همین سبب، برخی از فقها در فرض وقوع، شخص شبیه‌سازی شده را به والدین یعنی پدر و مادر شرعی نه بیولوژیک خود، ملحق می‌سازند.^۲ یعنی معتقدند از نظر شرعی، برای تحقق ابوت، لازم نیست که احراز شود فرزند حتماً از «نطفه مرد» است. آنچه شرعاً موجب الحاق فرزند به پدر می‌شود، همان فراش است و بس. کافی است که فرزند در دایره زوجیت پدید آمده باشد و دلیلی برخلاف آن در دست نباشد، تا فرزند زوجین به شمار رود. این قاعده چنان استوار است که حتی پدر نیز نمی‌تواند فرزند را از خود نفی کند. پس لازم نیست که فرزند لزوماً از نطفه پدر باشد و این مسأله احراز شود؛ بلکه معیار فراش زوجیت و امکان الحاق است و بس.^۳ برای مثال آیت الله شیرازی فرزندى را که از طریق شبیه‌سازی ایجاد شده باشد، به والدین شرعی خود ملحق می‌کند.^۴ آیت الله تسخیری نیز در موردی که تخمک از مادر و سلول از پدر باشد، طفل را به هر دو آنان ملحق می‌داند.^۵ دکتر ابوالقاسم گرجی، نیز در تأیید نظر فوق می‌گوید: «روابط خانوادگی، بیشتر جنبه حقوقی دارند تا جنبه حقیقی؛ به اصطلاح می‌گویند اعتباری است. برخی از احکام و مقررات هم ارزش اعتباری دارند. اگر پدر و مادری به روش معمول صاحب

۱. اسلامی، سید حسن، «شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه شیعه؛ بررسی چهار دیدگاه»، ص ۵۸

۲. همان، ص ۵۹

۳. همان، ص ۵۷

۴. همان، ص ۵۹؛ شبستری، سید حسن، بررسی مشروعیت شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه فقهی، حدود و شرایط

آن، ص ۱۲۸

۵. تسخیری، محمدعلی، «نگاهی به موضوع شبیه‌سازی انسان به کمک تکنولوژی جدید»، ص ۶۷

فرزند شوند، چون عرف آن بچه را فرزند آنان محسوب می کند، علما می گویند، آن بچه از والدینش ارث می برد. عرف ممکن است فرزند حاصل از شبیه سازی مرد را فرزند آن زن نداند. به نظر بنده، اگر جا بیفتد که کودک حاصل از شبیه سازی، فرزند هر دو نفر است، چون هر دوی آنان او را بزرگ می کنند و پرورش می دهند، با فرزندی که از طریق معمول به وجود می آید، تفاوتی ندارد. اگر به نحوی فرزند حاصله را بتوان استناد داد که به زن و شوهر ارتباط دارد، احکامی مانند ارث نیز همانند فرزندان دیگر بر او صادق است، هر چند در گذشته این نبوده و قابل تصور هم نبوده است.^۱

دیدگاه دوم: انتساب به پدر

بعضی از فقها قائل به تفکیک میان فرض اول و دوم و فرض سوم شده اند و بر این اساس، قائلند در فرضی که سلول جسمی از مرد گرفته می شود و در تخمک منفعل زن قرار داده می شود، فرزند تنها به پدر ملحق است، نه مادر؛ و گفته اند که در این جا فرزند تنها از آن پدر است؛ زیرا وی محصول هسته سلول جسدی پدر است. از نظر آنان، اگر هسته از مادر باشد، وی تنها دارای مادر خواهد بود. اگر هم از آن پدر باشد، وی دارای پدر و فاقد مادر خواهد بود؛^۲ زیرا آن چه با تکثیر شدن، رشد و نمو می کند، همان هسته نطفه است و سیتوپلاسم موجود پیرامون آن به منزله غذای آن هسته تلقی می شود.^۳ برای نمونه، آیت الله مؤمن^۴ و آیت الله بجنوردی^۵ از این نظر تبعیت می کنند. هم چنین عده ای از این گروه، میان اهدای سلول از سوی زوج و فرد بیگانه فرقی نگذاشته اند و در هر دو صورت، طفل را دارای پدر می دانند از جمله ایشان می توان به آیات عظام موسوی سبزواری^۶، حائری^۱ و مکارم شیرازی^۲ (البته در نظر اخیر ایشان) اشاره نمود. این گروه ادله زیر را برای نظر خویش اقامه می کنند:

۱. سالاری، حسن، شبیه سازی انسان، ص ۱۲۰
۲. اسلامی، سید حسن، «شبیه سازی انسانی از دیدگاه شیعه؛ بررسی چهار دیدگاه»، ص ۵۸؛ حائری، سید کاظم، «شبیه سازی انسان»، فقه اهل بیت، سال پانزدهم، شماره ۵۵، ۱۳۸۷، ص ۴۴؛ مؤمن، محمد، «شبیه سازی»، صص ۱۱۱-۱۱۰
۳. مؤمن، محمد، «شبیه سازی»، ص ۱۱۰
۴. همان، ص ۱۱۲
۵. موسوی بجنوردی، سید محمد، «کلون سازی انسان»، مجموعه مقالات فقهی، حقوقی و اجتماعی، تهران، پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱، ج ۳، صص ۲۸۲-۲۸۳
۶. موسوی سبزواری، سید علی، الاستسناخ بین التقیه و التشریع، ص ۱۵۷

۱- استناد به صحیح محمد بن مسلم درباره مساحقه زنی با دختری که موجب بارداری دختر شد و در آن حکم به الحاق فرزند به پدرش شد. همان‌طور که در روایت دیگر آمده است: «انما الولد للصلب و المرأة وعاء»^۳.

۲- در مشروع بودن این پدر یا مادر، عقد شرعی شرط نیست؛ زیرا عقد شرعی در جایی لازم است که فرزند از طریق تلقیح سلول‌های جنسی به دنیا بیاید.

بدین ترتیب نسب این طفل از هر جهت روشن می‌شود و با اطلاق ادله نسب، تمام احکام نسب بر او مترتب می‌شود. فرض انصراف ادله نسب به نسب حاصل از ازدواج طبیعی، انصراف بدوی ناشی از آن است که در عصر صدور روایات، تنها از این طریق نسب برقرار می‌شده است.^۵

البته اگر زن ازدواج کرده باشد، اشتغال رحم وی به این حمل حرام است؛ زیرا تصرف در حق زوج است. اما اگر زوج راضی باشد، جایز است؛ زیرا در صورت شک در این که این طفل فرزند زوج است یا خیر، طبق قاعده فراش الحاق او به پدر ممکن است و عنوان عاهر بر صاحب سلول صدق نمی‌کند.^۶

اما آیت الله شیرازی با این نظر مخالف است و شبیه‌سازی را تنها میان زوجین، شرعی می‌داند و در غیر این صورت، طفل حاصل از این فرآیند را ولد شبهه می‌خواند.^۷ اما عده‌ای دیگر از این گروه، علاوه بر این که صاحب سلول را پدر طفل می‌دانند، برای این طفل قائل به وجود مادر نیز شده‌اند و وی را تنها منتسب به پدر یا صاحب سلول نمی‌دانند.

۱. حائری، سیدکاظم، «شبیه‌سازی انسان»، ص ۴۴.

۲. پاسخ به استفتای مؤلف، رجوع شود به پیوست.

۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ هـ ج ۱۴، ص ۳۳۸.

۴. موسوی سبزواری، سیدعلی، الامتناسخ بین التقنیه و التشریع، ص ۱۵۷.

۵. حائری، سیدکاظم، «شبیه‌سازی انسان»، ص ۴۴؛ محسنی، محمد آصف، الفقه و مسائل الطبیه، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲، ص ۴۱۰.

۶. محسنی، محمد آصف، الفقه و مسائل الطبیه، ص ۴۱۰.

۷. شبستری، سیدحسن، بررسی مشروعیت شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه فقهی، حدود و شرایط آن، ص ۱۲۸؛ ولی زاده، رحمان، احمد آری و مهرعلی پیردهی، «بررسی فقهی شبیه‌سازی»، ص ۱۹۱.

از جمله این فقها می توان به آیات عظام جناتی^۱، معرفت^۲، عزالدین زنجانی^۳، تسخیری^۴، سیستانی^۵، موسوی سبزواری^۶، نوری همدانی^۷ و شیرازی^۸ اشاره کرد.

ذکر این نکته نیز خالی از ضرورت نیست که اگر صاحب سلول، تخمک و رحم، یک زن باشد، قطعاً آن طفل فاقد پدر است، مثل ولد لعان. در فقه آمده است که پس از انجام لعان میان زوج و زوجه با شرایط شرعی، ولد از زوج شرعاً نفی می شود و فرزند شرعاً بدون پدر است. در این صورت تفاوتی ندارد که زن شوهر داشته باشد یا خیر.^۹ البته همان طور که در ذیل نظریه اول گفته شد، می توان از طریق قاعده فراش، این طفل را به پدرش ملحق نمود.

عده ای از این گروه برای اثبات نظر خویش، چنین استدلال می کنند:

واژه ولد در لغت به دو معنای عام و خاص آمده است:

۱- حدوث و خروج چیزی از چیز دیگر و کلام راغب نیز بر آن صحه می گذارد:

«تولد الشيء من الشيء حصوله عنه بسبب من الاسباب».

۲- خروج موجود زنده از موجود زنده دیگر.

در فقه، واژه ولد و ولادت بیشتر ویژه تولد انسان از انسان است که موضوع احکام ویژه ای (تکلیفی و وضعی) در شریعت اسلام شده است.

تردیدی نیست که معنای اول، دربرگیرنده طفل شبیه سازی شده می باشد و تولد چیزی از چیزی بر او صدق می کند؛ زیرا نوزاد حاصل از این فرآیند، از سلول جسمی و سلول تخمک حادث و خارج شده است و آن ها اصل و اساس وی را تشکیل می دهند. بنابراین، در این جا می توان عنوان ولد را به وی اطلاق کرد.

اما معنای دوم، یعنی تولد انسان از انسان دیگر. اگر قید انسان، احترازی باشد، طبعاً چون طفل شبیه سازی شده، از انسان متولد نشده است، اطلاق عنوان فرزند و ولد بر

۱. گفت وگو با حضرت آیت الله جناتی، ص ۲۱

۲. گفت وگو با حضرت آیت الله معرفت، کاوشی نو در فقه اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، ۱۳۸۴، ص ۳۰

۳. گفت وگو با حضرت آیت الله زنجانی، کاوشی نو در فقه اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، ۱۳۸۴، ص ۳۴

۴. تسخیری، محمدعلی، «نگاهی به موضوع شبیه سازی انسان به کمک تکنولوژی جدید»، ص ۶۷

۵. شبستری، سیدحسن، بررسی مشروعیت شبیه سازی انسانی از دیدگاه فقهی، حدود و شرایط آن، ص ۱۲۶

۶. موسوی سبزواری، سیدعلی، الاستنساخ بین التقنی و التشریع، ص ۱۵۹

۷. پاسخ به استفتای مؤلف، رجوع شود به پیوست.

۸. شبستری، سیدحسن، بررسی مشروعیت شبیه سازی انسانی از دیدگاه فقهی، حدود و شرایط آن، ص ۱۲۸

۹. موسوی سبزواری، سیدعلی، الاستنساخ بین التقنی و التشریع، ص ۱۵۹

وی دشوار است و هیچ شکی در این موضوع نیست؛ زیرا در شبیه‌سازی، تولد از انسان دیگر وجود ندارد. بنابراین لازم است که دلیل مناسبی را برای ورود این فرد جدید تحت عنوان ولد بیابیم. پس باید از مناطی که اطلاق اسم ولد را بر طفل شبیه‌سازی شده، واجب می‌کند، بحث کنیم. بنابراین، برای این کار لازم است موارد اطلاق ولد را در فقه، حقوق و عرف بررسی کنیم تا بتوانیم مناط را تشخیص داده، آن را تنقیح کنیم و بر فرد تطبیق دهیم. موارد اطلاق ولد در فقه، حقوق و عرف به شرح زیر است:

۱- ولد شرعی حاصل از نکاح: فرزندان حاصل از نکاح، منتسب به پدر و مادرشان هستند و از تمام حقوق طفل شرعی نیز برخوردارند.

۲- ولد حاصل از مالکیت مالک بر کنیز

۳- ولد شبهه: اطفال حاصل از این ارتباط جنسی، ولد شرعی پدر یا مادر یا هردویشان هستند و نزد فقها به عنوان ولد شبهه شناخته می‌شوند.

۴- ولد ملاعنه: پس از لعان، فرزند از پدر نفی و به مادر ملحق می‌شود و حق توارث میان پدر و فرزند منتفی می‌گردد.

۵- ولد زنا: این طفل از ارتباط جنسی میان زن و مرد بدون مجوز شرعی متولد می‌شود. این فرد تکویناً فرزند پدر و مادرش است، اما شرع، نسب را برای وی منتفی می‌داند و احکام خاصی برای وی ثابت نمی‌شود. در این‌جا لازم است میان احکام مربوط به این موضوع تفاوت قائل شویم:

▪ احکامی که بر نسب تکوینی مترتب هستند مثل جواز نگاه کردن پدر (زانی) به دخترش یا مادر (زانیه) به پسرش و حرمت نکاح میان آنان.

▪ احکام مترتب بر نسب شرعی که مهم‌ترین آن توارث است، میان زانی و زانیه و فرزندان برقرار نمی‌باشد. طفل شبیه‌سازی شده از زمره این اطفال محسوب نمی‌شود.

۱- فرزندخواندگی (تبنی): طفل شبیه‌سازی شده، در ذیل این قسم هم قرار نمی‌گیرد؛ زیرا تبنی موضوعاً از بحث تولید مثل (جنسی یا غیر جنسی) خارج است.

۲- ولد ناشی از ازدواج موهوم: ازدواج موهوم، نوعی از ازدواج در کشورهای اروپایی است که برخلاف اصول کلیسا صورت می‌گیرد و ازدواج موهوم به شمار می‌رود.

۳- فرزند تحت ولایت کلیسا که پاپ از الحاق آنان به پدرانشان ممانعت می کند؛ زیرا ولادت آن ها پیش از ازدواج والدینشان بوده است. بعضی از فرق مسیحیت، اعتراف والدین طفل (صریح یا ضمنی) را بعد از ازدواج، از موجبات الحاق طفل به آنان محسوب می کنند.

با بررسی موارد فوق از اطلاق واژه ولد، در می یابیم که طفل شبیه سازی شده در هیچ یک از موارد مذکور داخل نیست و سبب اصلی آن، عدم وجود ارتباط جنسی در شبیه سازی است. بنابراین، امکان اثبات رابطه ولد و والدینی میان طفل شبیه سازی شده و صاحب سلول وجود ندارد.

انتساب با یکی از وجوه اخیر مثل تبنی، ولایت، رضاع و غیره نیز ممکن نیست؛ زیرا این موارد دارای احکام خاص و حدود معینی در شرع هستند و شبیه سازی، تولید مثل غیر جنسی است. اما موردی هست که شاید بتوان شبیه سازی را داخل در آن دانست و حکم آن را به این موضوع تسری داد. در روایات فقهی شیعه، موردی از الحاق ولد ذکر شده است و فقها به حکم آن استناد کرده اند. روایت مزبور چنین است: «محمد بن یعقوب کلینی حدیث صحیحی را از محمد بن مسلم چنین روایت کرده است: از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) شنیدم که فرمودند: در دورانی که امام حسن مجتبی در مجلس پدرش امام علی(ع) حاضر بود، گروهی وارد شدند و گفتند: ای ابومحمد (امام حسن(ع)) می خواهیم از امیر مؤمنان بپرسیم! امام حسن فرمود: ما را نیز از آن آگاه کنید! و [سپس آنان] گفتند: زنی با شوهرش مجامعت کرده، پس از انجام عمل با همان حالت با کنیز باکره ای مساحقه و هم جنس بازی می کند و نطفه مرد در رحم جاریه قرار می گیرد و حامله می شود. حکم شما چیست؟ امام حسن(ع) فرمود: پرسش دشواری است و از عهده پدرم برمی آید؛ ولی من حکم آن را می گویم؛ اگر درست گفتم از لطف خداوند و امیر مؤمنان بدانید و اگر خطا کردم، خودم را خطاکار بدانید. حکم چنین است: ابتدا زن باید مهریه جاریه ای را که حامله شده بپردازد؛ زیرا جاریه، بیوه شده است. سپس بر آن زن به جرم انجام زنا محصنه (هم جنس بازی) حد رجم جاری می شود. گروه مزبور پس از پایان ملاقات با امام حسن(ع) نزد امام علی(ع) رفتند و مذاکرات و حکم امام حسن(ع) را بازگو کردند، حضرت علی(ع) فرمود: اگر از من می پرسیدید بیشتر از آن چه که فرزندم گفت، نمی گفتم».^۱

بحث درباره این روایت:

۱. این روایت، صحیح‌السند است و تمامی شرایط برای عمل کردن به آن فراهم است و هیچ شکی در آن نیست.

۲. این حدیث، دلالت بر ثبوت حد برای عاملان مساحقه دارد و در این حکم، اجمالاً میان فقها اتفاق نظر است.

اما حکم مساحقه، بر اساس نص روایت، رجم است؛ البته میان فقها در این باره اختلاف است. مشهور فقهای امامیه معتقدند که صد ضربه شلاق، حد آن است که ادله از نص و اجماع بر آن دلالت می‌کند.

اما بعضی از علما معتقدند که این حکم برای زنان موضوع این حدیث لازم‌الاجراست و تعمیم آن به دیگران صحیح به نظر می‌رسد.

۳. ثبوت مهر برای جاریه به خاطر این است که بکارت وی در اثر بارداری از بین می‌رود و دیه وی، مهر زنان مشابه اوست.

۴. از حکم شرعی این روایت، الحاق ولد به صاحب نطفه است. فقها استدلال کرده‌اند که آن ماء زانی نیست و اگر طفلی از آن به وجود آید، شرعاً ملحق به پدرش است. هم‌چنین این حکم موافق با عرف و علم لغت است.

البته عده‌ای از فقها در این مسأله مناقشه کرده‌اند و به الحاق طفل شرعی بدون وطی صحیح یا شبهه اکتفا نکرده‌اند؛ بلکه معتقدند که تولد از منی مرد، موجب اثبات نسب نیست.

اما اشکال نظر آنان واضح است؛ زیرا روایاتی صریح در باب الحاق طفل وجود دارد که مناط نسب شرعی را ایجاد از اسپرم (منی) می‌داند و منی زانی را که حرمت شرعی ندارد، خارج نموده است. در این زمینه می‌توان به فرموده پیامبر (ص) اشاره نمود: «الولد للفراش وللعاهر الحجر»^۱.

البته وطی صحیح یکی از وجوه شرعی در اثبات نسب است و حتی باید گفت که این راه عام و شایع است. اما پدید آمدن فرزند از اسپرم، گرچه بدون وطی باشد، نیز

می‌تواند موجب الحاق ولد و ثبوت نسب شرعی شود. همان‌طور که این فرموده امام صادق(ع) بر آن دلالت می‌کند: «انما الولد للصلب و انما المرأة وعاء».^۱

بنابراین، مناط الحاق و ثبوت نسب، ایجاد فرزند از اسپرم است و زنا به ادله خاص دیگری خارج شده است. عرف و علم لغت نیز این امر را تأیید می‌کنند.

بنابراین، امکان سرایت حکم این مسأله، به شبیه‌سازی وجود دارد؛ زیرا طفل شبیه‌سازی شده از سلول سوماتیک صاحب سلول به وجود می‌آید و این به خاطر آن است که تفاوت ظاهری این دو سلول (سوماتیک و اسپرم)، هیچ اثری در تولد طفل ندارد، بلکه صفات وراثتی و ژنتیک هستند که در شکل‌گیری طفل مؤثرند. وطی و آمیزش، علت تامه برای ایجاد یک طفل نیست؛ بلکه وسیله‌ای است برای آن‌که این صفات و ژن‌ها در محل مناسب قرار بگیرند.

هم‌چنین باید دانست که اسپرم، محل مناسبی برای حفظ مقومات انتساب فرزند به پدر است و سلول جسمی نیز دارای این ویژگی است و این مقومات را در خود دارد.

بنابراین، طفل شبیه‌سازی شده، ملحق به صاحب سلول است و به مقتضای روایت فوق‌الذکر، او پدر طفل شبیه‌سازی شده به شمار می‌رود.

نتیجه آن‌که، بنوت تکوینی که مناط آن مطلق حدوث و خروج چیزی از چیزی است، بر طفل شبیه‌سازی شده، بدون شک و اشکال، صدق می‌کند.

هم‌چنین، بنوت شرعی و قانونی نیز به تبع بنوت تکوینی بر وی، پس از تنقیح مناط صدق می‌کند؛ مثل تنقیح مناطی که فقها درباره مس قرآن انجام داده مس اسم خداوند، رسول الله (ص) و ائمه (ع) را به آن ملحق نموده‌اند.

این مورد، قیاس مورد نظر عامه نیست و برای تنقیح مناط، نیاز به علم به مناط و عمل اصحاب است.

ذکر این توضیح لازم است که در ذیل آن‌چه گفته شد، اشکال نظر برخی از علما ثابت می‌شود که معتقدند بنوت شرعی، عرفی و قانونی اعم از بنوت تکوینی است؛ زیرا هیچ دلیلی برای عام بودن بنوت شرعی، عرفی و قانونی و خاص بودن بنوت تکوینی وجود ندارد؛ چون بنوت تکوینی، اختصاص به فرزندان ناشی از راه‌های متعارف ندارد؛ بلکه شامل همه مواردی است که پیش از این آورده شد. بنوت شرعی یا قانونی فقط

شامل مواردی است که شروط معتبر شرعی در آن‌ها رعایت شده باشد و لذا شامل حالات غیر معتبر شرعی نمی‌شود؛ پس نمی‌تواند اعم از بنوت تکوینی باشد.^۱ برای تقویت نظر آخر می‌توان چنین نیز استدلال کرد:

در مورد پدر بودن صاحب سلول جسمی واقعا جای تردید وجود ندارد؛ چون اگر بگوییم پدر یعنی کسی که عمل لقاح انجام می‌دهد، می‌گوییم پس چرا تلقیح مصنوعی بین زوجین نابارور جایز است؟ و اگر بگوییم پدر به کسی گفته می‌شود که دارای آب منی باشد؛ در پاسخ می‌گوییم اسپرم هم سلول است، سلول سوماتیک هم سلول است؛ منتها تفاوتشان در میزان اسپرم است که در آب منی ۲۳ کروموزوم وجود دارد و در سلول سوماتیک ۴۶ کروموزوم. به بیان دیگر، در سلول جنسی، سلول هم‌تا وجود ندارد، اما در سلول جسمی وجود دارد؛ در بقیه موارد مثل غشا، سیتوپلاسم و هسته با هم مشترک هستند. حال چطور می‌شود فردی را که دارای ۲۳ کروموزوم است، پدر می‌شناسیم، ولی همان فرد را که ۴۶ کروموزوم دارد پدر نمی‌دانیم؟ پس با این وصف می‌توان گفت فهم عرفی، صاحب سلول را پدر می‌شناسد. نکته دیگر این که دلیل شرعی و حتی دلیل علمی وجود ندارد که بگوییم صاحب سلول پدر نیست.^۲

مسئله فرعی: اگر سلولی از بدن شوهر گرفته شود و در تخمک منفعل همسرش قرار گیرد به قصد این که نسخه دومی کاملاً شبیه اصل شوهر، پدید آید، ولی این سلول لقاح یافته در انتظار وقت مناسبی برای نهادنش در رحم زن، در انجماد بسیار بالا نگه‌داری شود و سپس شوهر از دنیا برود، آیا می‌توان آن را در رحم همسرش قرار داد؟ گذشته از این، آیا می‌توان آن را در رحم زنی نامحرم یا یکی از زنان محارم نسبی شوهر قرار داد؟ آن‌گاه اگر فرض شود، شوهر و زن هر دو از دنیا بروند، آیا می‌توان سلول لقاح یافته را در رحم زنی دیگر قرار داد؟ واقعیت این است که این پرسش به پرسش‌های متعددی می‌انجامد که باید به هر کدام آن‌ها جداگانه پاسخ داد. نخست این که: جایز بودن قرار دادن سلول لقاح یافته در رحم زن، پس از فرض فوت شوهرش، بعید به نظر نمی‌رسد؛ زیرا سلول لقاح یافته، هرچند ارتباطش به شوهر نظیر همان ارتباطی است که به زن دارد، ولی ملک شوهر نیست تا از شوهر به ورثه‌اش انتقال یابد

۱. موسوی سبزواری، سیدعلی، الاستنساخ بین التقنیه و التشريع، صص ۱۲۹-۱۳۸

۲. ولی‌زاده، رحمان، احمد آری و مهر علی پیردهی، «بررسی فقهی شبیه‌سازی»، صص ۱۹۱-۱۹۲

و لازم باشد برای قرار دادن آن در رحم، از ورثه او اجازه بگیرند. نهایت امر این است که سلول مزبور به سان جزء کوچکی است که در زمان حیات شوهر از بدن او جدا شده و در این زمان (قبل از فوت) نوعی تعلق به او دارد و چه بسا در هر کاری که بخواهند روی آن انجام دهند، لازم باشد از او اجازه بگیرند، ولی پس از فوت او، در عدم بقای آن حق نباید تردید کرد. از سویی دیگر، دلیلی بر عدم جواز قرار دادن آن در رحم زن وجود ندارد و بدین ترتیب، قاعده برائت عقلی و نقلی، اقتضای جواز دارد و شاید به جهت ارتباط سلول لقاح یافته به زن و برای رعایت حقش اجازه گرفتن از او لازم باشد. در فرض فوت زن و شوهر باهم، جایز است این سلول لقاح یافته، در رحم زنی دیگر قرار گیرد. چنان که دانستید می توان آن را در رحم زن نامحرم دیگری و یا زنی از محارم هر یک از زن و شوهر جای داد. پس قرار دادن آن در رحم این زنان، به هیچ وجه زنا به شمار نمی آید. نهایت این است که این رحم ها نظیر رحم های اجاره ای هستند و دلیلی بر منع شرعی از اجاره و استفاده از آن ها برای رسیدن به این هدف، وجود ندارد و اقتضای اصل عملی نیز جواز این کار است. چنان که به اقتضای اصل عملی، هرگاه زن و شوهر هر دو از دنیا بروند، می توان سلول لقاح یافته را در رحم زنی قرار داد. پس از آن که سلول لقاح یافته در رحم هر زنی نهاده شد و - در این جا فرض بر فوت پدر است - چون سلول لقاح یافته نتیجه سلول شوهر و تخمک زن است، تردیدی نیست که شوهر، پدر نوزادی است که این زن آن را به دنیا می آورد و نیز جای شک نیست که این نوزاد از پدرش ارث می برد.^۱

۲-۱-۱-۳-۲. منشأ انتساب طفل شبیه سازی شده به مادر در فقه امامیه

نظرات فقها در انتساب طفل به مادر بسیار گوناگون و مختلف است. در مبحث تلقیح مصنوعی، تعدد عنوان مادری فقط میان صاحب رحم و صاحب تخمک می باشد، در حالی که در شبیه سازی مولد انسان، تعدد عنوان مادری میان صاحب رحم، صاحب تخمک و صاحب سلول مطرح است. بنابراین تعدد و گوناگونی نظرات در این مبحث بیشتر به چشم می خورد. بسیاری از فقها با پذیرش یکی از موارد تعدد عناوین مادری، برای طفل شبیه سازی شده، قائل به وجود مادر شده اند و بعضی دیگر، به هیچ عنوان

قائل به وجود مادر برای طفل شبیه‌سازی شده نیستند. بر اساس موارد فوق‌الذکر، دیدگاه‌های علما و فقهای امامیه بر دو مبنا استوار است:

الف - انتساب به مادر

این دیدگاه، خود به دو نظریه متفاوت تقسیم می‌شود:

➤ اول - نظریه عدم تعدد عنوان مادری

این گروه، بین حالات مشارکت و عدم مشارکت زنان متعدد فرق گذاشته و نظریات ذیل را اتخاذ نموده‌اند.

انتساب به صاحب رحم: عده‌ای از فقها در فرآیند شبیه‌سازی صاحب رحم را مادر طفل به حساب می‌آورند. آیات عظام موسوی اردبیلی^۱، نوری همدانی^۲، بیات^۳، سید صادق شیرازی^۴ و صدر از این نظر تبعیت می‌کنند.^۵ این گروه برای تأیید نظریه خود به چند آیه استدلال می‌کنند. نخستین آیه و مهم‌ترین آیه‌ای که همه آن‌ها به آن استدلال کرده‌اند، این آیه است:

«... إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ»^۶

بهره‌برداری اینان از آیه بدین‌گونه است که آیه مطلقاً زنانی را که می‌زایند، مادر محسوب داشته است، خواه تخمک از وی باشد یا نباشد؛ به خصوص که با کلمات حصر، این مفهوم را اعلام کرده است.

آیات استنادی دیگر، آیات زیر است:

«وَصَيَّنَا الْإِنْسَانَ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا»^۷.

«وَصَيَّنَا الْإِنْسَانَ بَوَالِدِيهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ»^۸.

۱. پاسخ به استفتای مؤلف، رجوع شود به پیوست. هم‌چنین وی در استفتای مؤلف با استناد به آیه ۲ سوره مجادله، صاحب رحم را مادر می‌داند.

۲. همان

۳. «شبیه‌سازی از نگاه اخلاق و شرع در جدیدترین اظهار نظر مراجع»، ص ۱

۴. شبستری، سید حسن، بررسی مشروعیت شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه فقهی، حدود و شرایط آن، ص ۱۲۶

۵. اسلامی، سید حسن، «شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه شیعه؛ بررسی چهار دیدگاه»، ص ۵۱

۶. مجادله، ۲: «... مادران آن‌ها تنها کسانی‌اند که اینان را زاده‌اند».

۷. احقاف، ۱۵: «و انسان را به احسان پدر و مادرش سفارش کردیم؛ مادرش با تحمل رنج، به او باردار شد و با تحمل رنج او را به دنیا آورد».

۸. لقمان، ۱۴: «و انسان را درباره پدر و مادرش سفارش کردیم؛ مادرش به او باردار شد، سستی بر روی سستی».

استدلال این گروه به آیات مزبور نیز این گونه است که خداوند مادر را چنین توصیف می کند: مادر است که حمل و زایمان می کند و رنج و مشقت بارداری و سستی آن را تحمل می کند. پس مفهوم مخالف آن این می شود که اگر زنی حمل نکند و نزاید و مشقت های حمل را تحمل نکند، مادر نیست.

اما در ابتدای آیه، اول وصیت انسان به نیکی به پدر و مادرش آمده است که در همه شرایع پیشین واجب بوده است و نکته دیگر آن که عمومیت آن دستور به تمام انسان هاست نه فقط به مسلمانان.

آن گاه به دنبال این سفارش، اشاره کرده است به ناراحتی هایی که مادر انسان در دوران حاملگی و وضع حمل و شیر دادن تحمل می کند، تا اشاره کرده باشد به ملاک حکم و در نتیجه عواطف و غریزه و رحمت و رأفت انسان را برانگیزد، لذا می فرماید: «حملته امه کرها و وضعته کرها...»؛ یعنی مادر انسان او را به حملی کراحت آور یعنی مشقت آور حمل کرد، چون حمل یک انسان در شکم سنگین است و نیز به وضعی مشقت آور وضع حمل کرد، چون زاییدن دردی سخت دارد.^۱

در آیه دوم نیز پاره ای از مشقات و اذیت ها را که مادر در حمل فرزند و تربیت او تحمل می کند، برشمرده است تا شنونده را به شکر پدر و مادر و مخصوصاً مادر وادارد.^۲

«والوالدات یرضعن اولادهن حولین کاملین ... لا تضار والده بولدها».^۳

منظور از والدات مادرانند و اگر نفرمود امهات و به جای آن فرمود: والدات، برای این بود که ام اعم از والده است؛ همان طور که اب اعم از والد است و ابن اعم از ولد است و حکم در این آیه مختص والده، مولود له و ولد می باشد.^۴

استدلال عقلی آنان چنین است: فرزند تنها نتیجه تخمک و صفات به ارث برده شده از ژن ها نیست؛ بلکه فرزند و به طور کلی انسان نتیجه تعامل اش با محیط اطراف است، خصوصاً زمانی که به صورت جنین به دیواره رحم چسبیده است و همه وجود و رشد روانی و جسمی وی متأثر از رحم می باشد؛ چنان که خداوند می فرماید:

۱. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان، ج ۳۶، ص ۱۲

۲. همان، ج ۳۲، ص ۳۰

۳. بقره، ۲۳۳: «و مادران شیر بدهند کودکان خویش را دو سال کامل... آزار نشود هیچ مادری به خاطر کودکش».

۴. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان، ج ۴، ص ۳۹

«... یخْلُقْکُمْ فِی بَطْنٍ أُمَهَاتِکُمْ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِی ظِلْمَاتٍ ثَلَاثٍ...»^۱

معنای خلق بعد از خلق پشت سرهم بودن آن است، مانند خلقت «نطفه»، سپس نطفه را «علقه» کردن و آن‌گاه خلقت علقه و آن را مضغه کردن. هم‌چنین، مراد از ظلمات ثلاث به طوری که گفته‌اند ظلمت شکم، ظلمت رحم و ظلمت مشیمه (تخمدان) است؛ همین معنا را صاحب مجمع از امام باقر(ع) نقل کرده است.^۲

باز در جای دیگر می‌فرماید: «الله یعلم ما تحمل کل انثی و ما تغییض الأرحام و ما تزدد...»^۳

مناسب‌تر آن است که امور سه‌گانه‌ای که در آیه ذکر شده است اشاره به سه کار رحم در ایام حمل باشد و بگوییم اولی اشاره است به جنینی که رحم‌های زنان در خود جای داده، آن را حفظ می‌کنند و دومی اشاره است به خونی که در رحم می‌ریزند و رحم‌ها آن را به مصرف غذای جنین می‌رسانند و سومی اشاره باشد به خون حیضی که رحم آن را به خارج دفع می‌کند مانند خون نفاس و یا خونی که زنان گاه‌گاهی در ایام حمل می‌بینند. همین معنا پاره‌ای از روایات به دست آمده است.^۴

البته این نظر، تمام نیست؛ زیرا استناد به آیه «إِنْ أُمَهَاتِهِمْ إِلَّا أَلْأَثْنَى وَلَدْنَهُمْ» وافی به مقصود آن‌ها نیست، زیرا اولاً آیه اطلاق ندارد، بلکه در مقام ردّ پندار کسانی است که گمان می‌کردند به صرف «ظهار»، زنانشان، مادرشان می‌شوند و در نتیجه برایشان حرام ابدی می‌گردند. لذا در مقام بیان مفهوم شرعی «أُم» نبوده است و مقدمات حکمت جهت اخذ اطلاق تمام نیست تا گفته شود این مورد نمی‌تواند تخصیص بزند. ثانیاً معنای اصلی «ولد» چنین است:

«خروج شیء عن شیء و نتاجه بالتکون عنه ... فالأصل و هو تکون شیء عن شیء آخر، محفوظ و منظور هذه المشتقات و هی ولدن، ولدت والده، ولد، والدات و مولود؛ بیرون شدن چیزی از چیز دیگر است و پیدایش آن از ثمره‌اش می‌باشد. این اصل

۱. زمر، ۶: «... شما را در شکم‌های مادرانتان آفرینشی پس از آفرینشی [دیگر] در تاریکی‌های سه‌گانه [مشیمه، رحم و شکم] خلق کرد...»

۲. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان، ج ۳۴، صص ۵۹-۶۰
 ۳. رعد، ۸: «خدا می‌داند آن‌چه را هر ماده‌ای [در رحم] باز می‌گیرد و [نیز] آن‌چه را که رحم‌ها می‌کاهند و آن‌چه را می‌افزایند...»

۴. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان، ج ۲۲، صص ۱۹۰-۱۹۱

(پیدایش چیزی از چیز دیگر) در همه مشتقات و تعابیر متفاوت لغت «ولد» وجود دارد...».

بر این اساس، آیه ظاهر در این است که مادران شما کسانی هستند که شما را به وجود آورده‌اند و زنان شما، چون شما را به وجود نیاورده‌اند، مادر شما محسوب نمی‌شوند. طبق این معنا، آیه هیچ‌گونه دلالتی بر زاییدن و زایمان زنان نمی‌کند تا مشعر یا صریح در این باشد که ملاک مادر بودن، زایمان است، بلکه به عکس ظاهر در این است که منشأ پیدایش فرزند که صاحب تخمک می‌باشد، مادر است و بی‌تردید حمل جنین توسط رحم و سپس زایمان، منشأ پیدایش فرزند محسوب نمی‌شود، چون حمل و زایمان به وجود آورنده نیست. شاهد بر درستی این معنا، آیات متعددی است که در آن‌ها بر پدر هم اطلاق «والد» شده است^۱ و حال آن که پدر نمی‌زاید، بلکه به وجود آورنده است.^۲ پس استدلال به آیه تمام نیست.^۳

آیه‌های «و وصینا الانسان بوالديه، حملته اُمّه وهنّا علی وهن»، «وصینا الانسان بوالديه احساناً حملته اُمّه کُرهاً و وضعته کُرهاً» دلالت ندارند بر این که مادر، کسی است که حمل نماید و بزاید و یا سختی را تحمل کند؛ بلکه خبر از یک واقعیت خارجی می‌دهد و به انسان تذکر می‌دهد: که وقتی جنین بودید، مادر، شما را حمل و زایمان کرده است. پس، از نیکی در حق او دریغ نکنید؛ یعنی جنبه قانون کلی از آن استفاده نمی‌شود، بلکه نوعی ارزش‌گذاری و قدرشناسی به مادری که غالباً حمل‌کننده جنین است، فهمیده می‌شود. به اضافه، طبق این آیات، اطلاق «أُم» بر زن حامل، پیش از زایمان صحیح است. پس از زایمان، ملاک تعیین مادر نیست.^۴ هم‌چنین قید «حملته» قید غالبی است و گونه ممکن است مادری باشد که حامل نباشد و ممکن است زنی حامل کودکی باشد و مادر او نباشد مانند زنی که از زنا باردار است و مشهور او را مادر نمی‌شناسد.^۵

۱. در آیه‌های «اتقوا ربکم و اخشوا یوماً لا یجزی والد عن ولده» (لقمان، ۳۳) «و والد و ما ولد...» (بلد، ۳)، مقصود از والد، مطلق آن چیزی است که از خودش چیزی را ایجاد می‌کند. لذا بر زن هم اطلاق والد به این معنا صحیح است. این احتمال هم وجود دارد که معنای مذکور از «ولدنهم» استنباط شود که در این صورت استدلال به این آیه تمام نخواهد بود.

۲. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان، ج ۳۸، صص ۱۲-۱۳.

۳. رضائیا معلم، محمدرضا، باروری‌های نوین تولیدمثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق، صص ۳۲۳-۳۲۴؛ حائری، سیدکاظم، «شبیه‌سازی انسان»، صص ۴۰-۴۱.

۴. رضائیا معلم، محمدرضا، باروری‌های نوین تولیدمثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق، ص ۳۲۴.
۵. قبله‌ای خویی، خلیل، «بررسی احکام وضعی کودکان ناشی از اهدای گامت در رابطه با توارث»، مجموعه مقالات اهدای گامت و جنین، تهران، سمت، ۱۳۸۴، ص ۲۳۳.

آیه «والوالدات یرضعن اولادهن حولین کاملین ... لا تضار والده بولدها» نیز در مقام بیان یک قاعده کلی درباره ملاک مادری نیست؛ بلکه به دنبال بیان حکم مربوط به شیردهی نوزاد می‌باشد. هم‌چنین، این آیه اشاره به وضعیت غالب آن دوران دارد که مادرانی که باردار می‌شدند، خود به فرزندانشان شیر می‌دادند.

در مجموع، آیات یاد شده و آیات دیگر، اولاً در مقام بیان شرعی مفهوم «ام» نیستند تا گفته شود: هر کس شما را زاییده است، مادر شماست؛ بلکه اگر می‌گفت مادر کسی است که شما را حمل کند و بزاید، بر معنای مادر بودن دلالت می‌کرد؛ ثانیاً فقیهان و حقوق‌دانان اسلامی اتفاق نظر دارند که عناوین پدری، مادری، فرزند و دختری از عناوینی هستند که معنای شرعی ندارند، بلکه با همان معنا و مفاهیم عرفی، موضوع احکام قرار گرفته‌اند.

ثالثاً صرف نظر از ظهور کلمه «ولد با همه مشتقاتش» در معنای موجود شدن و پیدایش، یادآوری ویژگی حمل و زایمان در این آیات، از باب غلبه است؛ یعنی در آن زمان، همیشه چنین بوده است.^۱

۲- **انتساب به صاحب تخمک:** گروهی از فقها ملاک مادر بودن را هم‌چون ملاک پدر بودن می‌دانند و در نتیجه، مادر کسی جز صاحب تخمک نیست. آیت الله حائری^۲ و سیستانی^۳ بر این نظر هستند. از نظر این فقها، در جایی که صاحب سلول و صاحب تخمک متفاوت باشند، صاحب تخمک، مادر طفل شبیه‌سازی شده محسوب می‌شود. این گروه ادله زیر را برای نظر خود اقامه می‌کنند:

- ۱- از نظر دانش پزشکی به اثبات رسیده است که منشأ پیدایش و سلول سازنده جنین از ناحیه مادر، تخمک زن است و بر اساس آخرین اطلاعات پزشکی، رحم زن، جز نقش‌های متعدد در تغذیه، رشد و حفظ نقش‌هایی شبیه این‌ها، نقش دیگری ندارد.^۴
- ۲- عدم اختلاط انساب به وسیله تخمک تحقق می‌یابد.^۵

۱. رضایا معلم، محمدرضا، باروری‌های نوین تولیدمثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق، ص ۳۲۵

۲. شبستری، سیدحسن، بررسی مشروعیت شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه فقهی، حدود و شرایط آن، ص ۱۲۲

۳. همان، ص ۱۲۶

۴. حسینی، شهاب‌الدین، التلخیص الصناعی بین العلم و الشریعه، ص ۱۶۴، مرقاتی، طه، «حقوق کودکان در اهدای گامت»، مجموعه مقالات اهدای گامت و جنین، تهران، سمت، ۱۳۸۴، ص ۲۴۶؛ رضایا معلم، محمد رضا، باروری‌های نوین تولیدمثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق، ص ۳۲۱

۵. همان، ص ۱۶۴

۳- معنای فراش بر ازدواج صحیح میان زوجین قائم است، پس ولد در حدیث «الولد للفراش وللعاهر الحجر» ناشی از آمیخته شدن منی مرد و تخمک زن است، بنابراین در فرض شکل گیری جنین در لوله یا رحم مصنوعی، او منتسب به صاحب تخمک و صاحب اسپرم می باشد و رحم نقشی همانند لوله و رحم مصنوعی را بازی می کند.^۱

۴- دلیل دیگر قیاسی است که میان حمل داخل رحم و رضاع صورت می گیرد. بنابراین، همان طور که طفل به کسی که او را شیر داده است منسوب نمی شود؛ به صاحب رحم نیز منتسب نمی شود؛ زیرا او فقط در نمو و تغذیه وی نقش داشته است.^۲

۵- از سوی دیگر، عرف از پیدایش طفل از نطفه زن و مرد، یک نوع رابطه واقعی و طبیعی انتزاع می کند که نسب نام دارد. در عرف گذشته، راه تشخیص پیدایش و تکون فرزندان، زایمان و زاییدن بود؛ ولی این معیار، بعد از پیشرفت های علمی و کشف منشأ پیدایش جنین، دیگر اعتبار گذشته خود را ندارد؛ یعنی اماره بودن زایمان مطلق نیست و از نظر قضایی، اثبات خلاف اماره امکان پذیر است، اگر چه قانون گذار اسلام و بشر برای حفظ آرامش کانون خانواده، اماره بودن زایمان را حفظ کرده است و واقعیت های علمی و واقعی را در حالات عادی، مناط اعتبار تلقی نکرده است. بنابراین، اگر همان عرف در مورد خاصی یقین داشته باشد که زنی نابارور است، آیا به صرف این که قدرت حمل و زایمان را دارد، او را مادر تلقی می کند؟ درحالی که در عکس این مورد، یعنی جایی که به علل مختلفی مثل مرگ مادر، زود رسیدن جنین، وجود خطر جانی برای مادر یا فرزند و با عمل جراحی جنین از رحم زن بارور بیرون آورده می شود و در رحم مصنوعی با مراقبت های ویژه رشد می یابد، عرف تردید ندارد که زن حامل و صاحب رحم، به رغم این که او را نزاییده است، مادر واقعی محسوب می شود و این دلیلی ندارد جز این که عرف منشأ پیدایش فرزند را غیر از زایمان و حمل می داند.^۳

۶- از سوی دیگر، همین ملاک عرفی هم مورد تأیید قانون گذار اسلام قرار گرفته است: «هوآلذی خلق من الماء بشراً فجعله نسباً وصهراً»^۴ در این آیه، نسب نتیجه

۱. حسینی، شهاب الدین، التلقیح الصناعي بین العلم و الشریعه، ص ۱۶۴

۲. همان، ص ۱۶۴

۳. رضایا معلم، محمد رضا، باروری های نوین تولیدمثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق، ص ۳۲۲

۴. فرقان، ۵۴

پیدایش و ثمره نطفه قلمداد شده است. این معنا هم از تعبیر «جعل» درباره نسب و هم از تفریع «جعل نسب» بر خلق از «الماء» قابل استفاده است.^۱ هم چنین در آیه «أَنَا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ»^۲ آمشاج به معنای اخلاط است؛ یعنی همان زیگوت حاصل از ترکیب اسپرم و تخمک مرد و زن که در اصطلاح شرعی و فقهی از آن به نطفه امشاج تعبیر می‌شود. با عنایت به این معنا، آیه به روشنی دلالت می‌کند که منشأ ایجاد انسان، نطفه است که مخلوطی از اسپرم و تخمک (دو ماء) می‌باشد.^۳ در این زمینه به آیات^۴ و روایات^۵ دیگری نیز می‌توان استناد کرد.

البته این نظر نیز خالی از اشکال نیست؛ زیرا همان‌طور که پیش از این به آن اشاره شد، تخمک منفعل و عاری از محتویات ژنتیک، در فرآیند شبیه‌سازی انسان به کار برده می‌شود و تنها بخش فعال تخمک، غشای بیرونی آن است که در حدود چند درصد بر خصوصیات ژنتیک فرد شبیه‌سازی شده اثرگذار است. بنابراین، تخمک در این فرآیند نقش اساسی خود را از دست داده و به نوعی نقش خود را به هسته سلول سوماتیک واگذار کرده است.

از سوی دیگر، اگر استدلال مذکور در دلیل چهارم این نظریه را بپذیریم، باید بدانیم که همین استدلال را هم می‌توان علیه خود این نظریه به کار بست؛ زیرا تنها نقش غشای بیرونی تخمک، تغذیه سلول برای تقسیم سلولی است که البته بیش از چند درصد در ژن‌های فرد مذکور اثرگذار نمی‌باشد.

۳- انتساب به صاحب سلول: از سوی دیگر عده‌ای از فقها ملاک دیگری را علاوه بر مواردی که آورده شد، ارائه نموده‌اند. از نظر این عده، صاحب سلول در واقع [چه

۱. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان، ج ۳۰، صص ۵۰-۵۱

۲. انسان، ۲

۳. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان، ج ۳۹، ص ۳۴۵

۴. «و انه خلق الزوجین الذکر و الانثی، من نطفه اذاتمنی» (نجم، ۴۶)؛ «الم نخلقکم من ماء مهین» (مرسلات، ۲۰)؛ «ثم خلقنا النطفه علقه» (مؤمنون، ۱۴) و هم چنین از آیاتی که با وجود قابلیت زایمان و زاییدن، بر آن‌ها «عقیم و عافر» اطلاق شده است، استنباط می‌شود که قابلیت باروری زن و در نتیجه امومت وی بر معیار زاییدن استوار نیست (مریم، ۸ و ذاریات، ۲۷).

۵. روایاتی توصیه می‌کنند که اگر زن شجاع دوست دارید، با زنان خراسان وصلت کنید و اگر ... (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ابواب مقدمات و آداب ازدواج، ص ۲۸، باب ۱۳، ح ۲ و ۶) از این روایات فهمیده می‌شود که نطفه این زنان به طور ذاتی این صفات را داراست و امروزه در علم ژنتیک ثابت شده که DNA حامل صفات ارثی است و زاییدن، شجاعت یا حسد و یا ... نمی‌آورد. البته رحم، مثل محیط اجتماعی بر روی جنین بی‌تأثیر نیست.

مرد باشد و چه زن] والد آن طفل به حساب می آید. آیت الله معرفت^۱ و مؤمن^۲ بر این عقیده اند.

۱- این گروه برای نظر خویش چنین استدلال می کنند که عرف، صاحب سلول را پدر یا مادر طفل به شمار می آورد و از آن جا که در منابع فقهی و آیات مربوط به خلقت انسان از آب یا نطفه نام برده است و سایر آیات اشاره به مشتقات ولادت مثل والدین، مولود له و والدات دارد و احادیث معتبر در این زمینه موجود است، دلیلی مبنی بر نفی این موضوع وجود ندارد. پس در این جا می توان به فهم عرف اعتماد کرد و صاحب سلول را والد طفل دانست.^۳

۲- عده ای نیز چنین استدلال می کنند:

با رجوع به کتب لغت و کتب فقهی آشکار می شود که واژه «الام» به معنای اصل هر چیز است و این تعریف، بر زن صاحب تخمک نیز که جنین را در رحم خود پرورش می دهد و او را متولد می کند، صدق دارد و با توجه به معنای لغوی و تأیید شارع (زیرا شارع وضع ویژه ندارد) و عدم صدق زنا، بر شبیه سازی، نسب شرعی میان آنان برقرار است.

در این جا نیازی به بررسی مصادیق متعدد ام از جمله مادر شرعی، مادر رضاعی، مادر امت (همسران پیامبر (ص))، مادر حامله و مادر طفل لعان شده وجود ندارد. بعد از صدق عنوان مادر تکوینی بر آنان و اشتراک بسیاری از آنان در احکام- البته جز نسب شرعی و ارث که مختص مادر شرعی است- که فایده ای هم در صدق آن نیست، ازدواج زنی که تخمک از آن اوست و طفل را در رحم خود پرورش داده و به دنیا آورده است، با آن طفل جایز نیست؛ زیرا به ادله ذیل امکان الحاق ولد به وی وجود دارد:

• به خاطر آنچه در ذیل معنای ام آمده است و بر وی (صاحب سلول) صدق می کند.

• تولد کودک از مادرش و عدم صدق عنوان زنا بر وی، برای الحاق طفل به مادرش کافی است و زن صاحب تخمک مادر وی به حساب می آید. به این نظر اشکال

۱. گفت وگو با حضرت آیت الله جناتی، ص ۲۰

۲. مؤمن، محمد، «شبیه سازی»، ص ۱۱۲

۳. محسنی، محمد آصف، الفقه و مسائل الطیبه، ص ۴۰۹

شده است که حکم انسان در این مسأله مثل حکم حیوان است؛ اما باید دانست که در مورد انسان نمی‌توان به حکم حیوان عمل کرد؛ زیرا خداوند برای انسان‌ها، نکاح را مقرر کرده است، درحالی‌که در حیوانات چنین نیست.

شاید بتوان این جواب را نیز در آن داد که هیچ دلیلی برای این‌که انسان به حکم حیوان باشد، وجود ندارد و این موضوع، واضح است؛ زیرا نسب در انسان منحصر به آن‌چه در مورد حیوانات گفته شده است، نیست؛ بلکه در آن شروطی لحاظ شده است که در حیوانات منظور نشده است.

• مستند سوم روایتی از امام صادق(ع) است که این عنوان بر زنی که طفل شبیه‌سازی شده را حمل نموده است، صدق می‌کند(انما الام وعاء).

• عنوانی که بنوت و فرزندی طفل شبیه‌سازی شده را نسبت به صاحب سلول ثابت می‌کند، در مورد زن صاحب تخمک هم صادق است و هیچ شکی نیست که عنوان مادری بر فردی که صاحب تخمک و سلول است و آن را حمل نموده و به دنیا آورده است، صدق می‌کند؛ زیرا عنوان مادری او بر طفل شبیه‌سازی شده بسیار پررنگ‌تر و عمیق‌تر از سایر کودکان است. این موضوع به خاطر آن است که طفل شبیه‌سازی شده، نسخه اصل مادر است.^۱

البته عده‌ای از این گروه معتقدند درجایی که صاحب سلول، زوج یا مرد بیگانه‌ای باشد، با استناد به آیه ۲ سوره مجادله صاحب رحم، مادر طفل شبیه‌سازی شده به شمار می‌رود.^۲

➤ دوم - نظریه تعدد عنوان مادری

این نظریه به چند مورد تقسیم می‌شود که در ذیل بررسی می‌شود:

۱- صاحب رحم و صاحب سلول با هم

آیت الله جناتی صاحب سلول را مادر طفل شبیه‌سازی شده و صاحب رحم را مادر رضاعی او می‌داند.^۳ البته آیت الله مکارم شیرازی نیز در نظر اخیر خود چنین مطلبی را بیان نموده است؛^۴ اما این نظر به ادله ذیل مردود است:

۱. موسوی سبزواری، سیدعلی، الاستسناخ بین التقیه و التشریع، صص ۱۳۹-۱۴۰.

۲. محسنی، محمد آصف، الفقه و مسائل الطیبه، صص ۴۰۹-۴۱۰.

۳. گفت‌وگو با حضرت آیت الله جناتی، ص ۲۱.

۴. پاسخ به استفتای مؤلف، رجوع شود به پیوست.

عده ای با دو مقدمه در صدد اثبات نظر فوق هستند:

مقدمه نخست: طبق اصل رضاع، اگر زنی بدون آن که طفل را در رحم نگهداری کند و آن را به دنیا آورد، فقط به او شیر داده باشد، بدون شک همین شیر دادن، خویشاوندی رضاعی ایجاد می کند و جایگزین خویشاوندی نسبی می شود.

مقدمه دوم: تأثیری که مادر نگه دارنده در رشد گوشت و خون و استخوان طفل دارد، بسیار بیشتر از تأثیری است که در رشد آن از راه شیردهی به وجود می آید. پس می توان ادعا کرد که از نظر عرف، تأثیر آن در ایجاد نسبت مادری، اولویت دارد.

پاسخ این ادعا آن است که تمام ملاک در ایجاد خویشاوندی رضاعی که جایگزین خویشاوندی نسبی است، رشد گوشت و بدن طفل از رضاع نیست، بلکه شرایط تبعی دیگر نیز دارد؛ مثلاً روایت صحیح السند یونس بن یعقوب دلالت می کند که اگر زنی بدون زاییدن فرزندی شیرش جاری شود و با آن طفلی را شیر دهد، موجب محرمیت نمی شود. روایت موسی بن عمر بصری نیز به همین مضمون است، ولی از نظر سند کامل نیست.

هم چنین، همه فقهای ما فتوا داده اند که شیری که از زنا تولید می شود، موجب محرمیت نمی شود. نیز نصوص کاملی در باب «ما یحرم بالرضاع» دلالت می کنند بر آن که ملاک محرمیت، شوهری است که شیر زن از اوست، نه خود زن. در این جا به نقل روایت نخست این باب اکتفا می کنیم؛ در صحیحیه برید عجلی آمده است:

از امام باقر (ع) خواستم تا این کلام رسول خدا را برایم تفسیر کند که فرمود: «آن چه از طریق نسب حرام می شود، از طریق رضاع نیز حرام می شود». فرمود: «این سخن رسول خدا (ص) در مورد زنی است که پسر یا دختر زن دیگر را از شیر شوهرش، شیر دهد؛ این رضاع، آن رضاعی نیست که رسول خدا (ص) فرموده است: «آن چه از طریق نسب حرام می شود، از طریق رضاع نیز حرام می شود». این شیردهی، سبب خویشاوندی از ناحیه مادر است و موجب حرمت نمی شود و سبب خویشاوندی از ناحیه شوهر نیست تا موجب حرمت شود.^۱

البته دو روایت یافت شده است که دلالت دارند بر آن که یکی بودن مادر همانند یکی بودن شوهر (صاحب شیر) موجب محرمیت می شود:

۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۴، ص ۳۰۲

نخست روایت محمد بن عبیده همدانی است که فرد مجهولی است.

امام رضا(ع) به من فرمود: «باران تو در مورد رضاع چه می‌گویند؟ گفتیم: آن‌ها می‌گویند شیر برای شوهر است، تا این‌که روایتی از شما رسید که نشان می‌داد شما هر آن‌چه را با نسب حرام می‌شود، در اثر رضاع نیز حرام می‌دانید. پس آنان به سخن شما رجوع کردند. امام فرمود: امیرالمؤمنین (مأمون) دیشب همین مسأله را از من پرسید و خواست تا برایش شرح دهم که «شیر برای شوهر است» یعنی چه. من مایل به سخن دراین‌باره نبودم. او گفت: باش تا از تو بپرسم، سپس گفت: مردی است که فرزندی از زنان متعدد دارد، حال اگر یک از زنان او به پسر بچه‌ای غریبه شیر دهد، آیا همه فرزندان این مرد از مادران دیگر با این پسر محرم نمی‌شوند؟ گفتم: بله. محمد بن عبیده می‌گوید: امام(ع) سپس فرمود: چگونه است که رضاع از جانب شوهر موجب محرمیت می‌شود، اما از جانب مادران موجب محرمیت نمی‌شود؟ رضاع فقط از جانب مادران است؛ اگرچه شیر از جانب شوهر نیز موجب محرمیت می‌شود.^۱

این روایت از نظر سند ساقط است به علاوه بوی تقیه از آن می‌آید. روایت دوم موثقه جمیل بن دراج است از امام صادق(ع):

اگر شخصی از زنی شیر بخورد، همه فرزندان آن زن محرم او می‌شوند، حتی اگر از شوهری نباشند که این زن از او شیر داده است، اگر شخصی از شیر متعلق به شوهری بخورد، همه فرزندان آن مرد بر وی محرم می‌شوند، حتی اگر از زنی که شیر داده است نباشد.^۲

البته معروف فقیهان فقط به قول نخست عمل کرده‌اند. بنابراین در باب رضاع، یکی بودن مادر موجب محرمیت نمی‌شود تا بحث شبیه‌سازی به طریق اولویت حمل بر آن شود.^۳

آیت الله عزالدین زنجان‌ی نیز طفل را منتسب به صاحب سلول و صاحب رحم هر دو می‌داند.^۴

۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ص ۲۹۶

۲. همان، ص ۳۰۶

۳. حائری، سیدکاظم، «شبیه‌سازی انسان»، صص ۴۱-۴۴

۴. گفت‌وگو با حضرت آیت الله زنجان‌ی، ص ۳۴

۲- انتساب به صاحب تخمک و صاحب رحم باهم

عده‌ای دیگر از فقها، ملاک انتساب فرزند به مادر را هر دو عامل یعنی پیدایش فرزند از تخمک و نیز حمل فرزند و ولادت وی از مادر می‌دانند. این گروه خود به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف - جمع هر دو عامل: کسانی هستند که جمع دو عامل را در کنار هم برای صدق عنوان مادری، لازم می‌دانند. برای نمونه، آقای موسوی سبزواری با تحلیل مفهوم مادری و ارجاع به منابع گوناگون لغوی و فقهی نتیجه می‌گیرد که بی‌هیچ شکی مفهوم مادری بر زنی که صاحب تخمک است و طفل را در رحم خود پرورانده است، صدق می‌کند.^۱

ب - هر یک به تنهایی مادر محسوب می‌شود: این گروه معتقدند که هر دو زن برای طفل مادر محسوب می‌شوند. استدلال آن‌ها این است که روایات به مواردی انصراف دارند که رحم زن یکی از دو رکن تشکیل دهنده جنین است؛ یعنی نطفه به وسیله تخمکی که به وسیله رحم تولید می‌شود، تشکیل می‌شود و در فرض بحث که رحم تولیدکننده و در نتیجه تشکیل دهنده نطفه نیست، بلکه جنین تنها در رحم او افزایش یافته و نوزاد از او متولد شده است، احتیاطاً مادر تلقی خواهد شد. این گونه فرزندان دو مادری هستند.

ظاهراً منظور این عده چنان که از استدلالشان برمی‌آید، آن است که هر دو مادر واقعی و نسبی هستند.^۲

ج - هر دو، مادر عرفی هستند: این گروه معتقدند که نمی‌توان هر دو را مادر نسبی به حساب آورد، اما فرزند با هر یک از صاحب تخمک و صاحب رحم نوعی ارتباط دارد و هر دو را می‌توان به عنوان مادر رضاعی تلقی کرد؛ زیرا هر دو در پیدایش و تکون نوزاد اثرگذار و سهیم بوده‌اند. از سوی دیگر، دلیل قاطعی هم نیست که مادر بودن شرعی به هریک از آن دو اختصاص یابد.^۳

۱. موسوی سبزواری، سیدعلی، الاستنساخ بین التقنیه و الشرع، ص ۱۵۸

۲. رضائیا معلم، محمد رضا، باروری‌های نوین تولیدمثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق، صص ۳۱۹-۳۲۰

۳. همان، صص ۳۲۰-۳۲۱

این نظر نیز خالی از اشکال نیست، زیرا مستلزم آفرینش جدید و مخالفت با آیات قرآنی است؛ زیرا خدا می‌فرماید: «لقد خلقنا الانسان من سلاله من طين ثم جعلناه نطفه في قرار مكين ثم خلقنا النطفه علقه...»^۱. چنان‌که ملاحظه می‌شود آیه شریف مبدأ انسان را نطفه قرار داده و رحم را قرارگاهی معرفی کرده است که نطفه را در خود نگه می‌دارد.^۲ در تفسیر مجمع‌البیان در ذیل آیه پنجم سوره حج آمده است، نطفه مایعی است که از مرد و زن به وجود می‌آید (النطفه هي الماء القليل يكون من الذكر و الانثى).^۳ نطفه به معنای آمیختن اسپرم و تخمک نیز به کار رفته است، مانند آیه «انا خلقنا الانسان من نطفه أمشاج»^۴ که در آن، کلمه نطفه به معنای آب اندک بوده است و سپس استعمالش در آب نرینه حیوانات که منشأ تولیدمثل است بر معنای اصلی غلبه یافته است. کلمه امشاج جمع کلمه مشیج و یا (مشج) به دو فتحه و یا به فتح اول و کسر دوم است؛ این سه کلمه به معنای مخلوط و ممتزج است و اگر نطفه را به این صفت معرفی کرده است، به اعتبار اجزای مختلف آن و یا به اعتبار مخلوط شدن آب نر با آب ماده است.^۵

۳- صاحب تخمک و صاحب سلول با هم

این نظر متعلق به آیت الله صافی گلپایگانی^۶ است که در استفتای مؤلف آن را بیان داشته‌اند. وی پیش از این، قائل به نظریه عدم انتساب بودند.

۴- صاحبان هسته و سیتوپلاسم با هم

این دیدگاه اختصاص به آیت الله محمد شیرازی^۷ و آقای جواهری^۸ دارد. مادر کسی است که فرزند از او و از تخمک او تولد یافته باشد، در این‌جا چون فرزند، تکوین یافته از هسته و سیتوپلاسم است، بنابراین صاحب هسته و صاحب سیتوپلاسم هر دو

۱. مؤمنون، ۱۲-۱۴

۲. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان، ج ۲۹، ص ۳۰

۳. طبرسی، ابی الفضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۸ هـ ج ۷، ص ۱۱۴

۴. انسان، ۲

۵. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان، ج ۳۹، ص ۳۴۵

۶. پاسخ به استفتای مؤلف، رجوع شود به پیوست.

۷. شبستری، سیدحسن، بررسی مشروعیت شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه فقهی، حدود و شرایط آن، ص ۱۲۶

۸. جواهری، حسن، «تقسیم جنین و شبیه‌سازی»، ص ۹۵

مادر این فرزند خواهند بود. اگر بر ما اعتراض شود که عرف تعدد عنوان مادری را نمی پذیرد، پاسخ ما این است که عرف مفهوم را می پذیرد، ولی در تشخیص مصداق اشتباه می کند. خطای عرف در مصداق، در صورت پذیرش مفهوم، اعتباری ندارد.^۱

البته این نظر از سوی آیت الله مؤمن مردود شاخته شده است، زیرا زن صاحب سیتوپلاسم، تنها نطفه ای را که مربوط به آن پدر و مادر است؛ تغذیه نموده است و رحم وی جایگاه مناسب برای رشد و نمو و تغذیه کردن آن به وسیله رحم زن دوم و استفاده این نطفه از آن محل مناسب است، وگرنه صرف این که سیتوپلاسم رشد نمی کند، بلکه به سان غذای مناسبی برای رشد نوزاد مزبور است، موجب نمی شود که این نوزاد فرزند این زن نیز باشد.

به عبارت دیگر، هسته، از غذاها استفاده کرده، رشد می کند و به دو هسته پوشیده شده در دو سیتوپلاسم تبدیل می گردد و به همین نحو تکثیر می شود تا به صورت نوزادی درمی آید و سبب تکثیر شدن هسته و سیتوپلاسم ها می شود. بر این اساس، به هم پیوستن همه اجزای لازم، همان هسته است و سایر امور، همان غذاهایی است که این هسته از آن ها استفاده می کند.

ولی این که گفته می شود: «مادر، همان زن صاحب تخمک است و در این جا چون تخمک از دو زن به دست آمده است، بنابراین هر دو، صاحب تخمک و مادر نوزادند و بدین ترتیب، نوزاد دارای دو مادر است»، دارای اشکال است. ما تسلیم این گفته نمی شویم که معیار مادری، صرفاً تخمکی باشد که از زن گرفته شده است؛ بلکه رشد تخمک، معیار مادر شدن آن زن است. در این جا این معنا در مورد زن صاحب هسته قابل تحقق است، نه زن صاحب سیتوپلاسم.^۲

به طور کلی در رد نظریه تعدد عنوان مادری می توان چنین استدلال کرد:

این نظریه، مستلزم تأسیس فقه جدید است؛ مثلاً در قرآن، سهم الارث پدر و مادر در صورت نبود فرزند چنین است که یک سوم به مادر می رسد و بقیه از آن پدر است. فرمود: «فان لم یکن له ولد و ورثه ابواه فلامه الثلث»^۳ اگر نظریه تعدد عنوان مادری صحیح باشد، و بر این اساس به هر یک از مادرها یک سوم ماترک را بدهیم، به پدر

۱. جواهری، حسن، «تقسیم جنین و شبیه سازی»، ص ۹۶

۲. مؤمن، محمد، «شبیه سازی»، صص ۱۰۵-۱۰۶

۳. نسا، ۱۱

مبلغی اختصاص می‌یابد که خلاف نص قرآن است و لازمه آن تأسیس فقه جدید است. اگر هم به هر دو مادر یک سوم بدهند و آنان سهم مذکور را بین خود تقسیم نمایند، باز اشکال فوق به شکل دیگری مطرح می‌شود. علاوه بر ارث، حضانت و نگهداری کودک بر عهده کدام‌یک از مادران خواهد بود؟^۱

ب - عدم انتساب به مادر

دیدگاه دیگری نیز از سوی بعضی فقها مطرح شده است که معتقدند طفل شبیه‌سازی شده، فاقد هر گونه نسب است. از جمله این فقها می‌توان به آیات عظام مکارم شیرازی،^۲ حکیم،^۳ بهشتی^۴ و موسوی تبریزی^۵ اشاره کرد. ادله این گروه به شرح زیر است:

۱- عده‌ای از فقها که صاحب تخمک را مادر می‌دانند، با استناد به دلیل ذیل نظر به عدم انتساب به مادر می‌دهند:

عنوان مادری تنها برای صاحب تخمک محقق است و چون در شبیه‌سازی، طفل از تمام تخمک ایجاد نمی‌شود؛ بلکه تنها از جزئی از آن ایجاد می‌شود، پس منتسب به صاحب تخمک نیست و در نتیجه فاقد مادر است.^۶

۲- عده‌ای دیگر از فقها معتقدند که صاحب رحم مادر است و بر این اساس، با استناد به آیه ۲ سوره مجادله، نظریه عدم انتساب به مادر را تقویت می‌کنند. این گروه بر این اعتقادند که قید موجود در این آیه، حصر عنوان امومت را به ولادت از طریق طبیعی و عادی می‌رساند. پس چون فرد شبیه‌سازی شده از طریق طبیعی به دنیا نیامده است، نسبت مادری برای وی وجود ندارد و احکام شرعی ناشی از آن نیز اجرا نخواهد شد.

۱. قبل‌های خویی، خلیل، «بررسی احکام وضعی کودکان ناشی از اهدای گامت در رابطه با توارث»، صص ۲۳۳-۲۳۴

۲. علیان نژاد، ابوالقاسم، «دیدگاه فقهی آیت الله مکارم شیرازی درباره دو مسأله شبیه‌سازی و راه‌های فرار از ربا»، ص ۲۹

۳. طباطبایی حکیم، سید محمد سعید، فقه الاستنساخ البشري و فتاوی طیه، صص ۲۲-۲۳

۴. محمدی، علی، شبیه‌سازی انسان، ملاحظات علمی، اخلاقی، حقوقی و فقهی، ص ۴۷۵

۵. شبستری، سیدحسن، بررسی مشروعیت شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه فقهی، حدود و شرایط آن، ص ۱۲۱

۶. طباطبایی حکیم، سید محمد سعید، فقه الاستنساخ البشري و فتاوی طیه، ص ۲۲

پاسخ: حق آن است که این آیه شریف در ارتباط با ظاهر نازل شده است و در مقام بیان امومت تکوینی نیست که مادر طفل شبیه‌سازی شده به حساب آید. لازم به ذکر است که می‌توان این آیه را حمل بر امر شایع نمود. پس شبیه‌سازی، مانع از انطباق عنوان ولادت بر طفل شبیه‌سازی شده، پس از انتقال سلول به رحم مادر و به دنیا آمدن از او نیست.^۱

بنا بر آنچه از نظرات فقها آورده شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که بیشتر فقها با اتخاذ یک ملاک، وجود مادر یا پدر را برای طفل شبیه‌سازی شده، لحاظ کرده‌اند. لیکن ایراداتی به دیدگاه آخر وارد است، بدین جهت که اولاً؛ مفهوم مادری و پدری، مفاهیم عرفی هستند و حقیقت شرعیه به شمار نمی‌روند. پس اتخاذ ملاکی غیر از ملاک عرف، بلا اشکال به نظر می‌رسد. ثانیاً در تولید مثل جنسی، فرد اطلاعات ژنتیک خود را از دو نفر دریافت می‌کند؛ یعنی منشأ متعدد است. اما در شبیه‌سازی، فرد، اطلاعات ژنتیک خود را از یک نفر دریافت می‌کند؛ یعنی منشأ واحد است. بنابراین چه منشأ واحد باشد و چه متعدد، وجود منشأ به تنهایی برای انتساب طفل شبیه‌سازی شده به منشأ (صاحب سلول) کفایت می‌کند. پس، طفل را می‌توان حداقل به صاحب سلول ملحق دانست، حتی اگر نتوان او را ملحق به طرفین دانست.

دیدگاه‌های مختلف درباره نسب طفل شبیه‌سازی شده در این بخش ارائه شد؛ اما آیت الله موسوی سبزواری با وجود شرایط خاصی این عمل را جایز دانسته است که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود:

- شرط اول: هر یک از مرد و زن که سلول از آن‌ها گرفته می‌شود، معلوم و مشخص باشند؛ زیرا بر فرد مجهول، نسب شرعی و قانونی و حتی عرفی ثابت نمی‌شود.
- شرط دوم: در مراحل عملیات، عنوان حرامی وجود نداشته باشد که موجب نفی نسب شرعی شود؛ برای نمونه، اگر سلول جنسی از نطفه حاصل از زنا گرفته شود؛ چون در شرع اسلام، نطفه زانی حرمت ندارد، نسب شرعی نیز با آن ثابت نمی‌شود.
- شرط سوم: باید در مراحل گرفتن سلول جنسی و جسمی و بارور کردن و تحریک نطفه، هیچ‌گونه اختلاط یا اشتباه با دیگر سلول‌ها و نطفه‌ها صورت نگیرد و گونه نسب شرعی ثابت نمی‌شود.

- شرط چهارم: افرادی که عملیات شبیه‌سازی را انجام می‌دهند باید متخصص و آگاه از اسرار این عملیات باشند تا از این راه زبانی متوجه نوزاد آینده و یا جامعه انسانی نشود و گرنه به حکم قاعده «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» این عملیات ضرری، عقلاً و نقلاً حرام خواهد بود.^۱

۲-۱-۲. نسب طفل شبیه‌سازی شده در نظام حقوقی غرب

به طور کلی، هفت دیدگاه درباره نسب طفل شبیه‌سازی شده در نظام حقوقی غرب وجود دارد:

۱- ژن‌گرایان اطلاعاتی^۲

طفل شبیه‌سازی شده، خواهر یا برادر دو قلو ی اهداکننده سلول یا DNA است؛ زیرا ارتباط ژنتیک با یک فرد، نمی‌تواند دلیل کافی برای ارتباط ولد و والدینی آنان باشد. ارتباط ژنتیک صاحب سلول و فرد شبیه‌سازی شده، همانند ارتباط ژنتیک دو قلوهاست؛ بر همین اساس، همان‌طور که دو قلوهای ژنتیک نمی‌توانند ادعای این را داشته باشند که فرزند یا والد دیگری هستند، طفل شبیه‌سازی شده و اهداکننده سلول هم نمی‌توانند چنین ادعایی داشته باشند. پس ارتباط ژنتیک، نمی‌تواند دلیل مناسب برای کسب عناوین والدینی باشد.^۳

بیشتر کسانی که از شبیه‌سازی و سایر تکنولوژی‌های کمکی تولیدمثل حمایت می‌کنند، معتقدند که والدین هر شخص، در واقع کسانی هستند که کودک از ژن‌های آنان به وجود آمده است. آن سرچشمه، برای والدین بیولوژیک مهم است. در تولید مثل جنسی انسان، کودک در ۵۰ درصد از ژن‌های والدش شریک است. البته این شراکت کافی نیست. این سرچشمه، اساساً یک رابطه علیت است. این کودک به خاطر رابطه علیتی که میان او و والدینش وجود دارد، به وجود آمده است که عکس این رابطه، صادق نیست.

۱. موسوی سبزواری، سیدعلی، الاستنساخ بین التقیه و الشرع، ص ۱۶۲

2. Informational Geneticism

3. sparrow, Robert, "Cloning, parenthood, and genetic relatedness", bioethics, Vol.20, No.6, 2006, p: 313

رابطه علیت مستقیماً والدین را از فرزندان جدا می کند. این سرچشمه می تواند میان پدر بزرگ، مادر بزرگ و نوه ها تکرار شود. بنابراین، رابطه والدین بر اساس بیولوژی و ژنتیک، سرچشمه اصلی است. پس ضرورت دارد که این سرچشمه به اندازه نصف ژن های والدین باشد. هر تکراری از این روند، نسل بیشتری را به وجود می آورد.^۱ بنابراین، پدر و مادر اهداکننده سلول، پدر و مادر طفل شبیه سازی شده هستند.^۲ بر اساس این دیدگاه، با شبیه سازی، هم حق آزادی تولیدمثل حفظ می شود و هم به آن تجاوز می گردد؛ زیرا ممکن است مادر و پدر اهداکننده سلول نخواهند فرزند دیگری داشته باشند.

از این دیدگاه، کسی فرزند کس دیگر تلقی می شود که از نظر ژنتیک از او سرچشمه گرفته باشد. در این نظریه، «ژن»، اصطلاحی کاربردی و اطلاعاتی است که به طور تصادفی، بر یک شیء مادی نهاده شده است. بر اساس این نظریه، تنها معیار رابطه ژنتیک والدینی، این است که طفل نصف اطلاعات ژنتیکی پدر و مادرش را به ارث برده باشد.^۳

از دیدگاه یکی از طرفداران این نظریه، فرد شبیه سازی شده، دارای تمامی کروموزوم هایی است که فرد دیگر (اهداکننده سلول) دارد. این کروموزوم ها دارای دو منشأ هستند: پدر و مادر اهداکننده سلول. این کروموزوم ها از طریق شخص دیگری به فرد شبیه سازی شده منتقل شده است؛ یعنی اهداکننده سلول. این فرد، والد طفل شبیه سازی شده نمی باشد. طفل مذکور نیز نمی تواند چنین ادعایی داشته باشد؛ بلکه طفل مذکور دو قلوئ شخص اهداکننده است که با تأخیر چند ساله متولد شده است. بنابراین، از این منظر، طفل شبیه سازی شده، فرزند اهدا کننده سلول نیست؛ بلکه خواهر یا برادر دو قلوئ اوست.^۴

-
1. kolers, Avery, "Cloning and genetic parenthood", Quarterly healthcare ethics, No.12, 2003, p:402
 2. Onel, Erol, "Cloning: A basic bioethical Analysis", Journal of Andrology, Vol. 21, No. 2, 2000, p:201
 3. Ibid, p:406
 4. kolers, Avery, "Cloning and genetic parenthood", p:403

۲- قراردادگرایان^۱

این گروه معتقدند که نقش اجتماعی در فرزند بودن فرد یا خواهر بودن وی، به سن او و محیطی که در آن شبیه‌سازی رخ می‌دهد، وابسته است. بنابراین، اگر فرد صاحب سلول بسیار بزرگ‌تر از فرد شبیه‌سازی شده باشد، وی مادر اوست و طفل شبیه‌سازی شده می‌تواند از او ارث ببرد. اما اگر این دو در یک محیط اجتماعی به عنوان دو خواهر پرورش یابند، قانون باید با آنان مثل هم رفتار نماید.^۲

۳- تولدگرایان^۳

این گروه تمایل دارند عنوان والد را به کسی اطلاق نمایند که کودک را به دنیا آورده است؛ در صورتی که ژن‌گرایان برای این زن هیچ نقشی قائل نیستند.

۴- قصدگرایان^۴

از این دیدگاه، هر شخصی که قصد نگهداری یا به دنیا آوردن کودکی را داشته باشد، می‌تواند والد او به حساب آید؛ حتی اگر آن کودک متعلق به وی نباشد. این دیدگاه، برای ارتباط ژنتیک میان فرزندان و والدین ارزشی قائل نیست.^۵ بسیاری از حامیان شبیه‌سازی، معتقدند که قصد^۶ می‌تواند اهداکننده سلول را والد طفل شبیه‌سازی شده معرفی نماید، نه پدر و مادر وی را. اما در مورد طرف دیگر این روند، یعنی همسر صاحب سلول، باید گفت که یک قاعده می‌تواند وی را مادر یا پدر طفل شبیه‌سازی شده معرفی کند. قاعده مزبور این است که وی تصدیق نماید قصد بزرگ کردن طفل شبیه‌سازی شده را دارد. این قصد، می‌تواند ادعای این زوج را بر ادعای مادر و پدر اهداکننده سلول، مقدم گرداند.

بنابراین، تأکید بر قصد در تعیین والدین طفل شبیه‌سازی شده، مناسب است. البته ناگفته نماند که احراز قصد در والدین بیولوژیک که از طریق رابطه جنسی دارای فرزند

1. Conventionalism

2. kolers, Avery, "Cloning and genetic parenthood", pp.: 405-406

3. Gestationalism

4. Intentionalism

5. kolers, Avery, "Cloning and genetic parenthood", p:405

6. Intention

شده‌اند، مدنظر نیست؛ زیرا صرف همین رابطه، آنان را ملزم به انجام وظایف خود در برابر فرزندانشان می‌کند.^۱

بنابراین، در شبیه‌سازی، رابطه والدینی‌ای، قانونی است که بر مبنای قصد زوجینی ایجاد شده باشد که به دنبال تولد فرزند از این طریق هستند، نه بر اساس رابطه ژنتیک. البته لازم به ذکر است که فرزندخواندگی یا سایر فن‌آوری‌های کمک باروری می‌تواند گزینه‌های بهتری برای زوجین خواهان فرزند باشد.^۲

کسانی که از شبیه‌سازی انسان برای زوجین نابارور حمایت می‌کنند، بر آزادی فرد در انتخاب و عمل تأکید می‌ورزند. آزادی عمل بر اساس خواسته‌ها و تمایلات فرد نقطه ثقل ادله طرفداران شبیه‌سازی محسوب می‌شود. در نتیجه، آنان برای حق آزادی فرد که حق آزادی تولید مثل از آن نشأت می‌گیرد، ارزش اخلاقی قائل شده‌اند. این حقی که ایشان از آن بحث می‌کنند، نه تنها از انتخاب افراد برای ممانعت از تولید مثل یا سقط جنین یا استفاده از وسایل جلوگیری از بارداری حمایت می‌کند؛ بلکه بر حق تولید مثل آنان در خلال عمل جنسی یا سایر تکنولوژی‌های کمکی تولیدمثل تأکید دارد. تصمیم برای داشتن فرزند، شخصی است؛ بنابراین، هر شخص حق دارد هر وسیله‌ای را که می‌خواهد برای فرزندآوری انتخاب نماید. البته این حق نباید به دیگران آسیب برساند. بعضی افراد این گروه، ادعا می‌کنند که قانون اساسی از این حق حمایت می‌کند و این حق به طور ویژه‌ای شامل شبیه‌سازی انسانی هم می‌شود. این عده معتقدند که تکنولوژی شبیه‌سازی مثل سایر تکنولوژی‌های کمک باروری است، زیرا زوجین نابارور را قادر می‌سازد دارای فرزندی شوند که از نظر ژنتیک به یکی از آنان مرتبط است.^۳

۵- ژن گرایان مادی

این گروه برخلاف گروه اول، اطلاعات ژنتیک را با حاملان ژن‌ها ملاحظه می‌کنند. گروه مزبور به کروموزوم‌های رشته‌های DNA که از دو سری مواد تشکیل شده است نیز توجه دارند. در دیدگاه اول، ژن، عنصری غیرمادی (اطلاعات) دژ نظر گرفته می‌شد

1. sparrow, Robert, "Cloning, parenthood, and genetic relatedness", pp.: 314-315

2. Ibid, p:315

3. Cohen, Cynthia B., "The ethics of human reproductive cloning: when world views collide", Accountability in research: policies and quality assurance, p:186

و بنابراین، والدین بیولوژیک، اولین کسانی تلقی می‌شوند که اطلاعات آنان به کودک منتقل می‌شود. اما در نظریه دوم، با وجود این‌که ژن حامل اطلاعات خاصی است، اما یک شیء واقعی هم به حساب می‌آید. با این نگرش، رابطه والدینی ژنتیک، شامل جنبه مادی نیز می‌شود. هنگامی که گفته می‌شود شخصی از ژن شخص دیگری به وجود آمد، این بدان منظور است که انتقال ژن جنبه‌های مادی و غیرمادی دارد.^۱ حال اگر به آنچه گفته شد، قصد و قرارداد را هم بیفزاییم، این نظریه کامل‌تر می‌شود.

قرارداد راهکار مهمی برای کسب عنوان والدینی است؛ زیرا در بسیاری از موارد، راه طبیعی برای انتساب وجود ندارد. بنابراین، بر اساس این دیدگاه، جانشینی ژن به جای انسان پذیرفته نیست. نه تنها زایمان، بلکه انتساب یک روند مادی است و این نظریه به این ویژگی احترام می‌گذارد.^۲

۶- عده‌ای نیز به طور کلی هیچ انتسابی را برای طفل شبیه‌سازی شده قائل نیستند و او را منتسب به کسی نمی‌دانند.^۳

۷- عده‌ای نیز وی را تنها منتسب به یک والد می‌دانند.^۴

نسب طفل شبیه‌سازی شده در حقوق آمریکا

پس از بررسی نسب طفل شبیه‌سازی شده در نظام حقوقی غرب، به عنوان نمونه، بحث نسب طفل مذکور را در قانون آمریکا بررسی می‌نماییم. دو نظریه از دیدگاه حقوق‌دانان آمریکایی درباره نسب طفل شبیه‌سازی شده مطرح است:

نظریه اول

صاحبان این نظریه معتقدند که استفاده از تکنولوژی‌های کمک باروری نیاز به بازتعریف عناوین والدینی سنتی دارد؛ زیرا در این روش‌ها افراد بسیاری مشارکت

1. Cohen, Cynthia B., "The ethics of human reproductive cloning: when world views collide", Accountability in research: policies and quality assurance, p:186
2. Kolers, Avery, "Cloning and genetic parenthood", pp.: 407-408
3. Watt, Helen, "Thinking twice: Cloning and in vitro fertilization, Ethics & Medicine", Vol.18, No.2, 2002, p:35
4. Kurtz, Stanley, 2003, "On parenthood and genetic engineering", available at: <http://www.futurepundit.com/archives/001026.html> (12 Jan 2008) and Rowland, Robyn, "Technology; motherhood: reproductive choice reconsidered", Signs, Vol.12, No.3, 1987, p:523 and Kass, Leon R. and Wilson, James Q., "The ethics of human cloning", U.S.A, The AEI press, 1998, p:90

می کنند. همراه با افزایش تعداد افراد مشارکت کننده در فرآیند تولید مثل، مشکل تعیین عناوین والدینی برای کسب حقوق والدینی بیشتر می شود. در این روش ها، انتساب طفل به پدر و مادر، یا از طریق ژنتیک است یا از راه قرارداد و یا قانونی. البته می توان از آن ها با عنوان های والدین بیولوژیک، والدین ناشی از تولد و والدین اجتماعی یاد کرد.

با وجود این، شبیه سازی، انتساب و نسب طفل را خارج از آنچه دادگاه های آمریکا در بحث نسب به آن رسیده اند، قرار خواهد داد. قوانین فعلی و پرونده های موجود، آن قدر جامع و فراگیر نیستند که بتوانند به تمامی جنبه های نسب حاصل از فرآیند شبیه سازی پاسخ دهند.

با ملاحظات دقیق، معلوم می شود که شبیه سازی، سؤال های بسیاری را در ارتباط با وضعیت قانونی طفل شبیه سازی شده مطرح می کند. طبیعت غیرجنسی شبیه سازی، سؤال های بسیاری را درباره این که کودک حاصل از این فرآیند، طفل صاحب سلول است یا خواهر او، به دنبال می آورد. علاوه بر این، اگر پدر و مادری با هدف ایجاد مجدد فرزندی مرده، اقدام به شبیه سازی نمایند، چه کسی می تواند نقش پدر و مادر را برای وی بازی کند؟ علاوه بر این سؤال ها، مسائل دیگری نیز وجود دارد که در تعیین عناوین والدینی مؤثرند. یک فرد شبیه سازی شده ممکن است ماده ژنتیک خود را از چهار نفر دریافت کند و عناوین والدینی می تواند از طریق ژنتیک، بارداری و یا اجتماعی (براساس مقاصد) تعیین شود.

هم چنین، شبیه سازی می تواند به طور بالقوه باعث سردرگمی در تعیین عناوین والدینی شود؛ زیرا می توان ۱۳ عنوان والدینی در آن تصور کرد.

نهایتاً، شبیه سازی سؤال هایی را درباره حقوق والدینی که فراتر از راه کارهای قانونی، در سایر روش های کمک باروری است، مطرح می کند. دادگاه ها نمی توانند براساس این راه کارهای قانونی که درباره سایر روش ها بیان شده است، عناوین والدینی را در بحث شبیه سازی تعیین نمایند. موضوع نسب در شبیه سازی، چالش های قانونی بسیاری را ایجاد می کند.

تعیین والد بر اساس ارتباط ژنتیک در جایی که چهار فرد در اهدای ماده ژنتیک به یک طفل مشارکت دارند، ابهام آور است. علاوه بر این، سؤال های بدون پاسخ که

شبیه‌سازی ایجاد کرده است. سبب می‌گردد دادگاه نتواند بر اساس راه‌کارهای موجود در سایر روش‌ها، به تعیین عناوین والدینی در شبیه‌سازی پردازد؛ زیرا قوانین هدایت‌کننده سایر روش‌های کمک باروری، نمی‌توانند راه‌کارهای مناسبی را برای حل مسائل جدید شبیه‌سازی ارائه دهند. بنابراین دادگاه‌ها نباید با شبیه‌سازی هم‌چون سایر روش‌های کمک باروری رفتار نمایند.^۱

نظریه دوم

بحث نسب در مسائل مربوط به تلقیح مصنوعی، اهدای گامت و مادر جانشین بسیار پیچیده شده است. شبیه‌سازی نیز می‌تواند این مسأله را حادتر نماید.

بر اساس نظر استاد حقوق لی اندروز^۲، شبیه‌سازی انسان می‌تواند ۱۳ مدل در انتساب به پدر و مادر به وجود آورد. این ۱۳ مدل، براساس این است که چه کسی اهداکننده سلول یا اهداکننده تخمک منفعل یا حامل جنین در رحم است و چه کسی می‌تواند مادر و پدر اجتماعی وی باشد.

در پاسخ به تغییرات ساختار خانواده و ایجاد ART (روش‌های کمکی تولید مثل) قانون متحدالشکل نسب^۳، برای کودکان برابری قانونی و واقعی را بدون ملاحظه روابط ژنتیک با پدر و مادرشان، در نظر گرفته است. این قانون شامل قواعد مختلفی برای برقراری رابطه نسبی در بحث تکنولوژی‌های کمکی تولید مثل است.

بر اساس بخش ۷۰۲ ماده ۷^۴ از این قانون، اهداکننده ماده ژنتیک صرف، حق والدینی ندارد؛ بنابراین، وی از معادله نسب حذف می‌شود. این قانون، به روش تولید مثل غیر جنسی اشاره‌ای ننموده است؛ اما تأکید آن بر قصد طرفین شرکت‌کننده در فرآیندهای کمکی تولیدمثل، می‌تواند راه‌گشا باشد. براساس قانون مذکور، قصد بیشتر از رابطه بیولوژیک می‌تواند شاخصه مهمی در تعیین نسب اطفال حاصل از فرآیندهای کمک باروری باشد.

1. Rose, Ander P., "Reproductive misconception: why cloning is not just another assisted reproductive technology", pp.: 1154-1155 and Edwards, John N., "New conceptions: Biosocial innovations and the family", Journal of Marriage and Family, Vol. 53, No. 2, 1991, p:358

2. Lori Anderews

3. Uniform Parentage Act

۴. بخش ۷۰۲ از ماده ۷: وضعیت والدینی اهداکننده: «اهداکننده والد طفل حاصل از فرآیندهای کمک باروری نمی‌باشد».

بنابراین، در جایی که شبیه‌سازی، عملی می‌شود، مقاصد مشارکت‌کنندگان در این فرآیند می‌تواند بسیار مؤثرتر از رابطه ژنتیک میان او و والدینش باشد. با این تأکید، این حقیقت که والدین فرد شبیه‌سازی شده، دوقلوی ژنتیک وی باشند، در تعیین نسب قانونی، بی‌اهمیت می‌گردد.

علاوه براین، اهداکننده سلول در این فرآیند که بر اساس قانون متحدالشکل نسب از کسب عناوین و حقوق والدینی منع شده بود؛ در صورتی که بخواهد طفل را نگه‌داری و بزرگ کند، می‌تواند به عنوان والد قانونی برای وی در نظر گرفته شود.^۱

البته کاربرد قانون مذکور برای تعیین نسب طفل شبیه‌سازی شده، ملغی است، زیرا قانون مذکور، برای حل مشکل انتساب به آزمایش‌های DNA رجوع نموده است.

آزمایش‌های ژنتیک، در بحث شبیه‌سازی، بی‌فایده و بدون کاربرد است. برای نمونه در بخش ۵۱۰^۲ همین قانون، که به برقراری نسب میان دو برادر اشاره دارد، این قانون، راه‌کار مبهم و نامناسبی را برای ژنوم‌های مشابه ارائه نموده است؛ زیرا برادران دوقلو، با آزمایش‌های ژنتیک از هم متمایز نمی‌شوند و ممکن است دادگاه خواهان ارائه مدارک غیر ژنتیک برای اثبات نسب باشد. بنابراین، قوانین باید راه حل مناسبی برای تعیین نسب اطفال حاصل از فرآیند شبیه‌سازی بیابند تا آنان به حال خود رها نشوند.

اما اگر این چارچوب حقوقی برای انتساب طفل شبیه‌سازی شده، فاقد کارکرد گردد، باید به بررسی موضوع انکار انتساب طفل شبیه‌سازی شده پرداخت. در این زمینه پرونده‌ای به دادگاه ارائه شد؛ دادگاه به کودک حاصل از تکنولوژی‌های کمک باروری اجازه نداد که درباره محروم شدن خود از داشتن پدر علیه کلینیک مورد نظر، اقامه دعوا نماید. کودک در این باره اظهار کرد که کلینیک باروری، با قصور در گرفتن امضا از همسر مادرش، در برگه رضایت باعث گردیده که وی از داشتن پدر محروم شود.

1. Macintosh, Kerry Lynn, **Illegal beings human clones and the law**, p: 236 and Lin Lewis, Jessica, **"Predicting the judicial response to an asserted right to reproductive cloning"**, Journal of legal medicine, Vol.29, No.4, 2008, pp.: 531-532

۲. بخش ۵۱۰، ماده ۵: «الف- دادگاه می‌تواند در صورتی که فردی که به عنوان پدر کودک شناخته می‌شود، ادعا داشته باشد که برادر دوقلویی دارد و همچنین شواهد نشان می‌دهد که وی پدر طفل است، آزمایش‌های ژنتیک برادر آن فرد را تقاضا نماید.

ب- اگر برادر دیگر بتواند شرایط این انتساب را بدون ملاحظه این امر که برادر دیگر به عنوان پدر طفل شناخته می‌شود و همچنین طبق بخش ۵۰۵ همین ماده به دست آورد، دادگاه ممکن است با توجه به مدارک غیر ژنتیکی درباره کسب عنوان پدری کودک توسط هر یک از آنان داورى نماید.»

دادگاه دلیل این فرد را رد کرد و در حکمی بیان داشت که او از این بابت صدمه‌ای ندیده و کودک سالمی است و حق استفاده از دلیل زندگی ناشی از خطا^۱ علیه کلینیک باروری را ندارد.

ادعای فوق‌الذکر در پرونده مذکور می‌تواند برای طفل شبیه‌سازی شده هم مطرح شود. اصل اساسی برای جلوگیری از ادعای زندگی ناشی از خطا این است که هیچ دلیلی برای اثبات ادعای کودک در مورد زندگی ناشی از خطا وجود نداشته باشد.

علت این عمل باید نتیجه مستقیم غفلت پزشکان در این رابطه باشد و اگر غفلت آنان نبود، هرگز طفل به وجود نمی‌آمد. اصل اساسی در این موضوع این است که کودک باید با خواست والدین و پزشکان ایجاد شود؛ در این صورت پزشکان هیچ مسئولیتی در زمینه آسیب‌های ژنتیک کودک ندارند. ممکن است طرح این ادعا، در مسأله شبیه‌سازی انسان، اصطحاکاک بیشتری به وجود آورد؛ زیرا کودک شبیه‌سازی شده می‌تواند این ادعا را بکند که به خاطر فعالیت کلینیک ایجاد گردیده است، و در غیر این صورت، وی متولد نمی‌شد. حداقل یکی از دادگاه‌های ایالت‌ها به این موضوع اشاره کرده است. در این پرونده، دادگاه به طفل اجازه داد علیه پزشکان کلینیک اقامه دعوا نماید.

بر این اساس، کودکان حاصل از فرآیندهای کمکی تولید مثل، نسبت به سایر کودکان دارای حقوق و انتظارات بیشتری هستند. قانون این تفاوت میان کودکان را لحاظ نمی‌کند و این دادگاه هم در نظر نخواهد گرفت. این دادگاه ادله‌ای را برای این امر اقامه می‌کند، مانند این که برای هیچ کودکی (ناشی از تولید مثل جنسی طبیعی و فرآیندهای تولیدمثل کمکی) این حق لحاظ نشده است که بدون بیماری‌های ژنتیک به وجود آید. انتظار می‌رود که دادگاه، این موضوع را درباره طفل شبیه‌سازی شده، در نظر بگیرد؛ زیرا موقعیت شبیه‌سازی انسان متفاوت است.

آن کودک، از طریق قرارگرفتن مواد ژنتیک کنار هم در خلال IVF، صدمه ندیده بود؛ بلکه وی ژن‌ها را از مشارکت‌کنندگان در IVF به ارث برده بود؛ یعنی از پدرش و اهداکننده تخمک. دادگاه، نظریه مسئولیت خوانده در برابر خواهان را که در آن، پزشکان متهم به ایجاد آسیب ژنتیک در کودک بودند، رد کرد؛ زیرا پزشکان، هیچ

فعالیتی در این راستا انجام نداده بودند. آنچه در این جا مبهم باقی می ماند، این است که تفاوت میان شبیه سازی و روش های کمکی تولیدمثل، برای رد دادخواست های مشابه کافی است یا خیر.^۱

در سال های گذشته، حقوق خانواده آمریکا متمایل به مشروع تلقی کردن اطفال نامشروع شد. بر این اساس، تمامی کودکان نامشروع که پیش از ازدواج پدر و مادرشان، متولد شده اند، پس از ازدواج آنان، مشروع تلقی می شوند، پس این راه کار می تواند درباره اطفال شبیه سازی شده نیز به کار برده شود.^۲

با بررسی قوانین اکثر کشورهای غربی می توان چنین نتیجه گرفت که این کشورها از اصول سنتی در تعیین نسب اطفال (مثل ازدواج غیرهم جنس گرایان یا ازدواج پدر و مادر طفل پس از تولدش که موجبات تحقق نسب قانونی طفل را فراهم می کرد) دور شده اند و به تعیین نسب طفل بر اساس معیار منفعت کودک روی آورده اند. بر اساس این معیار ممکن است که طفل از پدر و مادر واقعی اش جدا گردد و به کس دیگری سپرده شود که ارتباط ژنتیک با وی ندارد. یا آن که در اثر توسعه ازدواج هم جنس گرایان در کشورهای غربی زنان هم نقش والدین قانونی یک طفل را که ارتباط بیولوژیک با آنان ندارند، بازی کنند. همگی این موارد حاکی از آن است که انقلابی بزرگ در مفهوم عناوین والدینی رخ داده است. این انقلاب قطعاً اثرات منفی بر کودکان خواهد داشت.^۳ اما از سوی دیگر، توجیه مناسبی را برای ملاحظه عناوین والدینی در شبیه سازی انسانی مطرح می کند. هر چند کشورهای غربی، به دنبال ممنوعیت شبیه سازی انسانی هستند، اما درهم ریختگی قانونی در زمینه نسب می تواند کار آنان را در مسأله انتساب طفل شبیه سازی شده به والدینش راحت تر نماید؛ زیرا این دسته از کشورها، از قوانین سخت و غیرقابل انعطاف ادیان الهی در تعیین نسب دور شده اند و این امور را منوط به مواردی مثل قصد طرفین، قرارداد و منفعت کودک کرده اند.

پس از اشاره به دیدگاه های ادیان و نظام حقوقی غرب درباره نسب طفل شبیه سازی شده، به بررسی و تحلیل این دیدگاه ها می پردازیم:

1. Lin Lewis, Jessica, "Predicting the judicial response to an asserted right to reproductive cloning", pp.: 533-534
2. Macintosh, Kerry Lynn, *Illegal beings human clones and the law*, p: 257
3. "The Revolution in parenthood", 2006, available at: <http://www.americanvalues.org> (25 Agu 2010)

دین یهود درباره نسب طفل شبیه‌سازی شده، ضمن رد دیدگاه همسانی میان طفل شبیه‌سازی شده و اهداکننده سلول، نظرات مختلفی را درباره نسب طفل شبیه‌سازی شده ارائه داده است که اصل مهم در آن، انتساب طفل شبیه‌سازی شده به والدینش می‌باشد. به نظر می‌رسد که این اصل هر چند ریشه در دستورات شرعی تورات مانند وجوب زاد و ولد برای یهودیان دارد، اما می‌تواند به عنوان نکته‌ای مثبت برای آنان محسوب شود؛ زیرا سبب گردیده است آنان در مسأله شبیه‌سازی و سایر تکنولوژی‌های کمک باروری، راهکارهایی را ارائه دهند که با روح دینشان هماهنگ است.

در دیدگاه دین یهود، هر چند نظرات مختلفی در این باره ارائه شده است، اما ادله قوت و ضعف نظریات بیان شده و در نهایت یک نظریه توانسته است به عنوان نظریه بهتر و کامل‌تر مطرح شود که همان نظریه‌ای است که صاحب سلول را در صورت مذکر بودن، پدر طفل شبیه‌سازی شده و صاحب رحم را مادر وی می‌داند. به نظر می‌رسد که تلاش این دین برای انتساب طفل شبیه‌سازی شده به والدینش، قابل تقدیر است؛ زیرا در بستر نظرات مطرح شده در دنیای غرب که آشفتگی دیدگاه‌های آنان را در این باره می‌رساند، راه‌کار مناسب و دقیقی را ارائه می‌دهد.

البته از آن‌جا که دین یهود به دنبال توسعه دین خود در میان غیریهودیان نیست و علاقه‌ای هم به ارائه راهکارهای خود به جوامع غربی ندارد، این راهکارها فقط در میان خود آنان به کار برده می‌شود. همان‌طور که در مسأله IVF (لقاح برون رحمی) نیز آنان کلینیک‌های ویژه‌ای را ایجاد نموده‌اند که مشارکت کنندگان در فرآیند مذکور، همگی یهودی هستند.

در مورد دین مسیحیت، باید اذعان نمود که این دین به طور کلی دیدگاه مثبتی نسبت به تکنولوژی‌های کمک باروری ندارد و آن‌ها را ممنوع می‌داند؛ زیرا از دیدگاه این دین، دخالت شخص ثالث در فرزندآوری و فرآیند باروری ممنوع است. دیدگاه آنان در مسأله شبیه‌سازی نیز تحت تأثیر دیدگاه آنان درباره سایر تکنولوژی‌های کمک باروری است. مذاهب ارتدوکس و کاتولیک، طفل حاصل از این فرآیند را فاقد پدر و مادر می‌دانند، اما پروتستان‌ها که شاخه اصیلی هم در مسیحیت به شمار نمی‌روند، وی را دارای پدر و مادر تلقی می‌کنند و تا حدی نظریه همسانی را نیز پذیرفته‌اند. آنچه مسلم است این است که هر چند این دین تلاش نموده است در مقابل تکنولوژی‌های کمک

باروری و توسعه آنان بایستد، اما نتوانسته است مانع از گسترش آن‌ها شود. بنابراین، در صورت توسعه کاربرد فرآیند شبیه سازی در زمینه درمان ناباروری نیز این دین توان مقابله با گسترش آن را ندارد و در نتیجه، به خاطر عدم وجود قابلیت و توانمندی در تطبیق خود با شرایط زمانی و مکانی، نمی تواند پاسخ گوی مسائل مستحدث و جدیدی هم چون شبیه سازی انسان باشد.

در دین اسلام (امامیه و اهل سنت) نیز راهکارهایی در این باره ارائه شده است، هر چند که راهکارهای اهل سنت نیز تا حد زیادی تحت تأثیر دیدگاه‌هایشان درباره سایر تکنولوژی‌های کمک باروری بوده است و دخالت شخص ثالث را در این فرآیندها حرام دانسته‌اند، اما راهکارهای آنان نیز در نوع خود قابل تقدیر است؛ زیرا حداقل طفل شبیه سازی شده را متعلق به والدینش دانسته‌اند و نظریه همسانی مطرح در دنیای غرب را رد کرده‌اند. البته ایراداتی به دیدگاه‌های آنان وارد است از جمله این که در صورت مشارکت صرف زنان، طفل را زنازاده خوانده‌اند که این البته پذیرفتنی نیست. رد ادله آن هم به تفصیل در ذیل نظرشان آورده شده است. در حوزه فقه امامیه، نیز هرچند دیدگاه‌های مختلفی مطرح است، اما غالب نظرات بر محور انتساب طفل شبیه سازی شده به والدینش می گردد. همین نظرات می تواند راه را برای توسعه این فرآیند به عنوان یکی از روش‌های نوین تولید مثل باز نماید و در مواردی که نمی توان از سایر روش‌ها استفاده کرد، این روش می تواند جایگزین مناسبی باشد.

برای نمونه، در موردی که شوهر یک زن قادر به تولید حتی یک اسپرم سالم نمی باشد، سلول سوماتیک آن مرد می تواند جایگزین مناسبی برای اسپرمش باشد؛ زیرا از دیدگاه فقهای امامیه، استفاده از اسپرم بیگانه در فرآیندهای مذکور جایز نیست و اگر هم جایز باشد، صاحب اسپرم، پدر طفل محسوب می شود، نه شوهر آن زن. البته این موارد خود می تواند مباحث بسیاری را به دنبال داشته باشد. به جهت همین محدودیت‌های شرعی است که تاکنون موفق به تصویب قانون مناسبی در زمینه تلقیح مصنوعی در ایران نشده‌ایم. حال اگر شبیه سازی بتواند پاسخی برای این محدودیت‌ها و محذوره‌های شرعی بیابد، راه برای طرح و تصویب قانونی مناسب و متعادل برای ساماندهی تکنولوژی‌های کمک باروری باز خواهد شد.

حتی در مواردی که زن نمی‌تواند تخمک‌گذاری مناسبی داشته باشد، به جای آن‌که تخمک‌اهدایی مورد استفاده واقع شود، می‌توان از تخمک خود او در فرآیند شبیه‌سازی استفاده کرد؛ زیرا در این فرآیند تنها سیتوپلاسم یا غشای بیرونی تخمک مورد نیاز است که قطعاً در تخمک وی موجود خواهد بود.

ذکر این نکته نیز خالی از لطف نیست که البته شبیه‌سازی انسان برای مسأله رحم جانشین، راه‌حلی جایگزین ندارد. بنابراین به نظر می‌رسد که در این مسأله باید به دنبال راه‌کارهای دیگری بود.

البته این راه‌حل‌ها و نمونه‌هایی که آورده شد، تنها راه‌حل‌های پزشکی و علمی است که از طریق به کارگیری فرآیند شبیه‌سازی برای حل مسائل مربوط به سایر تکنولوژی‌های کمک باروری ارائه می‌شود.

به هر صورت در یک جمع‌بندی کلی میان دیدگاه‌های این سه دین، باید گفت که این سه حوزه به دنبال راهکارهایی هستند که قرارداد، قصد و سایر راهکارهای مطرح در نظام حقوقی غرب برای حل مسائل مربوط به فرآیندهای نوین تولیدمثل، در آن‌ها جایی ندارند و تا آن‌جا که بتوانند طفل حاصل از این فرآیند را به پدر و مادرش ملحق می‌دانند و در غیر این صورت، از تلاش برای انتساب وی به هر طریقی خودداری می‌کنند.

بنابراین، برای متشرعان به این ادیان، راهکارهای نسبتاً مناسبی ارائه شده است که به نظر نگارنده راهکار اسلام به ویژه فقه امامیه می‌تواند راهکار تام و تمامی باشد.

البته در نظر اهل سنت نیز اگر شبیه‌سازی در چارچوب ازدواج باشد و اهداکننده سلول مرد، اهداکننده تخمک و زوجه وی صاحب رحم باشد، در آن صورت انتساب طفل به پدر و مادرش قطعی خواهد بود. بنابراین اگر در قوانین کشورهای اسلامی (اهل سنت) تنها همین حالت هم مجاز شناخته شود، باز هم مفید و به‌جا خواهد بود.

در مورد راهکارهای نظام حقوقی غرب درباره شبیه‌سازی، باید اذعان کرد که این نظام قانون‌گذاری در بحث نسب، دست به دامان راه‌حل‌هایی شده است که اساس انتساب را در خود ندارند، هم‌چون قراردادها یا مقاصد و بنابراین، با آن‌که این نظام حقوقی از پرداختن به مسأله شبیه‌سازی انسان و پی‌آمدهای آن خودداری می‌کند، اما با

راه حل های مذکور راحت تر و آسان تر از سایر نظام های حقوقی دیگر می تواند مسأله انتساب طفل شبیه سازی شده را حل نماید.

با این وجود، این نظام حقوقی نتوانسته است راهکار مناسبی را برای این موضوع ارائه دهد و تشت آرا در آن بسیار به چشم می خورد. در حالی که در نظام حقوقی اسلام، غالب فقها به دنبال انتساب طفل شبیه سازی شده به مشارکت کنندگان در این فرآیند هستند و قائلان به نظریه عدم انتساب اندکند. البته در دیدگاه انتساب، نظرات مختلف است، اما اصل همین موضوع که طفل شبیه سازی شده می تواند دارای پدر و مادر باشد، نکته بسیار مثبتی است. شاید این درجه از اهتمام به این مسأله، به خاطر اهمیت نسب در دین اسلام است.

پس از بررسی دیدگاه های ادیان در این باره به بحث و بررسی این موضوع، در نظام حقوقی غرب می پردازیم.

دیدگاه ژن گرایان در نظام حقوقی غرب، از نظر ادیان مذکور مردود است و هر یک از این ادیان برای نظر خود ادله ای اقامه کرده اند. پذیرش این دیدگاه نیز به نظر دشوار می رسد؛ زیرا این گروه معتقدند که شراکت ژنتیک میان والدین و فرزندان در حد نصف ژن های هر یک از والدین است؛ بنابراین در مسأله شبیه سازی والدین اهداکننده سلول، والدین طفل مذکورند.

البته این نظر تام و تمام نیست؛ زیرا برخورداری هر شخص از ژن های والدینش لزوماً محدود به یک دوم نیست، بلکه می تواند تمام ژن هایش را از یک والد به ارث ببرد و یا کمتر از ۵ درصد از ژن هایش را از والد دیگر داشته باشد. برخورداری به اندازه ۵۰ درصد از ژن های هر یک از والدین، لزوماً یک قاعده کلی و عام الشمول نیست؛ زیرا این نتیجه حاصل فرآیند تولید مثل جنسی است. در حالی که در طبیعت، علاوه بر تولید مثل جنسی، تولید مثل غیر جنسی یا همان کلونینگ نیز وجود دارد و بسیاری از جانوران به این طریق نیز دارای فرزند می شوند.

علاوه بر این، شباهت بیش از اندازه بعضی از فرزندان به پدر یا مادرشان، نشان می دهد که ژن های یکی از والدین بر ژن های دیگری غلبه کرده است و در نتیجه، کودک به یکی از آنان بیشتر شبیه شده است.

نظریه قراردادگرایان نیز که همه چیز را منوط به محیط و شرایط می‌دانند، نظریه قابل اعتمادی نیست؛ زیرا جامعه بشری نیاز به قوانین با ثبات و استواری دارد که بتواند تمام موارد مربوط به یک مسأله را پاسخ‌گو باشد. در ضمن این نظریه نقش صاحب رحم و صاحب تخمک را نادیده می‌انگارد و فقط صاحب سلول را در این فرآیند مؤثر می‌داند. در این صورت، اگر زوجی اقدام به این کار کنند، پدر و مادر طفل مذکور چه کسانی هستند؟

اما به دیدگاه گروه سوم نیز اشکال وارد است؛ زیرا در صورتی که علم پزشکی قادر به تولید رحم مصنوعی شود، دیگر نقش صاحب رحم به عنوان مادر منتفی خواهد شد. از سوی دیگر، رحم، فقط نقش تغذیه و رشد جنین را به عهده دارد.

البته نمی‌توان نقش صاحب رحم را در حالات روحی و روانی جنین انکار کرد. هم‌چنین در پاسخ به این عده می‌توان گفت که رحم می‌تواند پیش از اختراع رحم مصنوعی، به عنوان جزء اخیر علت تامه ایجاد یک کودک باشد.

به دیدگاه قصدگرایان نیز اشکالاتی وارد است؛ زیرا این نظریه نیز به نقش روابط ژنتیک و نسب شرعی از دیدگاه ادیان بی‌توجه است و تمام توجهات خود را صرف انگیزه و قصد می‌کند و سایر شاخصه‌های ملحوظ در مسأله را نادیده می‌گیرد.

البته اشکال دیگری هم به نظریات مطرح در نظام حقوقی غرب وارد است و آن این‌که در بحث شبیه‌سازی و نسب طفل شبیه‌سازی شده، بیش از آن‌که حقوق‌دانان وارد مباحث شوند، فلاسفه به بحث در این موارد پرداخته‌اند. در حالی که به نظر می‌رسد حضور پررنگ‌تر حقوق‌دانان غربی در گسترش این مباحث بسیار اثرگذار خواهد بود.

۲-۲. حقوق طفل شبیه‌سازی شده

پیش از بررسی این حقوق باید به نکاتی مهم اشاره کرد: در بحث حقوق فرد شبیه‌سازی شده باید اذعان کرد که دو مبنای اساسی برای طرح این حقوق وجود دارد:

۱- مبنای دینی و الهی

در این بخش از مباحث، حقوق فرد شبیه‌سازی شده در چارچوب قوانین هر یک از ادیان ابراهیمی (اسلام، مسیحیت و یهودیت) بررسی می‌شود.

۲- مبنای غیر دینی

در مبنای غیر دینی که از آن با عنوان حقوق بشر مدرن یاد می شود، بحث حقوقی را آغاز می کنیم که مبنای غیر دینی و حقوق بشری را دارند و در عین حال برای فرد شبیه سازی شده در نظر گرفته نشده اند. پس از بررسی، این حقوق که بیشتر اخلاقی به شمار می روند، برای فرد شبیه سازی شده، مسلم دانسته می شوند و ادله ای برای این نظریه اقامه می شود.

۱-۲-۲. حقوق طفل شبیه سازی شده در ادیان ابراهیمی

این موضوع نیز همچون بخش های دیگر این کتاب، باید در سه حوزه دینی یهود، مسیحیت و اسلام مورد بررسی واقع شود.

۱-۱-۲-۲. حقوق طفل شبیه سازی شده در دین یهود

دین یهود تکلیف مدار است نه حقوق مدار.^۱ در نظام حقوقی مسیحیت انگلیکان، سؤال ها بر اساس حقوق مطرح می شوند. حقوق من چیست؟ حدود حقوق من تا کجاست؟ حقوق دیگران چیست؟ در هنگام تعارض حقوق افراد چه باید کرد؟ برای نمونه، در این نظام حقوقی، سقط جنین در ارتباط با حق زندگی و حق انتخاب مطرح می شود. در حالی که روش نظام حقوقی و اخلاقی یهود چنین نیست. در نظام حقوقی یهود، این سؤال ها با توجه به الزام ها و وظایف افراد و نه حقوق آنان مطرح می شود، من موظف به انجام چه وظایفی هستم؟ چه کارهایی ممنوع و چه کارهایی مجاز است؟ درباره موضوع های اخلاقی از طریق مشاوره با عالمان اخلاق، حقوق و الهیات، تصمیم گرفته می شود.^۲

۱-۱-۱-۲-۲. مفهوم حق در دین یهود

حق مقوله ای اجتماعی - قانونی است، چنان که حتی این اصل کلی، که انسان به صورت خدا خلق شده است، یک معیار کارآمد در درون نظامی خاص است؛ این نظام می تواند آن اصل را در موارد خاص تشدید کند، تعدیل کند یا عملاً بیوشاند.^۳

1. Campbell, Courtney S., "Religious perspectives on Human Cloning", p:29

2. Sherwin, Byron L., "Biomedical Issue: A Jewish Perspective", p:2

۳. سلیمانی، حسین، عدالت کیفری در آیین یهود (مجموعه مقالات)، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴، ص ۱۸۹

۲-۲-۱-۲. حقوق افراد در دین یهود

در تعالیم دین یهود، سخنی از انواع حقوق به میان نیامده، اما وظایف فراوانی برای پیروان آن در نظر گرفته شده است. بنابراین، برای سهولت در بحث، خود حقوق را به مواردی تقسیم نموده، بحث می‌کنیم.

۲-۲-۱-۱. حقوق فرد انسانی

مسلم است که فرد شبیه‌سازی شده از شأن و شؤون مساوی با دیگر انسان‌ها برخوردار است. همان‌طور که پیش از این گفته شد، انسان حاصل از این فرآیند در آیین یهود، دارای ملاک‌های انسانی است و انسان کاملی به شمار می‌رود؛ زیرا از مادرش زاییده شده است. از این جهت، دارای تمام حقوق فرد انسان و وظایف او می‌باشد.^۱ این حقوق را می‌توان شامل حق زندگی، کرامت انسانی و حق آزادی دانست.^۲ همچنین قاتل وی، بر اساس تعالیم این دین (سفر پیدایش: ۹)^۳ باید کشته شود.

۲-۲-۱-۲. حقوق خصوصی

حق خصوصی، اختیاری است که هر شخص در برابر دیگران دارد، مانند حق مالکیت، حق ابوت و بنوت. این حقوق به دو دسته مالی و غیر مالی تقسیم می‌شود. حقوق غیرمالی هم به دو دسته ناشی از نسب و غیر آن تقسیم می‌گردد. در بحث امور مالی، از آن‌جا که خاخام‌های یهود معتقدند که انسان حاصل از این فرآیند، دارای تمامی حقوق می‌باشد؛ بنابراین، به طور حتم، حق مالکیت بر اموالش،^۴ حق اداره آن‌ها و معاملات مربوط به آن‌ها را داراست. اما در دین یهود، در مورد حقوق غیرمالی که اغلب شامل حقوق ناشی از نسب است، به مواردی اشاره شده است که باید درباره آن‌ها توضیح دهیم:

1. Block, Barry H., "Stem cells, cloning, and Judaism", p:1 and Broyde, Michael J., "In Judaism, Playing god is Good", pp.:32-33

2. Rosen, David, 2004, "How children are valued in the Jewish Tradition", available at: <http://rabbidavidrosen.net/Articles/Judaism/How%20Children%20are%20Valued%20in%20the%20Jewish%20Tradition%20Oct%202004.doc> (23 Agu 2010)

۳. سلیمانی، حسین، عدالت کیفری در آیین یهود (مجموعه مقالات)، ص ۴۱۰

4. Rosen, David, "How children are valued in the Jewish Tradition", p:5

– حق حضانت

در حقوق مذهبی این دین، درباره حضانت طفل دو نظریه مهم مطرح است:

نظریه اول: حضانت طفل، حق والدین است.^۱

نظریه دوم: حضانت طفل با توجه به منافع کودک باید تعیین شود.^۲

بر اساس نظریه اول، انسان باید از کودکان خود محافظت نماید. این التزام و وظیفه ریشه در تعالیم تورات دارد؛ اما در نظریه دوم، اگر پدر یا مادر فاقد توانایی یا صلاحیت باشند، حضانت کودک به دیگران واگذار می شود.

قانون تلمود در تعیین حضانت کودکان

متون تلمودی، سه اصل اساسی را در این باره پذیرفته اند:

الف- حضانت تمامی کودکان زیر سن ۶ سال با مادر است.

ب- حضانت کودکان دختر بالای سن ۶ سال با مادر است.

ج- حضانت کودکان پسر بالای سن ۶ سال با پدر است.

بنابراین، بر اساس قوانین تلمود، در زمان زندگی زناشویی، پدر و مادر هر دو وظیفه حضانت از فرزندان را به عهده دارند. اما پس از طلاق، حضانت دختر تا ازدواج با مادرست؛ مگر این که توافقی دیگر صورت گیرد یا این که وی توان به عهده گرفتن این مسئولیت را نداشته باشد.^۳

بنابر آنچه که پیش از این گفته شد، در شبیه سازی می توان حالاتی را برای این فرآیند در نظر گرفت:

- صاحب سلول، زوج و صاحب تخمک و رحم، زوجه است: در این صورت طفل پسر خواهد بود و حضانت وی تا شش سال با مادر و پس از آن با پدر خواهد بود.
- صاحب سلول، بیگانه و صاحب تخمک و رحم، زوجه شخص دیگری است: در این صورت نیز طفل پسر خواهد بود. پس حضانت وی تا شش سال با مادر و پس از آن، با پدر طبیعی اش است.

1. Parental rights

2. The best interest of the child

3. Broyde, Michael J., 2010, "Child custody in Jewish law: A pure law analysis", available at: <http://www.jlaw.com/articles/childcusl.html>(23 Agu 2010)

• صاحب سلول، تخمک و رحم یک زن است: در این صورت، طفل دختر خواهد بود و حضانت وی با مادرش می‌باشد.

• صاحب سلول، زن دیگری است و صاحب تخمک و رحم، زنی دیگر است: در این صورت نیز، طفل دختر خواهد بود، ولی در مورد تحقق عناوین مادری دو دیدگاه مطرح می‌شود: ۱- صاحب رحم مادر است: پس وی حضانت این دختر را به عهده دارد. ۲- صاحب رحم و صاحب سلول، هر دو مادر هستند: پس هر دو حضانت این دختر را به عهده دارند.

- حق نفقه

بر اساس قوانین دین یهود، پدر موظف به پرداخت نفقه (غذا، لباس و مسکن)^۱ زوجه و کودکانش می‌باشد. بر اساس قوانین هلاخایی، مادران هیچ‌گونه وظیفه‌ای در این زمینه ندارند.^۲ اما باید دانست که پرداخت نفقه کودکان، تا سن شش سال بر پدر واجب است.^۳

بر همین اساس، پس از طلاق، پدر موظف به پرداخت نفقه کودکان دختر و پسری است که تا شش سال با مادر زندگی می‌کنند و پس از آن، اگر پسر پیش وی زندگی نکند، او می‌تواند پرداخت نفقه را متوقف نماید.^۴

بنابر آنچه گفته شد، چهار نظریه در باب عنوان ابوت در فرآیند شبیه‌سازی وجود دارد که بر اساس آن‌ها می‌توان در این باره اظهار نظر کرد:

• صاحب سلول (چه زوج صاحب تخمک و رحم باشد و چه نباشد)، پدر طفل است: در این صورت طفل پسر است و نفقه او تا شش سال بر پدر واجب است و پس از آن، در صورتی که با مادر زندگی کند، پدر می‌تواند از پرداخت نفقه خودداری نماید.^۵

1. Rosen, David, "How children are valued in the Jewish Tradition", p:1

2. Broyde, Michael J., "Child custody in Jewish law: A pure law analysis", p:2

3. Szajnbrum, Tzvi, 2010, "Alimony, DNA and Jewish law", available at:
<http://www.lawadv.com/alimony-dna.asp> (23 Agu 2010)

4. "Divorce in Judaism", 2010, available at:
http://religion.wikia.com/wiki/Divorce_in_Judaism (24 Agu 2010)

5. Eisenberg, Daniel, "The Ethics of cloning", p:1

- در شبیه سازی عنوان ابوت تحقق نمی یابد: بنابراین بر دوش افراد مشارکت کننده در این فرآیند، هیچ وظیفه ای در برابر طفل وجود ندارد.
- پدر صاحب سلول (جد)، پدر طفل شبیه سازی شده است: در این صورت، طفل هم می تواند دختر باشد و هم پسر که نفقه وی بر دوش پدر صاحب سلول می باشد.
- صاحب سلول چه مرد باشد و چه زن، عنوان ابوت، فارغ از جنسیت، برای وی محقق است و وظیفه نفقه این کودک بر عهده وی خواهد بود. البته ضعف این نظر پیش از این، بیان شد.

- حق ارث

- در سفر اعداد ۲۷:۸، درباره قوانین ارث در دین یهود، سخنانی به میان آمده است:
- «بنی اسرائیل را خطاب کرده، بگو: اگر کسی بمیرد و پسری نداشته باشد، ملک او را به دخترش انتقال نمایند.
- اگر او را دختری نباشد، ملک او را به برادرش بدهید.
- اگر او را برادری نباشد، ملک او را به برادران پدرش بدهید.
- اگر پدر او را برادری نباشد، ملک او را به هرکس از قبیله اش که خویش نزدیک تر او باشد، بدهید تا مالک آن شود.»^۱

تفسیر این متن در میشنا باوآترا ۸: ۱ و ۲ بدین گونه آمده است:

«پسر، در ارث بردن از پدر خود بر دختر حق تقدم دارد، و همه فرزندان پسر نیز بر دختر (یعنی بر عمه خود) مقدم هستند. دختر (اگر برادری نداشته باشد)، در ارث بردن از پدر متوفای خود بر عموهایش تقدم دارد و فرزندان دختر متوفی (اگر پسری نداشته باشد) نیز بر برادران متوفی تقدم دارند. برادران متوفی بر عموهای وی مقدم هستند. قانون کلی چنین است: هر آن کس که در ارث بردن از یک خویشاوند بر شخص دیگر تقدم داشته باشد، فرزندان او نیز پس از وی دارای حق تقدم هستند. پدر همواره در ارث بردن از فرزند متوفای خویش بر همه اخلاف خود حق تقدم دارد.»^۲

۱. سلیمانی، حسین، عدالت کیفری در آیین یهود (مجموعه مقالات)، ص ۴۳۰؛

Radford, Mary F., 2010, "The inheritance rights of women under Jewish and Islamic law", available at:

http://www.bc.edu/bc_org/avp/law/lwsch/journals/beiclr/23_2/01_TXT.htm (23 Agu 2010)

۲. کهن، ابراهام، گنجینه ای از تلمود، ترجمه امیر فریدون گرگانی، تهران، اساطیر، ۱۳۸۲، ص ۳۴۸

Radford, Mary F., "The inheritance rights of women under Jewish and Islamic law", p:7

بنابر چهار دیدگاه مطرح شده در باره عنوان ابوت، می‌توان چنین نتیجه گرفت:

- نظر اول: طفل حاصل از این فرآیند، از پدرش ارث می‌برد.

- نظر دوم: طفل حاصل از این فرآیند، از پدرش ارث نمی‌برد.

- نظر سوم: طفل حاصل از این فرآیند، از پدرش ارث می‌برد.

- نظر چهارم: طفل حاصل از این فرآیند، از پدرش ارث می‌برد.

البته از نظر بسیاری از عالمان یهود، شناسایی این حق برای طفل حاصل از این فرآیند مسلم است.^۱

- حق تابعیت دینی

همان‌طور که پیش از این گفته شد، در دین یهود، انسان از نظر دین، تابع مادر است. در این صورت، دین فرزند، بدون توجه به هویت دینی پدر، تابع دین مادر خواهد بود. پس فرزند یک مادر یهودی، یهودی و فرزند یک مادر غیریهودی، غیریهودی است. در موضوع شبیه‌سازی، مسأله بسیار متفاوت است. در این شرایط، اگر اهداکننده ماده ژنتیک (صاحب سلول)، یک زن یهودی باشد و صاحب رحم، غیر یهودی باشد یا بالعکس، هویت دینی طفل، منوط به اطلاق عنوان مادری به هریک از آنها یا به هردوی آنها می‌باشد. دیوید بلیچ از دست‌نوشته‌های منتشر نشده استاد شلمو زلمان نقل می‌کند که هویت دینی این طفل مشکوک است و باید بار دیگر به دین یهود درآید. پس در مسأله شبیه‌سازی، هویت دینی صاحبان سلول، تخمک و رحم، در تعیین هویت دینی طفل شبیه‌سازی شده بسیار مؤثر است، به ویژه هنگامی که نظریه چندمادری پذیرفته شده باشد.^۲

1. Eisenberg, Daniel, "The Ethics of cloning", p:1

2. Broyde, Michael J., "Cloning people and Jewish law: preliminary Analysis", p: 9 and Nikiforova, Basia, "Theological discourse in bioethics: general and confessional differencies", p:72

- حق تعلیم و تربیت

الف - آموزش تورات^۱

وظیفه و مسئولیت اصلی که بر عهده والدین گذاشته شده است این است که فرزندان خود را برای سراسر عمر به عنوان اعضای جامعه یهود تربیت کنند. هدف این تربیت آن است که ایشان را به صورت حلقه‌های محکم و مطمئن در زنجیر پیوستگی ملت اسرائیل درآورند، تا میراث مذهبی که به وسیله نسل‌های پیشین به پدران رسیده است، بدون آن‌که خللی در آن راه یابد، به فرزندان و نسل‌های بعدی منتقل شود.^۲ شرط لازم و ضروری این مقصود آن است که دانش تورات در قلب و روح فرزندان عمیقاً ریشه‌دار شود.^۳ پس بنا بر تعالیم این دین، بر هرکس واجب است که به فرزند پسرش تورات را بیاموزد و اگر پدر چنین نکند، بر خود پسر واجب است که خود آن را بیاموزد. هم‌چنین بر اشخاص واجب است که معلمی را برای آموختن تورات به کار بگیرند.^۴

ب - آموزش خواندن و نوشتن^۵

تعلیم نوشتن و خواندن به کودکان نیز از فرایض است، هرچند که کافی نیست و باید به کودکان، فقه و فلسفه یهود آموزش داده شود. هم‌چنین طبق قوانین دین یهود باید در هر منطقه، مدارس برای تعلیم و تربیت ایجاد شوند.^۶

1. Rosen, David, "How children are valued in the Jewish Tradition, p:1 and Does Judaism allow human cloning?", pp.:2-3

۲. کهن، ابراهام، گنجینه‌ای از تلمود، ص ۱۹۱

۳. همان، ص ۱۹۱

4. Broyde, Michael J., 2005, "Why educate?: A Jewish law perspective", available at: <http://www.stjohns.edu/media/3/569489acfce44351bda4b69f4184bf5.pdf> (23 Agu 2010)

5. "Does Judaism allow human cloning?", pp.: 2-3 and Broyde, Michael J., "Why educate?: A Jewish law perspective", p: 182

6. Broyde, Michael J., "Why educate?: A Jewish law perspective", p:183

ج - آموزش روش زندگی و معاش (آموزش حرفه‌های مناسب)^۱

آموزش کودکان فقط به موارد یاد شده محدود نیست؛ بلکه طبق قوانین تلمود بر والدین واجب است که به فرزندان خود، روش کسب درآمد یا حرفه مناسب را بیاموزند. در تعالیم تلمود آمده است: «اگر کسی به فرزندان خود حرفه‌ای را نیاموزد، به آنان دزدی کردن را آموخته است».^۲

بنابراین، اگر طفل شبیه‌سازی شده، پسر باشد، تعلیم تورات به وی واجب است، اما اگر دختر باشد، آموزش تورات به وی واجب نیست. هر چند درباره تعلیم تورات به دختران دو دیدگاه وجود دارد: ۱- از نظر عده‌ای: «انسان موظف است که تورات را به دختر خود بیاموزد». ۲- اما در پی این نظر، بلافاصله عقیده‌ای مخالف ابراز شده است: «هرکس که تورات را به دختر خود بیاموزد، چنان است که گویی، مطالب بیهوده و زشت را به او آموخته است». باید دانست که نظر اخیر بیشتر از نظر قبلی مورد قبول عامه واقع گشته و بدان عمل شده است. از کلمات این آیه: «تو آن‌ها را به فرزندان بیاموز» (سفر تثئیه ۱۱: ۱۹)، چنین استنباط می‌کردند که تورات را باید فقط به پسران آموخت و نه به دختران؛ زیرا کلمه عبری «فرزندان» به طور تحت اللفظی «پسران» معنی می‌دهد و از این رو است که دختران از این امر مستثنی می‌شوند. البته علل مختلفی برای بی‌میلی رهبران مذهبی یهود به تعلیم زنان وجود دارد، مثل اشاعه فحشا در اثر تعلیم زنان و حضور آنان در جامعه و هم‌چنین عدم انجام مناسب امور مربوط به منزل از سوی زنان مشغول به تحصیل تورات.^۳

- حق آموزش شنا^۴

طبق توصیه‌ای از تورات، انسان باید شنا کردن را به فرزند خود بیاموزد.^۵

1. Does Judaism allow human cloning?, pp.: 2-3 and Isaacs, Ron, 2010, "What parents owe their children", available at: http://www.uscj.org/What_Parents_Owe_The5462.html (23 Agu 2010)

2. Broyde, Michael J., "Why educate?: A Jewish law perspective", p: 186

۳. کهن، ابراهام، گنجینه‌ای از تلمود، ص ۱۹۸

4. "Does Judaism allow human cloning?", pp.:2-3 and Isaacs, Ron, "What parents owe their children", p:1

۵. کهن، ابراهام، گنجینه‌ای از تلمود، ص ۲۶۴

۱- حق ازدواج^۱

تلمود درباره ازدواج گفته است: «هنگامی که هنوز دستت روی گردن پسرت است، یعنی از شانزده سالگی تا بیست و دو سالگی و یا بنا به عقیده‌ای دیگر از هیجده سالگی تا بیست و چهار سالگی، برای او زن بگیر». هم‌چنین تأکید شده است که پدر موظف است دختر خود را هرچه زودتر شوهر دهد. این آیه: «دختر خود را بی‌عصمت مساز و او را به فاحشگی وامدار» (سفر لاویان ۱۹: ۲۹). درباره شخصی است که در شوهر دادن دختر خود اهمال می‌ورزد و می‌گذارد که او بزرگسال شود و در حال مجرد باقی بماند.^۲ پدر باید در مسیر ازدواج، پسر و دختر خویش را (از طریق اهدای جهیزیه و لباس) کمک نماید.

نکته قابل ذکر در این‌جا این است که در صورتی که طفل ممزر باشد، با آن‌که از بعضی از جهات (نظیر پیوندهای خونی یا از نظر مالی، که از پدر طبیعی‌اش ارث می‌برد)، فرزند پدر طبیعی خود به حساب می‌آید، اما نمی‌تواند از میان جامعه یهودی، به معنای خاص کلمه، زنی را به همسری برگزیند، مگر با فردی مثل خودش.^۳

۲-۱-۱-۳. وظایف فرد شبیه‌سازی شده در دین یهود

همان‌طور که پیش از این گفته شد، دین یهود بیش از آن‌که به حقوق افراد توجه کند، وظایف آنان را تعیین کرده است. این وظایف بر فرد شبیه‌سازی شده اگر یهودی باشد، واجب است. البته طفل حاصل از این فرآیند، تنها در صورتی که مادرش یهودی باشد، یهودی خواهد بود. از جمله این وظایف می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

▪ پیروی از خدا

در تلمود آمده است: «در تمامی طریق‌های او رفتار نمایید» (سفر تثنیه ۱۱: ۲۲)؛ یعنی آن‌که از صفات ذات قدوس متبارک تقلید کنید. چنان‌که گفته شده است: «خداوند، خدایی رحیم و با شفقت، دیر خشم و کثیر احسان و حقیقت است» (سفر خروج ۶: ۳۴).

1. "Does Judaism allow human cloning?", pp.:2-3

۲. کهن، ابراهام، گنجینه‌ای از تلمود، ص ۱۹۸

۳. اشتاین سالتز، آدین، سیری در تلمود، ص ۱۹۵

بنابراین، خداوند نه تنها به وسیله فرمان‌های خود بشر را به راه حقیقی زندگی راهنمایی کرده، بلکه خود را نمونه‌ای ساخته است تا همه از او پیروی کنند. در ادبیات دانشمندان یهود، پیروی از خداوند به صورت هدف و آرمانی نشان داده شده است که انسان باید برای نیل به آن بکوشد. اراده خداوند الگویی است که زندگی بشر باید طبق آن شکل پذیرد. او دارای صفاتی بی‌نهایت عالی است که در رفتار و کردار بشر نیز همان صفات باید نمودار و برجسته باشد.^۱

■ وظیفه تولید مثل و پرکردن زمین از یهودیان

این امر برای مردان به عنوان وظیفه و فرمان دینی تعیین شده است؛ ولی زنان در مورد آن مجاز بوده، دارای حق انتخاب هستند. به طوری که در شریعت یهود، با وجود نقش برابری که زن و مرد در تولید مثل دارند، صریحاً سعی شده است که زنان را قانوناً از موظف بودن به انجام این وظیفه مستثنی بدارند.

در تورات (سفر آفرینش ۱: ۲۸) اولین جمله‌ای که خطاب به آدم و حوا صادر شده است، فرمان تولید مثل است که به طور مساوی به زن و مرد محول گردیده است. بنابراین، شریعت یهود بر خلاف این جمله صریح کتاب آفرینش و قوانین طبیعت، امر ازیاد نسل را تنها وظیفه دینی مردان به‌شمار می‌آورد. رهبران مذهبی تولید مثل را وظیفه قانونی مرد، ولی حق انسانی زن می‌شمارند.^۲

بنابراین، اگر طفل شبیه‌سازی شده، پسر باشد، باید پس از رسیدن به سن بلوغ، تشکیل زندگی دهد و وظیفه تولید مثل را به انجام برساند؛ اما اگر دختر باشد، این وظیفه از عهده او برداشته می‌شود.

■ تحصیل تورات

در این زمینه دستورات بسیاری وارد شده است که مردان باید تورات را بیاموزند. پس، این وظیفه هم بر دوش طفل پسر حاصل از این فرآیند خواهد بود.

۱. کهن، ابراهام، گنجینه‌ای از تلمود، ص ۲۳۱
 ۲. رفیع، رحمت الله، ۱۳۸۸، «نکاتی در خصوص تولیدمثل و پیش‌گیری از بارداری از دیدگاه یهود»، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

■ احترام به والدین

احترام به والدین خود فریضه‌ای دینی است که تلمود برای آن مقامی بس رفیع قائل شده است. این وظیفه یکی از جمله فرایضی است که انسان از ثمراتش در این دنیا بهره‌ور می‌شود و اصل سرمایه آن در جهان آینده برای وی باقی می‌ماند.^۱ بنابراین، بر طفل حاصل از این فرآیند، این احترام به والدین واجب می‌باشد.

■ تبعیت از دولت متبوع

اصل اساسی رفتار یهودیان در قبال دولت متبوع خود در این جمله خلاصه می‌شود: «قانون کشور، قانون است». مقصود آن است که برای یهودیانی که در کشورهای غیر از کشور خود زندگی می‌کنند و تحت حکومت قانونی که با قانون ملت خودشان تفاوت دارد به سر می‌برند، این جمله یک اصل راهنماست. حتی قانون دینی یهود نیز باید با قانون دولت متبوع یهودیان هر کشور مطابقت کند، البته به شرط آن‌که از یکی از اصول اساسی تورات تخلف نشود. توضیح بیشتر درباره این مطلب را می‌توان در این گفتار یافت: «من به تو می‌گویم که حکم پادشاه را نگاه دار (و از آن اطاعت کن) و این کار را به سبب سوگند خداوند (که به تو داده است) انجام ده». ^۲ فرد شبیه‌سازی شده هم، چون سایر یهودیان باید از این دستور تبعیت کند.

■ داشتن کسب و پیشه

انسان یهودی موظف است زحمت بکشد و کار کند، نه تنها برای کسب معیشت، بلکه برای آن‌که سهم خود را در حفظ نظام جامعه و بهبود وضع آن ادا کند.^۳ علاوه بر موارد فوق، تکالیف و وظایف دیگری (در مجموع ۶۱۳ فرمان شامل ۲۴۸ فریضه و ۳۶۵ نواهی از جمله کمک به هم‌نوع، رعایت حقوق حیوانات، پرداخت صدقه و ...) نیز بر دوش یهودیان گذارده شده است که فرد شبیه‌سازی شده نیز در صورتی که مادرش یهودی باشد، باید این تکالیف دینی را به انجام رساند.

۱. کهن، ابراهام، گنجینه‌ای از تلمود، ص ۱۹۸

۲. همان، ص ۲۰۹

۳. همان، ص ۲۱۰

۲-۱-۲-۲. حقوق طفل شبیه‌سازی شده در دین مسیحیت

بر اساس آنچه که در بحث نسب طفل شبیه‌سازی شده گفته شد، در این‌جا نیز نظرات مختلف است:

۱- عده‌ای از مسیحیان بر این اعتقادند که فرد شبیه‌سازی شده از تمام حقوق فرد انسان برخوردار است. مثلاً دورف معتقد است: «هیچ کلونی از لحاظ شرعی، هیچ یک از حقوق و حمایت‌هایی را که به هر کودک دیگری تعلق دارد، زیرپا نمی‌گذارد... شبیه‌سازی به تولید انسان‌های مستقلی می‌انجامد... شخص جدیدی که آمیزه‌ای از جسم و ذهن با تجربیاتی خاص و بی‌مانند است».^۱ این افراد معتقدند که در صورتی که شبیه‌سازی با موفقیت صورت گیرد، شخص شبیه‌سازی شده، بدون توجه به ریشه بیولوژیک یا تکنولوژیک، دارای شخصیت و کرامت انسانی و تمام حقوقی است که اعضای بشر دارند.^۲

۲- اما عده‌ای دیگر از مسیحیان معتقدند که طفل شبیه‌سازی شده از بعضی از حقوق که در ذیل می‌آید، محروم است:

- حق سلامت

جامعه ما مسیر طولانی را برای اصلاح نژاد انسان طی کرده تا نژاد مطلوب را به وجود آورد. مردم به حق سلامت کودک توجه دارند. منظور از این حق، آن است که نواقص جسمی و ژنتیک کودک حذف شود. بسیاری از زوجین نابارور هستند که ادعا می‌کنند، فرزندان‌شان سالم به دنیا می‌آیند. در حال حاضر، تشخیص‌هایی پیش از باروری برای این موضوع وجود دارد. ما چندین مورد از زندگی ناشی از خطا را می‌بینیم که کودک در پرونده‌های مربوط به آن، خواهان است.

۱. سالاری، حسن، شبیه‌سازی انسان، صص ۹۴-۹۵

2. Knoblach, Tom, 2007, "A brief Ethical primer on cloning", available at: <http://www.stcdio.org/offices/omf/respect-life/respect-life-articles/328-a-brief-ethical-primer-on-cloning.html> (25 Agu 2010) and Peters, Ted, 1999, "Human cloning: Is Cloniness next to Godliness?", available at: http://www2.luthersem.edu/Word&World/Archives/19-1_Preaching/19-1_Face_to_Face.pdf (1 Jan 2011)

از بانک‌های اسپرم، بروشورهایی می‌رسد که نژاد، تحصیلات، سرگرمی‌ها، قد، وزن و رنگ چشم اهداکننده را بیان می‌کند. ما هم سریع از روی آن، فرزند دلخواه خود را انتخاب می‌کنیم.

این اصلاح نژادی، مشکلاتی را ایجاد می‌کند. چه مواردی باید پررنگ‌تر در نظر گرفته شود؟ کدام نواقص، غیرقابل تحمل است؟ چه کسی تصمیم‌گیرنده است؟ اما بحث اصلی ما درباره نژاد مطلوب است: ما به دنبال ارزش‌گذاری شخص بر اساس برنامه‌ای که برای وی طراحی کرده‌اند، هستیم. به طور خلاصه، ما کلیت را به جزء تنزل داده‌ایم. مردمی که چنین می‌کنند، بی‌اخلاق هستند.^۱ بنابراین، شبیه‌سازی که در پی این تکنولوژی‌ها به عرصه آمده است، نیز این حق را به گونه‌ای دیگر مورد تجاوز خود قرار داده است.

- حق فردیت و منحصر به فرد بودن

فردیت و منحصر به فرد بودن و تنوع (جنسی، طبقاتی، قومی و فرهنگی) زوایای ارزشمند زندگی انسان هستند. از نظر دین مسیحیت، انسان با تمام تفاوت‌ها و منحصر به فرد بودنش، با تصور خداگونه آفریده شده است. برنامه‌های اصلاح‌نژادی که تنوع و منحصر به فرد بودن انسان را مورد تجاوز خود قرار می‌دهد، نامطلوب شمرده می‌شوند. در عصر پروژه ژنوم انسان، ممکن است شخصیت انسان به یک مجموعه اطلاعات ژنتیک تنزل یابد. این تنزل می‌تواند منحصر به فرد بودن و تنوع انسان‌ها را از بین ببرد.^۲ بنابراین، شبیه‌سازی انسان نیز در پی سایر تکنولوژی‌های کمک باروری، این حق فرد شبیه‌سازی شده را از بین می‌برد.

- حق جهل به آینده

یکی از علل رشد و شکوفایی انسان این است که از آینده بی‌خبر است. این بی‌خبری به او کمک می‌کند تا فرض را بر آن بگذارد که هر کاری از او ساخته است و هیچ مانعی او را از رسیدن به مقصود باز نمی‌دارد. هر چند، گاه به نظر می‌رسد که

1. McCormick, Richard A., "Should we clone humans?", Ethical issue in human cloning, New York, Seven bridges press, 2000, p:74

2. Ibid, pp.:74-75

باخبر بودن از آینده می‌تواند به تصمیم‌گیری درستی بینجامد، لیکن در مجموع آنچه محرک ما در عرصه‌های گوناگون بوده و هست، بی‌خبری از واقع امر است. شبیه‌سازی انسان، این حق را در مورد شخص شبیه‌سازی شده نقض می‌کند و او می‌تواند با احتمال قریب به یقین حدس بزند که چه آینده‌ای در انتظار اوست. کافی است تا زندگی و عملکرد شخص دهنده هسته سلول جسمی را مطالعه کند، تا آینده خود را چون فیلمی مستند ببیند.^۱

– حق داشتن دو والد

از جمله حقوق مسلم هر کودکی، آن است که در کانون خانواده زاده شود و دارای پدر و مادر باشد. هر کاری که این حق را نقض کند، غیر اخلاقی است. شبیه‌سازی مولد انسان نیز به دلیل آن‌که موجب می‌شود تا فرزندی خارج از چارچوب خانواده و بدون نیاز به زناشویی و گامت یا سلول جنسی مردانه زاده شود و در نهایت، فاقد والدین یا یکی از آن‌ها شود، محکوم و ناپذیرفتنی است. با همین مبنا است که لقاح برون رحمی نیز محکوم و غیر اخلاقی شمرده می‌شود؛ زیرا به ابهام روابط خویشاوندی انجامیده، مفهوم پدری و مادری را سست می‌کند.^۲

لازم به ذکر است که هر چند نظام دینی مسیحیت از نظر اخلاقی، حقوق‌مدار است، اما در رابطه با حقوق کودک بحث چندانی را مطرح نمی‌کند. این به آن معناست که برخلاف دین یهود، در مسیحیت ما حداقل لیستی از این حقوق هم نداریم. علاوه بر این، این دین طفل شبیه‌سازی شده را فاقد حقوق فوق‌الذکر معرفی می‌کند که در فصل آینده در ذیل بحث حقوق وی در نظام حقوقی غرب، پاسخ مناسبی را به این نظریه می‌دهیم و اثبات می‌کنیم که طفل شبیه‌سازی شده دارای این حقوق می‌باشد.

البته درباره حق داشتن دو والد باید اذعان کرد که این موضوع به حق نسب طفل برمی‌گردد که پیش از این به نظرات آنان در این باره اشاره شد. علاوه بر این، باید گفت

۱. اسلامی، سید حسن، «شبیه‌سازی در آئین کاتولیک»، صص ۸۷-۸۹.

Campbell, Courtney S., "Religious perspectives on Human Cloning", p: 39 and Hollinger, Dennis P., "Sexual ethics and reproductive technologies", p: 90

۲. اسلامی، سید حسن، شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه آئین کاتولیک و اسلام، ص ۱۷۵.

Eijk, W.J., "The ethical limits of research –embryo research and cloning- geriatric care", Seminar organized by the Group of the European People's Party, European Parliament, Strasbourg, 3 September 2003, p:2

که در مورد سایر کودکانی هم که به دنیا می‌آیند یا به فرزندپذیری می‌شوند، هیچ تضمینی وجود ندارد که از زندگی مناسب و خوبی برخوردار باشند و در سایه پدر و مادر رشد یابند یا در نهایت از این حق برخوردار شوند.^۱

۲-۱-۲. حقوق طفل شبیه‌سازی شده در دین اسلام

قبل از پرداختن به اصل مباحث، لازم است اندکی درباره حق توضیحی داده شود.

۲-۱-۳. ۱-۲-۲. معنای حق

در این بخش، معنای لغوی و اصطلاحی حق را بررسی می‌کنیم:

معنای لغوی: واژه «حق» که به صورت مصدر، اسم مصدر و صفت به کار می‌رود، در معانی راست، درست، ضد باطل، یقین، عدل، نصیب و بهره از چیزی، ملک و مال و نیز یکی از نام‌های باری تعالی به کار برده شده است.^۲

معنای اصطلاحی: حق، امری است اعتباری که بر حسب آن، شخص یا گروه خاصی، قدرت قانونی پیدا می‌کند تا نوعی تصرف خارجی یا اعتباری در شیء یا شخص دیگر انجام دهد و لازمه آن، امتیازی برای ذی‌حق بر دیگران و اختصاص متعلق حق به وی می‌باشد که نوعی اضافه است؛ چنان‌که لازمه دیگر آن، تحقق اضافه دیگری میان «من له الحق» و «من علیه الحق» خواهد بود که بر اساس آن «من علیه الحق» موظف است جانب «من له الحق» را در مورد حق وی رعایت کرده، از تجاوز به آن، خودداری کند.

البته آنچه به عنوان حق تعریف شد، حق به معنی اخص است؛ اما حق به معنی اعم عبارت است از آنچه که شارع، وضع و جعل کرده است. حق به این معنا تمام احکام شرعی از تکلیفی و وضعی را نیز شامل می‌شود.^۳

فقها در یک تقسیم کلی، حق را به دو قسم تقسیم می‌کنند: حق الله و حق الناس (حق خدا و حق آدمیان).

حقوق‌دانان نیز اقسامی را برای حق بیان می‌کنند که بیشتر در مباحث ما کاربرد دارد:

1. Rollin, Bernard E., "Keeping up with the clones: Issue in human cloning", The journals of ethics, Vol.3, No.1, 1999, p:65

۲. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، سرایش، ۱۳۸۱، ص ۳۹۹؛ دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، ج ۶، صص ۹۱۴۲-۹۱۴۳

۳. وزیر، مجید، حقوق متقابل کودک و ولی در اسلام و موارد تطبیقی آن، صص ۱۱-۱۲

۱. **حقوق سیاسی:** حق سیاسی اختیاری است که شخص برای شرکت در قوای عمومی و سازمان‌های دولت دارد، مانند حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در مجالس قانون‌گذاری و پذیرفتن تابعیت.

۲. **حقوق عمومی:** حق عمومی مربوط به شخصیت انسان ناظر به روابط دولت و مردم است، مانند حق حیات، آزادی وجدان و بیان. عنوان فصل سوم قانون اساسی درباره «حقوق ملت» ناظر به همین گروه است. هر چند که حقوق عمومی بیشتر در برابر قدرت دولت‌ها مورد استناد قرار می‌گیرد، در روابط خصوصی نیز قابل اجراست. هر کس باید به حیات و آزادی و شرافت و شخصیت دیگران احترام گذارد.

۳. **حقوق خصوصی:** حق خصوصی اختیاری است که هر شخص در برابر دیگران دارد، مانند حق مالکیت، حق ابوت و بنوت، حق شفعه و حق انتفاع. حقوق خصوصی نیز بر دو دسته تقسیم می‌شود: ۱- حق مالی ۲- حق غیرمالی. حق غیرمالی اختیاری است که هدف آن رفع نیازمندی‌های عاطفی و اخلاقی انسان است. موضوع این حق روابط غیرمالی اشخاص است، ارزش داد و ستد را ندارد و به طور مستقیم قابل ارزیابی به پول و مبادله نیست، مانند حق زوجیت، ولایت و حضانت. بر بیشتر این حقوق آثار مالی بار است؛ چنان‌که حق وراثت سبب می‌شود شخص دارایی مورث خود را تملک کند و حق زوجیت امکان مطالبه نفقه و میراث را به دنبال دارد. حق مالی امتیازی است که حقوق هر کشور، به منظور تأمین نیازهای مادی اشخاص به آن‌ها می‌دهد. هدف از ایجاد حق مالی تنظیم روابطی است که به لحاظ استفاده از اشیا بین اشخاص وجود دارد. این دسته از حقوق، برخلاف گروه نخست، قابل مبادله و تقویم به پول است، مانند حق مالکیت، حق انتفاع و حق مطالبه مبلغی پول یا انجام دادن کار معین.^۱

۲-۲-۱-۲-۳. حقوق طفل شبیه‌سازی شده در دین اسلام

در این بخش، بر مبنای مطالب گذشته راجع به انواع حقوق به بررسی حقوق فرد شبیه‌سازی شده می‌پردازیم:

۲-۲-۱-۳-۲-۱. حقوق سیاسی و حقوق فردی

طفل شبیه سازی شده در فرض تولد دارای حقوق، آزادی ها و حمایت های قانونی همانند سایر افراد جامعه می باشد. این که او از نظر ژنتیک دارای یک ریشه است، تأثیری در ماهیت انسانی او ندارد و مانعی در برخورداری او از هیچ حقی ایجاد نمی کند. حق حریم، آزادی و کلیه حقوق فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، بهداشتی و به طور کلی حقوق قانونی وی محفوظ است و تعرض یا انکار آن ها موجب مسئولیت می شود.^۱ بدین ترتیب، طفل شبیه سازی شده از حقوقی هم چون حق حیات و حق بر جان و تن، حق آزادی، حق آزادی بیان، حق رأی دادن و حق تابعیت برخوردار خواهد بود. البته حق بر جان و تن، حقوق دیگری مانند منع تجارت طفل شبیه سازی شده، منع تجارت طفل شبیه سازی شده به عنوان برده و منع تجارت و معامله اعضای بدن طفل شبیه سازی شده را به دنبال دارد. تفسیر حقوق طفل شبیه سازی شده بیش از این نیاز نیست؛ زیرا به طور کلی او دارای تمام حقوقی انسانی می باشد. عدم تردید در این زمینه و تلاش در جهت حمایت همه جانبه از او مانع از ایجاد مشکلات بعدی خواهد شد. برای تأیید نظر فوق به نظرات و دیدگاه های بعضی فقها در این زمینه اشاره می شود. آیات عظام در پاسخ به این سؤال که «آیا فرد شبیه سازی شده در فرض تولد، از حقوق مادی و معنوی یکسانی با افراد دیگر برخوردار خواهد بود؟» هر یک چنین پاسخ داده اند:

آیت الله صافی گلپایگانی: «بعید نیست که اگر از هر جهت انسان بر او اطلاق شود، همان حقوقی را که دیگران دارند، داشته باشد».^۲

آیت الله بهجت نیز به این سؤال پاسخ مثبت داده است، در حالی که در پاسخ به سؤالی دیگر، فرد شبیه سازی شده را مستقل و بدون نسب فرض نموده است. به نظر می رسد منظور ایشان از حقوق، همان حقوق عمومی، سیاسی و مالی است، نه حقوق ناشی از نسب.

آیت الله موسوی اردبیلی در پاسخ به این سؤال گفته است: «تمام حقوق انسانی را دارد، ولی رابطه نسبی با کسی ندارد، مگر آن که در رحم زنی پرورش یافته باشد که

۱. السان، مصطفی و زینب کنعانی، «تلاقی اخلاق، حقوق و واقعیت در شبیه سازی انسان، ضرورت تحلیل منطقی و ایجاد تعادل»، ص ۱۴

۲. پاسخ به استفتای مؤلف، رجوع شود به پیوست.

نسبت مادر و فرزندی بین آن‌ها تحقق می‌یابد.^۱ می‌توان نظری وی را به نظر آیت الله بهجت ملحق دانست و چنین تعبیر کرد که منظور از حقوق از دیدگاه مراجع، در واقع حقوق عمومی، سیاسی و در یک کلمه حقوق انسانی می‌باشد.

۲-۲-۱-۳-۲. حقوق خصوصی

همان‌طور که قبل از این گفته شد، حقوق خصوصی به دو قسم مالی و غیر مالی تقسیم می‌شود. در برخورداری انسان شبیه‌سازی شده از حقوق مالی مانند حق مالکیت، حق انتفاع و غیره هیچ جای بحث نیست. فرد شبیه‌سازی شده می‌تواند اموال منقول و غیرمنقول را به صورت مشروع به مالکیت خود درآورد و در آن دخل و تصرف نماید؛ زیرا صرف شباهت نمی‌تواند تأثیری در ماهیت انسانی فرد شبیه‌سازی شده داشته باشد. بنابراین فرد شبیه‌سازی شده می‌تواند از حق مالکیت خود استفاده کند. فرد شبیه‌سازی شده در انجام معاملات و مواردی از این قبیل نیز اگر دارای اهلیت باشد (یعنی سفیه، محجور و مجنون نباشد)، آزادی کامل دارد. لیکن بحث در مورد حقوق غیرمالی او متفاوت است. قسمت عمده حقوق غیرمالی، مرتبط با حقوق خانواده و حقوق ناشی از نسب است. از سوی دیگر، در مبحث پیشین، در تعیین نسب طفل شبیه‌سازی شده، نظرات مختلف و گاه متعارض فقها مطرح شد، که در بسط و توسعه مباحث کنونی بسیار مؤثر است. قبل از ورود به بحث، لازم است تفکیکی در حقوق غیرمالی قائل شویم؛ حقوق غیر مالی بر دو دسته است:

۱- حقوق ناشی از نسب شامل حضانت، ولایت، نفقه و ارث

۲- حقوق دیگر هم‌چون حق زوجیت و ...

بنابر تفاوت و تعارضی که در دیدگاه علمای امامیه درباره نسب طفل شبیه‌سازی شده وجود دارد، در برخورداری طفل شبیه‌سازی شده از حقوق ناشی از نسب نیز تعارض و تفاوت به وجود می‌آید.

۱. پاسخ به استفتای مؤلف، رجوع شود به پیوست.

۳-۲-۲-۱-۲-۲-۱. حقوق ناشی از نسب

۱- حق ولایت

در اسلام، محجوران و کودکان به طرق مختلف مورد حمایت قرار گرفته اند. بخشی از این حمایت ها به صورت بطلان یا عدم نفوذ اعمال حقوقی کودکان است. علاوه بر این، مصلحت کودکان ایجاب می کند که اشخاصی موظف به اداره امور آنان و مأمور به انجام دادن اعمال حقوقی به نمایندگی از آنان باشند. بدین منظور قانون گذار نهادهایی را برای حمایت از کودکان پیش بینی کرده است. یکی از این نهادها، ولایت است که ناظر به اداره امور مالی و غیر مالی و انجام دادن اعمال حقوقی از جانب کودکان است. حضانت نیز یکی دیگر از نهادهای حمایت از محجوران است که ناظر به نگهداری، حمایت و مراقبت جسمی و تربیت کودک می باشد.

ولایت در فقه اهل سنت

متعلق ولایت بر سه نوع است: نفس، مال و نکاح.

الف - ولایت بر نفس

۱- در فقه مالکی ولی کودک پدر اوست، سپس وصی پدر و بعد حاکم و اگر حاکم نباشد، ولایت برای جماعت مسلمانان است. بنابراین، ولایت مالی برای جد و برادر و عمو وجود ندارد، مگر به سبب وصیت پدر.^۱

۲- فقه شافعی: ولی کودک، پدر اوست و بعد از فوت پدر، جد پدری؛ سپس وصی یکی از پدر یا جد پدری که دیرتر فوت کرده اند؛ سپس قاضی یا نایب قاضی است. برای سایر خویشاوندان پدری مانند برادر و عمو ولایتی وجود ندارد، چنان که ولایتی برای مادر در مال و نکاح وجود ندارد.^۲

۳- فقه حنبلی: ولایت بر کودک با پدر است و بعد از او با وصی پدر و سپس با حاکم.^۳

۱. جزیری، عبدالرحمن، الفقه علی مذاهب الاربعه، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۱هـ ج ۲، ص ۳۵۶
 ۲. همان، ص ۳۵۶؛ فیروزآبادی شیرازی، ابراهیم بن علی، المذهب فی فقه الامام الشافعی، بی جا، شرکه و مطبعه مصطفی البابی الحلبی و اولاده بمصر، ۱۳۹۶هـ ج ۱، صص ۴۳۳-۴۳۲
 ۳. جزیری، عبدالرحمن، الفقه علی مذاهب الاربعه، ج ۲، ص ۳۵۷

۴- فقه حنفی: ابتدا ولایت با پدر است، سپس با جد و پس از وی با قاضی.^۱

ب- ولایت بر مال

۱- فقه شافعی: ولایت مالی ابتدا با پدر است، سپس با جد و هر چه بالا رود است. سپس با وصی پدر است و پس از او با قاضی یا نائب وی خواهد بود و برای افراد دیگر مثل مادر، برادر و عمو ولایتی بر امور مالی صغیر نیست، مگر آن‌که ولی متوفی آنان را به این کار وصیت کرده باشد.^۲

۲- فقه مالکی: ولی ابتدا پدر است و نه جد؛ برادر و عمو پس از پدر وصی پدرند، سپس وصی وصی پدر. فقه مالکی برای جد در صورتی که پس از پدر زنده باشد، قائل به ولایت نشده‌اند، مگر آن‌که پدر وی را وصی خویش قرار داده باشد.^۳

۳- فقه حنبلی: در ولایت مالی بر طفل صغیر، ابتدا پدر است، سپس وصی وی و بعد از آنان، حاکم.^۴

۴- فقه حنفی: ولایت ابتدا با پدر است، سپس با وصی پدر و پس از او با جد و سپس قاضی.^۵

ج- ولایت بر نکاح

۱- فقه شافعی، مالکی و حنبلی: ولی به تنهایی در ازدواج دختر بالغ رشید باکره مستقل است؛ اما اگر بیوه باشد، در این امر، ولی با وی شریک است و هیچ‌کدام به تنهایی و بدون رأی یکدیگر نمی‌توانند رأی به ازدواج دهند. نیز واجب است که ولی متولی انشای عقد شود؛ به انشا و گفته‌های زن هرگز عقد منعقد نمی‌شود، اگر چه به ناچار باید با رضای زن باشد.

۲- فقه حنفی: دختر بالغ رشید چه باکره باشد و چه یتیم، در اختیار کردن شوهر خود مختار و منفرد است و می‌تواند انشای عقد هم بکند و کسی بر او ولایت و حق اعتراض ندارد، به شرطی که هم‌شان خود را انتخاب کند و به کمتر از مهرالمثل ازدواج

۱. بدران، ابوالعینین، حقوق الاولاد فی الشریعه الاسلامیه و القانون، ص ۱۳۸؛ جزیری، عبدالرحمن، الفقه علی

مذاهب الاربعه، ج ۲، صص ۳۵۴-۳۵۵

۲. بدران، ابوالعینین، حقوق الاولاد فی الشریعه الاسلامیه و القانون، صص ۱۴۳-۱۴۴

۳. همان، ص ۱۴۴

۴. همان

۵. همان

نکند. هرگاه به غیر هم‌شان ازدواج کند، ولی حق اعتراض دارد و می‌تواند از قاضی فسخ ازدواج را بخواهد و اگر با هم‌شان خود با کمتر از مهرالمثل ازدواج کند، در صورتی که زوج مهرالمثل را کامل نکند، ولی حق دارد فسخ را طلب کند.^۱

حق ولایت طفل شبیه سازی شده در فقه اهل سنت

از نظر علمای اهل سنت نیز، در صورتی که شبیه سازی در چارچوب ازدواج صورت گیرد، پدر طفل، ولی اوست و اگر خارج از چارچوب ازدواج باشد، مادرش ولایت بر او دارد، مانند فرزند ناشی از ملاعنه یا زنا.^۲

ولایت در فقه امامیه

در این بخش، به بررسی معنای لغوی و اصطلاحی و اقسام ولایت می‌پردازیم:

مفهوم ولایت

معنای لغوی: ولایت (به فتح واو و به کسر واو)، «ولاء»، «ولی»، «مولی»، «اولی» و مشتقات دیگر آن، همه از ماده «ولی» می‌باشد. معنای اصلی این کلمه عبارت است از آن‌که دو چیز یا چند چیز در کنار هم چنان قرار گیرند که چیز دیگری بین آن‌ها فاصله نیندازد. با توجه به این معنا، کلمه «ولایت» در مورد قرب و نزدیکی نیز به کار می‌رود (اعم از قرب مکانی و قرب معنوی). در مورد دوستی، یاری، تصدی امر، حکومت، تسلط، سلطنت و معانی دیگر از این قبیل هم استعمال دارد؛ زیرا در همه این موارد نوعی مباشرت و اتصال وجود دارد.^۳

معنای اصطلاحی: ولایت، به معنی عام، در نزد فقها، سلطه‌ای است که شخص بر مال و جان دیگری پیدا می‌کند و شامل ولایت پیامبر(ع)، حاکم، پدر و جد پدری نیز می‌شود.^۴

۱. مغنیه، محمد جواد، فقه تطبیقی مذاهب پنج‌گانه، ترجمه کاظم پورجوادی، بی‌جا، بنیاد علوم اسلامی، بی‌تا، صص ۲۳۷-۲۳۸

۲. آشقر، محمد سلیمان، «ابحاث اجتهادیه فی الفقه الطیبی»، ص ۴۰

۳. آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر، تهران، نی، ۱۳۷۹، صص ۷۷۰-۷۷۱؛ مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی، تهران، اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۹۹۶؛ معین، محمد، فرهنگ فارسی، ص ۱۱۷۶؛ دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، ج ۱۵، ص ۲۳۲۳۸؛ فاضل لنکرانی، محمد جواد، موسوعه احکام الاطفال و ادلتها، قم، مرکز فقه الائمه الاطهار، ۱۴۲۵ هـ ج ۱، ص ۵۲۹

۴. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (خانواده)، تهران، سهامی انتشار، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۰۲

اقسام ولایت

ولایت دارای اقسامی است که عبارتند از:

۱. ولایت قهری که ولایت اجباری و ذاتی هم نامیده می‌شود و از شئون علاقه بین پدر و فرزند است.
 ۲. ولایت وصی منصوب از طرف پدر یا جد پدری (وصایت) که به موجب وصایت واگذار می‌گردد. هر یک از پدر و جد پدری بعد از وفات دیگری می‌تواند در نگه‌داری و تربیت آن‌ها مواظبت کرده، اموال آن‌ها را اداره کند.
 ۳. ولایت حاکم و قیم (قیومت)؛ در صورتی که کودک، ولی قهری یا وصی منصوب از طرف ولی قهری نداشته باشد، ولایت با حاکم شرعی یا نماینده او خواهد بود.
- در فقه امامیه، ولایت بر طفل به اشتراک با پدر و جد پدری است و در صورت نبودن پدر و جد پدری یا یکی از اجداد پدری، وصی منصوب از طرف آنان ولی طفل خواهد بود و هرگاه وصی منصوب نیز موجود نباشد، ولایت با حاکم شرع است. اما مادر، جد مادری، برادر و سایر نزدیکان، ولایتی بر طفل ندارند.^۱

حق ولایت طفل شبیه‌سازی شده در فقه امامیه

پس از تفصیلی که در این باره آورده شد، باید اذعان کرد که در میان فقهای امامیه به جهت اختلاف در مورد نسب طفل شبیه‌سازی شده، در اثبات یا عدم اثبات حق ولایت نیز اختلاف است. پس بنا بر این نظر که طفل فاقد پدر است، وی از حق ولایت محروم است و حاکم شرع ولی اوست و در مواردی که برای طفل، پدر مورد شناسایی واقع شود، این حق برای وی متصور می‌شود.

۲- حق حضانت

حضانت در فقه اهل سنت

در این بخش، مفهوم، مستحق، شرایط و مدت حضانت را بررسی می‌کنیم:

۱. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (خانواده)، ج ۲، ص ۲۰۷

مفهوم حضانت

مفهوم لغوی: حضانت به فتح حاء و کسر آن - از مصدر حضنت است که از واژه الحضن به کسر حاء - گرفته شده است و به معنای جنب است، زیرا حضانت یعنی کودک را در کنار خود گرفتن.^۱

مفهوم اصطلاحی: حضانت عبارت است از رعایت طفل به خاطر تربیت و نگهداری او در مدتی که طفل به سرپرستی زنان احتیاج دارد. به اتفاق فقها، حضانت حق مادر است و در این که پس از پایان مدت حضانت مادر، چه کسی اولویت دارد اختلاف کرده است.^۲ در جای دیگر در تعریف حضانت آمده است: حفظ صغیر عاجز و مجنون است از چیزی که به وی ضرر می‌رساند، البته به قدر استطاعت و قیام برای تربیت و مصالح وی از نظافت، طعام و وسایل آرامش.^۳

مستحق حضانت

حق حضانت از حقوق مشترک میان صغیر و شخصی است که حضانت طفل بر عهده اوست؛ یعنی به طور خاص به کودک تعلق ندارد؛ بلکه به مادر وی هم تعلق دارد. اما باید گفت قول قوی‌تر آن است که حضانت حق صغیر است؛ زیرا مصلحت او بر مصلحت والدینش مقدم است.

فقه حنفی: محق‌ترین مردم در این حق، مادر است؛ چه ازدواج کرده باشد و چه مطلقه باشد، سپس مادر اوست و پس از آن مادر بزرگ وی و به همین منوال ادامه خواهد داشت. پس از آن، حضانت با مادر پدر طفل است و هر کس که بالاتر از وی است. سپس خواهر تنی، خواهر مادری، خواهر پدیری، دختر خواهر تنی، دختر خواهر مادری تا به عمه و خاله برسد.^۴

۱. جزیری، عبدالرحمن، الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۴، ص ۵۹۴؛ بدران، ابوالعینین، حقوق الاولاد فی الشریعه الاسلامیه و القانون، ص ۶۱

۲. مغنیه، محمد جواد، فقه تطبیقی مذاهب پنج‌گانه، ص ۲۷۶؛ بدران، ابوالعینین، حقوق الاولاد فی الشریعه الاسلامیه و القانون، ص ۶۱

۳. جزیری، عبدالرحمن، الفقه علی مذاهب الاربعه، ج ۴، ص ۵۹۴

۴. مغنیه، محمد جواد، فقه تطبیقی مذاهب پنج‌گانه، ص ۲۷۶؛ جزیری، عبدالرحمن، الفقه علی مذاهب الاربعه، ج ۴، ص ۵۹۴

فقه مالکی: محق حضانت، اقارب مؤنث و مذکر طفل هستند به ترتیبی که در ذیل می‌آید: مادر، مادر مادر، هر کس که بالاتر از مادر وی باشد، خاله تنی، خاله مادری، خاله مادر، عمه مادر، عمه پدر،^۱ مادر مادر پدر، مادر پدر پدر تا آخر،^۲ پدر، خواهر، خواهر پدر، عمه پدر، خاله پدر و دختر برادر تنی.^۳

فقه شافعی: شافعی، مستحقان را به سه دسته تقسیم می‌کند:

الف - اقارب مذکر و مؤنث با هم؛ ب - اقارب مذکر فقط؛ ج - اقارب مؤنث فقط.

حالت اول: مادر، مادر مادر و هر چه بالاتر رود به شرط آن‌که ارث‌بر باشد، پدر، مادر پدر، مادر مادر پدر و هر چه بالاتر رود، البته اگر ارث‌بر باشند. در صورتی که اقارب مؤنث و مذکر باشند، اقارب مؤنث بر مذکر مقدم هستند، مثل تقدم خواهر بر برادر.

حالت دوم: پدر، جد، برادر تنی، برادر پدر، برادر مادر، پسر برادر تنی یا پدری و عموی پدر و مادر.

حالت سوم: مادر، مادر مادر، مادران پدر، خواهر، خاله مادر، دختر خواهر، دختر برادر، عمه مادر، دخترخاله، دختر عمه مادر، دختر عمو مادر، دختر دایی مادر. در این جا ابوینی بر غیر آن مقدم هستند.^۴

فقه حنبلی: ترتیب در این فرقه چنین است: مادر، مادر مادر، مادر مادر مادر، پدر، مادر پدر و هر چه بالاتر رود، جد، خواهر ابوینی، خواهر مادری، خواهر پدری، خاله ابوینی، خاله مادری، خاله پدری، عمه ابوینی، عمه مادری، عمه پدری، دایی‌های مادر که ابوینی بر بقیه مقدم هستند، دایی‌های پدر، دختران برادر، دختر عموها، دخترعمه‌ها، دخترعموهای مادر و دخترعموهای پدر.^۵

۱. مغنیه، محمد جواد، فقه تطبیقی مذاهب پنج‌گانه، ص ۲۷۶

۲. همان، جزیری، عبدالرحمن، الفقه علی مذاهب الاربعه، ج ۴، ص ۵۹۵

۳. جزیری، عبدالرحمن، الفقه علی مذاهب الاربعه، ج ۴، ص ۵۹۵

۴. همان، صص ۵۹۵-۵۹۶

۵. همان، ص ۵۹۶

شرایط حضانت

فقه حنفی: حضانت طفل به کسی واگذار می شود که مرتد، معسر و فاسق نباشد و بر فسق یاری نکند. با غیر از پدر طفل ازدواج نکرده باشد و کودک را بدون مراقبت ترک نکند، به ویژه هنگامی که طفل مؤنث است. در نهایت آزاد باشد. اسلام در این جا شرط نیست.^۱

فقه مالکی: حضانت طفل به کسی واگذار می شود که عاقل، امین، رشید و قادر به انجام امور مربوط به حضانت باشد. همچنین، باید دارای مسکن باشد و بدون شوهر باشد یا آن که با محرم طفل ازدواج نموده باشد و دارای بیماری های برص و جذام نباشد. اسلام در وی شرط نیست.^۲

فقه شافعی: حضانت طفل به کسی واگذار می شود که عاقل، آزاد، مسلمان، امین، ساکن در سرزمین و وطن کودک باشد. در ضمن، فاسق نباشد و با نامحرم طفل ازدواج نکرده باشد.^۳

فقه حنبلی: حضانت طفل به کسی واگذار می شود که عاقل و آزاد باشد و ناتوان و عاجز و دارای بیماری های برص و جذام نباشد. در ضمن، با نامحرم طفل ازدواج نکرده باشد.^۴

مدت حضانت

فقه حنفی: حضانت پسر هفت سال و دختر نه سال است.

فقه مالکی: مدت حضانت پسر از هنگام تولد تا بلوغ و دختر تا هنگام ازدواج است.

فقه شافعی: برای حضانت مدت معلومی را تعیین نکرده است.

فقه حنبلی: مدت حضانت پسر یا دختر هفت سال است و پس از آن، طفل مخیر

است که بین مادر و پدر یکی را انتخاب نماید.^۵

۱. جزیری، عبدالرحمن، الفقه علی مذاهب الاربعه، ج ۴، صص ۵۹۷-۵۹۹

۲. همان، ۵۹۷-۵۹۸

۳. همان، ص ۵۹۷

۴. همان

۵. مغنیه، محمد جواد، فقه تطبیقی مذاهب پنج گانه، صص ۲۷۷-۲۷۸

حضانت طفل شبیه‌سازی شده در فقه اهل سنت

حضانت طفل مذکور با مادر اوست و پس از وی با سایر اقربا خواهد بود.^۱

حضانت در فقه امامیه

پس از بررسی مقدماتی بعضی موارد، اینک به توضیح کامل این موضوع در فقه امامیه می‌پردازیم.

مفهوم حضانت

حضانت (به فتح و کسر حاء) از حضن گرفته شده است. حضن در لغت به مابین زیر بغل تا پهلوی، و ما بین سینه و بازوان و جانب و کنار شیء معنا شده است. حضانت مصدر است و در لغت به معنای حفظ و نگه‌داری، در کنار گرفتن کودک، دایه‌گری او، پرورش کودک و پرستاری کردن از اوست.^۲

معنی اصطلاحی حضانت از معنی لغوی آن دور نیست. فقهای امامیه آن را چنین تعریف کرده‌اند: حضانت عبارت است از ولایت و سلطنت بر تربیت طفل و متعلقات آن از قبیل نگاه‌داری کودک، گذاردن او در بستر، سرمه کشیدن، پاکیزه کردن، شستن جامه‌های او.^۳

بنابراین در حضانت هر آنچه که برای نگه‌داری طفل مطابق اقتضای سن او لازم است، باید انجام گیرد.

حضانت، هم ناظر به حمایت جسمی کودک است و هم ناظر به حمایت روحی و اخلاقی وی. از این رو فقها گفته‌اند: شخصی که حضانت طفل به او واگذار می‌شود، باید آزاد، مسلمان (در صورتی که طفل مسلمان باشد) و امین باشد.^۴

۱. أشقر، محمد سلیمان، «ابحاث اجتهادیه فی الفقه الطبی»، ص ۴۰.

۲. آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر، ص ۱۲۸؛ مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی، ص ۳۳۲؛ معین، محمد، فرهنگ فارسی، ص ۳۹۸؛ دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، ج ۶، ص ۹۱۲۱؛ فاضل لنکرانی، محمد جواد، موسوعه احکام الاطفال و ادلتها، ج ۱، ص ۳۰۳.

۳. جیبی عاملی، زین الدین بن علی، شرح اللمعه، ترجمه علی شیروانی و محمد مسعود عباسی، قم: دارالعلم، ۱۳۸۷، ج ۱۰، صص ۱۷۶-۱۷۷.

۴. همان، ص ۱۷۷.

اشخاص عهده دار حضانت

حضانت در درجه اول حق و تکلیف طبیعی و قانونی پدر و مادر است که طفل را به دنیا آورده اند. این تکلیف تا زمانی است که طفل به سن بلوغ نرسیده است. اما مسأله ای که در این جا مطرح می شود، این است که آیا در دوره ازدواج (زندگی زناشویی)، پدر و مادر از لحاظ حضانت برابرند یا یکی بر دیگری حق تقدم دارد؟ برخی از فقهای امامیه به استناد پاره ای احادیث، پدر و مادر را در دوره زندگی مشترک، از لحاظ حضانت، در یک ردیف قرار داده اند و آن را تکلیف مشترک زوجین تلقی کرده اند. اما عقیده مشهور فقها مبتنی بر حق تقدم یکی بر دیگری برحسب سن طفل حتی در دوره ازدواج است.^۱

مدت حضانت

بنابر قول مشهور فقهای امامیه، مادر تا دو سال در مورد پسر و تا هفت سال در مورد دختر بر پدر اولویت و تقدم دارد. برخی از فقها در حضانت دختر، برای مادر تا نه سالگی دختر و برخی تا زمانی که مادر ازدواج نکرده باشد، حق تقدم قائل شده اند. عقیده دیگر این است که مادر تا هفت سالگی اولویت دارد، اعم از این که کودک پسر باشد یا دختر.^۲

حضانت طفل در صورت فوت پدر یا مادر

آنچه تاکنون گفته شد، در صورتی است که والدین زنده باشند؛ اما اگر یکی از آنها فوت کند، حضانت طفل با آن که زنده است، خواهد بود؛ هرچند پدر، متوفی باشد و در هنگام مرگ وصیت کرده و شخصی را برای حضانت طفلش معین کرده باشد؛ زیرا وصی در کارهایی که متولی خاص به خود را ندارد، دخالت کرده، به جای موصی عمل می کند.^۳

۱. طباطبائی، سید علی، ریاض المسائل فی بیان احکام الشرع بالدلائل، قم، اسلامی، ۱۴۲۰ هـ ج ۱۰، ص ۳۲۵

۲. جمعی عاملی، زین الدین بن علی، شرح اللمعه، ج ۱۰، صص ۱۷۷-۱۷۸

۳. همان، ص ۱۷۹

حمایت طفل در صورت فوت والدین

در صورتی که پدر و مادر طفل، هر دو از دنیا بروند و جد پدری زنده باشد، حق حضانت از آن او خواهد بود؛ زیرا طفل فرزند اوست و او بر خود طفل و اموال او ولایت دارد.

اما اگر با فوت پدر و مادر، جد پدری نیز در قید حیات نباشد، در این‌جا فقهای امامیه نظرات مختلفی را ابراز کرده‌اند.^۱ عده‌ای برآنند که حضانت بر عهده خویشان نسبی طفل با رعایت ترتیب ارث (الاقرب فالاقرب) خواهد بود؛ یعنی آنان که در طبقه دوم ارث قرار دارند، مثل برادر، خواهر و فرزندان‌شان بر آنان که در طبقه سوم ارث قرار دارند، مثل عموها، دایی‌ها و فرزندان‌شان مقدمند. هرگاه در یک طبقه و درجه، خویشان متعددی وجود داشته باشند، یکی از آنان، از طریق قرعه، برای نگاه‌داری طفل تعیین خواهد شد.^۲

ولی عده دیگری از فقها عقیده دارند که در صورت نبودن جد پدری، حق حضانت منتقل به وصی پدر و در صورت نبودن وصی پدر، منتقل به وصی جد پدری می‌شود نه خویشان به ترتیب ارث؛ زیرا وصی، نماینده و قائم مقام ولی (پدر یا جد پدری) است و اگر وصی پدر و جد هم وجود نداشته باشد، این‌جا نوبت حاکم است که کسی را با مال کودک و یا اگر کودک مالی نداشته باشد، از بیت‌المال اجیر کند تا طفل را نگه دارد و اگر حاکم هم نباشد، بر تمام مسلمانان واجب کفایی خواهد بود.^۳

شرایط حضانت

مقصود از شرایط حضانت، شرایطی است که باید در شخصی که نگاه‌داری طفل به او واگذار می‌شود، وجود داشته باشد.

در فقه امامیه، حضانت طفل به کسی واگذار می‌شود که آزاد، عاقل، امین، و قادر به نگاه‌داری طفل باشد. نیز اگر طفل، مسلمان باشد، شخص نامسلمان، اگر چه مادر باشد، نمی‌تواند حضانت او را عهده‌دار شود.^۴

۱. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۳۱، صص ۲۹۵-۲۹۷

۲. جمعی عاملی، زین الدین بن علی، شرح اللمعه، ج ۱۰، ص ۱۷۹

۳. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۳۱، ص ۲۹۶

۴. جمعی عاملی، زین الدین بن علی، شرح اللمعه، ج ۱۰، ص ۱۷۷

حضانة طفل شبیه سازی شده در فقه امامیه

از آن جا که نظرات فقها درباره عناوین مادری و پدری این طفل متفاوت است، باید این مبحث را به چند دسته تقسیم کرد.

۱- آن عده که معتقدند که طفل شبیه سازی شده فاقد والدین است، حق حضانت را برای وی شناسایی نمی کنند.

۲- آن عده که وی را فقط دارای مادر می دانند، حضانت این کودک را به مادر او می دهند.

۳- آن عده که وی را دارای پدر و مادر می دانند، حق حضانت را برای وی شناسایی کرده، تکلیف حضانت را بر دوش هر دو می گذارند.

۳- حق ارث

در این بخش، حق ارث طفل شبیه سازی شده را در فقه اهل سنت و امامیه بررسی می کنیم:

حق ارث در فقه اهل سنت

پسران: در میان تمامی فرق اتفاق نظر وجود دارد که اگر پسر تنها باشد، از پدر و مادر و یکی از زوجین تمامی مال را می برد و هم چنین است دو پسر یا بیشتر؛ و اگر پسر و دختر چند نفر بودند، مال را طوری بین خود قسمت می کنند که سهم هر پسر، دو برابر سهم دختر باشد، به مصداق «لِلذَكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ». پسر مانع نوه، برادران، خواهران، اجداد و جدات است؛ به اتفاق و بدون اختلاف پسر پسر در زمان نبودن پسر مانند پسر است.^۱

دختران: تمامی مذاهب اهل سنت اتفاق دارند که خواهران تنی یا پدری با یک یا چند دختر عصبه هستند؛ یعنی یک دختر تنی یا پدری با نبودن پسرزاده و دخترزاده، نصف را به فرض می برد؛ ولی بیش از یک خواهر با نبودن فرزند، دو سوم را به فرض می برند. پس اگر میت یک یا چند دختر و یا دختر پسر و نیز خواهر یا خواهران تنی یا پدری داشته باشد و با خواهر یا خواهران برادری نباشد، خواهر یا خواهران آن چه از

۱. مغنیه، محمد جواد، فقه تطبیقی مذاهب پنج گانه، ص ۴۸۸

سهم دختر یا دختران باقی ماند، به واسطه عصبه می‌برند. خواهر تنی از هر جهت در عصبه بودن مانند برادر تنی است و مانع پسر برادر پدری و عصبه بعد از او است، و خواهر پدری مانند برادر پدری عصبه است و پسر برادر تنی و عصبه بعد از او را مانع می‌شود. حنفی‌ها و حنبلی‌ها هم‌چنین معتقدند: اگر صاحب فرض و عصبه‌ای وجود نداشته باشد و وارثی غیر از دختران نباشد، تمام مال را دختران به فرض و به رد می‌برند و اگر پدر با آن‌ها بود، باقی‌مانده را از فرض می‌برد و اگر پدر نبود به ترتیب جد پدری، برادر تنی، برادر پدری، پسر برادر تنی، پسر برادر پدری، عموی تنی، عموی پدری، پسرعموی تنی، پسرعموی پدری، پس اگر تمام عصبات و نیز صاحب فرضی چون خواهر وجود نداشته باشد، دختران تمام مال را می‌برند، حتی اگر میت اولاد دختر، اولاد خواهر، دختر برادر، اولاد برادر مادری، عمه از هر جهت، عموی مادری، دایی، خاله و جد مادری داشته باشد. مالکی‌ها و شافعی‌ها گفته‌اند: اگر وضع به این صورت باشد هریک از دختران فرض خود را می‌گیرند و بقیه به بیت‌المال رد می‌شود.^۱

حق ارث طفل شبیه‌سازی شده در فقه اهل سنت

فقه‌های اهل سنت معتقدند که در صورتی که عمل شبیه‌سازی میان زوجین رخ دهد، وی از پدر و مادر شرعی و سایر اقربایش بر اساس نظام قانونی ارث در اسلام، ارث خواهد برد و در صورتی که این عمل میان دو زن یا زن و مرد بیگانه صورت گیرد، این طفل هم‌چون اطفال غیرشرعی تنها از مادر ارث می‌برد.^۲

حق ارث در فقه امامیه

برای سهولت در بحث، مبحث ذیل را به موارد زیر تقسیم کرده، هر یک را جداگانه توضیح می‌دهیم:

سهم الارث کودک (اولاد و اولاد اولاد)

اولاد یا اولاد اولاد به عنوان ورثه ممکن است منحصر به فرد باشد یا متعدد، و در صورت تعدد نیز صوری متصور است که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. مغنیه، محمد جواد، فقه تطبیقی مذاهب پنج‌گانه، صص ۳۸۸-۳۸۹.
 ۲. رأفت عثمان، محمد، «الحقوق الاسریه المترتبة علی الاستنساخ»، ص ۱؛ أشقر، محمد سلیمان، «ابحاث اجتهادیه فی الفقه الطبی»، ص ۴۰.

اول: وارث منحصر به فرد (یک فرزند)

در صورتی که وارث متوفی منحصر به فرد باشد، تمامی ترکه متعلق به او خواهد بود؛ خواه اولاد یا اولادِ اولاد باشد؛ زیرا مادامی که یک نفر از طبقه اول موجود باشد، نوبت ارث به طبقه دوم نمی‌رسد.^۱

دوم: ورثه متعدد

در مورد ورثه متعدد اقسامی متصور است که به آن‌ها اشاره می‌شود:
اولاد متعدد: در صورتی که ورثه متوفی منحصر به چند اولاد باشد، در این‌جا نیز دو صورت متصور است:

الف) چند پسر یا چند دختر: در صورتی که اولاد متوفی متعدد باشند، ولی همگی پسر یا همگی دختر باشند، ترکه بین آن‌ها به طور مساوی تقسیم می‌شود.

ب) پسر و دختر: در صورتی که ورثه متوفی برخی پسر و برخی دختر باشند، پسر دو برابر دختر ارث می‌برد. قرآن کریم در این باره با صراحت فرموده است: «یوصیکم الله فی اولادکم للذکر مثل حظ الانثیین...؛ خداوند به شما درباره فرزندانان سفارش می‌کند: سهم پسر، چون سهم دو دختر است».^۲

نکته: اولاد اولاد: در صورتی که متوفی، اولاد بلاواسطه نداشته باشد، اولاد اولاد، قائم مقام اولاد هستند.

بنابراین، نوه‌های پسری گرچه دختر باشند، دو برابر نوه‌های دختری ارث می‌برند؛ زیرا نوه‌ها قائم مقام اولاد متوفی هستند، ولی نوه‌های پسری و یا نوه‌های دختری در تقسیم سهم الارث بین خود، پسر دو برابر دختر می‌برد.^۳

پدر، مادر و اولاد: در صورتی که ورثه عبارت از پدر، مادر و اولاد باشند، سه صورت دارد که هر صورتی باز به نوبه خود دارای صورت‌های فرعی است که به آن‌ها اشاره می‌شود:

صورت اول: پدر، مادر با یک دختر: در صورتی که ورثه متوفی پدر، مادر با یک دختر باشند، ترکه به طریق ذیل تقسیم می‌شود:

۱. جبعی عاملی، زین الدین بن علی، شرح اللمع، ج ۱۲، ص ۱۹۹

۲. همان

۳. همان، ص ۱۹۷

الف) ابوین با یک دختر: در این صورت سهم هر یک از پدر و مادر یک ششم و سهم دختر نصف ترکه و باقیمانده که یک ششم ترکه است، باید بین تمامی ورثه به نسبت سهامشان تقسیم شود، مگر این‌که مادر، حاجب داشته باشد که در فرض حاجب، سهم مادر همان سدس است و از باقیمانده ترکه ارث نخواهد برد.

ب) یکی از ابوین با یک دختر: در صورتی که ورثه متوفی منحصر به یکی از ابوین (پدر یا مادر) با یک دختر باشد، دختر نصف و پدر سدس ترکه را می‌برد. بنابراین، مجموع سهام آنان یک ششم به اضافه سه ششم، یعنی چهار ششم از ترکه خواهد بود، و مابقی که دو ششم است به نسبت سهام ورثه مزبور که ۱ و ۳ می‌باشد، تقسیم می‌گردد.

صورت دوم: پدر، مادر با چند دختر: در این صورت دو فرض داریم: اول: موردی که ورثه متوفی منحصر به پدر و مادر و چند دختر برای متوفی باشد؛ در این فرض دو ششم ترکه را ابوین و چهار ششم (دو ثلث) آن را دختران میت می‌برند و چیزی از ترکه باقی نمی‌ماند. دوم: موردی که یکی از ابوین موجود باشد که با چند دختر وارث متوفی باشند؛ در این صورت، یک ششم ترکه را پدر یا مادر می‌برد و چهار ششم آن را دخترها؛ یک ششم باقیمانده هم به نسبت سهامشان بین آنان تقسیم می‌شود؛ یعنی باقیمانده را به پنج سهم تقسیم می‌کنند و یک سهم آن را به پدر یا مادر و چهار سهم دیگر را به دخترها می‌دهند.

صورت سوم: پدر، مادر با پسر و دختر: در صورتی که ورثه متوفی، پدر یا مادر یا هر دوی آن‌ها با یک پسر یا چند پسر یا چند پسر و چند دختر باشد، هر یک از ابوین یک سدس ترکه را می‌برد و بقیه به اولاد داده می‌شود. بدین ترتیب که اگر یک پسر باشد، همه باقیمانده از آن او خواهد بود و چنانچه چند پسر باشند، بین آنان به طور مساوی تقسیم می‌گردد و هرگاه پسر و دختر باشند، پسر دو برابر دختر می‌برد.^۱

حق ارث طفل شبیه‌سازی شده در فقه امامیه

همان‌طور که اشاره شد، اختلاف در بحث نسب طفل شبیه‌سازی شده، سبب اختلاف در استحقاق کودک شبیه‌سازی شده در حقوقش از جمله ارث می‌شود.

۱- عده‌ای از فقها معتقدند که طفل شبیه سازی شده فاقد مادر و پدر است، پس چنین موجودی از کسی ارث نمی برد، همانند فرزندان رضاعی که محرم هستند، ولی ارث نمی برند.^۱ آیات عظام حکیم^۲ و تبریزی چنین نظری دارند.^۳

۲- عده‌ای نیز این طفل را فقط به مادرش منسوب می دانند. در این صورت، رابطه توارث فقط میان مادر و طفل برقرار است.^۴

۳- عده‌ای از فقها نیز وی را ملحق به صاحب سلول دانسته اند که در این صورت طفل یا پدر دارد یا مادر. بر این اساس، اگر صاحب سلول مرد باشد، کودک تنها دارای پدر است و اگر زن باشد، تنها دارای مادر است. بنابراین، کودک از جمله فرزندان شخص صاحب سلول تلقی می شود و میان او و سایر فرزندان آن مرد، نسبت برادری برقرار می شود. این کودک از ناحیه پدر یا مادر برادر یا خواهر آنان شمرده می شود و میان او و پدر یا مادر یا برادرانش با رعایت قوانین ارث اسلامی، ارث بردن از یکدیگر مطرح است.

ولی نسبت میان این نوزاد و نوزاد دیگری که به واسطه شبیه سازی پدید می آید، بستگی به یکی بودن پدر یا مادر آنها دارد. اگر پدر یا مادرشان یکی باشد، آنان از ناحیه پدر یا مادر برادرند و احکام اسلامی ارث بردن، تابع همین نسبت خواهد بود. به هر حال، شبیه سازی به این شیوه، موجب به وجود آمدن فرزندی برای صاحب سلول می گردد. فرزندی که تنها پدر یا مادر دارد و سایر نسبت ها نظیر فرزندی که محصول ازدواج طبیعی معمولی باشد، متفرع بر اوست و به مقتضای ادله ارث، آنها از یکدیگر ارث می برند.

اگر گفته شود: «ادله ارث، به نزدیکان نسبی تولد یافتگان به ازدواج طبیعی انصراف دارد و این گونه افراد را شامل نمی شود»، پاسخ این است که ما چنین انصرافی را کاملاً مردود می دانیم؛ بلکه آنچه در عرف از این ادله استفاده می شود، این است که جنبه پدری و مادری، موجب ارث بردن از یکدیگر می شود؛ هر چند مصداق عرفی پدر و مادری، فرزندان هستند که به زاد و ولد معمولی و طبیعی به وجود آمده باشند و در

۱. مکارم شیرازی، ناصر، احکام پزشکی، قم، سلیمان زاده، ۱۳۸۷، ص ۵۶.

۲. طباطبایی حکیم، سید محمد سعید، فقه الاستسناخ البشري و فتاوی طبیه، ص ۲۴.

۳. شبستری، سید حسن، بررسی مشروعیت شبیه سازی انسانی از دیدگاه فقهی، حدود و شرایط آن، ص ۱۲۱.

۴. همان، ص ۱۲۲.

موضوع ادله محارم نسبی نیز در نگاه کردن و ازدواج، همین‌گونه است. بدین‌سان، این احکام در مورد کودکانی که به شیوه‌های غیرعادی نیز به وجود می‌آیند، جاری است.^۱

۴- عده‌ای دیگر از علما مثل آیات عظام صادق شیرازی^۲ و موسوی سبزواری^۳ طفل مذکور را ملحق به پدر و مادرش می‌دانند؛ در نتیجه این عقیده، رابطه توارث میان آنان برقرار است و ایشان پس از بررسی دو احتمال معتقدند که طفل فوق‌الذکر هم‌چون سایر اعضای خانواده، فردی از اعضای خانواده است. بنابراین، شامل اتصالات ادله ارث و عموّمات آن می‌شود. پس طبق آیه ۱۱ سوره نسا اگر دختر باشد، نصف پسر ارث می‌برد و اگر پسر باشد، دو برابر دختر به ارث می‌برد.

در نهایت راه حلی را پیشنهاد می‌کنند که به جهت دوران موضوع (ارث طفل شبیه‌سازی شده) میان دو احتمال و وجود شک در این باره، احتیاط را بهتر می‌دانند. پس باید حصه‌ای برای فرزند مذکور در نظر گرفت. احتیاط نزد ایشان به این روش است:

۱- والدین تبرعاً مقداری از اموال خود را که به اندازه ارث وی از آن است، به او بدهند؛ به شرطی که با حصه سایر وراثت در تعارض نباشد و این شرط ضمن عقد لازمی در نظر گرفته شود.

۲- والدین وصیت نمایند که طفل مذکور، از ثلث اموال آنان به اندازه حصه دختر یا پسر در صورتی که دختر باشد یا پسر اخذ نماید.

۳- حصه سایر وراثت را به مقداری کاهش دهند که در صورتی که طفل فوق‌الذکر از وارثان می‌بود، به همان مقدار به او می‌رسید.

البته راه‌حل‌های دیگری هم وجود دارد. این وجوه، موافق احتیاط است و حقوق تمامی افراد در آن حفظ می‌شود. هم‌چنین این راه‌حل‌ها مخالف شرع نیستند و مشکل را حل می‌کنند.^۴

مسأله فرعی: اگر سلولی از بدن شوهر گرفته شود و در تخمک همسرش که هسته آن تخلیه شده، قرار گیرد و روی آن کارهایی انجام پذیرد و به قصد این که نسخه

۱. مؤمن، محمد، «شبیه‌سازی»، صص ۱۱۲-۱۱۳

۲. شبستری، سیدحسن، بررسی مشروعیت شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه فقهی، حدود و شرایط آن، ص ۱۲۶

۳. موسوی سبزواری، سیدعلی، الاستنساخ بین التقنیه و التشریع، صص ۱۵۱-۱۵۳

۴. همان، صص ۱۵۱-۱۵۳

دومی کاملاً شبیه اصل شوهر، پدید آید، ولی این سلول لقاح یافته در انتظار وقت مناسبی برای نهادنش در رحم زن، در انجماد بسیار بالا نگاه داری شود و سپس شوهر از دنیا برود، آیا می توان آن را در رحم همسرش قرار داد؟ وانگهی، اگر در رحم نهاده شد و زن، فرزندی به دنیا آورد، آیا این فرزند از پدرش ارث می برد؟

آیت الله مؤمن، به این سؤال چنین پاسخ می دهد:

پس از آن که سلول لقاح یافته در رحم هر زنی نهاده شد و شوهر فرضاً فوت کرد، چون سلول لقاح یافته نتیجه سلول شوهر و تخمک زن است، تردیدی نیست که شوهر، پدر نوزادی است که این زن به دنیا می آورد و نیز جای شک نیست که این نوزاد از پدرش ارث می برد؛ زیرا مقتضای قواعد این است: جز کسی که از مصادیق عنوان های نسبی ای که به هنگام مرگ مورث، موجب ارث می گردد، محسوب نشود، از میّت ارث نمی برد و ادله ظاهر روایات، تنها بر ارث خصوص کسی دلالت دارد که به هنگام مرگ مورث، در رحم زن است و شامل موضوع مورد بحث ما - که فرض بر این است سلول لقاح یافته به هنگام مرگ پدر از همه رحم ها جدا گشته - نخواهد شد و روایات خاص دلالت بر ارث وی ندارد و پی بردید که مقتضای قواعد، چنین چیزی نیست. بنابراین لزوماً قائل به ارث این نوزاد از پدرش نخواهیم بود.

بیان مطلب: آیات مربوط به ارث، ارث بردن فرزندان را از پدر و مادر با این فرموده خدای متعال، اعلان داشته است که: «خداوند درباره فرزندانان به شما سفارش می کند» و در مورد ارث بردن پدر و مادر از فرزندشان فرموده است: «اگر میّت فرزندی داشته باشد، پدر و مادر هر کدام یک ششم میراث را می برند».

روشن است کسی فرزند به شمار می آید که از مادر متولد شود و پا به دنیا نهد. صدر آیه مبارکه بر بیش از ارث کسی که مادرش او را به دنیا آورده، دلالت نمی کند و شامل کسی که مادرش به آن باردار است و هنوز متولد نشده است، نمی گردد؛ چنان که بخش دوم آیه شریفه دلالت دارد بر این که پدر و مادر، از فرزندشان یک سوم ارث می برند، در صورتی که میّت فرزند نداشته باشد. پس اقتضا دارد بر این که اگر همسرش برای او فرزندی به دنیا نیآورد، جز پدر و مادر، کسی از او ارث نبرد. بنابراین فرزندی که مادر بدان باردار است، از پدر ارث نخواهد برد؛ چنان که در ارث بردن پدر و مادر میّت، شرط است که میّت به هنگام مرگ دارای فرزند نباشد و فرزند بر کسی جز نوزادی که مادرش او را به دنیا آورده است، بر کسی انطباق ندارد.

هم‌چنین آیات شریفه، وراثت هر یک از برادر و خواهر را از یکدیگر در سوره مبارکه نسا با این فرموده‌اش اعلان داشته است که: «و اگر (میّت) مردی باشد، کلاله (خواهر یا برادر) از او ارث می‌برد؛ و اگر زنی باشد که برادر و خواهری دارد، سهم هرکدام یک ششم خواهد بود».

و در پایان آن سوره می‌فرماید: «اگر مردی از دنیا برود و فرزند نداشته باشد، ولی دارای خواهر باشد، نصف اموالی که میّت به جای نهاده است، از آن خواهر است و اگر خواهری از دنیا برود و فرزندی نداشته باشد و وارث او یک برادر باشد، او همه اموال را از خواهرش به ارث می‌برد».

بدین ترتیب، این دو آیه به بیان ارث بردن از برادر یا خواهر میّت - اگر خواهر و برادر داشته باشد - پرداخته‌اند و مشخص است تا زمانی که از مادر، فرزندی متولد نشود که برای میّت برادر یا خواهر شمرده شود، صدق نمی‌کند، وی دارای خواهر یا برادر است و شامل فرزندی که در شکم مادر است و هنوز تولد نیافته، نخواهد شد. دو آیه شریفه تنها دلالت بر ارث کسی دارند که از مادر متولد شده باشد و به هنگام مرگ میّت، خواهر یا برادر او شمرده شود و بر ارث فرزندی که مادر بدان باردار است و هنوز متولد نشده، دلالت ندارند.

آیات مربوط به ارث، افزون بر آنچه یادآور شدیم، به بیان ارث پدر و مادر از فرزندان و ارث زن و شوهر از یکدیگر پرداخته‌اند و روشن است، جز فرزندی که از مادر متولد شده باشد، انطباق هیچ یک از این عناوین برای او قابل تصور نیست.

آنچه یادآوری شد، همه عناوینی بود که در قرآن کریم برای وارث بیان شده است و هیچ کس از آن‌ها غیر فرد تولد یافته را شامل نمی‌شود. بدین ترتیب، این آیات دلالت ندارند کودکی که در شکم مادرش وجود دارد، ارث می‌برد، خواه آن کودک، فرزند میّت محسوب شود یا برادر و خواهر وی به شمار آید.

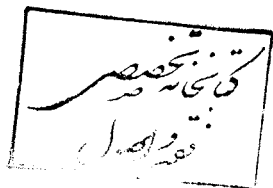
چنان‌که فرموده خداوند «و خویشاوندان نسبت به یکدیگر از مؤمنان و مهاجران در آنچه خداوند مقرر داشته است، سزاوارترند»، هم تنها بر اولویت خویشاوندان و پیشی داشتن آنان در سزاوار بودن به ارث از بیگانگان دلالت دارد و اصلاً در صدد بیان معیار ارث نیست که فرزند، از مادر متولد شده و یا هنوز مادر بدان باردار است. بنابراین در آیات شریفه فوق، بر این که کودک به دنیا آمده، وارث است، دلالتی وجود ندارد.

گستره مفهوم روایاتی که در مورد این عناوین یا دیگر عناوین نسبّی وارد شده است، بیشتر و فراتر از این آیات نیست. ما این موضوع را یادآور شدیم چون مقتضای خود قواعد این است و جز کسی که به هنگام مرگ مورث، مصداق خارجی آن عناوین شمرده نشود، از مورث خود، ارث نخواهد برد و در این روایات بر ارث بردن کودک به دنیا نیامده، اصلاً دلالتی وجود ندارد؛ ولی در بیش تر روایات خاصی که در مورد ارث بردن حمل، وارد شده مانند صحیحی ربعی از امام صادق (ع)، آمده است: «نوزاد هرگاه تکان بخورد (حیات داشته باشد)، ارث می برد؛ زیرا (اگر صدا ندهد) ممکن است لال باشد» و در برخی از آن ها مانند صحیحی دیگری از ربعی وارد شده که گفت: از امام صادق (ع) شنیدم در مورد سقط فرمود: «هرگاه نوزاد از شکم مادر ساقط گشت و حرکت بارزی نمود، ارث می برد و از او ارث می برند: زیرا ممکن است لال باشد (و صدا ندهد)». و در معتبر ابو بصیر از امام صادق (ع) آمده است که فرمود: «پدرم به من فرمود: هرگاه نوزاد حرکت مشخصی کند، ارث می برد و از او ارث می برند؛ زیرا ممکن است او لال باشد (و از او صدا ظاهر نشود)» و در روایت ابوالبختری وارد شده که: «... تا مشخص شود آیا زن، باردار است یا خیر».

بدین ترتیب، موضوع ارث در این روایات، نوزاد یا فرزند سقط شده و یا کودک به دنیا نیامده است. با توجه به آنچه در آن زمان رایج بوده، هر یک از عناوین یاد شده، در مواردی بوده است که زن به شیوه ازدواج معمولی باردار می شده و قطعاً به هنگام مرگ مورث باردار بوده است. بنابراین شامل موضوع سخن ما در این پرسش، یعنی موردی نمی شود که مادر، باردار به کودک نباشد و پس از مرگ شوهر باردار شود. ناگزیر باید به مقتضای قواعد رجوع کنیم و شما به خوبی پی بردید که قواعد، بر ارث بردن کودک متولد نشده، حتی در مورد که از مادرش متولد می شود، دلالت ندارند.^۱

۴- حق نفقه

در مبحث نفقه نیز ناگزیر از طرح بحث های مقدماتی هستیم. بنابراین به بحث از مفهوم نفقه و اسباب ثبوت آن می پردازیم:



مفهوم نفقه در فقه

مفهوم لغوی نفقه: نفقه به فتح نون و فا و قاف اسم است از باب افعال (انفاق) و جمع آن‌ها نفاق و نفقات است و در لغت به معنی صرف و خرج و کسر و آنچه از دراهم کم و فانی شود.^۱

مفهوم اصطلاحی نفقه: مفهوم اصطلاحی نفقه از طرف فقها به دو شکل ارائه شده است: ۱- نفقه در معنای عام که این گونه است: «نفقه به تأمین مخارج ضروری همسر و اقارب و عبد و امه (کنیز) اعم از خوراک و پوشاک و مسکن و غیره اطلاق می‌گردد.^۲ هم‌چنین شامل نفقه مردم یک کشور توسط دولت و دیگر نفقات هم می‌شود». ^۳ تعریف دیگر در این زمینه، تعریف فقهی مالکی است که می‌گوید: «نفقه چیزی است که عادتاً آدمی به آن احتیاج دارد، بدون آن‌که اسراف کند».^۴

۲- نفقه در معنای خاص که شامل نفقه زوجه می‌شود و این گونه تعریف می‌شود: «آن‌چه که زوجه نیاز به آن داشته باشد، در نظر عرف جزء نفقه محسوب می‌شود». به طور کلی از متون فقهی امامیه و اهل سنت استنباط می‌شود که نفقه در اصطلاح شرع عبارتست از چیزی که زن برای معیشت به آن نیازمند است، مانند طعام، لباس، مسکن و آن‌چه میان مردم متعارف است.^۵ در مصطلح شرعی، این نفقه مالی نیست؛ بلکه فعلی است که زوج مکلف به انجام آن است از سوی شارع و متعلق فعل او مالی است.^۶

۱. موسوی بجنوردی، سید محمد، اندیشه‌های حقوقی ۱ (حقوق خانواده)، ص ۲۹۴؛ شریف، علی، نفقه و تمکین در حقوق خانواده، بی جا، بشارت، ۱۳۷۶، ص ۲۹

۲. شریف، علی، نفقه و تمکین در حقوق خانواده، ص ۲۹؛ وزیر، مجید، حقوق متقابل کودک و ولی در اسلام و موارد تطبیقی آن، ص ۲۶۰

۳. بصری، عارف، نفقات الزوجه فی التشریع الاسلامی، بیروت، الدارالاسلامیه، ۱۴۱۲هـ ص ۱۵

۴. کمال الدین امام، محمد، الزواج والطلاق فی الفقه الاسلامی، بیروت، مؤسسه الجامعیه الدراسات والنشر و التوزیع، ۱۴۱۶هـ ص ۱۲۹

۵. موسوی بجنوردی، سید محمد، اندیشه‌های حقوقی ۱ (حقوق خانواده)، ص ۲۹۵؛ شیخ الاسلامی، سید اسعد، احوال شخصیه، ازدواج و پایان آن در مذاهب چهارگانه اهل سنت، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۶۰

۶. بصری، عارف، نفقات الزوجه فی التشریع الاسلامی، ص ۱۶

اسباب ثبوت نفقه در فقه اهل سنت

از نظر آنان آنان نفقه به دو دسته نفقه خود فرد و نفقه دیگران تقسیم می شود که نفقه دیگران خود به چهار دسته نفقه زوجه، نفقه اولاد صلب یا فروع بر اصول، نفقه ابوان یا اصول بر فروع و نفقه ملک تقسیم می شود.^۱

اسباب ثبوت نفقه در فقه امامیه

- ۱- زوجیت؛ ۲- قرابت بعضیه؛ ۳- ملک.^۲

نفقه اولاد در فقه اهل سنت

فقه حنفی: نفقه اولاد بر پدر واجب است و کسی در آن مشارکت نمی کند، همان طور که کسی در نفقه زوجه با زوج مشارکت نمی کند. حال چه پدر معسر باشد و چه نباشد. حتی اگر فرزند در دین هم مخالف با پدر باشد، نفقه او بر پدرش واجب می شود؛ زیرا اولاد جزئی از پدر است.^۳

فقه مالکی: نفقه طفل بر پدرش واجب است، نه بر مادرش؛ بر دیگر اقارب^۴ نیز به این دو شرط واجب است: طفل صغیر باشد و مالی نداشته باشد. وجوب نفقه برای پسر تا زمان بلوغ و برای دختر تا زمان دخول زوج به او ادامه دارد. وجوب نفقه برای مجنون، کور و مریض عاجز از کسب، بعد از بلوغ هم استمرار دارد.^۵

فقه شافعی: نفقه طفل تا هرچه پایین رود، بر پدر تا هرچه بالا رود، واجب است. بنابراین، پدر مکلف به انفاق اولادش چه مؤنث و چه مذکر است. اگر پدر نباشد، جد

۱. زحیلی، وهبه، الفقه المالکی المیسر، بیروت، دارالحکیم الطیب، ۱۴۲۳هـ ج ۲، صص ۳۰۲-۳۰۳؛ بغا، مصطفی، مصطفی خن و علی شریجی، الفقه المنهجی علی مذهب الامام الشافعی، دمشق دارالعلم، ۱۴۲۱هـ، ج ۲، ص ۱۶۱

۲. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۳۱، ص ۳۰۱؛ محقق حلی، جعفر بن حسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۲، ص ۳۴۷؛ جیبی عاملی، زین الدین بن علی، شرح اللمعه، ج ۱۰، ص ۱۸۶؛ حاج احمد، یوسف، جامع الاسئله الفقہیہ علی مذهب السادة الحنفیہ، دمشق، الفارابی، ۱۴۱۹هـ، ص ۵۴۳

۳. حاج احمد، یوسف، جامع الاسئله الفقہیہ علی مذهب السادة الحنفیہ، ص ۵۴۸

۴. شلبی، محمد مصطفی، احکام الاسره فی الاسلام دراسة مقارنة بین فقه المذاهب السنیة و المذهب الجعفری و القانون، بیروت، دار النهضة العربیة، ۱۳۹۷هـ، ص ۸۲۳

۵. زحیلی، وهبه، الفقه المالکی المیسر، صص ۳۰۲-۳۰۳؛ هی برنی، محمد عاشق، التسهیل الضروري لمسائل القدوری الامام الاعظم ابی حنفیه النعمان بن ثابت الکوفی، تربت جام، احمد جامی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۷۸

پدری قریب، مکلف به انفاق اولاد است و اگر وی نباشد، براساس الاقرب فالاقرب عمل می‌شود. استناد آنان به آیه ۶ سوره طلاق و آیه ۲۳۳ سوره بقره است.^۱

فقه حنبلی: نفقه کودک از مال وی واجب است و اگر مالی نداشته باشد، نفقه وی بر پدر واجب است. با اختلاف دین نفقه اولاد بر پدر واجب نیست. اگر پدر نباشد، در این صورت نفقه وی بر نزدیکان دیگر است، به اندازه سهم ارث آنان از وی.^۲

نفقه طفل شبیه‌سازی شده در فقه اهل سنت

نفقه وی بر عهده پدر شرعی او و سپس سایر اقربا است و در صورتی که کسی برای پرداخت نفقه او موجود نباشد، نفقه وی از بیت‌المال پرداخت می‌شود.^۳

نفقه اولاد در فقه امامیه

نفقه اولاد چه پسر چه دختر، بر عهده پدر است و در صورت فوت پدر یا عدم قدرت او بر انفاق، به عهده اجداد پدری است با رعایت الاقرب فالاقرب؛ یعنی اگر هم پدرپدر (جد ادنی) و هم جد پدر (جد اعلی) زنده و قادر به انفاق باشند، نفقه به عهده پدرپدر که نزدیک‌تر به شخص واجب‌النفقة است، می‌باشد و در صورت نبودن اجداد پدری یا عدم قدرت آنان به انفاق، نفقه بر عهده مادر است و هرگاه مادر فوت شود و یا توانایی دادن نفقه را نداشته باشد، نفقه به عهده اجداد و جدات مادری و جدات پدری است که از لحاظ انفاق در یک ردیف هستند. اگر یکی از آنان زنده و قادر به انفاق باشد، همه نفقه به عهده او خواهد بود؛ اما اگر هر سه نفر یا دو نفر از آنان زنده و قادر به انفاق باشند، نفقه را باید به نسبت مساوی تأدیه کنند. هرگاه اجداد و جدات مادری و جدات پدری از لحاظ درجه نزدیکی به شخص تفاوت داشته باشند، چنان‌که هم پدر و هم مادر و هم جد او در قید حیات باشند و توانایی نفقه دادن را هم داشته باشند، در این جا نیز رعایت الاقرب فالاقرب لازم است؛ یعنی نفقه بر عهده شخص یا

۱. بغا، مصطفی، مصطفی خن و علی شریجی، *الفقه المنهجی علی مذهب الامام الشافعی*، صص ۱۶۲-۱۶۳.
 ۲. حجاوی مقدسی، شرف الدین موسی، *الاقناع فی فقه الامام احمدین حنبل، بیروت، دارالمعرفه، بی‌تا، ج ۴، صص ۱۴۸-۱۴۹*.
 ۳. أشقر، محمد سلیمان، «ابحاث اجتهادیه فی الفقه الطبی»، ص ۴۰.

اشخاصی است که به واجب النفقه از لحاظ درجه قرابت نزدیک ترند.^۱ اولاد واجب النفقه ممکن است صغیر یا کبیر، سالم یا ناقص الخلقه، عاقل یا مجنون باشند. صغیر یا ناقص الخلقه یا مجنون بودن در قول مشهور فقهای امامیه، شرط استحقاق نفقه نیست و اولاد در صورت فقر و عجز از کسب و کار، در هر وضعی که باشند، مستحق نفقه هستند.^۲ شیخ طوسی (ره) در مبسوط برخلاف مشهور، نقصان خلقت یا نقصان حکم یا نقصان از هر دو جهت را شرط استحقاق نفقه دانسته است. با این که در جای دیگر از مبسوط مانند دیگران گفته است که فقر کافی است. مقصود از ناقص الخلقه، کور و زمین گیر و مقصود از ناقص الحکم، صغیر است و مراد از ناقص از هر دو جهت، کبیر دیوانه و کور است.^۳

نفقه طفل شبیه سازی شده در فقه امامیه

اگر این طفل طبق نظر فقها دارای پدر باشد، نفقه وی بر عهده اوست. اما در صورتی که فاقد پدر و مادر در نظر گرفته شود، از این حق محروم است. اگر فقط به مادر منتسب باشد، نفقه وی بر عهده مادر است.

۲-۲-۲-۳-۱-۲-۲-۳. حقوق دیگر

در مورد قسم دوم از حقوق غیرمالی نیز می توان گفت که در برخورداری طفل شبیه سازی شده از این حقوق، جای بحث نیست. به طور حتم، اگر او ازدواج کند، از حقوقی هم چون نفقه و ارث که از آثار حق زوجیت می باشد، برخوردار خواهد شد.

۱. جبعی عاملی، زین الدین بن علی، شرح اللمعه، ج ۱۰، صص ۲۰۵-۲۰۶؛ نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۳۱، صص ۳۸۱-۳۸۰؛ محقق حلی، جعفر بن حسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۲، صص ۳۵۲-۳۵۳
 ۲. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۳۱، ص ۳۷۲
 ۳. طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، بی جا، المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه، بی تا، ج ۶، صص ۳۰-۳۱

مسائل فرعی

۱- تابعیت دینی

فقه اهل سنت

طفل شبیه‌سازی شده، تابع دین پدر و مادرش است و منظور از پدر و مادر، والدین شرعی است و صاحب سلول هیچ نقشی در تعیین آن ندارد. صاحب تخمک نیز فاقد نقش است، اگر که از صاحب رحم متمایز باشد.

اما در صورتی که پدر و مادری برای وی نباشد و در دار الاسلام پیدا شود، او تابع سرزمین و مسلمان است، به خاطر فرموده خداوند: «ان الدین عند الله الاسلام»^۱.

فقه امامیه

در بحث تابعیت دینی هم اختلاف میان فقهای امامیه وجود دارد:

- ۱- عده‌ای که وی را دارای مادر می‌دانند، اسلام یا کفر او را تابع مادرش می‌دانند.^۲
- ۲- عده‌ای که صاحب سلول را پدر یا مادر طفل می‌شمرند، اسلام و کفر طفل شبیه‌سازی شده را تابع صاحب سلول می‌دانند. یعنی کودک پدید آمده از سلول فرد مسلمان، در اسلام به حکم اوست و کودک پدید آمده از سلول کافر، در کفر تابع کفر صاحب سلول است و الله العالم.^۳
- ۳- آن عده از فقها که وی را منتسب به کسی نمی‌دانند، معتقدند این طفل تا هنگامی که ممیز نشده باشد، در اسلام و کفر، حکم کسی را دارد که تابع اوست و در حوزه او زندگی می‌کند، مانند طفل اسیر؛ و هنگامی که ممیز شود، محکوم به حکم دینی است که انتخاب می‌کند و اگر کفر وی مفروض باشد، در صورتی که صاحب سلول مسلمان باشد، مرتد محسوب نمی‌شود.^۴

۱. آل عمران، ۱۹

۲. أشقر، محمد سلیمان، «ابحاث اجتهادیه فی الفقه الطبی»، ص ۴۰

۳. حائری، سید کاظم، استفتانات حول الاستنساخ، ص ۷

۴. مؤمن، محمد، «شبیه‌سازی»، ص ۱۳۱

۵. طباطبایی حکیم، سید محمد سعید، فقه الاستنساخ البشري و فتاوی طیه، ص ۲۳

۲- محرمیت

در این جا نیز بر اساس تفاوت میان اقوال باید اذعان کرد که:

۱- در صورت داشتن پدر و مادر: محرمیت وی هم از طرف پدر و هم از طرف مادر برقرار است؛ یعنی هم با خواهران و برادران خود و هم با خواهران و برادران پدر و مادر محرم است.

۲- در صورتی که فرد شبیه سازی شده، فقط دارای مادر یا پدر باشد، در این صورت یا دارای مادر نسبی است و از پدر برخوردار نیست و یا دارای پدر نسبی است و از وجود مادر بی بهره است. بر این اساس، فرزندان مادر یا فرزندان پدر، برادران کودک تلقی می شوند. به همین ترتیب در فرض نخست (از ناحیه مادر) دارای دایی و خاله و در فرض دوم (از ناحیه پدر)، دارای عمه و عمو خواهد بود و در مورد سایر نزدیکان نسبی نیز به تناسب مورد، همین گونه است و در هر موردی، حکم آن در خصوص جواز و حرمت نگاه کردن، جواز و حرمت ازدواج و دیگر موارد، بر وی مترتب خواهد شد.^۱

۳- در صورتی که فرد شبیه سازی شده، فاقد رابطه نسبی با کسی باشد، محرمی ندارد.^۲

۳- قصاص و دیه

نظر آیت الله مکارم بر این است که اگر مسلمان یا کافر غیرحربی باشد، قتلش دیه و قصاص دارد و دلیلی نیست که اسلامش پذیرفته نشود.^۳ آیت الله جناتی نیز بر این نظر است و در صورت قتل او، دیه یا قصاص را برای او ثابت می داند.^۴

۲-۲-۲. حقوق طفل شبیه سازی شده در نظام حقوقی غرب

آنچه امروزه در غرب به عنوان حقوق بشر مطرح است، پیوند نزدیکی با تصوّرات فکری و دگرگونی های اجتماعی این دوره در تاریخ تمدن غرب دارد. از این رو،

۱. موسوی بجنوردی، سید محمد، «بررسی حقوقی مسأله شبیه سازی انسان»، ص ۳۷

۲. محمدی، علی، شبیه سازی انسان، ملاحظات علمی، اخلاقی، حقوقی و فقهی، صص ۳۵۳-۳۵۴

۳. علیان نژاد، ابوالقاسم، «دیدگاه فقهی آیت الله مکارم شیرازی درباره دو مسأله شبیه سازی و راه های فرار از ربا»، ص ۲۹

۴. گفت و گو با آیت الله جناتی، ص ۲۲

بررسی تحولات فوق در بیان سیر تحول حقوق بشر اهمیت می‌یابد. تفاوت این عصر با دوره کلاسیک، در پیروزی فرد انسانی بر باورهای سنتی، رشد اندیشه علمی، فردباوری و افزون شدن اعتبار دیدگاه فلسفی نقّادانه است که با سازمان‌یابی تازه تولید و تجارت، شکل‌گیری قوانین مبادله کالاها و سلطه جامعه مدنی بر دولت همراه است. متفکران این دوران، برخلاف پیشینیان خود، غایت‌اندیشی را در تصویر انسان و جهان کنار گذاشتند، و در تفسیر انسان به محرک‌های طبیعی وی که همان عواطف و امیال اوست، روی آوردند و وضع طبیعی بشر را تحلیل کردند. بدین‌سان در اعتبار هر قانون طبیعی که ریشه در امیال انسان نداشت، تردید شد و حقوق انسان بر امیال طبیعی او بنیان گشت. از میل طبیعی انسان، نیازها و حق طبیعی وی روشن می‌شود و وظایف بشر در پرتو این حق بنیادی و طبیعی معین می‌گردد. تقدّم حقوق بر وظایف یکی از مفروضات فکری این دوران است.

پیدایش طبقه جدید متوسط در کنار دربار و اشراف، چند قطبی شدن قدرت در جوامع غربی که به انقلاب‌های فرانسه و آمریکا و باز شدن فضای سیاسی در انگلستان انجامید و شکل‌گیری نیروهای اجتماعی و احزاب سیاسی، از عوامل اجتماعی مؤثر در عینیت یافتن تحولات فکری و بازتاب‌های آن در قالب اعلامیه‌های حقوق بشر است. اندیشه حقوق بشر در دوران مدرنیته دو مرحله را پشت سر گذاشته است. در وهله اول، با تحول در روش‌شناسی علمی و تردید در الگوهای بازمانده از عصر کلاسیک، پیش‌آگاهی‌های عقل طبیعی کنار گذاشته شد و قوانین طبیعی بر محور حقوق طبیعی استوار گشت. این تحول تا حدّ زیادی مرهون جایگزینی شناخت مبادی محسوس رفتار انسان به جای غایت‌اندیشی و شناخت غایات نامحسوس در تحلیل جایگاه وظایف انسان بود. در مرحله بعد، اندیشه مدرنیته درباره حقوق بشر که توسط هابز و لاک شکل گرفته بود، نخستین بار در اندیشه ژان ژاک روسو نقد شد و نگرش انتقادی به این مبانی صورت گرفت.^۱

حقوق بشر، نوعی خاص از حق است. حقوق بشر در بنیادی‌ترین و اساسی‌ترین مفهوم عبارت است از حقوق اخلاقی مهم و برجسته. در این جهت است که حقوق

۱. حقیقت، سیدصادق و سیدعلی میرموسوی، مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۱، صص ۴۵-۴۷

بین‌الملل، حقوق بشر را به رسمیت شناخته است. بیشتر کشورها بسیاری از این حقوق را در قانون اساسی، قوانین یا رویه حقوق (قضایی) خود نیز مورد شناسایی قرار داده‌اند.^۱

حقوق بشر بنیادی‌ترین حقوق است و مربوط به چیزی می‌شود که محور آن بشر است؛ در حالی که بخش‌های دیگر حقوق، مشخص‌تر، محدودتر و معمولاً مشتق از آن هستند.^۲

بنابراین، حق بشری ابزاری مفهومی است که به شکل زبانی اظهار می‌شود، و حق تقدیمی برای برخی صفات بشری یا اجتماعی قائل است که برای عملکرد مناسب یک بشر حیاتی تلقی می‌گردد؛ یعنی مقصود این است که به عنوان سپر و غلاف حفاظی برای آن صفات عمل کند و به اقدامی سنجیده برای تضمین چنان حفاظتی متوسل شود.^۳

در یک کلام، حقوق بشر مجموعه امتیازاتی کلی است که هر فرد به لحاظ عضویت در خانواده بشری از آن برخوردار است. این حقوق ناشی از کرامت ذاتی انسان و لازمه یک زندگی اجتماعی شرافتمندانه و توأم با رشد مادی و معنوی است.^۴

پس از بیان مقدمه‌ای در این باره، به طرح اصل کرامت به عنوان مبنای حقوق هر یک از اعضای جامعه بشری و سایر حقوق مبتنی بر مبنای مذکور می‌پردازیم که با همین مبنا برای طفل شبیه‌سازی شده در نظر گرفته نشده است:

کرامت، مبنای حقوق بشر

یکی از بحث‌های بنیادی در حقوق بشر، کرامت انسانی است. سند نهایی هلسینکی، کرامت انسانی را مرکز ثقل دیگر حقوق انسانی و آزادی‌های بنیادی قرار می‌دهد و در اصل هفتم مقرر می‌دارد: «تمام حقوق انسانی و آزادی‌های بنیادی از کرامت ذاتی فرد انسانی نشأت می‌گیرند». از نظر کمیسیون حقوق بشر، کرامت فرد انسانی غایت است.

۱. شریفی طرازکوهی، حسین، حقوق بشر (نظریه‌ها و رویه‌ها)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۰، ص ۷۵

۲. همان، ص ۷۵

۳. همان، ص ۹

۴. زمانی، سیدقاسم، «شبیه‌سازی درمانی و حق بر سلامتی در قلمرو حقوق بین‌الملل بشر»، پژوهش حقوق و سیاست، سال هشتم، شماره ۱۹، ۱۳۸۵، ص ۲۹

به طور کلی باید گفت از منظر حقوق بشر، فرض بنیادی تمام رژیم حقوق بشر عبارت است از نیاز به احترام به کرامت ذاتی هر فرد.

البته این کرامت، گاه خود به عنوان یکی از مصادیق حقوق بشر و زمانی نیز برای محدودسازی استقلال فردی مورد استناد واقع می‌شود. از سوی دیگر، این مفهوم گاه برای تعیین تابعان نظام حقوق بشر و زمانی نیز برای معین ساختن موضوعات مورد حمایت به کار می‌رود.^۱ پس پیش از بررسی حقوق طفل شبیه‌سازی شده، لازم است به بررسی اصل کرامت به عنوان مبنای سایر حقوق یا یکی از مصادیق حقوق بشر پرداخته شود:

مفهوم کرامت

در معنای کرامت انسان و لوازم آن، سخن بسیار است. از نگاه صاحب‌نظران، کرامت به معنی عزت و شرف و معادل واژه Dignity که در منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است، مرتبه‌ای والاتر از آزادی و صفت کسی است که نیکویی‌های استثنائی و چشم‌گیر دارد. این کرامت سلب‌ناپذیر از انسان، از نظرگاه ادیان الهی تجلی اراده حق تعالی است.^۲ بر اساس دیدگاه ادیان مسیحیت و یهودیت، کرامت انسانی بر مبنای ارتباط انسان با خداست؛ زیرا انسان با تصویر خداوند آفریده شده است. انسان‌ها، خدا را منعکس می‌کنند. بر اساس دیدگاه این ادیان، خداوند خود انسان را به وجود آورده است و بنابراین، می‌تواند با وی ارتباط داشته باشد. البته این دیدگاه از سوی مسلمانان^۳، ملحدان، هندوها و بودایی‌ها پذیرفته نیست. دیدگاه مسیحیان و یهودیان شامل آگاهی از طبیعت کرامت انسانی می‌شود که می‌تواند نقش اساسی در مباحث سیاسی بازی کند؛ زیرا برخی فعالیت دولت‌ها مثل عدم شناسایی حقوق والدین در به عهده گرفتن حضانت کودک خود، توجیهات دینی ندارد؛ بلکه بر مبنایی سکولار استوار است.^۴

۱. زمانی، سیدقاسم، «شبیه‌سازی درمانی و حق بر سلامتی در قلمرو حقوق بین الملل بشر»، ص ۲۹

۲. موحّد، محمدعلی، در هوای حق و عدالت، تهران، کارنامه، ۱۳۸۱، ص ۴۲۳

۳. به دیدگاه مسلمانان در صفحات بعدی اشاره خواهد شد.

4. Resnik, David B., "Embryonic stem cell patents and human dignity", Health Care Anal, 2007, p:215

به نوشته یکی از تحلیل گران اعلامیه جهانی حقوق بشر، قرار دادن اصل کرامت ذاتی در دیباچه اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان مبنای حقوق هر یک از اعضای خانواده بشری، همانا شناسایی گونه ای منزلت و حرمت خاص برای همه انسان هاست و به رغم اختلاف نظرها، کنه این مفهوم به زبان ساده و روشن، یعنی رعایت احترام همه توسط همه، هم چون سنگ پایه روابط انسانی متمدانه. از نظرگاهی کمابیش مشابه، دیگر نویسندگان، کرامت را بر دو نوع دانسته اند: کرامت ذاتی بشر که لاینفک ذات وجود اوست و کرامت غیر ذاتی بشر که عرض وجود اوست و از طریق اکتساب و تحصیل به دست می آید. هنگامی که موضوع حمایت از کرامت انسانی در برابر سوء استفاده های احتمالی از علم مطرح می شود، منظور از کرامت، کرامت ذاتی و ویژگی بنیادی نوع بشر است. ویژگی ای که انسان ها را از سایر آفریدگان متمایز می سازد و به بشریت عنوان مرکز عالم را عطا می کند. به عبارت دیگر، این معیار مبنای حقوق بشر محسوب می شود و هر کس که بر روی کره خاکی زندگی می کند، از این کرامت بهره می برد. در واقع کرامت ذاتی صرفاً ناشی از اراده شخص نیست؛ بلکه این کرامت انسان ها، ویژگی ای است که بیان گر انسانیت آنهاست و همه انسان ها در آن مشترک هستند.^۱

عبارت کرامت انسانی، مرکب از دو واژه کرامت و انسانی است. به عبارت دیگر، صفت انسانی، کرامت را توصیف می کند. کرامت به طور کلی عبارت است از وضعیت کسی که مستحق احترام است. وقتی که کرامت و انسانی در کنار هم قرار می گیرند، عبارت کرامت انسانی را تشکیل می دهند که به معنی وضعیت موجودات انسانی است که آنها را مستحق احترام می سازد. این وضعیت به طور ذاتی و ابتدایی به آنها عطا شده است. کرامت انسانی به عالی ترین ارزش اشاره دارد و حاکی از این واقعیت است که افراد انسانی پیش فرض ارزش هستند و در واقع با وجود آنها، ارزش معنا پیدا می کند.^۲

۱. رنجریان، امیرحسین و زهرا سیف، «چالش های حقوق بشری شبیه سازی انسان»، حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال سی و نهم، شماره ۱، ۱۳۸۸، صص ۱۴۲-۱۴۳
 ۲. صلح چی، محمدعلی و هیبت الله نژادی منش، «شبیه سازی از منظر حقوق بشر»، حقوق پزشکی، سال اول، شماره ۲، پاییز ۱۳۸۶، صص ۱۳۰-۱۳۱

واژه کرامت بر ارزش ذاتی و اخلاقی انسان تأکید دارد و از افکار فلسفی ایمانوئل کانت سرچشمه گرفته است. وی میان دو گونه اشیا در جهان تفاوت قائل شده است: اشیا با ارزش مادی و اشیا با ارزش غیرمادی یا کرامت. این نوع از اشیا هرگز با مادیات قابل ارزش‌گذاری نیستند. انسان‌ها نیز از نظر ارزشی با سایر موارد مثل حیوانات، گیاهان، سنگ‌ها و ساختمان‌ها متفاوت هستند؛ زیرا انسان‌ها دارای کرامت ذاتی هستند. ادیان اسلام، مسیحیت، یهودیت و حقوق طبیعی نیز این ارزش را پذیرفته‌اند.^۱

برخی از افراد تصور می‌کنند که تولیدمثل مصنوعی انسان به دلیل آن‌که مستلزم استفاده از ابزار در خلق انسان است، خلاف اصل کرامت انسانی می‌باشد. مشکل این‌جاست که تاریخ این اصل را از خلال اعمالی نظیر نسل‌کشی، که هم شأن و منزلت و هم زندگی انسان را تهدید می‌کند، طرح ریزی کرده است؛ در حالی که تولیدمثل مصنوعی انسان، به عکس، زندگی را تحت اشکال جدید و ناگفته تسهیل می‌کند.

بنابراین، باید با محدود ساختن خود به متون اصلی حقوق بین‌الملل که ارزشی نمادین (نظیر اعلامیه جهانی سال ۱۹۴۸) یا واقعی دارند (نظیر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی سال ۱۹۵۰ برای اروپا، یا پیمان مدنی و سیاسی سال ۱۹۶۶ سازمان ملل متحد)، به سیر تحول این اصل برگردیم. این متون، اصل برابری شأن تمامی انسان‌ها را تأیید کند: چه به عنوان بنیان مشترک تمامی حقوق بشر (ماده ۱ از اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ و پیش‌درآمد پیمان سازمان ملل متحد) و چه به عنوان بنیانی که مبنای ممنوعیت شکنجه و رفتارهای غیرانسانی قرار می‌گیرد (ماده ۳ کنوانسیون حمایت از حقوق بشر اروپا؛ پیمان سازمان ملل متحد ممنوعیت قرار دادن شخص بدون رضایت آزادانه او تحت آزمایش پزشکی یا علمی را نیز می‌افزاید) و برده‌داری را ممنوع می‌سازد (ماده ۴ کنوانسیون مذکور و ماده ۸ پیمان یادشده). ملاحظه می‌گردد که در موارد برشمرده شده، عبارت شأن و کرامت انسانی هم‌چنان به صورت

1. Resnik, David B., "Embryonic stem cell patents and human dignity", p:215 and Harris, John, *Clones, genes and reproductive autonomy the ethics of human cloning*, Oxford, The Center for social ethics and policy, p: 211 and Gethmann, C.F. and Thiele, F. "Moral arguments against the cloning of humans", *Poiesis Prax*, No.1, 2001, p: 42 and Bedford-Strohm, Heinrich, "Sacred body? Stem cell research and human cloning", *The ecumenical review*, p: 247 and McLaren, Anne, *Cloning*, Council of Europe, Paris, Pre-press unit, 2002, p: 85

ضمنی و تلویحی باقی می ماند و جز بیان ممنوعیت هایی که مبنای آن است، تعریف دیگری از عبارت مذکور ارائه نمی گردد.^۱

ضرورت تکمیل کردن این تحلیل با ارجاع به متون ویژه تولید مثل مصنوعی از همین جا ناشی می شود. اولین منع صریح تولید مثل مصنوعی انسان از پروتکل الحاقی به کنوانسیون شورای اروپا در مورد زیست پزشکی منتج می گردد، اما بر اصلی بسیار وسیع تر مبتنی است که در مقدمه کنوانسیون به ثبت رسیده است:

«اصل ضرورت احترام به موجود بشری هم به عنوان فرد و هم به عنوان موجودی متعلق به نوع بشر». مقدمه کنوانسیون در این باره خاطر نشان می سازد که استفاده نادرست از علم زیست شناسی و پزشکی احتمالاً به اعمالی منجر خواهد شد «که می تواند کرامت انسانی را به خطر اندازد»؛ یعنی شأن و کرامت انسانی نه تنها یک شخص، بلکه تمام بشریت را به خطر اندازد.^۲

از سوی دیگر، در بیانیه سازمان بهداشت جهانی، درباره کرامت بشری در مسأله شبیه سازی آمده است: «از نظر سازمان جهانی بهداشت، استفاده از شبیه سازی مولد برای ایجاد انسان از نظر اخلاقی، پذیرفتنی نیست؛ زیرا نوعی تجاوز به اصول اساسی است که روش های باروری مصنوعی را کنترل می کند. این اصول شامل کرامت انسانی است». ^۳ هم چنین اعلامیه جهانی یونسکو در خصوص ژنوم انسان و حقوق بشر، ممنوعیت «اعمالی را که مغایر کرامت انسان هستند، نظیر شبیه سازی مولد» توصیه می کند. ^۴ هم چنین از مقدمه کنوانسیون اخلاق زیستی و پروتکل ممنوعیت شبیه سازی پیداست که نویسندگان آن ها در پی احترام به انسان ها، به عنوان یک فرد و هم چنین به عنوان یکی از اعضای جامعه بشری هستند و اهمیت کرامت انسانی را دریافته اند. آنان هم چنین به خطراتی که در اثر سوء استفاده از علم پزشکی و زیست شناسی، کرامت انسانی را تهدید می کند، آگاه هستند.

۱. عباسی، محمود، «هماندسازی انسان، چالشی نو فراروی اخلاق و حقوق بشر»، حقوق پزشکی، سال اول، شماره سوم، زمستان ۱۳۸۶، صص ۷۵-۷۶

۲. همان، ص ۷۸

3. Burley, Justine and Harris, John, "Human cloning and Child welfare", p:66 and Harris, John, on cloning Thinking in action, New York, Routledge, 2004, p:211

۴. رنجبریان، امیرحسین و زهرا سیف، «چالش های حقوق بشری شبیه سازی انسان»، ص ۱۴۴

خطوط اول این سند، به مفهوم کرامت اشاراتی دارد و آن را امری مهم معرفی می‌کند که متعلق به انسان است و با استفاده نادرست از علم پزشکی در خطر قرار گرفته است. تنظیم‌کنندگان این سند در خطوط اولیه آن، ارزش‌هایی را برشمرده‌اند که باید در مقابل سوءاستفاده از علم پزشکی و ژنتیک مورد حمایت واقع شوند. آن ارزش‌ها، کرامت، هویت، عدم وجود تبعیض و احترام به درستی، حقوق و آزادی هستند. در سایه این ارزش‌ها، بخش چهارم این سند که با مهندسی ژنتیک مرتبط است، این موارد را تصریح می‌کند: «هرگونه تبعیض علیه افراد بر اساس ژنتیک افراد ممنوع است» (ماده ۱۱). بنابراین هرگونه آزمایش ژنتیک باید با ادله درمانی و با هدف کسب سلامتی فرد انجام شود و از فعالیت بر روی سلول‌های بدنی فراتر نرود (ماده ۱۳).

تعیین جنسیت نوزادان نیز تنها با هدف جلوگیری از بیماری‌های ارثی مربوط به جنس خاص قابل اجراست (ماده ۱۴).

دو ماده اول پروتکل شبیه‌سازی به موارد فوق افزوده شد که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود:

ماده اول: هرگونه مداخله در ایجاد یک انسان که از نظر ژنتیک به شخص دیگری (چه مرده و چه زنده) شبیه باشد، ممنوع است.

ماده دوم: هرگونه فسخ و ابطال قوانین این پروتکل باید بر اساس ماده ۲۶ پاراگراف اول همان کنوانسیون صورت گیرد.

مقدمه سند دوم نیز نشان می‌دهد که این مواد، ابزارانگاری انسان‌ها را با ایجاد انسان‌هایی که از نظر ژنتیک مشابه هستند، برخلاف کرامت انسانی دانسته است و بنابراین، از نظر آنان، از علوم پزشکی و زیست‌شناسی سوءاستفاده شده است. هم‌چنین، مواد مذکور، نشان می‌دهند که کاربرد شبیه‌سازی مسائل زیادی را برای طرفین مشارکت‌کننده در آن ایجاد می‌کند. بنابر مواد مذکور از دو سند، شبیه‌سازی کرامت و هویت انسانی را تهدید می‌کند.^۱

مخالفان شبیه‌سازی به دو دلیل، انسان حاصل از این فرآیند را از کرامت محروم می‌دانند:

1. Cutas, Daniela-Ecaterina, "Looking for the meaning of dignity in bioethics convention and the cloning protocol", Health care analysis, Vol.13, No.4, 2005, pp.: 503-505

۱- مخالفان شبیه سازی معتقدند که شبیه سازی انسانی باعث تغییرات اساسی در معنای انسان می شود؛ زیرا شبیه سازی عمل غیرجنسی است؛ در حالی که انسان کنونی، متولد از رابطه جنسی است. در تولیدمثل طبیعی، هر شخص و هر نسل، از کرامت و آزادی برخوردار است؛ همان طور که پیش از این، نسل های پیشین از آن برخوردار بودند. مداخله انسان در تولید و ایجاد یک کودک، غیر طبیعی است؛ بنابراین کرامت انسانی را مورد تجاوز قرار می دهد.^۱

این اصل از سوی مسیحیت نیز در این مسأله طرح می شود.^۲ در این صورت، انسان شبیه سازی شده از نظر این عده دارای حق کرامت نیست و شأنی برابر با سایر انسان ها ندارد؛ زیرا از طریق غیرطبیعی به وجود آمده است.

۲- عده ای دیگر نیز معتقدند پذیرش قدرت مطلق علم و خواست فرد به عنوان معیار اساسی، کرامت انسانی را در معرض خطر قرار می دهد. در واقع نویسندگان حقوقی و نمایندگان تفکرات فلسفی، شبیه سازی انسان را منجر به آسیب به کرامت بنیادی بشری می دانند که باید محدودیت هایی را بر آن اعمال کرد. از دید اینان، انسان شبیه سازی شده از همان کرامت و منزلتی که انسان های دیگر برخوردارند، بهره مند نخواهند بود؛ بلکه به کالایی تبدیل خواهد شد و یا آن گونه که برخی گفته اند برده داری نوین شکل خواهد گرفت و هوی و هوس پدیدآورنده بر موجود شبیه سازی شده مسلط خواهد گشت.^۳

در پاسخ به این عده می توان ادله زیر را اقامه کرد:

۱- در پاسخ به آن عده که معتقدند فرد شبیه سازی شده نسبت به سایر افراد ناشی از تولیدمثل جنسی، احترام و کرامت کمتری دارد، باید گفت که اصل بودن، مهم است و موجب جلب احترام می شود، نه نحوه به وجود آمدن. احترام و کرامت اطفال حاصل از

1. Cohen, Cynthia B., "The ethics of human reproductive cloning: when world views collide", p:188

2. Bedford-Strohm, Heinrich, "Sacred body? Stem cell research and human cloning", p: 274 and

برای مطالعه بیشتر بنگرید به: موسی زاده، محمد، «کرامت بشری و شبیه سازی انسان»، پژوهش های حقوقی، سال ششم، شماره ۱۱، صص ۲۵۱-۲۹۸.

۳. رنجریان، امیرحسین و زهرا سیف، «چالش های حقوق بشری شبیه سازی انسان»، ص ۱۴۳؛

"Decision of the Bioethics commission at the federal chancellery of 12 February 2003", available at: <http://www.austria.gv.at/DocView.axd?CobId=3601> (10 Nov 2010)

فرآیندهای کمک باروری نسبت به سایر افراد کمتر نیست. بنابراین، اطفال حاصل از این فرآیند نیز از کرامت و احترام برخوردار هستند.^۱

۲- در پاسخ به آن عده که معتقدند فرد شبیه‌سازی شده چون نتیجه فرآیند مذکور است، نسبت به سایر افراد، احترام و کرامت کمتری دارد، باید گفت که همگی ما حاصل یک فرآیند هستیم و به خواست والدینمان به این دنیا پا گذاشته‌ایم. علاوه بر این، بسیاری از والدین، نقش زیادی در پرورش کودکان خود برای مشاغل خاص و در نتیجه کرامت و احترام بیشتر ایفا می‌کنند. در گذشته نیز، والدین فرزندان خود را برای نگهداری از زمین و کشاورزی در آن پرورش می‌دادند. آیا این افراد به عنوان کالا یا ابزار در نظر گرفته می‌شدند؟ بسیاری از افراد معتقدند تکنیک شبیه‌سازی موجب پیدایش کودکانی می‌شود که فروخته خواهند شد. اما باید دانست که قوانین بسیاری وجود دارد که چنین اعمالی را ممنوع اعلام کرده است و بر همگان آشکار است که پیروی از این قوانین واجب و مفروض است.

این فکر جسورانه است که والدین بتوانند بدون توجه به عامل محیط، فرزندان خود را بار بیاورند. در روش کنونی تربیت فرزندان توسط والدین، کسی مدعی آن نیست که آنان کرامت و احترام فرزندان خود را از بین می‌برند. در نهایت، در صورتی که کنترل والدین بر فرزندان بیش از حد ممکن باشد، ما به دنبال آن خواهیم بود که حقوق کودک را در مرکز توجه قرار دهیم. بنابراین، در شرایط و زمان مناسب، این کنترل از والدین به فرزندان منتقل می‌شود. حال سؤال این است که چرا این کنترل به فرزندان حاصل از فرآیند شبیه‌سازی منتقل نمی‌شود؟ پس ادعای این گروه در عدم ملاحظه کرامت برای فرد شبیه‌سازی شده، مردود است. حتی شاید بتوان این ادعا را طرح کرد که فرد مذکور از ارزش بالاتری نیز برخوردار است؛ زیرا به روش ویژه‌ای به وجود آمده است.^۲

۳- در حالی که این عده، طفل شبیه‌سازی شده را از حق کرامت محروم می‌دانند، اسلام، این حق را برای وی منظور کرده است، زیرا این اصل ریشه در نصوص دینی و

1. Brock, Dan W., "Human cloning and our sense of self", Sience. Vol.296, No.5566, 2002, p:315

2. Spier, Raymond, "An approach to the Ethics of cloning humans via an examination of ethical issue pertaining to the use of any tool", p: 23

از جمله آیه «و لقد کرما بنی آدم»^۱ دارد و همه افراد بشر را از همه رنگ و تیره ها دربرمی گیرد.^۲ یکی از فقهای امامیه در این باره می فرماید: «کرامتی که قرآن برای بشر در نظر گرفته، شامل حال این طفل هم می شود، زیرا وی اولاد آدم است، هر چند که انتساب وی از طریق مادر صورت گیرد. منظور از کرامت در قرآن، که از سوی خداوند به انسان ها عطا شده، این است که آنان دارای نفسی ناطق هستند که قابلیت طی مدارج کمال را دارند».^۳

در تفسیر و توضیح این نظر می توان گفت که در اسلام نیز، کرامت انسان به واسطه چند عامل به او ارزانی شده است: اول، انسان حامل روح الهی است و در اثر نفخه روح الهی به صورت انسان ظاهر گشته است. دوم، انسان حامل ودیعه الهی عقل و عقلانیت است تا از آن طریق سره را از ناسره و حق را از باطل بشناسد. سوم، خداوند، جسم و ظاهر انسان را که در بین مخلوقات عالم به «اشرف مخلوقات» مزین گردیده است، به وی ارزانی داشت. از مطالب فوق معلوم می شود که از دیدگاه اسلام، کرامت انسانی بر دو گونه است: کرامت طبیعی (ذاتی) و کرامت الهی؛ در کرامت طبیعی یا ذاتی، همه انسان ها با هم برابرند؛ زیرا انسان ها بالذات دارای کرامت هستند. این نوع کرامت به واسطه صرف انسان بودن به وی عطا می شود.

اما کرامت الهی در اثر تلاش و مجاهدت انسان در راه ارزش ها و هنجارهای الهی به وی عطا می شود و «تقوای الهی»، مهمترین عامل چنین کرامتی است. به عبارت دیگر، کرامت ذاتی انسان، نمود درونی و ذهنی این مفهوم است، در حالی که کرامت الهی، نمود بیرونی و خارجی آن است. برای کرامت ذاتی، تلاشی از سوی انسان صورت نمی گیرد، اما برای تحقق و نیل به کرامت الهی، باید تلاش و مجاهدت صورت گیرد.

علاوه بر نظر فوق، هیچ یک از گروه های دانشمندان، علمای دینی و حقوقی، انسان بودن فرد شبیه سازی شده را انکار نمی کنند. از نظر خصوصیات جسمی، فرد شبیه سازی شده درست شبیه اصل خود است؛ بنابراین او از نظر ظاهری و اعضا و جوارح، یک

۱. اسراء، ۷۰.

۲. اسماعیل آبادی، علیرضا، حمیده یزدی مقدم و امیر باستانی، «تأملات اخلاقی و حقوقی در شبیه سازی انسان»، اخلاق و تاریخ پزشکی، سال اول، شماره ۲، ص ۳۸.

۳. حائری، سید کاظم، استفتائات حول الاستنساخ، ص ۳.

انسان است؛ او هم‌چنین در تعریف منطقی «حیوان ناطق» نیز می‌گنجد و دارای قوه تعقل و تفکر است. تنها امری که باقی می‌ماند، روح اوست که آن‌هم مسلم است که هر چیزی که در این عالم، دارای قوه حرکت و شعور است، روح دارد و لذا همه چیزهای جاندار و متحرک دارای روح هستند. بنابراین، انسان شبیه‌سازی شده از منظر اسلام دارای کرامت ذاتی است و نیز باید همچون سایر انسان‌ها برای به دست آوردن کرامت الهی تلاش کند.^۱

حقوق فرد شبیه‌سازی شده بر مبنای حقوق بشر

در این بخش به توضیح بعضی از حقوقی که نظام حقوقی غرب فرد شبیه‌سازی شده را از آن‌ها محروم می‌داند، می‌پردازیم و در نهایت، با ارائه ادله‌ای، نظریه آنان در این باره رد می‌کنیم.

۱-۲-۲-۲. حق داشتن آینده‌ای باز و آزاد

در دهه ۱۹۸۰ «جین فین برگ»^۲ حقی با عنوان «حق آینده‌ای باز» را برای کودک مطرح کرد. بدین معنا که اطرافیان نباید مانع فرصت طلایی آینده کودک خود شوند و مسیر شکل‌گیری آینده وی را مسدود کنند؛ زیرا هر کودکی باید با استفاده از این فرصت طلایی و با انتخابی آزادانه، مسیر زندگی خود را رقم بزند.

به نظر وی یکی از اعمالی که موجب پایمال شدن این حق یعنی داشتن آینده‌ای باز می‌گردد، نادیده گرفتن آموزش‌های اساسی و اولیه کودک است. عمل دیگر این است که او را به عنوان قلو‌ی پسین از یک دوقلو ایجاد نماییم؛ زیرا در این صورت او گمان خواهد برد آینده‌اش با انتخاب‌های قلو‌ی پیشین شکل گرفته است و به تعبیری تکراری است و نمونه‌های دیگر، هریک به نوعی این حق یعنی داشتن آینده‌ای باز را از وی سلب می‌کنند.^۳

۱. موسی‌زاده، محمد، «کرامت بشری و شبیه‌سازی انسان»، پژوهش‌های حقوقی، سال ششم، شماره ۱۱، ۱۳۸۶، صص ۲۵۳-۲۵۵

2. Feinberg

۳. محمدی، علی، شبیه‌سازی انسان، ملاحظات علمی، اخلاقی، حقوقی و فقهی، ص ۳۳۹؛ Brock, Dan W., "Human cloning and our sense of self", p:316; Tooley, Michael, "The Moral status of the cloning of humans", Bioethics, an Anthology, Australia, Black well Publishing, 2006, p: 169 and "Cloning human beings: Report and recommendations of the National Bioethics Advisory Commission", p:67

به تعبیر برخی، افراد شبیه سازی شده، دارای مشکلات روحی هستند؛ زیرا مردم انتظارات خاصی از ایشان خواهند داشت. زندگی فرد شبیه سازی شده، عمدتاً با فرد اهداکننده سلول مقایسه خواهد شد. بنابراین گفته می شود که فرد شبیه سازی شده، زندگی در سایه شخص اهداکننده را تجربه خواهد کرد. فرد شبیه سازی شده ممکن است، این اعتقاد را پیدا کند که زندگی او یکبار، قبل از وی، تجربه شده و در نتیجه از داشتن آینده ای آزاد محروم است. ما می دانیم که اهداکننده سلول چگونه زندگی کرده است، پس فرد شبیه سازی شده نیز مثل او زندگی خواهد کرد. او به عنوان نسخه فرد اول، از کیفیت زندگی پایین تری نسبت به او برخوردار است و زندگی مخصوص به خود را ندارد.^۱

بنابراین، شبیه سازی، حق داشتن آینده ای آزاد را از نوزاد می گیرد، زیرا فرد شبیه سازی شده غالباً به دنبال شیوه زندگی والد خود خواهد رفت و در یک بیان کلی می توان گفت که انسان شبیه سازی شده، حق آزادی انتخاب «اتفاقی» خود، یعنی این که در جهان فقط یکی همچون او آمده است را، برای همیشه از دست خواهد داد.^۲

در پاسخ به عدم شناسایی این حق برای طفل شبیه سازی شده، باید اذعان نمود که اولاً این دلیل بر فرضیه نادرست جبرگرایی ژنتیک استوار است که مطلبی نادرست و غیرعلمی است؛ زیرا هویت و شخصیت انسانی از دو عامل ژنتیک و محیط شکل می گیرد؛^۳ این گروه، تنها به عامل وراثت نظر دارند و به عامل دیگر، یعنی محیط که در شکل گیری شخصیت و ویژگی های روحی و جسمی کودک مؤثر است، توجه نمی کنند. بنابراین فرد شبیه سازی شده، کپی و نسخه دقیق فرد اهداکننده سلول نیست^۴ و علاوه بر ژنتیک، عوامل محیطی مثل محیط های رحم مادر، تربیت و آموزش بر شکل گیری شخصیت وی مؤثرند.^۵

1. Macintosh, Kerry Lynn, **Illegal beings human clones and the law**, p: 28 and Harris, John, **Clones, genes and reproductive autonomy the ethics of human cloning**, p: 91 and Watt, Helen, **"Thinking twice: Cloning and in vitro fertilization, Ethics & Medicine"**, p:35

۲. عباسی، محمود، «هماندسازی انسان، چالشی نو فراروی اخلاق و حقوق بشر»، ص ۵۷؛

۳. محمدی، علی، شبیه سازی انسان، ملاحظات علمی، اخلاقی، حقوقی و فقهی، ص ۳۴۰

4. Macintosh, Kerry Lynn, **Illegal beings human clones and the law**, pp.:19-20

5. **"Human somatic cell nuclear transfer(Cloning)"**, Fertility and Sterility, Vol.74, No.5, 2000, p: 874

ثانیاً بر فرض که آگاهی از خصوصیات ژنوم‌ها، نقض آزادی و بی‌خبری باشد، عدم آگاهی انسان از عملکرد برخی ژنوم‌های آدمی مثل ژن X نیز نقض این حق خواهد بود و مدعیان این دلیل، باید مخالف دیگر روش‌های بارداری همچون IVF و حتی روش بارداری طبیعی نیز باشند.

ثالثاً آیا این بی‌خبری، یک حق است؟ این حق از کجا ثابت شده است؟ وقتی ثابت شود که خبر داشتن از ترکیب ژن‌ها باعث سلب آزادی عمل نمی‌شود، شاید دیگر نتوان از بی‌خبری به عنوان یک حق نام برد.^۱

رابعاً دانستن این نوع اطلاعات می‌تواند مفید هم باشد؛ زیرا انتخاب قلو ی پسین بر اساس زندگی قلو ی پیشین بسیار راحت‌تر خواهد بود؛ یعنی فرد می‌تواند بر اساس موفقیت به دست آمده از سوی قلو ی پیشین، تصمیمات دقیق‌تر و بهتری را اتخاذ نماید.^۲

خامساً زندگی دوقلوهای همسان که دارای ژنوم مشترک هستند، نیز ثابت می‌کند که دو فرد مشابه می‌توانند زندگی‌های متفاوتی را تجربه کنند.^۳ البته پاسخ درون دینی به این ادعا، نیز وجود دارد:

از دید اسلام نیز امکان یکسان بودن دو فرد از تمامی جهات (جسمی، روانی، روحی و ...) وجود ندارد، آنچه می‌توان به عنوان دیدگاه اسلام درباره عوامل سازنده ساختار یک فرد مطرح کرد، این است که سازمان ژنتیک فرد (وراثت) و محیط به منزله دو ماده خام هستند که خمیر مایه اولیه فرد را تشکیل می‌دهند؛ اما آنچه از فرد به عنوان رفتار و نمود حرکات صادر می‌گردد، پس از عبور این مواد خام از فیلتری بسیار قوی به نام اراده است. به همین جهت، اسلام هر فردی را پاسخ‌گوی رفتار خود می‌داند.

دقیقاً می‌توان این حالت را به کارخانه‌ای تشبیه کرد که مواد خام وارد آن می‌گردند و پس از مراحل، به اندازه‌های لازم ترکیب می‌شوند و آنگاه ماده جدید با شکلی متفاوت از مواد خام عرضه می‌گردد. در انسان نیز، وجود نیرویی به نام اراده، بر جریان

۱. اسماعیلی، مصطفی، «شبیه‌سازی و پیامدهای فقهی، کلامی و اخلاقی آن»، حقوق پزشکی، سال سوم، شماره ۸، بهار ۱۳۸۸، ص ۱۳۰

2. Tooley, Michael, "The Moral status of the cloning of humans", p:170

3. Ibid, p:170

وراثت و محیط حاکم است و مجموع دو عنصر (وراثت و محیط) در رابطه طولی با عنصر اراده هستند. بنابراین، در صورت شبیه سازی ژنتیک انسان ها، نباید این انتظار وجود داشته باشد که رفتار آن ها یکسان باشد.^۱ در این صورت، این دو فرد قطعاً زندگی متفاوت از هم را تجربه می کنند؛ فرد دوم هم می تواند برای آینده خود، تصمیمات لازم را مستقلاً و بدون تأثیر از اهداکننده سلول بگیرد.

۲-۲-۲-۲. حق استقلال اراده و آزادی

در اهمیت آزادی و استقلال بشر که لازمه اصلی و اساسی زندگی اوست، هرچه بگوییم کم است؛ زیرا انسان ها آزاد به دنیا می آیند و مطابق قواعد اجتماع خود باید آزاد زندگی کنند. حال آن که از دیدگاه حامیان حقوق بشر، شبیه سازی مولد انسان منجر به خدشه و صدمه به استقلال و آزادی وی می شود؛ پس باید به هر صورتی ممنوع اعلام شود. این گروه، ادعای خود را به چندین صورت طرح می کنند:

- اگر کودکان حاصل از شبیه سازی به عنوان مال، شیء یا برده منبع کلون و ابداع کنندگان شبیه سازی محسوب شوند، منجر به سلب آزادی آن ها خواهد شد.

این درحالی است که بر فرض تحقق شبیه سازی و مشروع بودن آن، هر کودک شبیه سازی شده شخصی با تمام حقوق قانونی و اخلاقی خواهد بود، بدون آن که متعلق به فاعل شبیه سازی باشد. لذا ممنوعیت قتل، تجاوز، بهره کشی از کودک و سایر حمایت ها از کودکان، در مورد افراد شبیه سازی شده هم باید اعمال شود. به عبارت دیگر، تصمیم گیری در خصوص ژن های شخص و استفاده از DNA فرد موجود برای به دنیا آوردن یک کودک، به منبع کلون و ابداع کنندگان شبیه سازی حقی اضافی برای تسلط کامل یا مستبدانه بر کودک حاصل از این فرآیند عطا نمی کند. اما در هر حال به دلیل امکان سوءاستفاده از این پدیده و زیر پا گذاشتن حق استقلال فرد شبیه سازی شده، بهتر آن است که مانع انجام چنین اعمالی شویم.^۲

- گروهی معتقدند که ژن ها، اعمال افراد را کنترل می کنند و با انتخاب ژن های یک فرد می توان تعیین کرد که او چه کسی باشد؛ لذا شبیه سازی و انتخاب DNA فرد حاصل منجر به نقض استقلال وی خواهد شد؛ زیرا با چنین پیش فرضی، گزینش یک

۱. نورمحمدی، غلامرضا، شبیه سازی انسان، بیم ها و امیدها، ص ۶۲

۲. رنجبریان، امیرحسین و زهرا سیف، «چالش های حقوق بشری شبیه سازی انسان»، صص ۱۴۶-۱۴۷

گروه از ژن‌ها برای شخص، می‌تواند او را از استقلال که در صورت داشتن مجموعه ژن‌های دیگر می‌داشت، محروم نماید.^۱

- صورت دیگر که احتمال نقض استقلال افراد را پیش می‌آورد، انتظارات والدین مبتنی بر انتخاب ژنوم است. نگرانی این است که چون انتخاب ژن‌ها معنای خاصی برای والدین دارد، زوج‌ها از کودک خود بخواهند یا توقع داشته باشند که زندگی منبع ژن را تقلید و کپی‌برداری نماید. بدین ترتیب آن‌ها با راهنمایی کودک برای برآورده ساختن انتظارات خویشان، او را از توانایی برای انتخاب مسیر زندگی خودش محروم کنند؛ در نهایت، این امر منجر به آن شود که کودک، خود را فاقد آزادی عمل و محدود به آن چیزی تصور می‌کند که اهداکننده DNA او عمل می‌کرده است. آنچه محصول این تصور خواهد شد، از میان رفتن استقلال و آزادی کودک شبیه‌سازی شده است.^۲

این موضوع نیز از افکار کانت و هگل سرچشمه گرفته است. هگل در بحث فلسفه حقوق معتقد است که وظیفه پدر و مادر خوب، تأمین حق استقلال کودک است. والدین، در این نظریه، باید به دنبال این باشند که فرزندان‌شان، زندگی مستقل از آنان داشته باشند.^۳ اما این وظیفه در خلال فرآیند شبیه‌سازی محقق نمی‌شود؛ زیرا فرزندان در اثر شباهت ژنتیک به اهداکننده DNA، استقلال خود را از دست می‌دهند.^۴ تنها در خلال تولیدمثل جنسی است که طفل می‌تواند متفاوت از پدر و مادرش زندگی کند. برخی معتقدند که عدم اطمینان از نتیجه در فرآیند تولیدمثل جنسی می‌تواند تضمین‌کننده شرایط فوق باشد، در حالی که در شبیه‌سازی چنین نیست.^۵

- علاوه بر انتظارات والدین، ممکن است جامعه نیز از فرد شبیه‌سازی شده، انتظارات ویژه‌ای داشته باشد. در این زمینه اگر قلوئ پسین، نسخه شبیه‌سازی شده یک فرد والامقام دارای قابلیت‌ها و کمال ممتاز باشد، ممکن است همواره جایگاه خود را با او مقایسه کند و برای وصول به معیارهای عالی، توانایی‌ها و فضایل قلوئ پیشین، تحت فشار مضاعفی قرار گیرد.

۱. رنجریان، امیرحسین و زهرا سیف، «چالش‌های حقوق بشری شبیه‌سازی انسان»، ص ۱۴۷

۲. همان، ص ۱۴۷

3. Burley, Justine and Harris, John, "Human cloning and Child welfare", p: 9

4. Macintosh, Kerry Lynn, *Illegal beings human clones and the law*, p:28

5. Spier, Raymond, "An approach to the Ethics of cloning humans via an examination of ethical issue pertaining to the use of any tool", pp.: 21-22

مسئلاً وجود چنین فشارهایی بر فرد شبیه سازی شده، مسیر زندگی او را تا حد زیادی تحت تأثیر خود قرار می دهد؛ به گونه ای که شاید او بکوشد گزینش ها و انتخاب های زندگی خود را مطابق با این انتظارات انجام دهد. این به تعبیر برخی از کارشناسان، استقلال و آزادی وی را با چالش جدی روبرو می کند.^۱

سیزدهمین اصلاحیه قانون اساسی آمریکا نیز، برده داری و کار اجباری را که ممکن است شبیه سازی را تحت پوشش ممنوعیت خود قرار دهد، ممنوع اعلام کرده است؛ زیرا شباهت ژنتیک می تواند استقلال فرد را نابود کند و در نتیجه، انتخاب های وی را که ناشی از فردیت اوست، کاهش دهد.^۲

۲-۲-۳. حق سلامت جسم و روان

حق بر سلامتی، یک حق اساسی بشری است که حتی برای اجرای دیگر حقوق بشری لازم و ضروری قلمداد می شود.

هر انسانی حق دارد از بالاترین استاندارد قابل حصول سلامتی جهت داشتن یک زندگی با کرامت برخوردار باشد. اساس نامه سازمان جهانی بهداشت (۱۹۴۴) سلامتی را نه صرفاً به معنای فقدان بیماری، بلکه به مفهوم سلامت کامل جسمی و روانی قلمداد کرده و هدف سازمان را ارتقای سطح سلامتی تمام افراد بشر تا بالاترین حد ممکن تلقی نموده است (مقدمه و ماده ۱). حق بر سلامتی پس از آن که در بند ۱ ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر به رسمیت شناخته شد، در جامع ترین مفهوم خود در ماده ۱۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ مورد توجه قرار گرفت. بر اساس این ماده، کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را به تمتع از بهترین حال سلامتی جسمی و روانی ممکن الحصول به رسمیت می شناسند.

حق بر سلامتی در دیگر اسناد بین المللی نیز از شأن و منزلتی رفیع برخوردار گشته است. ماده ۵ کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی (۱۹۶۵)، مواد ۱۱ و ۱۲ کنوانسیون امحای کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹)، ماده ۱۶ منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم (۱۹۸۱) و ماده ۱۰ پروتکل الحاقی به کنوانسیون آمریکایی حقوق

۱. محمدی، علی، شبیه سازی انسان، ملاحظات علمی، اخلاقی، حقوقی و فقهی، صص ۳۶۲-۳۶۳

2. Spier, Raymond, "An approach to the Ethics of cloning humans via an examination of ethical issue pertaining to the use of any tool", p:21 and Chadwik, Ruth F., "Cloning", philosophy, Vol.57, No.220, 1982, p: 204

بشر در حوزه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از حق بر سلامتی سخن رانده‌اند. بنابراین، با توجه به مجموع اسناد بین‌المللی فوق‌الذکر، و نیز شناسایی حق بر سلامت در قوانین اساسی و عادی اغلب کشورها می‌توان این حق را از جمله حقوق بنیادی قلمداد کرد که گستره‌ای به وسعت جامعه جهانی دارد و نه فقط دولت‌ها، بلکه تمام اعضا جامعه، یعنی افراد به ویژه متصدیان امور بهداشتی و پزشکی، خانواده‌ها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی در تحقق حق بر سلامتی مسؤولند.^۱

مخالفان شبیه‌سازی با استناد به موارد مذکور معتقدند که فرآیند شبیه‌سازی برای ایجاد یک کودک سالم، فرآیند مطمئنی نیست و سلامتی وی را به خطر می‌اندازد؛ از همین رو، آن را غیراخلاقی می‌شمارند. این گروه بر این اعتقادند این تکنولوژی که منجر به تولید دالی (گوسفند معروف) شد، در ۲۷۷ مورد، فقط در یک مورد موفق بود. بنابراین، در جریان شبیه‌سازی، تعداد زیادی از انسان‌ها در مرحله جنینی یا پس از آن می‌میرند. برخی نوزادان نیز با ناهنجاری‌های شدیدی به دنیا می‌آیند.^۲ این، معمولی‌ترین پیامد شبیه‌سازی است؛ زیرا احتمال موفقیت این فن‌آوری در حال حاضر ۳ تا ۵ درصد است. بنابراین، بشر با این احتمال نگران‌کننده روبه‌روست که نتایج شبیه‌سازی، زیاد قابل پیش‌بینی نیست.^۳

یک نگرانی عمده دیگر در شبیه‌سازی این است که ماده ژنتیک گرفته شده از یک فرد بزرگسال، به گونه‌ای فرآیند عمر را طی کند که ژن‌های موجود در نوزاد شبیه‌سازی شده، در زمان تولد، برای مثال ۳۰ سال یا بیشتر از عمر خود را گذرانده باشد. بیشتر شبیه‌سازی بر روی حیوانات، باعث ایجاد حیوانات غول‌آسا و بروز ناهنجاری‌های چشم‌گیر شده است. این بدان معنا است که دانشمندان، رویان‌هایی را که

۱. زمانی، سیدقاسم، «شبیه‌سازی درمانی و حق بر سلامتی در قلمرو حقوق بین‌الملل بشر»، صص ۲۹-۳۲

2. Melo-Martin, Inmaculada, "On cloning human beings, Bioethics", Vol.16, No.3, 2002, p: 248 and Harris, John, "On Cloning thinking in action", p: 109 and Macintosh, Kerry Lynn, *Illegal beings human clones and the law*, p: 143 and Verma, K K and Saxena, "Human cloning: A biological objection to it", Resonance, 1999, p: 38

۳. نورمحمدی، غلامرضا، شبیه‌سازی انسان، بیم‌ها و امیدها، ص ۱۱۶؛ اسماعیل‌آبادی، علیرضا، حمیده یزدی مقدم و امیر باستانی، «تأملات اخلاقی و حقوقی در شبیه‌سازی انسان»، ص ۴۲؛

Annas, George, J., "Scientific discoveries and cloning: challenges for public policy", Ethical issue in human cloning, New York, Seven bridges press, 2000, p:198

شبیه سازی می کنند، در رحم قرار می دهند و سپس هر کدام را که در مرحله رشد، ناقص به نظر آیند، نابود می کنند.^۱

علاوه بر این، عده ای معتقدند که نوزادان شبیه سازی شده، مبتلا به سندروم بزرگی (LOS)^۲ می شوند که در حیوانات رخ داده است. این فرآیند حاصل اختلالاتی است که در فرآیند انتقال به رحم پیش می آید.^۳

عده ای دیگر نیز معتقدند که استفاده از فرآیند شبیه سازی باعث می شود که مصونیت نسل بشر در برابر بعضی از بیماری ها از بین برود؛ زیرا شبیه سازی باعث از بین رفتن موانع طبیعی موجود در بدن انسان در مقابل این بیماری ها می شود. توضیح این مطلب بسیار ساده است؛ بیماری های مسری افرادی را که دارای ساختار ژنتیک مشابهی هستند، به راحتی از بین می برد. این در حالی است که اگر افراد دارای ساختار ژنتیک مشابهی نباشند، مقاومت متفاوتی را در قبال بیماری از خود نشان می دهند.^۴

بنابراین، کودک شبیه سازی شده به خاطر این که در خلال این فرآیند به وجود می آید، دچار مشکلات حاد جسمانی است که حق سلامتی وی را به خطر می اندازد و این خطر از سوی کسانی مطرح می شود که اقدام به ایجاد این کودک از طریق فرآیند شبیه سازی می کنند؛ یعنی اهداکنندگان سلول و تخمک و پزشکان. در سایر روش های نوین باروری نیز این مسأله مطرح است و حتی در سایر کشورها کودکان می توانند به خاطر ورود ضرر به خود در خلال این فرآیندها علیه پدر و مادر خود و پزشکان در دادگاه طرح دعوا کنند.

نظریه یاد شده از سوی افرادی در غرب و کشورهای اسلامی مردود شناخته شده است:

۱- برخی در پاسخ به این مطلب می گویند در تولید مثل طبیعی نیز، جنین هایی به وجود می آیند که می میرند یا توان زندگی ندارند. بسیاری از جنین هایی که از طریق تولید مثل جنسی به وجود می آیند، نیز ناهنجارند و از بین می روند. این مسأله آن قدر

۱. دریایی، محمد، اسرار خلقت و شبیه سازی انسان در قرآن، تهران، سمیع، ۱۳۸۷، ص ۱۴۹

2. Large Offspring Syndrome

3. Illmensee, Karl, "Cloning and risk factors", Journal of Assisted Reproduction and Genetics, Vol.18, No.8, 2001, p: 477

4. Heimbach, Daniel R., 1999, "Cloning Humans", available at:

http://www.ncfamily.org/policy/papers/findings/human_cloning.Pdf (20 Nov 2010)

گسترده است که حتی رشته‌ای در علم پزشکی برای مطالعه و بررسی آن ایجاد شده است. اصطلاح رایج برای این مشکلات مثل تولد کودکان به هم چسبیده با یک سر، تولد کودکان بدون بعضی از اعضا، تولد کودکان بدون مغز و ... تولدهای هیولوار^۱ است.

بنابراین، واضح و روشن است که تولید مثل جنسی نیز روشی است که در آن، خطر مرگ یا ناهنجاری برای جنین وجود دارد. اما این روش را غیر مطمئن و فاقد امنیت لازم ندانسته‌اند. بارداری به روش تولید مثل جنسی نیز می‌تواند برای مادر خطرناک باشد. ثابت شده است که بارداری جنین برای ۹ ماه بسیار خطرناک‌تر از سقط آن و یا عدم باروری برای زنان است.

خطر مرگ در روش تولید مثل جنسی حدود ۸۰ درصد و خطر بروز ناهنجاری در جنین، حدود ۳ تا ۵ درصد است. بنابراین، هر چند که شبیه‌سازی نیز با خطر نابودی و بروز ناهنجاری در جنین‌ها همراه است و نمی‌توان آمار دقیقی از این ناهنجاری‌ها و نابودی در انسان ارائه داد؛ اما نمی‌توان این نظر را، به عنوان دلیلی برای منع شبیه‌سازی محدود به زوجین نابارور پذیرفت.^۲

۲- برخی دیگر نیز معتقدند که تحقیقات در حیوانات ثابت می‌کند که بسیاری از مشکلات جسمی حیوانات شبیه‌سازی شده برای نوع انسان رخ نمی‌دهد. برای نمونه، شبیه‌سازی طول تلومرها را در انسان کاهش نمی‌دهد و هم‌چنین نوزادان انسان حاصل از فرآیند IVF مبتلا به LOS نمی‌شوند؛ بنابراین، کودکان حاصل از فرآیند شبیه‌سازی نیز به آن مبتلا نمی‌شوند؛ زیرا ادله علمی و ژنتیک برای اثبات آن وجود دارد؛ اما در مورد سایر مشکلات مطرح نیز باید اذعان کرد که ورود چنین آسیب‌هایی به این کودکان هنوز اثبات نشده است.^۳

۳- اما برخی دیگر، با تعریف مجدد و نو از ضرر سعی کرده‌اند، این استدلال را تضعیف نمایند. عده‌ای از فیلسوفان، در این باره بحث نموده‌اند. برای نمونه پاریفت،^۴ برای استدلال خود، دختر ۱۴ ساله‌ای را مثال می‌زند که می‌خواهد دارای فرزندی شود.

1. Monstrous births

2. Harris, John, "On Cloning thinking in action", pp.: 109-110 and Macintosh, Kerry Lynn, **Illegal beings human clones and the law**, pp.:143-144

3. Macintosh, Kerry Lynn, **Illegal beings human clones and the law**, p:143

4. Parfit

اما از آن جا که وی جوان است، دارای فرزندى ناقص الخلقه مى شود. اگر آن دختر چند سال صبر مى کرد، مى توانست صاحب فرزندى سالم شود.

بر اساس استدلال وی، کودک متولد شده، از آن جهت که فرزند بعدى موقعیت بهتری خواهد داشت، آسیب ندیده است؛ بلکه تنها راه حل کودک اول این است که به دنیا نیاید. وی بعداً نظریه آسیب به کودک را رد کرده است.

فین برگ مثال دیگری مى زند که در آن، زن و شوهری به دنبال فرزندآوری هستند، درحالی که مى دانند فرزند حاصل، دارای ناهنجاری خواهد بود. او معتقد است که این زوج به فرزند صدمه نمى زنند:

«صدمه و ضرر این است که فرد را در وضعیت بدتری نسبت به قبل قرار دهی، البته اگر غفلتی در آن رخ نداده باشد... [کودک] هرگز به وجود نمى آمد».

وی نیز هم چون پارفیت، توانسته است این استدلال را تضعیف کند. اما وی هم چنان معتقد است که این کودک نباید متولد مى شد، زیرا این شرایط آن قدر سخت و دشوار است که وی نمى تواند آن را اداره کند و این زندگی ارزش ندارد.

هر دوی این نویسندگان، بر این اعتقادند که صدمه و ضرر به شخص آن است که مانع اجرای راه حل دیگری شویم. بر این اساس، تولد کودک نمى تواند ضرر تلقى شود، مگر آن که آن کودک در شرایط دیگری متحمل ضرر کمتری مى شود.

با وجود این، تعریف مذکور از ضرر، مورد چالش واقع شده است. جان هریس^۱ تعریف فین برگ را از ضرر رد مى کند و معتقد است که ضرر به معنای قرار دادن انسان در موقعیتی است که در آن فرد، ناتوان مى شود یا منافع و حقوقش از بین مى رود. از دیدگاه هریس، صدمه و ضرر آن است که فرد در شرایط خطرناک و ناتوان کننده قرار گیرد و این تعریف شامل تمام شرایط حتى شرایط حاشیه ای نیز مى شود و هم چنین، برای افراد نیز جلوگیری از آن امکان نداشته باشد. بنابراین، هریس، تعاریف پارفیت و فین برگ را رد مى کند. او نمى پذیرد که صرف ممانعت از اجرای راه حل دیگر، ضرر تلقى شود.

در نتیجه، اگر عدم پذیرش تعریف فین‌برگ از سوی هریس، معنادار باشد، او باید اعلام کند که بدتر کردن شرایط فرد متضرر کافی است، اما ضروری نیست. این تفسیر، دامنه تعریف هریس از ضرر را نسبت به دو تعریف قبلی بیشتر می‌کند.

با وجود این، هریس و فین‌برگ به دنبال پیشنهاد تعریف ضرر بر اساس نظریه اخلاقی حقوق‌مدار هستند. این نظریه، بر این مبنا استوار است که تمام وظایف از حقوق ناشی می‌شوند. بر این اساس، تمام ضررها و صدمات از انکار حقوق فرد محق ناشی می‌شوند.^۱

بنابراین، در مسأله شبیه‌سازی نیز والدین یا پزشکان در برابر ورود ضرر به طفل حاصل از این فرآیند، هیچ مسؤولیتی ندارند.

۴- پاسخ درون دینی به این نظریه چنین است:

اشکال این است که فرد شبیه‌سازی شده، بیش از نوزادان تولد یافته به روش تولید مثل عادی با ازدواج، در معرض رخدادهای و آفت‌ها قرار می‌گیرند و اقدام به کاری که موجب دچار شدن فرد به این گونه رخدادهای گردد، آسیب رساندن به این نوزادان شمرده می‌شود؛ پس این کار جایز نیست. آیت الله مؤمن در پاسخ به این اشکال می‌فرماید: «معنای آسیب رساندن حرام به فرد دیگر این است که آسیب، بر انسانی وارد شود که خود، دارای چنین آسیبی نبوده باشد و از ناحیه آن سالم باشد؛ ولی اقدام بر پدید آوردن انسانی که قدرت بر نگاه‌داری خود، از بسیاری آفت‌ها ندارد، اقدام بر وارد آوردن آسیب بر انسانی سالم تلقی نمی‌شود؛ بلکه اقدام بر به وجود آوردن انسانی ضعیف است که به اندازه افراد انسان، قدرت بر حفظ و نگاه‌داری خود از آفت‌ها ندارد. بنابراین ادله حرمت آسیب رساندن به دیگری، شامل آن نمی‌شود و دلیل دیگری نیز بر حرمت آن وجود ندارد و اصل عملی، عقلی و شرعی، اقتضای جواز آن را دارد».^۲

۴-۲-۲-۲. حق بی‌خبری از آینده^۳

در دهه ۱۹۸۰، «هانس یوناس» فیلسوف آلمانی در بررسی خود از مشکلات احتمالی شبیه‌سازی، درباره پایداری شدن حقی به نام «حق بی‌خبری» سخن گفته بود. به

1. Pattinson, Shaun D., "Reproductive cloning: can cloning harm the clone?", pp.: 303-304

۲. مؤمن، محمد، «شبیه‌سازی»، صص ۱۱۵-۱۱۶

3. The right to Ignorance

نظر وی بی خبری به یک معنا «شرط تحقق آزادی انسانی» است؛ لذا هر گونه تخطی و نقض آن موجب می شود، استقلال و خود مختاری فردی به مخاطره بیفتد؛ با این دیدگاه چون شبیه سازی حق بی خبری را نقض می کند، باید ممنوع گردد.

یوناس در اثبات ادعای خود به فاصله معنی دار آغاز حیات قلوی ژنتیکی حاصل شده از تکنیک شبیه سازی به نام قلوی پسین و فرد اصل یا قلوی پیشین اشاره می کند که اساساً با هم زمانی شروع زندگی دوقلوهای تک تخمکی یا همسان طبیعی متفاوت می باشد. گرچه دوقلوهای هم زمان زندگی خود را با یک ژنوم شبیه به هم آغاز می کنند، لیکن انتخاب مسیر زندگی با بی خبری و ناآگاهی از انتخاب های دیگری صورت می پذیرد. هر یک از آنها فارغ از هرگونه فشار و بر طبق میل و اراده شخصی، آینده مخصوص خود را از میان آینده های موجود انتخاب می کنند، فارغ از این که دیگری چه انتخابی خواهد کرد. در این راستا، جهالت و بی خبری از اثر ژنوم شخصی بر آینده فرد برای ساخت آزادانه، خودانگیخته و صحیح یک زندگی و حتی شخصیت وی ضروری می باشد.

یوناس مدعی است که قلوی پسین حاصل شده از شبیه سازی، مسائل بیشتری از خودش می داند یا حداقل معتقد است که می داند؛ زیرا در گذشته فرد دیگری در دنیا (قلوی پیشین فرد) می زیسته است که با همان الگوی ژنتیک، گزینش های زندگی خود را انجام داده است و هم اکنون نیز همان ژنوم در وی (فرد شبیه یا قلوی پسین) موجود است؛ لذا ممکن است این گونه برداشت شود که زندگی فرد شبیه سازی شده، قبلاً توسط فرد دیگری صورت گرفته است و به تعبیری تقدیرش پیشتر مشخص شده است. این امر باعث می شود قلوی پسین بی سابقگی و تکراری نبودن ساخت خود و هم چنین آینده خود را از دست بدهد. لذا یوناس که سعی و تلاش قلوی پیشین برای تعیین تقدیر فرد دیگری با این روش را عملی ظالمانه می داند، خواستار ممنوعیت شبیه سازی می گردد.^۱

1. Brock, Dan W., "Human cloning and our sense of self", p: 316 and "Cloning human beings: Report and recommendations of the National Bioethics Advisory Commission", p:66

از این منظر، اهداکنندگان سلول و تخمک یا به عبارت دیگر، والدین طفل شبیه‌سازی شده با انجام عمل شبیه‌سازی، این حق طفل را مورد تجاوز قرار می‌دهند. بر این مبنای فلسفی، کودک باید بتواند بدون دخالت والدین خود، آینده خود را بسازد؛ در فرآیند شبیه‌سازی، والدین بر خورداری کودک از این حق را از وی سلب می‌کنند، زیرا فرد شبیه‌سازی شده دارای ساختار ژنتیک یکسانی با اهداکننده سلول است که باعث می‌شود فرد مذکور تا حد زیادی از آینده خود آگاهی داشته باشد و به همین جهت، انتخاب‌های محدودتری را نسبت به سایر اطفال دارا باشد.

پاسخ این است که اولاً پذیرفتنی نیست که استقلال فرد یا توانایی فرد در زندگی کردن، با این نوع آگاهی از اهداکننده سلول از بین برود. علاوه بر این، برای پیشرفت در زندگی، فرد باید درباره محدودیت‌ها و نقاط ضعف و قوت زندگی‌اش بداند؛ زیرا رسیدن به هدف، منوط به بررسی شرایط است. بسیاری از مردم، امروزه برای این‌که بدانند آیا مشکلات ژنتیک دارند یا آن‌که فرزندان‌شان دارای چنین مشکلاتی خواهند شد، آزمایش‌های ژنتیک انجام می‌دهند. این مردم، اطلاعات مزبور را برای مدیریت بهتر زندگی‌شان مورد استفاده قرار می‌دهند.

فرد شبیه‌سازی شده نیز در معرض اطلاعات مشابهی از اهداکننده سلول است. چرا دسترسی به این اطلاعات باید بد به نظر برسد؟^۱

ثانیاً این نگرش مبتنی بر نوعی جبرگرایی و حتمیت زیستی است که هویت انسانی را تنها برآیند مجموعه‌ای از ژن‌های وی می‌داند و بس. در این نظریه، عامل محیط نادیده انگاشته شده است و این در حالی است که شخصیت انسان متکون از هر دو این عوامل است. یعنی در شکل‌گیری آینده هر فرد، علاوه بر ژن‌ها، محیط نیز مؤثر است.

ثالثاً با طرح پروژه جهانی ژنوم بشری و حتی پیش از آن با گسترش دانش ژنتیک عملاً حق ندانستن نقض شده است. اگر گزارش‌های این پروژه که چندین کشور بزرگ جهان در آن مشارکت دارند، منتشر شود، روشن خواهد شد که دانشمندان می‌توانند عملکرد یکایک ژن‌های هر کس را شناسایی کنند و بدین ترتیب، آینده زیستی او را نشان دهند.^۲

1. Kuhse, Helga, "Should cloning be banned for the sake of the child?", p: 23

۲. اسلامی، سید حسن، شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه آیین کاتولیک و اسلام، ص ۱۷۵

رابعاً در برابر حق ندانستن، می توان متقابلاً از حق دانستن^۱ سخن گفت. فرض کنیم که آزمایش های دقیقی نشان دهند که فردی دارای بیماری های ژنتیک خطرناکی است. وی پس از باخبر شدن از این مسأله، از پزشک و دست اندرکاران این آزمایش می خواهد تا مسأله مسکوت بماند و دیگر اعضای خانواده اش از نتیجه آزمایش ها باخبر نشوند. سال ها بعد برخی از بستگان آن فرد که دچار همان بیماری اند، اما از آن خبری ندارند، ازدواج کرده، فرزندان ناقص الخلقه یا مبتلا به بیماری جدی به دنیا می آورند. آنان پس از اطلاع از آزمایشی که سال ها قبل صورت گرفته بود، قانوناً ادعا می کنند که می بایست پزشک مربوط، برخلاف خواست فرد آزمایش شده، دیگران را از نتیجه آزمایش آگاه می کرد و مانع از انتقال بیماری می شد. این جاست که حق ندانستن با حق دانستن تعارض پیدا می کند. این تنها یک فرض نیست؛ بلکه موردی است که در حرفه پزشکی رخ داده است. شورای اخلاق زیستی نافیلد^۲ در گزارش خود نمونه ای از چنین تعارضی را نشان داده است. در چنین مواردی، افزون بر شخص مورد نظر، شخص ثالث نیز حق آگاهی از نتایج وی را دارد. طبق ماده ۱۰ اعلامیه بین المللی داده های ژنتیک انسانی، «حق آگاهی از نتایج تحقیق می تواند شامل بستگان فرد نیز بشود که ممکن است نتایج بر آن ها تأثیر داشته باشد».

مقصود، طرح این حق یا دفاع از آن نیست؛ بلکه هدف بیان این مطلب است که در برابر حق ندانستن، می توان از حق دانستن هم نام برد. تأملات فوق مانع از استناد به دلیل حق ندانستن بر ضد شبیه سازی مولد انسان می شود.^۳

۲-۲-۵. حق بر هویت

هویت از جمله مباحثی است که در علوم مختلفی مورد بحث واقع می شود. این حق برای کودکان ناشی از فرآیندهای کمک باروری مورد شناسایی قرار گرفته و در بحث شبیه سازی انسان نیز به آن اشاره شده است. پس از بحث های مقدماتی درباره هویت، به اصل موضوع در مسأله شبیه سازی می پردازیم:

1. The right to know

2. Nuffield Council on Bioethics

۳. اسلامی، سید حسن، شبیه سازی انسانی از دیدگاه آیین کاتولیک و اسلام، صص ۱۷۶-۱۷۷

مفهوم هویت

الف - مفهوم لغوی: دهخدا هویت را در لغت به تشخص تعریف کرده است. این معنی میان متکلمان و حکیمان نیز مشهور و متداول است. گاه هویت بر وجود خارجی اطلاق می‌شود و زمانی بر ماهیت با تشخص اطلاق می‌گردد که عبارت است از حقیقت جزئی یا آنچه موجب شناسایی شخص باشد؛^۱ یعنی هرگاه ماهیت با تشخص لحاظ و اعتبار شود، هویت حقیقت جزئی است. هویت گاه به معنی وجود خارجی است و مراد تشخیص است و گاه بالذات و گاه بالعرض است.^۲ در زبان لاتین واژه هویت (identity) دو معنای اصلی دارد: اولین معنای آن بیان‌گر مفهوم تشابه مطلق است. معنای دوم آن به معنای تمایز است که با مرور زمان سازگاری و تداوم را فرض می‌گیرد.^۳

ب - مفهوم اصطلاحی: برای رسیدن به مفهوم اصطلاحی هویت، لازم است به بررسی مفهوم هویت در سه حوزه علم روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و سیاست، پرداخت و تعریفی از آن در این سه حوزه ارائه داد. روان‌شناسان، بیشتر در مورد هویت فردی و بحران‌های آن بحث می‌کنند؛ جامعه‌شناسان به مشکلات هویت اجتماعی افراد توجه دارند و در علوم سیاسی، بحث هویت ملی اهمیت زیادی پیدا می‌کند.^۴ کنفرانس جهانی یونسکو نیز در مورد هویت تعریف نسبتاً مناسبی ارائه داده است: هویت هسته مرکزی شخصیت فردی و جمعی انسان است و می‌تواند به اعمال و تصمیمات فردی و جمعی شکل داده، روندی را به وجود آورد که یک جامعه را در عین حفظ مشخصات خودش قادر به توسعه سازد.^۵

۱. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، ج ۱۵، ص ۲۳۵۹۶

۲. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، سرایش، ۱۳۸۱، ص ۱۲۲۳

۳. چیت‌ساز قمی، محمد جواد، هویت دینی جوانان در ایران، مجموعه مقالات هویت، ملیت و قومیت ایران، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۳، ص ۱۹۳

۴. کمالی اردکانی، علی اکبر، بحران هویت و عوامل تشدید آن در ایران، مجموعه مقالات هویت، ملیت، قومیت ایران، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۳، ص ۳۲۱

۵. مصفا، نسرين، هویت زن ایرانی، مجموعه مقالات هویت، ملیت، قومیت ایران، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۳، ص ۲۴۱

هویت از دیدگاه روان‌شناسی عبارت است از همان اوئیت یا آنیت شخص یا شیء است که به معنی این همانی فرد یا شیء می‌باشد.^۱

هویت عبارت از دیدگاه جامعه‌شناسی عبارت است از مجموعه خصوصیات و مشخصات اساسی اجتماعی، فرهنگی، روانی، فلسفی، زیستی و تاریخی همسان است که به رسایی و روایی به ماهیت یا ذات گروه به معنی یگانگی یا همانندی اعضای آن با یکدیگر دلالت کند و آن را و آن‌ها را در یک ظرف زمانی و مکانی معین به طور مشخص و قابل قبول و آگاهانه از سایر گروه‌ها و افراد متعلق به آن‌ها متمایز سازد.^۲

علم سیاست، نیز به مفهوم هویت ملی نظر دارد؛ از دید این علم، «هویت ملی در صورتی شکل می‌گیرد که افرادی که از لحاظ فیزیکی و قانونی عضو یک واحد سیاسی هستند، موضوع قوانین آن واقع می‌شوند و از لحاظ روانی نیز خود را از اعضای آن واحد بدانند. اثر چنین احساسی کاملاً واضح است. تنها در این صورت، یک نظام سیاسی می‌تواند به بقای خود ادامه دهد. هویت فرد مجموعه‌ای انفکاک‌ناپذیر از روابط مادی و معنوی است و هویت ملی هر فرد هم به صورت بخشی از کل هویتش در رابطه با جامعه‌ای که بدان تعلق دارد و یا احساس می‌کند که تعلق دارد، شکل می‌گیرد».^۳

در یک جمع‌بندی میان این سه دیدگاه می‌توان تعاریف زیر را درباره هویت ارائه داد: «هویت نوعی مفهوم اطلاعاتی - آگاهی است که باعث شناختن خود از خود، خود از دیگران و دیگران از خود می‌شود. هویت از این منظر در هر دو زمان، مظهر درونی و بیرونی خود را نشان می‌دهد. هویت در زمان مظهر درونی موجب شناسایی خود از خود و در زمان مظهر بیرونی باعث شناسایی دیگران از خود و خود از دیگران می‌شود».^۴

۱. آزاد ارمکی، تقی، فرهنگ و هویت ایرانی و جهانی شدن، تهران، مؤسسه مطالعات ملی تمدن ایرانی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۲

۲. الطائی، علی، بحران هویت قومی در ایران، تهران، شادگان، ۱۳۷۸، ص ۱۳۹؛ محرمی، توحید، هویت ایرانی، اسلامی ما، مجموعه مقالات هویت، ملیت، قومیت در ایران، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۳، ص ۶۲

۳. رواسانی، شاپور، زمینه‌های اجتماعی هویت ملی، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۰، ص ۲۱

۴. قانع بصیری، محسن، جهان انسانی، انسان جهانی، تهران، توسعه، ۱۳۷۴، ص ۸۲

برای هویت، تقسیم‌بندی‌های بسیاری ارائه شده است:

هویت به سه دسته هویت فردی، فرهنگی و دینی تقسیم می‌شود. هویت فردی خود نیز به سه دسته هویت آرمانی، هویت واقعی و هویت مورد انتظار فرد تقسیم می‌شود.^۱ برخی نویسندگان نظیر الکساندر ونت، از محققان روابط بین‌الملل، هویت را به چهار نوع فردی، نقشی، نوعی و ملی تقسیم نموده است. از دیگر تقسیم‌بندی‌ها، تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ای است که هویت را به هویت فردی، اجتماعی و ملی تقسیم می‌کند.^۲

تقسیم‌بندی دیگری که ارائه می‌شود، هویت را به هویت فردی، هویت گروهی، هویت ملی، هویت فراملی تقسیم می‌کند.^۳

هویت را می‌توان به دو دسته هویت رابطه‌ای و غیررابطه‌ای تقسیم کرد. هویت‌های رابطه‌ای خود به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱- هویت خانوادگی ۲- هویت همالان. هویت غیررابطه‌ای نیز شامل هویت ملی می‌شود.^۴

منابع هویت عمدتاً عبارتست از منابع انتسابی (سن، اصل، نسب و جنسیت)، فرهنگی (قبیله، قوم، عشیره، زبان، ملیت، مذهب و تمدن)، سیاسی (جناح، فرقه، رهبر، گروه ذی‌نفع، جنبش، آرمان، حزب، ایدئولوژی و دولت)، ارضی (همسایه، روستا، شهر، استان، ایالت، بخش، کشور، منطقه جغرافیایی، قاره و نیم‌کره)، اقتصادی (شغل، حرفه، گروه کاری، کارفرما، صنعت، واحد اقتصادی، اتحادیه کارگری و طبقه) و اجتماعی (دوستان، باشگاه، تیم، همکاران، گروه تفریحی و منزلت اجتماعی).^۵

اما باید دانست که بحث از هویت در موضوع شبیه‌سازی انسان با بحث از هویت در سایر فرآیندهای کمکی تولیدمثل هم‌چون اهدای گامت بیگانه متفاوت است. در سایر روش‌ها، بحث بر سر این امر است که در صورت اهدای گامت بیگانه به صورت

۱. نگارش، حمید، هویت دینی و انقطاع فرهنگی، قم، نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۸۰، صص ۲۱-۲۴.

۲. احمدی، حمید، هویت و قومیت در ایران، مجموعه مقالات هویت در ایران، تهران، جهاد دانشگاهی، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۶.

۳. کمالی اردکانی، علی اکبر، بحران هویت و عوامل تشدید آن در ایران، صص ۳۱۸-۳۱۹.

۴. دوران، بهزاد، هویت اجتماعی و فضای سایبرنتیک، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات، ۱۳۸۶، صص ۸۹-۹۱.

۵. هانتینگتون، ساموئل، چالش‌های هویت در آمریکا، ترجمه محمود رضا گلشن پژوه، حسن سعید کلاهی خیابان و عباس کاردان، تهران، ابرار معاصر، ۱۳۸۴، صص ۴۸-۴۹.

ناشناس و محرمانه، کودک از حق دانستن درباره منشأ ژنتیکش^۱ محروم می شود؛ اما در فرآیند شبیه سازی، بحث از هویت نه تنها می تواند شامل مباحث ذیل گردد، بلکه می تواند به گونه ای دیگر نیز طرح شود که در ادامه به آن می پردازیم:

پیش از آغاز بحث درباره هویت در فرآیند شبیه سازی از حق بر هویت کودک در سایر فن آوری های کمک باروری، مطالبی ارائه می شود:

حق بر هویت در اسناد بین المللی

حق بر هویت از جمله حقوق بنیادی است که در اسناد بین المللی نیز انعکاس یافته است؛ از این جمله می توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- کنوانسیون حقوق کودک

مواد ۷،^۲ ۸،^۳ و ۹^۴ این کنوانسیون، حق کودک را بر نام، تابعیت، شناسایی والدین و عدم جدایی از آنان، مورد حمایت قرار داده است. در ماده ۸، هویت، واژه ای بی حد و مرز نیست و جنبه های هویت یعنی ملیت، نام و روابط خانوادگی به وضوح مورد اشاره قرار گرفته اند. ماده بعدی که در آن اشاره ای صریح به هویت کودک وجود دارد، ماده

1. Right to know

۲. ماده ۷: هر کودکی از بدو تولد حق داشتن یک نام را دارد که باید در دفاتر مربوطه ثبت شود. همچنین داشتن تابعیت حق اوست و در صورت امکان باید والدین خود را شناخته و از سوی آنها نگه داری شود؛

۲- حکومت های عضو پیمان، حقوق عنوان شده در این پیمان نامه را در رابطه با حقوق و قوانین داخلی خود و وظایف بین المللی، بخصوص در مورد کودک بدون تابعیت، تضمین نموده و اجرا می نمایند.

۳. ماده ۸: ۱- حکومت های عضو پیمان موظف هستند که حقوق کودک را رعایت کرده و هویت فردی، تابعیت، نام و روابط شناخته شده خانوادگی او را مطابق قانون حفظ نمایند؛ ۲- در صورتی که تمام یا بخشی از هویت شخصی به طور غیرقانونی خدشه دار شود، حکومت ها سریعاً درصدد ترمیم این خسارت برمی آیند.

۴. ماده ۹: ۱- حکومت های امضاکننده این پیمان نامه اطمینان می دهند که یک کودک برخلاف میل والدینش از آنها جدا نمی شود مگر این که بر طبق قوانین موجود ثابت شود که آن جدایی به نفع کودک و لازم است. مثلاً وقتی کودک مورد سوء استفاده قرار گیرد و والدین جدا از هم زندگی کنند، تکلیف اقامت کودک باید روشن شود؛ ۲- در موقع اجرای بند یک این ماده، باید امکان شرکت همه افراد مربوطه در آن تصمیم گیری را فراهم آورد؛ ۳- حکومت ها توجه دارند که حق کودک مبنی بر تماس شخصی و مستقیم با پدر و مادر را در هنگامی که آنها از هم جدا شده اند، فراهم کنند مگر این که این عمل با منافع کودک در تضاد باشد؛ ۴- هرگاه جدایی نتیجه اقدام حکومت باشد، مثلاً زندان، تبعید و یا مرگ یکی از والدین یا هر دو آنها و یا مرگ کودک (مرگ به هر علتی که باشد، تعیین کننده آن است که شخص در آن هنگام به نوعی در «اسارت» قانون بوده است)، حکومت امضاکننده این پیمان نامه موظف است برپایه درخواست والدین یا کودک و یا سرپرست قانونی او، اطلاعات لازم را در مورد محل شخص غایب در اختیار این افراد قرار دهد، مگر این که این عمل به نفع کودک نباشد و به او زیان برساند. حکومت ها اطمینان می دهند که افراد با تقاضای چنین درخواستی، از طرف حکومت در خطر قرار نمی گیرند.

۲۹ است. در این ماده، هدف از آموزش کودکان، تشویق آنان است به احترام گذاشتن به هویت فرهنگی خود و دیگران که از فرهنگ‌های دیگرند. ماده ۳۰ نیز حق کودکان اقلیت و بومی را در بهره‌مندی از فرهنگ خودشان مورد حمایت قرار داده است، ولی هیچ توضیح و تعریفی از واژه‌های «فرهنگ» یا «کودکان اقلیت و بومی» در این کنوانسیون ارائه نشده است. هیچ یک از مواد این کنوانسیون یا مجموعه توصیه‌های الحاقی به آن، به طور صریح، حق کودک را برای حفظ هویت فرهنگی یا پیوندهای باارزش که از اجزای هویت فردی قلمداد می‌شوند، مورد حمایت قرار نداده است.^۱

مصادیق هویت فردی در این اعلامیه، عبارتند از نام، نام خانوادگی، تابعیت یا ملیت و روابط خویشاوندی. بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون بیان می‌دارد: «... کودک از حقوقی مانند حق داشتن نام، کسب تابعیت و در صورت امکان، شناسایی والدین و قرارگرفتن تحت سرپرستی آن‌ها برخوردار می‌باشد». ماده ۸ همین کنوانسیون دول عضو را موظف به تضمین این حقوق کودک نموده است. اما این کنوانسیون نه تنها به هویت فردی کودک نظر داشته، بلکه در مواد ۳۰ و ۲۹ کنوانسیون به طور ضمنی به هویت جمعی یا اجتماعی کودک نیز توجه کرده است که هویت قومی، قبیله‌ای و فرهنگی زیر مجموعه آن می‌باشد.

البته کنوانسیون حقوق کودک در این زمینه تلاش کرده است تا راهکارهایی را به کشورهای مختلف نشان دهد که آنان بتوانند بر اساس رویکرد حفظ حق مذکور، قوانین خود را تغییر دهند. از جمله این راهکارها می‌توان به الزام به ثبت ولادت، اعطای تابعیت، حفظ ارتباط خانوادگی، منع کودک ربایی و خرید و فروش کودکان و انجام فرزندخواندگی طبق مقررات و قوانین اشاره نمود.^۲

۲- کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی

در این کنوانسیون، علاوه بر پذیرش راهکارهایی برای انجام وظیفه دولت‌ها در حمایت از زندگی خانوادگی، تعریفی کوتاه از هویت ارائه شده است. اما در مواد این

1. Ronen, Yair, "Redifining the child's right to identity", International Journal of Law, Policy and the Family, No.18, 2004, p:159

۲. برای مطالعه بیشتر موارد فوق‌الذکر بنگرید به: اسدی، لیلیا سادات، «حق کودک بر هویت»، نشریه ندای صادق، دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۳۹، پاییز و زمستان ۸۷، ص ۲۶-۴۶

کنوانسیون، به وضوح به حق کودک بر هویت اشاره نشده است. ماده ۸^۱ این کنوانسیون، مرجعی برای حمایت از حق کودک بر هویت است که به گونه ای مثبت، کشورها را ملزم به حمایت از حقوق فردی در احترام به زندگی خانوادگی نموده است. اما همان طور که بینهام^۲ بیان می دارد، کارایی حق کودک نسبت به ولادت در چارچوب زندگی خانوادگی مشخص نیست. دادگاه اروپایی حقوق بشر، حکم نموده است که مفاد ماده ۸ از منافع حاصل از شناسایی منشأ ژنتیک (پدر و مادر بیولوژیک) برای افراد حمایت می کند. با وجود این، این موضوع هم چنان مبهم است. اگر آگاهی به منشأ ژنتیک زندگی خانوادگی کودک را بی ثبات کند، کدام یک از منافع کودک باید مقدم شود و مورد حمایت قرار گیرد؟ چگونه می توان میان منافع مختلف کودک تعادل برقرار نمود؟ برای نمونه، چگونه می توان میان حق مداخله دولت به نفع کودک یا حق والدین که هر دو از حیات عاطفی کودک حمایت می کنند، تعادل برقرار کرد؟ تا چه حدی منفعت طفل در شناسایی والدینش باید مورد حمایت قرار گیرد؟ هیچ پاسخی به این سؤالات در کنوانسیون یا تفاسیر ارائه شده توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر، داده نشده است. در نتیجه، اشاره صریح به هویت در این سند حقوقی بین المللی مهم، نمی تواند تأمین کننده یک چارچوب حقوقی مناسب برای محافظت از حق هویت کودک باشد.^۳

۳- میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

این میثاق نیز هر چند به صراحت، به حق بر هویت کودک اشاره ای ننموده است، اما به یکی از راهکارهای حفظ آن اشاره نموده است. در بند ۳ ماده دهم آمده است: «اقدامات ویژه و بدون تبعیض مانند نسب و با وضعیت های دیگر در حمایت و مساعدت به تمام کودکان و افراد جوان به عمل آید». این راهکار اساسی ترین راهکار برای حفظ حق بر هویت کودک است که به نظر می رسد در قوانین کشورهای غربی، چندان به آن توجه نشده است.

۱. ماده ۸ «هر کس از حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی، خانه و مراسلات خود برخوردار است».

2. Bainham

3. Ronen, Yair, "Redifining the child's right to identity", pp.: 159-160

۴- میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

ماده ۲۴ میثاق فوق‌الذکر^۱ نیز گرچه به صراحت به حق بر هویت کودک اشاره نکرده است، اما به برخی از راهکارهای حفظ آن اشاره کرده است.

۵- اعلامیه اسلامی حقوق بشر

در ماده هفتم این اعلامیه^۲ آمده است که کودک حقوقی را بر عهده والدینش دارد و آنان باید این حقوق را در ارتباط با او رعایت نمایند. اما این ماده فقط به برخی از حقوق مانند تربیت، نگهداری و تأمین مادی و بهداشتی اشاره نموده است. پس صراحتاً به حق هویت کودک اشاره نکرده است، زیرا دیدگاه اسلام بر این کنوانسیون حاکم است و همان‌طور که در فرضیات این مقاله به آن اشاره شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که این حق از حقوق ذاتی و اصیل کودک به شمار نمی‌رود و برآیند نظام حقوق بشری است. از سوی دیگر، در ماده ۲۵ این اعلامیه^۳ آمده است که شریعت اسلام تنها مرجع برای تفسیر مواد آن است، بنابراین، در ادامه، دیدگاه تنها مرجع این اعلامیه، یعنی اسلام، بررسی می‌شود.

پس از این بررسی، لازم به ذکر است که در فرآیند شبیه‌سازی، بحث از هویت نه تنها می‌تواند شامل مباحث فوق‌گردد؛ بلکه می‌تواند به سه صورت زیر نیز مطرح شود:

۱. ماده ۲۴: «۱- هر کودکی بدون هیچ‌گونه تبعیض (از قبیله) نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، ملیت یا منشأ اجتماعی، دارایی یا تولد (نسب) که به اقتضای وضعیت صغارت (خردسالی) ایجاد شده است، حق دارد از اقدامات حفاظتی (حمایتی) خانواده، جامعه و دولت برخوردار گردد.
- ۲- هر کودکی باید بی‌درنگ پس از تولد دارای نام گردد و به ثبت رسد.
- ۳- هر کودکی حق کسب تابعیت دارد».
۲. ماده ۷: «الف - هر کودکی از زمان تولد، حقی بر گردن والدین خویش و جامعه و دولت در محافظت دوران طفولیت و تربیت نمودن و تأمین مادی و بهداشتی و ادبی دارد در ضمن باید از جنین و مادر نگهداری شود و مراقبت‌های ویژه نسبت به آن‌ها مبذول شود.
- ب - پدران و کسانی که از نظر قانون شرع به منزله پدرانند، حق انتخاب نوع تربیتی را که برای فرزندان خود می‌خواهند با مراعات منافع و آینده آنان در پرتو ارزش‌های اخلاقی و احکام شرعی دارند.
- ج - بر طبق احکام شرع فرزندان نسبت به والدین خود و اقوام نسبت به اقوام خود حقوقی بر گردن دارند.
۳. ماده ۲۵: «شریعت اسلامی تنها مرجع برای تفسیر یا توضیح هر ماده از مواد این اعلامیه می‌باشد».

۱- هویت ژنتیک

به اعتقاد برخی، هر فردی اعم از مرد یا زن در رابطه با هویت ژنتیک خود، دارای این حق است که ژنومی یگانه و غیرتکراری داشته باشد. از نظر این عده، شبیه سازی منجر به ایجاد افرادی می شود که از نظر ژنتیک مشابه هستند؛ درحالی که این حق و ودیعه، برای سایر افراد حفظ می شود. بنابراین هیچ شخصی شبیه به ما در دنیا وجود ندارد. این، هدیه طبیعت است. هم چنین طبیعت به ما اجازه می دهد که خودمان باشیم و تنها بخشی از DNA والدین خود را داشته باشیم. طبیعت ما را در شکل والدینمان خلق نکرده است؛ بلکه ما را با تصویری منحصر به فرد، ایجاد نموده است که شبیه سازی می تواند این حق را از بین ببرد.^۱ مجلس اروپایی نیز در این باره بیان می دارد که هر انسانی حق دارد هویت ژنتیک ممتاز به خودش داشته باشد.^۲ اعلامیه جهانی ژنوم انسان و حقوق بشر نیز به این حق اشاره نکرده است.^۳ لیکن در رابطه با این که این هویت ژنتیک چیست و از چه عناصری تشکیل می شود، هیچ توضیحی ارائه نداده است.

این ادعا از فرضیه جبرگرایی زیستی ناشی شده است. این فرضیه مدعی است فقط ظرفیت های زیستی چون ساختار ژنتیک که از آن با عنوان «هویت ژنتیک» نام می برند، بر شکل گیری شخصیت و الگوهای رفتاری افراد اثرگذار است و عوامل دیگر چون عوامل اجتماعی و فرهنگی هیچ نقشی ندارند.

جبرگرایان زیستی مدعی هستند که رفتارهایی چون گرایش های خاص جنسی، قتل عمد و یا طبع شاعرانه داشتن فقط به واسطه عوامل ذاتی و فطری افراد چون هویت ژنتیک آنها بروز می نماید؛ به عبارت دیگر، آنان در بروز چنین رفتارهایی هیچ

1. Elliott, David, "Uniqueness, Individuality, and human cloning", Journal of Applied Philosophy, Vol.15, No.3, 1998, p:222 ; Macintosh, Kerry Lynn, **Illegal beings human clones and the law**, p:28; Tooley, Michael, "The Moral status of the cloning of humans", p: 167; Kass, Lean R. and Wilson, James Q., "The ethics of human cloning", p:90; Johnson, Judith A. and Williams, Erin, 2004, "Human cloning, CRS Report for Congress", available at: <http://fpc.state.gov/documents/organization/39414.pdf> (23 Agu 2010), "Cloning human beings: Report and recommendations of the National Bioethics Advisory Commission", p:66 and Anna, Gabriele De, "Cloning, Begtting and making children", HEC Forum, Vol.18, No. 2, 2006, p:182
2. Burley, Justine and Harris, John, "Human cloning and Child welfare", p: 80
3. Spier, Raymond, "An approach to the Ethics of cloning humans via an examination of ethical issue pertaining to the use of any tool", p: 22

جایگاهی برای آموزش، محیط فیزیکی، فرهنگی، اجتماعی و ... قائل نیستند. آن‌ها در اثبات ادعای خود هم‌چنین به رفتارهای غریزی کودکان چون دنبال پستان مادر بودن و یا گریه کردن هنگام گرسنگی اشاره می‌کنند که کودک فارغ از عوامل ذکر شده و تنها بر اساس استعدادهای ذاتی خود که نشأت گرفته از ساختار ژنتیک اوست، آن‌ها را بروز می‌دهد.

امروزه این فرضیه بیشتر با عنوان «جبرگرایی ژنتیک»^۱ شناخته می‌شود و مدعی است در شکل‌گیری هویت شخصی افراد که در برگیرنده خصوصیات رفتاری و شخصیتی آن‌هاست، فقط ساختار ژنتیک یا هویت ژنتیک دخیل است نه عوامل دیگر؛ به عبارت دیگر تنها ژنوتیب است که فنوتیب افراد را تعیین می‌کند و این نیز به الگوی ژنی به ارث رسیده از والدین بستگی دارد. برای مثال اگر پدر فردی تندمزاج و عصبانی باشد، فرزند او نیز تندمزاج خواهد شد یا اگر والدین کودکی بزهکار باشند، فرزند آنان نیز بزهکار خواهد شد؛ زیرا ظهور این ویژگی‌ها صرفاً به عوامل ژنتیک وابسته است.^۲

طرفداران این فرضیه در اثبات مدعای خود به بیماری‌های وراثتی چون فیروزسیستیک^۳ و کم‌خونی سلول داسی شکل^۴ که به علت جهش در یک ژن منفرد و هم‌چنین سندروم‌های داون^۵ و کلاین فلتز^۶ که به علت افزوده شدن یک کروموزوم حاصل می‌شوند، اشاره می‌کنند و بروز بسیاری از رفتارها و حتی سرنوشت آدمی را نیز صرفاً به ژن‌ها نسبت می‌دهند.

البته عده‌ای نیز ادعای فوق را بدون تأکید بیش از حد بر نقش ژنتیک مطرح می‌کنند. از نظر این عده، شبیه‌سازی فقط هویت ژنتیک را با چالش مواجه می‌سازد، نه هویت شخصی را؛ مانند آنچه که دان بروک در پاسخ به نگرانی‌های ایجاد شده توسط دیگران در زمینه تحلیل رفتن هویت شخصی گفته است: «شبیه‌سازی فقط بی‌نظیری و یگانگی ژنتیک ما را به چالش می‌کشد، نه کل فردیت را».^۷ از نظر این گروه، هویت فرد

1. Genetic Determinism

2. "Cloning human beings: Report and recommendations of the National Bioethics Advisory Commission", p:32

3. Cystic Fibrosis

4. Sickle Cell Anemia

5. Down Syndrome

6. Klinefelters Syndrome

۷. محمدی، علی، شبیه‌سازی انسان، ملاحظات علمی، اخلاقی، حقوقی و فقهی، ص ۳۴۲

در واقع نتیجه تعامل چندین عامل یا شاخصه است، اما در نهایت باید دانست که آن پدیده‌ای روانی است. پس نقش ژنتیک در شکل‌گیری هویت چیست؟ ساختار ژنتیک افراد مستقیماً در شکل‌گیری هویت او اثر ندارد؛ اما با وجود این، دانستن درباره این مشابهت ژنتیک میان طفل شبیه‌سازی شده و اهداکننده سلول، می‌تواند بر احساس طفل از خود اثرگذار باشد. آگاهی از این موضوع، برای تخریب هویت او کافی است.^۱

در پاسخ به این نظریه هم باید گفت بر فرض که ما بپذیریم این یک حق است؛ زیرا در اصل حق بودن آن شک وجود دارد.^۲ اولاً باید پاسخ داده شود که آیا ۱۰۰ درصد هویت ما به ژن‌های ما بستگی دارد؟ پاسخ این سؤال قبلاً داده شده است که هویت هر فردی علاوه بر ژن‌های او تحت تأثیر عوامل محیطی بسیاری است. پس به صرف داشتن ترکیب ژنتیک مشابه، هویت مشابه نخواهد بود. همان‌طور که در دوقلوهای همسان چنین نیست و در بررسی‌های علمی نیز این مسأله ثابت شده است؛^۳ زیرا عامل محیط (شامل رحم، محیط رشد و نمو، شرایط جغرافیایی، وضع اقتصادی، وضع فرهنگی، نحوه تولد و عادت غذایی) نیز در شکل‌گیری شخصیت افراد مؤثر است و تا حدی می‌تواند حق منحصر به فرد بودن هویت ژنتیک را تأمین نماید.^۴

دوقلوهای همسان در جامعه ما و سایر نقاط جهان وجود دارند. آنان نسخه‌ای طبیعی از شبیه‌سازی هستند. هر یک از آنان، دارای ژنوم یکسانی با دیگری است. علاوه بر این، بیشتر آنان از این‌که دوقلو هستند، خوشحالند. ممکن است این دوقلوها روابط اجتماعی نزدیکی را تجربه کنند، اما این به معنای از دست دادن فردیت و استقلال آنان نیست.^۵

1. Galletti, Matteo, "Begetting, Cloning and being human: Two national Commission reports against human cloning from Italy and U.S.A", HEC Forum, Vol.18, No.2, 2006, p: 158

2. Tooley, Michael, "The Moral status of the cloning of humans", p: 167

۳. اسماعیلی، مصطفی، «شبیه‌سازی و پیامدهای فقهی، کلامی و اخلاقی آن»، ص ۱۳۰؛

Bird, Stephanie J., "Cloning-Another perspective", Science and Engineering Ethics, Vol.3, Issue 4, 1997, p:355

4. Brock, Dan W., "Human cloning and our sense of self", p:315

5. "Cloning human beings: Report and recommendations of the National Bioethics Advisory Commission", p: 28; Watt, Helen, "Thinking twice: Cloning and in vitro fertilization", p: 37; Keough, William J., "All in the family: a child welfare perspective on human reproductive cloning", Health Law Journal, 2003, p:4 and Tooley, Michael, "The Moral status of the cloning of humans", p: 167

ثانیاً این‌که داشتن ژنوم بی‌نظیر و منحصر به فرد، از حقوق انسانی به شمار رود، نیاز به اثبات دارد و بر فرض اثبات این حق باید در مورد دوقلوهای همسان نیز لحاظ شود. در کشور ۷۰ میلیونی ما سالانه بالغ بر ۲۵۰ هزار دوقلوزایی رخ می‌دهد که تاکنون هیچ‌کس از نقض حقوق این افراد سخنی به میان نیاورده است. الا این‌که گفته شود در مورد دوقلوها مسأله تصادفی است، ولی در شبیه‌سازی، انتخابی از پیش تعیین شده صورت می‌گیرد. در پاسخ باید گفت به‌کارگیری برخی فن‌آوری‌ها و اعمال انسانی می‌تواند موجب دوقلوزایی شود که این کار شباهت به شبیه‌سازی دارد؛ ولی در آن خصوص اعتراضی پذیرفته نیست.^۱

ثالثاً عامل مهم دیگر در ایجاد اختلاف بین انسان‌ها، جهش‌های ایجاد شده در ساختار ژنتیک هر فرد است. ایجاد جهش‌ها تحت تأثیر عوامل محرک بسیاری چون مواد شیمیایی، اشعه‌های یونیزان و کیهانی و یا حتی به طور خودبه‌خودی با عوامل ناشناخته، باعث تغییرات چشم‌گیری در ژنوم هر فرد می‌شود. بنابراین با توجه به ماهیت اتفاقی بودن جهش‌ها و انواع بی‌شمار آن‌ها، یکسان بودن دو فرد از لحاظ ژنتیک غیرممکن به نظر می‌آید. به طور کلی، جهش‌های ایجاد شده در ساختار ژنتیک افراد، باعث تنوع شگفت‌آوری در جمعیت‌ها و نژادهای مختلف می‌شود.^۲

رابعاً علاوه بر آنچه گفته شد، میتوکندری‌ها در داخل هر سلول تنها ارگان‌هایی هستند که حاوی DNA حلقوی خارج کروموزومی هستند. میتوکندری‌ها حاوی ژن‌هایی هستند که معادل آن‌ها در ژنوم هسته وجود ندارد. نکته قابل توجه این است که ژن‌های پراکنده در DNA میتوکندری‌ها برخلاف فرآیندهای شناخته شده حاکم بر وراثت، فقط از طریق میتوکندری‌های موجود در سیتوپلاسم تخمک به جنین منتقل می‌شوند و اسپرم هیچ نقشی در انتقال ژن‌های موجود بر ژنوم میتوکندری‌ها ندارد. نکته دیگر این‌که هر تخمک و تمامی سلول‌های بدن نه فقط یک میتوکندری بلکه صدها میتوکندری دارند و هر کدام از آن‌ها نیز می‌تواند چند مولکول DNA حلقوی خارج کروموزومی داشته باشد. با توجه به این نکات به خوبی روشن است که موجود شبیه‌سازی شده، ژن‌هایی را به ارث خواهد برد که از میتوکندری‌های سیتوپلاسم تخمک است و این ژن‌ها در هسته سلول بالغ وجود ندارد. لذا موجود شبیه‌سازی شده

۱. اسماعیلی، مصطفی، «شبیه‌سازی و پیامدهای فقهی، کلامی و اخلاقی آن»، ص ۱۳۱

۲. تابعی، سیدضیاءالدین، هومن کاغذیان و پرویز مولوی، بنیان‌های اخلاق زیستی، تهران، حیان، ۱۳۸۶، ص ۵۹

در آینده دارای خصوصیتی خواهد بود که در موجود دهنده سلول، اثری از آن‌ها موجود نیست.^۱ این موضوع نیز موجبات تمایز و تفاوت میان این دو را فراهم می‌آورد.

۲- هویت فردی یا روانی

یکی از مهم‌ترین نگرانی‌هایی که در مخالفت با شبیه‌سازی مطرح می‌شود، بحث آسیب‌ها و چالش‌های روحی و روانی پدید آمده توسط این فن‌آوری بر روی افراد شبیه‌سازی شده می‌باشد. برای نمونه گفته می‌شود دانستن این نکته که قلوب پیشین یک فرد، مسیر زندگی وی را رقم زده است، در بسیاری از موارد، اثرات سوء روحی و روانی را به دنبال خواهد داشت؛ قلوب پسین ممکن است احساس کند که سرنوشتش در گذشته طراحی و برنامه‌ریزی شده است، هر چند احساس وی نادرست و فاقد اعتبار علمی باشد.

ظهور چنین احساسی در فرد شبیه‌سازی شده تا اندازه‌ای طبیعی و قابل انتظار است؛ زیرا ساختار ژنتیک او به روشی جدید و با خواست و اراده قلوب پیشین وی یا هر فرد دیگر شکل گرفته است؛ پدیده‌ای که تاکنون سابقه نداشته است؛ امروزه دست‌کاری‌های ژنتیک امکان ورود، خروج و یا تغییر برخی از ژن‌های ژنوم را فراهم می‌سازد؛ لیکن تاکنون این امکان وجود نداشت که کل ساختار ژنتیک یک فرد از قبل و بر اساس میل و اراده فرد دیگری انتخاب گردد. لذا این قضیه مسلماً از نظر روحی و روانی بر فرد شبیه‌سازی شده اثرگذار خواهد بود. در این خصوص برای یک فرد بسیار مهم خواهد بود که ژن‌هایش را به چه شیوه‌ای دریافت نماید؛ از طریق تصادف یا از طریق برنامه‌ای تعیین شده و دلخواه که هر یک از این شیوه‌ها، مفهوم خاصی را برای وی ایجاد خواهد کرد. این چالشی است که در آینده، افراد به دست آمده از فن‌آوری‌های نوین باروری چون انتقال هسته سلول سوماتیک با آن روبرو خواهند شد.

برای فردی که ساختار ژنتیکش، عامدانه از روی ژنوم فرد دیگری ساخته شده است، «کپی بودن» بخشی از هویتش خواهد بود و این از مواردی است که در تولید مثل

۱. تابعی، سیدضیاءالدین، هومن کاغذیان و پرویز مولوی، بنیان‌های اخلاق زیستی، ص ۵۹؛ پاشای آهی، احسان و محمدحسن حیدری، مبانی علمی شبیه‌سازی انسان و انتقال ژن، ص ۱۳۷؛

Evers, Kathinka, "The identity of clones", Journal of Medicine and Philosophy, Vol.24, No.1, p: 70 and Andrews, Lori B., "Cloning human beings: The Current and future legal status of cloning", p:8

طبیعی و دیگر فن‌آوری‌های باروری قابل دسترس نیز تجربه نشده است. در این باره باید موضوع را بیشتر مورد بحث و بررسی قرار داد که این عامل جدید شکل‌دهنده هویت و شخصیت آدمی چه مشکلات و چالش‌هایی را در مقابل فرد شبیه‌سازی شده قرار می‌دهد؟

مسلماً این فاکتور جدید تشکیل‌دهنده هویت شخصی و فردی، اثرات زیادی را بر افراد شبیه‌سازی شده خواهد گذاشت و آن‌ها را با چالش‌های روحی و روانی خاصی روبه‌رو خواهد کرد.^۱

از این دیدگاه، جایگاه هویت روانی فرد شبیه‌سازی شده با چالشی بسیار جدی روبه‌رو خواهد شد؛ زیرا او نیز احساس می‌کند که از سوی دیگران به منزله ابژه‌ای طبیعی تأیید نخواهد شد؛ حتی به فرض این که شبیه خود را فردی بی‌نظیر و منحصر به فرد و دارای جایگاهی ویژه قلمداد کند، باز احساس خواهد کرد که دیگران نمی‌فهمند و یا قبول نخواهند کرد که وی به نحوی تغییرناپذیر، بی‌همتا و ویژه است و این خود در خودآگاهی و شکل‌گیری هویت فردی‌اش تأثیر بسزایی خواهد داشت، چون هویت روانی او دچار تزلزل شده است.^۲

در پاسخ به این ادعا باید اذعان کرد که اولاً در اصل ورود ضرر در صورت اطلاع از منشأ ژنتیک شک وجود دارد، اما به نظر می‌رسد که این نوع از آگاهی می‌تواند مفید هم باشد،^۳ زیرا قلوبی دوم می‌تواند تصمیمات بهتری بگیرد و از تجربیات فرد اول استفاده کند.

ثانیاً باید دانست که مسائل روحی و روانی ما فقط از ژن‌ها اثر نمی‌پذیرند؛ بلکه تحت تأثیر محیط، تجربیات و حتی محیط رحم هستند. هر اتفاق کوچکی، می‌تواند آینده افراد را تحت تأثیر قرار دهد. انسان‌های شبیه‌سازی شده بیشتر از دوقلوهای همسان، شبیه به اهداکننده DNA نیستند، بنابراین تفاوت‌های بیشتری میان آن‌ها وجود دارد؛ زیرا در محیط‌های مختلف و با تجربیات متفاوت رشد می‌کنند. هم‌چنین سیستم عصبی ممتاز از یکدیگر دارند، چون تجربیات آن‌ها بر پیشرفت سیستم عصبی آنان اثرات متفاوتی می‌گذارد.

۱. محمدی، علی، شبیه‌سازی انسان، ملاحظات علمی، اخلاقی، حقوقی و فقهی، صص ۳۵۵-۳۵۷

۲. همان، ص ۳۶۱

3. Burley, Justine and Harris, John, "Human cloning and Child welfare", p: 112

در مباحث پیرامون شبیه‌سازی، بیان شد که دوقلوها با این‌که در محیط یکسانی زندگی می‌کنند، اما با هم تفاوت دارند، چه برسد به انسان شبیه‌سازی شده و اهداکننده سلول که در محیط‌های مختلفی رشد می‌کنند.

هر موجود زنده در یک مکان و زمان خاص به وجود آمده، زندگی می‌کند؛ این موضوع باعث می‌شود که هر فرد دارای تجربیاتی باشد که سایر افراد ندارند و نمی‌توانند آن را تجربه کنند. هر شخص می‌تواند درباره تجربیاتش صحبت کند؛ اما شخص دیگر نمی‌تواند در آن شرایط زندگی کند و دیدگاه شخص اول را راجع به آن تجربیات داشته باشد. این تفاوت‌ها با گذشت زمان توسعه می‌یابند؛ همان‌طور که موجود زنده با گرایش‌های خاص خود، رشد می‌کند و فردیتش را در این قالب گسترش می‌دهد. بنابراین، افراد از نظر روحی و روانی باهم متفاوت خواهند بود؛ زیرا از نظر زمانی و مکانی ممتاز و منحصر به فرد هستند. زندگی افراد قابلیت این را دارد که آنان تحت تأثیر محیط و تجربیاتشان قرار بگیرند. در نتیجه، تفاوت‌های زمانی و مکانی می‌تواند تفاوت‌های روانی و روحی را میان شخص شبیه‌سازی شده و اهداکننده سلول به وجود آورد.^۱ بنابراین، طرح این موضوع که فرد شبیه‌سازی شده به خاطر داشتن اطلاعات از مسیر زندگی اهداکننده سلول دچار مشکلات هویتی می‌شود، امری خیالی و بی‌پایه و اساس است.

۳- هویت اجتماعی

از نظر عده‌ای، سایر هویت‌های فرد در مسأله شبیه‌سازی مورد خدشه واقع نمی‌شود، اما هویت اجتماعی وی به خطر می‌افتد. این عده معتقدند که این مسائل به پذیرش پدر و مادر و جامعه از طفل شبیه‌سازی شده بستگی دارد. از سوی دیگر ممکن است یک طفل حاصل از فرآیند جنسی نیز به این مشکلات هویتی، مبتلا شود. هر چند می‌توان تصور کرد که کودک شبیه‌سازی شده نسبت به کودک عادی، مشکلات هویتی کم‌تری داشته باشد؛ اما با وجود این، واضح و روشن است که در جوامع کنونی ما که تحت تأثیر نوشته‌ها و مقالاتی است که شبیه‌سازی و فرد شبیه‌سازی شده را شیطانی می‌خوانند، فرد شبیه‌سازی شده با مشکلات بسیاری روبرو خواهد شد. اما این امر منوط

1. Evers, Kathinka, "The identity of clones", pp.: 71-72 and Macintosh, Kerry Lynn, *Illegal beings human clones and the law*, pp.:23-24

به دو موضوع است: شرایط طبیعی: تکامل انسان در خلال تولید مثل جنسی محقق شده است و شرایط تاریخی: بازنمایی اجتماعی، ارزش‌ها و سازمان‌ها بر اساس این اطلاعات ژنتیک ساخته شده‌اند. سازمان‌ها، اطلاعات طبیعی را به روش‌های مختلف تفسیر می‌کنند، اما با وجود این، نمی‌توانند منشأ ژنتیک این افراد را نادیده بگیرند. در حال حاضر، اطلاعات طبیعی یا ژنتیک محصول عارضی تکامل تدریجی انسان است. محصولاتی که علوم و تکنولوژی به دنبال افزایش ظرفیت آنان برای ایجاد تغییرات است. این محصولات نمی‌توانند به شکلی قانونی، با ماهیتی روحانی یا ساختاری متعالی شناخته شوند. در نهایت، آنان معتقدند که این مشکلات ارتباط مستقیم با درک فرد شبیه‌سازی شده از خود و درک مردم از وی دارد.^۱ بنابراین، از نظر این عده، عدم پذیرش مردم و جامعه از یک فرد شبیه‌سازی شده به عنوان نوع بشر و عضو جامعه انسانی، بر ارتباط او با دیگران اثرگذار خواهد بود و در این صورت است که فرد مذکور دچار اختلالاتی در هویت اجتماعی می‌شود.^۲

در پاسخ به هر سه نوع این هویت‌ها و حق شمردن آن‌ها برای طفل شبیه‌سازی شده باید اذعان کرد که حفظ هویت معتدل و قانونی انسان در همه ابعاد آن حکم است نه حق به اصطلاح حقوقی آن. تفاوت حکم با حق، در این است که حکم بیان‌کننده اراده تشریعی قانون‌گذار کل است که بر مبنای مصالح و مفاصل واقعی حیات هدف‌دار بشری است و هیچ‌کس نمی‌تواند آن را جعل یا نفی یا اضافه و کم کند، مانند حرمت قتل نفس و وجوب عبادات مقرر، مگر در موارد اضطرار که آن نیز بر مبنای مصالح و مفاصل واقعی، حکم را منتفی می‌سازد.

حق عبارت است از اختصاص یک شیء برای انسان که یا «ضرورت» منشأ آن است، یا «قرارداد»‌های شرعی و عقلایی؛ مانند حق به هم زدن یک معامله (فسخ). هر حقی، برای طرف مقابل، تکلیفی ایجاد می‌کند؛ این دو را به دو قطب مثبت و منفی هم تشبیه کرده‌اند. این حق قابل اسقاط و انواع نقل و انتقال می‌باشد. حال باید در نظر گرفت که هیچ انسانی نمی‌تواند با استناد به برخورداری از حق حیات و حق داشتن اعضای درونی و برونی، آن‌ها را در معرض اسقاط و خرید و فروش قرار بدهد؛ زیرا

1. Hottois, Gilbert, "Is cloning the absolute evil?", Human Reproduction Update, Vol.4, No.6, 1998, p:788

2. Macintosh, Kerry Lynn, *Illegal beings human clones and the law*, p: 29

محافظت آن‌ها تا آن‌جا که امکان دارد، واجب شرعی و غیرقابل اسقاط و نقل و انتقال می‌باشد.^۱

۲-۲-۲.۶. حق به‌زیبی

بعضی از دانشمندان در سایر تکنولوژی‌های کمک باروری بحث از حق به‌زیبی برای کودکان حاصل از این فرآیندها می‌کنند. این عده معتقدند که این کودکان باید از چهار حق اساسی که با عنوان «حق به‌زیبی» شناخته می‌شود، برخوردار شوند. فریمن،^۲ این حقوق را شامل موارد رشد کودکان در شرایط مناسب و سالم، حق منع اعمال سوء استفاده علیه آنان، حق برخورداری از عدالت اجتماعی و حق برخورداری از حمایت و مراقبت کافی می‌داند.

قاضی مایکل هاروی بویز^۳ در جلسات پارلمان انگلستان به عنوان صاحب‌نظر در این زمینه، گفته است: «رفاه و آژه‌ای عام است و شامل رفاه مادی می‌شود که شامل منابع لازم برای تأمین منزلی مناسب و استانداردهای لازم زندگی و همچنین مراقبت‌هایی است که سلامت و عزت نفس کودک را تأمین می‌کند. با وجود این، هر چند ملاحظات مادی، جایگاه خود را دارند، اما موارد دیگری نیز در دایره حق به‌زیبی جای می‌گیرند که مهم‌تر از مادیات هستند؛ مانند امنیت و ثبات، عشق و تفاهم، مراقبت و راهنمایی، روابط گرم و نزدیک برای پیشرفت شخصیت و ویژگی‌ها و هوش وی.»

البته این مباحث در پی قانونی شدن استفاده زنان مجرد از روش‌های کمک باروری مانند اهدای گامت بیگانه برای فرزندان شدن در بسیاری از کشورها مطرح شده است.^۴ به هر حال آن‌چه به عنوان مقدمه آمد، برای آن بود که اگر بتوان شبیه‌سازی را در ذیل فن‌آوری‌های کمک باروری فرض کرد، این حقوق نیز علاوه بر حقوق پیشین برای کودک حاصل از فرآیند شبیه‌سازی باید در نظر گرفته شود.

البته بحث حق به‌زیبی درباره طفل شبیه‌سازی شده از سه منظر قابل طرح است:

۱. جعفری، محمدتقی، طرح ژنوم انسانی، تهران، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۸۵، صص ۵۶-۵۷.

2. Freeman

3. Michael Hardie-Boys

4. Daniels, Ken R. and others, "The best interests of the child in assisted human reproductive: The Interplay between the state, professionals and parents", pp.: 37-38

۱- کودک شبیه‌سازی شده در مقابل انتظارات ترسناک و متعصبانه مردم آسیب‌پذیر است.

۲- کودک شبیه‌سازی شده در مقابل نیازها و انتظارات والدین یا اهداکننده DNA آسیب‌پذیر است.

۳- کودک شبیه‌سازی شده به واسطه آگاهی از منشأ ژنتیک خود در معرض آسیب روانی است.^۱

اما در نهایت، می‌توان به حقوق مطرح از سوی نظریه‌پردازان حقوق بشر برای فرد شبیه‌سازی شده این اشکال کلی را گرفت که کسانی که به دنبال یافتن زمینه حقوق بشر در یک نظریه علمی مربوط به طبیعت انسانی هستند، معمولاً از نیازهای اساسی انسان سخن می‌گویند. هرگونه فهرستی از نیازها که بتواند به لحاظ علمی ادعای قابل قبولی را ارائه کند، متأسفانه، یک فهرست تحقیقاً ناقصی از حقوق انسانی ارائه می‌دهد.

حیات (زندگی)، غذا، حمایت علیه رفتار بی‌رحمانه یا غیرانسانی، و بیشتر از آن خواه به دلیل ناتوانی‌های اجتماعی در روش‌ها و یا دانش علمی جاری ما یا بدین سبب که علم اساساً از عهده ارائه یک نظریه مناسب و مقتضی درباره طبیعت بشر برنمی‌آید، تنها برخی از حقوق انسانی است که می‌تواند ریشه در علوم روان‌شناسی، فیزیولوژی و بیوشیمی داشته باشد. حقوق انسانی ما صرفاً چیزهایی نیست که برای سلامت خود به آن‌ها نیاز داریم؛ بلکه در هر آن‌چه که برای تأمین کرامت انسانی ما لازم است از حقوق انسانی برخورداریم.^۲

نظریه‌پردازان حقوق فردی یا بشر غالباً خود را در معرض مسائلی قرار می‌دهند از قبیل این‌که چه موجودی می‌تواند دارای حقوق باشد؛ چرا بشر دارای حقوق است؛ زمینه‌ها یا مبانی‌ای که بشر بر پایه آن می‌تواند مدعی یا بهره‌مند از حقوق باشد چیست؛ و چه نوع حقوقی وجود دارد.^۳

1. Burley, Justine and Harris, John, "Human cloning and Child welfare", p: 108

۲. شریفی طرازکوهی، حسین، حقوق بشر (نظریه‌ها و رویه‌ها)، صص ۷۶-۷۹

۳. فریدن، مایکل، مبانی حقوق بشر، ترجمه فریدون مجلسی، تهران، وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۸۲، ص ۷

جمع بندی مطالب این بخش

- عالمان یهود در مورد منشأ انتساب طفل شبیه سازی شده به پدر نظرات گوناگونی دارند. دیدگاه اول این است که اگر اهداکننده ماده ژنتیک مرد باشد، عنوان پدری بر وی تحقق می یابد. در دیدگاه دوم، اگر رابطه جنسی، میان زوجین صورت نگیرد، عناوین والدینی نیز تحقق نمی یابد. در این صورت در شبیه سازی، هیچ رابطه فرزند و والدینی قابل تصور نیست. اما این دیدگاه با قوانین گسترده ای که در دین یهود بر قانونی بودن تولد ناشی از تلقیح مصنوعی و خارج از روابط جنسی تأکید دارد، در تعارض می باشد. از سوی دیگر، یک نظریه غیر متعارف اظهار می دارد که صاحب سلول چه مرد و چه زن، پدر طفل شبیه سازی شده محسوب می شود، به ویژه هنگامی که طفل شبیه سازی شده فاقد پدر باشد؛ یعنی اهداکننده ماده ژنتیک (صاحب سلول)، زن باشد. طبق دیدگاه اول، در مورد تحقق عنوان مادری، صاحب رحم، مادر طفل شبیه سازی شده محسوب می شود. بر اساس این دیدگاه، بدون توجه به جنس پدر و مادر، می توان عنوان پدری یا مادری را به فرد صاحب سلول اطلاق کرد. بر اساس رابطه همسانی، دیدگاه دیگری نیز مطرح می شود که بیان می دارد پدر صاحب سلول، پدر طفل شبیه سازی شده محسوب می شود. البته این نظر دور از ذهن است، زیرا اسپرم وی مستقیماً در تولید طفل اثری ندارد.

- عالمان یهود در مورد منشأ انتساب طفل شبیه سازی شده به مادر نیز نظرات گوناگونی دارند. طبق دیدگاه اول، در شبیه سازی، صاحب رحم به عنوان مادر قانونی طفل شبیه سازی شده محسوب می شود؛ زیرا وی بیش از دیگران شرایط ظاهری مادری را داراست. طبق دیدگاه دوم از آن جاکه وجود دو مادر برای طفل شبیه سازی شده در دین یهود قانونی است، اگر اهداکننده ماده ژنتیک (صاحب سلول) زن باشد، به سبب آن که نقشی بسیار بیشتر از صاحب تخمک در مسأله رحم اجاره ای دارد، می تواند به عنوان مادر در کنار صاحب رحم شناخته شود (در این مسأله نیز دو مادر برای طفل در نظر گرفته می شود: صاحب تخمک - از آن جهت که وی اهداکننده نصف ماده ژنتیک

است - و صاحب رحم). لازم به ذکر است که اگر صاحب سلول، رحم و تخمک، یک زن باشد، به طریق اولی، وی مادر طفل شبیه‌سازی شده محسوب می‌شود.

- از دیدگاه آیین‌های کاتولیک و ارتدوکس، در شبیه‌سازی، عناوین والدینی محقق نمی‌شود؛ زیرا این گروه معتقدند که نباید روابط زناشویی از تولید مثل جدا شود و در صورت عدم وجود رابطه زناشویی به هیچ‌وجه عناوین والدینی محقق نخواهد شد.

- از دیدگاه آیین پروتستان، فرد شبیه‌سازی شده، تنها از نظر ژنتیک فرزند یکی از والدینش (یعنی اهداکننده سلول بالغ) است و با والد دیگر هیچ‌گونه ارتباط ژنتیک ندارد.

- به نظر می‌رسد که در نظام حقوقی اسلام چندان به مفهوم نسب پرداخته نشده است و هر یک از مذاهب اربعه اهل سنت و مذهب امامیه تنها به بیان شروط احراز نسب اکتفا کرده‌اند و بعضی از معاصران مذهب امامیه از جمله حقوق‌دانان به تعریف عرفی آن پرداخته‌اند.

- در مورد نسب، عده‌ای از فقها معتقدند که نسب در شرع، مفهوم خاص و اصطلاحی در شرع ندارد؛ بلکه واجب است برای درک معنای آن به عرف رجوع کنیم. اما عده‌ای دیگر از فقها معتقدند که نسب در اسلام حقیقت شرعیه و دارای تعریف اصطلاحی خاص است.

- نسب از نظر لغوی به معنای قرابت، اصل، نژاد، نسل، خاندان، سلسله، رگ و ریشه، رگ و پیوند، گوهر و بنه است و در جای دیگر به معنای قرابت، اصل، نژاد خویشاوندی و پیوستگی بین دو شیء (انسان) است. اما درباره مفهوم اصطلاحی آن باید اذعان کرد که بسیاری به تعریف آن پرداخته‌اند، اما هر یک به جنبه خاصی از آن توجه کرده‌اند.

- رابطه همسانی میان فرد شبیه‌سازی شده و فرد اهداکننده DNA از نظر عالمان مسلمان مردود است.

- فقهای اهل سنت، فرآیند شبیه‌سازی را به حالات زیر تقسیم کرده، حکم آن را بر اساس این چارچوب مطرح می‌کنند:

الف - در صورتی که صاحب سلول زوج باشد و محتویات سلول وی را در تخمک منفعل و سپس در رحم زوجه اش قرار دهند، در این جا سه نظر در مورد منشأ انتساب طفل شبیه سازی شده به پدر مطرح است:

- توقف

- صاحب سلول، پدر طفل شبیه سازی شده است.

- ملحق به زوج نمی باشد و طفل فاقد پدر است.

اما در مورد منشأ انتساب طفل شبیه سازی شده به مادر نیز چهار نظر مطرح است:

- صاحب تخمک، مادر طفل است.

- انتساب طفل شبیه سازی شده به مادر، در صورتی محقق است که صاحب تخمک

و صاحب رحم، هر دو زوجه باشد.

- صاحب رحم مادر طفل است.

- زوجه، شبیه مادر رضاعی است که طفل را با شیر خود پرورش می دهد.

ب - اگر صاحب سلول مردی بیگانه باشد، این روش حرام است و طفل حاصل از این فرآیند مثل ولد زنا و نامشروع است و به کس دیگری جز مادرش منتسب نمی شود و بر زوج واجب است که وی را نفی کند؛ زیرا اختلاط انساب حرام است.

ج - اگر صاحب سلول زن باشد و نطفه در رحم زن دیگری گذاشته شود، چون مذکری در تولد طفل شبیه سازی شده، دخالت ندارد، پس به مادرش منتسب است و فاقد پدر می باشد.

در مورد منشأ انتساب طفل به مادرش چهار دیدگاه مطرح است:

- صاحب سلول

- صاحب رحم

- صاحب سلول و صاحب تخمک با هم

- این طریقه حرام است.

د - صاحب سلول، صاحب رحم و صاحب تخمک یک زن باشد:

در این صورت، طفل منتسب به مادرش می باشد و فاقد پدر است. عده ای دیگر نیز در این حالت طفل را به مادرش منتسب دانسته، نسبت وی را با زوج این زن، هم چون ربیبه می شمارند و فرزندان این زن و مرد را خواهران و برادران امی طفل شبیه سازی شده می دانند.

ه - در صورتی که صاحب سلول زوج باشد و تخمک از زوجه گرفته شده باشد و در رحم زن دیگری کاشته شود:

برخی در این حالت صاحب سلول یعنی زوج را پدر طفل و صاحبان رحم و تخمک را در حکم مادران رضاعی می‌دانند. هم‌چنین معتقدند که در کلیه این حالات طفل شبیه‌سازی شده یا به مادر منتسب است یا به پدر، زیرا صاحب سلول یا زوج است یا زوجه. البته عده‌ای دیگر این حالت را نیز حرام می‌دانند، بی‌آن‌که دلیلی برای آن اقامه کند.

پیش از بررسی دیدگاه علمای امامیه، فروض متصور در شبیه‌سازی مولد انسان بیان می‌گردد؛ این فروض عبارتند از:

- هسته فعال سلول و تخمک عاری از جنس ماده (منفعل)، هر دو متعلق به زن صاحب رحم باشد.

- هسته فعال سلول متعلق به یک زن و تخمک عاری از جنس ماده (منفعل) متعلق به زن دیگری باشد و سلول اولیه در رحم زن اولی کاشته شود؛ این وضعیت به ویژه در وضعیت نادری اتفاق می‌افتد که زنی فاقد توان جنسی زایش، ولی دارای رحم سالم و متمایل به داشتن فرزند بدون انتساب به غیرهمجنس باشد.

- هسته فعال سلول غیرجنسی مردی در تخمک منفعل زنی کاشته شود و بین ایشان رابطه زوجیت برقرار و شوهر فاقد توان جنسی تولیدمثل باشد.

- هسته فعال و تخمک عاری از جنس ماده به یک زن متعلق باشد، ولی طفل در رحم اجاره‌ای گذاشته شود. البته احتمالات دیگری هم در این زمینه وجود دارد که تنها این چهار مورد از دیدگاه پزشکی ممکن به نظر می‌رسد.

دیدگاه فقهای شیعه درباره انتساب طفل شبیه‌سازی شده به پدر به دو دسته تقسیم می‌شود: الف - عدم انتساب به پدر ب - انتساب به پدر. دیدگاه فقهای شیعه درباره انتساب طفل شبیه‌سازی شده به مادر نیز به دو دسته تقسیم می‌شود: الف - انتساب به مادر که به دو نظریه عدم تعدد عنوان مادری و تعدد عنوان مادری تقسیم می‌گردد. نظریه عدم تعدد عنوان مادری خود شامل چندین دیدگاه می‌باشد: - انتساب به صاحب رحم - انتساب به صاحب تخمک - انتساب به صاحب سلول. نظریه تعدد عنوان مادری نیز شامل موارد زیر است: - انتساب صاحب سلول و صاحب رحم باهم - انتساب به

صاحب تخمک و صاحب رحم باهم - صاحب تخمک و صاحب سلول باهم - صاحبان هسته و سیتوپلاسم باهم.

ب - عدم انتساب به مادر.

- درباره منشأ انتساب در نظام حقوقی غرب هفت نظریه مطرح شده است:

- ژن گرایان اطلاعاتی

- قرارداد گرایان

- تولد گرایان

- قصد گرایان

- ژن گرایان مادی

- عده ای نیز به طور کلی هیچ انتسابی را برای طفل شبیه سازی شده قائل نیستند و

او را به کسی منتسب نمی دانند.

- طفل تنها به یکی از والدین منتسب می دانند.

- دو دیدگاه درباره نسب طفل شبیه سازی شده، در حقوق آمریکا مطرح است:

نظریه اول: استفاده از تکنولوژی های کمک باروری نیاز به بازتعریف عنوان والدینی سنتی دارد؛ زیرا در این روش ها افراد بسیاری مشارکت می کنند. همراه با افزایش تعداد افراد مشارکت کننده در فرآیند تولید مثل، مشکل تعیین عناوین والدینی برای کسب حقوق والدینی بیشتر می شود. در این روش ها، انتساب طفل به پدر و مادر، یا از طریق ژنتیک است یا قرارداد یا قانون.

نظریه دوم: در جایی که شبیه سازی، عملی می شود، مقاصد مشارکت کنندگان در این فرآیند می تواند بسیار مؤثرتر از رابطه ژنتیک میان طفل و والدینش باشد. با این تأکید این حقیقت که والدین فرد شبیه سازی شده، قلوئی ژنتیک وی هستند، در تعیین نسب قانونی، بی اهمیت می گردد.

علاوه بر این، اهداکننده سلول در این فرآیند که بر اساس قانون متحدالشکل نسب از کسب عناوین و حقوق والدینی منع می شود؛ در صورتی که بخواهد طفل را نگه داری و بزرگ کند، می تواند به عنوان والد قانونی برای وی در نظر گرفته شود.

- دین یهود دارای نظام اخلاقی تکلیف مدار است نه حقوق مدار. بنابراین هر چند به

حقوق افراد اشاره ای کرده است، اما به وظایف هر شخص بیشتر اهمیت می دهد. از

حقوق طفل شبیه‌سازی شده می‌توان به حضانت، نفقه، ارث، تابعیت دینی و تعلیم و تربیت اشاره کرد و از وظایفی که می‌تواند برای این شخص نیز اجباری و الزامی شمرده شود، می‌توان به پیروی از خدا، تولید مثل و پر کردن زمین از یهودیان، تحصیل تورات، احترام به والدین، تبعیت از دولت متبوع و داشتن کسب و پیشه اشاره کرد.

- دو دیدگاه درباره حقوق فرد شبیه‌سازی شده در دین مسیحیت وجود دارد:

عده‌ای از مسیحیان بر این اعتقادند که این فرد از تمام حقوق فرد انسان برخوردار است؛ چنان‌که دورف معتقد است: «هیچ کلونی از لحاظ شرعی، هیچ یک از حقوق و حمایت‌هایی را که به هر کودک دیگری تعلق دارد، زیرپا نمی‌گذارد... کلون‌سازی به تولید انسان‌های مستقلی می‌انجامد... شخص جدیدی که آمیزه‌ای از جسم و ذهن با تجربیاتی خاص و بی‌مانند است». این افراد معتقدند که در صورتی که شبیه‌سازی با موفقیت صورت گیرد، شخص شبیه‌سازی شده، بدون توجه به ریشه بیولوژیک یا تکنولوژیک، دارای شخصیت و کرامت انسانی و تمامی حقوقی است که اعضای بشر دارند. اما عده‌ای دیگر از مسیحیان معتقدند که طفل شبیه‌سازی شده از بعضی از حقوق مانند حق سلامت، حق فردیت و منحصر به فرد بودن، حق بی‌خبری از به آینده و حق داشتن دو والد محروم است.

- اقسام حق از دیدگاه فقها به ترتیب ذیل است: حق الله و حق الناس. اما اقسام حق از دیدگاه حقوق دانان شامل موارد زیر است: حقوق عمومی، حقوق سیاسی و حقوق خصوصی. در مورد حقوق عمومی و سیاسی، لازم به ذکر است که فرد شبیه‌سازی شده، بدون هیچ تردیدی از این حقوق برخوردار است. حقوق خصوصی نیز به دو دسته تقسیم می‌شود که تعدادی از آن‌ها در ارتباط مستقیم با نسب هستند و عده‌ای دیگر خیر.

دسته دوم از این حقوق مانند حقوق عمومی و حقوق سیاسی برای فرد شبیه‌سازی شده، ثابت هستند. لیکن، دسته اول، بنا به نظرات فقها، اشکال گوناگونی می‌یابد. اگر قائل به نسب برای طفل شبیه‌سازی باشند، که این حقوق هم‌چون ارث، نفقه، حضانت و ولایت، برای او ثابت هستند. اما اگر قائل به نسب برای او نباشند، این حقوق به او تعلق نمی‌گیرد. علمای اهل سنت نیز در صورتی که شبیه‌سازی در چارچوب ازدواج صورت گیرد، کودک را بهره‌مند از تمام حقوق می‌دانند.

- یکی از بحث‌های بنیادی در حقوق بشر، کرامت انسانی است. مخالفان شبیه‌سازی به دو دلیل، انسان حاصل از این فرآیند را از کرامت محروم می‌دانند:

- مخالفان شبیه‌سازی معتقدند که شبیه‌سازی انسانی باعث تغییرات اساسی در معنای انسان می‌شود؛ زیرا شبیه‌سازی عمل غیرجنسی است؛ در حالی که انسان کنونی، متولد از رابطه جنسی است. در تولید مثل طبیعی، هر شخص و هر نسل، از کرامت و آزادی برخوردار است، همان‌طور که نسل‌های پیشین از آن برخوردار بودند. مداخله انسان در تولید و ایجاد یک کودک، غیر طبیعی است؛ بنابراین کرامت انسانی را مورد تجاوز قرار می‌دهد.

این اصل از سوی مسیحیت نیز طرح می‌شود. در این صورت، انسان شبیه‌سازی شده از نظر این عده دارای حق کرامت نیست و شأنی برابر با سایر انسان‌ها ندارد؛ زیرا از طریق غیرطبیعی به وجود آمده است.

- البته عده‌ای دیگر نیز معتقدند پذیرش قدرت مطلق علم و خواست فرد به عنوان معیار اساسی، کرامت انسانی را در معرض خطر قرار می‌دهد. در واقع نویسندگان حقوق و نمایندگان تفکرات فلسفی، شبیه‌سازی انسان را منجر به آسیب به کرامت بنیادی بشری می‌دانند که باید محدودیت‌هایی را بر آن اعمال کرد. از دید اینان، انسان شبیه‌سازی شده از همان کرامت و منزلتی که انسان‌های دیگر برخوردارند، بهره‌مند نخواهند بود؛ بلکه به کالایی تبدیل می‌شود و یا آن‌گونه که برخی گفته‌اند برده‌داری نوین شکل خواهد گرفت و هوس پدیدآورنده بر موجود شبیه‌سازی شده مسلط خواهد شد.

- فرد شبیه‌سازی شده بر مبنای حقوق بشر از بعضی حقوق از جمله حق داشتن آینده‌ای باز و آزاد، حق استقلال اراده و آزادی، حق سلامت جسم و روان، حق بی‌خبری از آینده، حق بر هویت و حق به‌زیبی محروم است؛ اما به نظر می‌رسد فرد شبیه‌سازی شده می‌تواند از این حقوق برخوردار باشد.

خلاصه و نتایج تحقیق

- شبیه‌سازی در لغت به معنای جوانه و ترکه چوب و در اصطلاح عبارت است از کشت هسته سلول غیرجنسی انسان یا حیوان - که دارای کروموزوم کامل است - در سلول تخمک عاری از هسته جنس ماده، و بارورکردن این تخمک به روش‌های ویژه در رحم طبیعی یا مصنوعی، به منظور تشکیل موجود زنده‌ای که از لحاظ شکل ظاهری، دقیقاً مانند صاحب هسته سلول اولیه باشد.

- شبیه‌سازی در طبیعت، امری جدید و نو به شمار نمی‌رود و در بسیاری از موجودات، صورت می‌گیرد.

- در طبیعت، تنها راه برای بهبود بخشیدن به ذخایر ژنتیک گونه‌های مختلف، تولیدمثل جنسی است. اغلب گونه‌هایی که از طریق غیر جنسی تولیدمثل می‌کنند، از میان می‌روند و در موارد استثنایی تعدادشان محدود است. برخی از انواع حیوانات بیشتر از طریق شبیه‌سازی تولیدمثل می‌کنند، اما هر چند نسل یک بار از طریق جنسی هم تولیدمثل می‌کنند تا توانایی تطابق ژنتیک خود با محیط را حفظ کنند.

- شبیه‌سازی دارای گونه‌هایی است که هر یک کاربردها و عواقب خاص خود را دارد.

- شبیه‌سازی دارای انواعی است: ۱- شبیه‌سازی تکثیری ۲- شبیه‌سازی غیرتکثیری. شبیه‌سازی تکثیری خود به دو نوع شبیه‌سازی رویانی و شبیه‌سازی DNA تقسیم می‌شود.

- تکنیک‌ها و روش‌های شبیه‌سازی، شامل روش‌های انتقال هسته سلول سوماتیک، تکنیک روزلین و تکنیک هونولولو است.

- تلاش‌های بسیاری در زمینه شبیه‌سازی در گیاهان، جانوران و حتی انسان‌ها از دهه‌های پیش صورت گرفته است که گاه موفقیت‌آمیز بوده و گاهی با شکست روبرو شده است.

- بسیاری از دانشمندان، برای شبیه سازی عواقب نامطلوب و دستاوردهایی بر شمرده اند که هنوز تعدادی از آنها به مرحله اثبات نرسیده است.

- نمود علمی و پزشکی صحیح از شبیه سازی می تواند یاری گر فقها، در تحدید حدود این مسأله در فقه باشد.

- شبیه سازی باید به صورت نظام مند و در مقایسه با حوزه های دیگر علوم بررسی شود.

- اتخاذ رویه ای واحد از سوی فقها درباره این مسأله، تکلیف دینی دانشمندانی را که در این زمینه کار می کنند، مشخص می نماید.

- عالمان یهودی در زمینه شبیه سازی درمانی سه دیدگاه متفاوت ارائه نموده اند:

عده ای از آنان با ارائه دلیل معتقدند که شبیه سازی درمانی یا تحقیقات در این زمینه با هدف درمان بیماری ها امری واجب، حکم و فرمان خداوند است؛ زیرا آموزه های تورات، ارزش فراوانی را برای زندگی بشر قرار داده است. عده ای دیگر از عالمان یهود معتقدند که شبیه سازی درمانی جایز است؛ زیرا در آموزه های یهود، رویان از شرایط انسان کامل و حمایت های قانونی برخوردار نیست. گروه دیگری از عالمان یهودی نیز تحقیقات مذکور را ممنوع دانسته، بیان می دارند که فراوانی مرگ رویان ها و نواقص موجود در تحقیقات، اصل اخلاقی لزوم عدم ورود ضرر به انسان را خدشه دار می کند.

- در شبیه سازی مولد انسان نیز، عالمان یهودی دیدگاه یکسانی اتخاذ نکرده اند:

گروهی از آنان با ارائه ادله ای مانند اختلال در نظام خانواده و نقش ها و وظایف آن، تعارض شبیه سازی با لزوم نیاز به تنوع بیولوژیک میان انواع بشر، حرمت بازی نمودن نقش خدا، حرمت مداخله بیش از اندازه در روند طبیعی زاد و ولد، خطر خودپرستی و کالا شدن انسان، شبیه سازی انسان را ممنوع دانسته اند. اما عده ای دیگر از خاخام های یهودی، شبیه سازی انسان را مجاز می دانند و ادله ای برای نظر خویش اقامه می کنند؛ مانند عدم وجود دلیل بر حرمت شبیه سازی در منابع دینی یهود، تقلید از خدا در شبیه سازی آدم و حوا، استفاده از شبیه سازی به عنوان روش درمان برای زوجین نابارور و عدم تصریح قوانین یهود به الزام به روش تولیدمثل جنسی.

- در آیین ارتدوکس، شبیه سازی حیوان جایز و بدون اشکال است؛ اما شبیه سازی درمانی غیرمجاز شمرده شده است.

- در آیین ارتدوکس، شبیه‌سازی مولد انسان به ادله تعارض با تصویر خدایی انسان، نقض روابط مقدس خانوادگی، شیء شدن انسان، احتمال سوءاستفاده از شبیه‌سازی انسان، تولید انسان‌ها با هدف تولید اعضای بدن، تجاری شدن DNA انسان و تلاش برای ایجاد ابرانسان‌ها غیرمجاز شناخته شده است.

- مذهب پروتستان دارای چهار شاخه اصلی و بزرگ به نام‌های کلیسای لوتری، کلیسای کالونی، انگلیکن یا کلیسای انگلستان و پروتستانتسیم لیبرال است و سایر گروه‌ها و فرقه‌ها به نوعی به یکی از شاخه‌های اصلی باز می‌گردند. از سایر فرق این مذهب می‌توان به تعمیدگرایان یا آناپتیست‌ها، منونایت‌ها، آمیش‌ها، مورمورن‌ها، کوایرها، شاهدان یهوه، کلیسای متحده و پنتیکاستالیسم اشاره کرد. از دیدگاه ایوانجیک‌های محافظه‌کار، شبیه‌سازی انسان به ادله حذف جنبه مقدس زندگی و شخصیت انسان، وجود خطر در فرآیند شبیه‌سازی، تبدیل شدن فرآیند تولید مثل به صنعت، فروپاشی بنیان خانواده و از بین رفتن روابط پدری، مادری و فرزندی و تعارض با تصویر خدایی انسان مجاز نیست. از دیدگاه شاخه اصلی پروتستان، شبیه‌سازی مولد انسان به ادله فروپاشی بنیان خانواده، احتمال سوءاستفاده مردم از آن، استفاده زنان از این فرآیند، به مخاطره افتادن تنوع زیستی انسان‌ها، تهاجم به حیطه خصوصی افراد و اهداف انسانی و غیرالهی مورد نظر این فرآیند غیرمجاز شناخته شده است. دیدگاه فرقه لیبرال، درباره شبیه‌سازی مولد انسان چندان روشن به نظر نمی‌رسد. انگلیکن‌های استرالیا نیز شبیه‌سازی مولد انسان را ممنوع اعلام کرده‌اند، اما به گونه‌ای واضح از ادله خود سخنی به میان نیاورده‌اند. پس از مطالعه بیانیه‌های آنان، باید اذعان کرد که آنان نیز با استناد به ادله‌ای چون فردیت، حذف جنبه‌های مقدس زندگی انسان (خلقت در شکل و صورت خداوند و لقاح طبیعی جنین و شروع رشد آن)، شبیه‌سازی مولد را ممنوع اعلام نموده‌اند. کلیسای لوتری - شورای کلیسای میسوری نیز شبیه‌سازی مولد انسان را ممنوع اعلام نموده و با استناد به ادله‌ای چون حق منحصر به فرد بودن هویت ژنتیک افراد و همچنین حمایت از حقوق فرد شبیه‌سازی شده، شبیه‌سازی مولد انسان را ممنوع شمرده‌اند.

- از نظر کلیسای کاتولیک، هر دو نوع شبیه سازی (درمانی - مولد انسان) ممنوع است؛ کلیسای کاتولیک حتی شبیه سازی درمانی را غیر اخلاقی تر می شمارد. در این راه نیز ادله ای اقامه می کند، مانند:

۱- احتمال شکست و ناکامی از نظر علمی ۲- ضرورت تولید مثل جنسی برای ایجاد فرد جدید ۳- تحمیل هویت صاحب سلول به فرد شبیه سازی شده ۴- غصب جایگاه خداوند و خدایی کردن ۵- نقض کرامت انسان ۶- نقض حقوق کودک برای داشتن والدین ۷- تنزل انسان به شیء ۸ - مغایرت با حق ناآگاهی و بی خبری از به آینده ۹- امکان سوء استفاده های مختلف ۱۰- فروپاشی نهاد خانواده ۱۱- کم رنگ تر شدن نقش مرد ۱۲- ایجاد بی عدالتی منحصر به فرد در جهان ۱۳- ایجاد گناه خودپرستی و غرور در انسان با توسل به شبیه سازی آن.

- همه مراجع تقلید در پاسخ به استفتایی مبنی بر حکم شرعی شبیه سازی حیوان زنده توسط تکثیر سلول های آن، فتوای جواز صادر کرده اند.

- در میان علمای امامیه، در مورد حکم شبیه سازی انسان اتفاق نظر وجود ندارد و نظرات مختلفی در این باره ارائه شده است: (۱) جواز مطلق (۲) جواز مشروط (۳) حرمت ثانوی (۴) حرمت مطلق.

- برخی از فقها و صاحب نظران به دلیل نبود نص روشن که بر حرمت شبیه سازی انسانی دلالت کند و همچنین به استناد اصاله اباحه و به استناد قاعده «کل شیء لک حلال حتی تعلم أنه حرام بعینه فتدعه»، شبیه سازی انسانی را مجاز شمرده اند، از جمله آیات عظام سیستانی، موسوی اردبیلی، نوری همدانی، روحانی، علامه فضل الله، محمد سعید حکیم، موسوی سبزواری، موسوی تبریزی، سید محسن تبریزی، عبایی خراسانی، جناتی، مؤمن و همچنین شهید مطهری.

- برخی بر اساس نصوص موجود، به استناد اصل اولی در این مورد، شبیه سازی انسانی را مجاز شمرده اند، اما بر این نظرند که انجام گسترده شبیه سازی انسانی مشکلاتی فراهم می آورد، مانند وجود افراد همانند و دشواری بازشناسی آنان از یکدیگر؛ در نتیجه، آنان حکم به جواز موردی و فردی داده اند و آن را در سطح کلان غیر مجاز شمرده اند، از جمله این افراد می توان به آقای جواهری اشاره کرد.

- برخی از عالمان و فقهای امامیه بر این نظرند که شبیه‌سازی انسانی فی نفسه به عنوان اولی خود اشکالی ندارد و به استناد اصله اباحه جایز است؛ لیکن انجام آن به مفاسدی اجتناب‌ناپذیر خواهد انجامید. از این رو برای پیش‌گیری از این مفاسد، شبیه‌سازی انسانی به عنوان ثانوی حرام به شمار می‌رود. از جمله این فقها می‌توان به آیات عظام سید کاظم حائری، صادق شیرازی، مکارم شیرازی، صانعی، بیات و فاضل لنکرانی اشاره کرد.

- در برابر سه نگرش فوق، دیدگاه چهارمی نیز مطرح شده است که قائلان به آن بسیار اندک هستند. این دیدگاه بسیار نزدیک به نظر اهل سنت است و می‌گوید شبیه‌سازی به عنوان اولی حرام است. علامه محمد تقی جعفری، علامه محمد مهدی شمس الدین و آیات عظام تبریزی، بهجت، صافی گلپایگانی و شاهرودی بر این دیدگاه هستند.

- قائلان به حرمت مطلق شبیه‌سازی، ادله زیر را در دفاع از نظر خود ارائه می‌دهند:

- ۱- تغییر خلق الله ۲- اصله الحرمة ۳- عدم مالکیت بر جسد ۴- تفرقه میان زن و شوهر

- قائلان به حرمت ثانوی معتقدند به دلیل این‌که شبیه‌سازی به دنبال خود مسائل اخلاقی، مسائل اجتماعی و مسائل حقوقی بسیاری را به همراه می‌آورد، پس به عنوان ثانوی حرام می‌گردد.

- فقهای امامیه در مورد شبیه‌سازی درمانی، سه نظر اتخاذ کرده‌اند:

- ۱- جواز مطلق ۲- جواز مشروط ۳- عدم جواز مطلق.
- علمای اهل سنت، و بسیاری از سازمان‌های اسلامی بر جواز شبیه‌سازی در حیوان و گیاه از یک سو و بر حرمت آن در انسان از سوی دیگر اتفاق نظر دارند.
- علمای اهل سنت، در حرمت شبیه‌سازی مولد انسان ادله بسیاری را اقامه کرده‌اند. ادله ایشان شامل موارد زیر است:

- ۱- لزوم تولیدمثل جنسی ۲- اختلاط انساب ۳- ابهام در روابط خویشاوندی ۴- ابهام در نفقه و ارث ۵- از بین رفتن نهاد ازدواج و نابودی خانواده ۶- از بین رفتن مفهوم مادری ۷- از بین رفتن مفهوم پدری ۸- امکان شکل‌گیری روابط نامشروع ۹- گسترش و ترویج همجنس‌گرایی ۱۰- سوء استفاده مجرمان.

- علمای اهل سنت در مورد شبیه‌سازی درمانی دو رویکرد را اتخاذ نموده‌اند:
۱- جواز ۲- عدم جواز.

- اسناد بسیار زیادی در زمینه شبیه‌سازی از سوی جامعه بین‌المللی نگاشته شده که در همه آن‌ها، شبیه‌سازی انسان ممنوع دانسته شده است، ولی در تعدادی از آن‌ها در برابر شبیه‌سازی درمانی هیچ موضعی اتخاذ نشده است.

- بر اساس آمار، جولای سال ۲۰۰۴ یونسکو، تاکنون ۳۰ کشور مقرراتی را به تصویب رسانده‌اند و یا فرمان‌هایی را صادر کرده‌اند که به طور صریح یا ضمنی شبیه‌سازی مولد انسان را ممنوع قلمداد می‌کند. به این معنی که ۲۳ کشور قانون خاص تصویب کرده‌اند و ۷ کشور تفسیر جدیدی از قوانین موجود خود ارائه نموده‌اند. در حدود ۲۰ کشور هم در حال بررسی مقررات خود با هدف ممنوع کردن شبیه‌سازی مولد انسان هستند و هیچ کشوری تاکنون شبیه‌سازی مولد انسان را مجاز اعلام نکرده است.

- پس از بررسی دیدگاه حقوقدانان اسلامی و فقیهان در مورد ابتدای شخصیت و پس از بررسی قوانین مربوط به سقط جنین در حقوق جمهوری اسلامی ایران می‌توان چنین نتیجه گرفت که رویکرد اتخاذی از سوی قوه قانون‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در رابطه با این موضوع، جواز این امر خواهد بود.

پس از بررسی جرم، عناصر و شرایط آن در قانون ایران و انطباق این موارد با شبیه‌سازی مولد انسان می‌توان چنین نتیجه گرفت که قانون‌گذار اسلامی می‌تواند در راه جرم‌انگاری شبیه‌سازی مولد انسان گام بردارد و آن را به عنوان جرمی مسلم تلقی نماید.

- عالمان یهود در مورد منشأ انتساب طفل شبیه‌سازی شده به پدر نظرات گوناگونی دارند. دیدگاه اول این است که اگر اهداکننده ماده ژنتیک مرد باشد، عنوان پدری برای وی تحقق می‌یابد. اما در دیدگاه دوم، اگر رابطه جنسی، میان زوجین صورت نگیرد، عناوین والدینی نیز تحقق نخواهند یافت. در این صورت در شبیه‌سازی، هیچ رابطه فرزند و والدینی قابل تصور نیست. اما این دیدگاه با قوانین گسترده‌ای که در دین یهود بر قانونی بودن تولد ناشی از تلقیح مصنوعی و خارج از روابط جنسی تأکید دارد، در تعارض می‌باشد. از سوی دیگر، یک نظریه غیر متعارف هم وجود دارد که اظهار

می‌دارد صاحب سلول چه مرد و چه زن، پدر طفل شبیه‌سازی شده محسوب می‌شود، به ویژه هنگامی که طفل شبیه‌سازی شده فاقد پدر باشد؛ یعنی اهداکننده ماده ژنتیک (صاحب سلول)، زن باشد. طبق دیدگاه اول، در مورد تحقق عنوان مادری، صاحب رحم، مادر طفل شبیه‌سازی شده محسوب می‌شود. بر اساس این دیدگاه، بدون توجه به جنس پدر و مادر، می‌توان عنوان پدری یا مادری را به فرد اطلاق نمود. بر اساس رابطه همسانی، دیدگاه دیگری نیز مطرح می‌شود که بیان می‌دارد پدر صاحب سلول، پدر طفل شبیه‌سازی شده محسوب می‌شود. البته این نظر دور از ذهن است، زیرا اسپرم وی مستقیماً در تولید طفل اثری ندارد.

- عالمان یهود در مورد منشأ انتساب طفل شبیه‌سازی شده به مادر نیز نظرات گوناگونی دارند. طبق دیدگاه اول، در شبیه‌سازی، صاحب رحم به عنوان مادر قانونی طفل شبیه‌سازی شده محسوب می‌شود؛ زیرا وی بیش از دیگران شرایط ظاهری مادری را داراست. طبق دیدگاه دوم از آن‌جاکه وجود دو مادر برای طفل شبیه‌سازی شده در دین یهود قانونی است، اگر اهداکننده ماده ژنتیک (صاحب سلول) زن باشد، به سبب آن‌که نقشی بسیار بیشتر از صاحب تخمک در مسأله رحم اجاره‌ای دارد، می‌تواند به عنوان مادر در کنار صاحب رحم شناخته شود (در این مسأله نیز دو مادر برای طفل در نظر گرفته می‌شود: صاحب تخمک - از آن جهت که وی اهداکننده نصف ماده ژنتیک است - و صاحب رحم). لازم به ذکر است که اگر صاحب سلول، رحم و تخمک، یک زن باشد، به طریق اولی، وی مادر طفل شبیه‌سازی شده محسوب می‌شود.

- از دیدگاه آیین‌های کاتولیک و ارتدوکس، در شبیه‌سازی عناوین والدینی محقق نمی‌شود، زیرا این گروه معتقدند که نباید روابط زناشویی از تولید مثل جدا شود و در صورت عدم وجود رابطه زناشویی به هیچ‌وجه عناوین والدینی محقق نخواهد شد.

- از دیدگاه آیین پروتستان، فرد شبیه‌سازی شده، تنها از نظر ژنتیک، فرزند یکی از والدینش (یعنی اهداکننده سلول بالغ) است و با والد دیگر هیچ‌گونه ارتباط ژنتیک ندارد.

- به نظر می‌رسد که در نظام حقوقی اسلام، چندان به مفهوم نسب پرداخته نشده است و هر یک از مذاهب اربعه اهل سنت و مذهب امامیه تنها به بیان شروط احراز آن

اکتفا نموده‌اند و بعضی از معاصران مذهب امامیه از جمله حقوق دانان به تعریف عرفی آن پرداخته‌اند.

- در مورد نسب، عده‌ای از فقها معتقدند که نسب مفهوم خاص و اصطلاحی در شرع ندارد؛ بلکه واجب است برای درک معنای آن به عرف رجوع کنیم. اما عده‌ای دیگر از فقها معتقدند که نسب در اسلام حقیقت شرعی و دارای تعریف اصطلاحی خاص است.

- نسب از نظر لغوی به معنای قرابت، اصل، نژاد، نسل، خاندان، سلسله، رگ و ریشه، رگ و پیوند، گوهر و بنه، خویشاوندی و پیوستگی بین دو شیء (انسان) است. اما درباره مفهوم اصطلاحی آن باید اذعان کرد که بسیاری به تعریف آن پرداخته و هر یک به جنبه خاصی از آن توجه کرده‌اند.

- رابطه همسانی میان فرد شبیه سازی شده و فرد اهداکننده DNA از نظر عالمان مسلمان مردود است.

- فقهای اهل سنت، فرآیند شبیه سازی را به حالات زیر تقسیم کرده، حکم آن را بر اساس این چارچوب مطرح می کنند:

الف - در صورتی که صاحب سلول زوج باشد و محتویات سلول وی را در تخمک منفعل و سپس در رحم زوجه اش قرار دهند، در این جا سه نظر در مورد منشأ انتساب طفل شبیه سازی شده به پدر مطرح است:

- توقف

- صاحب سلول، پدر طفل شبیه سازی شده است.

- ملحق به زوج نیست و طفل فاقد پدر است.

اما در مورد منشأ انتساب طفل شبیه سازی شده به مادر نیز چهار نظر مطرح است:

- صاحب تخمک، مادر طفل است.

- انتساب طفل شبیه سازی شده به مادر، در صورتی محقق است که صاحب تخمک

و صاحب رحم، هر دو زوجه باشد.

- صاحب رحم مادر طفل است.

- زوجه، شبیه مادر رضاعی است که طفل را با شیر خود پرورش می دهد.

ب - اگر صاحب سلول مردی بیگانه باشد، این طریقه حرام است و طفل حاصل از این فرآیند مثل ولد زنا و نامشروع است و به کس دیگری جز مادرش منتسب نمی‌باشد و بر زوج واجب است که وی را نفی کند؛ زیرا اختلاط انساب حرام است.

ج - اگر صاحب سلول زن باشد و نطفه در رحم زن دیگری گذارده شود، چون در این حالت مذکری در تولد طفل شبیه‌سازی شده، دخالت ندارد، پس به مادرش منتسب است و فاقد پدر می‌باشد.

در این حالت در مورد منشأ انتساب طفل به مادرش چهار دیدگاه مطرح است:

- صاحب سلول مادر است.

- صاحب رحم مادر است.

- صاحب سلول و صاحب تخمک با هم مادر هستند.

- این طریقه حرام است.

د - صاحب سلول، صاحب رحم و صاحب تخمک یک زن باشد:

در این صورت، طفل منتسب به مادرش می‌باشد و فاقد پدر است. عده‌ای دیگر نیز در این حالت طفل را به مادرش منتسب دانسته و نسبت وی را با زوج این زن، مانند ربیبه دانسته و فرزندان این زن و مرد را خواهران و برادران امی این طفل می‌دانند.

ه - در صورتی که صاحب سلول زوج باشد و تخمک از زوجه گرفته شده باشد و در رحم زن دیگری کاشته شود:

برخی در این حالت، صاحب سلول یعنی زوج را پدر طفل و صاحبان رحم و تخمک را در حکم مادران رضاعی می‌دانند. هم‌چنین معتقدند که در کلیه این حالات، طفل شبیه‌سازی شده یا به مادر منتسب است یا به پدر؛ زیرا صاحب سلول یا زوج است یا زوجه. البته عده‌ای دیگر این حالت را نیز حرام می‌دانند، بی‌آن‌که دلیلی برای آن اقامه کند.

در بررسی دیدگاه علمای امامیه، پس از بیان فروض متصور در شبیه‌سازی مولد انسان به شرح دیدگاه علمای امامیه پرداخته می‌شود:

- در موردی که هسته فعال سلول و تخمک عاری از جنس ماده (منفعل)، هر دو

متعلق به زن صاحب رحم باشد.

- در موردی که هسته فعال سلول متعلق به یک زن و تخمک عاری از جنس ماده (منفعل)، متعلق به زن دیگری باشد و سلول اولیه در رحم زن اولی کاشته شود؛ این وضعیت به ویژه در وضعیت نادری اتفاق می افتد که زنی فاقد توان جنسی زایش، ولی دارای رحم سالم و متمایل به داشتن فرزند بدون انتساب به غیرهمجنس می باشد.

- حالتی که هسته فعال سلول غیرجنسی مردی در تخمک منفعل زنی کاشته شود و بین ایشان رابطه زوجیت برقرار و شوهر فاقد توان جنسی تولید مثل باشد.

- در موردی که هسته فعال و تخمک عاری از جنس ماده به یک زن متعلق باشد، ولی طفل در رحم اجاره ای گذارده شود. البته احتمالات دیگری هم در این زمینه وجود دارد که تنها این چهار مورد از دیدگاه پزشکی ممکن به نظر می رسد.

دیدگاه فقهی شیعه درباره انتساب طفل شبیه سازی شده به پدر به دو دسته تقسیم می شود: الف - عدم انتساب به پدر ب - انتساب به پدر. دیدگاه فقهی شیعه درباره انتساب طفل شبیه سازی شده به مادر نیز به دو دسته تقسیم می شود: الف - انتساب به مادر که به دو نظریه عدم تعدد عنوان مادری و تعدد عنوان مادری تقسیم می گردد. نظریه عدم تعدد عنوان مادری خود شامل چندین دیدگاه می باشد: انتساب به صاحب رحم، انتساب به صاحب تخمک، انتساب به صاحب سلول. نظریه تعدد عنوان مادری نیز شامل موارد زیر است: انتساب صاحب سلول و صاحب رحم باهم، انتساب به صاحب تخمک و صاحب رحم باهم، صاحب تخمک و صاحب سلول باهم، صاحبان هسته و سیتوپلاسم باهم.

ب - عدم انتساب به مادر.

- درباره منشأ انتساب در نظام حقوقی غرب هفت نظریه مطرح شده است:

- ژن گرایان اطلاعاتی

- قرارداد گرایان

- تولد گرایان

- قصد گرایان

- ژن گرایان مادی

- عده ای نیز به طور کلی هیچ انتسابی را برای وی قائل نیستند و این طفل را به

کسی منتسب نمی دانند.

- طفل را تنها به یکی از والدین منتسب می‌دانند.

- دو دیدگاه درباره نسب طفل شبیه‌سازی شده، در حقوق آمریکا مطرح است:

نظریه اول: استفاده از تکنولوژی‌های کمک باروری نیاز به بازتعریف عنوان والدینی سنتی دارد؛ زیرا در این روش‌ها افراد بسیاری مشارکت می‌کنند. همراه با افزایش تعداد افراد مشارکت‌کننده در فرآیند تولید مثل مشکل تعیین عناوین والدینی برای کسب حقوق والدینی بیشتر می‌شود. در این روش‌ها، انتساب طفل به پدر و مادر، یا از طریق ژنتیک است یا قرارداد یا قانون.

نظریه دوم: در جایی که شبیه‌سازی، عملی می‌شود، مقاصد مشارکت‌کنندگان در این فرآیند می‌تواند بسیار مؤثرتر از رابطه ژنتیک میان او و والدینش باشد. با این تأکید این حقیقت که والدین فرد شبیه‌سازی شده، دوقلوی ژنتیک وی هستند، در تعیین نسب قانونی، بی‌اهمیت می‌گردد.

علاوه براین، اهداکننده سلول در این فرآیند که بر اساس قانون متحدالشکل نسب از کسب عناوین و حقوق والدینی منع شده بود؛ در صورتی که بخواهد طفل را نگه‌داری و بزرگ کند، می‌تواند به عنوان والد قانونی برای وی در نظر گرفته شود.

- دین یهود دارای نظام اخلاقی تکلیف‌مدار است نه حقوق‌مدار. بنابراین هر چند به حقوق افراد اشاره‌ای کرده است، اما به وظایف هر شخص بیشتر اهمیت داده است. از حقوق طفل شبیه‌سازی شده می‌توان به حضانت، نفقه، ارث، تابعیت دینی و تعلیم و تربیت اشاره کرد. از وظایفی که می‌تواند برای این شخص نیز اجباری و الزامی شمرده شود، می‌توان به پیروی از خدا، تولید مثل و پر کردن زمین از یهودیان، تحصیل تورات، احترام به والدین، تبعیت از دولت متبوع و داشتن کسب و پیشه اشاره کرد.

- دو دیدگاه درباره حقوق فرد شبیه‌سازی شده در دین مسیحیت وجود دارد:

عده‌ای از مسیحیان بر این اعتقادند که این فرد از تمام حقوق فرد انسان برخوردار است؛ چنان‌که دورف معتقد است: «هیچ کلونی از لحاظ شرعی، هیچ یک از حقوق و حمایت‌هایی را که به هر کودک دیگری تعلق دارد، زی‌پا نمی‌گذارد... کلون‌سازی به تولید انسان‌های مستقلی می‌انجامد... شخص جدیدی که آمیزه‌ای از جسم و ذهن با تجربیاتی خاص و بی‌مانند است». این افراد معتقدند که اگر شبیه‌سازی با موفقیت صورت گیرد، شخص شبیه‌سازی شده، بدون توجه به ریشه بیولوژیک یا تکنولوژیک،

دارای شخصیت و کرامت انسانی و تمام حقوقی است که اعضای بشر دارند. اما عده‌ای دیگر از مسیحیان معتقدند که طفل شبیه‌سازی شده از بعضی از حقوق مانند حق سلامت و حق فردیت و منحصر به فرد بودن، حق بی‌خبری از آینده و حق داشتن دو والد محروم است.

- اقسام حق از دیدگاه فقها به این ترتیب است: حق الله و حق الناس. اما اقسام حق از دیدگاه حقوق‌دانان شامل موارد زیر است: حقوق عمومی، حقوق سیاسی و حقوق خصوصی. در مورد حقوق عمومی و سیاسی، لازم به ذکر است که فرد شبیه‌سازی شده، بدون هیچ‌گونه تردیدی از این حقوق برخوردار است. حقوق خصوصی نیز به دو دسته تقسیم می‌شود که تعدادی از آن‌ها در ارتباط مستقیم با نسب هستند و عده‌ای دیگر خیر.

دسته دوم از این گروه همانند حقوق عمومی و حقوق سیاسی برای فرد شبیه‌سازی شده، ثابت هستند. لیکن، دسته اول، بنا به نظرات فقها، اشکال گوناگونی می‌یابد. اگر قائل به نسب برای طفل شبیه‌سازی باشند، حقوقی هم‌چون ارث، نفقه، حضانت و ولایت، برای او ثابت می‌شود. اما اگر قائل به نسب برای او نباشند، این حقوق به او تعلق نمی‌گیرد. علمای اهل سنت نیز در صورتی که شبیه‌سازی در چارچوب ازدواج صورت گیرد، کودک را منتفع از تمام حقوق می‌دانند.

- یکی از بحث‌های بنیادی در حقوق بشر، کرامت انسانی است. مخالفان شبیه‌سازی به دو دلیل، انسان حاصل از این فرآیند را از کرامت محروم می‌دانند:

- مخالفان شبیه‌سازی معتقدند که شبیه‌سازی انسانی باعث تغییرات اساسی در معنای انسان می‌شود؛ زیرا شبیه‌سازی عمل غیرجنسی است؛ در حالی که انسان کنونی، متولد از رابطه جنسی است. در تولید مثل طبیعی، هر شخص و هر نسل، از کرامت و آزادی برخوردار است، همان‌طور که نسل‌های پیشین از آن برخوردار بودند. مداخله انسان در تولید و ایجاد یک کودک، غیر طبیعی است؛ بنابراین کرامت انسانی را مورد تجاوز قرار می‌دهد.

این اصل از سوی مسیحیت نیز طرح می‌شود. انسان شبیه‌سازی شده از نظر این عده دارای حق کرامت نیست و شأنی برابر با سایر انسان‌ها ندارد؛ زیرا از طریق غیرطبیعی به وجود آمده است.

- عده‌ای دیگر نیز معتقدند پذیرش قدرت مطلق علم و خواست فرد به عنوان معیار اساسی، کرامت انسانی را در معرض خطر قرار می‌دهد. در واقع نویسندگان حقوق و نمایندگان تفکرات فلسفی، شبیه‌سازی انسان را منجر به آسیب به کرامت بنیادی بشری می‌دانند که باید محدودیت‌هایی را بر آن اعمال کرد. از دید اینان، انسان شبیه‌سازی شده از همان کرامت و منزلتی که انسان‌های دیگر برخوردارند، بهره‌مند نخواهند بود؛ بلکه به کالایی تبدیل خواهد شد و یا آن‌گونه که برخی گفته‌اند برده‌داری نوین شکل خواهد گرفت و هوی و هوس پدیدآورنده بر موجود شبیه‌سازی شده مسلط خواهد شد.

- فرد شبیه‌سازی شده بر مبنای حقوق بشر از بعضی حقوق از جمله حق داشتن آینده‌ای باز و آزاد، حق استقلال اراده و آزادی، حق سلامت جسم و روان، حق بی‌خبری از آینده، حق بر هویت و حق به‌زیبی محروم است، اما به نظر می‌رسد فرد شبیه‌سازی شده می‌تواند از این حقوق برخوردار باشد.

پیوست: استفتائات

در این پایان نامه از دو نوع استفتا برای جمع آوری نظرات مراجع عظام استفاده شده است که به شرح ذیل ارائه می شوند:

استفتای شماره ۱:

باسمه تعالی

محضر مبارک حضرت آیت ا... العظمی (دامت برکاته)

سلام علیکم

با احترام، اینجانب محدثه معینی فر دانشجوی رشته فقه و حقوق اسلامی در دانشگاه امام صادق (ع) - واحد خواهران جهت پایان نامه با موضوع «جایگاه فقهی و حقوقی شبیه سازی»، بدین وسیله، از محضر حضرتعالی تقاضا دارم در صورت امکان به سؤالات ضمیمه پاسخی عنایت بفرمایید. اگر موارد دیگری به نظر حضرتعالی در این باره می رسد، بنده را از ارائه نظرات ارزشمند خود محروم نفرمایید. ضمناً پاسخ به این سؤالات صرفاً جنبه علمی و تحقیقی دارد و در هیچ نشریه ای منتشر و درج نخواهد شد.

باتشکر

۱. حکم شبیه سازی مولد که منجر به تولید یک حیوان و یا حتی یک انسان می شود، از نظر حضرتعالی چه می باشد؟
۲. حکم شبیه سازی درمانی - که در واقع تولید جنین های انسانی برای استفاده در تحقیقات است و هدف از آن تولید انسان نیست، بلکه هدف از کشت آن، به دست آوردن سلول های بنیادی جنینی است که در تحقیقات پیشبرد و هم چنین درمان بیماری ها مورد استفاده قرار می گیرند، می باشد - از نظر حضرتعالی چه می باشد؟

۳. به نظر حضرت‌تعالی، آیا فرد شبیه‌سازی شده در فرض تولد، از حقوق مادی و معنوی یکسانی با افراد دیگر برخوردار خواهد بود؟ اگر این حقوق را دارا باشد، شامل چه مواردی است؟

۴. در صورت فوت شخص شبیه‌سازی شده، قوانین حقوقی مانند ارث و غیره چگونه درباره او اجرا می‌شود؟ و آیا انسان شبیه‌سازی شده، شخصیت حقیقی مستقلی جدا از شخص اول که از روی آن شبیه‌سازی شده است، دارد یا خیر؟

۵. اگر زنی باکره با بهره‌گیری از بدلسازی یا شبیه‌سازی انسان، دارای فرزندى از سلول‌های جنینی خود شود، در این صورت آیا حامله شدن وی مشروع است یا نه؟ و آیا فرزند به دنیا آمده، نسخه بدل اوست یا همسانش یا دخترش؟

استفتای شماره ۲:

باسمه تعالی

محضر مبارک حضرت آیت ... العظمی (دامت برکاته)

سلام علیکم

با احترام، اینجانب محدثه معینی فر دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق خانواده در دانشگاه امام صادق (ع) - واحد خواهران جهت پایان‌نامه با موضوع «شبیه‌سازی انسان در گستره حقوق خانواده»، بدین وسیله، از محضر حضرت‌تعالی استدعای پاسخ‌گویی به سؤالات ذیل را دارم؛ زیرا پاسخ این سؤالات می‌تواند راهگشای علمی محققان و طلاب قرار گیرد.

مقدمه:

اصطلاح شبیه‌سازی (cloning) عبارت است از کشت هسته سلول غیر جنسی انسان یا حیوان که دارای کروموزوم کامل می‌باشد (صاحب سلول) در تخمک عاری از هسته جنس ماده (صاحب تخمک) و بارور کردن این تخمک به روش‌های ویژه در رحم طبیعی (صاحب رحم) یا مصنوعی، به منظور تشکیل موجود زنده‌ای که از لحاظ شکل ظاهری دقیقاً مانند صاحب هسته سلول اولیه باشد. بر این اساس، در این فرآیند، سه عامل صاحب سلول، صاحب تخمک و صاحب رحم مشارکت دارند و بر این مبنا، حالات مختلفی متصور است. لازم به ذکر است که این فرآیند می‌تواند به عنوان یکی از

روش‌های نوین کمکی تولیدمثل به کار گرفته شود. در ضمن، حکم اصل شبیه‌سازی نیز در استفتائات پیشین از محضر علما و مراجع اخذ گردیده است.

سؤالات:

الف - در هر یک از حالات زیر، در مورد منشأ انتساب طفل حاصل از این فرآیند به پدر و مادرش، حکم شرعی چه می‌باشد (لطفاً در صورت لزوم ادله خود را نیز ذکر بفرمایید):

۱- در صورتی که صاحب سلول زوج باشد و محتویات سلول وی را در تخمک عاری از جنس ماده و سپس در رحم زوجه‌اش قرار دهند.

۲- در صورتی که صاحب سلول مردی بیگانه باشد و محتویات سلول وی را در تخمک عاری از جنس ماده زنی قرار داده، سپس در رحم زنی دیگر کشت دهند.

۳- صاحب سلول، صاحب رحم و صاحب تخمک عاری از جنس ماده، یک زن باشد.

۴- در صورتی که صاحب سلول زوج باشد و تخمک عاری از جنس ماده از زوجه گرفته شده باشد و در رحم زن دیگری کاشته شود.

۵- در موردی که صاحب سلول، یک زن و صاحب تخمک عاری از جنس ماده، زن دیگری باشد و سلول اولیه در رحم زن اولی کاشته شود؛ این وضعیت به ویژه در وضعیت نادری اتفاق می‌افتد که زنی فاقد توان جنسی زایش، ولی دارای رحم سالم و متمایل به داشتن فرزند بدون انتساب به غیرهمجنس می‌باشد.

۶- در موردی که صاحب سلول و صاحب تخمک عاری از جنس ماده، یک زن باشد، ولی طفل در رحم اجاره‌ای گذارده شود.

۷- در موردی که صاحب سلول زوجه باشد، صاحب تخمک عاری از جنس ماده و صاحب رحم، یک زن باشد.

ب - به نظر حضرت‌عالی، فرد شبیه‌سازی شده در صورت تولد و شکل‌گیری، آیا از حقوق مادی و معنوی یکسانی با افراد دیگر برخوردار خواهد بود؟ اگر این حقوق (اعم از حقوق ناشی از نسب و غیر آن) را دارا باشد، شامل چه مواردی است؟

با تشکر

محدثه معینی‌فر

درد در دخترش آیا...! انشای موسوی اردبیلی
شماره: ۴۰۲
۱۳۸۵/۵/۱۱

باسمه تعالی

محضر مبارک حضرت ایت ا... موسوی اردبیلی (دامت برکاته)
سلام علیکم

با احترام: اینجانب محدثه معینی فر دانشجوی رشته فقه و حقوق اسلامی در دانشگاه امام صادق (ع) واحد خاوران جهت پایان نامه با موضوع «جایگاه فقهی و حقوقی شبیه سازی انسان» ، بدین وسیله ، از حضرت تعالی تقاضا دارم در صورت امکان به سوالات زیر پاسخی عنایت فرمائید. اگر موارد دیگری به نظر حضرت تعالی در این باره می رسد ، بنده را از ارائه نظرات ارزشمند خود محروم نفرمائید .

با تشکر

۱. حکم شبیه سازی باز تولیدی که منجر به تولید یک حیوان و یا حتی یک انسان می شود ، از نظر حضرت تعالی چه می باشد ؟

«... بر تعالی»

دلیل قوی بر درست تحقین دلائل رابط بنارم .

۲. حکم شبیه سازی درمانی- که در واقع تولید جنین های انسانی برای استفاده در تحقیقات است و هدف از آن تولید انسان نیست بلکه هدف از گشت آن ، بدست آوردن سلولهای بنیادی جنینی است که در تحقیقات پیشبردی و همچنین درمان بیماری ها مورد استفاده قرار می گیرند، می باشد- از نظر حضرت تعالی، چه می باشد؟

«... بر تعالی»

احکام بنارم .

۳. به نظر حضرت تعالی ، آیا فرد شبیه سازی شده در فرض تولد، از حقوق مادی و معنوی یکسانی با افراد دیگر برخوردار خواهد بود؟ اگر این حقوق را دارا باشد، این حقوق شامل چه مواردی است ؟ «... بر تعالی»

تمام حقوق انسانی را دارد و ولی رابطی نمی باشد مگر آن که در دم زنی پرورش یافته باشد که نسبت مادر و فرزندی آن زن به نسبت می باشد

۴. در صورت فوت شخص شبیه سازی شده ، قوانین حقوقی مانند ارث و غیره چگونه دربار او اجرا می شود ؟ و آیا انسان شبیه سازی شده ، شخصیت حقیقی مستقلی جدا از شخص اول که از روی آن شبیه سازی شده دارد یا خیر ؟ «... بر تعالی»

شخص شبیه سازی شده ، شخصیت مستقل دارد و در فرض عدم وجود مادر (پرورش در غریب زن) و یا رابطی سبی، وارث او امام (علیه السلام) می باشد.

۵. اگر زنی باکره با بهره گیری از بدلسازی یا شبیه سازی انسان ، دارای فرزندی از سلول های جنینی خود شود ، در این صورت آیا حامله شدن وی مشروع است یا نه ؟ و آیا فرزند به دنیا آمده ، نسخه بدل اوست یا همسانش یا دخترش ؟

«... بر تعالی»

اگر جنین در دم او پرورش یابد، زن مذکور مادرش می شود.



باسمه تعالی

محضر مبارک حضرت آیت ا... العظمی بهجت (دامت برکاته)

سلام علیکم

با احترام: اینجانب محدثه معینی فر دانشجوی رشته فقه و حقوق اسلامی در دانشگاه امام صادق (ع) - واحد خواهران جهت پایان نامه با موضوع «جایگاه فقهی و حقوقی شبیه سازی انسان» ، بدین وسیله ، از حضرت تعالی تقاضا دارم در صورت امکان به سوالات زیر پاسخی عنایت فرمائید. اگر موارد دیگری به نظر حضرت تعالی در این باره می رسد ، بنده را از ارائه نظرات ارزشمند خود محروم نفرمائید .

با تشکر

۱. حکم شبیه سازی باز تولیدی که منجر به تولید یک حیوان و یا حتی یک انسان می شود ، از نظر حضرت تعالی چه می باشد؟

بسم الله الرحمن الرحیم: در حقیقت امکان ندارد در این عمل منع و اشکال است از جهات مرضی .

۲. حکم شبیه سازی درمانی- که در واقع تولید جنین های انسانی برای استفاده در تحقیقات است و هدف از آن تولید انسان نیست بلکه هدف از کشت آن ، بدست آوردن سلولهای بنیادی جنینی است که در تحقیقات پیشبردی و همچنین درمان بیماری ها مورد استفاده قرار می گیرند، می باشد- از نظر حضرت تعالی چه می باشد؟

بسم الله الرحمن الرحیم: بسط یافتل صادق نباشد ، اشکال ندارد .

۳. به نظر حضرت تعالی ، آیا فرد شبیه سازی شده در فرض تولد، از حقوق مادی و معنوی یکسانی با افراد دیگر برخوردار خواهد بود؟ اگر این حقوق را دارا باشد، این حقوق شامل چه مواردی است ؟

بسم الله الرحمن الرحیم: بله .

۴. در صورت فوت شخص شبیه سازی شده ، قوانین حقوقی مانند ارث و غیره چگونه درباره او اجرا می شود ؟ و آیا انسان شبیه سازی شده ، شخصیت حقیقی مستقلی جدا از شخص اول که از روی آن شبیه سازی شده دارد یا خیر ؟

بسم الله الرحمن الرحیم: ممکن است گفته شود مستقل است پس ارث نیست .

۵. اگر زنی باکره با بهره گیری از بدلسازی یا شبیه سازی انسان ، دارای فرزندی از سلول های جنینی خود شود ، در این صورت آیا حامله شدن وی مشروع است یا نه ؟ و آیا فرزند به دنیا آمده ، نسخه بدل اوست یا همسانش یا دخترش ؟

بسم الله الرحمن الرحیم: نه نه که منع است و نیز مستقل است .



دفتر حضرت آیت‌الله
عظمی صافی گلپایگانی
شماره: ۷۴۱
تاریخ: ۸۶/۵/۲۰
موضوع:

باسمه تعالی

محضر مبارک حضرت آیت ... العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته)

سلام علیکم

با احترام: اینجانب محدثه معینی فر دانشجوی رشته فقه و حقوق اسلامی در دانشگاه امام صادق (ع) - واحد خاوران جهت پایان نامه با موضوع «جایگاه فقهی و حقوقی شبیه‌سازی انسان» ، بدین وسیله ، از حضرت تعالی تقاضا دارم در صورت امکان به سوالات زیر پاسخی عنایت فرمائید. اگر موارد دیگری به نظر حضرت تعالی در این باره می‌رسد ، بنده را از ارائه نظرات ارزشمند خود محروم نفرمائید .

با تشکر

۱. حکم شبیه‌سازی باز تولیدی که منجر به تولید یک حیوان و یا حتی یک انسان می‌شود ، از نظر حضرت تعالی چه می‌باشد ؟ **بسم الله الرحمن الرحیم**

ج ۱- شبیه‌سازی حیوان غیر انسان اشکال ندارد ولی شبیه‌سازی انسان جایز نیست .
والله اعلم .

۲. حکم شبیه‌سازی درمانی- که در واقع تولید جنین های انسانی برای استفاده در تحقیقات است و هدف از آن تولید انسان نیست بلکه هدف از کشت آن ، بدست آوردن سلولهای بنیادی جنینی است که در تحقیقات پیشبردی و همچنین درمان بیماری ها مورد استفاده قرار می گیرند، می باشد- از نظر حضرت تعالی چه می باشد؟

۳. به نظر حضرت تعالی ، آیا فرد شبیه‌سازی شده در فرض تولد ، از حقوق مادی و معنوی یکسانی با افراد دیگر برخوردار خواهد بود؟ اگر این حقوق را دارا باشد ، این حقوق شامل چه مواردی است ؟

ج - بعید نیست اگر از هر جهت انسان بر او اطلاق شود همان حقوقی را که دیگران دارند داشته باشد . والله اعلم .

۴. در صورت فوت شخص شبیه‌سازی شده ، قوانین حقوقی مانند ارث و غیره چگونه در باره او اجرا می شود ؟ و آیا انسان شبیه‌سازی شده ، شخصیت حقیقی مستقلی جدا از شخص اول که از روی آن شبیه‌سازی شده دارد یا خیر ؟

ج - منطبق بر هر کدام باشد اجرامی شود . والله اعلم .

۵. اگر زنی بکره یا بهره‌گیری از بدلسازی یا شبیه‌سازی انسان ، دارای فرزندی از سلول های جنینی خود شود ، در این صورت آیا حامله شدن وی مشروع است یا نه ؟ و آیا فرزند به دنیا آمده ، نسخه بدل اوست یا همسانش یا دخترش ؟

ج - جواز عمل بر موم محل اشکال است و بر فرض عمل نسبت به احکام مختلف به حسب مورد رعایت احتیاط شود . والله اعلم . ۲۶ رجب المرجب ۱۴۲۷ هـ ق



کتاب

با اهدا سلام و تحیات

یا مدح سؤالات شما با شرح زیر است:

این عمل از نظر شرعی ^لخلاف ^لاشکال نیست و مفاسد زیاد بر آن موجب می‌شود
با همین جهت حق افراد ^لنمی‌تواند بایبند باین و شریعتی نیستند به خاطر
مفاسد اجتماعی آن به مخالفت با آن پرداخته‌اند.

شرح بیشتر در جلد دوم استفتائات ما ^تمطالعه کرده‌اید آمده است.

فتوای آن برای شما ارسال شد. همیشه موفق باشید.

۱۵/۵/۲۳



شبیه‌سازی

سؤال ۱۷۸۳- شبیه‌سازی تحت چه شرایطی جایز می‌باشد؟ توضیح این که از طریق موادی از پوست خود زن باعث ایجاد جنینی در او بشویم، که این جنین از هر جهت شبیه به خود او می‌باشد. این کار برای اولین مرتبه در انگلستان نسبت به گوسفند انجام شده است، آیا این عمل جایز است؟

جواب: این عمل از نظر شرعی خالی از اشکال نیست و مفسد زیادی بر آن مترتب می‌شود، به همین جهت حتی افرادی که پایبند به دین و شریعتی نیستند به خاطر مفسد اجتماعی آن به مخالفت با آن پرداخته‌اند.

سؤال ۱۷۸۴- با توجه به پیشرفت علم پزشکی و ژنتیک و موفقیت انسان در تولید غیرجنسی گوسفند، موش و مانند آن و قابلیت اجرای این عمل در تولید غیرجنسی انسان و ترمیم اعضا لطفاً بفرمایید:

الف) آیا انجام چنین عملی (تولید انسان کامل از طریق شبیه‌سازی) شرعاً صحیح است؟

جواب: همان گونه که قبلاً هم اشاره کرده‌ایم این کار ممکن است ذاتاً اشکالی نداشته باشد؛ ولی با توجه به عوارض نامطلوب فراوان اجتماعی و اخلاقی که بر آن مترتب می‌شود، شرعاً مجاز نیست؛ به علاوه، اگر مستلزم نظر و لمس حرام به هنگام کشت سلول مشابه در رحم انسان گردد، از این نظر نیز اشکال دیگری متوجه می‌شود.

ب) آیا ساخت اعضا و پیوند آن به انسان، شرعاً صحیح است؟

جواب: اشکالی ندارد؛ مشروط بر این که مستلزم کار حرام خاصی نبوده باشد.

[۶۱۶]

ج) با فرض اجرای چنین عملی در خارج از ممالک اسلامی و پیدایش چنین موجودی، آیا این موجود می‌تواند به دین اسلام مشرف شود؟

جواب: تشرف چنین انسانی به دین اسلام بی‌مانع است.

د) آیا می‌توان با چنین موجودی معاشرت و معامله نمود؟

جواب: اشکالی ندارد؛ انسانی است همانند سایر انسان‌ها.

ه) ازدواج با چنین موجودی چه حکمی دارد؟

جواب: ازدواج و نکاح او با هر کس جز محارم، یعنی کسی که سلول از او گرفته شده یا در رحم او پیوند زده شده، بی‌مانع است.

و) آیا می‌توان از چنین انسانی ارث برد؟

جواب: چنین انسانی از کسی ارث نمی‌برد و ارث او به امام می‌رسد؛ همانند فرزندان رضاعی که محرم هستند ولی ارث نمی‌برند و بستگان نیز از آن‌ها ارث نمی‌برند.

ز) آیا او می‌تواند ازدواج کند؟

جواب: آری، از این نظر فرقی با سایر انسان‌ها ندارد.

ج- به کتاب استغاثات پزشکی حضرت آیت الله العظمی ضامنی مد ظله العالی فصل «شبهیه»
که در سایت اینترنتی معظّم نیز موجود است مراجعه فرمائید



۸۵/۶/۲

دفتر حضرت آیت الله العظمی ضامنی مد ظله العالی قم
تاریخ: ۸۵/۶/۲
شماره: ۱۳۶۰۲
موضوع: استفتاء

استفتائات پزشکی - < شبیه‌سازی (کلوناسیون)

با پیشرفت‌های علمی در سه دهه اخیر و دستیابی به دانش زیست فناوری این امکان برای بشر فراهم شده که با دستکاری در ساختار مولکولی موجودات زنده، از قبیل گیاهان و جانوران، فرآورده‌هایی را با خواص و کیفیات جدید و مورد دلخواه تولید و شیوه‌های نوینی را برای درمان یا پیشگیری از بسیاری از بیماری‌های صعب‌العلاج ابداع نماید. با استفاده از این دانش می‌توان گیاهان مقاوم در برابر آفت‌ها یا گیاهانی با خواص دارویی تولید کرد و میزان ثمردهی گیاهان را افزایش داد. هم‌چنین می‌توان حیواناتی با گوشت، پشم و شیر بیشتر و مغذی‌تر یا حاوی پروتئین‌های سودمند دارویی تولید کرد و نیز از نظر علمی این امکان فراهم شده است که با استفاده از سلول‌های بنیادین حیوان و انسان، برخی از بیماری‌ها را درمان کرد یا بافت‌ها و اندام‌هایی برای پیوند به انسان تولید کرد، یا با وارد ساختن ژن‌های جدید به بدن انسان، برخی از بیماری‌های وراثتی و غیر وراثتی، نظیر سرطان‌ها و دیابت را درمان و یا از بروز آن‌ها پیشگیری نمود. کاربردهای این فناوری آن‌قدر متنوع و گسترده است که همه روزه ابداعات جدیدتری از این نوع در کشورهای مختلف صورت می‌گیرد. اما این فناوری در کنار این دستاوردها دارای مخاطرات بالقوه‌ای است که پرسش‌ها و ابهام‌هایی را از لحاظ اخلاقی، حقوقی و مذهبی در تمام نقاط جهان برانگیخته است. پاسخگویی دقیق و همه‌جانبه به این پرسش‌ها بی‌تردید می‌تواند کمک مؤثری به جهت‌دهی صحیح و استفاده مناسب از این فناوری بنماید. در این راستا وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با هدف بررسی ابعاد اخلاقی زیست فناوری، همایشی را با عنوان «کنگره بین‌المللی اخلاق زیستی» با همکاری سازمان تربیتی، علمی، فرهنگی ملل متحد (یونسکو) در اردیبهشت ماه سال جاری در تهران برگزار خواهد کرد.

به پیوست اهم مسائلی که در این زمینه تا کنون مطرح شده به محضر حضرت مستطاب عالی ایفا می‌گردد. استدعا دارد جهت مزید استفاده از فتاوی حضرت‌عالی در این کنگره، ضمن اعلام نظر گرامی در هر مورد به مبانی و ادله مربوط نیز اشاره بفرمایید.

(س ۱۴۶) ۱. آیا اصولاً دست‌ورزی ژنتیکی و تغییر ساختار مولکولی موجودات زنده، اعم از جانوران و گیاهان، با توجه به مخاطرات احتمالی آن، برای طبیعت و محیط زیست، جایز است؟

۲. آیا استفاده از میوه‌ها و مواد غذایی حاصله از تغییرات ژنتیکی، جایز است؟

۳. در صورت انتقال ژن حیوان حرام گوشت به گیاه، خوردن محصول آن چه حکمی دارد؟

۴. آیا اساساً انسان مجاز است برای مقاصد پژوهشی خود، از حیوانات به گونه‌ای استفاده کند که برای سلامتی آن‌ها زیان‌بار باشد؟

۵. آیا تغییر ژنتیکی در حیوانات و استفاده از آن‌ها به عنوان مدل آزمایشگاهی، جهت مطالعه و بررسی مراحل بیماری‌های انسانی و نحوه اثرگذاری داروها بر آن‌ها جایز است؟ به عنوان مثال برخی از مراکز تحقیقاتی در کشورهای غربی، با تغییر ساختار ژنتیکی موش، این حیوان را نسبت به ابتلا به بیماری سرطان حساس کرده و از آن به عنوان مدلی جهت بررسی این بیماری در انسان استفاده می‌کنند.

آیا این کار با توجه به آسیب و زیان وارده به حیوان و مخاطرات احتمالی آن برای محیط زیست، جایز است؟

۶. آیا تولید و پیوند اندام و بافت حیوانی به انسان، جایز است؟

۷. آیا استفاده از سلول‌های بنیادین استخراج شده از جنین انسان قبل از لانه‌گزینی در رحم برای مقاصد درمانی، جایز است؟ (لازم به یادآوری است که مراکز تحقیقاتی معمولاً نمونه‌های خود را از جنین‌های دور ریخته شده در مؤسسه‌های باروری (IVF) به دست می‌آورند).

۸. آیا تغییر ژنتیکی جنین انسان به منظور اصلاح نژاد و ایجاد اوصاف دلخواه در آن، مانند انتخاب رنگ پوست، افزایش ضریب هوشی و غیره، جایز است؟

۹. آیا کلونینگ (شبیه‌سازی) حیوانات، جایز است؟

۱۰. شبیه‌سازی (کلوناسیون)^۱ تحت چه شرایطی جایز است؟ به عنوان نمونه، اگر از طریق موادی از پوست خود زن، باعث ایجاد جنینی در او شویم که از هر جهت شبیه به خود او باشد (مانند کاری که بر روی حیوانات برای اولین مرتبه در انگلستان انجام شده)، آیا این عمل جایز است؟

۱۱. آیا در صورت تشخیص مولکولی بیماری‌های ژنتیکی لاعلاج در جنین، مانند تالاسمی، می‌توان برای جلوگیری از ولادت نوزاد بیمار، اقدام به سقط جنین کرد؟

۱۲. آیا می‌توان از نمونه‌های بیولوژیکی افراد، مانند نمونه خون، سلول و بافت، که معمولاً جهت آزمایش گرفته می‌شود، بدون کسب رضایت آن‌ها برای مقاصد علمی یا درمانی بهره‌برداری کرد؟

ج ۱- به طور کلی هر گونه پیشرفت علمی که موجب ضرر و زیان به فرد و جامعه نگردد، فی حدّ نفسه، جایز است و اصل بر اباحه است و مخاطرات احتمالی اگر مورد اعتنا نزد علمای طبیعت و محیط زیست باشد، چون احتمال خطر و ضرر برای دیگران و تصرف در حقوق

آن‌ها از محیط است، حرام و غیر جایز می‌باشد، آری، ضررهای جزئی که مورد اعتنا نبوده، سبب حرمت نمی‌گردد.

ج ۲- جایز و حلال می‌باشد، چون باز میوه و غذای حلال است مثل میوه و غذاهای بدون تغییر ژنتیکی.

ج ۳- مانعی ندارد و حکم آن گیاه، با گیاه بدون انتقال مورد سؤال مساوی است و حلال می‌باشد، و خوردن آن گیاه، خوردن گیاه است نه خوردن اجزای حیوان حرام گوشت تا حرام باشد.

ج ۴- برای پیشرفت علمی و دست یافتن به علل و اسباب بیماری‌ها و مقاصد پژوهشی، مانعی ندارد و همه جهان طبیعت برای استفاده مشروع انسان از آن‌ها آفریده شده و قرآن می‌فرماید همه جهان برای نفع بشر آفریده شده «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا»^۱ و حرمت یا کراهت ایدای حیوانات مربوط به خود ایدای فی حدّ نفسه است که ظلم به آن‌ها محسوب می‌شود.

ج ۵- خود عمل، فی حدّ نفسه، جایز است و مسأله مخاطره‌ها هم در جواب «۱» حکمش بیان شد و مسأله آزار و آسیب حیوانات هم در جواب «۴» بیان شد و معلوم گشت.

ج ۶- جایز است و این مسأله در فقه از دیر زمانی قبل مطرح و جوازش مسلم بوده و شیخ الطائفه در مبسوط درباره پیوند استخوانی از سگ به بدن انسان فرموده که با ملحق شدن به بدن انسان پاک می‌گردد و نسبت به اصل جوازش آن‌قدر مسلم بوده که آن را مطرح نفرموده و راجع به پاک بودن آن بعد از پیوند سخن گفته است.

ج ۷- اگر استفاده از نمونه‌های دور ریخته برای مقاصد درمانی کافی نباشد، به خاطر پیشرفت علمی و استفاده‌های درمانی و معالجه امراض که در سؤال آمده و یک واجب الهی و انسانی و وجدانی و اخلاقی است، مانعی ندارد و حرمت و نهی از نابود کردن نطفه در رَجِم که منشأ انسان است، بر فرض آن‌که شامل مثل مورد سؤال موضوعاً بشود و انصراف از این گونه استخراج‌ها که برای استفاده درمانی است نداشته باشد، به حکم اهمّیت مسأله استفاده درمانی بی‌اثر خواهد بود و معصیت و گناه نمی‌باشد، لیکن ناگفته نماند که استفاده مورد سؤال باید با رضایت صاحب نطفه یعنی زوج و صاحب رَجِم یعنی زوجه باشد و استفاده مورد سؤال در جنین، تصرّف و دخالت در حقوق و حدود شئون دیگران است که بدون رضایتشان حرام بوده است.

ج ۸ - فی حدّ نفسه، مانعی ندارد و جایز می‌باشد، و اصل شرعی و عقلی در همه افعال و اعمال حلیّت آن‌هاست، مگر خلاف آن ثابت شود.

ج ۹- جایز است و منعی ندارد.

ج ۱۰- عمل به هر گونه پیشرفت علمی و به عینیت رساندن آن در تولید انسان (همانند سازی) که ارتباط به زن و شوهر پیدا کند و یا تنها به زن، برای موارد ضرورت و شرایط خاص، نمی‌توان گفت حرام است؛ اما استفاده نمودن از آن، به طور کلی و عادی شدن و جنبه رسمی پیدا کردن، قطعاً با مذاق شرع و فقه اسلامی نمی‌سازد و حرام است؛ به‌علاوه که به جهت مفسد حقوقی و اجتماعی و اخلاقی و تکوینی و غیر آن‌ها، از مفسد عظیم و به جهت ترتب فساد، دفع و جلوگیری و منع و تعزیر نمودن عاملان و ساعان در آن، بر همه انسان‌ها مخصوصاً قدرتمندان قانونی و اجرایی و تبلیغی، واجب و فرض عقلی و شرعی می‌باشد.

ج ۱۱- سقط جنین مورد سؤال، قبل از چهار ماهگی به خاطر حَرَج و مشقَّتی که این گونه جنین‌ها برای پدر و مادر و خودش بلکه برای جامعه و نظام دارد، حرمتش مرتفع می‌گردد و مانعی ندارد، اما حکم به جواز سقط آن بعد از گذشتن چهار ماه که قتل نفس محسوب می‌شود، مشکل، بلکه ممنوع است و حرام می‌باشد و هیچ گونه حَرَج و مشقَّتی رافع حرمت این گونه سقط جنین‌ها که شرعاً قتل نفس است، نبوده و نیست.

ج ۱۲- فی حدِّ نفسه، مانعی ندارد، چون بعد از آن‌که برای آزمایش گرفته شده دیگر از جهت عقل و نقل و عقلاً به او ارتباط ندارد و امر زائد و فضولات بدن او محسوب می‌شود و لذا هر گونه تصرف و دخالت در آن، مانعی ندارد. ۸۲/۱/۲۰

From: "مکتب سماحة المرجع الديني آية الله العظمى ميرزا جواد التبریزی دام ظلّه" <tabrizi_t@hotmail.com>
To <khaharan@isu.ac.ir>
Sent: دوشنبه، ۱۹ اردیبهشت، ۱۳۸۴ ۱۷:۰۶ ق.ظ
Subject: [***SPAM***Score/Req: 07.71/05.00] جواب استفتاء

آیا شبیه‌سازی انسان از نظر شما مشروعیت دارد؟
از نظر شما حکم شبیه‌سازی بازتولیدی که منجر به تولید یک حیوان یا حتی یک انسان می‌شود چیست؟

به نظر شما شبیه‌سازی انسان چه نتایجی را به بار می‌آورد؟
حکم شبیه‌سازی درمانی که در درمان بیماری‌ها مؤثر است از نظر شما چیست؟
به نظر شما آیا اطفال شبیه‌سازی شده از حقوقی یکسان با دیگر اطفال برخوردار خواهد بود؟ و اگر این حقوق را دارا باشد این حقوق شامل چه مواردی است؟

بسمه تعالی

در همه فرض‌ها جایز نیست، و الله العالم

بسمه تعالی

۱. مشروعیت ندارد و فعلاً در مرحله تئوری می‌باشد و از نظر علمی وجود خارجی نیافته.
 ۲. نسبت به حیوان از نظر شرعی اشکالی ندارد.
 ۳. چنانچه شبیه‌سازی اعضای انسان باشد به انگیزه درمان اشکالی ندارد.
 ۴. شبیه‌سازی انسان (طفل) جایز نیست.
 ۵. نیاز به شرطی نیست نظر به این‌که از نظر شرعی جایز نیست.
- بخش استفتائات دفتر حضرت آیت الله العظمی شاهرودی.
شماره استفتاء: ۱۴۰۴

www.shahrودي.net

info@shahrودي.net

جواب استفتاء شماره [۳۵۸۱] از دفتر آیت الله نوری همدانی
فرستاده شده از طرف:

سؤال

به نظر حضرتعالی حکم شبیه‌سازی انسان چه می‌باشد؟
به نظر حضرتعالی حکم شبیه‌سازی درمانی چه می‌باشد؟

جواب

بسمه تعالی

سلام علیکم

اگر با موازین اسلام مخالف نباشد اشکال ندارد عجالاً شما در سوال خود توضیح بیش‌تری
بدهید

حسین نوری همدانی

با سلام ۱- حکم شبیه‌سازی انسان از نظر حضرت‌عالی چه می‌باشد؟ ۲- حکم شبیه‌سازی درمانی از نظر حضرت‌عالی چه می‌باشد؟

Pasokh-15722

Fazel@Lankarani.com حضرت آیت‌الله فاضل لنکرانی To: moinifar.2030@yahoo.com

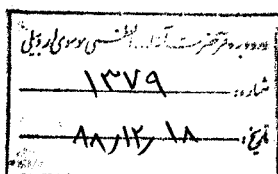
بسمه تعالی

سلام علیکم

۱- فی نفسه اشکالی ندارد، لکن اگر مفاسدی بر آن مترتب باشد جایز نیست.

۲- شبیه‌سازی درمانی و تولید عضو برای پیوند اشکالی ندارد.

بخش پاسخ به سؤالات



باسمه تعالی

محضر مبارک حضرت آیت ا... العظمی موسوی اردبیلی (دامت برکاته)

سلام علیکم

با احترام: اینجانب محدثه معینی فر دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق خانواده در دانشگاه امام صادق (ع) - واحد خواهران جهت پایان نامه با موضوع « شبیه‌سازی انسان در گستره‌ی حقوق خانواده », بدین وسیله، از محضر حضرت‌تعالی استدعای پاسخ‌گویی به سوالات ذیل را دارم زیرا پاسخ این سوالات می‌تواند راهگشای علمی محققان و طلاب قرار گیرد.

مقدمه:

اصطلاح شبیه‌سازی (cloning) عبارت است از کشت هسته سلول غیر جنسی انسان یا حیوان - که دارای کرموزوم کامل می‌باشد - (صاحب سلول) در تخمک عاری از هسته جنس ماده (صاحب تخمک) و بارور کردن این تخمک به روش‌های ویژه در رحم طبیعی (صاحب رحم) یا مصنوعی، به منظور تشکیل موجود زنده‌ای که از لحاظ شکل ظاهری دقیقاً مانند صاحب هسته سلول اولیه باشد. بر این اساس، در این فرآیند، سه عامل صاحب سلول، صاحب تخمک و صاحب رحم مشارکت دارند و بر این مبنا، حالات مختلفی متصور است. در ضمن، لازم به ذکر است که این فرآیند می‌تواند به عنوان یکی از روش‌های نوین کمکی تولیدمثل به کار گرفته شود. در ضمن، حکم اصل شبیه‌سازی نیز در استفتائات پیشین از محضر علماء و مراجع اخذ گردیده است.

سوالات:

الف- در هر یک از حالات زیر، در مورد منشا انتساب طفل حاصل از این فرآیند به پدر و مادرش، حکم شرعی چه می‌باشد: (لطفاً در صورت لزوم دلایل خود را نیز ذکر بفرمائید).

۱- در صورتی که صاحب سلول زوج باشد و محتویات سلول وی را در تخمک عاری از جنس ماده و سپس در رحم زوجه اش قرار دهند:

۲- در صورتی که صاحب سلول مردی بیگانه باشد و محتویات سلول وی را در تخمک عاری از جنس ماده‌ی زنی قرار داده و سپس در رحم زنی دیگر کشت دهند:

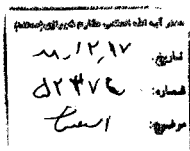
۳- صاحب سلول، صاحب رحم و صاحب تخمک عاری از جنس ماده، یک زن باشد:

۴- در صورتی که صاحب سلول، زوج باشد و تخمک عاری از جنس ماده از زوجه گرفته شده باشد و در رحم زن دیگری کاشته شود:

۵- در موردی که صاحب سلول، یک زن و صاحب تخمک عاری از جنس ماده، زن دیگری بوده و سلول اولیه در رحم زن اولی کاشته شود؛ این وضعیت به ویژه در وضعیت نادری اتفاق می‌افتد که زنی فاقد توان جنسی زایش، ولی دارای رحم سالم و متمایل به داشتن بدون انتساب به غیر همجنس می‌باشد:

۶- در موردی که صاحب سلول و صاحب تخمک عاری از جنس ماده، یک زن باشد، ولی طفل در رحم اجاره‌ای گذارده شود:

۷- در موردی که صاحب سلول زوجه باشد، صاحب تخمک عاری از جنس ماده و صاحب رحم، یک زن باشد:



باسمه تعالی

محضر مبارک حضرت آیت ا... العظمی مکارم شیرازی (دامت برکاته)

سلام علیکم

با احترام؛ اینجانب محدثه معینی فر دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق خانواده در دانشگاه امام صادق (ع) - واحد خواهران جهت پایان نامه با موضوع « شبیه‌سازی انسان در گستره‌ی حقوق خانواده »، بدین وسیله، از محضر حضرت تعالی استدعای پاسخ‌گویی به سوالات ذیل را دارم زیرا پاسخ این سوالات می‌تواند راهگشای علمی محققان و طلاب قرار گیرد.

مقدمه:

اصطلاح شبیه‌سازی (cloning) عبارت است از کشت هسته سلول غیر جنسی انسان یا حیوان - که دارای کروموزوم کامل می‌باشد - (صاحب سلول) در تخمک عاری از هسته جنس ماده (صاحب تخمک) و بارور کردن این تخمک به روش‌های ویژه در رحم طبیعی (صاحب رحم) یا مصنوعی، به منظور تشکیل موجود زنده‌ای که از لحاظ شکل ظاهری دقیقاً مانند صاحب هسته سلول اولیه باشد. بر این اساس، در این فرآیند، سه عامل صاحب سلول، صاحب تخمک و صاحب رحم مشارکت دارند و بر این مبنا، حالات مختلفی متصور است. در ضمن، لازم به ذکر است که این فرآیند می‌تواند به عنوان یکی از روش‌های نوین کمکی تولیدمثل به کار گرفته شود. در ضمن، حکم اصل شبیه‌سازی نیز در استفتائات پیشین از محضر علماء و مراجع اخذ گردیده است.

سوالات:

الف - در هر یک از حالات زیر، در مورد منشا انتساب طفل حاصل از این فرآیند به پدر و

مادرش، حکم شرعی چه می‌باشد: (لطفاً در صورت لزوم دلایل خود را نیز ذکر بفرمائید).

۱- در صورتی که صاحب سلول زوج باشد و محتویات سلول وی را در تخمک عاری از جنس ماده و سپس در رحم زوجه اش قرار دهند:

بِسْمِ اللَّهِ

«اینجانب شایسته پدر او دارم و احکام پدر را پیدا می‌کنم و زوجه هم مادر رضاعی را دارم»

۲- در صورتی که صاحب سلول مردی بیگانه باشد و محتویات سلول وی را در تخمک عاری از جنس ماده‌ی زنی قرار داده و سپس در رحم زنی دیگر کشت دهند:



«اینجانب شایسته مادر او دارم و احکام مادر را پیدا می‌کنم و زوجه هم پدر رضاعی را دارم»

ب- به نظر حضرتعالی، فرد شبیه سازی شده در صورت تولد و شکل گیری، آیا از حقوق مادی و معنوی یکسانی با افراد دیگر برخوردار خواهد بود؟ اگر این حقوق (اعم از حقوق ناشی از نسب و غیر آن) را دارا باشد، این حقوق شامل چه مواردی است؟

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علیکم السلام ورحمة الله

ج۱) نفس این عل در صورتی جایز است که مستلزم فعل حرامی مثل لمس و نظر حرام اگرچه نظر بصورت هم جنس باشد نشود و الا تخلفاً حرام است. و اما از حیث سایر احکام:

۱. ظاهراً متکد متولد از انجام این برنامہ فرزند صاحب سلول و صاحب کمک محبوب می شود و صاحب رحم به آن نسبتی پیدائی کند ولی حسب موارد احتیاط رعایت شود.

۲. ظاهراً متکد همان حکم فرض اول را دارد ولی رعایت احتیاط در آن اشد است.

۳. در این صورت مولود به صاحب رحم نسبت صاحب سلول را دارد ولی رعایت احتیاط لازم است.

۴. در این صورت هم به صاحب رحم نسبت ندارد. ۵. صاحب رحم حکم صاحب سلول را دارد.

۶. به رحم اجاره ای ارتباط ندارد. ۷. به حر و نسبت داده می شود.

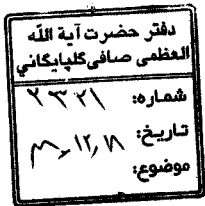
ب) نسبت به رحم اجاره ای حقوق شرعی معنوی حاصل نمی شود و در تمام موارد دیگر همه رعایت احتیاط لازم است و بطور جزم فتوای

مجلس است. ۱۰/ جمادی الاولی ۱۴۳۱



با تشکر

محدثه معینی فر



باسمه تعالی

محضر مبارک حضرت آیت ا... العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته)

سلام علیکم

با احترام: اینجانب محدثه معینی فر دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق خانواده در دانشگاه امام صادق (ع) - واحد خواهران جهت پایان نامه با موضوع « شبیه‌سازی انسان در گستره‌ی حقوق خانواده », بدین وسیله، از محضر حضرتعالی استدعای پاسخ‌گویی به سوالات ذیل را دارم زیرا پاسخ این سوالات می‌تواند راهگشای علمی محققان و طلاب قرار گیرد.

مقدمه:

اصطلاح شبیه‌سازی (cloning) عبارت است از کشت هسته سلول غیر جنسی انسان یا حیوان - که دارای کروموزوم کامل می‌باشد - (صاحب سلول) در تخمک عاری از هسته جنس ماده (صاحب تخمک) و بارور کردن این تخمک به روش‌های ویژه در رحم طبیعی (صاحب رحم) یا مصنوعی، به منظور تشکیل موجود زنده‌ای که از لحاظ شکل ظاهری دقیقاً مانند صاحب هسته سلول اولیه باشد. بر این اساس، در این فرآیند، سه عامل صاحب سلول، صاحب تخمک و صاحب رحم مشارکت دارند و بر این مینا، حالات مختلفی متصور است. در ضمن، لازم به ذکر است که این فرآیند می‌تواند به عنوان یکی از روش‌های نوین کمکی تولیدمثل به کار گرفته شود. در ضمن، حکم اصل شبیه‌سازی نیز در استفتائات پیشین از محضر علماء و مراجع اخذ گردیده است.

سوالات:

الف - در هر یک از حالات زیر، در مورد منشا انتساب طفل حاصل از این فرآیند به پدر و مادرش، حکم شرعی چه می‌باشد: (لطفاً در صورت لزوم دلایل خود را نیز ذکر بفرمائید.)
۱ - در صورتی که صاحب سلول زوج باشد و محتویات سلول وی را در تخمک عاری از جنس ماده و سپس در رحم زوجه اش قرار دهند:

۲ - در صورتی که صاحب سلول مردی بیگانه باشد و محتویات سلول وی را در تخمک عاری از جنس ماده‌ی زنی قرار داده و سپس در رحم زنی دیگر کشت دهند:

ب- به نظر حضرت تعالی، فرد شبیه سازی شده در صورت تولد و شکل گیری، آیا از حقوق مادی و معنوی یکسانی با افراد دیگر برخوردار خواهد بود؟ اگر این حقوق (اعم از حقوق ناشی از نسب و غیر آن) را دارا باشد، این حقوق شامل چه مواردی است؟

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علیکم السلام ورحمة الله

ج ۱) نفس این عل در صورتی جایز است که متزلم فعل حرامی مثل لمس و نظر حرام اگر چه نظر به صورت هم جنس باشد نشود و الا تکلیفا حرام است. و اما از حیث سایر احکام:

۱. ظاهر است که متولد از انجام این برنامه فرزند صاحب سلول و صاحب سلک محسوب می شود و صاحب رحم به آن نسبت پیدا می کند ولی حسب موارد احتیاط رعایت شود.

۲. ظاهر است که همان حکم فرض اول را دارد ولی رعایت احتیاط در آن اشده است.

۳. در این صورت مولود به صاحب رحم نسبت صاحب سلول را دارد ولی رعایت احتیاط لازم است.

۴. در این صورت هم به صاحب رحم نسبت ندارد. ۵. صاحب رحم حکم صاحب سلول را دارد.

ع. به رحم اجاره ای ارتباط ندارد. ۷. به حرد نسبت داده می شود.

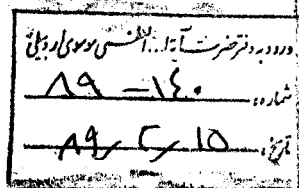
ب) نسبت به رحم اجاره ای حقوق شرعی معنوی حاصل نمی شود و در تمام موارد دیگر به رعایت احتیاط لازم است و بطور جزم فتوای

مجلس است. ۱۰/۱۰۰/۱۴۳۱ هجری القوی



با تشکر

محدثه معینی فر



باسمه تعالی

استفتاء شماره دوم

محضر مبارک حضرت آیت‌الله العظمی موسوی اردبیلی (دامت برکاته)

سلام علیکم

با احترام: اینجانب محدثه معینی‌فر دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق خانواده در دانشگاه امام صادق (ع) - واحد خواران جهت پایان نامه با موضوع «شبیه‌سازی انسان در گستره‌ی حقوق خانواده»، بدین وسیله، ضمن تشکر از پاسخ‌هایی که به سوالات حقیر در استفتاء پیشین عنایت فرسودید و با توجه به این که آگاهی از استدلال‌ها و مبانی حضرات آیات عظام در تعیین احکام این موضوع در پایان نامه اینجانب دارای اثر فوق‌العاده‌ای می‌باشد، لذا از حضرت تعالی استدعا دارم که دلایل و استدلال‌های خویش در تعیین این احکام تشریح بفرمائید.

مقدمه:

اصطلاح شبیه‌سازی (cloning) عبارت است از کشت هسته سلول غیر جنسی انسان یا حیوان - که دارای کروموزوم کامل می‌باشد - (صاحب سلول) در تخمک عاری از هسته جنس ماده (صاحب تخمک) و بارور کردن این تخمک به روش‌های ویژه در رحم طبیعی (صاحب رحم) یا مصنوعی، به منظور تشکیل موجود زنده‌ای که از لحاظ شکل ظاهری دقیقاً مانند صاحب هسته سلول اولیه باشد. بر این اساس، در این فرآیند، سه عامل صاحب سلول، صاحب تخمک و صاحب رحم مشارکت دارند و بر این مبنا، حالات مختلفی متصور است. در ضمن، لازم به ذکر است که این فرآیند می‌تواند به عنوان یکی از روش‌های نوین کمکی تولیدمثل به کار گرفته شود. در ضمن، حکم اصل شبیه‌سازی نیز در استفتائات پیشین از محضر علماء و مراجع اخذ گردیده است.

سوالات:

الف - به نظر حضرت تعالی، فرد شبیه‌سازی شده در صورت تولد و شکل‌گیری، آیا از حقوق مادی و معنوی یکسانی با افراد دیگر برخوردار خواهد بود؟ اگر این حقوق (اعم از حقوق ناشی از نسب و غیر آن) را دارا باشد، این حقوق شامل چه مواردی است؟

ب- استدلال و مبانی حضرت تعالی در اتخاذ این نظر که «صاحب رحم، مادر طفل شبیه سازی شده است» چه می باشند؟

ج- استدلال و مبانی حضرت تعالی در اتخاذ این نظر که «طفل شبیه سازی شده به صاحب سلول و صاحب تخمک منفعل منتسب نمی باشد» چه می باشند؟

از شبیه سازی
۱- انسان حاصل از شبیه سازی تمامی حقوق انسانی را برخوردار است.

۲- حکم مذکور از آزادی ددم سوره مجادله استفاده می شود بر آن سخن نب پیری و مادری صرف صاحب سلول

غیرضی بودن یا صاحب تخمک بودن کفایت نمی کند.



جواب سؤال شما از دفتر آیت الله العظمی نوری همدانی

سؤال شما با کد ۹۰۰۰ در سایت ثبت شده است.

سؤال شما از دفتر:

سؤالات: الف - در هر یک از حالات زیر، در مورد منشأ انتساب طفل حاصل از این فرآیند به پدر و مادرش، حکم شرعی چه می‌باشد: (لطفاً در صورت لزوم ادله خود را نیز ذکر بفرمائید). ۱- در صورتی که صاحب سلول زوج باشد و محتویات سلول وی را در تخمک عاری از جنس ماده و سپس در رحم زوجه اش قرار دهند: ۲- در صورتی که صاحب سلول مردی بیگانه باشد و محتویات سلول وی را در تخمک عاری از جنس ماده زنی قرار داده و سپس در رحم زنی دیگر کشت دهند: ۳- صاحب سلول، صاحب رحم و صاحب تخمک عاری از جنس ماده، یک زن باشد: ۴- در صورتی که صاحب سلول زوج باشد و تخمک عاری از جنس ماده از زوجه گرفته شده باشد و در رحم زن دیگری کاشته شود: ۵- در موردی که صاحب سلول، یک زن و صاحب تخمک عاری از جنس ماده، زن دیگری بوده و سلول اولیه در رحم زن اولی کاشته شود؛ این وضعیت به ویژه در وضعیت نادری اتفاق می‌افتد که زنی فاقد توان جنسی زایش، ولی دارای رحم سالم و متمایل به داشتن بدون انتساب به غیر همجنس می‌باشد: ۶- در موردی که صاحب سلول و صاحب تخمک عاری از جنس ماده، یک زن باشد، ولی طفل در رحم اجاره‌ای گذارده شود: ۷- در موردی که صاحب سلول زوج باشد، صاحب تخمک عاری از جنس ماده و صاحب رحم، یک زن باشد: ب - به نظر حضرت‌عالی، فرد شبیه‌سازی شده در صورت تولد و شکل‌گیری، آیا از حقوق مادی و معنوی یکسانی با افراد دیگر برخوردار خواهد بود؟ اگر این حقوق (اعم از حقوق ناشی از نسب و غیر آن) را دارا باشد، این حقوق شامل چه مواردی است؟

جواب معظم له:

بسمه تعالی سلام علیکم

ج ۱ و ۲ و ۳: مرد صاحب سلول پدر و زن صاحب رحم عرفاً و شرعاً مادر محسوب می‌شوند. ج ۴ و ۵ و ۶: زن عرفاً و شرعاً مادر کودک محسوب می‌شود و کودک در این

فرض پدر ندارد. این افراد از نظر حقوق اجتماعی تفاوتی با دیگران ندارند، ولی چون پدر ندارند از حق نفقه و ارث از جانب پدر محروم می‌باشند.

با توجه به روند پاسخگویی به سؤالات شرعی و اهتمام شخص مرجع عالیقدر حضرت آیت الله نوری همدانی (دام عزه) نسبت به تسریع در این امر، ان شاء الله تأخیر در پاسخگویی را مورد بخشش قرار خواهید داد. در ضمن شماره ۰۲۵۱۷۷۴۱۸۵۰ پاسخگوی سؤالات شما بصورت شفاهی خواهند بود. دفتر آیت الله نوری همدانی مدظله العالی

www.noorihamedani.org

[info @ noorihamedani.org](mailto:info@noorihamedani.org)

واژه‌نامه فارسی

Sperm

اسپرم

سلول بالغ جنسی مربوط به جنس مذکر.

NT(Nuclear Transfer)

انتقال هسته

فرآیندی که در آن هسته یک سلول (دهنده) به همراه مولکول‌های DNA کروموزومی آن به سلولی دیگر (گیرنده) انتقال داده می‌شود. در شبیه‌سازی، سلول گیرنده، یک سلول تخمک انسانی است و سلول دهنده می‌تواند هر یک از سلول‌های بدنی باشد.

SCNT(somatic cell nuclear transfer)

انتقال هسته سلول سوماتیک

انتقال هسته از یک سلول سوماتیک دهنده به یک تخمک بارورنشده‌ای که کروموزوم‌های مادری آن خارج شده‌اند.

Reprogramming

برنامه‌ریزی مجدد

میزان و تنظیم مجدد ساعت رشد یک هسته؛ برای نمونه تنظیم مجدد وضعیت رشد و نمو هسته یک سلول بالغ تمایز یافته به گونه‌ای که برنامه ژنتیک هسته یک سلول رویانی اولیه را اجرا نماید. بدین معنا که همانند یک سلول ابتدایی بتواند همه پروتئین‌های ضروری برای رشد و نمو یک رویان را بسازد. در روش SCNT به کار رفته در فن‌آوری شبیه‌سازی، ترکیبات موجود در سیتوپلاسم تخمک هسته زدایی شده نقش بسیار مهمی را در برنامه‌ریزی مجدد هسته سلول سوماتیک وارد شده به خود ایفا می‌کند تا در نهایت این هسته بالغ بتواند همانند یک سلول ابتدایی همه موارد لازم برای رشد و نمو شبیه را بسازد.

Parthenogenesis

بکرزایی

فرآیندی که در آن تخمک‌های لقاح نیافته برخی از جانوران می‌توانند تحت شرایط محیطی خاص به جانور کامل تبدیل شوند؛ به عبارت دیگر، بکرزایی فرمی از تولید مثل

غیرجنسی است که در آن جنس ماده بدون شرکت جنس نر، یکی مانند خود را تولید می‌کند.

بلاستوسیست

Blastocyst

یک رویان پیش از لانه‌گزینی در جفت پستانداران (حدود ۳۰ روز پس از لقاح موش و حدود ۵ روز پس از لقاح در انسان) که حدوداً ۳۰-۱۵۰ سلولی می‌باشد. مرحله بلاستوسیست به دنبال مرحله مورولایی است و می‌تواند به وسیله مورفولوژی منحصر به فرد آن تشخیص داده شود. بلاستوسیست شامل یک کره ساخته شده از لایه‌ای سلول (تروفواکتودرم)، یک حفره پرمایع (بلاستوکول یا حفره بلاستوسیست) و یک دسته از سلول‌ها در بخش داخلی (توده سلولی داخلی یا ICM) می‌باشد. ICM شامل سلول‌های تمایز نیافته است و در صورتی که بلاستوسیست در رحم لانه‌گزینی نماید، منجر به تشکیل جنین می‌شود. این سلول‌های ICM اگر در محیط کشت رشد داده شود، منجر به ایجاد رده‌های سلولی بنیادی رویانی می‌گردد. در هنگام لانه‌گزینی، بلاستوسیست موش از حدود ۷۰ سلول تروفوبلاست و ۳۰ سلول ICM ساخته شده است.

بلاستولا

Blastula

مرحله‌ای از دوره اولیه زندگی رویانی که پس از مرحله مورولا به وجود می‌آید، معمولاً در این مرحله، رویان دارای یک کره توخالی از سلول‌ها، مایع و مجموعه‌ای از سلول‌ها به نام توده سلولی داخلی (ICM) می‌باشد. در برخی از منابع واژه بلاستوسیست را به جای واژه بلاستولا به کار می‌برند.

بلاستومر

Blastomere

سلول‌هایی که از تقسیمات شکافنده سلول تخم یا زیگوت به دست می‌آیند.

پروژه ژنوم انسانی

Human Genome Project

پروژه‌ای که در سال ۱۹۹۰ به قصد شناسایی همه ژن‌های انسان و کارکرد آن‌ها در آمریکا شروع شد و قرار بود تا سال ۲۰۰۵ به فرجام برسد. در صورت تحقق این پروژه جهانی، می‌توان نقشه‌ای دقیق از موقعیت و کارکرد بیش از سی هزار ژن انسانی را ترسیم کرد. گزارشی از این پروژه در سال ۲۰۰۳ و پیش از موعد مقرر منتشر شد.

Zygote

تخم

تخمک لقاح یافته، سلولی است که از هم‌جوشی دو سلول گامت (تخمک و اسپرم) در فرآیند تولید مثل جنسی تولید می‌شود.

Egg

تخمک

سلول جنسی بالغ شده مربوط به جنس ماده که به آن اووم (Ovum) یا اووسیت (Oocyte) نیز می‌گویند.

Enucleated egg

تخمک عاری از هسته

تخمکی که هسته سلولی آن برداشته شده است و امروزه از آن در تکنیک انتقال هسته اعم از NT و یا SCNT استفاده می‌شود.

Cell Division

تقسیم سلولی

فرآیند افزایش تعداد سلول‌هاست. معمولاً از تقسیم سلول، دو سلول به نام سلول‌های دختر به وجود می‌آیند که اطلاعات ژنتیک آن‌ها با یکدیگر و با سلول مولدشان (مادر) همسان است.

AI (Artificial Insemination)

تلقیح مصنوعی

فرآیندی است که طی آن کل مایع منی یا اسپرم پرورده شده در قسمت‌های مختلف اندام تناسلی زن قرار می‌گیرد و بدون نزدیکی جنسی، امکان برخورد اسپرم و تخمک را فراهم می‌کند. این شیوه شباهت زیادی به تولید مثل طبیعی دارد؛ زیرا مراحل بعدی رشد و نمو رویان همانند آن دنبال می‌گردد. در حال حاضر، شایع‌ترین نوع تلقیح مصنوعی، تلقیح داخل رحمی یعنی استفاده از اسپرم پرداخت شده (نه کل مایع منی) از شوهر (همولوگ یا AIH) یا فرد دیگری (هترولوگ یا AID یا TDI) است.

Telomeres

تلومر

قسمت انتهایی کروموزوم یا کلاهک آن که مانع به هم خوردن کروموزوم‌ها می‌شود و با هر تقسیم سلولی از قطر آن کاسته می‌گردد. نقش تلومر حفاظت از محتوای هسته کروموزوم است و کاهش قطر آن موجب ایجاد نقص‌های ژنتیک می‌شود.

Inner cell mass

توده سلولی داخلی

مجموعه‌ای از سلول‌های درون بلاستوسیست که به رویان و در نهایت به جنین مبدل می‌گردد.

Asexual reproduction

تولید مثل غیر جنسی

تولید مثلی است که با ترکیب و اتحاد سلول‌های جنسی (اسپرم و تخمک) آغاز نمی‌گردد.

Fetus

جنین

به مرحله‌ای از زندگی مهره‌داران که بین دوره رویانی و زمان تولد است، اطلاق می‌گردد که در انسان نوعاً از ماه دوم به بعد می‌باشد.

Transgenic Animals

حیوانات تراریخته

به جانورانی گفته می‌شود که به علت ورود آزمایشگاهی یک ژن بیگانه به درون ژنومشان ویژگی‌های جدیدی داشته باشند. مانند گوسفندی که به علت ورود ژن انسانی به درون ژنومش شیری تولید می‌کند که پروتئین انسانی دارد.

Gene pool

خزانه ژنتیکی

مجموعه ژن‌های موجود در یک نوع ارگانیسم است که شکل و ساختار آن را رقم می‌زند.

DNA(Deoxyribo nucleic acid)

دی.ان.ای

علامت اختصاری دئوکسی ریبونوکلئیک اسید است. این مولکول حاوی بازهای آدنین، سیتوزین، گوانین و تیمین می‌باشد و در همه جانداران به جز ویروس‌ها برای اندوختن اطلاعات ژنتیک به کار می‌رود.

Cloned DNA

DNA همسانه‌سازی شده

به هر قطعه از مولکول DNA که پس از قرار گرفتن در ناقل مناسب و وارد شدن به سلول میزبان بتواند به طور غیرفعال در اندامگان میزبان همانندسازی کند، اطلاق می‌شود. DNA همسانه‌سازی شده را DNA مسافر نیز می‌گویند.

DZ(Dizygotic Twins)

دوقلوهای دو تخمکی

این دوقلوه‌ها که به نام دوقلوهای اخوینی نیز معروف هستند، از لقاح (کمابیش هم‌زمان) دو تخمک یک مادر به وسیله دو اسپرم پدر منشأ می‌گیرد، لذا ممکن است از

دو جنس مخالف باشند و همانندی ژنتیک آن‌ها نیز همانند دوقلوهای همسان، ۱۰۰ درصد نیست، بلکه همانند خواهر و برادرهای معمول حدود نیمی از ژن‌هایشان با هم مشابه است.

Identical twins= MZ(Monozygotic twins)

دوقلوهای همسان یا تک تخمکی

دوقلوهای تک تخمکی از نمو یک سلول تخم یا زیگوت به دست می‌آیند. بدین‌صورت که پس از اولین تقسیم سلول تخم، دو سلول حاصل می‌شود که پس از رشد و نمو به دو فرد کامل مبدل می‌گردند. این دوقلوها که به آن‌ها دوقلوهای همسان نیز می‌گویند، دارای ژنوم‌های یکسان هستند.

Embryo

رویان

به مراحل اولیه رشد و نمو یک موجود زنده گفته می‌شود. در انسان از لحظه لقاح تا حدوداً پایان ماه دوم که در آن تمایز مشخص می‌گردد، مرحله رویانی و به ماهیت موجود در این مرحله رویان گویند. از این مرحله به بعد تا زمان تولد به دوران جنینی (Fetus) معروف می‌باشد.

Gene

ژن

واحد اساسی اطلاعات ژنتیک است. البته این تعریف بسیار کلی است و برای تعریف دقیق‌تر آن بهتر است بگوییم بیشتر ژن‌ها محتوی اطلاعات ژنتیک هستند که هم ترتیب صحیح اسیدهای آمینه برای تشکیل مولکول پروتئین را کد می‌نمایند و هم مکان، زمان و مقدار ساخته شدن آن پروتئین را تنظیم می‌کنند.

Genome

ژنوم

ترکیب کامل ژنتیک یک سلول یا موجود زنده است.

Genetic make up

ساختار ژنتیک

آرایش و نحوه کنار هم قرار گرفتن ژن‌ها در یک ارگانیسم است که ساختار فیزیکی آن را تعیین می‌کند.

Cell

سلول

واحد بنیادی همه موجودات زنده است. برخی از موجودات زنده مانند باکتری‌ها فقط از یک سلول تشکیل شده‌اند. لیکن در بیشتر گیاهان و جانوران میلیون‌ها سلول با انواع و کارکردهای مختلف یافت می‌شود.

سلول بنیادی رویانی

Embryonic stem cell

سلول اولیه و تمایز نیافته رویان که می‌تواند انواع سلول‌های تخصصی و متمایز را به وجود آورد.

سلول تک توان

Unipotent cell

سلول بنیادی که برخلاف سلول پرتوان و چندتوان فقط می‌تواند یک نوع سلول را بسازد.

سلول دیپلوئید

Diploid cell

سلولی که مثل سلول‌های سوماتیک دارای دو مجموعه کروموزوم است؛ برخلاف سلول‌های هاپلوئید (اسپرم و تخمک) که دارای مجموعه‌ای از کروموزوم‌ها هستند.

سلول سوماتیک یا سلول بدنی

Somatic cell

هر سلول گیاهی یا جانوری به غیر از سلول‌های تولید مثلی با پیش‌ساز سلول‌های تولید مثلی.

نام هریک از سلول‌های سوما می‌باشد. سوما به مجموعه سلول‌های بدن جاندار گفته می‌شود که نه گامت‌اند و نه گامت‌ساز؛ از این رو معمولاً فقط به اندازه جاننداری که خود جزئی از آن هستند، عمر می‌کنند، برخلاف سلول‌های دودمانی.

سلول هاپلوئید

Haploid cell

سلول‌های اسپرم و تخمک که دارای یک مجموعه کروموزوم هستند.

سلول‌های بنیادی چندگانه

Multipotent stem cell

سلول‌های بنیادی رویان، جنین یا فرد بالغ که زاده‌های آن‌ها به چندین نوع سلول مختلف و معمولاً (اما نه ضرورتاً) به تمامی بافت‌های خاص، اندام‌ها و یا سیستم‌های فیزیولوژیکی متمایز می‌گردند.

سلول‌های پایه بالغ

Adult stem cell

سلول تمایز نیافته‌ای که در بافت‌های تمایز یافته یک موجود بالغ یافت می‌شود. این سلول دارای قدرت بازسازی است و می‌تواند (با محدودیت‌های معینی) به سلول‌های تخصصی آن بافت تمایز یابد.

Totipotent cell

سلول‌های پرتوان

کلمه پرتوان معادل واژه لاتین Totus به معنای تمام یا کامل است. وقتی می‌گویند سلولی دارای خاصیت پرتوانی است، یعنی دارای پتانسیل نامحدودی است و می‌تواند همه سلول‌ها و بافت‌های مورد نیاز شکل‌گیری یک رویان را بسازد؛ برای مثال خود سلول تخم یا زیگوت، یک سلول پرتوان است که می‌تواند پس از طی مراحل رشد و نمو به یک موجود کامل مبدل گردد.

Centromers

سترومر

قسمت مرکزی کروموزوم که حامل ژن‌های فرد است و به وسیله تلومر حفاظت می‌شود.

Los: Large Offspring Syndrome

سندروم بزرگی نوزادان

نوزادانی که به این سندروم مبتلا هستند، به طور غیر معمولی رشد می‌کنند و سلامت آنان و سلامت مادرانی که آنان را حمل می‌کنند و به دنیا می‌آورند، به خطر می‌افتد.

Cytoplasm

سیتوپلاسم

محتویات یک سلول که در اطراف هسته سلولی قرار گرفته است. سیتوپلاسم خود از یک مایع با چندین ساختار تشکیل شده است که اعمال ضروری سلولی را انجام می‌دهند.

ARTs(Assisted Reproductive Technologies) فن‌آوری‌های کمک باروری

روش‌ها یا معالجه‌های باروری که شامل دست‌کاری‌های آزمایشگاهی گامت‌ها (تخمک و اسپرم) یا رویان‌ها می‌باشد. مثال‌هایی از ARTs شامل لقاح خارج رحم (IVF) و تزریق درون سیتوپلاسمی اسپرم (ICSI) است.

Chromosome

کروموزوم

ساختاری است در هسته سلول‌های یوکاریوتی که شامل DNA یعنی ماده ژنتیک است و با پروتئین‌های ویژه‌ای همراه است. این پروتئین‌ها بسته‌بندی فشرده شدن DNA را ممکن می‌سازند.

کشت سلولی

Cell Culture

روشی است برای رشد دادن سلول در خارج از بدن موجود زنده‌ای که سلول از آن گرفته شده است.

کودکان زیستی مربوط یا وابسته

Biologically related children

کودکانی که ساختار ژنتیک آن‌ها با فرد یا افراد خاصی مرتبط است. برای نمونه در تولید مثل جنسی، فرزندان از نظر زیستی به والدین خود منسوبند و در شبیه‌سازی، فرد شبیه به فرد دهنده سلول سوماتیک شبیه است.

گامت

Gamete

نام سلول‌های ویژه‌ای (اسپرم و تخمک) است که اطلاعات ژنتیک را به نسل بعد منتقل می‌کنند. گامت (Gamete) مشتق شده از کلمه یونانی (Gamein) به معنی ازدواج است.

لانه‌گزینی

Implantation

فرآیندی که طی آن رویان در محله بلاستوسیستی به درون رحم متصل می‌گردد و در انسان بین روز ۷ تا ۱۴ می‌باشد.

لقاح

Fertilization

فرآیندی که در آن گامت‌های نر و ماده یکی می‌شوند؛ این فرآیند با چسبیدن اسپرم به سطح خارجی تخمک آغاز و با تشکیل سلول تخم یا زیگوت پایان می‌یابد.

لقاح آزمایشگاهی

IVF(In vitro fertilization)

یک تکنیک کمک باروری که طی آن ترکیب اسپرم و تخمک در خارج از بدن و در آزمایشگاه صورت می‌پذیرد.

لوله فالوپ

Fallopian tube

دو لوله ظریف به ارتفاع ده سانتی متر که تخمدان را به رحم متصل می‌کنند. تخمک پس از خروج از تخمدان از طریق این لوله‌ها وارد رحم می‌شود. یکی از علل ناباروری در زنان، انسداد این لوله‌هاست.

Surrogate mother

مادر جانشین (مادر بدیل)

در مواردی که تخمک زن در رحم او امکان رشد ندارد، پس از گرفتن و بارورسازی تخمک، آن را در رحم زن دیگری می‌گذارند. به این زن، مادر بدیل یا جایگزین یا جانشین گفته می‌شود.

Morula

مورلا

به رویان ۴-۳ روزه پس از لقاح و پیش از لانه‌گزینی گفته می‌شود. در این زمان رویان یک توده سفت ۱۲-۳۲ سلولی است. پس از مرحله هشت سلولی، سلول‌های رویانی پیش از لانه‌گزینی به طور بسیار محکمی به یکدیگر چسبیده و فشرده می‌شوند، در نتیجه رویان شبیه میوه توت می‌شود و به همین دلیل مورلا گفته می‌شود.

Mitochondrion

میتوکندری

اندامک سلولی که انرژی را برای سلول فراهم می‌کند. این اندامک هم‌چنین دارای ژن‌های مربوط به خود نیز می‌باشد.

Genetic Engineering

مهندسی ژنتیک

به هر نوع دست‌کاری کردن یا تغییر دادن تعمده‌ای اطلاعات ژنتیک یک ارگانیسم گفته می‌شود.

Nucleotide

نیکلوئید

مولکول‌های حاوی نیتروژن که از تجمع آن‌ها رشته دی.ان.ای به وجود می‌آید.

Nucleus

هسته

ساختار سلولی که محل قرارگیری کروموزوم‌ها و در نتیجه ژن‌هاست.

واژه‌نمای انگلیسی

فارسی	انگلیسی
سلول‌های پایه بالغ	Adult stem cell
فن‌آوری‌های کمک باروری	ARTs (Assisted Reproductive Technologies)
تولید مثل غیر جنسی	Asexual reproduction
تلقیح مصنوعی	AI (Artificial Insemination)
کودکان زیستی مربوط یا وابسته	Biologically related children
بلاستومر	Blastomere
بلاستوسیست	Blastocyst
بلاستولا	Blastula
سلول	Cell
کشت سلولی	Cell Culture
تقسیم سلولی	Cell Division
سنترومر	Centromers
کروموزوم	Chromosome
DNA همسانه‌سازی شده	Cloned DNA
سیتوپلاسم	Cytoplasm
دی.ان.ای	DNA(Deoxyribo nucleic acid)
سلول دیپلوئید	Diploid cell
دوقلوهای دو تخمکی	DZ(Dizygotic Twins)
تخمک	Egg

Embryo	رویان
Embryo splitting	شکافت رویانی
Embryonic stem cell	سلول بنیادی رویانی
Enucleated egg	تخمک عاری از هسته
Fallopian tube	لوله فالوپ
Fertilization	لقاح
Fetus	جنین
Gamete	گامت
Gene	ژن
Gene pool	خزانه ژنتیک
Genetic Engineering	مهندسی ژنتیک
Genetic make up	ساختار ژنتیک
Genome	ژنوم
Haploid cell	سلول هاپلوئید
Human Genome Project	پروژه ژنوم انسانی
Identical twins= MZ (Monozygotic twins)	دوقلوهای همسان یا تک تخمکی
Implantation	لانه‌گزینی
Inner cell mass	توده سلولی داخلی
IVF(In vitro fertilization)	لقاح آزمایشگاهی
Los:Large Offspring Syndrome	سندروم بزرگی نوزادان
Mitochondrion	میتوکندری
Morula	مرولا
Multipotent stem cell	سلول‌های بنیادی چندگانه
Nucleotide	نیکلوئید

Nucleus	هسته
NT(Nuclear Transfer	انتقال هسته
Parthenogenesis	بکرزایی
Reprogramming	برنامه‌ریزی مجدد
SCNT(somatic cell nuclear transfer)	انتقال هسته سلول سوماتیک
Sperm	اسپرم
Somatic cell	سلول سوماتیک یا سلول بدنی
Surrogate mother	مادر جانشین (مادر بدیل)
Telomeres	تلومر
Totipotent cell	سلول‌های پرتوان
Transgenic Animals	حیوانات تراریخته
Unipotent cell	سلول تک توان
Zygote	تخم

فهرست منابع

قرآن کریم

الف - منابع فارسی:

- آخوند خراسانی، محمدکاظم (۱۳۸۶) ترجمه و شرح کفایه الاصول، ج ۱، ترجمه محمد مسعود عباسی. قم: دارالفکر.
- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۷۹) فرهنگ معاصر. تهران: نشر نی.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶) فرهنگ و هویت ایرانی و جهانی شدن. تهران: مؤسسه مطالعات ملی تمدن ایرانی.
- آیتی، سید محمدرضا و محمداقبر عامری نیا (۱۳۸۷) «نقد و بررسی دیدگاه‌های اهل سنت در شبیه‌سازی انسانی»، فقه و مبانی حقوق، سال چهارم، شماره ۱۲، صص ۱۵۷-۱۷۳.
- احمد، احمد و عادل قاضی (۱۳۸۰) فقه زندگی «گفتگوهای با آیت الله العظمی سید محمد حسین فضل الله»، ترجمه مجید مرادی. قم: دارالملک.
- احمدی، حمید (۱۳۸۳) هویت و قومیت در ایران، مجموعه مقالات هویت در ایران. تهران: جهاد دانشگاهی، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- اسلامی، سید حسن (۱۳۸۶) شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه آیین کاتولیک و اسلام. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- _____ (۱۳۸۵) «چالش‌های اجتماعی و علمی شبیه‌سازی انسان»، کاوشی نو در فقه اسلامی. سال سیزدهم، شماره ۴۷، صص ۱۵۳-۲۳۱.
- _____ (۱۳۸۵) «شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه شیعه؛ بررسی چهار دیدگاه»، کاوشی نو در فقه اسلامی. سال دوازدهم، شماره ۴۴، صص ۳-۶۶.
- _____ (۱۳۸۴) «شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه فقه اهل سنت»، کاوشی نو در فقه اسلامی. سال دوازدهم، شماره ۴۵، صص ۷۱-۱۴۸.
- _____ (۱۳۸۵) «شبیه‌سازی در آیین کاتولیک»، هفت آسمان. سال هفتم، شماره ۲۷، صص ۵۵-۹۳.
- _____ (۱۳۸۴) «شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه کلامی اهل سنت»، انجمن معارف اسلامی. سال اول، شماره دوم، صص ۸۳-۱۱۶.

اسماعیل آبادی، علیرضا، حمیده یزدی مقدم و امیر باستانی (۱۳۸۷) «تأملات اخلاقی و حقوقی در شبیه‌سازی انسان»، مجله اخلاق و تاریخ پزشکی. سال اول، شماره ۲، صص ۳۷-۴۷.
اسماعیلی، مصطفی (۱۳۸۸) «شبیه‌سازی و پیامدهای فقهی، کلامی و اخلاقی آن»، حقوق پزشکی. سال سوم، شماره ۸، صص ۱۰۹-۱۴۷.
اشتاین سالتز، آدین (۱۳۸۳) سیری در تلمود، ترجمه باقر طالبی دارابی. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

اشرفی، منصور (بی‌تا) «کلونینگ از نظر اخلاق»، مکتب اسلام. شماره ۵، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

<http://www.hawzah.net/Hawzah/Articles/Articles.aspx?LanguageID=1&id=81281&SearchText=کلونینگ> (7 Nov 2010)

افشار، حسن (۱۳۴۹) مطالعه تطبیقی نسب در ایران و فرانسه. تهران: بی‌نا.
الارد، سیان و پیتر ترنپنی (۱۳۸۶) اصول ژنتیک پزشکی امری، ترجمه محمدرضا نوری دلویی. تهران: جامعه‌نگر.

السان، مصطفی و زینب کنعانی (۱۳۸۴) «تلاقی اخلاق، حقوق و واقعیت در شبیه‌سازی انسان، ضرورت تحلیل منطقی و ایجاد تعادل»، مجموعه مقالات اخلاق زیستی (بیواتیک) از منظر حقوقی، فلسفی و علمی. تهران: سمت.

الطائی، علی (۱۳۷۸) بحران هویت قومی در ایران. تهران: شادگان.
امام، فرهاد (۱۳۸۶) «ابعاد حقوقی - اخلاقی همسانه‌سازی»، پژوهش‌های حقوقی. سال ششم، شماره ۱۱، صص ۲۳۵-۲۴۹.

امامی، حسن (۱۳۷۴) حقوق مدنی، ج ۴. تهران: اسلامیه.
امامی، اسد الله و سید حسین صفایی (۱۳۸۴) مختصر حقوق خانواده. تهران: میزان.
_____ (۱۳۸۳) «بررسی مقایسه کلونینگ تکثیری و درمانی»، مجله بهداشت جهان. سال شانزدهم، شماره ۲، صص ۶۸-۷۸.

باقرپور اردکانی، عباس (بی‌تا) «حقوق بین‌الملل و مسأله‌ای به نام شبیه‌سازی انسان»، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

<http://bagherpour.persianblog.com> (16 Apr 2005)

بلک، ریچارد (۸۳/۵/۲۵) «راه دراز پیش رو: صدور مجوز شبیه‌سازی ژنتیکی جنین در بریتانیا»، شرق.

بواسیله، بریژیت (۸۱/۱۰/۱۷) «فاجعه در دانش بشری: شبیه‌سازی انسان»، ترجمه مریم واحدی، راه مردم.

پاشای آهی، احسان و محمدحسن حیدری (۱۳۸۷) مبانی علمی شبیه‌سازی انسان و انتقال ژن. تهران: حیان.

پایا، علی (۱۳۸۶) سلول‌های بنیادی مبانی، کاربردها و چالش‌ها. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

پورقهرمانی، بابک (بی‌تا) «نگاهی بر پدیده شبیه‌سازی انسان»، رواق اندیشه. شماره ۳۷، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

<http://www.hawzah.net/Hawzah/Articles/Articles.aspx?LanguageID=1&id=82524&SearchText=> (7 Nov 2010) کلونینگ

پیترز، افئی (۱۳۸۴) یهودیت، مسیحیت و اسلام، ج ۲، ترجمه حسین توفیقی. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

تابعی، سیدضیاءالدین، هومن کاغذیان و پرویز مولوی (۱۳۸۶) بنیان‌های اخلاق زیستی. تهران: حیان.

تسخیری، محمدعلی (۱۳۸۶) «نگاهی به موضوع شبیه‌سازی انسان به کمک تکنولوژی جدید»، فقه اهل بیت. سال چهاردهم، شماره ۵۲، صص ۵۹-۷۰.

تمیز بختیاری، الهام (بی‌تا) «هماندسازی انسان: افسانه یا جنون»، طبیب مردم. سال سوم، شماره ۲۴، صص ۱۲-۱۳.

تیموری، محمد (۱۳۸۴) «بررسی منابع حقوق بشر بین‌الملل در مورد شبیه‌سازی»، مجموعه مقالات اخلاق زیستی (بیواتیک) از منظر حقوقی، فلسفی و علمی. تهران: سمت.

جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۳۸۷) شرح اللمعه، ترجمه علی شیروانی و محمد مسعود عباسی. قم: دارالعلم.

جانان‌تان، پل (۱۳۸۳) «عصر همتاسازی»، ترجمه مه‌دیار حمیدی، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

<http://www.bashagh.net/modules.php?name=News&file=archive&sid9691>

(19 Apr 2005)

جعفری، محمدتقی (۱۳۸۵) طرح ژنوم انسانی. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.

جواهری، حسن (۱۳۸۵) «تقسیم جنین و شبیه‌سازی»، کاوشی نو در فقه اسلامی. سال سیزدهم، شماره ۴۷، صص ۸۱-۱۰۸.

جهانتاب، مهدی (۸۱/۴/۱۳) «شبیه‌سازی»، جمهوری اسلامی.

چیت‌ساز قمی، محمد جواد (۱۳۸۳) «هویت دینی جوانان در ایران»، مجموعه مقالات هویت، ملیت و قومیت ایران. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

حاج شریفی، محمدرضا (۱۳۷۴) حقوق فرزند بر والدین از نگاه اسلام. قم: سینا.
 حاجیان، زهرا (۸۴/۱۱/۱۸) «دستاوردهای مهم محققان ایرانی با بهره‌گیری از سلول‌های
 بنیادی: در گفت‌وگو با ۵ پژوهشگر «مؤسسه رویان» تشریح شد»، خراسان.
 حائری، سیدکاظم (۱۳۸۷) «شبیه‌سازی انسان»، فقه اهل بیت. سال پانزدهم، شماره ۵۵، صص
 ۴۴-۲۴.

حسینی‌پژوه، خسرو (۱۳۸۴) شبیه‌سازی و فناوری سلول بنیادی. تهران: نوربخش.
 حسینی قمی، سید محمد (۱۳۷۶) ایضاح الکفایه درس‌های متن کفایه الاصول حضرت آیت
 الله العظمی فاضل لنکرانی، ج ۳. قم: نوح.
 حقیقت، سیدصادق و سید علی میرموسوی (۱۳۸۱) مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و
 دیگر مکاتب. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
 خرمی، جواد (۱۳۸۲) «شبیه‌سازی انسان، پی‌آمدها و عکس‌العمل»، مبلغان، شماره ۵۱، قابل
 دسترسی در پایگاه اینترنتی:

<http://www.hawzah.net/Hawzah/Magazines/MagArt.aspx?LanguageID=1&id=2937>

6&SearchText(7 Nov 2010)=شبیه.۲۰٪سازی

خوئینی، غفور و مرجان سهرابی (۱۳۸۶) «شبیه‌سازی انسان با نگاهی به دیدگاه امام
 خمینی (ره)»، متین. سال دهم، شماره ۳۷، صص ۶۷-۹۲.
 دابو، کریس (۱۳۸۴) «کشورهای مسلمان و سلول‌های بنیادی»، ترجمه علی ملائکه، شرق.
 دریایی، محمد (۱۳۸۷) اسرار خلقت و شبیه‌سازی انسان در قرآن. تهران: سمیع.
 دوران، بهزاد (۱۳۸۶) هویت اجتماعی و فضای سایبرنتیک. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و
 ارتباطات.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷) لغت‌نامه. تهران: دانشگاه تهران.
 رحیمی، حبیب الله (۱۳۸۴) «شبیه‌سازی درمانی، رویکردهای اخلاقی، فقهی و حقوقی»،
 مجموعه مقالات اخلاق زیستی (بیواتیک) از منظر حقوقی. تهران: سمت.
 _____ (۱۳۸۶) «چالش‌های شبیه‌سازی درمانی انسان»، پژوهش‌های حقوقی، سال
 ششم، شماره ۱۱، صص ۳۲۱-۳۳۴.

رضانیا معلم، محمدرضا (۱۳۸۳) باروری‌های نوین تولیدمثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق.
 قم: بوستان کتاب.

رفیع، رحمت الله (۱۳۸۸) «نکاتی در خصوص تولیدمثل و پیش‌گیری از بارداری از دیدگاه
 یهود»، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

http://www.iranjewish.com/Essay/Essay_36_bardari.htm (24 Agu 2010)

رنجبریان، امیرحسین و زهرا سیف (۱۳۸۸) «چالش‌های حقوق بشری شبیه‌سازی انسان»، حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی. سال سی و نهم، شماره ۱، صص ۱۲۹-۱۵۶.
رواسانی، شاپور (۱۳۸۰) زمینه‌های اجتماعی هویت ملی. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

روحانی علی‌آبادی، محمد (۱۳۸۲) «حکم شرعی تلقیح اسپرم و نطفه بیگانه»، مجموعه مقالات روش‌های نوین تولیدمثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق. تهران: سمت.

زمانی، سیدقاسم (۱۳۸۵) «شبیه‌سازی درمانی و حق بر سلامتی در قلمرو حقوق بین‌الملل بشر»، پژوهش‌های حقوق. سال هشتم، شماره ۱۹، صص ۲۵-۳۹.

ساعد، محمد جعفر (۱۳۸۳) «شبیه‌سازی انسان در آئینه حقوق جزای بین‌الملل؛ ملاحظات مقدماتی»، نشریه اطلاع‌رسانی حقوقی. سال دوم، شماره ۱۰، صص ۱۴-۳۵.

_____ (۱۳۸۷) حقوق کیفری و شبیه‌سازی. تهران: مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی.

سالاری، حسن (۱۳۸۱) شبیه‌سازی انسان. تهران: حکیمان.
سلطانی، عباسعلی و حسین ناصری (۱۳۸۶) «شبیه‌سازی از منظر فقه و حقوق اسلامی»، مسائل مستحدثه پزشکی ۲. قم: بوستان کتاب.
سلیمانی، حسین (۱۳۸۴) عدالت کیفری در آیین یهود (مجموعه مقالات). قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

شبه‌ستری، سیدحسن (۱۳۸۶) بررسی مشروعیت شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه فقهی، حدود و شرایط آن. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
شریعتمداری، حمید رضا، بدلسازی انسان، حوزه و دانشگاه. شماره ۱۰، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

http://www.hawzah.net/per/magazine/hd/010/hd_01012.htm (1 Apr 2005)

شریف، علی (۱۳۷۶) نفقه و تمکین در حقوق خانواده. بی‌جا: بشارت.
شریفی، شهرآشوب، علی ناظمی و مهرداد هاشمی (۱۳۸۵) شبیه‌سازی انسان. تهران: آییژ.
شریفی طرازکوهی، حسین (۱۳۸۰) حقوق بشر (نظریه‌ها و رویه‌ها). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

شفیعی شهیدلو، م. (۱۳۸۲) «سلول‌های بنیادی و آینده پزشکی»، پزشکی امروز زنان. سال اول، شماره ۱، صص ۱۵-۲۲.

شهیدی، مهدی (۱۳۸۲) «تلقیح مصنوعی انسان»، مجموعه مقالات روش‌های نوین تولیدمثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق. تهران: سمت.

شهیدی، مهدی (۱۳۷۵) مجموعه مقالات حقوقی (مدنی، بازرگانی و کیفری). تهران: حقوق‌دانان.

شیخ الاسلامی، محمد جواد (بی‌تا) «انسان تکثیری؟ علم در راه تکثیر گام‌های نهایی را بر می‌دارد»، دو دنیا. شماره ۹، صص ۳۴-۳۷ و ۸۰-۸۵.

شیخ‌الاسلامی، سید اسعد (۱۳۷۰) احوال شخصیه، ازدواج و پایان آن در مذاهب چهارگانه اهل سنت، ج اول. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

شیرازی، پونه (۸۴/۱۰/۳) «گلونینگ هم‌چنان در انتظار: شبیه‌سازی گوسفند در ایران از زبان دکتر رضا سامانی»، جام جم.

صاحب خلق، نصیر (۱۳۸۳) پروتستانیزم، پیوریتانیزم و مسیحیت صهیونیستی. تهران: هلال. صادقی، محمد هادی (۱۳۸۳) حقوق جزای اختصاصی (۱) جرایم علیه اشخاص. تهران: میزان.

صادقی، محمود (۱۳۸۴) «هماندسازی انسان از نظر مراجع ادیان آسمانی و بررسی آن از نظر فقه اسلامی»، مجموعه مقالات اخلاق زیستی (بیواتیک) از منظر حقوقی، فلسفی و علمی. تهران: سمت.

صارمی، ابوطالب و شیرین یوسفیان (۱۳۸۵) «کلونینگ دوست یا دشمن»، پزشکی قانونی. سال دوازدهم، شماره ۱، صص ۵۰-۵۶.

صلح‌چی، محمدعلی و هیبت الله نژندی‌منش (۱۳۸۶) «شبیه‌سازی از منظر حقوق بشر»، حقوق پزشکی. سال اول، شماره ۲، صص ۱۲۱-۱۵۱.

صفایی، سید حسین و سید مرتضی قاسم‌زاده (۱۳۸۴) اشخاص و مجبورین. تهران: سمت. طباطبایی، سید محمد حسین (بی‌تا) تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: دارالعلم.

عباسی، محمود (۱۳۷۹) مجموعه مقالات حقوق پزشکی، ج ۵. تهران: حقوقی. _____ (۱۳۸۶) «هماندسازی انسان، چالشی نو فراروی اخلاق و حقوق بشر»، حقوق پزشکی. سال اول، شماره ۳، صص ۴۷-۹۹.

_____ (۱۳۸۴) «هماندسازی انسان و ژنوم انسانی در حقوق فرانسه»، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

[http://amb-iran.fr/lindex.php?long=fa&Page=03-03-01\(20 Apr 2005\)](http://amb-iran.fr/lindex.php?long=fa&Page=03-03-01(20 Apr 2005))

عبده بروجرودی، محمد (۱۳۸۱) کلیات حقوق اسلامی. تهران: رهام. علوی قزوینی، سید علی (۱۳۸۲) «آثار حقوقی تلقیح مصنوعی»، مجموعه مقالات روش‌های نوین تولیدمثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق. تهران: سمت.

علی احمدی، امید (۱۳۸۶) بررسی جنبه‌های اجتماعی و تحقیقات شبیه‌سازی و سلول‌های بنیادی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

علیان‌نژاد، ابوالقاسم (۱۳۸۰) «دیدگاه فقهی آیت‌الله مکارم شیرازی درباره دو مسأله شبیه‌سازی و راه‌های فرار از ربا»، پژوهش و حوزه. سال دوم، شماره ۶، صص ۲۳-۶۱.
غلام‌زاده علم، کریم (بی‌تا) «اخلاق زیستی در پژوهش‌های ژنتیک»، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

<http://ertebatateallame.persiarblog.com> (20 Apr 2005)

فریدن، مایکل (۱۳۸۲) مبانی حقوق بشر، ترجمه فریدون مجلسی. تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.

فقیه، ناصر (۱۳۸۲) «پاسخ به شبهات»، شمیم یاس، شماره ۵، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

<http://www.hawzah.net/Hawzah/Magazines/MagArt.aspx?LanguageID=1&id=1952>

=شبهه ۲۰٪ سازی (7 Nov 2010) &SearchText

فهم گلستانه، آزاده (۱۳۸۱) «هماندسازی از دالی تا انسان»، اطلاعات علمی. سال هفدهم، شماره ۲، صص ۲۸-۲۹.

قانع بصیری، محسن (۱۳۷۴) جهان انسانی، انسان جهانی. تهران: توسعه.
قبله‌ای خویی، خلیل (۱۳۸۴) «بررسی احکام وضعی کودکان ناشی از اهدای گامت در رابطه با توارث»، مجموعه مقالات اهدای گامت و جنین. تهران: سمت.

قضاوی، یوسف (۱۳۸۰) «شبیه‌سازی؟! به کجا می‌رویم؟»، ترجمه نورالدین سعیدیان، دین پژوهان. سال اول، شماره ۳، صص ۲۳-۲۵.

قنبری، علی و قضاوی، علی (۱۳۸۰) «شبیه‌سازی»، تشخیص آزمایشگاهی. سال سوم، شماره هیجدهم، صص ۶۳-۶۹.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵) حقوق مدنی (خانواده)، ج ۲. تهران: سهامی انتشار.
(۱۳۸۴) دوره مقدماتی حقوق خانواده. تهران: میزان.

(۱۳۸۲) مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران. تهران: انتشار.

(۱۳۸۴) دوره مقدماتی حقوق مدنی (درس‌هایی از شفعه، وصیت، ارث).

تهران: میزان.

کمالی اردکانی، علی اکبر (۱۳۸۳) «بحران هویت و عوامل تشدید آن در ایران»، مجموعه مقالات هویت، ملیت، قومیت ایران. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

کهن، ابراهام (۱۳۸۲) گنجینه‌ای از تلمود، ترجمه امیر فریدون گرگانی. تهران: اساطیر.
گرگی، ابوالقاسم و دیگران (۱۳۸۴) بررسی تطبیقی حقوق خانواده. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۲) *بایسته‌های حقوق جزای عمومی*. تهران: میزان.
لاریجانی، باقر و فرزانه زاهدی (۱۳۸۴) «جنبه‌های اخلاقی و قانونی تولید و استفاده از سلول‌های بنیادی جنینی انسان»، مجموعه مقالات اخلاق زیستی (بیواتیک) از منظر حقوقی، فلسفی و علمی. تهران: سمت.

_____ (۱۳۸۵) «مسائل اخلاقی در همانندسازی و پژوهش‌های سلول‌های

بنیادی»، مجله دیابت و لپید ایران. سال چهارم، ویژه‌نامه، صص ۹۳-۱۰۴.
مبلغی، احمد (۱۳۸۴) «بررسی فقهی شبیه‌سازی درمانی»، کاوشی در فقه اسلامی. سال دوازدهم، شماره ۴۶، صص ۱۳۷-۱۴۹.

محرمی، توحید (۱۳۸۳) «هویت ایرانی، اسلامی ما»، مجموعه مقالات هویت، ملیت، قومیت در ایران. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

محمدی، علی (۱۳۸۷) *شبیه‌سازی انسان، ملاحظات علمی، اخلاقی، حقوقی و فقهی*. قم: معارف.

مرقاتی، طه (۱۳۸۴) «حقوق کودکان در اهدای گامت»، مجموعه مقالات اهدای گامت و جنین. تهران: سمت.

مسیری، عبدالوهاب (۱۳۸۳) *دایرة المعارف یهود، یهودیت و صهیونیسم*، ج ۵، ترجمه مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های تاریخ خاورمیانه. تهران: دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین.

مصفا، نسرين (۱۳۸۳) «هویت زن ایرانی»، مجموعه مقالات هویت، ملیت، قومیت ایران. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

مظفر، محمدرضا (۱۳۸۰) *مبانی استنباط فقه و حقوق*، ترجمه عباس زراعت و حمید مسجdsرانی. تهران: ققنوس.

معین، محمد (۱۳۸۱) *فرهنگ فارسی*. تهران: سرایش.

مغنیه، محمد جواد (بی‌تا) *فقه تطبیقی مذاهب پنج‌گانه*، ترجمه کاظم پورجوادی. بی‌جا: بنیاد علوم اسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷) *احکام پزشکی*. قم: سلیمان زاده.

_____ (بی‌تا) *رساله توضیح المسائل*. قم: مدرسه الامام امیر المؤمنین.

مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴) *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مک گراث، آلستر (۱۳۸۴) *درسنامه الهیات مسیحی*، ترجمه بهروز حدادی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

ملتی راد، علا، سعید شهرزاد، منیر عباسی، رویا شرافت و الناز جعفری مهر (۱۳۸۲) «همتاسازی انسان»، طیب مردم. سال سوم، شماره ۲۵، صص ۱۶-۲۰.

- ملکی اصفهانی، محمود و سعید ملکی اصفهانی (۱۳۸۱) اصول فقه شیعه: درس‌های خارج حضرت آیت الله فاضل لنکرانی. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار(ع).
- مهیاری، رضا (۱۳۷۰) فرهنگ ابجدی. تهران: اسلامی.
- موثق، هومن (۱۳۸۳) «رویکرد حقوق بین‌الملل به شبیه‌سازی انسان»، ماهنامه اطلاع‌رسانی حقوقی. سال دوم، شماره ۵، صص ۴۲-۴۷.
- موحد، محمدعلی (۱۳۸۱) در هوای حق و عدالت. تهران: کارنامه.
- موسی‌زاده، محمد (۱۳۸۶) «کرامت بشری و شبیه‌سازی انسان»، پژوهش‌های حقوقی. سال ششم، شماره ۱۱، صص ۲۵۱-۲۹۸.
- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (۱۳۷۷) استفتانات. قم: نجات.
- موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۶) اندیشه‌های حقوقی ۱ (حقوق خانواده). تهران: مجد.
- _____ (۱۳۸۷) «بررسی حقوقی مسأله شبیه‌سازی انسان»، تحقیقات زنان. سال دوم، شماره ۲، صص ۲۷-۴۳.
- _____ (۱۳۸۱) کلون‌سازی انسان، مجموعه مقالات فقهی، حقوقی و اجتماعی، ج ۳. تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۴۱۹هـ) رساله توضیح المسائل. قم: نجات.
- مؤمن، محمد (۱۳۸۴) «شبیه‌سازی» کاوشی نو در فقه اسلامی. سال دوازدهم، شماره ۴۶، صص ۴۰-۱۳۶.
- میرزاده، شیرین (بی‌تا) «کسی می‌آید کسی که دقیقاً مثل من است!»، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:
- <http://www.zanan.co.ir/life/000088.html> (19 Apr 2005)
- میرزایی، مجید و الهام حاج‌صالحی (۱۳۷۷) «هماندسازی انسان: معجونی از بیم و امید»، اطلاعات علمی. سال سیزدهم، شماره ۴، صص ۴۳-۴۴.
- میرشاهی، فرخ (۱۳۷۷) «جنجال تکثیر ژنتیکی انسان»، گزارش. سال هشتم، شماره ۹۰، صص ۶۷-۷۰.
- ناردو، دان (۱۳۸۵) تازه‌هایی از علم امروز: کلون‌سازی، ترجمه حمیده علمی غروی. تهران: فاطمی.
- نایب‌زاده، عباس (۱۳۸۰) بررسی حقوقی روش‌های نوین باروری مصنوعی. تهران: مجد.
- نگارش، حمید (۱۳۸۰) هویت دینی و انقطاع فرهنگی. قم: نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- نورمحمدی، غلامرضا (۱۳۸۴) شبیه‌سازی انسان، بیم‌ها و امیدها. قم: معارف.
- نوری دلویی، محمدرضا (۱۳۸۴) «سلول‌های بنیادی و پزشکی مولکولی: فرصت‌ها و چالش‌ها و چشم‌انداز»، شرق، صص ۵-۸.

۴۳۲ □ شبیه‌سازی در دیدگاه‌های دینی و اندیشه‌های حقوقی

وزیری، مجید (۱۳۸۴) حقوق متقابل کودک و ولی در اسلام و موارد تطبیقی آن. تهران: امیرکبیر.

ولی‌زاده، رحمان، احمد آری و مهرعلی پیردهی (۱۳۸۵) «بررسی فقهی شبیه‌سازی»، فقه و مبانی حقوق (دانشگاه آزاد بابل). سال دوم، شماره ۶، صص ۱۷۵-۱۹۵.

هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۴) چالش‌های هویت در آمریکا، ترجمه محمود رضا گلشن پژوه، حسن سعید کلاهی خیابان و عباس کاردان. تهران: ابرار معاصر.

هاجری، عبد الرسول (بی‌تا) «گزارشی پیرامون شبیه‌سازی انسان»، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

<http://www.womenrc.com/print.aspx=a&b=00008&P=2> (14 Oct 2006)

وحیدی مهرجردی، شهاب الدین (۱۳۸۹) درآمدی به آیین پروتستان. قم: ادیان.

یزدانی زنوز، هرمز (۸۰/۱۰/۳۰) «ژنوم انسان در حقوق بشر»، همشهری.

«اختلاف‌نظر درباره شبیه‌سازی» (بی‌تا) صفحه اول، شماره ۶۹.

«انسان در تکاپوی همسان‌سازی» (۸۲/۴/۹) حیات نو اقتصادی.

«بررسی پیامدهای شبیه‌سازی از دیدگاه اسلام»، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

<http://hodo80-p-persianblog.com> (3 Feb 2005)

«ترک اخلاق زیستی» (۸۴/۱/۲۴) ابرار.

«در آستانه تولید انسان سفارشی» (۷۸/۶/۱۶ و ۱۵) راه مردم.

«سال‌شمار کلون‌سازی» (۱۳۸۴) ویژه‌نامه شرق.

سلول‌های بنیادی (۱۳۸۷). تهران: سازمان ملی جوانان، معاونت مطالعات و تحقیقات.

«شبیه‌سازی از نگاه اخلاق و شرع در جدیدترین اظهار نظر مراجع» (۸۱/۱۰/۲۰) ایران.

«شبیه‌سازی انسان، دخالت در کار خداوند نیست؟ نظر برخی از علما» (۸۱/۱۰/۱۰) اعتماد.

«شبیه‌سازی تغییر در خلقت نیست» (۱۳۸۹)، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

<http://www.alzanzjani.ir/1389/01/30> (8 Nov 2011)

«شبیه‌سازی خلأ قانونی در سطح بین‌الملل» (۸۲/۱۲/۱۹) حیات نو اقتصادی.

«شبیه‌سازی: رویایی که رنگ واقعیت گرفت» (۸۴/۱/۱۷) قدس.

«شبیه‌سازی و پاسخ به نگرانی‌ها» (۱۳۸۲) پرسمان، سال دوم، شماره ۸، صص ۱۲-۱۳.

«گفت‌وگو با حضرت آیت الله مؤمن» (۱۳۸۴) کاوشی نو در فقه اسلامی. سال دوازدهم،

شماره ۴۶، صص ۸-۱۴.

«گفت‌وگو با حضرت آیت الله جناتی» (۱۳۸۴) کاوشی نو در فقه اسلامی. سال دوازدهم،

شماره ۴۶، صص ۱۵-۲۲.

«گفت‌وگو با حضرت آیت الله معرفت» (۱۳۸۴) کاوشی نو در فقه اسلامی. سال دوازدهم، شماره ۴۶، صص ۲۳-۳۱.

«گفت‌وگو با حضرت آیت الله زنجانی» (۱۳۸۴) کاوشی نو در فقه اسلامی. سال دوازدهم، شماره ۴۶، صص ۳۲-۳۵.

«مشابه‌سازی ژنتیکی موجودات: بیم‌ها و امیدها» (۷۸/۳/۶) کار و کارگر.

«مشابه‌سازی انسان در انگلیس» (بی‌تا) مناطق آزاد. سال دهم، شماره ۱۱۲، ص ۲۱.

«همانندسازی انسان ممنوع است» (۷۷/۷/۴) ابرار.

«همانندسازی و مخالفت آسیا» (۸۰/۵/۳۱) انتخاب.

«همتاسازی» (۱۳۸۴) دانشمند. سال چهل و سوم، شماره ۵۰۰، صص ۲۸-۳۱.

«همتاسازی» (۱۳۸۴) دانشمند. سال چهل و سوم، شماره ۵۰۱، صص ۴۲-۴۴.

«یک متخصص ایرانی: روح انسان قابل همتاسازی با کلونینگ نیست»، گزارش گفتگو با ابوطالب صارمی (۸۱/۱۱/۳) اطلاعات.

قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

<http://www.sistani.org/html/far/menu/4/?/? lang=far & view=d&cade= 1798 page=1>

(29 May 2006)

قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

<http://sharifnews.ir/print.php?11581> (25 Sep 2006)

قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

<http://www.medisna.ir/viewnews.detail.asp?id=743> (19 Apr 2005)

قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

<http://www.balagh.com/woman/ahkam/4xoi5dh.htm-12k> (25 Agu 2006)

قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

<http://www.medisna.ir/viewnewsdetail.asp?id=112> (20 Apr 2005)

قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

<http://www.sistani.org/html/far/menu/4/? Lang=far & view=&& code=119 & page=1> (5 May 2006)

قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

<http://www.womenrc.com/showing.asp? nmycod=3674> (16 Apr 2005)

قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

<http://www.hayateno.org/831203/world.htm> (16 Apr 2005)

قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی:

<http://farhangestan.persianblogcom/1381-10-14-farhangestan-archive.html>(14Oct 2006)

ب - منابع عربی:

ابوسخ فرانسوا، وهبه زحیلی، عدنان محمد سالم، عدنان سیبعی، مهیب شریف، عوا علوانی، عبد الواحد عادل، حسین فضل الله و هانی رزق (۱۴۲۱هـ) الاستنساخ جدل العلم والدین و الأخلاق. بیروت: دارالفکر.

أبو غده، عبد الستار عبد الکریم (۲۰۰۳) «الاستنساخ من الزوجین و الاحکام التي تترتب علی ذلك»، یمکن الحصول علی هذه المقالة فی الموقع الانترنتی:

<http://www.e-cfr.org/ar/bo/4.doc>(15 Feb 2009)

أشقر، محمد سلیمان (۱۴۲۲هـ) ابحاث اجتهادیه فی الفقه الطبی. بیروت: مؤسسه ارساله.

_____ (۲۰۰۱) «نحو اجتهاد یضبط قضیه الاستنساخ الاحکام الشرعیه للاستنساخ»، یمکن الحصول علی هذه المقالة فی الموقع الانترنتی:

<http://www.islamonline.net/servlet/satellite?pagename=Islamonline-Arabic-Ask>(13 Mar 2009)

_____ (۲۰۰۱) «الأحكام الشرعیه للاستنساخ»، یمکن الحصول علی هذه المقالة فی الموقع الانترنتی:

http://www.Islamononline.net/Arabic/contemporary/teeh/2001/article_18-5.shtml 1457(16 Mar 2006)

_____ (۲۰۰۱) «موجز الدراسة»، یمکن الحصول علی هذه المقالة فی الموقع الانترنتی:

http://www.islamonline.net/Arabic/contemporary/teeh/2001/article_18-10.shtml(16 Mar 2006)

_____ (۲۰۰۱) «دراسة النصوص الشرعیه المرتبطة بقضیه الاستنساخ البشري»، یمکن الحصول علی هذه المقالة فی الموقع الانترنتی:

<http://www.islamonline.net/arabic/contemporary/hceh/2001/article18-4-shtml>(16 Mar 2006)

بدران، ابوالعینین (بی‌تا) حقوق الاولاد فی الشریعه الاسلامیه و القانون. اسکندریه: مؤسسه شباب الجامعه.

بصری، عارف (۱۴۱۲هـ) نفقات الزوجه فی التشريع الاسلامی. بیروت: الدارالاسلامیه.

بغا، مصطفی، مصطفی خن و علی شریجی (۱۴۲۱هـ) الفقه المنهجی علی مذاهب الامام الشافعی، ج ۲. دمشق: دارالعلم.

جزیری، عبدالرحمن (١٤١١هـ) *الفقه على مذاهب الاربعه*، ج ٤. بیروت: دارالفکر.
حاج احمد، یوسف (١٤١٩هـ) *جامع الاسئله الفقهیه على مذهب الساده الحنفیه*. دمشق:
الفارابی.

حائری، سید کاظم (٢٠١٠) «استفتائات حول الاستنساخ»، *يمكن الحصول على هذه المقالة في الموقع الانترنتي*:

<http://www.alhaeri.com/bayanat/bohoth/new/Watan%20Sharei.htm> (4 May 2010)

حجاوی مقدسی، شرف الدین موسی (بی تا) *الافتاح فی فقه الامام احمد بن حنبل*، ج ٤. بیروت:
دارالمعرفه.

حسینی، شهاب الدین (١٤٢١هـ) *التلخیص الصناعی بین العلم و الشریعه*. بیروت: دارالهادی.
حر عاملی، محمد بن حسن (١٤٠٣هـ) *وسائل الشیعه الى تحصیل مسائل الشریعه*، ج ١٨.
بیروت: دار احیاء التراث العربی.

خادمی، نورالدین مختار (١٤٢٥هـ) *الاستنساخ بدعه العصر فی ضوء الاصول و القواعد و المقاصد الشرعیه*. بیروت: دار وحی القلم.

رأفت عثمان، محمد (١٩٩٨) «الاستنساخ فی ضوء القواعد الشرعیه»، *يمكن الحصول على هذه المقالة في الموقع الانترنتي*:

http://www.bab.com/articles/full_article.cfm?id=3111 (1 Mar 2011)

----- (٢٠٠٣) «الحقوق الاسریه المترتبه على الاستنساخ»، *يمكن الحصول على هذه المقالة في الموقع الانترنتي*:

<http://www.islamonline.net/servlet/satellite?pagename=Islamonline-Arabic-Ask> (13 Mar 2009)

زحیلی، وهبه (١٤٢٣هـ) *الفقه المالکی المیسر*، ج ٢. بیروت: دارالحکیم الطیب.
سعدی، داود سلمان (١٤٢٣هـ) *الاستنساخ بین العلم و الفقه*. بیروت: دار الصرف العربی.
سیحانی تبریزی، جعفر (١٣٦٧) *تهذیب الاصول تقریر ابحاث الاستاذ الاعظم و علامه الافخم آیه الله العظمی السید روح الله الموسوی الخمینی*. قم: دارالفکر.
شافعی، محمد حسن اسماعیل و احمد محروس جعفر (١٤٢١هـ) *الکافی فی فقه الامام احمد بن حنبل*، ج ٤. بیروت: دارالکتب العلمیه.

شلبی، محمد مصطفی (١٣٩٧هـ) *احکام الاسره فی الاسلام دراسة مقارنة بین فقه المذاهب السنیه و المذهب الجعفری و القانون*. بیروت: دارالنهضة العربیه.

صاغرچی، أسعد محمد سعید (١٤٢٦هـ) *الفقه الحنفی و أدلته*. بیروت: دار الکلم الطیب.
طباطبایی، سید علی (١٤٢٠هـ) *ریاض المسائل فی بیان احکام الشرع بالدلائل*. قم: اسلامی.
طباطبایی حکیم، سید محمد سعید (١٤٢٠هـ) *فقه الاستنساخ البشری و فتاوی طیبیه*. بی جا: بی نا.

٤٣٦ □ شبیه سازی در دیدگاه های دینی و اندیشه های حقوقی

طبسی، محمد جعفر (١٤٢٩هـ) التلقیح الصناعی. سوریه: بی نا.
طبرسی، أبی الفضل بن الحسن (١٤٠٨هـ) مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ٧. بیروت: دارالمعرفه.

طوسی، محمد بن حسن (بی تا) المبسوط فی فقه الامامیه، ج ٦. بی جا: المكتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه.
طه، بدریه (٢٠٠٩) «الاستنساخ .. حل سحری لعقم الرجال»، يمكن الحصول على هذه مقاله فی الموقع الانترنتی:

<http://www.moheet.com/newsprint.aspx?nid=119559> (12 Feb 2009)

عبد الله، عبدالله (٢٠٠٩) «الاستنساخ»، يمكن الحصول على هذه مقاله فی الموقع الانترنتی:
<http://egyig.com/Public/articles/ahkam/11/35819186.shtml> (13 Mar 2009)

غانم، عمر بن محمد بن ابراهيم (١٤٢١هـ) احكام جنين فی الفقه الاسلامی. جدّه: دار ابن حزم.

فاضل لنكرانی، محمد جواد (١٤٢٥هـ) موسوعه احكام الاطفال و ادلتها، ج ١. قم: مركز فقه الاثمه الاطهار.

فرحات، عماد (٢٠١٠) «حقوق الام و نظام النسب»، يمكن الحصول على هذه مقاله فی الموقع الانترنتی:

http://www.csp.tn/pdf/filiation_csp.pdf (11 Jul 2010)

فوزی، محمد حمید (١٩٩٩) الاستنساخ البشری بین التحلیل و التحريم. دمشق: دارالصفدی.
فیروزآبادی شیرازی، ابراهيم بن علی (١٣٩٦ هـ) المذهب فی فقه الامام الشافعی، ج ٢. بی جا: شرکه و مطبعة مصطفى البابي الحلبي و اولاده بمصر.
قرضاوی، یوسف عبدالله (٢٠٠٥) «ما حکم الاستنساخ فی الاسلام»، يمكن الحصول على هذه مقاله فی المواقع الانترنتی:

<http://www.islamonline.net/iol-arabic/dowalia/seince-22/science7.asp>

http://www.qaradawi.net/site/topics/article.asp?cu_no=2&item_no=2883&version=1
(12 Dec 2008)

_____ (٢٠٠٩) «الاستنساخ البشری و تداعياته»، يمكن الحصول على هذه مقاله فی الموقع الانترنتی:

http://www.qaradawi.net/site/topics/article.asp?cu_no=2&item_no=2940&version=1&template_id=130&parent_id=17 (25 Agu 2010)

کمال الدین امام، محمد (١٤١٦هـ) الزواج و الطلاق فی الفقه الاسلامی. بیروت: مؤسسه الجامعیه الدراسات و النشر و التوزيع.

مجاهد، صبحی (٢٠٠٦) «الاستنساخ لمواجهة العقم .. رويه فقهيه»، يمكن الحصول على هذه المقالة في الموقع الانترنتي:

http://www.islamonline.net/arabic/shariah_corner/Fatwa/Topic_06/2006/11/01.shtm
1(13 Mar 2009)

محسنی، محمد آصف (١٣٨٢) الفقه و مسائل الطيبه. قم: بوستان کتاب.
محقق حلی، جعفر بن حسن (١٣٧٤) شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. تهران: اعلمی.

محلی، جلال الدین محمد بن احمد (١٤٢٤هـ) منهاج الطالبین فی الفقه الشافعی، ج ٤. بیروت: دارالفکر.

مکی (شهید اول)، محمد بن جمال الدین (١٤١٠هـ) اللمعه الدمشقیه فی فقه الامامیه. بیروت: مؤسسه فقه الشيعه.

موسوی خمینی، روح الله (بی تا) تحریر الوسیله، ج ٢. بیروت: الدار الاسلامیه.
موسوی خوئی، سید ابوالقاسم (١٤١٩هـ) أجود التقريرات تقرير الابحاث محمد حسين الغروي النائيني. قم: ستاره.

موسوی سبزواری، سید علی (١٤٢٣هـ) الاستنساخ بين التقنيه و التشريع. بی جا: کوثر.
نجفی، محمد حسن (١٤٠١هـ) جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام. تهران: المکتبه الاسلامیه.
وهبی عاملی، مالک مصطفی (١٤٢٧هـ) قضايا فقهیه معاصره. بیروت: دارالهادی.

هی برنی، محمد عاشق (١٣٧٨هـ) التسهيل الضروري لمسائل القدوری الامام الاعظم ابی حنفيه النعمان بن ثابت، ج ١. تربت جام: احمد جامی.
«الاستنساخ» (٢٠٠٦)، يمكن الحصول على هذه المقالة في الموقع الانترنتي:

<http://forum.janatin.com/t3303-3.html> (25 Sep 2010)

«الاستنساخ البشري» (٢٠٠٨)، يمكن الحصول على هذه المقالة في الموقع الانترنتي:
<http://www.al-shia.org/html/ara/osre/?mod=dinie&id=5> (24 Sep 2008)

«فتوى المجمع الفقهي للرابطة في الاستنساخ» (٢٠٠٦)، يمكن الحصول على هذه المقالة في الموقع الانترنتي:

[http://www.onislam.net/arabic/ask-the-scholar/8358/8400/52765-2004-08-](http://www.onislam.net/arabic/ask-the-scholar/8358/8400/52765-2004-08-01%2017-37-04.html)

[01%2017-37-04.html](http://www.onislam.net/arabic/ask-the-scholar/8358/8400/52765-2004-08-01%2017-37-04.html) (24 Mar 2009)

«موقف الشرع من الاستنساخ البشري» (٢٠٠٥)، يمكن الحصول على هذه المقالة في الموقع الانترنتي:

<http://www.islamonline.net/servlet/satellite?PageName=Islamonline-Arabic-Ask> (13 Mar 2009)

يمكن الحصول على هذه المقالة في الموقع الانترنتي:

<http://www2.alsaha.com/sahat/forum/2/html/005200.html> (16 Mar 2006)

ج - منابع انگلیسی:

Andrews, Lori B. (No date) "**Cloning human beings: The Current and future legal status of cloning**", available at:

<http://bioethics.georgetown.edu/nbac/pubs/cloning2/cc6.pdf> (10 Nov 2010)

Anna, Gabriele De (2006) "**Cloning, Begtting and making children**", HEC Forum. Vol.18, No. 2, pp.: 172-188.

Annas, George J.(2000) "**Scientific discoveries and cloning: challenges for public policy**", Ethical issue in human cloning. New York: Seven bridges press.

Bedford-Strohm, Heinrich (No date) "**Sacred body? Stem cell research and human cloning**", the ecumenical review. pp.:240-250.

Berardino, Marie A. (No date) "**Cloning: Past, present and the exciting future**", Breakthroughs in Bioscience, available at:

<http://www.faseb.org/opar> (20 Nov 2010)

Berkofsky, Joe (2003) "**Jewish law may not ban cloning, but it's still not kosher**", available at:

[http://www.jewishsf.com/content/2-0-/module/displaystory/storyid/19606/edition\(11Agu2003\)](http://www.jewishsf.com/content/2-0-/module/displaystory/storyid/19606/edition(11Agu2003))

Bird, Stephanie j. (1997) "**Cloning-Another perspective**", Science and Engineering Ethics. Vol.3, Issue 4, pp.:355-356.

Block, Barry H. (2001) "**Stem cells, cloning, and Judaism**", available at: http://www.beth-elsa.org/be_s0914a.htm (11 Oct 2009)

Brock, Dan W. (2002) "**Human cloning and our sense of self**", Sience. vol.296, No.5566, pp.: 314-316.

Broyde, Michael J (2006) "**cloning people and Jewish law: preliminary Analysis**", available at: <http://www.jlaw.com/Articles/cloning.html> (10 Feb 2006)

Broyde, Michael J. (2003-4) "**In Judaism, Playing God is good**", available at: http://www.yutorah.org/lectures/lecture.cfm/736059/Rabbi_Michael_Broyde/In_Judaism_Playing_God_is_Good (11 Oct 2009)

- Broyde, Michael J. (No date) "**The establishment of maternity & paternity in Jewish law & American law**", available at:
<http://www.jlaw.com/articles/maternity1.html> (15 Nov 2008)
- Broyde, Michael J. (2010) "**Child custody in Jewish law: A pure law analysis**", available at: <http://www.jlaw.com/articles/childcus1.html> (23 Agu 2010)
- Broyde, Michael J. (2005) "**Why educate?: A Jewish law perspective**", available at:
<http://www.stjohns.edu/media/3/569489acfce44351bda4b69f4184bf5.pdf> (23 Agu 2010)
- Brumby, Margaret and Kasimba, Pascal (1987) "**When is cloning lawful?**", Journal of in vitro fertilization and embryo transfer. Vol.4, No.4, pp.:198-204.
- Burley, Justine and Harris, John (1999) "**Human cloning and Child welfare**", Journal of Medical Ethics. No.25, pp.: 108-113.
- Byrne, James A. and Gurdon, John B. (2002) "**Commentry on human cloning**", Differentiation. No.69, pp.:154-157.
- Campbell, Courtney S. (2009) "**Religious perspectives on Human Cloning**", available at:
<http://bioethics.georgtown.edu/nbac/pubs/cloning2/cc4.pdf> (11 Oct 2009)
- Chadwik, Ruth F. (1982) "**Cloning**", philosophy. Vol.57, No.220, pp.: 201-209.
- Chaudhari, Bimal P. (2008) "**Clone**" Encyclopedia of Global Health, Available at:
[http:// Sage-ereference.com/global health/Article_n291.html](http://Sage-ereference.com/global%20health/Article_n291.html) (12 Mar 2009)
- Chia, Roland (No date) "**Organ trading: A Christian perspective**", available at:
<http://www.gcf.org.sg/resoures/organ-trading-a-christian-perspective> (10 Sep 2011)
- Cohen, Cynthia B. (2004) "**The ethics of human reproductive cloning: when world views collide**", Accountability in research: policies and quality assurance. No.11, pp.: 183-199.
- Cohn, Jonathan R. (1999) "**In Gods garden: Creation and cloning in jewish thought**", The hastings center report. vol.29, No.4, pp.:7-12.
- Cole-Turner, Ronald (1999) "**cloning humans from the perspective of the Christian churches**", Science and engineering Ethics. Vol. 5, Issue 1, pp.:33-46.
- Croucher, Rowland (2003) "**Freemasons and the Anglican Church**", available at:
<http://jmm.aaa.net.au/articles/11758.htm> (1 Jan 2011)

Cutas, Daniela-Ecaterina (2005) "**looking for the meaning of dignity in bioethics convention and the cloning protocol**", Health care analysis. Vol.13, No.4, pp.: 303-313.

Daniels, Ken R. and others (2000) "**The best interests of the child in assisted human reproductive: The Interplay between the state, professionals and parents**", Politics and the life sciences. Vol.19, No.1, pp.: 33-44.

Edwards, John N. (1991) "**New conceptions: Biosocial innovations and the family**", Journal of Marriage and family. Vol. 53, No. 2, pp.:349-360.

Eijk, W.J. (2003) "**The ethical limits of research –embryo research and cloning-geriatric care**", Seminar organized by the Group of the European People's Party, European Parliament, Strasbourg, pp.:1-3.

Eigen, Lewis D. (2010) "**Rights & Protections of Coming Human Clones: A Remarkable Lutheran View**", available at:

<http://scriptamus.wordpress.com/2010/03/19/rights-protections-of-coming-human-clones-a-remarkable-lutheran-view/>(1 Jan 2011)

Elliott, David (1998) "**Uniqueness, Individuality, and human cloning**", Journal of applied philosophy. Vol.15, No.3, pp.: 217-229.

Eisenberg; Daniel (2006) "**The Ethics of cloning**", available at:

www.jewishvirtuallibrary.org/jsource/Judaism/clone.html(10 Feb 2006)

Evans, John H. (2010) "**Cloning Adam's Rib: A primer on religious responses to Cloning**", available at:

<http://pewforum.org/publications/reports/adamsrib.pdf> (20 Sep 2010)

Evers, Kathinka (1999) "**The identity of clones**", Journal of medicine and philosophy. Vol.24, No.1, pp.: 67-76.

Evans, John J. (2002) "**Religion and human cloning: An exploratory analysis of the first available opinion data**", Journal for the scientific study of religion. Vol.41, No.4, pp:747-758.

Farnsworth, Joseph (2000) "**To clone or not to clone: The ethical Question**", available at:

http://thefarnsworths.com/science/cloning_m.htm(10 Sep 2010)

Feder, Jody (No date) "**State law on human cloning**", available at:

<http://www.usembassy.at/en/download/pdf/human-clone.pdf>(19Jun 2006)

- Feichtinger, Wilfried (2001) **"Statement of opinion on the subject of human reproductive cloning"**, Journal of assisted reproduction and genetics. Vol.18, No.8, pp.: 471-472.
- Freundel, Barry (2000) **Human and divine responsibility**, Ethical issue in human cloning. New York: Seven bridges press.
- Galletti, Matteo (2006) **"Begetting, Cloning and being human: Two national Commission reports against human cloning from Italy and U.S.A"**, HEC Forum. Vol.18, No.2, pp.:156-171.
- Gethmann, C.F. and Thiele, F. (2001) **"Moral arguments against the cloning of humans"**, Poiesis Prax. No.1, pp.: 35-46.
- Golinkin, David (2001) **"Cloning in Jewish law"**, available at: <http://www.schechter.edu/insightIsrael.aspx?ID=60> (11 Oct 2009)
- Guenin, Louis M. (2005) **"Stem cells, cloning, and Regulation"**, Mayo Clin Proc. Vol.80, No. 2, pp.: 241-250.
- Harakas, Stanley S. (2000) **"To clone or Not to clone?"**, Ethical issue in human cloning. New York: Seven bridges press.
- Harris, John (No date) **"Clones, genes and reproductive autonomy the ethics of human cloning"**. Oxford, The Center for social ethics and policy. pp.: 209-217.
- _____ (2006) **"Stem cells, Sex, and procreation"**, Bioethics, an Anthology. Australia: Black well Publishing.
- _____ (2004) **On cloning Thinking in action**. New York: Rutledge.
- Heimbach, Daniel R. (1999) **"Cloning Humans"**, available at: [http://www.ncfamily.org/policy/papers/findings human cloning.Pdf](http://www.ncfamily.org/policy/papers/findings%20human%20cloning.Pdf) (20 Nov 2010)
- Hester, Micah D. (2002) **"Reproductive technology as instruments of meaningful parenting: Ethics in the age of ARTs"**, Quarterly of healthcare ethics. No.11, pp.:401-410
- Hollinger, Dennis P. (2000) **Sexual ethics and reproductive technologies**, The reproduction revolution: A Christian appraisal of sexuality, reproductive technologies and the family. Cambridge: Eerdmans Publishing.
- Hottois, Gilbert (1998) **"Is cloning the absolute evil?"**, Human reproduction update. Vol.4, No.6, pp.: 787-790.

Illmensee, Karl (2001) "**Cloning and risk factors**", Journal of assisted reproduction and Genetics. Vol.18, No.8, p: 477.

_____ (2001) "**Cloning in reproductive medicine**", Journal of assisted reproduction and Genetics. Vol.18, No. 8, pp.: 451-467.

Imrenyi, Tibor (2005) "**Sin and Bioethics**", Journal of Christian Bioethics. No.11, pp.: 133-145.

Isaacs, Ron (2010) "**What parents owe their children**", available at:

http://www.uscj.org/What_Parents_Owe_The5462.html(20 Sep 2010)

Johnson, Judith A. and Williams, Erin (2004) "**Human cloning, CRS Report for Congress**", available at:

<http://fpc.state.gov/documents/organization/39414.pdf>(25 Agu 2010)

Johnston, Josephine (2007) "**Tied up in Notes over genetic parentage**", The Hastings center report. Vol.37, No.4, pp.:28-30.

Kass, Lean R. and Wilson, James Q. (1998) **The ethics of human cloning**. U.S.A.: The AEI press.

Katz, Leslie (2009) "**No halachic prohibition: Human cloning could benefit all of mankind, rabbi asserts**", available at:

<http://www.jweekly.com/article/full/7632/no-halachic-prohibition-human-cloning-could-benefit-all-of-mankind-rabbi-as/> (11 Oct 2009)

Keough, William J. (2003) "**All in the family: a child welfare perspective on human reproductive cloning**", Health law journal. pp.: 1-13.

Kilner, John F. (2000) "**Human cloning**", The reproduction revolution: A Christian appraisal of sexuality, reproductive technologies and the family. Cambridge: Eerdmans Publishing.

Knoblach, Tom (2007) "**A brief Ethical primer on cloning**", available at:

<http://www.stcdio.org/offices/omf/respect-life/respect-life-articles/328-a-brief-ethical-primer-on-cloning.html> (25 Agu 2010)

Kolers, Avery (2003) "**Cloning and genetic parenthood**", Quarterly healthcare ethics. No.12, pp.: 401-410.

Kuhse, Helga (2001) "**Should cloning be banned for the sake of the child?**", Poiesis prax. No.1, pp: 17-33.

- Kurtz, Stanley (2003) **"On parenthood and genetic engineering"**, available at: <http://www.futurepundit.com/archives/001026.html> (12 Jan 2008)
- Lin Lewis, Jessica (2008) **"Predicting the judicial response to an asserted right to reproductive cloning"**, Journal of legal medicine. Vol.29, No.4, pp.: 523-536.
- Liu, Athena (2005) **"Human Embryo cloning prohibited in Hong Kong"**, Journal of assisted reproduction and Genetics. Vol. 22, No. 11/12, pp.: 369-378.
- Lyn, Michaud (2008) **"France: Encyclopedia of stem cell research"**, available at: http://sage-e-reference.com/stemcell/article_n97.html (12 Mar 2009)
- Lyn, Michaud (2008) **"Netherlands: Encyclopedia of stem cell research"**, available at: http://sage-e-reference.com/stemcell/article_n181.html (12 Mar 2009)
- Lyn, Michaud (2008) **"Sewden: Encyclopedia of stem cell research"**, available at: http://sage-e-reference.com/stemcell/article_n265.html (12 Mar 2009)
- McLaren, Anne (2002) **Cloning**, Council of Europe. Paris: Pre-press unit.
- Macintosh, Kerry Lynn (2005) **Illegal beings human clones and the law**. New York: Cambridge university press.
- McCormick, Richard A. (2000) **"should we clon humans?"**, Ethical issue in human cloning. New York: Seven bridges press.
- Meilander, Gilbert (2000) **"A child of ones own: At what price?"**, The reproduction revolution: A Christian appraisal of sexuality, reproductive technologies and the family. Cambridge: Eerdmans Publishing.
- _____ (2000) **"Begetting and cloning"**, Ethical issue in human cloning. New York: Seven bridges press.
- Melo-Martin, Inmaculada (2002) **"On cloning human beings"**, Bioethics. Vol.16, No.3, pp.:246-265.
- McGee, Glenn (1999) **"Cloning, the family and adoption"**, Science and engineering ethics. No.5, pp.: 47-54.
- Morgan, Rose M.(2006) **The genetic revolution, history fears and future of a life-altering science**. London: Green wood press.
- Nikiforova, Basia (2006) **"Theological discourse in bioethics: general and confessional differencies"**, Filosofija. pp.:62-76.
- Oduncu, Fuat S. (2003) **"Stem cell research in Germany: Ethics of healing vs. human dignity"**, Medicine, Health care and philosophy. No.6, pp.:5-76.

Onel, Erol (2000) "**cloning: A basic bioethical Analysis**", Journal of Andrology. Vol. 21, No. 2, pp.:200-202.

Pattinson, Shaund D. (2002) "**Reproductive cloning: can cloning harm the clone?**", Medical law review. No.10, pp.: 295-307.

Pennings, G. (2003) "**New Belgian Law on research on human embryos: Trust in progress through medical science**", Journal of Assisted Reproduction and Genetics. Vol.20, No.8, pp.:343-346.

Peters, Ted (1999) "**Human cloning: Is Clonliness next to Godliness?**", available at:

http://www2.luthersem.edu/Word&World/Archives/19-1_Preaching/19-1_Face_to_Face.pdf (1 Jan 2011)

Qader, Quadri S. (2008) "**Mishigan: Encyclopedia of stem cell research**", available at:

http://sage-erference.com/stemcell/articl_n162.html (12 Mar 2009)

Rea, Scatt B. (2000) **Surrogate motherhood**, The reproduction revolution: A Christian appraisal of sexuality, reproductive technologies and the family. Cambridge: Eerdmans Publishing.

Radford, Mary F. (2010) "**The inheritance rights of women under Jewish and Islamic law**", available at:

http://www.bc.edu/bc_org/avp/law/lwsch/journals/bciclr/23_2/01_TXT.htm (23 Agu 2010)

Resnik, David B. (2007) "**Embryonic stem cell patents and human dignity**", Health Care Anal. pp.:211-222.

Revel, Michel (1998) "**Reproductive by cloning: a new ethical challenge**", available at:

<http://www.medethics.org.il/articles/JME/JMEB1/JMEB1.14.asp> (10 Sep 2010)

Rollin, Bernard E. (1999) "**Keeping up with the clones: Issue in human cloning**", The journals of ethics. Vol.3, No.1, pp.:51-71.

Rosen, David (2004) "**How children are valued in the Jewish Tradition**", available at:

<http://rabbidavidrosen.net/Articles/Judaism/How%20Children%20are%20Valued%20in%20the%20Jewish%20Tradition%20Oct%2004.doc> (23 Agu 2010)

- Rosner, Fred (2010) "**Artificial insemination in Jewish law**", available at: <http://www.jofa.org/pdf/Batch%201/0058.pdf> (22 Agu 2010)
- Rowland, Robyn (1987) "**Technology and motherhood: reproductive choice reconsidered**", Signs. Vol.12, No.3, pp.: 512-528.
- Ronen, Yair (2004) "**Redifining the child's right to identity**", International Journal of Law, Policy and the Family. No.18, pp.: 147-177.
- Rose, Ander P. (1999) "**Reproductive misconception: why cloning is not just another assisted reproductive technology**", Duke law Journal. Vol.48, No.5, pp.: 1133-1156.
- Samber, Sharon (2001) "**The cloning debate**", available at: http://www.myjewishlearning.com/beliefs/Issues/Bioethics/Genetic_Issues/Gene_Therapy_and_Engineering/Cloning_Debate.shtml (11 Oct 2009)
- Schenker, Joseph G. (2008) "**The beginning of human life**", Journal of Assisted Reproduction and Genetics. No.25, pp.: 271-276.
- _____ (2003) "**Ethical aspects of advanced reproductive technologies**", Academy of Sciences. pp.:11-21.
- Sherwin, Byron L. (2009) "**Biomedical Issue: A Jewish Perspective**", available at: <http://www.jcrelations.net/en/?item=2599> (20 Sep 2010)
- Silberberg, Naftali (No date) "**Why does Jewish law forbid cremation?**", available at: http://www.chabad.org/library/article_cdo/print/true/aid/510874/jewish/Why_does_Jewish_law_forbid_cremation (10 Sep 2011)
- Sparrow, Robert (2006) "**cloning, parenthood, and genetic relatedness**", bioethics. Vol.20, No.66, pp.: 308-317.
- Spier, Raymond (1999) "**An approach to the Ethics of cloning humans via an examination of ethical issue pertaining to the use of any tool**", Science and Engineering Ethics. No.5, pp.: 17-32.
- Steinberg, Avraham and Loike, John D. (1998) "**Human cloning: scientific; ethical & Jewish perspectives**", available at: <http://www.medethics.org.il/articles/JMEB.1.15.pdf> (19 Agu 2009)
- Stewart, Cameron (2007) "**Recent Development in Law**", Bioethical Inquiry. No.4, pp.: 3-5.

- Sullivan, Bob (2009) "**Religions reveal little consensus on cloning**", available at: <http://www.msnbc.msn.com/id/3076930/> (11 Oct 2009)
- Szajnbrum, Tzvi (2010) "**Alimony, DNA and Jewish law**", available at: <http://www.lawadv.com/alimony-dna.asp> (23 Agu 2010)
- Then, Shin-Ning (2009) "**Regulation of human stem cell research in Australia**", Stem Cell Rev and Rep. No.5, pp.:1-5
- Tong, W F and SCNg, YFng (2002) "**Somatic cell nuclear transfer(cloning): Implication for the medical practitioner**", Singapore Medical Journal. Vol.47, No. 7, pp.: 369-376.
- Tooley, Michael (2006) "**The Moral status of the cloning of humans**", Bioethics, an Anthology. Australia: Black well Publishing.
- Trujillo, Alfonso Lopez (2008) "**Cloning: the disappearance of direct parenthood and denial of the family**", available at: http://www.vatican.va/roman_curia/pontifical_councils/family/documents/rc_pc_fam_ily (12 Jan 2008)
- Verma, K K and Saxena (1999) "**Human cloning: A biological objection to it**", Resonance. pp.: 38-43.
- Viville, Stephane and Menezo, Yves (2002) "**Human embryo research in France**", Human reproduction. Vol.17, No.2, pp.: 261-263.
- Wahrman, Miryam Z. (2001) "**A Jewish view on Human Cloning**", available at: <http://www.wahrman.org/MIRY414.htm> (11 Oct 2009)
- Waskey, Andrew J. (2008) "**Religion, Christian. Encyclopedia of stem cell research**", available at: http://sage-ereference.com/stemcell/Article_n225.html (12 Mar 2009)
- _____ (2008) "**Religion, Jewish. “ Encyclopedia of stem cell research**", available at: http://sage-ereference.com/stemcell/Article_n227.html (20 sep2009)
- Wilnise, Jasmin (2008) "**Religion, Catholic. Encyclopedia of stem cell research**", available at: http://sage-ereference.com/stemcell/Article_n224.html (12 Mar 2009)
- Watt, Helen (2002) "**Thinking twice: Cloning and in vitro fertilization**", Ethics & Medicine. Vol.18, No.2, pp.: 35-43.

"Biological uncertainties about reproductive cloning" (2001) The lancet. Vol.358, No. 9281, p:519.

Wicks, Elizabeth (2009) **"Religion, law and medicine: legislation on birth and death in a Christian state"**, Medical review. pp.: 410-437.

"Christian Faith and Human Beginnings: Christian Care and Pre-implantation Human Life: A Report of the Commission on Theology and Church Relations of The Lutheran Church—Missouri Synod", 2005, available at:

<http://www.lcms.org/graphics/assets/media/CTCR/CTCR%20Human%20Beginning.pdf> (1 Jan 2011)

"Cloning human beings: Report and recommendations of the National Bioethics Advisory Commission" (1997), available at:

http://bioethics.georgetown.edu/pcbe/reports/past_commissions/nbac_cloning.pdf (15 Sep 2010)

"Cloning Research, Jewish Tradition & Public Policy; A Joint Statement by the Union of Orthodox Jewish Congregations of America and the Rabbinical Council of America" (2008), available at:

<http://www.ou.org/public/public/cloninglet.htm> (8 Sep 2008)

"Decision of the Bioethics commission at the federal chancellery of 12 February" (2003), available at:

<http://www.austria.gv.at/DocView.axd?CobId=3601> (10 Nov 2010)

"Divorce in Judaism" (2010), available at:"

http://religion.wikia.com/wiki/Divorce_in_Judaism (24 Agu 2010)

"Does Judaism allow Human Cloning" (2009), available at:

http://www.mishkantorah.org/parasha/5763/judaism_and_cloning.pdf (11 Oct 2009)

"ELCA vs. Missouri Synod - Major Differences", No date, available at:

<http://www.christianforums.com/search.php?do=process&query=ELCA%20vs.%20Missouri%20Synod%20-%20Major%20Differences> (22 Apr 2011)

"Genealogy of Christ" (2010), available at:

<http://www.newadvent.org/cathen/06408a.htm> (15 Sep 2010)

"Human somatic cell nuclear transfer(Cloning)" (2000), Fertility and sterility.

Vol.74, No.5, pp.: 873-876.

"Legitimation" (2010), available at:

<http://www.newadvent.org/cathen/09131e.htm> (15 Sep 2010)

"Letter to families" (2010), available at:

http://www.newadvent.org/library/docs_jp021f.htm (15 Sep 2010)

"National legislation concerning human reproductive cloning and therapeutic cloning" (2004), available at:

<http://unesdoc.unesco.org/images/0013/001342/134277e.pdf> (4 Jan 2011)

"On human cloning: A position statement of Australian academy of science" (1999), available at:

<http://www.science.org.au/policy/statement/cloning.htm> (25 Agu 2009)

"Overview: Genetic Issues" (2010), available at:

http://www.myjewishlearning.com/beliefs/Issues/Bioethics/Genetic_Issues.shtml
(20 Sep 2010)

"Social Issues - How do Anglicans think about social" (No date), available at:

<http://www.anglican.org.au/Web/Website.nsf/content/How%20do%20Anglicans%20think%20about%20social%20issues> (1 Jan 2011)

"Statement on cloning" (2004) Current Science. Vol.87, No.8, pp.: 1041-1042

"The Ethics of Human Cloning" (2010), available at: <http://www.essay-911.com/samples/human-cloning.htm> (11 Oct 2009)

"The Revolution in parenthood" (2006), available at:

<http://www.americanvalues.org> (25 Agu 2010)

"what child is this? Marriage, Family and Human cloning, A report of the commission on theology and church relations of the Lutheran church, Missouri Synod" (2002) United state: Concordia publishing house, available at:

<http://www.ncsl.org/programs/health/cenetics/rt-shcl.htm> (19 Jun 2006)

available at:

http://asia-lutheran.org/aug_00/luth.html (1 Jan 2011)

available at: <http://www.nprcouncil.org/pressreleases/cloning-lutheran.htm> (1 Jan 2011)

